حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد

این ویرایش جدید «حقایق اساسی درباره سازمان ملـل متحـد»، راه‌هـای گونـاگون تـاثیر سازمان ملل بر زندگی مردم سراسر جهان را نشان می‌دهد.

این کتاب، فعالیت سازمان ملل متحد را در حوزه‌هایی مانند صلح، توسـعه، حقـوق بشـر، کمک بشردوستانه، خلع‌سلاح وحقوق بین‌الملل به رشته تحریر درمی‌آورد و ضمن تشـریح کار خانواده سازمان‌های ملل متحد، شرحی کامل و فراگیر از چالش‌های فراوان پیش روی جامعه بین‌المللی و همچنین تلاش‌های مشترک کنونی برای یافتن راه‌حل‌ها را ارائه می‌دهد.

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان

هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران

سازمان جهانی بهداشت

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد

برنامه جهانی غذا

Basic Facts About the United Nations
DPI / 2337 – September 2004 – 30,000
Persian, 5000 Copies, October 2005
United Nations Information Centre in Tehran

حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد

مندرجات

وب‌سایت‌های سازمان ملل..... -۱۰-
فهرست اختصار واژه‌ها..... -۱۲-
پیشگفتار دبیرکل..... -۱٤-

بخش اول

فصل ۱: سازمان ملل متحد **۱**

منشور ملل متحد..... ۳
مقاصد و اصول..... ۵
عضویت..... ۵
زبان‌های رسمی..... ۵
ساختار سازمان..... ٦
مجمع عمومی..... ٦
شورای امنیت..... ۸
شورای اقتصادی و اجتماعی..... ۱۱
شورای قیمومت..... ۱۳
دیوان بین‌المللی دادگستری..... ۱۳
دبیرخانه..... ۱۵
دبیرکل..... ۱۵
بودجه سازمان ملل متحد..... ۲۰
خانواده سازمان‌های ملل متحد..... ۲۱
دبیرخانه سازمان ملل متحد..... ۲۲
کمیسیون‌های منطقه‌ای..... ۳۵
دادگاه‌های بین‌المللی..... ۳۸
برنامه‌ها و سایر نهادهای ملل متحد..... ۳۹
کارگزاری‌ها و سایر سازمان‌های تخصصی..... ٥٦

بخش دوم

فصل ۲: صلح و امنیت بین‌المللی **۷۳**

شورای امنیت..... ۷٦
مجمع عمومی..... ۷۷
پیشگیری از مناقشه..... ۷۸
برقراری صلح..... ۷۹
حفظ صلح..... ۸۰
اجرا..... ۸۵
تحریم‌ها..... ۸۵
مجاز دانستن اقدام نظامی..... ۸۵
ایجاد صلح..... ۸٦

کمک به برگزاری انتخابات..... ۸۷
ایجاد صلح از طریق توسعه..... ۸۹
اقدام ملل متحد برای صلح..... ۸۹
آفریقا..... ۸۹
جنوب آفریقا..... ۸۹
آفریقای مرکزی..... ۹۲
غرب آفریقا ۱۰۰
اتیوپی و اریتره..... ۱۰۹
قاره امریکا..... ۱۱۰
آسیا و اقیانوس آرام..... ۱۱۳
خاورمیانه..... ۱۱۳
افغانستان..... ۱۱۸
عراق..... ۱۲٤
هند – پاکستان..... ۱۲۹
تاجیکستان..... ۱۳۰
کامبوج..... ۱۳۱
بوگن ویل / گینه جدید پاپوآ..... ۱۳۱
اروپا..... ۱۳۲
قبرس..... ۱۳۲
گرجستان..... ۱۳٤
منطقه بالکان..... ۱۳٤
خلع سلاح..... ۱۳۸
تشکیلات خلع سلاح..... ۱۳۹
سلاح‌های کشتار جمعی..... ۱٤۰
سلاح‌های سنتی، اعتمادسازی و شفافیت..... ۱٤٦
استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای ماورای جو..... ۱۵۰
جدیدترین تحولات..... ۱۵٤
فصل ۳: توسعه اقتصادی و اجتماعی **۱۵۵**
هماهنگ کردن فعالیت‌های توسعه..... ۱۵۸
توسعه اقتصادی..... ۱٦۰
کمک توسعه رسمی..... ۱٦۱
حمایت از توسعه در سراسر جهان..... ۱٦۳
وام برای توسعه..... ۱٦۵
وام برای ثبات..... ۱٦۷
سرمایه‌گذاری و توسعه..... ۱٦۹
تجارت و توسعه..... ۱۷۱
توسعه کشاورزی..... ۱۷۳
توسعه صنعتی..... ۱۷۵

کار..... ۱۷۶
هوانوردی بین‌المللی..... ۱۷۸
کشتیرانی بین‌المللی..... ۱۷۹
ابزارهای ارتباطی..... ۱۸۱
خدمات بین‌المللی پستی..... ۱۸٤
مالکیت معنوی..... ۱۸۵
آمار جهانی..... ۱۸۷
مدیریت عمومی..... ۱۸۸
علم و فن‌آوری برای توسعه..... ۱۸۹
توسعه اجتماعی..... ۱۸۹
کاهش فقر..... ۱۹۲
مبارزه با گرسنگی..... ۱۹۵
بهداشت..... ۱۹۸
اسکان بشر..... ۲۰۳
آموزش و پرورش..... ۲۰۵
تحقیقات و آموزش..... ۲۰۷
جمعیت و توسعه..... ۲۰۹
پیشرفت زنان..... ۲۱۱
حمایت از حقوق کودکان..... ۲۱٤
همگرایی اجتماعی..... ۲۱٦
خانواده‌ها ۲۱۷
جوانان..... ۲۱۸
سالخوردگان..... ۲۱۹
مسائل بومی..... ۲۲۰
معلولان..... ۲۲۱
جامعه غیرمدنی: جرم، مواد مخدر و تروریسم..... ۲۲۲
علم، فرهنگ و ارتباطات..... ۲۲۷
توسعه پایدار..... ۲۳۰
دستور کار ۲۱..... ۲۳۲
اجلاس جهانی سران درباره توسعه پایدار..... ۲۳۳
تامین منابع مالی توسعه پایدار..... ۲۳٤
اقدام برای محیط زیست..... ۲۳۵
تغییر آب و هوا و گرم شدن جهان..... ۲۳۷
جزایر کوچک..... ۲۳۹
مدیریت پایدار جنگلها..... ۲٤۰
بیابان‌زایی..... ۲٤۰
تنوع زیستی، آلودگی و صید بی‌رویه ماهی..... ۲٤۱
حفاظت از محیط زیست دریاها..... ۲٤۲

هوا، اقلیم و آب..... ۲٤۳
انرژی و منابع طبیعی..... ۲٤٦
ایمنی هسته‌ای..... ۲٤۸
فصل ٤: حقوق بشر **۲۵۰**
اسناد حقوق بشر..... ۲۵۳
اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر..... ۲۵٤
حقوق اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی..... ۲۵٤
حقوق مدنی و سیاسی..... ۲۵٦
کنوانسیون‌های دیگر..... ۲۵٦
معیارهای دیگر ۲۵۸
نهادها و تشکیلات حقوق بشر..... ۲۵۹
کمیسیون حقوق بشر..... ۲۵۹
کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد..... ۲٦۱
ترویج و حمایت از حقوق بشر..... ۲٦۲
حق توسعه..... ۲٦٤
حقوق کار..... ۲٦۵
مبارزه با تبعیض..... ۲٦٦
آپارتاید..... ۲٦۷
نژادپرستی..... ۲٦۸
حقوق زنان ۲٦۹
حقوق کودکان..... ۲۷۰
حقوق اقلیت‌ها..... ۲۷۱
بومیان..... ۲۷۱
معلولان..... ۲۷۲
کارگران مهاجر..... ۲۷۳
اجرای عدالت..... ۲۷٤
اولویت‌های آینده..... ۲۷٤
فصل ۵: اقدام بشردوستانه **۲۷۷**
هماهنگ کردن اقدام بشردوستانه..... ۲۸۰
ارائه کمک و حمایت..... ۲۸۳
حمایت و کمک بین‌المللی به پناهندگان..... ۲۸۷
پناهندگان فلسطین..... ۲۸۹
فصل ٦: حقوق بین‌الملل **۲۹۱**
حل قضایی اختلافات ۲۹۳
توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل..... ۲۹۵
حقوق تجارت بین‌الملل..... ۲۹۷
حقوق مربوط به محیط زیست..... ۲۹۸

حقوق دریاها..... ۳۰۱
حقوق بشردوستانه بین‌المللی..... ۳۰٤
دادگاه‌های بین‌المللی..... ۳۰۵
تروریسم بین‌المللی ۳۰٦
سایر مسائل حقوقی..... ۳۰۸
فصل ۷: استعمارزدایی **۳۱۱**
نظام قیمومت بین‌المللی..... ۳۱۳
سرزمین‌های غیرخودمختار..... ۳۱٤
اعلامیه مربوط به اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار..... ۳۱۵
نامیبیا..... ۳۱۷
تی‌مور – لسته..... ۳۱۸
صحرای غربی..... ۳۲۰
بخش سوم
پیوست‌ها **۳۲۳**
کشورهای عضو سازمان ملل متحد..... ۳۲۵
افزایش اعضای سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳–۱۹٤۵..... ۳۳۲
عملیات حفظ صلح، گذشته و حال..... ۳۳۵
استعمارزدایی
استقلال سرزمین‌های تحت قیمومت و غیرمستقل از سال ۱۹٦۰..... ۳٤۱
سرزمین‌های وابسته‌ای که از سال ۱۹٦۰ با کشورهای مستقل ادغام یا متحد شده‌اند... ۳٤٤
سرزمین‌های تحت قیمومت که به استقلال رسیده‌اند ۳٤۵
بودجه سازمان ملل متحد..... ۳٤۷
مناسبت‌های ویژه سازمان ملل متحد..... ۳٤۹
کادرها
فصل ۱
اصلاح منشور ملل متحد..... ٤
دبیرکل‌های پیشین سازمان ملل..... ۱٦
سازمان ملل متحد عاملی برای تغییر..... ۱۹
فصل ۲
مساله مداخله..... ۷۹
چه کسی بر عملیات حفظ صلح فرماندهی می‌کند؟ ۸۱
عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد..... ۸۲
هیات‌های سیاسی و ایجاد صلح ملل متحد ۸٦
مدیر موقت..... ۸۸
آفریقا: از اولویت‌های سازمان ملل متحد (صلح و امنیت) ۹۰
موافقت نامه های چندجانبه خلع سلاح و نظارت بر تسلیحات... ۱٤۰
موافقت نامه های دو جانبه..... ۱٤۲

مبارزه علیه مین‌های زمینی..... ۱٤۸
کنفرانس‌های فضایی بین‌المللی سازمان ملل ۱۵۳
فصل ۳
مفید کردن جهانی‌سازی برای همه..... ۱۵۸
مزیت نسبی سازمان ملل متحد ۱۵۹
کنفرانس بین‌المللی تامین سرمایه برای توسعه..... ۱٦۲
آفریقا: از اولویت‌های سازمان ملل (اقتصادی و اجتماعی) ۱٦٤
توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۷۰
حمایت از تجارت منصفانه..... ۱۷۲
کنفرانس‌های مهم جهانی از سال ۱۹۹۰..... ۱۹۰
اجلاس جهانی سران برای توسعه اجتماعی..... ۱۹۲
هدف‌های اعلامیه هزاره..... ۱۹۳
در آستانه دنیایی عاری از بیماری فلج اطفال..... ۲۰۰
مبارزه سازمان ملل با بیماری ایدز و ویروس آن..... ۲۰۱
مالاریا، سارس و سل..... ..... ۲۰۳
کنفرانس‌های جهانی درباره زنان..... ۲۱۳
اجلاس ویژه درباره کودکان..... ۲۱۵
اجلاس‌های جهانی مربوط به توسعه پایدار..... ۲۳۰
تغییر رفتار انسان..... ۲۳۲
فصل ٤
تعریف حقوق جهانی..... ۲۵۵
گروه‌های کاری و گزارشگران ویژه..... ۲٦۰
کنفرانس جهانی حقوق بشر..... ۲٦۲
برنامه همکاری فنی..... ۲٦۵
فصل ۵
واکنش به پیشامدهای غیرمنتظره..... ۲۸۱
هماهنگ کردن امداد اضطراری ۲۸۲
حمایت از کودکان در جنگ..... ۲۸٤
کودکان در جنگ – معیارها و ضوابط حقوقی..... ۲۸۵
حمایت از کارکنان سازمان ملل و امدادگران عملیات بشردوستانه..... ۲۸٦
پناهندگان در کشورهای خود..... ۲۸۸
پناهندگان (دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان) ۲۸۹
فصل ٦
دیوان بین المللی کیفری..... ۳۰٦
فصل ۷
سرزمین‌هایی که اعلامیه استعمارزدایی درباره آنها صدق می‌کند ۳۱۵

نمودارها و نقشه‌ها

فصل ۱
نظام ملل متحد..... ۲٤
دفترهای اصلی سازمان ملل متحد در جهان..... ۲٦
فصل ۲
عملیات حفظ صلح ملل متحد..... ۸۳
هیات‌های سیاسی و ایجاد صلح..... ۸۷
فصل ۳
جریان‌های مالی خالص به کشورهای در حال توسعه ۲۰۰۲-۱۹۹۵..... ۱۷۰
کاهش تفاوت از نظر تلفن، افزایش تفاوت از نظر اینترنت..... ۱۸۳
انتشار دی‌اکسید کربن از کشورهای پردرآمد..... ۲۳۸
فصل ٤
نسبت بیکاری جهانی و منطقه‌ای براساس جنسیت..... ۲٦۹

UNITED NATIONS WEBSITES

United Nations: *www.un.org*

United Nations system: *www.unsystem.org*

United Nations Programmes and Offices:

International Trade Center (UNCTAD/WTO): *www.intracen.org*

Joint United Nations Programme on HIV/AIDS: *www.unaids.org*

United Nations Children's Fund (UNICEF): *www.unicef.org*

United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD): *www.unctad.org*

United Nations Development Fund for Women (UNIFEM): *www.unifem.org*

United Nations Development Programme (UNDP): *www.undp.org*

United Nations Environment Programme (UNEP): *www.unep.org*

United Nations High Commissioner for Human Rights: *www.unhchr.ch*

United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR): *www.unhcr.ch*

United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT): *www.unhabitat.org*

United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR): *www.unidir.org*

United Nations Institute for Training and Research (UNITAR): *www.unitar.org*

United Nations International Research and Training Institute for the Advancement of Women (INSTRAW): *www.un-instraw.org*

United Nations Interregional Crime and Justice Research Institute (UNICRI): *www.unicri.it*

United Nations Office for Project Services (UNOPS): *www.unops.org*

United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC): *www.unodc.org*

United Nations Population Fund (UNFPA): *www.unfpa.org*

United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East (UNRWA): *www.unrwa.org*

United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD): *www.unrisd.org*

United Nations System Staff College (UNSSC): *www.unssc.org*

United Nations University (UNU): *www.unu.edu*

United Nations Volunteers (UNV): *www.unv.org*

World Food Programme (WFP): *www.wfp.org*

United Nations Regional Commissions:

Economic Commission for Africa (ECA): *www.uneca.org*

Economic Commission for Asia and the Pacific (ESCAP): *www.unescap.org*

Economic Commission for Europe (ECE): *www.unece.org*

Economic Commission for Latin America and the Caribbean (ECLAC): *www.eclac.org*

Economic Commission for Western Asia (ESCWA): *www.escwa.org.lb*

United Nations Specialized Agencies:

Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO): *www.fao.org*

International Civil Aviation Organization (ICAO): *www.icao.org*

International Fund for Agricultural Development (IFAD): *www.ifad.org*

International Labour Organization (ILO): *www.ilo.org*

International Maritime Organization (IMO): *www.imo.org*

International Monetary Fund (IMF): *www.imf.org*

International Telecommunication Union (ITU): *www.itu.int*

United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO): *www.unesco.org*

United Nations Industrial Development Organization (UNIDO): *www.unido.org*

Universal Postal Union (UPU): *www.upu.int*

The World Bank Group: *www.worldbank.org*

World Health Organization (WHO): *www.who.int*

World Intellectual Property Organization (WIPO): *www.wipo.int*

World Meteorological Organization (WMO): *www.wmo.ch*

World Tourism Organization (WTO): *www.world-tourism.org*

Related Organizations:

International Atomic Energy Agency (IAEA): *www.iaea.org*

Organization for the Prohibition of Chemical Weapons (OPCW): *www.opcw.org*

Preparatory Committee for the Nuclear-Test-Ban Treaty Organization (CTBTO): *www.ctbto.org*

World Trade Organization (WTO): *www.wto.org*

فهرست اختصار واژه‌ها

هیات اجرایی اصلی برای هماهنگی نظام ملل متحد	CEB
کمیسیون تدارکاتی برای سازمان معاهده ممنوعیت آزمایش هسته‌ای	CTBTO
اداره امور خلع سلاح	DDA
اداره امور اقتصادی و اجتماعی	DESA
اداره مدیریت مجمع عمومی و کنفرانس	DGACM
اداره مدیریت	DM
اداره امور سیاسی	DPA
اداره اطلاعات همگانی	DPI
اداره عملیات حفظ صلح	DPKO
کمیسیون اقتصادی آفریقا	ECA
کمیسیون اقتصادی اروپا	ECE
کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و کاراییب	ECLAC
شورای اقتصادی و اجتماعی	ECOSOC
دفتر اجرایی دبیرکل	EOSG
کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام	ESCAP
کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیای غربی	ESCWA
سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد	FAO
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی	IAEA
بانک بین‌المللی برای بازسازی و توسعه (بانک جهانی)	IBRD
سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری	ICAO
دیوان بین‌المللی دادگستری	ICJ
کمیته بین‌المللی صلیب سرخ	ICRC
مرکز بین‌المللی حل دعاوی سرمایه‌گذاری (گروه بانک جهانی)	ICSID
انجمن بین‌المللی توسعه (گروه بانک جهانی)	IDA
صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی	IFAD
شرکت تامین مالی بین‌المللی	IFC
سازمان بین‌المللی کار	ILO
صندوق بین‌المللی پول	IMF
سازمان بین‌المللی دریانوردی	IMO
موسسه بین‌المللی تحقیقات و آموزش برای پیشرفت زنان	INSTRAW
مرکز تجارت بین‌المللی انکتاد/WTO	ITC
اتحادیه بین‌المللی ارتباطات	ITU
کارگزاری چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری (گروه بانک جهانی)	MIGA
بخش ارتباط غیردولتی سازمان ملل متحد	NGLS
سازمان‌های غیردولتی	NGOs
دفتر هماهنگی امور بشردوستانه	OCHA
دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد	OHCHR
دفتر نماینده عالی کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه فاقد	OHRLLS

	دسترسی به دریا و کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای
OIOS	دفتر نظارت بر خدمات داخلی
OLA	دفتر امور حقوقی
OPCW	سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی
PFII	مجمع دائمی مربوط به مسائل بومی
UNAIDS	برنامه مشترک سازمان ملل متحد درباره بیماری ایدز و ویروس آن
UNCTAD	کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد
UNDP	برنامه عمران ملل متحد
UNEP	برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد
UNESCO	سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد
UNFIP	صندوق مشارکت‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد
UNFPA	صندوق جمعیت ملل متحد
UN-HABITAT (UNHSP)	برنامه اسکان بشر ملل متحد
UNHCR	دفتر کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان
UNICEF	صندوق کودکان ملل متحد
UNICRI	موسسه تحقیقات بین منطقه‌ای سازمان ملل متحد در زمینه جرم و عدالت
UNIDIR	موسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل متحد
UNIDO	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد
UNIFEM	صندوق توسعه سازمان ملل متحد برای زنان
UNITAR	موسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل متحد
UNMOVIC	کمیسیون نظارت، تایید و بازرسی سازمان ملل متحد
UNODC	دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد
UNOG	دفتر سازمان ملل متحد در ژنو
UNON	دفتر سازمان ملل متحد در نایروبی
UNOPS	دفتر خدمات طرح سازمان ملل متحد
UNOV	دفتر سازمان ملل متحد در وین
UNRISD	موسسه تحقیقات سازمان ملل متحد برای توسعه اجتماعی
UNRWA	کارگزاری امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک
UNSECOORD	دفتر هماهنگ کننده امنیت سازمان ملل متحد
UNSSC	کالج کارکنان نظام ملل متحد
UNU	دانشگاه ملل متحد
UNV	داوطلبان ملل متحد
UPU	اتحادیه جهانی پست
WFP	برنامه جهانی غذا
WHO	سازمان جهانی بهداشت
WIPO	سازمان جهانی مالکیت معنوی
WMO	سازمان جهانی هواشناسی
WTO	سازمان جهانی گردشگری
WTO	سازمان تجارت جهانی

پیشگفتار

سازمان ملل متحد تنها نهاد به راستی جهانی است که دولت‌های جهان و مردمی که این دولت‌ها نماینده آنان هستند می‌توانند برای پاسخ دادن به دشواری‌های عصر ما در آن گردهم آیند. اصول و هدف‌های منشور ملل متحد هر روز در سراسر جهان به وسیله خانواده سازمان‌های ملل متحد و مردان و زنانی که به آنها خدمت می‌کنند، تقویت می‌شوند. هدف «حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد» کمک به درک این کار و تاثیر آن بر زندگی مردم است.

بیشتر مردم امروز می‌توانند انتظار داشته باشند طولانی‌تر از والدین خود زندگی کنند، و چند کشور گام‌های عظیمی در زمینه رهایی از چنگال فقر برداشته‌اند،اگرچه کشورهای بسیاری موفق به این کار نشده‌اند. محرومیت و فقر شدید هنوز گسترده است. در واقع ده‌ها کشور، بسیاری در آفریقا، در دهه گذشته فقیرتر شدند. بعضی بر اثر بیماری ایدز و ویروس آن یا جنگ، متحمل لطمات وخسارات بسیار شده‌اند. در بسیاری از کشورهای فقیرتر، مراقبت بهداشتی و آموزش و پرورش در حال افول است. تقریبا در همه جا محیط زیست بدتر می‌شود. شرایط،جهت ایجاد فرصت‌ها برای زنان، موضوعی حیاتی در زمینه حقوق بشر و توسعه، آنچه باید باشد، نیست. مزایای جهانی‌سازی تاکنون از اکثریت عظیمی دریغ شده است.

دولت‌های عضو ملل متحد در سال ۲۰۰۰ در اعلامیه هزاره، تصویری از توسعه، صلح و حقوق بشر ارائه دادند. آنها همچنین تعهد خود را نسبت به هدف‌های توسعه هزاره، با تاکید بر تحقق هدف‌های ویژه تا سال ۲۰۱۵ ،اعلام کردند. این توافق بین ملت‌ها، اعلامیه بی‌سابقه هدف‌ها و بیان نیات برای تحقق آنها بود. اینک برای تبدیل آن تعهدات به عمل، برداشتن گام‌های جسورانه و فوری لازم است. کشورهای فقیر به انجام اصلاحات چشمگیر نیاز دارند. اما کشورهای توسعه یافته نیز باید به وعده‌های خود – به ویژه از طریق افزایش کمک، لغو نظام‌مندتر بدهی، و هموار کردن امکانات فعالیت در امر تجارت – عمل کنند.

تهدید تروریسم بین‌المللی و سایر نگرانی‌های امنیتی جهانی، ضرورت کاهش فقر و پیشبرد آرمان صلح و حقوق بشر را بیشتر کرده است. سازمان ملل متحد سال‌ها نقشی مهم در تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم ایفا کرده است. این تلاش‌ها پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به شدت افزایش یافت. تروریسم عامل نگرانی جهانی است و به راه‌حل‌های جهانی نیاز دارد. راه‌حل‌هایی که باید نه فقط تروریست‌ها را شکست دهند بلکه همچنین به رنج‌ها و ناامیدی و یاسی که آنان از آنها بهره‌برداری

می‌کنند رسیدگی کنند، و به تحقق حقوق بشری که آنان می کوشند نابود نمایند، مساعدت کنند. برای پیشگیری از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، کاهش جریان سلاح‌های کوچک و اسلحه سبک و دستیابی به پیشرفت واقعی در زمینه خلع سلاح نیز راه‌حل های چندجانبه لازم است. سازمان ملل متحد در تلاش برای تقویت همکاری بین‌المللی و حکومت قانون در همه این زمینه‌ها فعال است.

این کار با تلاش‌های سازمان ملل متحد در سراسر جهان برای پیشگیری از مناقشات خشن، حل مناقشاتی که بروز کرده‌اند، حفاظت از غیرنظامیان وارائهٔکمک بشردوستانه، حفظ صلح، هنگامی که جنگجویان به آتش بس رسیده‌اند،و برقراری صلح پایدار پس از پایان جنگ، تکمیل می‌شود. برای تضمین این که وقتی سازمان ملل متحد برای اقدام به جایی فراخوانده می‌شود موثرتر باشد، اصلاحات فراوانی به عمل آمده و در حال انجام است.

در نهایت کشورهای عضو هستندکه تصمیم می‌گیرند سازمان ملل متحد را فراخوانند. چالش‌هایی که با آنها مواجه هستیم و بعضی از بحران‌هایی که با آنها درگیر شده‌ایم، ضرورت بررسی مجدد و به روز کردن ساختار بین دولتی سازمان ملل را نشان می‌دهد تا بتواند واقعا به منافع جهانی در هزاره جدید خدمت کند. اما این به تنهایی کافی نخواهد بود. داشتن درکی کاملا مشترک از ارتباط نزدیک بین منافع ملی همه کشورها و منافع جهان نیز به همین اندازه حیاتی است.

ما جهانی واحد هستیم و با دشواری‌های مشترک مواجه‌ایم. امیدوارم خوانندگان متوجه شوند *«حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد»*، اهمیت این دشواری‌ها، کاری که سازمان ملل متحد برای برطرف کردن آنها انجام می‌دهد، و حوزه‌هایی که هنوز انجام تلاش‌های بیشتری در آنها لازم است، را نشان می‌دهد.

کوفی عنان
دبیر کل سازمان ملل متحد

بخش اول

فصل ۱

سازمان ملل متحد

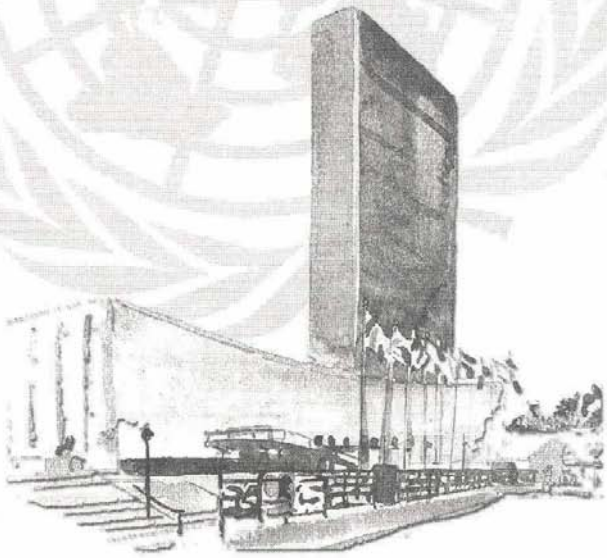

سازمان ملل متحد

ازعبارت «ملل متحد» که فرانکلین د. روزولت، رئیس جمهور ایالات متحده آن را ابداع کرد، نخستین بار اول ژانویه ۱۹٤۲، در جریان جنگ جهانی دوم در اعلامیه «ملل متحد» استفاده شد که نمایندگان ۲٦ کشور در آن قول دادند به مبارزه مشترک علیه قدرت‌های محور ادامه دهند.

کشورها، نخست سازمان‌های بین‌المللی ایجاد کردند تا در مسائل ویژه همکاری کنند. اتحادیه بین‌المللی ارتباطات در سال ۱۸٦۵ به عنوان اتحادیه بین‌المللی تلگراف تشکیل و اتحادیه جهانی پست در سال ۱۸۷٤ تاسیس شد. این دو اتحادیه اینک از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد هستند.

نخستین کنفرانس بین‌المللی صلح در سال ۱۸۹۹ در لاهه تشکیل شد تا اسناد لازم را برای حل مسالمت‌آمیز بحران‌ها، پیشگیری از جنگ‌ها و تدوین مقررات درگیری‌ها تهیه کند. این کنفرانس کنوانسیون حل مسالمت‌آمیز مشاجرات بین‌المللی را تصویب و دادگاه دائمی حکمیت را تاسیس کرد که در ۱۹۰۲ شروع به کار کرد.

الگوی اولیه سازمان ملل متحد، جامعه ملل بود، سازمانی که تاسیس آن در شرایط مشابه در جریان جنگ جهانی اول مطرح و در سال ۱۹۱۹ بر اساس معاهده ورسای «برای حمایت از همکاری بین‌المللی و دستیابی به صلح و امنیت» تشکیل شد.

سازمان بین‌المللی کار نیز براساس معاهده ورسای به عنوان کارگزاری وابسته به جامعه ملل ایجاد شد. جامعه ملل پس از ناکامی در پیشگیری از وقوع جنگ جهانی دوم، فعالیت‌های خود را متوقف کرد.

نمایندگان ۵۰ کشور در سال ۱۹٤۵ در کنفرانس ملل متحد درباره سازمان بین‌المللی در سانفرانسیسکو دیدار کردند تا منشور ملل متحد را تدوین کنند.

این نمایندگان براساس پیشنهادهایی مشورت کردند که نمایندگان چین، اتحاد شوروی، انگلیس و ایالات متحده در «دمبارتن اوکز»، ایالات متحده، در اوت – اکتبر ۱۹٤٤ مطرح کرده بودند. منشور ملل متحد ۲٦ ژوئن ۱۹٤۵ به امضای نمایندگان ۵۰ کشور فوق رسید. لهستان، که در کنفرانس نماینده نداشت کمی بعد آن را امضا کرد و یکی از ۵۱ کشور عضو اولیه شد.

سازمان ملل متحد ۲٤ اکتبر ۱۹٤۵ که منشور به تصویب چین، فرانسه، اتحاد شوروی، انگلیس، ایالات متحده و اکثریتی از دیگر امضا کنندگان آن رسید به طور رسمی به وجود آمد. **روز ملل‌متحد** ۲٤ اکتبر هر سال گرامی داشته می‌شود.

منشور ملل متحد

(www.un.org/aboutun/charter)

منشور، سند تشکیل دهنده سازمان ملل متحد است، حقوق و تعهدات کشورهای عضو را تعیین، و ارگان‌ها و شیوه کار ملل متحد را مشخص می‌کند. منشور، به عنوان معاهده‌ای بین‌المللی، اصول عمده روابط بین‌المللی را– ازبرابری حاکمیت کشورهاگرفته تا جلوگیری ازاستفاده اززوردرروابط بین‌المللی ، به هر شیوه مغایربا هدف های ملل متحد – تدوین می‌کند.

اصلاح منشور ملل متحد

منشور را می‌توان با رای دو سوم اعضای مجمع عمومی و تصویب دوسوم اعضای سازمان ملل متحد، از جمله پنج عضو دائمی شورای امنیت، اصلاح کرد. تاکنون چهار ماده منشور، یکی از آنها دو بار، اصلاح شده است:

- در سال ۱۹۶۵ اعضای شورای امنیت از ۱۱ به ۱۵ (ماده ۲۳) و تعداد آرای مثبت لازم برای اخذ تصمیم از ۷ به ۹ ، از جمله آرای موافق پنج عضو دائمی برای مسائل اساسی (ماده ۲۷) افزایش یافت.
- در سال ۱۹۶۵ اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی از ۱۸ به ۲۷ و در سال ۱۹۷۳ به ٥٤ (ماده ۶۱) افزایش یافت.
- در سال ۱۹۶۸ تعداد آرای لازم در شورای امنیت برای تشکیل کنفرانس عمومی به منظور تجدید نظر در منشور، از هفت به نه (ماده ۱۰۹) افزایش یافت.

مقدمه منشور

مقدمه منشور ایده‌آل‌ها و هدف‌های مشترک تمامی مردمانی را که دولت‌های آنان به هم پیوستند تا ملل متحد را تشکیل دهند، ابراز می‌دارد:

«**ما مردم ملل متحد با تصمیم**» به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌الملل و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر، **و برای نیل به این هدف‌ها** به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با روحیه حسن همجواری و به متحد ساختن قوای خود برای نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی و به قبول اصول و ایجاد روش‌هایی که عدم استفاده از نیروهای مسلح را جز در راه منافع مشترک تضمین کند و به توسل به وسائل و مجاری بین‌المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل«**مصمم شده‌ایم برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی کنیم** و در نتیجه دولت‌های متبوع ما توسط نمایندگان خود که در شهر سان فرانسیسکو گرد آمده‌اند و اختیارات تامه آنان ابراز و صحت و اعتبار آن محرز شناخته شده است نسبت به این منشور ملل متحد موافقت حاصل نموده‌اند و بدینوسیله یک سازمان بین‌المللی که موسوم به ملل متحد خواهد بود، تاسیس می‌کنند.

مقاصد و اصول

مقاصد ملل متحد، به گونه‌ای که در منشور تصریح شده، به قرار زیر است:

• حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛

• توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت مردم؛

• همکاری برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بشر دوستانه بین‌المللی و به منظور تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی؛

• بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقدامات ملت‌ها به منظور نیل به این هدف‌های مشترک.

سازمان ملل متحد بر اساس **اصول** زیر عمل می‌کند:

• سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای خود استوار است؛

• کلیه اعضا تعهدات خود را بر اساس منشور با حسن نیت انجام خواهند داد؛

• کلیه اعضا اختلاف‌های خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بدون به خطر انداختن صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت حل خواهند کرد؛

• کلیه اعضا از تهدید یا استفاده از زور علیه هر کشور دیگری خودداری خواهند کرد؛

• کلیه اعضا به سازمان ملل در هر اقدامی که بر اساس منشور انجام می‌دهد، هر گونه کمکی ارائه خواهند داد؛

• هیچ یک از مفاد منشور به ملل متحد اجازه نمی‌دهد در مسائلی که ذاتا در قلمرو صلاحیت قانونی داخلی هر کشوری است، مداخله کند.

عضویت

همه ملت‌های دوستدار صلح که تعهدات منشور را می‌پذیرند و مایل و قادر به اجرای این تعهدات هستند می‌توانند به عضویت سازمان ملل متحد در آیند.

مجمع عمومی، کشورهای جدید را به توصیه شورای امنیت به عضویت می‌پذیرد. منشور، تعلیق یا اخراج عضویت را برای نقض اصول منشور پیش‌بینی کرده اما تاکنون هرگز چنین اقدامی صورت نگرفته است.

زبان‌های رسمی

بر اساس منشور، زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی است. زبان عربی بعدها به عنوان یکی از زبان‌های رسمی مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی افزوده شد.

ساختار سازمان

منشور، شش رکن اصلی سازمان ملل متحد را به شرح زیر تعیین کرد: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومت، دیوان بین‌المللی دادگستری، و دبیرخانه. اما خانواده ملل متحد به مراتب بزرگتر و شامل ۱۵ کارگزاری و چند برنامه و نهاد است.

مجمع عمومی

www.un.org/ga

مجمع عمومی رکن مشورتی اصلی سازمان ملل متحد است. مجمع از نمایندگان کلیه کشورهای عضو تشکیل شده که هر یک از آنان یک رای دارد. تصمیم‌گیری درباره مسائل مهم مانند صلح و امنیت، پذیرش اعضای جدید و مسائل بودجه، نیازمند اکثریت دو سوم آرا است. تصمیم‌گیری درباره مسائل دیگر با اکثریت ساده انجام می‌شود.

وظایف و اختیارات

بر اساس منشور، وظایف و اختیارات مجمع عمومی عبارتند از:

• بررسی و ارائه توصیه درباره اصول همکاری در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله اصول حاکم بر مقررات خلع‌سلاح و تسلیحات؛

• بحث درباره هر مساله مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی و ارائه توصیه‌هایی درباره آن، به استثنای مناقشه یا موقعیتی که شورای امنیت مشغول بحث درباره آن است؛

• بحث، و با همان استثنا، ارائه توصیه‌هایی درباره هر مساله‌ای در محدوده منشور یا در حوزه اختیارات و وظایف هر ارگان سازمان ملل متحد،

• مطالعه و ارائه توصیه‌هایی برای ترویج همکاری سیاسی بین‌المللی، توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل، تحقق حقوق بشر، آزادی‌های بنیادی برای همه، و همیاری بین‌المللی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی ؛

• ارائه توصیه‌هایی برای حل مسالمت‌آمیز هر موقعیتی، بدون توجه به منشا آن، که ممکن است به روابط دوستانه بین ملت‌ها لطمه بزند ؛

• دریافت و رسیدگی به گزارش‌های شورای امنیت و سایر ارگان‌های سازمان ملل متحد؛

• بررسی و تصویب بودجه سازمان ملل متحد و تقسیم و تخصیص سهمیه‌های پرداختی اعضا؛

• انتخاب اعضای غیردائمی شورای امنیت، اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی و اعضای اضافی شورای قیمومت (هنگام ضرورت)؛ انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری به اتفاق شورای امنیت؛ و انتصاب دبیرکل براساس توصیه شورای امنیت.

اجلاس‌ها

اجلاس عادی مجمع عمومی معمولا هر سال در سپتامبر شروع می‌شود. مجمع عمومی از ابتدای پنجاه‌وهشتمین اجلاس عادی (۲۰۰٤ – ۲۰۰۳)، اجلاس‌های خود را از سه شنبه سومین هفته در سپتامبر، با محاسبه نخستین هفته که شامل حداقل یک روز کاری باشد، شروع می‌کند. انتخاب رئیس مجمع عمومی، و همچنین ۲۱ معاون رئیس و روسای شش کمیته اصلی آن، حداقل سه ماه پیش از شروع اجلاس عادی انجام می‌شود. برای تضمین رعایت برابری جغرافیایی در انتخاب رئیس، ریاست مجمع عمومی هر سال بین پنج گروه از کشورهای آفریقایی، آسیایی، اروپای شرقی، آمریکای لاتین و کاراییب و اروپای غربی و سایر کشورها به نوبت انتخاب می‌شود.

به علاوه، مجمع عمومی می‌تواند به تقاضای شورای امنیت، اکثریتی از کشورهای عضو، یا به تقاضای یک کشور، اگر اکثریت اعضا موافق باشند، اجلاس‌های ویژه تشکیل دهد. اجلاس‌های ویژه اضطراری را می‌توان به فاصله ٢٤ ساعت از زمان تقاضای شورای امنیت بر اساس رای هر یک از ۹ عضو شورا، یا با اکثریت اعضای سازمان ملل، یا با یک عضو اگر اکثریت اعضا موافق باشند، فرا خواند.

مجمع عمومی در ابتدای هر اجلاس عادی، بحث عمومی، اغلب با سخنرانی روسای کشورها و دولت‌ها، برگذار می‌کند که در جریان آن کشورهای عضو دیدگاه‌های خود را درباره اضطراری‌ترین مسائل بین‌المللی ابراز می‌کنند. سپس درباره بیشتر مسائل در شش کمیته اصلی مجمع بحث می‌شود:

- **کمیته اول** (خلع سلاح و امنیت بین‌المللی)
- **کمیته دوم** (اقتصادی و مالی)
- **کمیته سوم** (اجتماعی، بشردوستانه و فرهنگی)
- **کمیته چهارم** (استعمارزدایی و سیاسی ویژه)
- **کمیته پنجم** (اداری و بودجه‌ای)
- **کمیته ششم** (حقوقی).

به بعضی از مسائل به طور مستقیم در جلسات عمومی رسیدگی می‌شود در حالی که سایر مسائل به یکی از شش کمیته اصلی ارجاع می‌شود. قطعنامه‌ها و تصمیم‌ها، از جمله آنهایی که به وسیله کمیته‌ها توصیه شده‌اند، در جلسات عمومی – معمولا قبل از تعطیل اجلاس عادی در دسامبر – تصویب می‌شوند. این قطعنامه‌ها و تصمیم‌ها را می‌توان با یا بدون رای‌گیری تصویب کرد.

مجمع عمومی به طور معمول قطعنامه‌ها و تصمیم‌های خود را با اکثریتی از اعضای حاضر و رای‌گیری تصویب می‌کند. درباره مسائل مهم، از جمله توصیه‌ها درباره صلح و امنیت بین‌المللی، انتخاب اعضا برای بعضی از ارگان‌های اصلی و مسائل بودجه‌ای، با اکثریت

دوسوم اعضا تصمیم گرفته می‌شود. رای‌گیری می‌تواند به صورت کتبی، بالا بردن دست‌ها یا بر اساس خواندن اسامی باشد.
در حالی که اجرای تصمیم‌های مجمع عمومی از لحاظ حقوقی و قانونی برای دولت‌ها الزامی نیست این تصمیم‌ها از حمایت افکار عمومی جهانی و همچنین اقتدار اخلاقی جامعه جهانی برخوردارند.
کار سازمان ملل متحد در طول سال بیشتر از ماموریت‌های تفویض شده به وسیله مجمع عمومی، یعنی اراده اکثریت اعضا به گونه‌ای که در قطعنامه‌ها و تصمیم‌های مصوب مجمع عمومی ابراز شده، ناشی می‌شود.
این کار به طرق زیر انجام می‌شود:
• به وسیله کمیته‌ها و سایر نهادهایی که به وسیله مجمع عمومی ایجاد شده‌اند تا درباره مسائل ویژه، مانند خلع سلاح، حفظ صلح، توسعه و حقوق بشر مطالعه و گزارش دهند؛
• در کنفرانس‌های بین‌المللی که مجمع عمومی خواهان تشکیل آنها شده است؛ و
• به وسیله دبیرخانه سازمان ملل متحد یعنی دبیرکل و ستاد او از مستخدمان مدنی بین‌المللی.

شورای امنیت

(www.un.org/Docs/sc)

شورای امنیت، براساس منشور، مسؤلیت اصلی در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده دارد.
شورا ۱۵ عضو دارد: پنج عضو دائمی – چین، فرانسه، فدراسیون روسیه، انگلیس و ایالات متحده – و ۱۰ عضو که برای مدت دو سال به وسیله مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.
هر عضو یک رای دارد. تصمیم‌ها درباره روال کار و آیین‌نامه‌ها با رای مثبت حداقل ۹ عضو از ۱۵ عضو آن اتخاذ می‌شود. تصمیم‌ها درباره مسائل اساسی نیازمند ۹ رای، بدون حتی یک رای منفی از جانب هر یک از پنج عضو دائمی است. هر پنج عضو دائمی یک بار یا بیشتر «حق وتو» اعمال کرده‌اند. اگر یک عضو دائمی با یک قطعنامه پیشنهادی به طور کامل موافق نباشد اما نخواهد آن را وتو کند، می‌تواند رای ممتنع بدهد یعنی اجازه دهد قطعنامه، در صورتی که تعداد ۹ رای مثبت لازم را کسب کند، به تصویب برسد.
بر اساس ماده ۲۵ منشور، همه اعضای سازمان ملل متحد موافقت می‌کنند تصمیم‌های شورای امنیت را بپذیرند و به اجرا در آورند. در حالی که سایر ارگان‌های سازمان ملل متحد به کشورهای عضو توصیه می‌کنند، فقط شورای امنیت اختیار دارد تصمیم‌هایی اتخاذ کند که کشورهای عضو بر اساس منشور، ملزم به اجرای آن‌ها هستند.

وظایف و اختیارات

بر اساس منشور وظایف و اختیارات شورای امنیت شامل موارد زیر است:

• حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر اساس اصول و هدف‌های ملل متحد؛

• تنظیم برنامه‌ها برای ایجاد نظامی به منظور نظارت بر تسلیحات؛

• دعوت از طرف‌های مشاجرات برای حل مسالمت‌آمیز آن؛

• تحقیق درباره هر مشاجره یا موقعیتی که ممکن است به اختلاف بین‌المللی منجر شود و ارائه شیوه‌های سازش در چنین مشاجرات یا شرایط حل و فصل آنها؛

• تعیین وجود تهدید به صلح یا اقدام تجاوزکارانه و ارائه توصیه درباره این که چه اقدامی باید صورت گیرد؛

• دعوت از طرف‌های مربوط برای پیروی از چنین اقدامات موقتی که برای پیشگیری از وخامت اوضاع ضروری یا مطلوب به نظر می‌رسد؛

• دعوت از اعضای سازمان ملل متحد به انجام اقداماتی که شامل استفاده از زور نباشد – مانند تحریم‌ها – برای عملی کردن تصمیم‌های شورا؛

• توسل به استفاده از زور یا مجاز شمردن آن برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی؛

• تشویق حل مسالمت‌آمیز مشاجرات محلی با ترتیبات منطقه‌ای و استفاده از چنین ترتیبات منطقه‌ای برای اجرای اقدام تحت اقتدار آن؛

• ارائه توصیه به مجمع عمومی برای انتصاب دبیرکل و انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری به اتفاق مجمع عمومی؛

• درخواست از دیوان بین‌المللی دادگستری برای ارائه نظر مشورتی درباره هر مساله حقوقی؛

• توصیه به مجمع عمومی درباره پذیرش اعضای جدید به سازمان ملل متحد.

شورای امنیت به‌گونه‌ای سازمان یافته که بتواند به طور مداوم انجام وظیفه کند، و نماینده‌ای از هر یک از اعضای آن باید همیشه در مقر سازمان ملل حضور داشته باشد. شورا می‌تواند در جای دیگر تشکیل جلسه دهد: شورا در سال ۱۹۷۲ در آدیس آبابا، اتیوپی، در سال ۱۹۷۳ در پاناماسیتی، پاناما و در ۱۹۹۰ در ژنو، سوئیس، تشکیل جلسه داد.

هنگامی که شکایتی مربوط به تهدید به صلح در شورا مطرح می‌شود، نخستین اقدام آن به طور معمول این است که به طرفین توصیه می‌کند با شیوه‌های مسالمت‌آمیز به توافق برسند. شورا می‌تواند اصولی را برای راه حل مسالمت‌آمیز تعیین کند. در بعضی موارد خود شورا اقدام به تحقیق و میانجیگری می‌کند. شورا ممکن است هیاتی اعزام، فرستادگان ویژه منصوب یا از دبیرکل بخواهد از کمک و نفوذ خود استفاده کند. هنگامی که مشاجره‌ای به خصومت منجر می‌شود، نخستین مساله شورا خاتمه دادن هر چه

سریعتر آن است. شورا ممکن است دستورالعمل‌هایی برای آتش بس صادر کند که می‌تواند در جلوگیری از تشدید مناقشه تاثیر اساسی داشته باشد.
شورا همچنین ممکن است برای کمک به کاهش تنش‌ها، جدا نگهداشتن نیروهای متخاصم و ایجاد آرامش که در آن بتوان راه حل‌های مسالمت‌آمیز را دنبال کرد، ناظران نظامی یا نیروی حفظ صلح اعزام کند. شورا مطابق فصل ۷ منشور می‌تواند درباره اجرای اقدامات، از جمله تحریم‌های اقتصادی، تسلیحاتی، مالی، ممنوعیت سفر یا اقدام نظامی دسته جمعی تصمیم بگیرد.
ابزار تحریم وسیله‌ای مهم در اختیار شورای امنیت به منظور حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی است. هر یک از رژیم‌های تحریم که در حال حاضر اجرا می‌شود، تحریم‌های «هوشمند» یا هدفمند یعنی تحریم‌های تسلیحاتی، مالی و ممنوعیت سفر هستند که برای حذف یا به حداقل رساندن آثار ناخواسته تحریم‌ها با تمرکز بر افراد مسئول سیاست‌های محکوم شده از طرف جامعه بین‌المللی طراحی شده‌اند تا در عین حال به سایر بخش‌های جمعیت و روابط تجاری بین‌المللی لطمه وارد نشود (به بخش ۲ نگاه کنید).
شورا پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس کمیسیون ویژه سازمان ملل را تشکیل داد تا به اتفاق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حذف سلاح‌های کشتار جمعی عراق را تایید کند. کمیسیون نظارت، تایید و بازرسی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ مسئولیت‌های کمیسیون ویژه سازمان ملل را به عهده گرفت.
شورا دو دادگاه بین‌المللی کیفری برای تعقیب جنایات علیه بشریت در یوگسلاوی سابق و رواندا تشکیل داده است. این دادگاه‌ها ارگان‌های وابسته به شورا هستند. شورا پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده، کمیته ضدتروریسم را تشکیل داد که آن نیز ارگانی وابسته به شورا است.
یک گروه کاری مجمع عمومی از سال ۱۹۹۳ مشغول بررسی اصلاح شورای امنیت، از جمله موضوع نمایندگی منصفانه و افزایش اعضای آن بوده است.

شورای اقتصادی و اجتماعی

(www.un.org/esa/coordination/ecosoc)

منشور شورای اقتصادی و اجتماعی را به عنوان ارگان اصلی برای هماهنگ کردن کارهای اقتصادی، اجتماعی و مربوطه سازمان ملل متحد و کارگزاری‌ها و نهادهای تخصصی، معروف به خانواده سازمان‌های ملل متحد، تشکیل داد. این شورا ٥٤ عضو دارد که طی دوره‌های سه ساله کار می‌کنند. رای‌گیری در شورا با اکثریت ساده است و هر عضو یک رای دارد.

وظایف و اختیارات

وظایف و اختیارات شورای اقتصادی و اجتماعی عبارتند از:

• انجام وظیفه به عنوان مجمعی برای بحث درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی، و برای تنظیم توصیه‌هایی مربوط به خط مشی خطاب به کشورهای عضو و نظام ملل متحد؛

• انجام یا ابتکار مطالعات و گزارش‌ها و ارائه توصیه‌ها درباره مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و مسائل مربوطه بین‌المللی؛

• ترویج حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی و رعایت آنها؛

• کمک به تدارک و سازمان دادن کنفرانس‌های مهم بین‌المللی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و مربوط به آنها و پشتیبانی از پیگیری هماهنگ شده این کنفرانس‌ها؛

• هماهنگ کردن فعالیت‌های کارگزاری‌های تخصصی، از طریق مشورت با آنها و ارائه توصیه‌هایی به آنها، و از طریق ارائه توصیه به مجمع عمومی.

شورای اقتصادی و اجتماعی از طریق بحث درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی و توصیه‌ها درباره خط مشی، نقشی مهم در جلب حمایت از همکاری بین‌المللی برای توسعه و در زمینه تعیین اولویت‌ها برای اقدام ایفا می‌کند.

اجلاس‌ها

شورا برای سازمان دادن به کار خود به طور معمول چند اجلاس کوتاه و جلسات تدارکاتی، میزگردها، و بحث‌های گروهی فراوانی با اعضای جامعه مدنی در سراسر سال تشکیل می‌دهد. شورا همچنین در ژوییه یک اجلاس اساسی چهار هفته‌ای، به صورت متناوب در نیویورک و ژنو، برگزار می‌کند. این اجلاس شامل یک بخش عالیرتبه، با حضور وزیران و سایر مقام‌های عالیرتبه برای بحث درباره مسائل مهم اقتصادی، اجتماعی و بشردوستانه است. کار سالانه شورا در نهادهای وابسته و مربوط به آن انجام می‌شود.

نهادهای وابسته

تشکیلات وابسته به شورا عبارتند از:

• نه کمیسیون کارکردی، که نهادهای مشورتی هستند و نقش آنها بررسی و ارائه توصیه درباره مسائل مربوط به حوزه‌های مسئولیت و تخصص خود است: کمیسیون آماری، کمیسیون جمعیت و توسعه، کمیسیون توسعه اجتماعی، کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون موقعیت زنان، کمیسیون مواد مخدر، کمیسیون پیشگیری از جرایم و عدالت کیفری، کمیسیون علم و فن‌آوری برای توسعه، و کمیسیون توسعه پایدار.

• پنج کمیسیون منطقه‌ای: کمیسیون اقتصادی آفریقا (آدیس‌آبابا، اتیوپی)، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (بانکوک، تایلند)، کمیسیون اقتصادی اروپا (ژنو، سوئیس)، کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین و کاراییب (سانتیاگو، شیلی)، و کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیای غربی (بیروت ، لبنان).

• شش کمیته و نهاد کارشناسی دائمی: کمیته برنامه و هماهنگی، کمیسیون اسکان بشر، کمیته سازمان‌های غیردولتی، کمیته مذاکره با کارگزاری‌های بین دولتی، کمیته انرژی و منابع طبیعی، و کمیته اداره عمومی.

• تعدادی نهاد تخصصی درباره موضوع‌هایی مانند برنامه‌ریزی توسعه، منابع طبیعی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و مجمع همیشگی درباره مسائل بومی.

شورا همچنین با برنامه‌های سازمان ملل متحد (مانند برنامه توسعه ملل متحد، برنامه محیط زیست ملل متحد، یونیسف، برنامه اسکان بشر ملل متحد، و صندوق جمعیت سازمان ملل) و کارگزاری‌های تخصصی (مانند فائو، سازمان جهانی بهداشت، سازمان بین‌المللی کار، و یونسکو)، که کلیه آنها به شورا گزارش و برای اجلاس‌های اساسی آن توصیه ارائه می‌دهند، همکاری و تا حدی خاص کارهای آنها را هماهنگ می‌کند.

رابطه با سازمان‌های غیردولتی

شورای اقتصادی و اجتماعی بر اساس منشور با سازمان‌های غیردولتی درباره مسائلی که در حوزه صلاحیت شورا است مشورت می‌کند. بیش از ۲۱۰۰ سازمان غیردولتی با شورا ارتباط مشورتی دارند. شورا این موضوع را که این سازمان‌ها باید امکان ابراز دیدگاه‌های خود را داشته باشند و دارای تجربه یا دانش فنی ویژه هستند که برای کار آن ارزشمند است، می‌پذیرد.

شورا سازمان‌های غیردولتی را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند: سازمان‌های گروه اول سازمان‌هایی هستند که با بیشتر فعالیت‌های شورا ارتباط دارند؛ سازمان‌های گروه دوم در حوزه‌های خاص صلاحیت ویژه دارند؛ و سازمان‌هایی که می‌توانند گاه گاه به شورا کمک کنند در فهرست مشورت‌های ویژه قرار دارند.

سازمان‌های غیردولتی دارای موقعیت مشورتی می‌توانند به اجلاس‌های شورا و نهادهای وابسته آن ناظر اعزام کنند و می‌توانند مطالب مکتوب مربوط به کار آن را تسلیم کنند. آنها همچنین می‌توانند درباره مسائل مورد علاقه متقابل با دبیرخانه سازمان ملل متحد مشورت کنند.

رابطه بین سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی وابسته در طول سال‌ها به میزان چشمگیری توسعه یافته است. به سازمان‌های غیردولتی به حد فزاینده‌ای به عنوان شرکایی نگریسته می‌شود که با آنها درباره مسائل برنامه‌ای و خط مشی مشورت می‌شود و به عنوان رابط‌های ارزشمند با

جامعه مدنی به شمار می‌آیند. سازمان‌های غیردولتی به تعداد روزافزونی در سراسر جهان هر روز با جامعه ملل متحد کار می‌کنند تا به تحقق هدف‌های منشور کمک نمایند.

شورای قیمومت

(www.un.org/documents/tc)

شورای قیمومت در سال ۱۹٤٥ بر اساس منشور تشکیل شد تا بر کار ۱۱ سرزمین قیمومتی که تحت مدیریت ۷ کشور عضو سازمان ملل قرار داده شده بودند، نظارت بین‌المللی به عمل آورد و اطمینان حاصل کند که گام‌های کافی برای آماده کردن این سرزمین‌ها برای حکومت به خود یا استقلال برداشته شود. منشور به شورای قیمومت اجازه داد گزارش‌های نهاد اداره کننده درباره پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مردم سرزمین‌های تحت قیمومت را بررسی و درباره آنها بحث کند؛ به شکایات از این سرزمین‌ها رسیدگی کند؛ و ماموریت‌های ویژه به این سرزمین‌ها انجام دهد.

کلیه سرزمین‌های تحت قیمومت تا ۱۹٤٤ به عنوان کشورهای جدا یا از طریق پیوستن به کشورهای مستقل همسایه به خودمختاری یا استقلال دست یافته بودند. آخرین مورد از این سرزمین‌ها، سرزمین تحت قیمومت جزایر اقیانوس آرام (پالائو) بود که یکصد و هشتاد و پنجمین عضو سازمان ملل شد.

شورای قیمومت، با تمام شدن ماموریت آن – اعضای آن اکنون به پنج عضو دائمی شورای امنیت (چین، فرانسه، فدراسیون روسیه، انگلیس و ایالات متحده) کاهش یافته – اساسنامه خود را چنان تغییر داده که در صورت ضرورت هر جا و هر وقت لازم باشد تشکیل جلسه دهد.

دیوان بین‌المللی دادگستری

(www.icj-cij.org)

دیوان بین‌المللی دادگستری در شهر لاهه، هلند، ارگان قضایی اصلی سازمان ملل متحد است. این دیوان اختلاف‌های حقوقی بین کشورها را حل و به سازمان ملل متحد و کارگزاری‌های تخصصی آن نظر مشورتی ارائه می‌دهد. قانون آن بخشی تفکیک ناپذیر از منشور ملل متحد است.

این دیوان به روی همه کشورهای متعهد به قوانین آن، که شامل همه اعضای سازمان ملل متحد می‌شود، باز است. فقط کشورها می‌توانند در موارد بحث‌انگیز به دیوان متوسل شوند و شکایت‌های خود را به آن تسلیم کنند. دیوان به شکایات اشخاص یا موجودیت‌های خصوصی یا سازمان‌های بین‌المللی رسیدگی نمی‌کند.

مجمع عمومی و شورای امنیت می‌توانند درباره هر مساله حقوقی از دیوان نظر مشورتی بخواهند. سایر ارگان‌ها و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد، در صورت موافقت مجمع عمومی، می‌توانند خواهان نظریات مشورتی درباره مسائل حقوقی در حوزه فعالیت‌های خود شوند.

حدود صلاحیت قانونی

حدود صلاحیت قانونی دیوان کلیه مسائلی را که کشورها به آن ارجاع می‌کنند، و همه مسائلی که در منشور ملل متحد، یا در معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی پیش‌بینی شده در بر می‌گیرد. دولت‌ها می‌توانند از پیش خود را به پذیرش صلاحیت قانونی این دیوان با امضای معاهده یا پیمانی که ارجاع مسائل به دیوان در آن پیش‌بینی شده یا با صدور اعلامیه‌ای به این مضمون ملزم کنند. چنین اعلامیه‌هایی برای پذیرش صلاحیت قانونی اجباری اغلب شامل شروطی است که مقوله‌های خاصی از دعاوی را از حدود صلاحیت آن مستثنی می‌کند.

دیوان مطابق مقررات خود درباره دعاوی با استناد بر اصول زیر رای می‌دهد:

- کنوانسیون‌های بین‌المللی مبتنی بر مقرراتی که کشورهای طرف دعوا به صراحت آنها را پذیرفته‌اند؛
- عرف بین‌المللی به عنوان مدرک از شیوه‌ای کلی که به عنوان قانون پذیرفته شده است؛
- اصول قانونی کلی پذیرفته شده به وسیله ملت‌ها؛
- تصمیم‌ها و آرای قضایی و تعالیم صالح‌ترین محققان ملت‌های گوناگون.

عضویت

دیوان از ۱۵ قاضی تشکیل شده که به وسیله مجمع عمومی و شورای امنیت، که به طور مستقل رای می‌دهند، انتخاب می‌شوند. آنان بر مبنای صلاحیت خود انتخاب می‌شوند و مراقبت به عمل می‌آید تا اطمینان حاصل شود نظام‌های قضایی اصلی دنیا در دیوان عرضه شوند. هیچ دو قاضی‌ای نمی‌توانند از یک کشور باشند. دوره خدمت قضات نه سال است و می‌توانند دوباره انتخاب شوند. آنان در طول دوره کار خود در دیوان نمی‌توانند شغل دیگری داشته باشند.

دیوان به طور معمول جلسه عمومی تشکیل می‌دهد اما در صورت تقاضای طرفین می‌تواند واحدهای کوچکتر به نام شعبه تشکیل دهد. احکام صادره به وسیله شعبه‌ها دارای اعتبار برابر با احکام صادره از خود دیوان است. دیوان شعبه‌ای نیز برای رسیدگی به مسائل محیط زیست دارد و هر سال شعبه‌ای برای دادرسی‌های بدون تشریفات (اختصاری) تشکیل می‌دهد.

دبیرخانه

(www.un.org/documents/st)

دبیرخانه – متشکل از کارکنان بین‌المللی که در محل‌های کار خود در سراسر جهان مشغول انجام وظیفه هستند – کارهای گوناگون روزمره سازمان را انجام می‌دهد. دبیرخانه به سایر ارگان‌های اصلی سازمان ملل خدمت می‌کند و برنامه‌ها و سیاست‌های تعیین شده به وسیله

آنها را به اجرا در می‌آورد. در راس دبیرخانه، دبیرکل قرار دارد که به وسیله مجمع عمومی به پیشنهاد شورای امنیت برای دوره های پنج ساله قابل تمدید منصوب می‌شود.
کارهایی که به وسیله دبیرخانه انجام می‌شود به تنوع مسائلی است که سازمان ملل متحد به آنها رسیدگی می‌کند. این کارها از انجام عملیات حفظ صلح تا میانجیگری در اختلاف‌های بین‌المللی، از بررسی روندهای اقتصادی و اجتماعی تا انجام مطالعات درباره حقوق بشر و توسعه پایدار را در بر می‌گیرد. کارکنان دبیرخانه همچنین رسانه‌های ارتباطی دنیا را در جریان کار سازمان ملل قرار می‌دهند؛ کنفرانس‌های بین‌المللی درباره مسائل مورد علاقه جهانی تشکیل می‌دهند؛ و سخنرانی‌ها را تفسیر و اسناد را به زبان‌های رسمی سازمان ترجمه می‌کنند.
دبیرخانه حدود ۷۵۰۰ کارمند بر اساس بودجه عادی دارد که از حدود ۱۷۰ کشور هستند. دبیرکل و کارکنان دبیرخانه به عنوان کارمندان کشوری بین‌المللی برای فعالیت‌های خود فقط به سازمان ملل پاسخ می‌دهند و سوگند یاد می‌کنند از هیچ دولتی یا نهاد خارج از این سازمان دستور نگیرند یا دنبال گرفتن آن نروند. هر کشور عضو بر اساس منشور متعهد می‌شود به ویژگی منحصرا بین‌المللی مسئولیت‌های دبیرکل و کارکنان دبیرخانه احترام بگذارد و از تلاش برای اعمال نفوذ نابجا به آنان خودداری کند.
مقر سازمان ملل اگر چه در نیویورک است اما حضوری چشمگیر در آدیس‌آبابا، بانکوک، بیروت، ژنو، نایروبی، سانتیاگو و وین، و دفاتری در سراسر جهان دارد.

دبیرکل

(www.un.org/News/ossg/sg)

دبیرکل، دیپلمات بی‌طرف و مدافع برابری، کارمند کشوری و مقام اجرایی اصلی، نماد آرمان‌های سازمان ملل متحد و سخنگوی منافع مردم جهان، به ویژه مردم فقیر و آسیب پذیر است. دبیرکل کنونی، و هفتمین دبیرکل سازمان، آقای کوفی‌عنان از غنا است که اول ژانویه ۱۹۹۷ کار خود را شروع کرد و متعاقبا برای یک دوره پنج ساله دیگر (۲۰۰۶ – ۲۰۰۲) انتخاب شد.

دبیر کل‌های پیشین سازمان ملل

دبیرکل مطابق منشور به پیشنهاد شورای امنیت به وسیله مجمع عمومی منصوب می‌شود. دبیرکل‌های سازمان ملل - پیش از آقای عنان افراد زیر بودند: پطروس پطروس غالی (مصر) از ژانویه ۱۹۹۲ تا دسامبر ۱۹۹۶؛ خاویر پرز دکوییار (پرو) از ژانویه ۱۹۸۲ تا دسامبر ۱۹۹۱؛ کورت والدهایم (اتریش) از ژانویه ۱۹۷۲ تا دسامبر ۱۹۸۱؛ اوتانت (برمه، میانمار کنونی)، از نوامبر ۱۹۶۱، هنگامی که به عنوان دبیرکل موقت منصوب شد (او رسما در نوامبر ۱۹۶۲ به دبیرکلی منصوب شد) تا دسامبر ۱۹۷۱؛ دگ‌همرشولد (سوئد)، از آوریل ۱۹۵۳ تا هنگام مرگ در جریان سقوط هواپیمایی در آفریقا در سپتامبر ۱۹۶۱؛ و تریگوی‌لی (نروژ)، از فوریه ۱۹٤۶ تا کناره‌گیری در نوامبر ۱۹۵۲.

منشور ملل متحد، دبیرکل را «مقام اداری اصلی» سازمان ملل متحد توصیف می‌کند که باید در آن مقام اقدام کند و «وظایف دیگری را که به وسیله شورای امنیت، مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و سایر ارگان‌های سازمان ملل به او تفویض می‌شود، انجام دهد.» منشور همچنین به دبیرکل اختیار می‌دهد «هر موضوعی را که به نظر او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، در معرض توجه شورای امنیت قرار دهد.» این رهنمودها هم اختیارات مقام دبیرکل را نشان می‌دهد و هم به آن امکانات قابل توجهی برای عمل اعطا می‌کند. دبیرکل چنانچه با دقت به نگرانی‌های کشورهای عضو اعتنا نکند در کار خود ناکام خواهد شد، اما او باید ارزش‌ها و اقتدار اخلاقی سازمان ملل را نیز حفظ کند و گاهی حتی با تقبل خطر مبارزه‌جویی یا مخالفت همان کشورهای عضو، به طرفداری از صلح سخن بگوید و عمل کند.

این تنش خلاقه در تمام مدت کار دبیرکل با او است، کاری که شامل شرکت در جلسات نهادهای سازمان ملل؛ مشورت با رهبران جهان، مقام‌های دولتی، نمایندگان گروه‌های جامعه مدنی، بخش خصوصی و سایرین؛ و سفر به سراسر جهان به منظور حفظ تماس با مردم کشورهای عضو و اطلاع از مجموعه گوناگون مسائل مورد علاقه بین‌المللی است که در دستور کار سازمان ملل متحد قرار دارند. دبیرکل هر سال گزارشی درباره کار سازمان منتشر می‌کند که فعالیت‌های آن را ارزیابی و اولویت‌های آینده را مشخص می‌کند.

یکی از حیاتی‌ترین نقش‌های دبیرکل، استفاده از نفوذ خویش و میانجیگری به صورت علنی یا خصوصی، با استفاده از استقلال، بی طرفی و صداقت خود، برای جلوگیری از ایجاد، تشدید یا گسترش اختلاف‌های بین‌المللی است. آقای عنان از آغاز رسیدن به مقام دبیرکلی از نفوذ خود در موقعیت‌های فراوانی، از جمله در قبرس، تی‌مورشرقی، عراق، لیبی، خاورمیانه، نیجریه و صحرای غربی استفاده کرده است.

هر دبیرکلی نقش خود را در چارچوب زمان خاص خود در این مقام تعیین می‌کند. تلاش‌های آقای عنان بر مسائل زیر متمرکز بوده است:

اصلاحات. آقای عنان اندکی پس از رسیدن به این مقام برنامه‌ای فراگیر برای انجام اصلاحات به منظور کمک به سازمان ملل برای تغییر با گذشت زمان و سازگاری با عصری جدید از امور جهانی، ارائه داد.

اقدامات اصلاحی در حوزه نفوذ دبیرکل عمدتا اجرا شده یا در دست اجرا است. این اصلاحات اداری – مانند تلاش شدید برای بهبود شیوه‌های مدیریت – و همچنین سازمانی، با تاکید بر توانمند سازی سازمان ملل برای نشان دادن واکنش موثرتر به تقاضاهای روزافزون از این سازمان به ویژه در زمینه‌های توسعه و حفظ صلح بوده‌اند.

مقام جدیدی با عنوان **معاون دبیرکل** برای کمک به دبیرکل در مجموعه مسئولیت‌های محول شده به دفتر او ایجاد شد. نخستین فردی که به این مقام رسید خانم «لوییز فره‌چته» است که معاون وزیر دفاع ملی کانادا پیش از انتصاب به این مقام در سال ۱۹۹۸ بود.

دبیرکل در ابتدای دوره دوم کار خود مجموعه دیگری از اصلاحات را با عنوان «تقویت سازمان ملل متحد: دستور کاری برای تغییر بیشتر» مطرح کرد که هدف آن تغییر در کار سازمان با توجه به اولویت‌های تعیین شده در اعلامیه هزاره، مصوب کشورهای عضو در سپتامبر ۲۰۰۰، بود. در این مجموعه انجام تغییرهای عمده در شیوه ارائه خدمات دبیرخانه به کشورهای عضو نیز پیشنهاد داده شده و تلاشی را به وسیله یک مجمع سطح بالا برای بررسی و پیشنهاد اصلاحات در روابط سازمان ملل با سازمان‌های غیردولتی، اعضای پارلمان‌ها، بنیادها و اعضای بخش خصوصی آغاز کرد.

مجمع عمومی در این حال به بررسی چند مساله مربوط به تغییرات نهادی که تحت اختیار آن است از جمله اندازه و ترکیب شورای امنیت، شیوه‌های تامین منابع مالی سازمان ملل و ایجاد انسجام بیشتر در نظام گسترده‌تر کارگزاری‌های تخصصی آن، ادامه داده است.

آفریقا. دبیرکل کوشیده است تمرکز بر آفریقا ادامه یابد و حمایت بین‌المللی را برای تلاش‌های این قاره در جهت پیمودن مسیری به صلح و سطوح بالاتر توسعه، بسیج کند. نگرش او در گزارشی در سال ۱۹۹۸ با عنوان «دلایل مناقشه و ترویج صلح قابل دوام و توسعه پایدار در آفریقا»ارائه شده که دارای مجموعه کامل تدابیر «واقعگرایانه و قابل تحقق» است که برای کاهش خشونت و تنش سیاسی در داخل و بین کشورهای آفریقایی، و رسیدگی به مسائل توسعه مانند حکومت، بدهی، تجارت، کمک توسعه رسمی و شیوع بیماری‌هایی مانند ایدز طراحی شده است. دبیرکل همچنین دفتر مشاور ویژه درباره آفریقا تاسیس کرده تا از واکنش کل نظام سازمان ملل در حمایت از توسعه آفریقا، به ویژه در زمینه اجرای مشارکت جدید برای توسعه آفریقا، حمایت و آن را هماهنگ کند.

عملیات صلح. دهه ۱۹۹۰ شاهد افزایش فعالیت‌های حفظ و برقراری صلح و تغییرات چشمگیر در ماهیت خود مناقشات، در وهله اول کاهش مناقشات بین کشورها و افزایش فراوانی و خشونت و درنده‌خویی مناقشات در داخل کشورها، بود. تجربه‌های دشوار در زمینه نشان دادن واکنش به این اضطرارهای پیچیده بشر دوستانه باعث شده است دبیر کل تاکید فراوانی در این باره قائل شود که اطمینان حاصل کند هنگامی که از سازمان ملل خواسته می‌شود انجام عملیات صلح را به عهده بگیرد برای انجام این کار، از نظر نظامی، مالی و سیاسی کاملا مجهز و آماده باشد.

علاوه بر تدابیر در نظر گرفته شده در برنامه‌های اصلاحات دبیرکل، سه گزارش اصلی به این تلاش کمک کرده‌اند. نخستین گزارش، که به تقاضای مجمع عمومی به وسیله دبیرکل در سال ۱۹۹۹ تسلیم شد، به شرارت‌ها و بی‌رحمی‌هایی رسیدگی می‌کرد که علیه جمعیت مسلمان بوسنی در ۱۹۹۵ در «منطقه امن» سر بر نیتسا که توسط سازمان ملل ایجاد شده بود، مرتکب شده بودند. گزارش دوم که به دستور دبیرکل تهیه و در ۱۹۹۹ منتشر شد، تحقیقی مستقل به سرپرستی اینگوارکارلسون نخست وزیر سابق سوئد درباره اقدامات سازمان ملل متحد در جریان قتل عام ۱۹۹٤ در رواندا بود.

گزارش سوم، ابتکاری از دبیرکل که در ۲۰۰۰ منتشر شد، بررسی جامعی از فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه صلح و امنیت به وسیله هیات عالیرتبه منصوب دبیرکل و به ریاست اخضر ابراهیمی وزیر خارجه پیشین الجزایر بود. این گزارش به منظور نتیجه‌گیری از دو گزارش دیگر برای آینده، حاوی پیشنهادهایی گسترده برای دبیرخانه و کشورهای عضو، به ویژه کشورهایی بود که در شورای امنیت خدمت می‌کنند. اجرای بسیاری از این پیشنهادها به بهبود توانایی سازمان ملل برای استقرار و مدیریت عملیات پیچیده حفظ صلح و ایجاد صلح، کمک کرده است، حتی اگر ارزش کامل این بهبودهادرزمان کنونی درک و آشکارنشود.

توافق جهانی. دبیر کل در سال ۱۹۹۹ در مجمع جهانی اقتصاد در داووس، سوئیس، یک «توافق جهانی» را پیشنهاد کرد که شرکت‌های خصوصی و کارگزاری‌های سازمان ملل، دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و کارگری را برای پیشبرد ۹ اصل شناخته شده جهانی در حوزه‌های حقوق بشر، کارگری و محیط زیست دور هم می‌آورد.

توافق جهانی از شروع رسمی آن در ژوییه ۲۰۰۰، که ۵۰ شرکت قول حمایت دادند، به سرعت رشد کرده است. تا ژوئن ۲۰۰٤ شبکه مشارکت کنندگان در آن شامل نزدیک به ۱۵۰۰ شرکت در سراسر جهان، گروه‌های کارگری بین‌المللی و تعدادی از سازمان‌های جامعه مدنی بود. توافق جهانی اکنون در بیش از ۷۰ کشور، بیشتر در دنیای در حال توسعه، ریشه دارد و الهام بخش ده‌ها طرح و ابتکار بوده است از جمله طرحی برای حمایت از کسب و کار و سرمایه‌گذاری در کشورهای کمتر توسعه یافته ، و موافقت نامه ای به وسیله سازمان بین‌المللی

سازمان ملل متحد، عا ملی برای تغییر

کوفی‌عنان دبیرکل سازمان ملل در «گزارش هزاره» خود، ما مردمان: نقش سازمان ملل متحد در قرن بیست و یکم* می‌گوید عوامل امروز در صحنه جهانی فقط دولت‌ها نیستند. بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و کارگزاری‌های چند جانبه به حد روز افزونی به منظور یافتن راه حل‌های عمومی برای مشکلات جهانی با دولت‌ها کار می‌کنند.

سازمان ملل باید تلاش کند نقش آن عوامل جهانی را خود به عهده نگیرد بلکه عاملی موثرتر برای تغییر و هماهنگی بین آنها و محرک اقدام دسته جمعی در سطح جهانی شود. دبیرکل اقدام در این حوزه‌ها را پیشنهاد می‌کند:

• شناسایی نقاط قوت اصلی سازمان ملل. نفوذ این سازمان از قدرت ناشی نمی‌شود بلکه از ارزش‌هایی که نماینده آن است، نقش آن در کمک به تعیین و حفظ اصول و معیارهای جهانی، توانایی آن به برانگیختن علاقه و اقدام جهانی، و اعتماد ناشی از کار عملی آن برای بهبود زندگی مردم سرچشمه می‌گیرد. سازمان ملل متحد باید بر این قدرت‌ها تکیه کند و در همان حال خود را برای مطابقت با موقعیت‌های جدید تغییر دهد تا بتواند به گونه‌ای موثر کار کند و از مشروعیت بی‌چون و چرا برخوردار شود. به علاوه سازمان باید روابط خود را با سازمان‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی گسترش دهد.

• مشارکت در اطلاعات و خدمات برای تغییر. سازمان ملل باید بدون تشریفات، اطلاعات و خواست سیاسی و مربوط به خط‌مشی را در اختیار نهادهای رسمی قرار دهد، نهادهای بین‌المللی، جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت‌ها را در جست و جوی هدف‌های مشترک گرد هم آورد.

• ایجاد ارتباط‌های دیجیتال. سازمان ملل متحد باید از فن‌آوری جدید اطلاعات به طور کامل بهره‌برداری کند تا کارآمدتر شود و تعامل و همکاری متقابل خود را با بقیه جهان بهبود بخشد.

• پیشبرد انقلاب آرام. سازمان ملل متحد به اصلاحات ساختاری و اجماع روشن‌تر درباره اولویت‌ها بین کشورهای عضو نیاز دارد. سازمان ملل متحد برای خدمت بیشتر مشابه به کشورها و مردم «باید موثرتر، کارآتر، و قابل دسترس‌تر به مردم جهان شود.»

گزارش هزاره در تدارک اجلاس هزاره، یعنی بزرگترین گردهمایی سران کشورها یا دولت‌ها در تاریخ، انتشار یافت. در آن اجلاس، که از ۶ تا ۸ سپتامبر ۲۰۰۰ در مقر سازمان ملل تشکیل شد، رهبران کشورهای جهان دستورالعمل‌های روشنی برای سازمان ملل در قرن جدید ایجاد کردند. اعلامیه هزاره، که به اتفاق آرا تصویب شد، مجموعه‌ای از هدف‌های مشخص و مقاصد ویژه برای جامعه بین‌المللی تعیین کرد تا با چالش اصلی حصول اطمینان از این که جهانی سازی نیرویی مثبت برای همه شود، برخورد کند.

---

* «گزارش هزاره»، ما مردمان: نقش سازمان ملل در قرن بیست و یکم.
سازمان ملل متحد .2000,ISBN 92-I-I00 844-1,E.00.1.16
همچنین در www.un.org/millennium/sg/report نیز در دسترس است.

کار فرمایان و کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های صنفی و کارگری آزاد برای همکاری در مبارزه جهانی علیه بیماری ایدز و ویروس آن.
دبیرکل آوریل سال ۲۰۰۰ «فراخوان برای اقدام» را به منظور برخورد با شیوع بیماری ایدز و ویروس آن – که وی به عنوان «اولویت شخصی» خود توصیف کرد – منتشر ساخت و تاسیس صندوق جهانی ایدز و بهداشت را به منظور خدمت به عنوان ساز و کاری برای تامین بعضی از هزینه‌های روزافزون به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه برای مقابله با این بحران پیشنهاد کرد. این صندوق در سال ۲۰۰۲ عملیاتی شد.

بودجه سازمان ملل متحد

بودجه عادی سازمان ملل متحد برای دوره های دو ساله به وسیله مجمع عمومی تصویب می‌شود. لایحه بودجه را دبیرکل تسلیم و **کمیته مشورتی مسائل اداری و بودجه‌ای** آن را بررسی می‌کند. این کمیته مرکب از ١٦ کارشناس است که از سوی دولت‌های خود نامزد و به وسیله مجمع عمومی انتخاب می‌شوند اما در سمت و موقعیت شخصی خود خدمت می‌کنند. **کمیته برنامه و هماهنگی**، متشکل از ٣٤ کارشناس که به وسیله مجمع عمومی انتخاب می شوند و نماینده دیدگاه‌های دولت‌های خود هستند، جنبه‌های برنامه‌ای بودجه را بررسی می‌کند.
بودجه تصویب شده برای دو سال ۲۰۰۵ – ۲۰۰٤ مبلغ ۳/١٦ میلیارد دلار است که با توجه به نرخ واقعی و در عمل نسبت به بودجه دو سال ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ رشدی نداشت. بودجه صرف اجرای برنامه‌های سازمان ملل متحد در حوزه‌هایی مانند امور سیاسی، حقوق و دادگستری بین‌المللی، همکاری بین‌المللی برای توسعه، اطلاعات همگانی، حقوق بشر و امور بشردوستانه می‌شود.
منبع اصلی تامین بودجه حق عضویت کشورها است. سهمیه کشورها بر مقیاسی تعیین می‌شود که به توصیه **کمیته سهمیه‌ها** به تصویب مجمع عمومی رسیده است. این کمیته از ۱۸ کارشناس تشکیل شده که در سمت شخصی خود خدمت می‌کنند و به توصیه کمیته اداری و بودجه‌ای (کمیته پنجم) مجمع عمومی به‌وسیله مجمع انتخاب می‌شوند.
معیار اصلی که مقیاس تعیین بودجه بر آن استوار است توانایی کشورها به پرداخت حق عضویت است. این رقم پس از بررسی سهم‌های نسبی آنها از مجموع تولید ناخالص ملی، و پس از تعدیل با در نظر گرفتن چند عامل، از جمله درآمدهای سرانه آنها تعیین می‌شود. این کمیته هر سه سال بر مبنای جدیدترین آمار درآمد ملی، در مقیاس تعیین سهمیه به طور کامل تجدید نظر می‌کند تا اطمینان حاصل نماید ارزیابی‌ها عادلانه و دقیق باشد. مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰ حداکثر ۲۲ درصد بودجه را برای هر یک از سهمیه‌دهندگان تعیین کرد.

موقعیت مالی کلی سازمان ملل متحد چند سال به علت قصور مداوم بسیاری از کشورهای عضو در پرداخت کامل و به موقع سهمیه‌های تعیین شده خود ناپایدار بوده است. سازمان ملل متحد توانسته است با کمک‌های داوطلبانه بعضی از کشورها و وجود صندوق سرمایه در گرد ش خود (که کشورهای عضو به نسبت سهمیه‌های تعیین شده خود به آن پرداخت می‌کنند)، و با وام گرفتن از عملیات حفظ صلح، به فعالیت ادامه دهد.

مجموع سهمیه‌های پرداخت نشده کشورهای عضو به بودجه عادی در پایان سال ۲۰۰۳ به حدود ٤٤٢ میلیون دلار رسید. از ۱۹۱ کشور عضو ارزیابی شده، ۱۲۷ کشور سهم خود را به طور کامل پرداخته بودند در حالی که ٦٦ کشور نتوانسته بودند به تعهدات مالی قانونی و مقرر خود به سازمان عمل کنند.

کشورهای عضو علاوه بر بودجه عادی هزینه‌های دادگاه‌های بین‌المللی، و بر اساس متن اصلاح شده حد پایه، هزینه‌های عملیات حفظ صلح را نیز می‌پردازند.

هزینه‌های حفظ صلح در سال ۱۹۹۵ به رقم بی‌سابقه ۳ میلیارد دلار رسید که نشان دهنده به ویژه هزینه‌های عملیات در سومالی و یوگسلاوی سابق است، اما در سال ۱۹۹۹ به ۸۸۹ میلیون دلار کاهش یافت. در پایان ۲۰۰۱ هزینه سالانه حفظ صلح سازمان ملل بار دیگر به بیش از ۳ میلیارد دلار افزایش یافته بود که گویای ماموریت‌های مهم جدید در کوزوو، تی‌مورشرقی (تی‌مور لسته کنونی)، سیرالئون، جمهوری دموکراتیک کنگو، و اریتره و اتیوپی بود. ژوییه ۲۰۰۳ بودجه‌های تصویب شده برای ۱۲ ماه بعد کمتر از ۲/۲ میلیارد دلار بود.

مجموع سهمیه‌ها برای عملیات حفظ صلح در پایان ۲۰۰۳ به حدود ۱/۱ میلیارد دلار رسید. عدم دریافت سهمیه‌های تعیین شده، با تاخیر پرداخت به کشورهایی که با اعزام سرباز، ارسال تجهیزات و حمایت تدارکاتی کمک کرده بودند، جبران وبه این ترتیب باری ناعادلانه بر دوش این کشورها گذاشته شد.

صندوق‌ها و برنامه‌های ملل متحد – مانند صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)، برنامه عمران ملل متحد، و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان – بودجه‌های جداگانه دارند. قسمت اعظم منابع آنها بر مبنای داوطلبانه به وسیله دولت‌ها، و همچنین به وسیله افراد، مانند مورد یونیسف، تامین می‌شود. کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل نیز بودجه جداگانه دارند که از طریق کمک‌های داوطلبانه کشورها تامین می‌شود.

خانواده سازمان‌های ملل متحد

(www.unsystem.org)

خانواده سازمان‌های ملل متحد («نظام ملل متحد») شامل **دبیرخانه سازمان ملل متحد، صندوق‌ها و برنامه‌های** سازمان ملل متحد (مانند یونیسف و برنامه عمران ملل متحد)،

کارگزاری‌های تخصصی (مانند یونسکو و سازمان جهانی بهداشت) و **سازمان‌های مربوطه** است. صندوق‌ها و برنامه‌ها، نهادهای وابسته به مجمع عمومی هستند. کارگزاری‌های تخصصی از طریق موافقت نامه های ویژه با سازمان ملل متحد پیوند دارند و به شورای اقتصادی و اجتماعی و یا مجمع عمومی گزارش می‌دهند. سازمان‌های مربوطه – از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان تجارت جهانی – به حوزه‌های تخصصی رسیدگی می‌کنند و بودجه و تشکیلات حقوقی و قانونی ویژه خود را دارند. در مجموع، سازمان‌های نظام ملل متحد به همه حوزه‌های تلاش اقتصادی و اجتماعی رسیدگی می‌کنند.

هیات مدیران اجرایی اصلی برای هماهنگی نظام ملل متحد. این هیات که قبلا کمیته هماهنگی اداری نامیده می‌شد نماینده کل نظام ملل متحد است. اعضای آن سران اجرایی ۲۷ سازمان، از جمله صندوق‌ها، برنامه‌ها، کارگزاری‌های تخصصی و سازمان‌های مربوطه سازمان ملل هستند. هدف آن تسهیل هماهنگی روزافزون نظام ملل متحد برای دستیابی به هدف‌های مشترک کشورهای عضو در طیفی گسترده از مسائل است. هیات مدیران اجرایی اصلی برای هماهنگی نظام ملل متحد، برای رسیدگی به مسائل بنیادی و مدیریتی که نظام ملل متحد با آن مواجه است سا لی دو بار به ریاست دبیرکل تشکیل جلسه می‌دهد. بخشی از وظایف آن را نهادهای وابسته انجام می دهند ، که هر یک از آنها بر جنبه‌ای ویژه ا ز همکاری در داخل نظام تمرکز می‌کنند. (به *http://ceb.unsystem.org* نگاه کنید).

دبیرخانه سازمان ملل متحد

(www.un.org/documents/st)

دبیرخانه سازمان ملل متحد شامل ادارات و دفاتری است که درزیر معرفی شده اند. **دفتر اجرایی دبیرکل،** متشکل از دبیرکل و مشاوران ارشد او، سیاست‌های کلی تدوین و راهنمایی‌های کلی به سازمان ارائه می‌دهد. مقر دبیرخانه در نیویورک است و دفاتری در همه مناطق جهان دارد.

سه مرکز اصلی فعالیت آن در ژنو، وین و نایروبی است. **دفتر سازمان ملل متحد در ژنو** ،به ریاست سرگئی الکساندرو ویچ اوردژو نیکیدزه، مدیرکل آن (فدراسیون روسیه)، مرکزی برای دیپلماسی گفت و گو و مجمعی برای خلع سلاح و حقوق بشر است. **دفتر سازمان ملل متحد در وین** ، به ریاست آنتونیو ماریاکاستا، مدیر کل آن (ایتالیا) مقر فعالیت‌ها در زمینه کنترل بین‌المللی سوءاستفاده از مواد مخدر، پیشگیری از جرایم وبسط عدالت کیفری، استفاده مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو و حقوق تجارت بین‌الملل

است. **دفتر سازمان ملل متحد در نایروبی** به ریاست کلاس تاپفر مدیر کل آن (آلمان)، مقر فعالیت‌ها در زمینه‌های محیط زیست و اسکان بشر است.

دفتر نظارت بر خدمات داخلی

(www.un.org/Depts/oios)

معاون دبیرکل Mr. Dileep Nair (Singapore)

دفتر نظارت برخدمات داخلی، حسابرسی داخلی، شامل نظارت، بازرسی و ارزیابی، و همچنین مشاوره در زمینه مدیریت و خدمات تحقیقی مستقل، حرفه‌ای و به موقع ارائه می‌دهد. هدف دفتر این است که عنصری برای تغییر باشد و از اداره مسئولانه منابع، فرهنگ پاسخگویی و شفافیت، و عملکرد برنامه بهتر، حمایت کند. این دفتر:

- بر کارآیی و تاثیر اجرای برنامه‌ها و ماموریت‌ها نظارت و آنها را ارزیابی می‌کند؛
- حسابرسی‌های داخلی فراگیر انجام می‌دهد؛
- بازرسی‌های برنامه‌ها و واحدهای سازمانی را انجام می‌دهد؛
- درباره گزارش‌های مربوط به سوء مدیریت و بدرفتاری تحقیق به عمل می‌آورد؛
- به مدیران برنامه خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهد تا برای افزایش کارآیی به آنان کمک کند؛
- بر اجرای پیشنهادهای ناشی از حسابرسی‌ها، ارزیابی‌ها، بازرسی‌ها و تحقیقات نظارت می‌کند.

دفتر نظارت بر خدمات داخلی، دبیرخانه و عملیات مهم حفظ صلح و بشردوستانه را پوشش می‌دهد و به صندوق‌ها و برنامه‌های عملیاتی گوناگون کمک می‌کند. این دفتر حدود ۱۷۲ کارمند و حدود ۲۰ میلیون دلار بودجه سالانه دارد. دفتر نظارت بر خدمات داخلی از سال ۱۹۹٤ در مجموع از مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار حیف و میل و تقلب در سازمان پرده برداشته است.

معاون دبیرکل برای ریاست نظارت بر خدمات داخلی را دبیرکل منصوب، و مجمع عمومی او را برای یک دوره پنج ساله بدون امکان تمدید، تایید می‌کند.

نظام ملل متحد

ارگان‌های اصلی

شورای قیمومت	شورای امنیت	مجمع عمومی

نهادهای وابسته	نهادهای وابسته
کمیته ستاد نظامی کمیته دائمی و نهادهای ویژه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا کمیسیون نظارت، تایید و بازرسی سازمان ملل (عراق) کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد عملیات و ماموریت‌های حفظ صلح	کمیته‌های اصلی سایر کمیته‌های اجلاسی کمیته‌های دائمی و نهادهای ویژه سایر ارگان‌های وابسته

برنامه‌ها و صندوق‌ها

(کنفرانس تجارت و توسعه/ سازمان تجارت جهانی) (UNCTAD/WTO) برنامه عمران ملل متحد UNDP دفتر کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان UNHCR
مرکز تجارت بین‌المللی **ITC** صندوق توسعه سازمان ملل متحد برای زنان UNIFEM برنامه جهانی غذا WFP
برنامه کنترل مواد مخدر ملل متحد[1] UNDCP داوطلبان ملل متحد UNV کارگزاری کارو امداد سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک[2] UNRWA
برنامه محیط زیست ملل متحد UNEP صندوق توسعه سرمایه ملل متحد UNCDF برنامه اسکان بشر ملل متحد (UN-HABITAT(UNHSP
صندوق کودکان سازمان ملل متحد UNICFF صندوق جمعیت ملل متحد UNFPA

موسسات تحقیقی و آموزشی

موسسه تحقیقات بین منطقه‌ای موسسه تحقیقات سازمان ملل موسسه بین‌المللی تحقیقات
ملل متحد در زمینه جرم و عدالت UNICRI برای توسعه اجتماعی و آموزش UNRISD برای پیشرفت زنان INSTRAW
موسسه آموزش و تحقیقات ملل متحد UNITAR
موسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل متحد[2] UNIDIR

سایر نهادهای سازمان ملل

دفتر کمیساریای سازمان ملل دفتر خدمات طرح دانشگاه سازمان برنامه مشترک سازمان ملل
برای حقوق بشر**OHCHR** سازمان ملل **UNOPS** ملل **UNU** درباره بیماری ایدزو ویروس آن **UNAIDS**
کالج کارکنان نظام ملل متحد **UNSSC**

پانویس: خطوط مستقیم از یک ارگان اصلی، نشانه رابطه گزارش دهی مستقیم است؛ خطوط منقطع نشانه رابطه غیر وابسته است. ۱- برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل بخشی از دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل است. ۲- UNRWA و UNIDIR فقط به مجمع عمومی گزارش می‌دهند. ۳- حروف اختصاری سازمان تجارت جهانی و سازمان جهانی گردشگری (WTO) یکسان است. ۴- آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت و مجمع عمومی گزارش می‌دهد. ۵- کمیته تدارکاتی برای سازمان پیمان ممنوعیت آزمایش هسته‌ای (CTBTO) و سازمان پیشگیری از سلاح‌های شیمیایی (OPCW) به مجمع عمومی گزارش می‌دهند. ۶- کارگزاری‌های تخصصی سازمان‌های خود مختار هستند که از طریق تشکیلات هماهنگ کننده شورای اقتصادی و اجتماعی در سطح بین دولتی، و از طریق هیات مدیران اجرایی اصلی برای هماهنگی در سطح بین دبیرخانه‌ای با سازمان ملل و با یکدیگر کار می‌کنند.

کمیسیون‌های کارکردی

کمیسیون‌های:
حقوق بشر
مواد مخدر
پیشگیری از جرم و عدالت کیفری
علوم و فن‌آوری برای توسعه
توسعه پایدار
موقعیت زنان
کمیسیون جمعیت و توسعه برای توسعه اجتماعی

کمیسیون‌های منطقه‌ای

کمیسیون اقتصادی آفریقا
کمیسیون اقتصادی اروپا
کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین و کاراییب
کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام
کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیای غربی

سایر نهادها

مجمع دائمی درباره مسائل بومی
مجمع سازمان ملل درباره جنگل‌ها
کمیته‌های دائمی و اجلاسی
نهادهای کارشناسی، ویژه و مربوطه

سازمان‌های مربوطه

سازمان تجارت جهانی **WTO**[3]
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی **IAEA**[4]

کمیته تدارکاتی برای سازمان ممنوعیت پیمان آزمایش‌های هسته‌ای **CTBTO PREP.COM**[5]
سازمان پیشگیری از سلاح‌های شیمیایی **OPCW**[5]

کارگزاری‌های تخصصی[6]

سازمان بین‌المللی کار **ILO**
سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد **FAO**
سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد **UNESCO**
سازمان جهانی بهداشت **WHO**

گروه بانک جهانی

بانک بین‌المللی برای بازسازی و توسعه **IBRD**
انجمن بین‌المللی توسعه **IDA**
شرکت تامین مالی بین‌المللی **IFC**
کارگزاری چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری **MIGA**
مرکز بین‌المللی حل دعاوی سرمایه‌گذاری **ICSID**
صندوق بین‌المللی پول **IMF**
سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری **ICAO**
سازمان بین‌المللی دریانوردی **IMO**
اتحادیه بین‌المللی ارتباطات **ITU**
اتحادیه جهانی پست **UPU**
سازمان جهانی هواشناسی **WMO**
سازمان جهانی مالکیت معنوی **WIPO**
صندوق بین‌المللی توسعه‌کشاورزی **IFAD**
سازمان توسعه‌صنعتی‌ملل متحد **UNIDO**
سازمان جهانی گردشگری **WTO**[3]

اداره‌ها و دفترها

دفتر دبیرکل **OSG**
دفتر نظارت برخدمات داخلی **OISO**
دفتر امور حقوقی **OLA**
اداره امور سیاسی **DRA**
اداره امور خلع سلاح **DDA**
اداره عملیات حفظ صلح **DPKO**
دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه **OCHA**
اداره امور اقتصادی و اجتماعی **DESA**
اداره مدیریت مجمع عمومی و کنفرانس **DGACM**
اداره اطلاعات همگانی **DPI**
اداره مدیریت**DM**
دفتر نماینده عالی کشورهای کمترتوسعه یافته، کشورهای در حال توسعه فاقد دسترسی به دریا و کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای **OHRLLS**
دفترهماهنگ‌کننده امنیت سازمان ملل متحد **UNSECOORD**
دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد **UNODC**

***

دفتر سازمان ملل متحد در ژنو **UNOG**
دفتر سازمان ملل متحد در وین **UNOV**
دفتر سازمان ملل متحد در نایروبی**UNON**

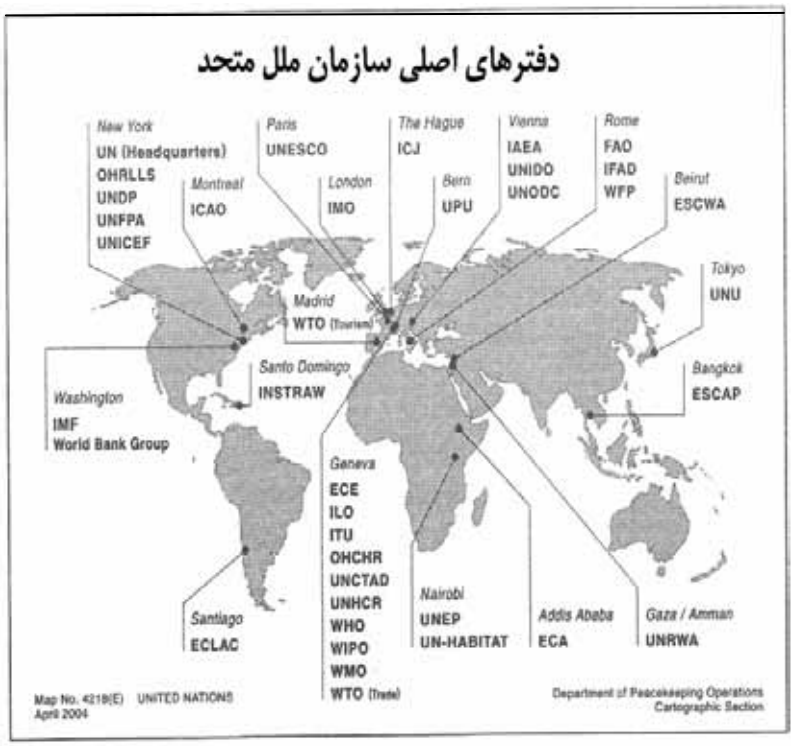

دفتر امور حقوقی

(http://untreaty.un.org/ola - internet/olahome.html)

معاون دبیرکل Mr. Nicolas Michel (Switzerland)

مشاور حقوقی (تا ١٦ اوت ٢٠٠٤)

دفتر امور حقوقی بخش اصلی حقوقی سازمان ملل متحد است که به دبیرکل، اداره‌ها و دفترهای دبیرخانه، و ارگان‌های اصلی و وابسته سازمان ملل در زمینه حقوق خصوصی و عمومی بین‌الملل مشاوره حقوقی ارائه می‌دهد؛ وظایف اساسی و دبیرخانه‌ای را برای ارگان‌های حقوقی که باحقوق بین‌الملل عمومی ، حقوق دریاها و حقوق تجارت بین‌الملل سرو کار دارند انجام می‌دهد؛ و وظایفی را که در ماده ١٠٢ منشور ملل متحد و قانون دیوان بین‌المللی دادگستری به دبیرکل محول شده، انجام می‌دهد.

دفتر امور حقوقی به مسائل حقوقی مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی؛ به منزلت و موقعیت اجتماعی، امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل متحد؛ و به استوارنامه‌ها، به شکایات و درخواست‌های کشورهای عضو رسیدگی می‌کند. دفتر امور حقوقی پیش نویس‌های کنوانسیون‌ها، موافقت نامه های بین‌المللی، مقررات مربوط به تشریفات ارگان‌ها و کنفرانس‌ها و سایر مصوبات

حقوقی سازمان ملل را تهیه می‌کند. این دفتر همچنین خدمات و مشاورات حقوقی درباره حقوق بین‌الملل خصوصی و اداری و درباره قطعنامه‌ها و مقررات سازمان ملل ارائه می‌دهد.

به علاوه، این دفتر خدمات دبیرخانه‌ای برای کمیته ششم مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بین‌الملل، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل، ارگان‌های ایجاد شده به وسیله کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل، دادگاه اداری و سایر نهادهای حقوقی سازمان ملل ارائه می‌دهد. دفتر همچنین مسئولیت‌های دبیرکل را در مورد ثبت و انتشار معاهدات به عنوان خزانه و امانت‌دار کنوانسیون‌های چند جانبه انجام می‌دهد.

رئیس این دفتر یعنی مشاور حقوقی، نماینده دبیرکل در جلسات و کنفرانس‌های دارای ماهیت حقوقی، و همچنین در دعاوی قضایی و حکمیت است. مشاور حقوقی همچنین اسناد حقوقی صادر شده از جانب سازمان ملل را گواهی می‌کند، جلسات مشاوران حقوقی نظام ملل متحد را تشکیل می‌دهد، و نماینده سازمان ملل در چنین جلساتی است.

اداره امور سیاسی

(www.un.org/Depts/dpa)

معاون دبیرکل Mr. Kieran Prendergast (United Kingdom)

اداره امور سیاسی درباره کلیه امور سیاسی به دبیرکل در انجام مسئولیت‌های سیاسی او طبق منشور که مربوط به حفظ و احیای صلح و امنیت است مشورت می‌دهد و از وی حمایت می‌کند. اداره امور سیاسی بنابراین:

- بر تحولات سیاسی در سراسر جهان نظارت و آنها را تجزیه و تحلیل و ارزیابی می‌کند؛
- مناقشات بالقوه یا عملی را که سازمان ملل می‌تواند در کنترل و حل آنها نقش مفیدی داشته باشد شناسایی می‌کند؛
- اقدام مناسب در چنین مواردی را به دبیرکل پیشنهاد می‌دهد و سیاست تایید شده را اجرا می‌کند؛
- به دبیرکل در انجام فعالیت‌های سیاسی در حوزه‌های دیپلماسی پیشگیرانه، برقراری، حفظ و ایجاد صلح که او، مجمع عمومی و شورای امنیت درباره‌اش تصمیم گرفته‌اند، کمک می‌کند؛
- درباره تقاضاها برای کمک‌های انتخاباتی دریافت شده از کشورهای عضو به دبیرکل مشورت می‌دهد و برنامه‌های تدوین شده در پاسخ به چنین تقاضاهایی را هماهنگ می‌کند؛
- در جنبه‌های سیاسی روابط دبیرکل با کشورهای عضو به او مشورت می‌دهد و از وی پشتیبانی می‌کند؛

• به شورای امنیت و نهادهای وابسته به آن، و همچنین به کمیته اعمال حقوق مسلم مردم فلسطین و کمیته ویژه ٢٤ درباره استعمارزدایی خدمت می‌کند.
رئیس این اداره – معاون دبیرکل در امور سیاسی – از جمله مشاوره و مذاکره درباره حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها را به عهده می‌گیرد، و محور فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه ایجاد صلح، فعالیت‌های پیشگیرانه و کمک به برگزاری انتخابات است.

اداره امور خلع سلاح

(http://disarmament.un.org)

معاون دبیرکل Mr. Nobuyasu Abe (Japan)

اداره امور خلع سلاح از هدف خلع سلاح و عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، و همچنین تقویت رژیم‌های خلع سلاح با توجه به سایر سلاح‌های کشتار همگانی، از جمله سلاح‌های شیمیایی و میکربی حمایت می‌کند. این اداره حامی خلع سلاح در حوزه سلاح‌های متعارف، به ویژه با توجه به اجرای برنامه اقدام ۲۰۰۱ درباره تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک، یعنی سلاح‌های انتخابی در مناقشات معاصر، است. خلع سلاح، شامل برنامه‌های مدیریت جمع‌آوری و ذخیره سازی سلاح‌ها، و همچنین خلع سلاح و مرخص کردن مبارزان پیشین و تلفیق دوباره آنان در جامعه مدنی است. این اداره از محدود کردن نصب مین‌های زمینی ضد نفر و در نهایت جمع‌آوری آنها نیز حمایت می‌کند.
اداره امور خلع سلاح از تعیین معیار در زمینه خلع سلاح از طریق کار مجمع عمومی و کمیته نخست آن، کمیسیون خلع سلاح، کنفرانس درباره خلع سلاح و نهادهای دیگر حمایت سازمانی و بنیادی به عمل می‌آورد و خواستار انجام تدابیر پیشگیرانه در زمینه خلع سلاح، مانند گفت‌وگو، شفافیت و اعتمادسازی درباره مسائل نظامی، از جمله ثبت سلاح‌های متعارف و خبررسانی استاندارد شده سازمان ملل درباره هزینه‌های نظامی است. این اداره تلاش‌های منطقه‌ای برای خلع سلاح، از جمله ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای، و رژیم‌های شفافیت زیر منطقه‌ای و منطقه‌ای را تشویق می‌کند و همچنین از ابتکارهای آموزشی درباره تلاش‌های خلع سلاح سازمان ملل اطلاعات ارائه می‌دهد و از آنها حمایت می‌کند.

اداره عملیات حفظ صلح

(www.un.org/Depts/dpko)

معاون دبیرکل Mr. Jean – Marie Guehenno (France)

اداره عملیات حفظ صلح مسئول کمک به کشورهای عضو و دبیرکل در تلاش‌های آنها برای حفظ، دستیابی و نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی است و این کار را با برنامه‌ریزی، تدارک و

اجرای عملیات حفظ صلح سازمان ملل، مطابق اختیارات تفویض شده به وسیله کشورهای عضو انجام می‌دهد.

این اداره:

• برای عملیات حفظ صلح جدید احتمالی برنامه‌ریزی می‌کند؛

• طرح‌ها، روش‌ها و بودجه‌ها را برای این عملیات پس از صدور دستور اجرای آنها، تدوین می‌کند؛

• از طریق مذاکره با کشورهای عضو، پرسنل کشوری، نظامی و پلیس، واحدهای پلیس، و تجهیزات و خدمات لازم برای اجرای ماموریت فراهم می‌کند؛

• برای عملیات مورد نظر، پس از قطعیت آنها، و همچنین برای هیات‌های سیاسی و بشردوستانه حمایت تدارکاتی و اداری فراهم می‌سازد؛

• از عملیات حفظ صلح حمایت به عمل می‌آورد و برای آنها راهنمایی اجرایی و سیاسی فراهم می‌کند؛

• با طرف‌های مناقشات و اعضای شورای امنیت درباره اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت تماس برقرار می‌کند؛

• مسائل سیاسی در حال ظهور و بهترین شیوه‌های مربوط به حفظ صلح را تجزیه و تحلیل، و سیاست‌ها و رویه‌ها درباره آنها را تنظیم می‌کند؛

• کلیه فعالیت‌های سازمان ملل را در ارتباط با مین‌های زمینی هماهنگ می‌کند، و برنامه‌های اقدام مربوط به مین درموقعیت‌های اضطراری وحفظ صلح را تدوین واز آنها حمایت می‌کند.

رئیس این اداره، یعنی معاون دبیرکل در عملیات حفظ صلح، عملیات حفظ صلح را از جانب دبیر کل هدایت می‌کند؛ سیاست‌ها و خط مشی‌ها را تنظیم می‌کند؛ و درباره کلیه مسائل مربوط به حفظ صلح و اقدام در زمینه مین به دبیر کل نظر مشورتی می‌دهد.

دفتر هماهنگی امور بشردوستانه

(www.reliefweb.int/ocha_ol)

معاون دبیرکل در امور بشردوستانه Mr. Jan Egeland (Norway)

هماهنگ کننده امداد اضطراری

ماموریت دفتر هماهنگی امور بشردوستانه، تقویت هماهنگی بین نهادهای سازمان ملل متحد است که در پاسخ به رویدادهای اضطراری کمک می‌کنند. این دفتر برای ایجاد توافق بین سازمان‌های «کمیته دایمی بین کارگزاری» درباره تقسیم مسئولیت‌ها، مانند ایجاد ساز و کارهای هماهنگی، ماموریت‌های فزاینده برای ارزیابی نیازها، آماده کردن تقاضاهای تثبیت شده و بسیج منابع، کار می‌کند.

وظایف اصلی هماهنگ کننده امدادهای اضطراری عبارتند از:
• تدوین و هماهنگی سیاست، حصول اطمینان از این که به کلیه مسائل بشردوستانه، از جمله مسائلی که بین فاصله‌ها در ماموریت‌های کارگزاری‌ها پیش می‌آیند رسیدگی شود.
• حمایت و دفاع از مسائل بشردوستانه در ارگان‌های سیاسی، به ویژه شورای امنیت؛
• هماهنگی واکنش به رویدادهای اضطراری بشردوستانه، با تضمین این که سازوکاری مناسب برای واکنش در محل ایجاد شود؛ این کار از طریق کمیته دائمی بین کارگزاری، که ریاست آن بر عهده هماهنگ کننده امدادهای اضطراری است، انجام می‌شود.
دفتر هماهنگی امور بشردوستانه ۳۷۵ کارمند در سراسر جهان دارد و بودجه عادی آن ۲۰/۵ میلیون دلار در سال است.

اداره امور اقتصادی و اجتماعی

(www.un.org/esa/desa)

معاون دبیرکل Mr. Jose Antonio Ocampo (Colombia)

اداره امور اقتصادی و اجتماعی در سه حوزه گسترده مرتبط با هم فعالیت می‌کند:
• طیفی گسترده از داده‌ها و اطلاعات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی درباره مسائل و روندهای مرتبط را گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌کند. از این اطلاعات تحلیلی، برای مطلع کردن عوامل و فرآیندهای سیاستگذاری سازمان ملل، و همچنین مخاطبانی بیشتر، استفاده می‌شود.
• اداره امور اقتصادی و اجتماعی با تامین حمایت از کشورهای عضو و سایر شرکت‌کنندگان در شرایطی که آنها درباره مسائل مورد علاقه جهانی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و مربوطه وفاق ایجاد می‌کنند، مذاکرات در مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی و نهادهای وابسته به آن را تسهیل می‌کند.
• این اداره همچنین به دولت‌ها، به تقاضای خود آنها، درباره امکانات رسیدگی به چالش‌های توسعه آنها – از جمله توسعه برنامه‌ها و فعالیت‌های ملی برای انجام اقداماتی که در اجلاس هزاره، کنفرانس بین‌المللی مونتری درباره منابع تامین سرمایه برای توسعه، اجلاس جهانی درباره توسعه پایدار، و سایر کنفرانس‌ها و اجلاس‌های جهانی اقتصادی، اجتماعی و مربوط به محیط زیست درباره آنها توافق شده، مشورت ارائه می‌دهد.
اداره امور اقتصادی و اجتماعی در زمینه‌های توسعه پایدار، مسائل جنسیتی و پیشرفت زنان، تجزیه و تحلیل سیاست توسعه، جمعیت، آمار، حکومت و اداره امور عمومی و حکومت الکترونیک، و سیاست اجتماعی و توسعه کار می‌کند. حوزه‌های جدید کار آن شامل حمایت از «ایجاد تریبونی همیشگی برای مسائل بومی»، برای «نیروی ضربت فن‌آوری‌های اطلاعات و

ارتباطات سازمان ملل»، و برای مجمع سازمان ملل درباره جنگل‌ها است. این اداره از نزدیک با سازمان‌های غیردولتی، و همچنین سایر نمایندگان جامعه مدنی همکاری می‌کند.

اداره مدیریت مجمع عمومی و کنفرانس‌ها

(www.un.org/Depts/DGACM)

معاون دبیرکل Mr. Chen Jian (China)

اداره مدیریت مجمع عمومی و کنفرانس‌ها به مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیته‌ها و سایر نهادهای وابسته آنها، و کنفرانس‌هایی که خارج از مقر سازمان ملل برگزار می‌شوند خدمات حمایتی فنی و دبیرخانه‌ای ارائه می‌دهد. این اداره مسئول پردازش و صدور همه اسناد رسمی به عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی در مقر سازمان ملل است و خدمات مربوط به تفسیر و تعبیر از این زبان‌ها و به این زبان‌ها را در جلسات بین دولتی ارائه می‌دهد. اداره فوق همچنین گزارش‌های رسمی سازمان ملل متحد را تولید می‌کند.

رئیس این اداره، یعنی معاون دبیرکل برای مدیریت مجمع عمومی و کنفرانس‌ها، مسئول توسعه و هماهنگی سیاست‌های مدیریت کنفرانس‌ها برای سازمان ملل در سراسر جهان است. وی به رئیس مجمع عمومی درباره همه مسائل مربوط به اجلاس و کار مجمع عمومی و کمیته‌های عمومی و اصلی آن نظر مشورتی ارائه می‌دهد.

اداره اطلاعات همگانی

معاون دبیرکل Mr. Shashi Tharoor (India)

ماموریت اداره اطلاعات همگانی کمک به تحقق هدف‌های اساسی سازمان ملل با انتقال راهبردی اطلاعات درباره فعالیت‌ها و مسائل سازمان به همگان است و این کار را برای جلب حمایت همگانی به منظور تحقق هدف‌های سازمان ملل انجام می‌دهد. این اداره از برنامه‌های مربوط به فعالیت‌ها، اقدامات و فعالیت‌های اطلاعاتی، خدمات خبری و گزارشی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، اطلاعیه‌های مطبوعاتی، انتشارات، فیلم‌های مستند و رویدادهای ویژه برای ابلاغ و انتقال پیام خود استفاده می‌کند و خدمات کتابخانه‌ای ارائه می‌دهد. اداره اطلاعات همگانی علاوه بر کارکنان خود در مقر سازمان ملل ۵۷ مرکز و سرویس اطلاعات در سراسر جهان، و همچنین یک مرکز منطقه‌ای (RUNIC) در بروکسل و عناصر اطلاعاتی در هشت دفتر سازمان ملل دارد.

معاون دبیرکل برای ارتباطات و اطلاعات همگانی، که رئیس این اداره است، مسئول سیاست اطلاعات همگانی و ارتباطات سازمان ملل و مسئول کسب اطمینان از این امر است

که سازمان جریان هماهنگ شده، دقیق و شفاف اطلاعات درباره مسئولیت‌ها و کار خود را به رسانه‌ها، جامعه مدنی و کلیه مردم ارائه دهد.
این اداره از سه بخش تشکیل شده است. بخش ارتباطات راهبردی که سیاست‌های ارتباطی را برای حمایت از اولویت‌های سازمان ملل تدوین و اجرای آنها را در این اداره و در سراسر نظام ملل متحد هماهنگ می‌کند. این اداره محصولات اطلاعاتی تولید می‌کند تا درباره مسائل موضوعی مهم، به منظور گذاشتن آنها به ویژه در اختیار رسانه‌های جهانی، تبلیغ کند. اداره اطلاعات همگانی به شبکه جهانی مراکز اطلاعات سازمان ملل حمایت برنامه‌ای و عملیاتی و به بخش اطلاعات ماموریت‌های صلح حمایت و برنامه‌ریزی در زمینه ابزارهای ارتباطی ارائه می‌دهد.
بخش خبر و رسانه‌ها مسئول تولید وپخش خبرها و اطلاعات سازمان ملل به رسانه‌ها در سراسر جهان است و به روزنامه نگارانی که مطالب سازمان ملل را منعکس می‌کنند حمایت تدارکاتی ارائه می‌دهد و جریان مداوم خبر را به شش زبان از طریق مرکز خبر سازمان ملل در وب حفظ می‌کند. این اداره پوشش اجلاس‌ها و رویدادهای سازمان ملل – از جمله بیانیه‌های مطبوعاتی، مطالب زنده تلویزیونی، برنامه‌های رادیویی و عکس‌ها – را ارائه می‌دهد و مطالب مستند رادیویی و تلویزیونی و برنامه‌های خبری درباره سازمان ملل تولید و پخش می‌کند. این بخش همچنین نشریاتی درباره سازمان ملل، مانند حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد تولید می‌کند.
کتابخانه اصلی سازمان ملل متحد یعنی کتابخانه دگ همر شولد، قسمتی از بخش برقراری ارتباط است مانند سایر بخش‌های این اداره که با سازمان‌های غیردولتی و موسسات آموزشی کار می‌کنند و بخش‌هایی که خدمات ودادو ستد محصولات اطلاعاتی سازمان ملل متحد را برعهده دارند. بخش برقراری ارتباط نمایشگاه‌ها و رویدادهای ویژه درباره موضوع‌های دارای اولویت برگزار می‌کند، یک برنامه آموزشی سالانه برای روزنامه‌نگاران کشورهای در حال توسعه ترتیب می‌دهد، و با سازمان‌های بخش عمومی و خصوصی برای پیشبرد هدف‌های سازمان همکاری می‌کند. اجرای سفرهای هدایت شده به مقر سازمان ملل متحد، پاسخ دادن به سوال‌های مردم، و معرفی سخنگویان عمومی درباره مسائل سازمان ملل متحد نیز از مسئولیت‌های این بخش است که کتاب سال سازمان ملل متحد و UN Chronicle (وقایع نامه سازمان ملل) را نیز منتشر می‌کند.
دفتر سخنگوی دبیرکل مسئول برنامه‌ریزی فعالیت‌های مربوط به رسانه‌های دبیرکل و شرح دادن سیاست‌ها و کار سازمان ملل متحد به رسانه‌های جهان است. سخنگو هر روز روزنامه‌نگاران را در جریان کار دبیرکل و تحولات سراسر نظام ملل متحد، از جمله شورای امنیت و سایر ارگان‌های اصلی آن، مانند دادگاه‌ها، کارگزاری‌ها، صندوق‌ها و برنامه‌ها قرار می‌دهد. سخنگو به طور مستقیم به دبیرکل گزارش می‌دهد.

اداره مدیریت

معاون دبیرکل Ms. Catherine Bertini (United States)

اداره مدیریت به همه واحدهای دبیرخانه حمایت مدیریتی و راهنمایی راهبردی در زمینه خط‌مشی و سیاست در سه حوزه مربوط به مدیریت ارائه می‌دهد: مالی، منابع انسانی و خدمات حمایتی. این مسائل در حوزه وظایف دفاتر تدوین برنامه، بودجه و حساب‌ها؛ مدیریت منابع انسانی؛ و خدمات حمایت مرکزی قرار می‌گیرند.

این اداره مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های بهبود یافته مدیریت در دبیرخانه؛ مدیریت و آموزش کارکنان؛ مدیریت منابع مربوط به طراحی برنامه، بودجه، مالی و انسانی؛ و نوآوری‌های مربوط به فن‌آوری است. اداره مدیریت همچنین خدمات فنی برای پنجمین کمیته مجمع عمومی (اداری و بودجه‌ای)، و کمیته برنامه و هماهنگی ارائه می‌دهد.

رئیس این اداره، یعنی معاون دبیرکل برای مدیریت، برای تهیه برنامه میان‌مدت و بودجه‌های دوساله سازمان از نظر خط‌مشی راهنمایی و هدایت و هماهنگی برقرار می‌کند.

او نماینده دبیرکل در مسائل مربوط به مدیریت است و بر مسائل مدیریتی نظارت می کند که در سراسر دبیرخانه پدید می آید. این معاون دبیرکل با اختیارات تفویض شده از طرف دبیرکل همچنین نسبت به اجرای موثر عدالت در داخل سازمان اطمینان حاصل می‌کند.

دفتر هماهنگ کننده امنیت سازمان ملل متحد

معاون دبیرکل

هماهنگ کننده امنیت سازمان ملل متحد*

دفتر هماهنگ کننده امنیت سازمان ملل از جانب دبیرکل و سران کارگزاری‌ها، برنامه‌ها و صندوق‌های سازمان ملل، برای حصول اطمینان از واکنش منسجم نظام ملل متحد به هر موقعیت اضطراری، اقدام می‌کند. این دفتر مسئول کلیه مسائل مربوط به خط‌مشی و روش کار مربوط به امنیت است، و از جانب دبیرکل تصمیم‌های مربوط به همه جنبه‌های انتقال را اتخاذ می‌کند.

دبیرکل روز ۳ مارس ۲۰۰۴ گزارش مربوط به امنیت در عراق را از «هیات پاسخگویی»که ایجاد کرده بود تا درباره اوضاع امنیتی در عراق در دوره منتهی به حمله تروریستی ۱۹ اوت ۲۰۰۳ به مقر سازمان ملل در هتل کانال بغداد تحقیق کند، دریافت کرد. این هیات گزارش داد ضابطه مدیریت امنیت در خصوص هتل کانال «به شدت ناقص و فاقد انسجام» بود و «هماهنگ کننده امنیت سازمان ملل نتوانست در رابطه با دشواری‌هایی که کارکنان دفتر هماهنگ کننده امنیت سازمان ملل در بغداد با آنها مواجه بودند اقدام اصلاحی و چاره ساز انجام دهد.» دبیرکل، از جمله خواهان استعفای «تون میات» (میانمار) هماهنگ کننده امنیت سازمان ملل شد. وی استعفا کرد و هماهنگ کننده امنیت دیگری منصوب خواهد شد.

این دفتر پیشنهادهای مشروح برای تضمین ایمنی و امنیت کارکنان و اعضای واجد شرایط خانواده کل نظام ملل متحد تنظیم می‌کند؛ برنامه‌های ایمنی و امنیتی بین کارگزاری را هماهنگ، طراحی و اجرا می‌کند؛ و به عنوان نقطه کانونی همکاری بین کارگزاری عمل می‌کند.
بودجه این دفتر بر مبنایی بین کارگزاری به‌وسیله کلیه شرکت‌کنندگان در هیات مدیران اجرایی اصلی برای هماهنگی نظام ملل متحد تامین می‌شود.

دفتر نماینده عالی برای کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه فاقد دسترسی به دریا و کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای

(http://www.un.org/ohrlls)

معاون دبیرکل Mr. Anwarul K. Chowdhury (Bangladesh)

نماینده عالی برای کشورهای
کمتر توسعه یافته، کشورهای
در حال توسعه فاقد دسترسی به دریا
و کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای

د فتر نماینده عالی کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه فاقد دسترسی به دریا و کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای دسامبرسال ۲۰۰۱ به‌وسیله مجمع عمومی ایجاد شد. هدف آن کمک به بسیج و جلب حمایت بین‌المللی برای اجرای *اعلامیه و برنامه اقدام بروکسل ۲۰۰۱*، مصوب کشورهای کمتر توسعه یافته و شرکای توسعه آنها، و کسب اطمینان از هماهنگی، نظارت و بازبینی موثر اجرای آنها است.
وظایف اصلی این دفتر: کمک به دبیرکل برای کسب اطمینان از بسیج و هماهنگی کامل نظام ملل متحد در اجرا، پیگیری و نظارت بر برنامه اقدام در سطوح کشوری، منطقه‌ای و جهانی؛ حمایت از شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی در ارزیابی پیشرفت، از جمله بازبینی سالانه اجرای برنامه؛ و حمایت مناسب، پیگیری هماهنگ از اجرای *چارچوب جهانی برای همکاری در زمینه حمل و نقل ترانزیت بین کشورهای فاقد دسترسی به دریا و کشورهای در حال توسعه انتقالی و جامعه کمک دهنده، و برنامه اقدام باربادوس برای توسعه پایدار کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه است.*
دیگر وظایف اصلی آن عبارتند از: اقدام حمایتی به سود کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه فاقد دسترسی به دریا و کوچک جزیره‌ای، در مشارکت با نهادهای مربوطه سازمان ملل، جامعه مدنی، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و بنیادها ؛ و کمک به بسیج حمایت و منابع بین‌المللی به منظور اجرای برنامه اقدام برای کشورهای کمتر توسعه یافته، و همچنین برای سایر

برنامه‌ها و ابتکارها به سود کشورهای در حال توسعه فاقد دسترسی به دریا و کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای.
دفتر نماینده عالی، نخستین کنفرانس جهانی را برای رسیدگی به نیازها و مسائل ویژه کشورهای در حال توسعه فاقد دسترسی به دریا ۲۸ و ۲۹ اوت سال ۲۰۰۳ در آلماتی، قزاقستان تشکیل داد. این کنفرانس که در سطح وزیران برگزار شد، در صدد برآمد به منظور بهبود فراگیر شرایط برای این کشورها از طریق همکاری کشورهای ترانزیت، کشورهای کمک دهنده، کارگزاری‌های چند جانبه و خود کشورهای فاقد دسترسی به دریا مذاکره کند: آقای چاوداری به عنوان دبیرکل کنفرانس بین‌المللی وزیران منصوب شد.

کمیسیون‌های منطقه‌ای

کمیسیون‌های منطقه‌ای سازمان ملل متحد به کمیسیون اقتصادی و اجتماعی گزارش می‌دهند و دبیرخانه‌های آنها تحت مسئولیت دبیرکل قرار دارند. ماموریت آنها ابتکار تدابیری است که به توسعه اقتصادی هر منطقه کمک و روابط اقتصادی کشورهای آن منطقه را، چه بین خود آنها و چه با سایر کشورهای جهان، تقویت کند. بودجه آنها از بودجه عادی سازمان ملل تامین می‌شود.

کمیسیون اقتصادی آفریقا

(www.uneca.org)

کمیسیون اقتصادی آفریقا، که سال ۱۹۵۸ تشکیل شد، برای تشویق رشد بخش‌های اقتصادی و اجتماعی این قاره فعالیت می‌کند. این کمیسیون از سیاست‌ها و برنامه‌ها برای افزایش همکاری و یکپارچگی اقتصادی بین ۵۳ کشور عضو خود، به ویژه در حوزه‌های تولید، تجارت، مالی، زیربنایی و نهادی حمایت می‌کند. کمیسیون اقتصادی برای آفریقا بر تولید اطلاعات و تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی و اجتماعی؛ بر حمایت از امنیت غذایی و توسعه پایدار؛ تقویت مدیریت توسعه؛ استفاده از انقلاب اطلاعات برای توسعه؛ و حمایت از همکاری و یکپارچگی منطقه‌ای تمرکز می‌کند. به بهتر کردن شرایط زنان، افزایش مشارکت و تصمیم‌گیری آنان در مسائل مربوط به توسعه، و تضمین این امر که زنان و برابری جنسیتی عناصر اصلی در توسعه ملی هستند، توجه ویژه معطوف می‌شود.

دبیر اجرایی: Mr.k.y.Amoako (Ghana)
نشانی PO Box 3001,Addis Ababa,Ethiopia
Tel:(251-1)51-7200;fax:(251-1)51-0365;Email: *ecainfo @ uneca.org*

کمیسیون اقتصادی اروپا

(www.unece.org)

کمیسیون اقتصادی اروپا، که سال ۱۹٤۷ ایجاد شد، مرکز همکاری اقتصادی کشورهای آمریکای شمالی، اروپا و آسیای مرکزی است. این کمیسیون ۵۵ عضو، از جمله اسرائیل، دارد. حوزه‌های اولویت آن شامل: تجزیه و تحلیل اقتصادی، محیط زیست و اسکان بشر، آمار، انرژی پایدار، تجارت، توسعه صنعت و کسب و کار، الوار و حمل و نقل است. کمیسیون اقتصادی اروپا تحقق هدف‌های خود را در درجه اول از طریق بحث‌ها و تجزیه و تحلیل خط‌مشی‌ها و روش‌ها، تدوین کنوانسیون‌ها، مقررات و ضوابط دنبال می‌کند. اجرای این اسناد و مصوبات به حذف موانع و ساده کردن تشریفات تجارت در منطقه ودر ارتباط با بقیه جهان مساعدت می‌کند. هدف بعضی از آنها بهبود محیط زیست است. این کمیسیون به اجرای آنها با ارائه کمک‌های فنی، به ویژه به کشورهای دارای اقتصادهای انتقالی، کمک می‌کند.

دبیراجرایی: Ms.Brigita Schmognerova (slovakia)

نشانی: Palais des Nations,CH-12ll Geneva 10,Switzerland

Tel:(41-22) 917-4444;Fax:(41-22)917-0505;Email: *info.ece@unece.org*

کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و کاراییب

(www.eclac.cl,www.eclac.org)

کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و کاراییب، که سال ۱۹٤۸ تاسیس شد، برای هماهنگ کردن سیاست‌ها به منظور حمایت از توسعه اقتصادی در منطقه تلاش می‌کند. این کمیسیون با ٤۱ کشور عضو و ۷ عضو وابسته خود در زمینه تحقیقات و تجزیه و تحلیل فرآیندهای توسعه منطقه‌ای و ملی همکاری می‌کند. ماموریت آن شامل پیشنهاد، ارزیابی و پیگیری تدابیر سیاست عمومی و همچنین ارائه کمک در زمینه‌های اطلاعات تخصصی است.

این کمیسیون با سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی درباره مسائلی مانند: توسعه کشاورزی؛ برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی؛ توسعه در زمینه صنعت، فن‌آوری و کارآفرینی؛ تجارت بین‌الملل، یکپارچگی و همگرایی و همکاری منطقه‌ای؛ سرمایه‌گذاری و تامین سرمایه؛ توسعه و برابری اجتماعی؛ یکپارچگی و همگرایی زنان در توسعه؛ زیربناها و منابع طبیعی؛ محیط زیست و اسکان بشر؛ آمار؛ مدیریت اداری؛ جمعیت شناسی و سیاست‌های جمعیتی همکاری می‌کند.

این کمیسیون که مقر آن در سانتیاگو، شیلی، است مرکزی در مکزیکوسیتی، برای آمریکای مرکزی، و مرکز دیگری، در پورت - او - اسپین، در ترینیداد و توباگو، برای حوزه کاراییب دارد. کمیسیون همچنین دفاتر کشوری در بوئنوس‌آیرس، برازیلیا، مونته ویدئو و بوگوتا، و دفتر رابط نیز در واشنگتن دی.سی دارد.

دبیر اجرایی: Mr.Jose Luis Machinea (Argentina)

نشانی: Avenida Dag Hammarskjold23477, Casilla de Correo 179-D,Santiago,Chile
Tel: (56-2)471-2000,210-2000;Fax -(56-2)- 208-0252;Email:*cepal@eclac.clc*

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام

(www.unescap.org)

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام، که سال ۱۹٤۷ ایجاد شد، ماموریت دارد به مسائل اقتصادی و اجتماعی منطقه رسیدگی کند. این کمیسیون، به عنوان تنها مجمع بین دولتی فراگیر برای کل کشورهای آسیا و اقیانوس آرام، نقشی منحصر به فرد اجرا می‌کند. ۵۳ کشور عضو و ۹ کشور عضو وابسته آن نماینده حدود ٦۰ درصد جمعیت جهان هستند. کمیسیون، به دولت‌ها برای توسعه اقتصادی و اجتماعی حمایت فنی می‌دهد. این کمک از طریق ارائه خدمات مستقیم مشورتی به دولت‌ها، آموزش و سهیم شدن در تجربه‌ها و اطلاعات منطقه‌ای از طریق اجلاس‌ها، نشریات، و شبکه‌های بین کشوری انجام می‌شود. کمیسیون، برنامه‌ها و طرح‌هایی برای ترغیب رشد، اصلاح شرایط اجتماعی اقتصادی و کمک به ایجاد اساس و پایه‌های جامعه مدرن اجرا می‌کند. چهار موسسه تحقیقاتی و آموزشی منطقه‌ای - برای توسعه کشاورزی، ماشین آلات و مهندسی کشاورزی، آمار، و انتقال فن‌آوری - تحت نظارت آن کار می‌کنند. کمیسیون همچنین یک مرکز عملیات اقیانوس آرام دارد. حوزه‌های تقدم کنونی آن: کاهش فقر، مدیریت جهانی‌سازی و رسیدگی به مسائل اجتماعی در حال ظهور است.

دبیر اجرایی: Mr.Kim Hak-Su (Republic of Korea)

نشانی: United Nations Building,Rajadamnern Nok Avenue,Bangkok 10200 Thailand
Tel: (66-2) 288-1234;Fax:(66-2) 288-1000;Email:*escap-registry@un.org*

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیای غربی

(www.escwa.org.lb)

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیای غربی، که در سال ۱۹۷۳ ایجاد شد، اقدام هماهنگ برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای آسیای غربی را با حمایت از همکاری و

همگرایی اقتصادی در منطقه تسهیل می‌کند. این کمیسیون که از ۱۳ کشور عضو تشکیل شده، به عنوان مجمع اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی کلی برای منطقه در نظام ملل متحد خدمت می‌کند. برنامه‌های آن به حوزه‌هایی مانند توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، کشاورزی، صنعت، منابع طبیعی، محیط زیست، حمل و نقل، ارتباطات و آمار رسیدگی می‌کنند.

دبیراجرایی: Ms.Mervat M.Tallawy(Egypt)

نشانی: Po Box 11-8575,Riad el-Solh Square,Beirut Lebanon

Tel:- (961-1) 98-1301;Fax: (961-1) 98-1510; - Email: *unescwa@escwa.org.lb*

دادگاه‌های بین‌المللی

دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق

(www.un.org/icty)

دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، که به وسیله شورای امنیت در ۱۹۹۳ تشکیل شد، ماموریت دارد افرادی را که مسئول نقض شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی از سال ۱۹۹۱ در یوگسلاوی سابق هستند تحت تعقیب قرار دهد. این دادگاه ۱٦ قاضی دائمی، ۲۷ قاضی برای مساله مطروحه، که در هر زمان مفروضی می‌تواند از بیش از ۹ نفر از آنان استفاده کند، و ۱۲۳۸ کارمند از ۸٤ کشور دارد. بودجه سال ۲۰۰۳– ۲۰۰۲ آن ۲۲۳ میلیون دلار بود.

این دادگاه تاکنون بیش از ۱۳۰ نفررا به طور علنی متهم کرده و تحت تعقیب قرار است. در پایان سال ۲۰۰۳ پرونده ۵۵نفراز این متهمان تحت بررسی و ۲۰ نفرازآنان نیز آزاد شده بودند. تاکنون ٤٦ متهم محاکمه شده‌اند که ۲۵ نفر از آنان محکوم و زندانی شده‌اند و پنج نفر مجرم شناخته نشده یا تبرئه شده‌اند. یک نفر نیز اخیرا محکوم شد. پرونده‌های ۱۵ متهم دیگر در حال حاضر در دادگاه استیناف است.

رئیس: Judge Theodor Meron (United States of America)

دادستان: Mrs. Carla Del Ponte (Switzerland)

متصدی ثبت: Mr. Hans Holthuis (Netherlands)

نشانی مقر: Churchillplein 1,2517 JW,The Hague,Netherlands

Tel: (31-70) 512-5000;Fax: (31-70) 512-8990

دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا

(www.ictr.org)

دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا که در ۱۹۹٤ به وسیله شورای امنیت ایجاد شد ماموریت دارد افرادی را که مسئول قتل عام و سایر موارد نقض شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی در سال ۱۹۹٤ در رواندا هستند، و همچنین شهروندان رواندا را که مرتکب چنین اعمالی در خاک کشورهای همسایه شدند تحت پیگرد قرار دهد. این دادگاه از سه شعبه برای محاکمه، هر یک با سه قاضی، و شعبه‌ای برای استیناف، متشکل از هفت قاضی - که پنج نفر از آنان در هر پرونده مفروضی قضاوت می‌کنند - تشکیل شده است. دادگاه همچنین ۱۸ قاضی برای موضوع‌های خاص دارد، که از بیش از چهار نفر از آنان می‌تواند در هر زمان مفروضی استفاده کند و کارکنان آن ۸۷۲ نفر هستند. بودجه ۲۰۰۳.- ۲۰۰۲ آن ۱۷۷/۷ میلیون دلار بود.

دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا تا دسامبر ۲۰۰۳ از دستگیری بیش از ٦۰ نفر اطمینان یافته بود. از این تعداد ۱٦ نفر محکوم شده بودند که حکم هشت نفر پس از استیناف تایید یا به عبارت دیگر نهایی شده و یک نفر (او نیز پس از استیناف) تبرئه شده بود. ۲٤ نفر دیگر در حال محاکمه بودند. از جمله محکوم شدگان جین کامباندا، نخست وزیر زمان قتل عام‌ها و نخستین رئیس دولت بود که به اتهام آن کشتارها توقیف و محاکمه شد.

رئیس:	Judge Erik Møse (Norway)
دادستان:	Mr. Hassan B. Jallow (Gambia)
متصدی ثبت:	Mr. Adama Dieng (Senegal)
نشانی:	Arusha International Conference Centre.PO Box 6016, Arusha, Tanzania

Tel: (212)963-2850 or (255-27)250-4369/4372
Fax: (212)963-2848 or (255-27)250-4000/4373

برنامه‌ها و سایر نهادهای سازمان ملل متحد

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (انکتاد)

(www.unctad.org)

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد که در سال ۱۹٦٤ به عنوان نهاد بین دولتی دائمی تشکیل شد، ارگان اصلی مجمع عمومی در حوزه تجارت و توسعه است. ماموریت آن تسریع توسعه تجاری و اقتصادی، به ویژه توسعه تجاری و اقتصادی کشورهای در حال توسعه است.

انکتاد نقطه کانونی در داخل سازمان ملل برای توسعه و مسائل مربوطه در حوزه‌های تجارت، تامین مالی، فن‌آوری، سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار است. هدف‌های اصلی آن تسهیل همگرایی کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار در اقتصاد جهان و حمایت از توسعه از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری است. انکتاد برای نیل به هدف‌های خود تحقیقات و بررسی‌های سیاسی، مشورت‌های بین‌دولتی، همکاری فنی به عمل می‌آورد و با جامعه مدنی و بخش کسب و کار تعامل می‌کند.

کنفرانس انکتاد، عالیترین نهاد سیاستگذاری آن، از ۱۹۲ کشور عضو (از جمله واتیکان) تشکیل شده و هر چهار سال تشکیل جلسه می‌دهد. دهمین کنفرانس انکتاد سال ۲۰۰۰ در بانکوک و انکتاد یازدهم ژوئن ۲۰۰٤ در سائوپائولو، برزیل برگزار شد. نهاد اجرایی آن، یعنی هیات تجارت و توسعه، هر سال برای رسیدگی به کار دبیرخانه اجلاس عادی تشکیل می‌دهد.

بودجه عملیاتی سالانه آن حدود ٤٥ میلیون دلار است که از بودجه عادی سازمان ملل متحد تامین می‌شود. فعالیت‌های مربوط به همکاری فنی، که بودجه آنها از منابع فوق‌العاده تامین می‌شود به حدود ٢٤ میلیون دلار می‌رسد. انکتاد حدود ٤٠٠ کارمند دارد. نشریات اصلی آن عبارتند از: *گزارش تجارت و توسعه*، *گزارش جهانی سرمایه‌گذاری*، *گزارش کشورهای کمترتوسعه یافته*، *راهنمای آماری انکتاد*، *گزارش تجارت الکترونیکی و توسعه*، *بررسی حمل‌ونقل دریایی*، و *توسعه اقتصادی در آفریقا*.

دبیرکل: Mr. Rubens Ricupero (Brazil)

مقر: Palais des Nations CH-1211 Geneva 10,Switzerland

Tel:(41-22)907-1234;Fax(41-22) 907-0043;Email:*Info@unctad.org*

مرکز تجارت بین‌المللی

(www.lntracen.org)

مرکز تجارت بین‌المللی، کارگزاری همکاری فنی انکتاد و سازمان تجارت جهانی برای جنبه‌های عملیاتی، کارو کسب‌گرا در زمینه توسعه تجارت است. این مرکز از اقتصادهای در حال توسعه و انتقالی – و به ویژه از بخش کسب و کار آنها – در تلاش برای تحقق توانایی کامل خود برای توسعه صادرات و بهبود فعالیت‌های وارداتی حمایت می‌کند.

هدف‌های مرکز تجارت بین‌المللی عبارتند از: تسهیل در امر همگرایی کسب و کارهای اقتصادهای در حال توسعه و انتقالی در نظام تجارت چند جانبه؛ حمایت از تلاش‌های ملی برای

طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه تجارت؛ تقویت خدمات حمایتی اصلی تجاری در هر دو حوزه عمومی و خصوصی؛ بهبود عملکرد توسعه در بخش‌های دارای اهمیت و امکانات اساسی؛ و در بخش کسب و کارهای کوچک و متوسط به طور خاص.
برنامه‌های فنی این مرکز عبارتند از: تحقیقات راهبردی و عملیاتی درباره بازار؛ خدمات مشورتی مربوط به کسب وکار؛ مدیریت اطلاعات تجارت؛ آموزش توسعه ظرفیت صادرات؛ توسعه بازارو تولید ویژه بخش‌ها؛ تجارت درخدمات؛ومدیریت زنجیره‌ای بین‌المللی خریدو عرضه.
منابع مالی برنامه عادی مرکز تجارت بین‌المللی را سازمان تجارت جهانی و سازمان ملل متحد به تساوی تامین می‌کنند. این مرکز همچنین، به تقاضای کشورهای ذنیفع، با مساعدت‌های داوطلبانه از دولت‌ها و نهادهای جامعه مدنی، طرح‌هایی را اجرا می‌کند. بودجه سالانه آن حدود ۳۳ میلیون دلارو کارکنان مقر آن نزدیک به ۲۰۰ نفرند و چند صد مشاور دارد.

مدیر اجرایی: Mr.J.Denis Belisle (Canada)
مقر: Palais des Nations,CH-1211 Geneva 10,Switzerland
Tel:(41-22)730-0111;Fax:(41-22)733-4439;Email:*itcreg@lntracen.org*

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد

(www.unodc.org).

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، که پیشتر دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم (تاسیس ۱۹۹۷) نامیده می‌شد برای تقویت توانایی سازمان ملل متحد در امر رسیدگی به مسائل مربوط به کنترل مواد مخدر، پیشگیری از جرم و تروریسم ایجاد شد و شامل برنامه های مقابله با مواد مخدر و برنامه پیشگیری از جرم است.
برنامه مقابله با مواد مخدر مسئول هماهنگی و رهبری فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه کنترل مواد مخدر است که به کشورهای عضو درباره مسائل مربوط به کنترل مواد مخدر مشورت فنی و درباره سوء مصرف، ضبط و گرایشات مربوط به مواد مخدر آمار ارائه می‌دهد؛ و برای تنظیم مقررات و آموزش مسئولان قضایی کمک می‌کند.
این برنامه همچنین برای آموزش مردم جهان درباره خطرهای سوءمصرف مواد مخدر وضرورت تقویت اقدام بین‌المللی علیه تولید، قاچاق، و جرم مرتبط با مواد مخدر فعالیت می‌کند. برنامه جرایم مسئول فعالیت در زمینه پیشگیری از جرم وبسط عدالت کیفری است و برای تقویت حکومت قانون و ترویج نظام‌های دادگستری کیفری باثبات و کارآمد باکشورهای عضو همکاری می‌کند. این بر نامه به مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، قاچاق انسان و سلاح‌های گرم، خلاف‌های مالی، فساد و تروریسم توجه ویژه مبذول می‌کند.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد حدود ۵۰۰ کارمند دارد که در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی از طریق شبکه‌ای از ۲۲ دفتر منطقه‌ای در سراسر جهان، و همچنین دفاتر رابط در نیویورک و بروکسل کار می‌کنند. بودجه ۲۰۰۳– ۲۰۰۲ آن ۱۸۱/۹ میلیون دلار، شامل ۱٦٦/٤ میلیون دلار برای برنامه مقابله با مواد مخدر و ۱۵/۵ میلیون دلار برای پیشگیری از جرایم بود. انتظار می‌رود نود درصد منابع برای برنامه مقابله با مواد مخدر و ٤۹ درصد برای پیشگیری از جرایم از کمک دهندگان داوطلب، و بقیه از بودجه عادی سازمان ملل تامین شود.

مدیر اجرایی: Mr. Antonio Maria Costa (Italy)

مقر: Vienna International Centre, wagramerstrasse 5,
PO Box 500,A-1400 Vienna,Austria
Tel: (43-1)26060-0 ; Fax: (43-1) 26060-5866;Email: *unodc@unodc.org*

برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد

(www.unep.org)

برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد سال ۱۹۷۲ تاسیس شد. ماموریت آن رهبری و تشویق مشارکت‌ها برای مراقبت از محیط زیست با توانمند سازی ملت‌ها و مردم برای بهتر کردن کیفیت زندگی خود بدون به خطر انداختن زندگی نسل‌های آینده است.

برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، به عنوان نهاد اصلی این سازمان در زمینه محیط زیست، دستور کار محیط زیست جهانی را تعیین، از اجرای بعد زیست محیطی توسعه پایدار در نظام ملل متحد حمایت، و به عنوان طرفدار مقتدر محیط زیست جهان خدمت می‌کند.

هیات مدیره برنامه محیط زیست سازمان ملل یعنی شورای حاکم آن، که از ۵۸ کشور تشکیل شده سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. منابع مالی برنامه‌ها به وسیله صندوق محیط زیست، متشکل از مساعدت‌های داوطلبانه از دولت‌ها، تامین و به وسیله صندوق‌های سپرده و اختصاص مبلغ اندکی از بودجه عادی سازمان ملل تکمیل می‌شود. بودجه این صندوق برای ۲۰۰٤–۲۰۰۳ یکصدوسی میلیون دلار بود. برنامه محیط زیست سازمان ملل ٦۰۵ کارمند دارد.

مدیر اجرایی: Mr.Klaus Toepfer (Germany)

مقر: United Nations Avenue,Gigiri,PO Box 30552,Nairobi Kenya
Tel:(254-20)621-234;Fax:(254-20)624-489/490;Email: *cpiinfo@unep.org*

برنامه عمران ملل متحد

(www.undp.org)

برنامه عمران ملل متحد، شبکه جهانی عمران و توسعه سازمان ملل متحد است که حامی تغییر است و کشورها را برای کمک به مردم آنها به منظور ایجاد زندگی بهتر، به دانش، تجربه و منابع

پیوند می‌دهد. این برنامه در ١٦٦ کشور فعال است و بر اساس راه حل‌های مردم خود آنها، برای چالش‌های جهانی و ملی مربوط به توسعه فعالیت می‌کند. به تدریج که این کشورها توانایی محلی خود را شکل می‌دهند از تخصص این برنامه و شرکای فراوان آن استفاده می‌کنند.
رهبران جهان وعده داده‌اند هدف‌های توسعه هزاره را، که شامل هدف فراگیر کاهش فقر به نصف تا سال ۲۰۱۵ است، تحقق بخشند. شبکه برنامه عمران ملل متحد تلاش‌های ملی و جهانی برای رسیدن به این هدف‌ها را هماهنگ و بین آنها پیوند برقرار می‌کند. این برنامه بر کمک به کشورها برای دستیابی به راه حل‌ها در برابر چالش‌های حکومت مطلوب، کاهش فقر، پیشگیری از بحران‌ها و غلبه بر عوارض آنها، انرژی و محیط زیست، اطلاعات و فن‌آوری ارتباطات، و بیماری ایدز و ویروس آن و سهیم شدن در این راه حل‌ها متمرکز است.
برنامه عمران ملل متحد، صندوق توسعه سرمایه سازمان ملل، صندوق توسعه سازمان ملل برای آنان، و داوطلبان سازمان ملل را نیز اداره می‌کند. این برنامه را هیات اجرایی ٣٦ نفری، به نمایندگی از طرف کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، اداره می‌کند. از جمله نشریات اصلی آن *گزارش توسعه انسانی* سالانه است.

مدیر: Mr. Mark Malloch Brown (United Kingdom)
مقر: 1 UN Plaza,NewYork,NY 10017,USA
Tel:(1-212)906-5000;Fax(1-212)906-5001;Email: *hq@undp.org*

صندوق توسعه ملل متحد برای زنان

(www.unifem.org)

صندوق توسعه ملل متحد برای زنان از توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی حمایت می‌کند. این صندوق برای تضمین مشارکت زنان در کلیه سطوح برنامه‌ریزی و اجرای توسعه فعالیت و همچنین به عنوان رابطی در داخل نظام ملل متحد برای تلاش‌ها به منظور برقراری پیوند بین نیازها و علایق زنان با همه مسائل حیاتی در دستور کارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی کار می‌کند.
صندوق توسعه ملل متحد برای زنان، از زمان ایجاد آن در سال ١٩٧٦، از طرح‌ها و ابتکارها در سراسر جهان در حال توسعه که حقوق بشر زنان، و همچنین توانمندسازی سیاسی،اقتصادی و اجتماعی زنان را ترویج می‌کنند، حمایت کرده است. این ابتکارها و طرح‌ها شامل کسب و کارهای کوچک مردمی که شرایط کاری زنان را بهبود می‌بخشند، تا تلاش‌ها برای آموزش و پرورش عمومی و طراحی قوانین جدید حساس به جنسیت، بوده است.
این صندوق با حفظ استقلال خود با برنامه عمران ملل متحد همکاری می‌کند و به کمیته مشورتی متشکل از نمایندگانی از همه مناطق، و به هیات مدیره اجرایی برنامه عمران ملل متحد

گزارش می‌دهد. ١٤ دفتر زیر منطقه‌ای صندوق عمران ملل متحد برای زنان در سطوح منطقه‌ای و کشوری نمایندگی آن را به عهده دارند. بودجه سالانه آن حدود ۳۵ میلیون دلار است.

مدیر: Ms.Noeleen Heyzer(Singapore)

مقر: 304 East 45th Street,I5th floor,NewYork,NY10017,USA

Tel:(1-212)906-6400;Fax:(1-212)906-6705;Email: *unifem@undp.org*

برنامه داوطلبان سازمان ملل متحد

www.unv.org

برنامه داوطلبان سازمان ملل متحد، بازوی داوطلب نظام ملل متحد است که از ابتکارهای مربوط به صلح، امداد و توسعه در تقریبا ۱۵۰ کشور حمایت می‌کند. این برنامه را که در سال ۱۹۷۰ به وسیله مجمع عمومی ایجاد شد، برنامه عمران ملل متحد اداره می‌کند و به هیات مدیره اجرایی برنامه عمران ملل متحد و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد گزارش می‌دهد. برنامه داوطلبان سازمان ملل متحد از طریق ادارات کشوری برنامه عمران ملل متحد برای اعزام داوطلبان و پشتیبانی از اندیشه داوطلبی فعالیت می‌کند. برنامه داوطلبان سازمان ملل متحد به عنوان برنامه‌ای متکی بر داوطلبان چه در خانواده سازمان ملل متحد و چه از نظر مقیاس آن به عنوان فعالیتی بین‌المللی، منحصر به فرد است. این برنامه از کارکنان حرفه‌ای برای اجرای طرح‌های توسعه درسطح بخش و جامعه، فعالیت‌های کمکی بشردوستانه، و ترویج حقوق بشر و دموکراسی استفاده می‌کند.

در هر سال مفروض بیش از ۵ هزار متخصص، کارگر منطقه‌ای و کارکنان ملی برنامه داوطلبان سازمان ملل متحد، مشاوران کوتاه مدت صنعتی – تجاری و مشاوران بازگشته از خارج از کشور شامل نزدیک به ١٦٠ ملیت در ١٤٠ کشور در حال توسعه مشغول کار هستند. دو سوم این افراد شهروندان خود کشورهای در حال توسعه و یک سوم بقیه از کشورهای صنعتی هستند. بیش از ۳۰ هزار نفر از سال ۱۹۷۱ به عنوان داوطلب سازمان ملل متحد کار کرده‌اند.

داشتن مدرک دانشگاهی و چند سال تجربه کاری از شرایط استخدام در این برنامه است. قراردادها به طور معمول ۲ ساله است ولی برای ماموریت‌های بشردوستانه، انتخاباتی و سایر ماموریت‌ها قراردادهای کوتاهتر منعقد می‌شود. اعضای برنامه داوطلبان سازمان ملل متحد فوق‌العاده ماهانه مختصری دریافت می‌کنند. بودجه آن از برنامه عمران ملل متحد، کارگزاری‌های همکار سازمان ملل و کمک دهندگان به صندوق ویژه داوطلبانه برنامه داوطلبان سازمان ملل متحد تامین می‌شود.

هماهنگ کننده اجرایی: Mr.Ad de Raad (Netherlands)

مقر: Postfach 260 111,D-53153,Bonn,Germany

Tel:(49-228)815-2000;Fax(49-228)815-2001;Email: *lnformation@unv.org*

صندوق جمعیت ملل متحد

(www.unfpa.org)

صندوق جمعیت ملل متحد که فعالیت آن سال ۱۹٦۹ به ابتکار مجمع عمومی شروع شد بزرگترین منبع کمک جمعیتی به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال انتقال است که منابع مالی آن به صورت بین‌المللی تامین می‌شود. این صندوق به تقاضای کشورها به آنها کمک می‌کند تا خدمات بهداشت باروری و تنظیم خانواده را بر مبنای انتخاب فردی،بهترکرده و سیاست‌های جمعیتی در حمایت از تلاش‌ها در جهت توسعه پایدار، تنظیم کنند. این صندوق ارگانی وابسته به مجمع عمومی است و همان هیات مدیره اجرایی برنامه عمران ملل متحد را دارد.

کل بودجه صندوق توسعه ملل متحد از مساعدت‌های داوطلبانه تامین می‌شود که در سال ۲۰۰۲ به حدود ۲٦۱/۱ میلیون دلار، به اضافه ۱۱۳ میلیون دلار برای فعالیت‌های خاص رسید. حدود ٦٤ درصد از کمک آن برای بهداشت باروری، از جمله زایمان بی خطر، تنظیم خانواده، و بهداشت جنسیتی، برای اصلاح روش‌های بهداشت باروری جوانان، کاهش معلولیت‌ها و عوارض ناشی از زایمان ما نند فیستولا، رسیدگی به بیماری ایدز و ویروس آن، و ارائه کمک در موارد اضطراری مصرف می‌شود.

نزدیک به ۲۰ درصد کمک‌های برنامه صندوق جمعیت ملل متحد به برنامه‌های جمعیت و توسعه مربوط می‌شود. هدف آن تضمین موازنه بین ساز و کارهای توسعه و جمعیت با تهیه و ارائه اطلاعات، تاثیر گذاشتن بر خط‌مشی، و ایجاد توانایی ملی در برنامه‌ریزی جمعیت است. بقیه آن به مصرف حمایت می‌رسد. صندوق جمعیت ملل متحد در تلاش برای جلب منابع و تعهد سیاسی برای فعالیت‌های جمعیتی مربوط به هدف‌های توسعه مورد توافق بین‌المللی، از جمله هدف‌های اعلامیه هزاره است. این صندوق ۹۷۲ پست سازمانی دارد.

مدیر اجرایی: Ms. Thoraya Ahmed Obaid (Saudi Arabia)

مقر: 220 East 42nd Street,New York,NY10017,USA

Tel:(1-212)297-5000;Fax:(1-212)370-0201;Email:*hq@unfpa.org*

دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان

(www.unhcr.ch)

دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان که در سال ۱۹۵۰ به وسیله مجمع عمومی ایجاد شد، ماموریت دارد فعالیت بین‌المللی برای حمایت جهانی از پناهندگان و حل مشکلات آنان را رهبری و هماهنگ کند. این دفتر از زمان تشکیل به حدود ۵۰ میلیون پناهنده کمک کرده و در سال‌های ۱۹٥٤ و ۱۹۸۱ جایزه نوبل صلح گرفته است.

مهمترین مسئولیت دفتر کمیساریای عالی، معروف به "حمایت بین‌المللی"، تضمین احترام برای حقوق بشر اساسی پناهندگان، از جمله تقویت توانایی آنان برای پناه گرفتن و کسب اطمینان از این امر است که هیچکس به صورت غیرداوطلبانه به کشوری باز گردانده نشود که در آنجا دلیلی دارد که نگران تعقیب کیفری باشد. دفتر کمیساریای عالی همچنین از موافقت نامه های بین‌المللی پناهندگان حمایت می‌کند، بر پیروی دولت‌ها از حقوق بین‌الملل نظارت می‌کند و کمک‌هایی مانند غذا، آب، پناهگاه و مراقبت‌های بهداشتی به غیر نظامیان فراری می‌دهد. این دفتر در جست و جوی راه حل‌های دراز مدت برای پناهندگان از طریق بازگشت داوطلبانه، در آمیختن در کشورهایی که نخست در صدد پناهندگی به آنجا بر آمدند، یا اسکان مجدد در کشوری ثالث است.

این کارگزاری در سال ۲۰۰۳ با بیش از ۵۰۰۰ کارمند که در ۲۵٤ دفتر در ۱۱۵ کشور کار می‌کردند، از حدود ۲۰ میلیون پناهنده، بازگشته، و آوارگان داخلی ، مراقبت می‌کرد. بیش از ۷۰۰ شریک دولتی، بین دولتی و سازمان غیردولتی با دفتر کمیساریای عالی پناهندگان کار می‌کنند. از این تعداد ۱٤۳ مورد سازمان غیردولتی بین‌المللی و ٤۰٤ مورد سازمان غیردولتی ملی هستند.

برنامه‌های کمیساریای عالی به تصویب و نظارت کمیته اجرایی دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، مرکب از ٦٤ کشور عضو، می‌رسد. بودجه برنامه‌ها را مساعدت‌های داوطلبانه، بیشتر از دولت‌ها، و سایر گروه‌ها از جمله شهروندان و سازمان‌های خصوصی تامین می‌کنند. دفتر کمیساریای عالی پناهندگان کمک مالی محدودی – فقط حدود ۲ درصد مجموع – از بودجه عادی سازمان ملل دریافت می‌کند که منحصرا به مصرف هزینه‌های اداری می‌رسد. مجموع بودجه ۲۰۰۳ به حدود ۱/۱۸ میلیارد دلار رسید.

کمیسر عالی: Mr. Ruud Lubbers (Netherlands)

مقر: Case Postale 2500,CH-1211 Geneva2,Switzerland

Tel:(41-22)739-8111;Fax:(41-22)739-7314/15/16;Email: *hqpi00@unhcr.ch*

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)

(www.unicef.org)

صندوق کودکان سازمان ملل متحد سال ۱۹٤٦ برای کمک به غلبه بر موانعی که فقر، خشونت، بیماری و تبعیض در مسیر کودکان قرار می‌دهد، ایجاد شد. این صندوق بر اساس کنوانسیون حقوق کودکان، یعنی پذیرفته شده‌ترین معاهده در جهان، فعالیت می‌کند. یونیسف معتقد است مراقبت از کودکان و حمایت از حقوق آنان اساس و بنیاد پیشرفت انسان است.

یونیسف در تمام زمینه های مر بوط به تا مین سلامت و بهداشت کودکان، از تولد تا نوجوانی، شرکت دارد و برای حصول اطمینان از این که تمام کودکان در برابر بیماری‌های

رایج کودکی مصونیت یابند، و کودکان و مادران به خوبی تغذیه شوند، فعالیت می‌کند. یونیسف برای جلوگیری از شیوع بیماری ایدز و ویروس آن بین جوانان کار می‌کند و به کودکان و خانواده‌های آلوده به این بیماری کمک می‌کند با حیثیت و شرافت زندگی کنند. یونیسف از آموزش و پرورش دختران حمایت می‌کند زیرا این کار به سود همه کودکان است. یونیسف در جریان حوادث اضطراری و هر جا کودکان در معرض خشونت، سوءاستفاده یا بهره‌کشی هستند از رنج آنان می‌کاهد. یونیسف به عنوان بخشی از جنبش جهانی برای کودکان، جوانان را تشویق می‌کند نظر خود را اعلام و در جریان اتخاذ تصمیم‌هایی که بر زندگی آنان تاثیر می‌گذارد، شرکت کنند. یونیسف در کلیه کارهای خود، مشارکت کودکان و نوجوانان را تشویق می‌کند.

یونیسف را هیات مدیره اجرایی، متشکل از نمایندگانی از ۳۶ کشور، اداره می‌کند که برسیاست‌ها، برنامه‌ها و امور مالی آن نظارت دارد. بیش از ۷۰۰۰ کارمند یونیسف در ۱۵۸ کشور و سرزمین کار می‌کنند و کل بودجه آن از کمک‌های داوطلبانه تامین می شود. هزینه کامل برنامه‌های سال ۲۰۰۲ آن اندکی بیش از یک میلیارد دلار بود. در حالی که دولت‌ها بیشترین حمایت را از یونیسف به عمل می‌آورند، بخش خصوصی و حدود ٦ میلیون نفر از طریق کمیته‌های ملی در جهان صنعتی نیز کمک‌های قابل توجهی به آن می‌دهند.

یونیسف در سال ۱۹٦۵ جایزه صلح نوبل را برد. نشریه اصلی آن ،«اوضاع کودکان جهان» سالانه منتشر می‌شود.

مدیر اجرایی: Ms. Carol Bellamy (USA)

مقر: UNICEF House,3 United Nations Plaza,New York,NY10017,USA

Tel:(1-212)326-7000;Fax:(1-212)888-7465;Email: *lnfo@unicef.org*

برنامه جهانی غذا

(www.wfp.org)

برنامه جهانی غذا، بزرگترین سازمان بشردوستانه دنیا است که مسئول تحویل حدود ٤ میلیون متر یک تن غذا در سال است. این سازمان که سال ۱۹٦۳ به عنوان نهاد مسئول کمک غذایی در نظام ملل متحد تاسیس شد، ماموریت دارد با مبارزه با گرسنگی و فقر به مردم فقیر در کشورهای در حال توسعه کمک کند. این سازمان از کمک غذایی برای حمایت از توسعه اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌کند.

تلاش جهانی این برنامه برای تغذیه کودکان در مدارس می کوشد اطمینان یابد ۳۰۰ میلیون کودک دچار سوء تغذیه جهان تغذیه شوند و آموزش ببینند. برنامه جهانی غذا، در مواقع اضطراری برای قربانیان جنگ‌ها و سوانح طبیعی یا فجایع ساخت دست بشر به سرعت امکانات امدادی برای ادامه زندگی فراهم می‌سازد. در سال ۲۰۰۲، پنجاه و هفت درصد

منابع آن برای امدادهای اضطراری و ۲٦ درصد برای تلاش‌های امدادی طولانی و باز پروری به مصرف رسید. در حالی که قسمت اعظم ذخایر برنامه جهانی غذا به شکل کالا از طرف کشورهای کمک کننده تعهد شده، بیش از ۳۰۰ میلیون دلار به وسیله برنامه جهانی غذا با استفاده از منابع نقد چند جانبه و دو جانبه خریداری می‌شود. این برنامه بیش از هر کارگزاری یا برنامه دیگر سازمان ملل – ۲۰٤ میلیون دلار فقط در سال ۲۰۰۲ – کالا و خدمات از کشورهای در حال توسعه خریداری می‌کند.

برنامه جهانی غذا بیش از ۹ هزار کارمند دارد که بیشتر آنان در منطقه کار می‌کنند. در سال ۲۰۰۲ نزدیک به ۳/۷ میلیون تن غذا به ۷۲ میلیون نفر در ۸۲ کشور تحویل داده شد. برنامه جهانی غذا در سال ۲۰۰۳ به ۱۱۰ میلیون نفر کمک غذایی رساند که در تاریخ ٤۰ ساله آن بی‌سابقه بود کاری که با مساعدت‌های سخاوتمندانه به بودجه ٤/۳ میلیارد دلاری آن، میسر شد. این برنامه بزرگترین عملیات بشردوستانه تاریخ را در عراق به انجام رساند و در همان حال به حدود ٤۰ میلیون نفر نیز در آفریقا، در جریان یکی از بدترین فجایع غذایی چند دهه اخیر این قاره، غذا رساند.

برنامه جهانی غذا به وسیله هیات مدیره اجرایی ۳٦ نفری اداره می‌شود که نیمی از آنان را شورای اقتصادی و اجتماعی و نیمی دیگر را فائو انتخاب می‌کند. هیات مدیره هر سال چهار بار تشکیل جلسه می‌دهد و بر فعالیت‌های بشردوستانه و کمک غذایی برنامه جهانی غذا نظارت می‌کند.

مدیر اجرایی: Mr. James T. Morris (USA)

مقر: Via C.G.Viola 68,Parco dei Medici,00148 Rome,Italy

Tel:(39-06)6513-1;Fax:(39-06)6513-2840;Email: *wfpinfo@wfp.org*

کارگزاری امداد و کارسازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطین در خاور نزدیک

(www.unrwa.org)

کارگزاری امداد و کار سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک را مجمع عمومی سال ۱۹٤۹ تاسیس کرد تا برای آوارگان فلسطینی کار امدادی انجام دهد. در ماموریت آن، بدون وجود راه حلی برای مشکل آوارگی مردم فلسطین، هرچند یک بار، تجدید نظر شده که تازه‌ترین مورد آن در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵ بود.

این سازمان نخستین بار به حدود ۷۵۰,۰۰۰ آواره فلسطینی که خانه و معاش خود را در نتیجه مناقشه ۱۹٤۸ اسرائیل– اعراب از دست داده بودند، امداد اضطراری داد و در حال حاضر تامین کننده اصلی خدمات اساسی یعنی آموزش و پرورش، بهداشت، خدمات امدادی و اجتماعی، به بیش از ٤/۱ میلیون آواره فلسطینی ثبت شده در خاور میانه، از جمله حدود ۱/۳ میلیون نفری است که در ۵۹ اردوگاه آوارگان در اردن، لبنان،

سوریه، نوارغزه و ساحل غربی زندگی می‌کنند. این سازمان از اکتبر ۲۰۰۰ برای کاهش بدترین عوارض حمله به اراضی اشغالی فلسطینی، در این مناطق نیز عملیات امدادی اضطراری انجام داده است.

مراکز کارگزاری امداد و کار سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطین در خاور نزدیک در غزه و امان (اردن) بر فعالیت های آن نظارت و از آن حمایت می کنند. کمیسر کل، که به طور مستقیم به مجمع عمومی گزارش می‌دهد، از کمک کمیسیون مشورتی مرکب از بلژیک، مصر، فرانسه، ژاپن، اردن، لبنان، سوریه، ترکیه، انگلیس وایالات متحده برخوردار است.

کارگزاری امداد بیش از ۲٤,۲۰۰ کارمند محلی، بیشتر از آوارگان فلسطینی، دارد و سازمان ملل متحد هزینه بیش از ۱۰۰ کارمند بین‌المللی آن را تامین می‌کند. این کارگزاری برای عملیات عادی و اضطراری خود تقریبا به طور کامل به کمک‌های داوطلبانه متکی است. بیشتر کمک‌ها نقدی، اگرچه ۷ درصد به صورت کالا، عمدتا به شکل کمک‌های غذایی برای توزیع بین آوارگان نیازمند، است. بودجه عادی سال ۲۰۰۳ آن ۳٤٤ میلیون دلار بود.

کمیسر کل: Mr. Peter Hansen (Denmark)

مقر: (Gaza)Gamal Abdul Nasser Street Gaza City

Tel:(972-8)677-7333;Fax:(972-8)677-7555; Email: *unrwa-pio@unrwa.org*

مقر (امان، اردن): Bayader Wadi Seer,PO Box 140157,Amman 11814,Jordan

Tel:(962-6)582-6171/6176;Fax:(962-6)582-6177; *Email:Jorpio@unrwa.org*

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

(www.unhchr.ch)

مجمع عمومی سال ۱۹۹۳ پست کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد را به عنوان مقامی با مسئولیت اصلی برای فعالیت‌های حقوق بشر تعیین کرد. کمیساریای عالی مسئول ترویج و حمایت از اصل برخورداری کلیه افراد بشر از حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. این ماموریت به وسیله دفتر کمیساریای عالی برای حقوق بشر انجام می‌شود.

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر به عنوان نقطه کانونی کلیه فعالیت‌های حقوق بشر سازمان ملل متحد عمل می‌کند و به درخواست مجمع عمومی و سایر نهادهای سیاستگذاری، گزارش‌هایی تهیه می‌کند و تحقیقاتی انجام می‌دهد. این دفتر با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و غیردولتی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر

همکاری و به عنوان دبیرخانه برای جلسات نهادهای حقوق بشر سازمان ملل متحد عمل می‌کند. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، که حدود ۵۰۰ کارمند دارد، در پنج شاخه سازمان یافته است؛

• شاخه تحقیقات و حق توسعه، درباره مسائل حقوق بشر تحقیق و بررسی می‌کند و برنامه‌ای برای تحقق حق توسعه تدوین و بر اجرای آن نظارت می‌کند.

• شاخه فعالیت‌ها و برنامه، برنامه گسترده کمک فنی به کشورها را انجام می‌دهد، از نهادهای حقیقت‌یاب (بازرسان و گزارشگران رسمی ویژه کشورها، گروه‌های کاری و غیره) که درباره نقض‌های ادعایی تحقیق می‌کنند، حمایت می‌کند، برای فعالان منطقه‌ای حقوق بشر نقشی حمایتی و آموزشی ایفا می‌کند.

• شاخه خدمات حمایتی، حمایت از نهادهای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مانند کمیسیون حقوق بشر و نهادهای پیمان‌ها و معاهدات، را تضمین می‌کند.

• شاخه روابط خارجی درباره کاردفترکمیساریای عالی حقوق بشرو سازوکارهای حقوق بشر تبلیغ می‌کند، مسئول رابطه با رسانه‌ها است، مشارکت‌ها با سازمان‌های غیردولتی وجامعه مدنی را هماهنگ، و همه مسائل مربوط به بسیج منابع و روابط کمک کنند گان را پیگیری می‌کند.

• شاخه تازه تاسیس تشریفات ویژه، به ساز و کارهای غیررایج کمیسیون حقوق بشر – از جمله ساز و کارهای موضوعی مانند بازرسان رسمی، نمایندگان ویژه و گروه‌های کاری موضوعی– که با نظری به مستند کردن موارد نقض حقوق بشردرسراسر جهان، افزایش حمایت از قربانیان نقض حقوق بشرو تقویت حقوق آنان ایجاد شد، حمایت بیشترارائه می‌دهد.

کمیساریای عالی: Ms. Louise Arbour (Canada)*

مقر: 8-14 Avenue de la Paix,CH-1211 Geneva 10,Switzerland

Tel:(41-22)917-9000;Fax:(41-22)917-9010

Email:*InfoDesk@ohchr.org* ["Request for lnformation" in"Subject" field]

---

* انتصاب خانم آربور ۲۵ فوریه ۲۰۰۴ به تصویب مجمع عمومی رسید. وی پس از استعفا از دیوان عالی کانادا روز اول ژوییه کار خود را شروع کرد. آقای سرجیووی‌یرا دملو (برزیل) کمیساریای عالی پیش از او، در حمله ۱۹ اوت ۲۰۰۳ به مقر سازمان ملل متحد در بغداد، که وی به عنوان رئیس هیات سازمان ملل متحد در آنجا کار می‌کرد، کشته شد. آقای برتراند رامچاران (گویان) در فاصله مرگ دملو و شروع کار خانم آربور به عنوان کفیل کمیساریای عالی کار می‌کرد.

برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد

(www.unhabitat.org)

برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد – که پیشتر مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد نامیده می‌شد– از طریق دفاع، تنظیم خط‌مشی، ظرفیت سازی، ایجاد دانش و تقویت مشارکت‌ها بین دولت‌ها و جامعه مدنی از توسعه پایدار اسکان بشر حمایت می‌کند.

برنامه اسکان بشر سازمان ملل که در سال ۱۹۷۸ تاسیس شد کارگزاری اصلی برای اجرای «دستور کار محل زیست" و هماهنگ کردن فعالیت‌های مربوط به توسعه اسکان بشر در داخل خانواده سازمان ملل متحد است که بر دو حوزه اولویت تمرکز می‌کند: سرپناه کافی برای همه؛ و توسعه شهری پایدار. این برنامه همچنین مسئول است به جامعه بین‌المللی کمک کند تا به هدف توسعه هزاره درباره بهبود زندگی ۱۰۰ میلیون زاغه نشین تا سال ۲۰۲۰ تحقق بخشد.

برنامه اسکان بشر با مشارکت دولت‌ها، مقام‌های محلی، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی حمایت و کار می‌کند. برنامه‌ها و طرح‌های آن بر طیفی گسترده از مسائل، از جمله بهبود زندگی زاغه نشینان، کاهش فقر شهری، باز سازی پس از فجایع وسوانح، تامین آب و دفع بهداشتی فاضلاب شهری و بسیج منابع مالی محلی برای ساخت سرپناه متمرکز است. بیشتر این برنامه‌ها با مشارکت سایر کارگزاری‌های حمایتی دو جانبه انجام می‌شود.

برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد را شورای اداره کننده ۵۸ عضوی آن که هر دو سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد، اداره می‌کند. نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار به طور موقت برای دوره دو ساله ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ آن اختصاص داده شد. این برنامه دو نشریه اصلی دارد: یکی گزارش جهانی درباره اسکان بشر، که به بررسی کامل موقعیت اسکان بشر در سراسر جهان می‌پردازد و دیگری موقعیت شهرهای جهان است.

مدیر اجرایی: Mrs.Anna KaJumulo Tibaijuka (Tanzania)

مقر: PO Box 30030,00100 Nairobi GPO, Kenya

Tel:(25420)621234;Fax:(25420)624266/267;Email:*infohabitat@unhabitat.org*

دفتر خدمات طرح سازمان ملل متحد

(www.unops.org)

دفتر خدمات طرح سازمان ملل متحد، منابع طرح را برای کمک به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار در جست و جوی آنها برای صلح، ثبات اجتماعی، رشد اقتصادی و توسعه پایدار اداره می‌کند.

این دفتر، به تقاضای اعضای نظام ملل متحد، خدماتی از مدیریت کلی طرح گرفته تا مشارکت‌های ویژه مانند مدیریت اعتبارات، مدیریت مالی، نظارت طرح، استخدام، تهیه و آموزش ارائه می‌دهد. این دفتر به سرعت و با انعطاف به تقاضاهای مراجعان خود پاسخ و خدمات خود را با نیازهای ویژه آنان تطبیق می‌دهد تا به نتایج موثر دست یابند.

دفتر خدمات طرح سازمان ملل متحد با دریافت پول در برابر خدمات انجام شده، خودکفا است. درآمد سال ۲۰۰۲ آن ۴۳/۸ میلیون دلار و ارزش طرح‌های ارائه شده آن ۵۰۳ میلیون دلار بود. ۳۳۰ کارمند، ۴۹۰۰ پرسنل برای طرح‌های ملی، ۵۶۰ پرسنل و کارشناس برای طرح‌های بین‌المللی و ۱۵۵۰ مشاور بین‌المللی داشت.

مدیر اجرایی: Mr. Nigel Fisher (Canada)

مقر: 405 Lexington Avenue,New York,NY10174,USA

Tel:(1-212)457-4000;Fax:(1-212)457-4001,Email: *unops.newyork@unops.org*

دانشگاه سازمان ملل متحد

(www.unu.edu)

دانشگاه سازمان ملل متحد جامعه‌ای بین‌المللی از محققانی است که در امر تحقیق، آموزش تکمیلی و انتشار دانش برای تقویت هدف‌های ملل متحد در زمینه صلح و پیشرفت مشارکت دارند. دانشگاه که منشور آن در سال ۱۹۷۳ تصویب شد و کار خود را از ۱۹۷۵ آغاز کرد، ۱۴ مرکز آموزشی و تحقیقی و برنامه در جهان دارد.

کل بودجه دانشگاه از کمک‌های داوطلبانه دولت‌ها، کارگزاری‌ها، بنیادها، و افراد تامین می‌شود و وجهی از بودجه سازمان ملل دریافت نمی‌کند. درآمد اصلی سالانه آن برای هزینه‌های عملیاتی از درآمد سرمایه گذاری حاصل از صندوق وقف آن به دست می‌آید. بودجه سال ۲۰۰۳ دانشگاه ۳۶/۸ میلیون دلار بود و ۲۴۷ کارمند دارد.

دانشگاه سازمان ملل را شورای ۲۴ عضوی که سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد اداره می‌کند.

رئیس دانشگاه: Prof. Hans van Ginkel (Netherlands)

مقر: 53-70 Jingumae 5-Chome-Shibuya-ku,Tokyo 150-8925,Japan

Tel:(81-3)3499-2811;Fax :(81-3)3499-2828;Email: *mbox@hq.unu.edu*

موسسه بین‌المللی تحقیقات و آموزش برای پیشرفت زنان

(www.un-instraw.org)

موسسه بین‌المللی تحقیقات و آموزش برای پیشرفت زنان که سال ۱۹۷٦ به پیشنهاد نخستین کنفرانس جهانی درباره زنان، تاسیس شد، این ماموریت منحصر به فرد را دارد تا برای کمک به پیشرفت زنان؛ افزایش مشارکت فعالانه و برابر آنان در فرآیند توسعه؛ افزایش آگاهی درباره مسائل جنسیتی؛ و ایجاد شبکه‌ها برای نیل به برابری جنسیتی در سراسر جهان برنامه‌های تحقیقی و آموزشی در سطح بین‌المللی ترویج و آنها را به اجرا در آورد.

این موسسه از سال ۱۹۹۹از فن آوری های جدید اطلاعاتی استفاده کرده تا از طریق نظام شبکه بندی واطلاعات جنسیت، دانش و اطلاعات مربوط به جنسیت درباره مسائل و گرایشات حیاتی که بر زنان و مردان در نقش‌های آنان در توسعه تاثیر می‌گذارند،تولید،اداره و پخش کند. این موسسه همچنین درباره حوزه‌های راهبردی‌ای مانند زنان و مردان، ایجاد مشارکت‌ها برای برابری جنسیتی، زنان و مردان در جامعه اطلاعاتی، تاثیر جهانی‌سازی بر زنان، و جنسیت و صلح طرح‌های تحقیقاتی انجام می‌دهد.

مدیر: Ms. Carmen Moreno (Mexico)

مقر: Cesar Nicolas Penson 102-A,Santo Domingo,Dominican Republic
Tel:(1-809)685-2111;Fax:(1-809)685-2117;Email:*comments@un-lnstraw.org*

موسسه تحقیقات بین‌منطقه‌ای سازمان ملل متحد در زمینه جرم و عدالت

(www.unicri.it)

موسسات تحقیقاتی بین‌منطقه‌ای سازمان ملل متحد در زمینه (پیشگیری از) جرم و (بسط) عدالت، اطلاعات جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و منتشر، و طرح‌هایی در زمینه همکاری فنی و آموزشی اجرا می‌کند.

این موسسه که سال ۱۹٦۸ تاسیس شد با همکاری کشورهای علاقه‌مند از بررسی و پژوهش برای ایجاد پایگاه قابل اعتماد دانش و اطلاعات درباره جرایم سازمان یافته و، به ویژه، علیه قاچاق انسان، فساد و تروریسم پشتیبانی و از آن حمایت می‌کند. این موسسه می‌کوشد تدابیری برای پیشگیری و کنترل جرایم - به عنوان مساعدتی به توسعه اجتماعی و اقتصادی و حمایت از حقوق بشر - تعیین و شیوه‌های عملی به منظور حمایت از تنظیم، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها طراحی کند.

موسسه تحقیقات در این زمینه‌ها همچنین فعالیت‌های آموزشی در سطوح بین‌المللی و ملی طراحی و اجرا می‌کند و مبادله اطلاعات را از طریق مرکز اسناد بین‌المللی جرم‌شناسی خود ترویج می‌کند.
بودجه موسسه تحقیقات بین‌منطقه‌ای سازمان ملل متحد در زمینه (پیشگیری از) جرم و (بسط) عدالت از کمک‌های داوطلبانه کشورهای عضو، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و نهادهای دانشگاهی تامین می‌شود.

مدیر: Mr. Alberto Bradanini (Italy)

مقر: Viale Maestri del Lavoro 10,10127 Turin, italy
Tel:(39-011)653-7111;Fax:(39-011)631-3368;Email: *unicri@unicri.it*

موسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل متحد

(www.unitar.org)

موسسه آموزش و تحقیقات ملل متحد، نهاد مستقل این سازمان، که سال ۱۹۶۵ تاسیس شد ماموریت دارد کارآیی سازمان ملل را از طریق آموزش و تحقیق افزایش دهد. این موسسه آموزش می‌دهد تا به کشورها برای برخورد با دشواری‌های قرن بیست‌ویکم کمک کند؛ برای پی‌بردن به شیوه‌های آموزشی و روش‌های ظرفیت‌سازی نوآورانه تحقیق می‌کند؛ و با سایر کارگزاری‌های سازمان ملل متحد، دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای ایجاد و سازمان دادن به برنامه‌های آموزشی و ظرفیت سازی که پاسخگوی نیازهای کشورها باشد، مشارکت می‌کند.
هیات امنا، موسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل را اداره می‌کند. این موسسه از نظر بودجه به طور کامل خودکفا است و بودجه آن از کمک‌های داوطلبانه دولت‌ها، سازمان‌های بین دولتی، بنیادها و سایر منابع غیردولتی تامین می‌شود. بودجه دو ساله آن حدود ۱۸ میلیون دلار است. فعالیت‌های این موسسه از مقر آن در ژنو و همچنین از طریق دفتر آن در نیویورک انجام می‌شود و در مجموع ۴۹، عضو دارد.

مدیر اجرایی: Mr. Marcel Boisard (Switzerland)

مقر: International Environment House,Chemin des Anemones 11-13,1219 Chatelaine,Geneva,Switzerland.By mail:UNITAR,Palais des Nations, Ch-1211 Geneva 10, Switzerland
Tel:(41-22)917-1234;Fax:(41-22)917-8047;Email: *lnfo@unitar.org*

موسسه تحقیقات سازمان ملل متحد برای توسعه اجتماعی

(www.unrisd.org)

موسسه تحقیقات سازمان ملل برای توسعه اجتماعی، نهادی مستقل در نظام ملل متحد که در سال ۱۹۶۳ ایجاد شد، در زمینه تحقیقات درباره ابعاد اجتماعی مشکلات معاصر که بر توسعه تاثیر می‌گذارند، فعالیت می‌کند. این موسسه برای دولت‌ها، کارگزاری‌های توسعه، سازمان‌های مردمی و محققان، امکانات درک بهتر این امر را فراهم می‌سازد که سیاست‌های توسعه و فرآیندهای تغییر اقتصادی و اجتماعی چگونه بر گروه‌های مختلف اجتماعی تاثیر می‌گذارند.

موسسه تحقیقات که برای انجام فعالیت‌های خود به طور کامل به کمک‌های داوطلبانه متکی است سال ۲۰۰۲ حدود ۲/۵ میلیون دلار از دانمارک، فنلاند، مکزیک، هلند، نروژ، سوئد، سوئیس و انگلیس دریافت کرد. ۱/۱ میلیون دلار دیگر برای طرح‌های ویژه از چند بنیاد، کمک دهندگان دو جانبه و کارگزاری‌های سازمان ملل متحد دریافت کرد . هیات مدیره ۱۱ نفری، بودجه و برنامه تحقیقاتی سالانه آن را تصویب می‌کند.

مدیر: Mr.Thandika Mkandawire (Sweden)

مقر: Palais des Nations,CH-12ll Geneva 10,Switzerland

Tel:(41-22)917-3020;Fax:(41-22)917-0650;Email: *lnfo@unrisd.org*

موسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل متحد

(www.unidir.org)

موسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۸۰ تاسیس شد درباره امنیت، خلع سلاح و توسعه در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی، به عنوان جنبه‌های مرتبط با امنیت کلی انسان، تحقیقات مستقل انجام می‌دهد.

این موسسه اجلاس‌ها و بحث‌هایی در سطح کارشناسی تشکیل می‌دهد؛ برنامه آموزشی سالانه برای بررسی مناقشات منطقه‌ای برگزار می‌کند؛ و دارای پایگاه اطلاعاتی آنلاین از موسسات تحقیقاتی، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های جامعه مدنی مرتبط با خلع سلاح، امنیت، صلح و کنترل تسلیحات است. کتاب‌ها، گزارش‌ها و اسناد فراوان و فصلنامه Disarmament Forum، را به صورت مکتوب و آنلاین منتشر می‌کند.

موسسه تحقیقات خلع سلاح بیشتر بر کمک‌های داوطلبانه از دولت‌ها و تامین کنندگان مالی خصوصی متکی است و علاوه بر کارکنان اصلی، از خدمات افراد مدعو و انترن‌های تحقیقاتی نیز استفاده می‌کند.

مدیر: Dr. Patricia Lewis (United Kingdom, Ireland)

مقر: Palais des Nations,CH-1211Geneva 10,Switzerland

Tel:(41-22)917-3186 or 917-4263;Fax:(41-22)917-0176; Email:*unidir@unog.ch*

کارگزاری‌ها و سایر سازمان‌های تخصصی

سازمان بین‌المللی کار

(www.ilo.org)

سازمان بین‌المللی کار، کارگزاری تخصصی است که در صدد ترویج عدالت اجتماعی و حقوق بشر و حقوق کاری است که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. این سازمان که سال ۱۹۱۹ ایجاد شد، سال ۱۹٤٦ نخستین کارگزاری تخصصی ملل متحد شد.

سازمان بین‌المللی کار، سیاست‌ها و برنامه‌های بین‌المللی را تنظیم می‌کند تا به اصلاح شرایط کار وزندگی کمک کند؛ ضوابط بین‌المللی برای کار به وجود می‌آورد تا به عنوان رهنمود برای مسئولان ملی در عملی کردن این سیاست‌ها مفید واقع شوند؛ برنامه‌های گسترده همکاری فنی را اجرا می‌کند تا به دولت‌ها در موثر واقع شدن این سیاست‌ها کمک کند؛ و در تعلیم، آموزش و پرورش و تحقیق شرکت می‌نماید تا به پیشرفت این تلاش‌ها کمک کند.

این سازمان از این جهت که نمایندگان کارگران و کارفرمایان صدایی برابر با صدای دولت‌ها در تنظیم سیاست‌های آن دارند در میان سازمان‌های جهانی منحصر به فرد است. سازمان بین‌المللی کار از سه نهاد تشکیل شده است:

• کنفرانس بین‌المللی کار، که هر سال نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و کارگران را گردهم می‌آورد، ضوابط بین‌المللی برای کار تعیین و به عنوان مجمعی عمل می‌کند که درباره مسائل اجتماعی و کارگری که برای تمام جهان مهم هستند در آنجا بحث می‌شود.

• نهاد اداره کننده، که هر سال دوبار تشکیل جلسه می‌دهد و عملیات سازمان بین‌المللی کار را هدایت، برنامه و بودجه آن را آماده و موارد و پرونده‌های مربوط به ضوابط و معیارهای سازمان بین‌المللی کار را که رعایت نمی‌شوند، بررسی می‌کند.

• دفتر بین‌المللی کار، که دبیرخانه دائمی این سازمان است.

فرصت‌ها برای مطالعه و آموزش در مرکز بین‌المللی آموزش در تورین، ایتالیا عرضه می‌شود. ابزارهای اقدام «موسسه بین‌المللی مطالعات کار سازمان بین‌المللی کار» عبارتند از: شبکه‌های تحقیقات؛ مجامع سیاست اجتماعی؛ دوره‌ها و سمینارها؛ محققان مدعو و برنامه‌های آموزشی؛ و انتشارات.

به سازمان بین‌المللی کار در پنجاهمین سالگرد آن، سال ۱۹٦۹، جایزه صلح نوبل اهدا شد.

سازمان بین‌المللی کار ۲۵۰۰ کارمند و کارشناس در مقر ژنو و در ٤۹ دفتر منطقه‌ای خود در سراسر جهان دارد و برنامه و بودجه برای ۲۰۰۵ – ۲۰۰٤ را به مبلغ بیش از ۵۲۹ میلیون دلار تصویب کرد.

مدیر کل: Mr.Juan Somavia (Chile)

مقر: 4,route des Morillons,CH-1211 Geneva 22,Switzerland

Tel:(41-22)799-6111;Fax:(41-22)798-8685;Email: *ilo@ilo.org*

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)

(www.fao.org)

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد کارگزاری اصلی توسعه روستایی در نظام ملل متحد است. این سازمان برای کاهش فقر و گرسنگی با حمایت از توسعه کشاورزی، تغذیه بهتر و تحقق امنیت غذایی – یعنی دسترسی کلیه مردم در هر زمان به غذایی که برای زندگی فعال و سالم نیاز دارند، فعالیت می‌کند. فائو ١٦ اکتبر ١٩٤٥ در کنفرانسی در شهر کبک تاسیس شد. این روز هر سال به عنوان روز جهانی غذا گرامی داشته می‌شود.

فائو کمک توسعه‌ای پیشنهاد می‌دهد، به دولت‌ها در زمینه خط‌مشی و برنامه‌ریزی مشورت می‌دهد، اطلاعات گردآوری، تجزیه و تحلیل و منتشر می‌کند، و به عنوان مجمعی بین‌المللی برای بحث درباره مسائل خواربار و کشاورزی اقدام می‌کند. برنامه‌های ویژه به کشورها کمک می‌کنند برای بحران‌های غذایی اضطراری آماده شوند و کمک‌های امدادی فراهم کنند. فائو در هر زمان به طور متوسط حدود ۲۰۰۰ طرح منطقه‌ای در حال اجرا دارد. طرح‌هایی که به کمک فائو انجام می‌شوند هر سال بیش از ۳۰۰ میلیون دلار از اعتبارات فراهم شده به وسیله کارگزاری‌های کمک کننده و دولت‌ها را مصرف می‌کنند.

«کنفرانس» کشورهای عضو، فائو را اداره می‌کند و هر دو سال تشکیل جلسه می‌دهد. این کنفرانس شورایی با ٤۹ عضو انتخاب می‌کند که به عنوان هیات مدیره بین جلسات کنفرانس خدمت می‌کند.

بودجه عادی برنامه‌ها برای ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ مبلغ ٦۵۱/۸ میلیون دلار بود. فائو ۳۷۰۰ کارمند دارد که در مقر و در مناطق خدمت می‌کنند.

مدیر کل: Dr. Jacques Diouf (Senegal)

مقر: Viale delle Terme di Caracalla,00100 Rome,Italy

Tel:(39-06)5705-1;Fax:(39-06)5705-3152;Email: *FAO-HQ@fao.org*

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)

(www.unesco.org)

یونسکو در سال ۱۹٤٦ ایجاد شد تا صلح جهانی پایدار بر اساس همبستگی معنوی و اخلاقی نوع بشر به وجود آورد. حوزه‌های فعالیت آن شامل آموزش و پرورش، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی و فرهنگ و ارتباطات است.

هدف برنامه‌های آن ترویج فرهنگ صلح و توسعه پایدار و انسانی است و بر این موارد متمرکز است: دستیابی به آموزش و پرورش برای همه؛ حمایت از تحقیق درباره محیط زیست از طریق برنامه‌های علمی بین‌المللی؛ پشتیبانی از ابراز هویت‌های فرهنگی؛ حمایت و تقویت میراث طبیعی و فرهنگی جهان؛ و حمایت از جریان آزاد اطلاعات و آزادی مطبوعات، و همچنین تقویت توانایی‌های ارتباطی کشورهای در حال توسعه.

یونسکو دارای نظامی متشکل از ۱۹۰ کمیسیون ملی و مورد حمایت حدود ۵,۰۰۰ انجمن، مرکز و کلوب یونسکو است و از روابط رسمی با ۳۵۰ سازمان غیردولتی برخوردار است و همچنین با بنیادهای ملی و شبکه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگون همکاری می‌کند.

هیات مدیره یونسکو یعنی کنفرانس عمومی، از همه کشورهای عضو تشکیل شده و هر دو سال تشکیل جلسه می‌دهد. هیات اجرایی، متشکل از ۵۸ عضو که به وسیله کنفرانس انتخاب شده‌اند، مسئول نظارت بر اجرای برنامه‌های مصوب کنفرانس است.

یونسکو ۲,۱٤۵ عضو دارد و بودجه عادی ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ آن ۵٤٤ میلیون دلار بود.

مدیر کل: Mr.Koichiro Matsuura (Japan)

مقر: 7 Place de Fontenoy,75352 Paris 07-SP,France

Tel:(33-1)4568-1000;Fax:(33-1)4567-1690;Email: *bpi@unesco.org*

سازمان جهانی بهداشت

(www.who.int)

سازمان جهانی بهداشت که در ۱۹٤۸ تاسیس شد از همکاری فنی در زمینه بهداشت بین ملت‌ها حمایت می‌کند، برنامه‌هایی برای کنترل و ریشه کنی بیماری‌ها اجرا می‌کند، و می‌کوشد کیفیت زندگی را بهتر کند. هدف آن دستیابی همه مردم به عالیترین سطح ممکن بهداشت است.

هدف‌های راهبردی آن عبارتند از:

- کاهش مرگ ومیر، بیماری و معلولیت، به ویژه در جمعیت‌های فقیرو حاشیه‌نشین:
- ترویج روش‌های سالم زندگی و کاهش خطرهای بهداشتی که از عوامل مربوط به محیط زیست، اقتصادی، اجتماعی و رفتاری سرچشمه می‌گیرند؛
- ایجاد نظام‌های بهداشتی عادلانه‌تر و موثرتر که به تقاضاهای مشروع مردم پاسخ داده، و از نظر مالی منصفانه باشند؛

• ایجاد سیاست‌ها و محیط‌های نهادی مناسب بهداشتی، و حمایت از بعد بهداشتی سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی، مربوط به محیط‌زیست و توسعه.

هیات مدیره سازمان جهانی بهداشت، یعنی مجمع جهانی بهداشت، از ۱۹۲ کشور عضو (از جمله جزایر کوک) تشکیل شده و سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. تصمیم‌ها وسیاست‌های آن با تصویب هیات مدیره اجرایی، متشکل از ۳۲ کارشناس بهداشتی منصوب دولت‌ها که سالی دو بار تشکیل جلسه می‌دهد، به اجرا درمی‌آید.

سازمان جهانی بهداشت در برازاویل، کنگو؛ واشنگتن دی سی، آمریکا؛ قاهره، مصر؛ کپنهاگ، دانمارک؛ دهلی‌نو، هند؛ و مانیل، فیلیپین دفتر منطقه‌ای دارد.

این سازمان حدود ۳۵۰۰ عضو دارد و بودجه عادی ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ آن ۹۳۵,۷ میلیون دلار بود.

مدیر کل: Dr. Lee Jong – wook (Republic of Korea)

مقر: 20 Avenue Appia,CH-1211Geneva 27,Switzerland

Tel:(41-22)791-2111;Fax:(41-22)791-3111;Email:*inf@who.int*

صندوق بین‌المللی پول

(www.imf.org)

صندوق بین‌المللی پول که در کنفرانس برتن وودز (Bretton Woods) در سال ۱۹٤٤ تاسیس شد اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

• همکاری پولی بین‌المللی را تسهیل می‌کند؛

• از ثبات نرخ ارزها و ترتیبات منظم ارزی حمایت می‌کند؛

• به ایجاد نظام چند جانبه پرداخت‌ها و حذف محدودیت‌های ارزی کمک می‌کند؛

• به اعضا با ارائه موقتی منابع مالی برای برطرف کردن دشواری‌ها در موازنه پرداخت‌های آنها کمک می‌کند.

صندوق بین‌المللی پول اختیار دارد منابع مالی بین‌المللی به صورت «حقوق برداشت ویژه» ایجاد و به اعضای خود اختصاص دهد. منابع مالی صندوق بیشتر شامل حق عضویت‌ها («سهمیه‌ها»)ی ۱۸٤ کشور عضو آن است که در حال حاضر به ۲۱۲,۷ میلیارد حق برداشت ویژه، یا حدود ۲۹۳ میلیارد دلار می‌رسد. سهمیه‌ها با فرمولی بر اساس اندازه نسبی اقتصاد اعضا تعیین می‌شود.

نقش مالی اصلی صندوق بین‌المللی پول، ارائه اعتبارهای موقت به اعضایی است که با دشواری‌هایی در موازنه پرداخت‌های خود مواجه هستند. در مقابل، اعضایی که از صندوق قرض می‌گیرند موافقت می‌کنند با ایجاد اصلاحاتی در خط‌مشی خود، مسائلی را که عامل ایجاد این دشواری‌ها است برطرف کنند. مبالغی را که اعضای صندوق می‌توانند وام بگیرند به نسبت سهمیه‌های آنها محدود است. صندوق به کشورهای عضو کم درآمد کمک‌های امتیازی نیز ارائه می‌دهد.

نهاد حاکم صندوق، یعنی هیات مدیران، که همه کشورهای عضو در آن نماینده دارند، هر سال تشکیل جلسه می‌دهد. کار روزمره صندوق را هیات اجرایی با ٢٤ عضو انجام می‌دهد. کمیته بین‌المللی مالی و پولی، که ٢٤ عضو آن، در هیات مدیران حضور دارند، درباره مسائل تحت قلمرو آن نظر مشورتی می‌دهد.

صندوق بین‌المللی پول حدود ٢٦٥٠ کارمند از ١٤٠ کشور ، تحت ریاست مدیرعامل دارد که به وسیله هیات اجرایی انتخاب می‌شود. بودجه اداری سال مالی ٢٠٠٣ آن ٧٤٦/٤ میلیون دلار خالص از بازپرداخت‌های برآورد شده بود.

صندوق بین‌المللی پول Global Financial Stability Report,World Economic Outlook را دو بار در سال، در کنار نشریات مطالعاتی فراوان دیگری منتشر می‌کند.

مدیر عامل (تا ٧ ژوئن ٢٠٠٤): Mr.Rodrigo de Rato y Figaredo (Spain)

مقر: 700 19th Street NW,Washington,D.C.20431,USA

Tel:(1-202)623-7300; Fax: (1-202)623-6278; Email: *Publicaffairs@ imf.org*

گروه بانک جهانی

(www.worldbank.org)

بانک جهانی گروهی متشکل از پنج موسسه است: بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه (تاسیس ١٩٤٥)؛ شرکت تامین مالی بین‌المللی (١٩٥٦)؛ انجمن بین‌المللی توسعه (١٩٦٠)؛ کارگزاری چند جانبه تضمین سرمایه‌گذاری (١٩٨٨)؛ و مرکز بین‌المللی حل دعاوی سرمایه‌گذاری (١٩٦٦)؛

هدف مشترک بانک کاهش فقر در سراسر جهان با تقویت اقتصادهای ملت‌های فقیر است. هدف آن بهبود معیارهای زندگی مردم، در راستای هدف‌های توسعه هزاره، با حمایت از توسعه و رشد اقتصادی است . بانک جهانی فعالیت‌های خود را در امر وام دهی و ظرفیت‌سازی بر مبنای دو اصل برای توسعه انجام می‌دهد: ایجاد فضای لازم برای سرمایه‌گذاری، ایجاد مشاغل و رشد پایدار؛ و سرمایه‌گذاری روی مردم فقیر و توانمند سازی آنان برای مشارکت در توسعه.

بانک جهانی به ١٨٤ کشور عضو آن تعلق دارد که هیات مدیره آن را تشکیل می‌دهند. انجام فعالیت‌های عمومی به گروهی کوچکتر، یعنی هیات مدیران اجرایی، تفویض شده، و رئیس بانک به عنوان رئیس هیات مدیران اجرایی خدمت می‌کند. بانک جهانی حدود ١٠,٠٠٠ کارمند دارد.

گروه بانک جهانی در سال ٢٠٠٣ مبلغ ١٨/٥ میلیارد دلار برای عملیات در بیش از ١٠٠ کشور در حال توسعه ارائه داد. از جمله نشریات اصلی آن نشریه سالانه World Development Report است.

رئیس: Mr. Paul Wolfowitz (USA)

مقر: 1818 H Street NW, Washington,D.C.20433,USA

Tel:(1-202)473-1000;Fax:(1-202)477-6391;Email: *pic@worldbank.org*

بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه

مفاد بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه سال ۱۹٤٤ در کنفرانس برتن‌وودز تهیه و بانک فعالیت خود را سال ۱۹٤٦ آغاز کرد. هدف این بانک کاهش فقر در کشورهای فقیرتر معتبر واجد شرایط دریافت وام و دارای درآمد متوسط با حمایت از توسعه پایدار از طریق وام‌ها، تضمین‌ها، و خدمات غیروامی – از جمله خدمات تحلیلی و مشورتی – است. بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه حداکثر سود را دریافت نمی‌کند اما از سال ۱۹٤۸ هر سال درآمد خالصی داشته است.

این بانک تقریبا همه پول خود را از طریق فروش اوراق قرضه AAA-rated و سایر سهام در بازارهای بین‌المللی سرمایه فراهم می‌کند. مبلغ پرداختی کشورها، هنگامی که به این بانک می‌پیوندند، کمتر از ۵ درصد اندوخته‌های آن را تشکیل می‌دهد. اما با همین امکانات، مجموع وام‌های پرداختی بانک از زمان تاسیس آن به حدود ۳۸۳ میلیارد دلار رسیده است.

تعهدات بانک برای پرداخت وام‌های جدید در سال مالی ۲۰۰۳ به ۱۱/۲ میلیارد دلار بالغ شد که شامل ۹۹ عملیات جدید در ۳۷ کشور می‌شد.

انجمن بین‌المللی توسعه

انجمن بین‌المللی توسعه به فقیرترین کشورها با دادن اعتبار یعنی وام‌های بدون بهره با مهلت ۱۰ ساله و موعد پرداخت ۳۵ تا ٤۰ ساله، کمک می‌کند تا فقر خود را کاهش دهند. این انجمن از زمان تاسیس در ۱۹٦۰ به ۸۱ کشور فقیر جهان – با ۲/۵ میلیارد نفر جمعیت – ۱٤۲ میلیارد دلار اعتبار بی‌بهره داده است.

قسمت اعظم منابع انجمن بین‌المللی توسعه از مساعدت‌های دولت‌های کمک دهنده می‌آید. این مساعدت‌ها را بیشتر اعضای ثروتمندتر آن می‌پردازند اما کشورهایی که در حال حاضر خود دریافت کننده وام‌های بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه هستند از جمله کشورهای کمک دهنده به آن نیز هستند. از کشورهای کمک دهنده خواسته می‌شود هر سه سال سرمایه انجمن را به مبلغ اول باز گردانند. از زمان تاسیس انجمن تاکنون ۱۳ بار سرمایه آن پر شده است. نمایندگان کشورهای کمک دهنده («نمایندگان انجمن بین‌المللی توسعه») در ژوییه ۲۰۰۲ مذاکرات خود را درباره سیزدهمین مورد پرکردن سرمایه آن پایان دادند و درباره چارچوبی برای برنامه پیش‌بینی شده و نیازهای مربوط به تامین آن به توافق رسیدند. با این تامین مجدد سرمایه، امکان تعهد پرداخت ۱۸ میلیارد حقوق برداشت ویژه (حدود ۲۳ میلیارد دلار) به اعضای فقیر انجمن بین‌المللی توسعه در طول سه سال بعد، شروع از اول ژوییه ۲۰۰۲، فراهم شد.

انجمن بین‌المللی توسعه در سال مالی ۲۰۰۳ برای ۱٤۱ عملیات جدید در ۵۵ کشور ۷/۳ میلیارد وام داد.

شرکت تامین مالی بین‌المللی

شرکت تامین مالی بین‌المللی بزرگترین منبع چند جانبه وام و تامین مالی منصفانه طرح‌های بخش خصوصی در دنیای در حال توسعه است. این شرکت با مشارکت سرمایه گذاران خصوصی برای فعالیت‌ها و طرح‌های بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه سرمایه تامین می‌کند و نظر مشورتی ارائه می‌دهد. شرکت تامین مالی بین‌المللی از طریق کار مشورتی خود به دولت‌ها نیز کمک می‌کند شرایطی برای جلب جریان پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی و داخلی ایجاد کنند.

تمرکز آن بر حمایت از توسعه اقتصادی با تشویق رشد کسب و کار مولد و بازارهای سرمایه موثر در کشورهای عضو است. شرکت تامین مالی بین‌المللی فقط هنگامی در یک سرمایه‌گذاری شرکت می‌کند که بتواند با مساعدتی ویژه نقش سرمایه گذاران بازار را تکمیل کند. این شرکت نقشی بر انگیزاننده نیز ایفا، و سرمایه‌گذاری خصوصی در دنیای در حال توسعه را با نشان دادن این امر که سرمایه‌گذاری‌ها در آنجا می‌تواند سودآور باشد، ترغیب و بسیج می‌کند.

شرکت تامین مالی بین‌المللی نهادی جداگانه در داخل گروه بانک جهانی است و اعتبارات آن از اعتبارات بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه متمایز است. تعهدات آن در سال مالی ۲۰۰۳ به ۳/۹ میلیارد دلار در ۲۰٤ شرکت برای ٦٤ کشور بالغ شد. مجموع اسناد و اوراق بهادار آن به ۲۳/٤ میلیارد دلار، از جمله ٦/٦ میلیارد دلار در وام‌های صنفی رسید.

کارگزاری چند جانبه تضمین سرمایه‌گذاری

کارگزاری چند جانبه تضمین سرمایه‌گذاری به تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه با ارائه بیمه (ضمانت‌ها) به سرمایه گذاران خصوصی خارجی در برابر زیان ناشی از خطرهای غیربازرگانی (یعنی سیاسی) – مانند انتقال پول، مصادره و خلع ید، جنگ و ناآرامی داخلی، کمک می‌کند. این کارگزاری همچنین به منظور کمک به کشورها برای انتشار اطلاعات درباره فرصت‌ها و امکانات مربوط به سرمایه‌گذاری، یاری فنی ارائه می‌دهد.

سرمایه مورد تعهد این کارگزاری از ۱۵۷ کشور عضو آن می‌آید. این کارگزاری در سال مالی ۲۰۰۳ حدود ۱/٤ میلیارد دلار ضمانت‌نامه صادر کرد که بخشی از ۱۲/٤ میلیارد دلار مجموع ضمانت‌نامه‌های صادر شده آن از زمان تاسیس آن در سال ۱۹۸۸ بود.

کارگزاری چند جانبه تضمین سرمایه‌گذاری با موفقیت از جریان سرمایه به کشورهای در حال توسعه حمایت کرده است. این کارگزاری بیش از ٦۵۰ ضمانت‌نامه صادر کرده، بیش از ۵۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۸۵ کشور در حال توسعه تسهیلات داده است.

مرکز بین‌المللی حل دعاوی سرمایه‌گذاری

مرکز بین‌المللی حل دعاوی سرمایه‌گذاری، برای حل دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاری، با مصالحه یا حکمیت، بین دولت‌ها و سرمایه گذاران خصوصی خارجی تسهیلات فراهم می‌سازد. این مرکز بر اساس کنوانسیون سال ۱۹٦٦ مربوط به حل دعاوی سرمایه‌گذاری بین کشورها و ملت‌های سایر کشورها، تاسیس شد و تا نوامبر ۲۰۰۳ به تایید ۱٤۰ کشور رسیده بود. توسل به این مرکز داوطلبانه است اما وقتی طرفین به حکمیت رضایت دادند، هیچ یک نمی‌تواند به طور یک جانبه رضایت خود را پس بگیرد.

این مرکز سازمانی مستقل با پیوندهای نزدیک با بانک جهانی است و همه اعضای آن عضو بانک جهانی نیز هستند. شورای اداری آن، به ریاست رئیس بانک جهانی، شامل یک نماینده از هر کشور است که کنوانسیون را تایید کرده است.

سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)

www. icao.int

سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری، پرواز از یک کشور به کشور دیگر را امن‌تر و آسانتر می‌کند. این سازمان که در سال ۱۹٤٤ تاسیس شد، معیارها و مقررات بین‌المللی لازم برای ایمنی، امنیت، کارآیی و نظم حمل و نقل هوایی را تعیین و به عنوان وسیله ارتباطی برای همکاری در همه حوزه‌های هوانوردی کشوری بین ۱۸۸ کشور طرف قرارداد خدمت می‌کند.

سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری یک مجمع دارد که هیات مدیره آن است و از نمایندگان همه کشورهای طرف قرارداد تشکیل شده، و شورایی از نمایندگان ۳٦ کشور دارد که اعضای آن به وسیله مجمع انتخاب می‌شوند. مجمع آن حداقل یک بار در سه سال تشکیل جلسه می‌دهد که درباره سیاست ایکائو تصمیم می‌گیرد و هر موضوعی را که به صورت ویژه به شورا ارجاع نشده، بررسی می‌کند. شورا نهاد اجرایی است و رهنمودها و دستورالعمل‌های مجمع را اجرا می‌کند.

بودجه سال ۲۰۰۳ آن ٦۰/۵ میلیون دلار بود. ایکائو ۸۰۰ کارمند دارد.

رئیس شورا: Dr.Assad Kotaite (Lebanon)

دبیر کل: Dr. Taïeb Cherif (Algeria)

مقر: 999 University Street,Montreal,Quebec H3C 5H7,Canada

Tel:(1-514)954-8219;Fax:(1-514)954-6077;Email: *icaohq@icao.int*

سازمان بین‌المللی دریانوردی

www.imo.org

سازمان بین‌المللی دریانوردی، که در سال ۱۹۵۹ شروع به کار کرد، مسئول بهبود ایمنی و امنیت کشتیرانی تجاری بین‌المللی و پیشگیری از آلودگی دریاها از کشتی‌ها است.

این سازمان امکانات لازم را برای دولت‌ها مهیا می‌سازد تا در تنظیم مقررات و روش‌های مربوط به مسائل فنی موثر در کشتیرانی بین‌المللی همکاری کنند؛ به منظور تصویب عالیترین ضوابط عملی برای ایمنی دریایی و کارآیی در دریانوردی، تسهیلات به وجود آورند؛ و از محیط دریاها از طریق پیشگیری و کنترل آلودگی از کشتی‌ها محافظت به عمل آورند.

بیش از ٤٠ کنوانسیون و موافقت نامه و حدود ١٠٠٠ قانون و پیشنهاد به وسیله این سازمان تهیه و در سطح جهان اجرا شده است.

سازمان بین‌المللی دریانوردی سال ١٩٨٣ دانشگاه جهانی دریانوردی را در مالمو، سوئد، تاسیس کرد که امکان آموزش پیشرفته برای مدیران، مربیان و سایر دست اندرکاران کشتیرانی در سطح عالی فراهم می‌سازد. موسسه بین‌المللی حقوق دریانوردی سازمان بین‌المللی دریانوردی (والتا، مالت) در سال ١٩٨٩ تاسیس شد تا حقوقدان در رشته حقوق بین‌الملل دریایی آموزش دهد. دانشگاه بین‌المللی دریانوردی سازمان بین‌المللی دریانوردی (تریسته، ایتالیا)، تاسیس سال ١٩٨٩، دوره‌های کوتاه تخصصی در رشته‌های گوناگون دریانوردی ارائه می‌دهد.

هیات مدیره سازمان بین‌المللی دریانوردی، یعنی مجمع آن، از کلیه ١٦٣ کشور عضو آن تشکیل شده و هر دو سال تشکیل جلسه می‌دهد. مجمع ٤٠ عضو شورا را انتخاب می‌کند که ارگان اجرایی سازمان بین‌المللی دریانوردی است و سالی دو بار تشکیل جلسه می‌دهد.

بودجه ٢٠٠٥ – ٢٠٠٤ آن ٤٦/٢ میلیون دلار است و حدود ٣٠٠ کارمند دارد.

دبیرکل: Mr. Efthimios E. Mitropolous (Greece)

مقر: 4 Albert Embankment,London SE1 7SR,United Kingdom

Tel:(44-0-207)735-7611;Fax:(44-0-207)587-3210;Email: *info@ imo.org*

اتحادیه بین‌المللی ارتباطات

(www.itu.int)

اتحادیه بین‌المللی ارتباطات سازمانی بین‌المللی است که دولت‌ها و بخش خصوصی از طریق آن شبکه‌ها و خدمات ارتباطات جهانی را هماهنگ می‌کنند. اتحادیه بین‌المللی ارتباطات که سال ١٨٦٥ به عنوان اتحادیه بین‌المللی تلگراف در پاریس تشکیل شد، سال ١٩٣٤ به نام کنونی نامیده و سال ١٩٤٧ کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد شد.

ماموریت اتحادیه بین‌المللی ارتباطات حوزه‌های زیر را شامل می‌شود:

• حوزه فنی: حمایت از توسعه و عملیات کارآمد و موثر تاسیسات و تسهیلات ارتباطات، به منظور بهبود کارآیی خدمات ارتباطی و در دسترس همگان بودن آنها؛

• حوزه خط‌مشی: حمایت از در پیش گرفتن نگرشی گسترده‌تر نسبت به مسائل مربوط به ابزارهای ارتباطی در اقتصاد و جامعه اطلاعات جهانی؛
• حوزه توسعه: ترویج و ارائه کمک فنی به کشورهای در حال توسعه در زمینه ابزارهای ارتباطی برای ترویج و حمایت از بسیج منابع انسانی و مالی مورد نیاز برای ایجاد و توسعه ابزارهای ارتباطی، و حمایت از قرار دادن مزایای فن‌آوری‌های جدید در اختیار همه مردم جهان.
اتحادیه بین‌المللی ارتباطات از ۱۸۹ کشور عضو و حدود ۷۱۹ عضو و انجمن بخشی (شرکت‌های علمی و صنعتی، مدیران و اپراتورهای خصوصی و عمومی، سازمان‌های پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) تشکیل شده است. هیات مدیره آن کنفرانس تام الاختیار آن است که هر چهار سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و ٤٦ عضو شورای اتحادیه بین‌المللی ارتباطات را انتخاب می‌کند. این شورا هر سال تشکیل جلسه می‌دهد.
اتحادیه بین‌المللی ارتباطات ۷۹٤ کارمند دارد و بودجه ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ آن ۳٤۲ میلیون فرانک سوئیس بود.

دبیرکل: Mr.Yoshio Utsumi (Japan)

مقر: Place des Nations,CH-1211 Geneva 20, Switzerland

Tel:(41-22)730-5111; Fax:(41-22)733-7256; Email: *itumail@itu.int*

اتحادیه جهانی پست

(www.upu.int)

اتحادیه جهانی پست موسسه‌ای تخصصی است که خدمات بین‌المللی پست را تنظیم می‌کند. این اتحادیه بر اساس معاهده ۱۸۷٤ برن تشکیل و در سال ۱۹٤۸ کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد شد.
اتحادیه جهانی پست در امر حمایت از تقویت و بهبود مداوم خدمات پستی نقشی برجسته ایفا می‌کند و با داشتن ۱۹۰ کشور عضو ابزار اصلی همکاری بین خدمات پستی است. این اتحادیه نظر مشورتی می‌دهد، میانجیگری می‌کند و کمک فنی ارائه می‌دهد و از جمله هدف‌های اصلی آن حمایت از خدمات جهانی پست، رشد حجم مراسلات پستی از طریق ارائه خدمات و محصولات به روز پستی، و اصلاح کیفیت خدمات پستی برای مشتریان است. اتحادیه جهانی پست با انجام این کار، ماموریت اصلی خود را در زمینه ترویج و توسعه ارتباطات بین همه مردم جهان انجام می‌دهد.
کنگره جهانی پست، نهاد اصلی و عالی اتحادیه جهانی پست است. این کنگره که هر پنج سال تشکیل جلسه می‌دهد، مسائل راهبردی مربوط به بخش پست را بررسی و

برنامه کلی فعالیت‌های آن را مشخص می‌کند. بیست و سومین کنگره در سپتامبر ۲۰۰٤ در بخارست، رومانی، تشکیل شد.
بودجه ۲۰۰۲ – ۲۰۰۱ اتحادیه جهانی پست ۷۱/٤ میلیون فرانک سوئیس بود و حدود ۱۵۰ کارمند دارد.

مدیر کل: Mr. Thomas E. Leavey (USA)
مقر: Weltpoststrasse 4,Case Postale 3000,Berne 15,Switzerland
Tel:(41-31)350-3111; Fax:(41-31)350-3110; Email: *info@upu.int*

سازمان جهانی هواشناسی

(www.wmo.ch)

سازمان جهانی هواشناسی که از سال ۱۹۵۱ از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد است، اطلاعات علمی قابل اعتماد درباره محیط جوی، منابع آب شیرین زمین و مسائل اقلیمی ارائه می‌دهد. این سازمان خدمات مربوط به پیش‌بینی هوا، از جمله پیش‌بینی فصلی ارائه می‌دهد و از طریق همکاری بین‌المللی به پیگیری شرایط هوایی جهان کمک می‌کند، مبادله سریع اطلاعات مربوط به هوا را میسر می‌سازد و از فعالیت‌ها در آب شناسی عملیاتی حمایت می‌کند.
سازمان جهانی هواشناسی در برنامه‌های گوناگون مهمی درباره مسائلی مانند آب و هوا، جو، هواشناسی کار بردی، منابع آب و محیط زیست فعالیت می‌کند. این برنامه‌ها مبنای لازم برای آگاهی و هشدار پیش هنگام بهتر رویدادهای شدید هوایی مانند توفان‌های استوایی، ال نینو، سیل‌ها، خشکسالی‌ها و سایر سوانح و فجایع طبیعی را فراهم می‌سازند، زندگی‌ها و اموال را نجات می‌دهند و درک ما را از محیط زیست و اقلیم بهتر می‌کنند. این سازمان توجه جهانیان را به مسائل مهمی مانند کاهش لایه ازون، گرم شدن هوا و کاهش منابع آب جهان جلب کرده است.
سازمان جهانی هواشناسی ۱۸۷ عضو، متشکل از ۱۸۱ کشور و ٦ سرزمین دارد که همه آنها دارای خدمات هواشناسی و آب شناسی ویژه خود هستند. هیات مدیره آن یعنی کنگره جهانی هواشناسی، هر چهار سال و شورای اجرایی ۳۷ نفری آن سالانه تشکیل جلسه می‌دهد. این سازمان ۲۱۳ کارمند دارد. بودجه ۲۰۰۷ – ۲۰۰٤ آن ۲۵۳/۸ میلیون دلار است.

دبیرکل: Michel Jarraud (France)
مقر: 7 bis,Avenue de la Paix,CH-1211 Geneva 2, Switzerland
Tel:(41-22)730-8111; Fax: (41-22)730-8181; Email: *wmo@wmo.int*

سازمان جهانی مالکیت معنوی

(www.wipo.int)

سازمان جهانی مالکیت معنوی سال ۱۹۷۰ تاسیس و سال ۱۹۷٤ کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد شد. هدف‌های آن ترویج حمایت از مالکیت معنوی در سراسر جهان از طریق همکاری بین ۱۷۹ کشور عضو آن، و تضمین همکاری اداری بین اتحادیه‌هایی است که برای فراهم کردن حمایت درحوزه مالکیت معنوی تاسیس شده‌اند. اتحادیه‌های اصلی که به این منظور تاسیس شده‌اند عبارتند از:

- اتحادیه پاریس، با نام رسمی اتحادیه بین‌المللی برای حمایت از مالکیت صنعتی؛
- اتحادیه برن، با نام رسمی اتحادیه بین‌المللی برای حمایت از آثار ادبی و هنری.

مالکیت معنوی شامل دو شاخه اصلی است: مالکیت صنعتی، در درجه اول اختراعات، نشان‌های بازرگانی، طرح‌ها و عنوان‌های اصلی صنعتی؛ و حق مولف، عمدتا مربوط به آثار ادبی، موسیقی، هنری، عکاسی و سمعی‌بصری. سازمان مالکیت صنعتی ۲۳ معاهده بین‌المللی، از جمله ۱٦ معاهده درباره مالکیت صنعتی و ٦ معاهده درباره حق مولف را اجرا می‌کند.

سه هیات مدیره سازمان جهانی مالکیت معنوی عبارتند از: مجمع عمومی، متشکل از کشورهای عضو سازمان جهانی مالکیت معنوی که عضو اتحادیه‌های پاریس و یا برن هستند، و هر دو سال تشکیل جلسه می‌دهد؛ کنفرانس، متشکل از همه کشورهای عضو، که آن نیز دو سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد؛ و کمیته هماهنگی متشکل از ۷۹ عضو، که هر سال تشکیل جلسه می‌دهد.

برنامه و بودجه سازمان جهانی مالکیت معنوی را هیات‌های مدیره آن دو سال یک بار تعیین می‌کنند. بودجه ۲۰۰۵ – ۲۰۰٤ آن حدود ٦۳۹ میلیون فرانک سوئیس است. این سازمان حدود ۹۵۰ کارمند از ۹۰ کشور دارد.

مدیر کل: Dr. Kamil Idris (Sudan)

مقر: 34 chemin des Colombettes,PO Box 18,CH-1211 Geneva 20,Switzerland
Tel:(41-22)338-9111; Fax:(41-22)733-5428; Email: *Publicinf@wipo.int*

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی

(www.ifad.org)

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی، نهاد مالی چندجانبه‌ای که در پی تصمیم سال ۱۹۷٤ کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۷ تاسیس شد، ماموریت دارد با گرسنگی و فقر روستایی در کشورهای در حال توسعه مبارزه کند.

این صندوق با بسیج منابعی خانواده‌های فقیر روستایی را توانا می‌سازد تا تغذیه خود را بهتر کنند، بازدهی کشاورزی را افزایش دهند و درآمد تولید کنند. گرسنگی و سوءتغذیه مزمن تقریبا همیشه با فقر شدید همراه است که ۷۵ درصد آن در نواحی روستایی، و بیشتر بین زنان و مردم بومی شایع است.

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی از طریق اعطا وام و کمک بلاعوض، به طور مستقیم منابع مالی فراهم، و منابع اضافی را برای طرح‌ها و برنامه‌های خود بسیج می‌کند. شرایط و قیود اعطای وام بر حسب تولید ناخالص ملی کشور وام گیرنده فرق می‌کند. این صندوق با نهادهای بسیار دیگری، از جمله بانک جهانی، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، سایر کارگزاری‌های مالی منطقه‌ای و کارگزاری‌های سازمان ملل متحد کار می‌کند. بسیاری از این نهادها به طور مشترک، منابع مالی طرح‌های صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی را تامین می‌کنند.

بودجه این صندوق از کمک‌های داوطلبانه دولت‌ها، کمک‌دهندگان ویژه، بازپرداخت وام‌ها و درآمد سرمایه‌گذاری تامین می‌شود. تعهد سالانه آن برای طرح‌ها و کمک‌های بلاعوض جدید حدود ٤٥٠ میلیون دلار است و حدود ٣١٥ کارمند دارد.

هیات مدیره آن، یعنی شورای مدیره، از هر ١٦٣ کشور عضو آن تشکیل شده و هر سال تشکیل جلسه می‌دهد. هیات اجرایی، متشکل از ١٨ عضو اصلی و ١٨ عضو علی‌البدل، بر عملیات صندوق نظارت، و وام‌ها و کمک‌های بلاعوض آن را تصویب می‌کند.

رئیس: Mr. Lennart Båge (Sweden)

مقر: Via del Serafico 107,00142 Rome,Italy

Tel:(39-06)54-591;Fax:(39-06)504-3463;Email: *ifad@ifad.org*

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)

(www.unido.org)

ماموریت سازمان توسعه صنعتی ملل متحد حمایت از توسعه و همکاری صنعتی است. مجمع عمومی این سازمان را سال ١٩٦٦ تاسیس کرد و سال ١٩٨٥ کارگزاری تخصصی سازمان ملل شد.

یونیدو به بهبود شرایط زندگی مردم و حمایت از رفاه و بهروزی جهانی با ارائه راه حل‌های مناسب برای توسعه صنعتی پایدار کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذار کمک می‌کند. این سازمان با دولت‌ها، اتحادیه‌های تجاری و بخش صنعتی خصوصی برای ایجاد توانایی صنعتی به منظور برخورد با چالش‌ها و گسترش مزایای جهانی سازی صنعت، همکاری می‌کند.

یونیدو برای پشتیبانی از خدمات خود، مهندسان، اقتصاددانان، و کارشناسان اقتصاد و محیط زیست در وین، و همچنین کارکنان حرفه‌ای در شبکه دفاتر خدمات ترویج سرمایه‌گذاری و دفترهای منطقه‌ای خود دارد. دفاتر منطقه‌ای، تحت ریاست نمایندگان کشوری و منطقه‌ای یونیدو اداره می‌شوند.

۱۷۰ کشور عضو یونیدو هر دو سال یک بار در کنفرانس عمومی دیدار می‌کنند و این کنفرانس بودجه و برنامه کار آن را تصویب می‌کند. هیات مدیره توسعه صنعتی، متشکل از ۵۳ کشور عضو، پیشنهادهایی درباره برنامه‌ریزی و اجرای برنامه و بودجه می‌دهد.
یونیدو حدود ۵۳۰ کارمند در مقر و ۱۰۰ کارمند در دفترهای منطقه‌ای دارد و از خدمات بیش از ۱۸۰۰ کارشناس در سراسر جهان برای طرح‌های کوتاه و بلند مدت استفاده می‌کند. بودجه ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ آن ۱۳۳ میلیون دلار بود. بودجه‌های اضافی به حد فزاینده‌ای از منابع چند جانبه و دو جانبه تامین می‌شود.

مدیر کل: Mr. Carlos Magarinos (Argentina)

مقر: Vienna International Centre,PO Box 300,A-1400 Vienna,Austria
Tel:(43-1)26026;Fax:(43-1)269-2669; Email: *unido@unido.org*

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

(www.iaea.org)

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از استفاده‌های مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای برای نفع بشر حمایت و علیه استفاده از آن برای مقاصد نظامی تلاش می‌کند. این کارگزاری مهمترین مجمع بین دولتی جهان برای همکاری علمی و فنی در استفاده‌های مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای و بازرسی بین‌المللی برای اعمال تدابیر حفاظتی و کنترلی هسته‌ای در رابطه با برنامه‌های غیرنظامی هسته‌ای است. این کارگزاری همچنین مرکز تلاش‌های بین‌المللی برای ترویج همکاری بین‌المللی درباره مسائل مربوط به امنیت و ایمنی هسته‌ای است.
۱۳۷ کشور عضو آژانس هستند که سال ۱۹۵۷ به عنوان کارگزاری مستقل تحت نظارت سازمان ملل متحد تاسیس شد. این کارگزاری به کشورهای عضو نیازمند درباره استفاده از فن‌آوری و علم هسته‌ای برای توسعه پایدار، بر طبق اولویت‌های تعیین شده به وسیله خود کشورها – در حوزه‌هایی شامل تولید مواد غذایی و کشاورزی، بهداشت و سلامت انسان، صنعت، مدیریت آب، اصلاح محیط زیست دریایی، تولید برق و ایمنی و امنیت هسته‌ای کمک فنی ارائه می‌دهد.
آژانس بر تبعیت کشورها از تعهدات خود درباره عدم تکثیر (سلاح‌های هسته‌ای) بر اساس موافقت نامه های دو جانبه و معاهده‌های بین‌المللی به منظور حصول اطمینان از این که مواد و تاسیسات هسته‌ای برای مقاصد نظامی منحرف نشوند، نظارت و کنترل می‌کند. حدود ۲۵۰ بازرس در سراسر جهان در بیش از ۹۰۰ تاسیسات و سایر محل‌ها که مشمول برنامه حفاظتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند، مستقرند.

هیات مدیره‌های این آژانس عبارتند از: کنفرانس عمومی، که همه کشورهای عضو در آن نماینده دارند و هر سال تشکیل جلسه می‌دهد؛ و هیات مدیران، با ۳۵ کشور عضو، که چند بار در طول سال جلسه تشکیل می‌دهد. این کارگزاری ۲۲۵۷ کارمند دارد. بودجه عادی سال ۲۰۰٤ آن ۲٦۸/۵ میلیون دلار بود. هدف برای کمک‌های اضافی و داوطلبانه ۷٤/۸ میلیون دلار است.

مدیر کل: Dr. Mohamed ElBaradei (Egypt)

مقر: PO Box100,wagramer Strasse 5,A-1400 Vienna, Austria
Tel:(43-1)2600-0;Fax:(43-1)2600-7;Email:*Official.Mail@iaea.org*

کمیسیون تدارکاتی برای سازمان معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای

(www.ctbto.org)

کمیسیون تدارکاتی برای سازمان معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای ۱۹ نوامبر ۱۹۹٦ در جلسه کشورهای امضا کننده این معاهده در نیویورک، تاسیس شد. این کمیسیون به عنوان سازمانی بین‌المللی که بودجه آن را کشورهای امضا کننده تامین می‌کنند، از دو ارگان تشکیل شده است: یک نهاد عمومی متشکل از همه کشورهای امضا کننده – که به کمیسیون تدارکاتی نیز معروف است – و دبیرخانه فنی موقتی. وظیفه اصلی کمیسیون تدارکاتی ایجاد رژیم کنترل جهانی است که در معاهده پیش‌بینی شده، به صورتی که معاهده در زمان اجرا شدن، عملیاتی شود.

این کمیسیون سه نهاد وابسته دارد: گروه کاری الف، برای مسائل اداری و بودجه‌ای؛ گروه کاری ب، برای مسائل تایید و کنترل؛ و گروه مشورتی برای مسائل مالی، بودجه‌ای و مسائل اداری مربوطه. بودجه سال ۲۰۰۳ آن ۸۸/۵ میلیون دلار بود که ۸۰ درصد آن به ایجاد رژیم تایید و کنترل جهانی اختصاص یافت.

دبیر اجرایی: Mr. Wolfgang Hoffmann (Germany)

مقر: Vienna International Centre, PO Box 1200,A-1400 Vienna, Austria
Tel:(43-1)26030-6200; Fax:(43-1)26030-5823; Email: *info@ctbto.org*

سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی

(www.opcw.org)

سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی بر اجرای کنوانسیون ممنوعیت، توسعه، تولید، ذخیره و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و نابودی آنها نظارت می‌کند. این کنوانسیون که از ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ به اجرا در آمد، نخستین موافقت نامه چندجانبه خلع سلاح و عدم تکثیر است که حذف جهانی گروهی کامل از سلاح‌های کشتار همگانی را تحت تایید و کنترل دقیق بین‌المللی و در چارچوب زمان تجویز شده، پیش بینی کرده است.

این سازمان از ۱۵۳ کشور تشکیل شده و بازرسان آن از ۱۹۹۷ نابود سازی بیش از ۷۵۰۰ تن عناصر شیمیایی را در تقریبا ۲ میلیون سلاح و مهمات، در پنج کشور عضو – و همچنین نابودسازی یا تبدیل کاربری دوسوم از ٦١ تاسیسات سابق تولید سلاح‌های شیمیایی را در ۱۱ کشور عضو– تایید کرده است. این بازرسان از کارخانه‌های نظامی و صنعتی در ۵۵ کشور ١٤٠٠ بار بازرسی کرده‌اند تا اطمینان یابند سلاح‌های شیمیایی نابود شده و از مواد شیمیایی دارای مصرف دوگانه سوءاستفاده نشود. کشورهای عضو این سازمان متعهد هستند اگر کشورهای دیگر عضو با سلاح‌های شیمیایی تهدید شوند یا با این سلاح‌ها به آنها حمله شود، به آنها کمک کنند. این سازمان همچنین مجموعه‌ای از برنامه‌های همکاری بین‌المللی برای تسهیل در استفاده مسالمت‌آمیز از شیمی دارد.

دبیرخانه فنی سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی حدود ۵۰۰ کارمند از ٦٦ ملیت دارد. بودجه ۲۰۰۳ آن ٦٨/٥ میلیون یورو بود.

مدیر کل: Mr.Rogelio Pfirter (Argentina)

مقر: Johan de Wittlaan 32,2517 JR,The Hague, Netherlands

Tel:(31-70)416-3300;Fax:(31-70)306-3535;Email: *inquiries@opcw.org*

سازمان جهانی گردشگری

(www.world-tourism.org)

سازمان جهانی گردشگری که سال ۱۹۲۵ تاسیس شد، سازمان بین‌المللی اصلی در حوزه گردشگری است. این سازمان به عنوان مجمعی جهانی برای مسائل مربوط به خط مشی گردشگری و منبع عملی دانش گردشگری خدمت می‌کند. اعضای آن شامل ١٤٨ کشور و سرزمین، دو ناظر، و بیش از ۳۵۰ عضو وابسته به نمایندگی از دولت‌های محلی، اتحادیه‌ها و شرکت‌های گردشگری بخش خصوصی، از جمله شرکت‌های هواپیمایی، گروه‌های هتل‌ها و متصدیان گردشگری است.

سازمان جهانی گردشگری، نهادی بین دولتی که نظام ملل متحد مسئولیت ترویج و توسعه گردشگری را به آن محول کرده، ۲۳ دسامبر ۲۰۰۳ با قطعنامه ۵۸/۲۳۲ مجمع عمومی، کارگزاری تخصصی نظام ملل متحد شد. این سازمان می‌کوشد از طریق گردشگری سبب رشد اقتصادی و ایجاد شغل شود، انگیزه‌هایی برای حمایت از محیط زیست و میراث مقصدهای گردشگری فراهم سازد، و از صلح و تفاهم بین ملت‌ها حمایت کند.

مجمع عمومی سازمان جهانی گردشگری، نهاد عالی آن، از اعضای کامل، وابسته و پیوسته تشکیل شده است و هر دو سال برای تصویب بودجه و برنامه کار و بحث درباره مسائل مهم بخش گردشگری جلسه تشکیل می‌دهد. شورای اجرایی که هیات مدیره سازمان جهانی گردشگری است از ۲۷ عضو کامل تشکیل شده که به وسیله مجمع، و یک عضو دائمی، یعنی

اسپانیا، انتخاب می‌شوند و هر سال دو بار تشکیل جلسه می‌دهد. شش کمیسیون منطقه‌ای – آفریقا، قاره آمریکا، آسیای شرقی و اقیانوس آرام، اروپا، خاورمیانه، و آسیای جنوبی – سالی حداقل یک بار تشکیل جلسه می‌دهند.

سازمان جهانی گردشگری ۹۰ کارمند دارد و بودجه ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ آن ۲۰,۸۱۸,۰۰۰ دلار بود.

دبیرکل: Francesco Frangialli (France)

مقر: Capitan Haya 42,28020 Madrid,Spain

Tel:(34-91)567-8100; Fax: (34-91)571-3733; Email: *omt@world-tourism.org*

سازمان تجارت جهانی

(www.wto.org)

سازمان تجارت جهانی سال ۱۹۹۵ به جای موافقت نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (گات – GATT) به عنوان تنها نهاد بین‌المللی مسئول رسیدگی به مقررات جهانی تجارت بین ملت‌ها تشکیل شد. این سازمان کارگزاری تخصصی نیست بلکه ترتیبات و شیوه‌های مبتنی بر همکاری با نظام ملل متحد دارد.

هدف سازمان تجارت جهانی کمک به جریان روان‌تر تجارت، در نظامی بر مبنای مقررات؛ حل بی طرفانه دعاوی و اختلافات تجاری بین دولت‌ها؛ و ترتیب دادن مذاکرات تجاری است. در قلب این سازمان حدود ٦٠ موافقت نامه سازمان تجارت جهانی، یعنی مقررات حقوقی برای سیاست بین‌المللی تجارت و بازرگانی است. اصولی که این موافقت نامه ها بر آنها استوار هستند، عبارتند از: عدم تبعیض (شرط «ملت کامله الوداد» و ماده کامله‌الوداد ملی)، تجارت آزادتر، تشویق رقابت، و قرارهای فوق‌العاده برای کشورهای کمتر توسعه یافته. یکی از هدف‌های سازمان تجارت جهانی، کاهش سیاست حمایت از محصولات ملی (داخلی) است.

سازمان تجارت جهانی، از زمان تاسیس، مجمعی برای مذاکرات موفقیت‌آمیز به منظور گشودن بازارها در حوزه ابزارهای ارتباطی، خدمات مالی و تجهیزات فن‌آوری اطلاعات بوده است. این سازمان در حل بیش از ۲۰۰ اختلاف تجاری شرکت داشته و بر نظارت بر اجرای موافقت نامه های منعقده در مذاکرات تجارت جهانی دور اروگوئه ۱۹۹٤ – ۱۹۸٦ ادامه می‌دهد. سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ در دوحه، قطر، دور جدیدی از مذاکرات تجارت چند جانبه را با عنوان دستور کار توسعه دوحه، شروع کرد.

١٤٦ کشور، عضو سازمان تجارت جهانی هستند. هیات مدیره آن، یعنی کنفرانس وزیران، هر دو سال جلسه تشکیل می‌دهد؛ شورای عمومی، امور روزمره را انجام می‌دهد. بودجه سال ۲۰۰۳ آن ۱۵۵ میلیون فرانک سوئیس بود و حدود ۵۵۰ کارمند دارد.

مدیر کل: Dr. Supachai Panitchpakdi (Thailand)

مقر: 154 Rue de Lausanne,CH-1211 Geneva 21,Switzerland

Tel:(41-22)739-5111; Fax: (41-22)731-4206; Email: *enquiries@wto.org*

فصل ۲

صلح و امنیت بین المللی

صلح و امنیت بین‌المللی

از هدف‌های اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. از زمان تاسیس سازمان ملل متحد بارها از آن خواسته شده از تشدید اختلافات و تبدیل آنها به جنگ جلوگیری کند، طرف‌های متخاصم را تشویق کند به جای زور مذاکره کنند، یا به احیای صلح، هنگام شروع مناقشه، کمک کند. سازمان طی دهه‌ها به خاتمه دادن به مناقشات بسیار، غالبا از طریق اقدامات شورای امنیت، یعنی رکن اصلی رسیدگی به مسائل صلح و امنیت بین‌المللی، کمک کرده است.

در دهه ۱۹۹۰، پایان جنگ سرد به محیط امنیت جهانی کاملا جدیدی منتهی شد، محیطی که با تمرکز بر جنگ‌های داخلی، به جای جنگ‌های بین کشورها، مشخص می‌شد. در اوائل قرن بیست و یکم تهدیدهای جهانی جدید پدیدار شد. حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده، چالش تروریسم بین‌المللی را آشکارا نشان داد، و رویدادهای بعدی نگرانی‌ها درباره تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و خطرهای سایر سلاح‌های غیر متعارف را تشدید کرد و گرد غم روی مردم سراسر جهان پاشید.

سازمان‌های نظام ملل متحد بلافاصله در حوزه‌های مربوطه خود بسیج شدند تا اقدام علیه تروریسم را تشدید کنند. شورای امنیت ۲۸ سپتامبر در اجرای مفاد منشور ملل متحد به منظور جلوگیری از تامین مالی تروریسم، غیرقانونی کردن جمع‌آوری پول برای چنین مقاصدی، و مسدود کردن سریع دارایی‌ها و منابع مالی تروریست‌ها، قطعنامه‌ای فراگیر را تصویب و کمیته ضد تروریسم را برای نظارت بر اجرای این قطعنامه تشکیل داد.

سازمان ملل متحدهمچنین دامنه سنتی ابزارهای تحت حیطه خود را تغییر شکل داده و تقویت کرده، عملیات حفظ صلح را تعدیل کرده تا با چالش‌های جدید مواجه شود، به حد فزاینده‌ای در سازمان‌های منطقه‌ای مشارکت کرده، و فرآیند برقراری صلح پس از مناقشات را تقویت کرده است. مناقشات داخلی، مسائل پیچیده‌ای را در رابطه با پاسخ جامعه بین‌المللی، از جمله مساله بهترین شیوه کمک به قربانیان غیرنظامی جنگ، مطرح کرده است. شورای امنیت برای برخورد با مناقشات داخلی، عملیات پیچیده و نوآورانه حفظ صلح را مجاز دانسته است. سازمان ملل متحد در السالوادور وگواتمالا، در کامبوج و موزامبیک نقشی مهم در خاتمه دادن به مناقشه و تقویت مصالحه و آشتی ایفا کرد.

اما مناقشات دیگر، یعنی در سومالی، رواندا و یوگسلاوی سابق، که غالبا با خشونت قومی همراه بود، چالش‌هایی تازه برای نقش حفظ صلح سازمان ملل به وجود آورد. شورای امنیت در مواجهه با مشکلات مربوط به این مناقشات از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ هیچ عملیات جدیدی ایجادنکرد. اما به تدریج که بحران‌های مداوم در جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، تی‌مورشرقی، کوزوو، و سیرالئون، شورای امنیت را وادار کرد در

سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ ترتیب انجام پنج ماموریت جدید را بدهد، نقش اساسی سازمان ملل بار دیگر به سرعت به گونه‌ای چشمگیر تایید شد.
شورا از آن زمان هیات ملل متحد در اتیوپی و اریتره (سال ۲۰۰۰)؛ هیات پشتیبانی ملل متحد در تی‌مورشرقی (۲۰۰۲)؛ و هیات ملل متحد در لیبریا (۲۰۰۳) را به وجود آورده است.
تجربه سال‌های اخیر همچنین باعث شده است سازمان ملل متحد به گونه‌ای که هرگز در گذشته سابقه نداشته بر امر برقراری صلح، یعنی اقداماتی برای حمایت از ساختارهایی که صلح را تقویت و مستحکم خواهند کرد، تمرکز کند. تجربه نشان داده است فقط با کمک به کشورها برای تقویت توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، احترام به حقوق بشر، حکومت مطلوب و فرآیند دموکراتیک می‌توان به صلح پایدار دست یافت. هیچ نهاد دیگری تجربه چند جانبه، صلاحیت، توانایی هماهنگ سازی و بی طرفی سازمان ملل را برای انجام این وظایف ندارد. سازمان ملل متحد علاوه بر انجام وظایف خود در زمینه برقراری صلح، در ماموریت‌هایی مانند تی‌مور – لسته و کوزوو، دفاتری برای حمایت از برقراری صلح در جمهوری آفریقای مرکزی، گینه بیسائو، لیبریا و تاجیکستان ایجاد کرده است.
شورای امنیت، مجمع عمومی و **دبیرکل** همگی نقش‌های مهم تکمیلی در تقویت صلح و امنیت ایفا می‌کنند. فعالیت‌های سازمان ملل، حوزه‌های اساسی: *پیشگیری از مناقشه*، *برقراری صلح*، *حفظ صلح*، *اجرا و ایجاد صلح* را در برمی‌گیرد. این فعالیت‌ها برای این که موثر باشند، باید تکمیلی بوده یا به صورت همزمان انجام شوند.

شورای امنیت

منشور ملل متحد – معاهده‌ای بین‌المللی – کشورهای عضو را متعهد می‌سازد اختلاف‌های خود را به شیوه‌های صلح آمیز، به روشی حل کنند که صلح، امنیت و عدالت بین‌المللی به خطر نیفتد. این کشورهاباید از تهدید یا استفاده از زور علیه هر کشوری خودداری وممکن است هر اختلافی را در شورای امنیت مطرح کنند.
شورای امنیت ارگان سازمان ملل متحد با مسئولیت اصلی برای حفظ صلح و امنیت است. کشورهای عضو مطابق منشور متعهد به پذیرش و انجام تصمیم‌های شورا هستند. پیشنهادهای سایر نهادهای سازمان ملل قدرت اجباری تصمیم‌های شورای امنیت را ندارند اما با ابرازنظرجامعه بین‌المللی می‌توانند بر موقعیت‌ها تاثیر بگذارند.
شورا، هنگامی که اختلافی در معرض توجه آن قرار داده می‌شود، به طور معمول از طرفین می‌خواهد آن را با شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند و ممکن است به طرفین برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف پیشنهادهایی بدهد، نمایندگان ویژه منصوب کند، از دبیر کل بخواهد از نفوذ شخصی خود استفاده کند، و به تحقیق و میانجیگری بپردازد.

شورا، هنگامی که اختلافی به جنگ منتهی می‌شود، می‌کوشد به سرعت به آن پایان دهد، و اغلب دستورالعمل‌هایی برای آتش بس صادر کرده که نقشی اساسی در پیشگیری از خصومت‌های گسترده داشته است. شورا در حمایت از فرآیند صلح، می‌تواند ناظران نظامی یا نیروی حفظ صلح در منطقه دچار مناقشه مستقر کند.
شورا مطابق فصل هفت منشور اختیار دارد برای اجرای تصمیم‌های خود دست به اقدام بزند، تحریم کند یا برای حصول اطمینان از اجرای ماموریت‌ها استفاده از زور را مجاز کند.
شورا در چند مورد، مطابق فصل هفت منشور، استفاده از نیروی نظامی را به وسیله ائتلافی از کشورهای عضو یا به وسیله یک سازمان یا توافق منطقه‌ای مجاز کرده است. اما شورا فقط به عنوان راه حل نهایی، هنگامی که شیوه‌های صلح‌آمیز بر طرف کردن اختلاف، موثر واقع نشده و پس از اثبات وجود تهدید برای صلح، نقض صلح یا انجام اقدامی تجاوزکارانه، دست به چنین اقداماتی می‌زند.
شورا، همچنین مطابق فصل هفت منشور، دادگاه‌های بین‌المللی تشکیل داده تا افراد متهم به نقض شدید حقوق بشردوستانه و حقوق بشر بین‌المللی از جمله قتل عام، را تحت پیگرد قانونی قرار دهد.

مجمع عمومی

منشور ملل متحد (ماده ۱۱) به مجمع عمومی اختیار می‌دهد «اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بررسی» و «به اعضا یا شورا یا هر دو پیشنهادهایی... بدهد.» مجمع عمومی وسیله‌ای برای رسیدن به اجماع درباره مسائل دشوار است و امکان ابراز شکایت‌ها و مبادلات دیپلماتیک را فراهم می‌سازد. مجمع برای تقویت و حفظ صلح اجلاس‌های ویژه یا اجلاس‌های اضطراری ویژه درباره مسائلی مانند خلع سلاح، مساله فلسطین و اوضاع افغانستان تشکیل داده است.
مجمع عمومی به مسائل صلح و امنیت در نخستین کمیته خود (کمیته خلع سلاح و امنیت بین‌المللی) و در چهارمین کمیته خود (کمیته ویژه سیاسی و استعمارزدایی) رسیدگی می‌کند. مجمع در طول سال‌ها با تصویب اعلامیه‌هایی درباره صلح، حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و همکاری بین‌المللی، به ترویج راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بین ملت‌ها کمک کرده است.
مجمع عمومی سال ۱۹۸۰ تاسیس **دانشگاه صلح**، نهادی بین‌المللی برای مطالعات، تحقیقات و انتشار دانش درباره مسائل مربوط به صلح، را در سان خوزه، کاستاریکا تصویب کرد.
مجمع عمومی ۲۱ دسامبر هر سال را به عنوان **روز بین‌المللی صلح** تعیین کرده است.

پیشگیری از مناقشه

تدابیر اصلی برای پیشگیری از تبدیل اختلاف‌ها به مناقشه، و پیشگیری از تکرار مناقشه، دیپلماسی پیشگیرانه، استقرار پیشگیرانه و خلع سلاح پیشگیرانه است.

دیپلماسی پیشگیرانه به اقدام برای پیشگیری از بروز اختلاف‌ها، حل آنها پیش از تبدیل شدن به مناقشه، یا محدود کردن دامنه مناقشات هنگام بروز آنها، اشاره دارد. این کار را می‌توان به صورت میانجیگری، آشتی یا مذاکره انجام داد. هشدار زود هنگام عنصری اساسی در پیشگیری است، و سازمان ملل متحد برای شناسایی تهدیدها نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی، و در نتیجه توانمند ساختن شورای امنیت و دبیرکل برای انجام اقدام پیشگیرانه، به دقت بر تحولات سیاسی و سایر تحولات سراسر جهان نظارت می‌کند.

فرستادگان و نمایندگان ویژه دبیرکل در میانجیگری و دیپلماسی پیشگیرانه در سراسر جهان شرکت دارند. در بعضی نقاط دچار مشکل، حضور صرف نماینده ویژه خبره می‌تواند از تشدید تنش‌ها پیشگیری کند. این کار اغلب با همکاری نزدیک سازمان‌های منطقه‌ای انجام می‌شود.

استقرار پیشگیرانه و خلع سلاح پیشگیرانه، تکمیل کننده دیپلماسی پیشگیرانه هستند. هدف از *دیپلماسی پیشگیرانه*، یعنی استقرار حافظان صلح برای ممانعت از بروز مناقشه احتمالی، تامین یک «خط آبی نازک» (استقرار نیروهای سازمان ملل) برای کمک به مهار مناقشات از طریق ایجاد اعتماد در مناطق دچار تنش است. تا امروز، تنها موارد ویژه، هیات‌های سازمان ملل در جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق[1] و در جمهوری آفریقای مرکزی است. استفاده از دیپلماسی پیشگیرانه در سایر مناقشات نیز مورد توجه بوده و همچنان گزینه‌ای ارزشمند است.

خلع سلاح پیشگیرانه در صدد کاهش تعداد سلاح‌های کوچک در مناطق مستعد مناقشه است. در السالوادور، موزامبیک و جاهای دیگر، این کار باعث ترخیص نیروهای جنگی و همچنین گردآوری و نابود کردن سلاح‌های آنان به عنوان بخشی از موافقت نامه کلی صلح شده است. نابود کردن سلاح‌های دیروز، مانع از استفاده از آنها در جنگ‌های فردا می‌شود.

---

۱. اقدام سازمان ملل در جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق نمونه‌ای از «استقرار پیشگیرانه» موفق است. این کشور که نگران کشیده شدن به مناقشه یوگسلاوی بود سال ۱۹۹۲ تقاضای استقرار ناظران سازمان ملل را داد. شورای امنیت موافقت کرد و یک گروه حافظ صلح را به مرزهای این کشور با یوگسلاوی و آلبانی فرستاد. **نیروی استقرار پیشگیرانه سازمان ملل متحد** با ۱۱۰۰ عضو، بر تحولات مناطق مرزی، که می‌توانست خاک این کشور را تهدید یا ثبات آن را تضعیف کند، نظارت کرد. مقدونیه بارها خواستار تمدید این ماموریت شد که تا ۱۹۹۹ ادامه یافت و هنوز الگویی برای عملیات پیشگیرانه آتی است.

مساله مداخله

آیا جامعه بین‌المللی برای متوقف کردن نقض شدید، نظام‌مند و گسترده حقوق بشر در یک کشور باید مداخله کند؟ این سوال را کوفی‌عنان دبیرکل در سال ۱۹۹۸ مطرح و باعث بحث‌های گسترده شد.

دبیرکل، پس از قتل عام‌ها، جنایت‌ها علیه بشریت، و جنایات جنگی در آفریقای مرکزی، بالکان و نقاط دیگر، استدلال کرد جامعه بین‌المللی، در چارچوب حقوق بین‌الملل، باید درباره اصول مشروع و همگانی برای حمایت از غیرنظامیان علیه نقض‌های شدید و نظام‌مند حقوق بشر به توافق برسد.

آقای عنان گفت چارچوب حقوقی لازم برای انجام این کار با معیارهای جهانی موجود در منشور ملل متحد، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، قانون حقوق بشر، وحقوق پناهندگی فراهم شده است. مفهوم مداخله، طیفی گسترده از اقدامات، از جمله، در بعضی شرایط، مداخله شورای امنیت را در مناقشات داخلی با مجاز شمردن ایجاد «راهروهای امن» و «نواحی امن» در مناطق مناقشه، با تحمیل تحریم‌ها علیه کشورهای سرکش، یا اتخاذ تدابیر دیگر، در بر می‌گیرد. آقای عنان در عین حال هشدار داده است انجام چنین اقدام‌های اجباری فقط در صورتی از حمایت مردم جهان برخوردار خواهد بود که عادلانه و مداوم به اجرا در آید.

گروهی از ملت‌ها در بحث‌های بعدی اظهار داشتند در برخورد با نقض‌های شدید حقوق بشر و جنایت علیه بشریت، مسئولیت جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از نقض‌ها بسیار زیاد است. بر این اساس، به عنوان آخرین راه چاره، از حقوق بشر می‌توان به صورت مشروع از طریق استفاده از زور که شورای امنیت آن را مجاز دانسته، حمایت کرد.

گروه دومی از ملت‌ها سه سئوال اساسی مطرح کردند: کمک بشردوستانه در کجا متوقف و مداخله در امور داخلی کشورها آغاز می‌شود؟ چگونه باید بین انگیزه‌های بشردوستانه و انگیزه‌های سیاسی یا اقتصادی تمایز قائل شد؟ آیا مداخله بشردوستانه فقط در کشورهای ضعیف معتبر است یا برای همه کشورها بدون تمایز؟ این ملت‌ها خواهان بحثی گسترده شده، و تاکید کرده‌اند هر تصمیمی باید بر مبنای اجماع کشورهای عضو اتخاذ شود.

گروه سومی از کشورها استدلال کردند اندیشه مداخله بشردوستانه، قدرت بالقوه تضعیف منشور، از بین بردن حاکمیت کشورها و به خطر انداختن دولت‌های مشروع و ثبات نظام بین‌المللی را دارد. آنها تاکید کردند تدابیر لازم برای حفاظت از حقوق بشر باید به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها، با حمایت دولت و مردم کشور مربوطه، احترام بگذارد.

محاسن و معایب اخلاقی این موضوع پیچیده همچنان مورد بحث است و احتمال دارد اصول مربوطه بار دیگر، هنگامی که بحران بشردوستانه مهم دیگری جامعه بین‌المللی را به مبارزه طلبد، مورد آزمایش قرار گیرد.

برقراری صلح

برقراری صلح، به استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای تشویق طرفین مناقشه به قطع خصومت‌ها وانجام مذاکره برای حل مسالمت‌آمیزآن اشاره دارد. سازمان ملل متحد ابزارهای گوناگون ارائه می‌دهد که از طریق آنها ممکن است مناقشات را مهار و حل و به دلایل ریشه‌ای آنها رسیدگی کرد. شورای امنیت می‌تواند راه‌هایی را برای حل مشاجره توصیه یا خواهان میانجیگری دبیرکل شود. **دبیرکل** برای تشویق و حفظ انگیزه مذاکرات می‌تواند ابتکارهای دیپلماتیک انجام دهد.

دبیرکل در برقراری صلح چه شخصا و چه با اعزام فرستادگان یا هیات‌های ویژه برای انجام وظایف خاص، مانند مذاکره یا حقیقت‌یابی، نقشی اساسی ایفا می‌کند. دبیرکل بر اساس منشور می‌تواند هر موضوعی را که ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند، در معرض توجه شورای امنیت قرار دهد.

دبیرکل برای کمک به حل اختلافات می‌تواند از «نفوذ شخصی» خود برای میانجیگری یا اعمال دیپلماسی باز دارنده استفاده کند. بی طرفی دبیرکل یکی از سرمایه‌های بزرگ سازمان ملل متحد است. دبیرکل در موارد بسیاری در برطرف کردن تهدید به صلح یا در امر نیل به موافقت نامه صلح، تاثیر اساسی داشته است.
برای مثال، اقدام دبیرکل در سال ۱۹۸۸ منجر به خاتمه جنگ بین ایران و عراق شد که از سال ۱۹۸۰ ادامه داشت. در افغانستان میانجیگری دبیرکل و فرستاده او منجر به عقد موافقت نامه‌های ۱۹۸۸ شد که باعث عقب‌نشینی نیروهای اتحاد شوروی از این کشور گردید. مواردی مانند کامبوج، امریکای مرکزی، قبرس، خاورمیانه، موزامبیک و نامیبیا راه‌های گوناگون بسیاری را نشان می‌دهد که دبیرکل به عنوان عامل برقراری صلح شرکت می کند.

حفظ صلح

عملیات حفظ صلح سازمان ملل، ابزاری حیاتی برای پیشبرد صلح و امنیت در اختیار جامعه بین‌المللی هستند. نقش حفظ صلح در ۱۹۸۸، هنگامی که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد جایزه نوبل صلح را دریافت کردند، به رسمیت شناخته شد.
سازمان ملل متحد سال ۱۹٤۸ با ایجاد سازمان نظارت بر آتش‌بس ملل متحد در خاورمیانه در حفظ صلح پیشگام شد در حالی که این موضوع به صورت ویژه در منشور پیش‌بینی نشده بود. سازمان ملل از آن زمان ٥٦ مورد عملیات حفظ صلح انجام داده که ٤۳ مورد آن از ۱۹۸۸ بوده است.[۲] در آوریل ۲۰۰٤ چهارده مورد عملیات حفظ صلح در جریان بود.
عملیات حفظ صلح و استقرار آنها به وسیله شورای امنیت، با رضایت دولت‌های میزبان و معمولا با رضایت سایر طرف‌های درگیر مجاز می‌شود. این نیروها ممکن است متشکل از پرسنل نظامی و پلیس،و همراه با کارکنان غیر نظامی باشند. عملیات ممکن

---

۲. مداخله در کره در سال ۱۹۵۰، عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد نبود. ایالات متحده و کمیسیون سازمان ملل درباره کره ژوئن ۱۹۵۰ به سازمان ملل متحد اطلاع دادند جمهوری کره مورد حمله نیروهای کره شمالی قرار گرفته است. شورای امنیت توصیه کرد کشورهای عضو کمک لازم را در اختیار جمهوری کره قرار دهند تا حمله را خنثی و صلح و امنیت را اعاده کند. شورا در ژوییه توصیه کرد کشورهای عضوی که نیروهای نظامی تامین می‌کنند آنها را در اختیار فرماندهی متحد تحت نظر ایالات متحده قرار دهند؛ ۱۶ کشور سرباز فرستادند. این نیرو، معروف به یگان سازمان ملل متحد، که شورای امنیت به آن اجازه داده بود تحت پرچم سازمان ملل باشد، جزء عملیات حفظ صلح سازمان ملل نبود بلکه نیرویی بین‌المللی بود که تحت فرماندهی متحد عمل می‌کرد. اتحاد شوروی، که در اعتراض به حضور دولت ملی‌گرای چین به نمایندگی از چین در سازمان ملل متحد، در شورای امنیت حضور نداشت، تصمیم‌های شورا را به دلیل غیبت دو عضو دائمی آن (اتحاد شوروی و چین) غیرقانونی اعلام کرد. جنگ کره تا ژوییه ۱۹۵۳، که موافقت نامه آتش بس امضا شد، ادامه یافت.

چه کسی بر عملیات حفظ صلح فرماندهی می‌کند؟

عملیات حفظ صلح به وسیله شورای امنیت ایجاد و به وسیله دبیرکل، اغلب از طریق نماینده ویژه، هدایت می‌شود. فرمانده این نیرو یا ناظر نظامی اصلی، بسته به نوع ماموریت، مسئول جنبه‌های نظامی آن است.
سازمان ملل متحد نیروی نظامی خاص خود ندارد و کشورهای عضو،بر مبنایی داوطلبانه پرسنل، تجهیزات و تدارکات لازم برای عملیات را فراهم می‌کنند. کشورهای عضو به دقت درباره شرایط مشارکت خود، از جمله ترتیبات فرماندهی و کنترل، مذاکره می‌کنند و اختیار نهایی بر نیروهای نظامی خود دارند. حافظان صلح یونیفورم کشور خود را می‌پوشند؛ و فقط با کلاه خود یا کلاه بره آبی و نشان سازمان ملل متحد، به عنوان حافظان صلح شناسایی می‌شوند.

است شامل هیات‌های ناظر نظامی، نیروهای حافظ صلح، یا ترکیبی از هر دو باشند. هیات‌های ناظر نظامی از افسران غیرمسلح، معمولا برای نظارت بر یک موافقت نامه یا آتش بس، تشکیل شده‌اند. سربازان در نیروهای حفظ صلح مسلح هستند، اما در بیشتر موقعیت‌ها فقط برای دفاع از خود می‌توانند از سلاح استفاده کنند.
پرسنل نظامی عملیات حفظ صلح به صورت داوطلبانه به وسیله کشورهای عضو تامین می‌شوند و بودجه آنها را، که به عنوان بودجه حفظ صلح ارزیابی می‌شوند، کشورهای عضو تامین می‌کنند. به کشورهایی که با اعزام سرباز کمک می‌کنند، به نسبتی استاندارد از این بودجه غرامت داده می‌شود.
هزینه عملیات حفظ صلح برای سال مالی که از ژوییه ۲۰۰۳ شروع شد انتظار می‌رفت حدود ۲/۲ میلیارد دلارباشد، یعنی حدود ۱۵ صدم درصد هزینه نظامی دنیا. منابع مالی عملیات از طریق بودجه حفظ صلح تامین می‌شود و شامل سربازانی از کشورهای بسیار است. این روش سهیم‌شدن همگانی در فشار، می‌تواند از نظر انسانی، مالی و سیاسی تاثیری فوق‌العاده داشته باشد.

از ۱۹٤۸ بیش از ۷۵۰,۰۰۰ پرسنل نظامی، پلیس و غیرنظامی از نزدیک به ۱۳۰ کشور در عملیات حفظ صلح خدمت کرده‌اند. از این عده حدود ۱۹۱۰ نفر (تا ژوئن ۲۰۰٤) حین انجام وظیفه جان دادند.
مناقشات امروز ترکیبی پیچیده هستند. ریشه‌های آنها ممکن است اساسا داخلی باشند، اما با مداخلات فرامرزی، چه به وسیله دولت‌ها یا منافع اقتصادی و سایر عوامل غیرکشوری و غیررسمی، پیچیده می‌شوند. مناقشات اخیر در آفریقا، نقش ترکیب مرگبار جنگ داخلی و صدور غیرقانونی منابع طبیعی – عمدتا الماس – را برای به دست آوردن اسلحه نشان داده‌اند. به علاوه، عواقب مناقشات می‌توانند به علت جریان‌های غیرقانونی اسلحه، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جریان‌های پناهندگان و ویرانی محیط زیست به سرعت بین‌المللی شوند.
عملیات سازمان ملل متحد، به علت جهانی بودن آنها،از مزایای منحصر به فردی برای رسیدگی به منا قشات بر خور دارند. جهانی بودن این عملیات به مشروعیت آنها می افزاید و عوارض

عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد*

- سازمان نظارت بر آتش‌بس ملل متحد (تاسیس ۱۹٤۸)، در خاورمیانه (متشکل از ۱۵۳ نظامی و ۲۰۵ غیرنظامی)
- گروه ناظر نظامی ملل متحد در هند و پاکستان (۱۹٤۹) (نظامی ٤٤، غیرنظامی ۶۵ نفر)
- نیروی حفظ صلح ملل متحد در قبرس (۱۹۶٤) (نظامی ۱۲۰۲، پلیس غیرنظامی ٤۵، غیرنظامی ۱٤۷ نفر)
- نیروی ناظر جداسازی ملل متحد (۱۹۷٤) در ارتفاعات جولان سوریه، (نظامی ۱۰۲۹، غیرنظامی ۱۲۹ نفر)
- نیروی موقت ملل متحد در لبنان (۱۹۷۸) (نظامی ۱۹۹٤، غیرنظامی ٤۰۷ نفر)
- هیات سازمان ملل برای همه پرسی در صحرای غربی (۱۹۹۱) (نظامی ۲۳۰، غیرنظامی ۲٤۲ نفر)
- هیات ناظر ملل متحد در گرجستان (۱۹۹۳) (نظامی ۱۱۸، پلیس غیرنظامی ۱۱، غیرنظامی ۲۷۸ نفر)
- هیات حکومت موقت ملل متحد در کوزوو (۱۹۹۹) (نظامی ۳۶، پلیس غیرنظامی ۳۵۱۰، غیرنظامی ۳۵۵۷ نفر)
- هیات ملل متحد در سیرالئون (۱۹۹۹) (نظامی ۱۱۵۳۹، پلیس غیرنظامی ۱۱۶، غیرنظامی ۸۳۱ نفر)
- هیات ناظر ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو (۱۹۹۹) (نظامی ۱۰۵۷۶، پلیس غیرنظامی ۱۳۹، غیرنظامی ۱۶۳۲ نفر)
- هیات ملل متحد در اتیوپی واریتره (۲۰۰۰) (نظامی ٤۰۰۶، غیرنظامی ٤۹۷ نفر)
- هیات پشتیبانی ملل متحد در تی‌مورشرقی (۲۰۰۲) (نظامی ۱۶۰۹، پلیس غیرنظامی ۱۲۹، غیرنظامی ۸۹٤ نفر)
- هیات ملل متحد در لیبریا (۲۰۰۳) (نظامی ۱٤۸۳۳، پلیس غیرنظامی ۷۹۱، غیرنظامی ۷۹۶ نفر)
- عملیات ملل متحد در ساحل عاج (۲۰۰٤) (نظامی ۳۰۳۶، پلیس غیرنظامی ۶۰، غیرنظامی ۱۱۰ نفر) (تعداد نفرات مجاز: نظامی ۶۲٤۰ نفر از جمله ۲۰۰ ناظر، پلیس غیرنظامی ۳۵۰، غیرنظامی ۹۶٤ نفر)
- هیات تثبیت ملل متحد در هاییتی (۲۰۰٤) (نظامی ۲٤۰، پلیس غیرنظامی ۷، غیرنظامی ۱۲۳نفر) (تعداد نفرات مجاز: نظامی ۶۷۰۰، پلیس غیرنظامی ۱۶۲۲، و کارکنان غیرنظامی)
- عملیات ملل متحد در بروندی (۲۰۰٤) (تعداد نفرات مجاز: نظامی ۵۶۵۰، پلیس غیرنظامی ۱۲۰)

* تا اول ژوئن ۲۰۰٤. برای کلیه عملیات، گذشته و حال، به فصل ۳ (پیوست‌ها) نگاه کنید.

آنهارا برای حاکمیت کشور میزبان محدود می‌کند. حافظان صلح از خارج یک مناقشه می‌توانند بحث بین طرف‌های درگیر را تقویت کنند و در همان حال توجه جهانی را به نگرانی‌های محلی جلب و درهایی را باز کنند که در غیر این صورت به روی تلاش‌های دسته جمعی صلح بسته می‌ماند.

لزوم تحقق چند شرط برای موفقیت یک عملیات به حد فزاینده‌ای آشکار شده است. از جمله این شرط‌ها: خواست واقعی نیروهای خصم برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های خود، وجود ماموریتی روشن، حمایت سیاسی شدید جامعه بین‌المللی، و تامین منابع مالی و انسانی لازم برای دستیابی به هدف‌های عملیات است.

این حمایت ممکن است نیازمند درگیری مثبت عوامل غیررسمی باشد. مناقشات اخیر در آفریقا نشان داده‌اند منافع خصوصی برای سود مالی چگونه ممکن است از جنگ داخلی بهره‌برداری کنند. با این حال، تزریق سرمایه خصوصی، اگر با تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از صلح هماهنگ شده باشد، می‌تواند کمکی اساسی به بازیافت اقتصاد پس از مناقشه باشد.

جامعه بین‌المللی از عملیات گذشته درس‌هایی آموخته و برای تقویت توانایی حفظ صلح سازمان ملل متحد در چند حوزه فعالیت می‌کند. طرحی کلی برای اصلاحات به وسیله هیات عملیات صلح دبیرکل، به ریاست سفیر اخضر ابراهیمی، که گزارش خود را در ۲۰۰۰ منتشر کرد، ارائه شد.[۳]

شورای امنیت و سایر نهادها اکنون در حال رسیدگی به مسائل عمده موردنظر هستند که شامل مسائل زیر است: افزایش آمادگی ؛ تسریع استقرار؛ تقویت توانایی‌های باز دارندگی حافظان صلح؛ و تضمین حمایت سیاسی و مالی کامل کشورهای عضو.

عملیات را می‌توان به شکل‌های فراوانی انجام داد و به علت موقعیت‌های متغیر مدام در حال توسعه و تغییر هستند. از جمله ماموریت هایی که در طول سال‌ها در جریان عملیات حفظ صلح انجام شده:

• *حفظ آتش بس و جداسازی نیروها.* با تامین «فضای تنفسی»، عملیاتی بر مبنای موافقت نامه ای محدود بین طرفین، می‌تواند فضا و شرایط مناسب برای مذاکرات را به وجود آورد.

---

۳. گزارش هیات عملیات صلح ملل متحد، S/ ۲۰۰۰/۸۰۹ – A/۵ ۵/۳۰۵ مورخ ۲۱ اوت ۲۰۰۰.

در: www.un.org/peace/reports/peace_operations نیز قابل دسترسی است.

• *استقرار پیشگیرانه*. حضور عوامل عملیات، اگر پیش از شروع مناقشه مستقر شوند، می‌تواند باعث اطمینان و شفافیتی شود که به سود پیشرفت سیاسی است.
• *حمایت از عملیات بشردوستانه*. در مناقشات بسیاری، غیرنظامیان را به عنوان وسایلی برای دستیابی به هدف‌های سیاسی، به عمد هدف گرفته‌اند. در چنین موقعیت‌هایی از حافظان صلح خواسته شده از عملیات بشردوستانه حمایت به عمل آورند. اما چنین وظایفی می‌تواند حافظان صلح را در موقعیت‌های دشوار سیاسی قرار دهد و به تهدید امنیت آنان منجر شود.
• *اجرای راه حل صلح فراگیر*. عملیات پیچیده چند بعدی، که بر اساس موافقت نامه های صلح فراگیر انجام می‌شود، می‌تواند در انجام وظایف گوناگونی مانند تامین کمک بشردوستانه، نظارت بر حقوق بشر، نظارت بر انتخابات و هماهنگ کردن حمایت برای بازسازی اقتصادی، کمک کند.

هیچ مجموعه از چنین نقش‌هایی نمی‌تواند جامع و فراگیر باشد. مناقشات آینده احتمال دارد به ایجاد چالش‌های پیچیده برای جامعه بین‌المللی ادامه دهد. دادن پاسخی موثر، نیازمند استفاده شجاعانه و خلاقانه از ابزارها برای صلح خواهد بود.

همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای. سازمان ملل در جست وجوی صلح، به میزان روزافزونی با سازمان‌های منطقه‌ای و سایر عوامل و ساز و کارهایی همکاری کرده که در فصل هشتم منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است. سازمان ملل از نزدیک با سازمان کشورهای آمریکایی در هاییتی، اتحادیه اروپا در یوگسلاوی سابق، جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای غربی در لیبریا و سیرالئون، و اتحادیه آفریقا در صحرای غربی، منطقه دریاچه‌های بزرگ، سیرالئون و اتیوپی و اریتره همکاری کرده است.[٤]

ناظران نظامی نظام ملل متحد با نیروهای حافظ صلح سازمان‌های منطقه‌ای در لیبریا، سیرالئون، گرجستان و تاجیکستان همکاری کرده‌اند.

سازمان ملل در یوگسلاوی سابق با شورای اروپا و سازمان امنیت و همکاری در اروپا در حوزه‌های حقوق بشر، برگزاری انتخابات، برقراری صلح و توسعه اقتصادی همکاری کرده است. ماموریت پیچیده در کوزوو، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان امنیت و همکاری در اروپا را دور هم آورد.

---

۴. سازمان وحدت آفریقا که سال ۱۹۶۳ برای ترویج وحدت، همبستگی و همکاری بین‌المللی بین کشورهای تازه استقلال یافته آفریقا تاسیس شد، ۱۰ ژوییه ۲۰۰۲ نام خودرابه «اتحادیه آفریقا» تغییرداد. این اتحادیه که مرکز آن در اتیوپی است، با ۵۳ عضو، از اتحادیه اروپا الگو گرفته است.

اجرا

شورای امنیت بر اساس فصل ۷ منشور می‌تواند تدابیر اجرایی برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند. چنین تدابیری از تحریم‌های اقتصادی تا اقدام نظامی بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

تحریم‌ها

شورا هنگام تهدید صلح و شکست تلاش‌های دیپلماتیک ، به تحریم‌های اجباری به عنوان ابزاری اجرایی متوسل شده است. در دهه گذشته از تحریم علیه عراق، یوگسلاوی سابق، لیبی، هاییتی، لیبریا، رواندا، سومالی، نیروهای یونیتادر آنگولا، سودان، سیرالئون، جمهوری فدرال یوگسلاوی (از جمله کوزوو)، افغانستان، و اتیوپی و اریتره استفاده شده است. دامنه تحریم‌ها شامل تحریم‌های کامل اقتصادی و تجاری، یا تدابیر خاص‌تر مانند تحریم‌های تسلیحاتی، ممنوعیت سفر و محدودیت‌های مالی و دیپلماتیک بوده است.

هدف از تحریم‌ها اعمال فشار به یک کشور یا نهاد برای پیروی از هدف‌های تعیین شده شورای امنیت بدون توسل به استفاده از زور است. به این ترتیب تحریم‌ها وسیله‌ای مهم برای اجرای تصمیم‌های شورا در اختیار آن می‌گذارد. ویژگی جهانی سازمان ملل متحد آن را نهادی به ویژه مناسب برای وضع تحریم‌ها و نظارت بر اجرای آنها می‌کند.

با این حال، بسیاری از کشورها و سازمان‌های بشردوستانه درباره تاثیر نامساعد احتمالی تحریم‌ها بر بخش‌های آسیب پذیرتر جمعیت غیرنظامی، مانند سالخوردگان، معلولان، پناهندگان یا مادران و کودکان ابراز نگرانی کرده‌اند. درباره تاثیر منفی اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی تحریم‌ها بر اقتصاد کشورهای ثالث یا همسایه، که روابط تجاری و اقتصادی آنها با کشور تحریم شده مختل می‌شود، نیز ابراز نگرانی شده است.

این موضوع به میزان روز افزونی پذیرفته شده که لازم است شیوه طرح و اجرای تحریم‌ها بهبود یابد. تاثیر منفی تحریم‌ها را می‌توان با گنجاندن مستقیم استثناهای بشر دوستانه در قطعنامه‌های شورای امنیت، یا با رسیدگی بیشتر و بهتر به آنها، کاهش داد. به اصطلاح «تحریم‌های هوشمندانه»، که می‌کوشند به جای تمام مردم به قدرتمندان فشار بیاورند، و به این ترتیب از هزینه‌های بشردوستانه بکاهند، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. تحریم‌های هوشمندانه می‌تواند، برای مثال، شامل مسدود کردن دارایی‌ها و جلوگیری از نقل و انتقالات مالی نخبگان یا نهادهایی باشد که فعالیت‌های غیرقانونی ایشان باعث تحریم در وهله اول شد.

مجاز دانستن اقدام نظامی

هنگامی که تلاش‌ها برای برقراری صلح شکست می‌خورند ممکن است انجام اقدام شدیدتر به وسیله کشورهای عضو بر اساس فصل هفت منشور مجاز باشد. شورای امنیت

هیات‌های سیاسی و ایجاد صلح ملل متحد*

- هیات تایید ملل متحد در گواتمالا (تاسیس ۱۹۹٤) (پلیس غیرنظامی ۱، غیرنظامی ۹۷ نفر)
- دفتر سیاسی ملل متحد برای سومالی (۱۹۹۵) (غیرنظامی ۸ نفر)
- دفتر نماینده ویژه دبیرکل برای منطقه دریاچه‌های بزرگ (۱۹۹۷) (غیرنظامی ۶ نفر)
- دفتر ملل متحد برای حمایت از ایجاد صلح در گینه بیسائو (۱۹۹۹) (مشاور نظامی ۲، مشاور پلیس غیرنظامی ۱، غیرنظامی ۲٤ نفر)
- دفتر هماهنگ کننده ویژه ملل متحد برای خاور میانه (۱۹۹۹) (غیرنظامی ٤۲ نفر)
- دفتر ایجاد صلح ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی (۲۰۰۰) (مشاور نظامی ۵، پلیس غیرنظامی ۶، غیرنظامی ۵٤ نفر)
- دفتر ایجاد صلح ملل متحد در تاجیکستان (۲۰۰۰) (مشاور پلیس غیرنظامی ۱، غیر نظامی ۲۶ نفر)
- دفتر نماینده ویژه دبیرکل برای آفریقای غربی (۲۰۰۱) (غیرنظامی ۱۲ نفر)
- هیات کمک ملل متحد در افغانستان (۲۰۰۲) (ناظر نظامی ۷، پلیس غیرنظامی ۵، غیرنظامی ۹۰۳ نفر)
- هیات کمک ملل متحد برای عراق (۲۰۰۳) (مشاور نظامی ۲، غیرنظامی ۲۵۵ نفر)
- هیات ناظر ملل متحد در بوگین ویل (۲۰۰٤) (غیرنظامی ۳ نفر)

* تا اول ژوئن ۲۰۰٤

ائتلاف‌های کشورهای عضو را مجاز کرده است از «کلیه ابزارهای لازم»، از جمله اقدام نظامی، برای حل مناقشه استفاده کنند، همچنان که برای اعاده حاکمیت کویت پس از حمله عراق به آن (۱۹۹۱)؛ ایجاد محیطی امن برای عملیات امدادی بشردوستانه در سومالی (۱۹۹۲)؛ برای مساعدت به حمایت از غیرنظامیان در معرض خطر در رواندا (۱۹۹٤)؛ برای بازگرداندن دولت منتخب مردم در هاییتی (۱۹۹٤)؛ برای حمایت از عملیات بشردوستانه در آلبانی (۱۹۹۷)؛ و اعاده صلح و امنیت در تی‌مورشرقی (۱۹۹۹) استفاده کردند.

این اقدام‌ها، اگر چه با تصویب شورای امنیت، تحت کنترل کامل کشورهای شرکت کننده انجام شدند ولی شامل عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد – که به وسیله شورای امنیت تعیین و با هدایت دبیرکل انجام می‌شوند – نبودند.

ایجاد صلح

برای سازمان ملل متحد، ایجاد صلح به تلاش‌ها برای کمک به کشورها و مناطق در انتقال از جنگ به صلح، از جمله فعالیت‌ها و برنامه‌ها برای حمایت و تقویت این انتقال‌ها اشاره دارد. فرآیند ایجاد صلح به طور معمول با امضای موافقت نامه صلح به وسیله طرفین خصم پیشین و نقش سازمان ملل در تسهیل اجرای آن شروع می‌شود. این جریان می‌تواند شامل ادامه نقش دیپلماتیک سازمان ملل متحد، برای حصول اطمینان از این امر باشد که دشواری‌ها با مذاکره، و نه توسل به اسلحه، برطرف شوند.

این جریان ممکن است شامل کمک‌های گوناگون – مانند استقرار نیروهای نظامی به عنوان حافظ صلح؛ بازگرداندن و ا سکان مجدد پناهندگان؛ برگزاری انتخا بات؛ و خلع سلاح،

ترخیص و الحاق مجدد سربازان در زندگی عادی نیز باشد. در قلب عملیات ایجاد صلح، تلاش برای ایجاد دولتی جدید و مشروع قرار دارد، دولتی که توانایی حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، حمایت از مردم خود و تضمین احترام به حقوق بشر اساسی را داشته باشد.

عملیات ایجاد صلح شامل اقدام به وسیله مجموعه‌ای گسترده از سازمان‌های نظام ملل متحد، از جمله بانک جهانی، سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و سایر سازمان‌ها، سازمان‌های غیردولتی، و گروه‌های شهروندی محلی است. ایجاد صلح نقشی برجسته در عملیات ملل متحد در کامبوج، السالوادور، گواتمالا، موزامبیک، لیبریا، بوسنی و هرزگوین و سیرالئون، و همچنین اخیرا در کوزوو و تی‌مور – لسته (تی‌مورشرقی سابق) ایفا کرده است. نمونه اخیر ایجاد صلح بین کشورها، هیات سازمان ملل در اتیوپی و اریتره بوده است.

کمک به برگزاری انتخابات

سازمان ملل متحد سال ۱۹۸۹، با نظارت بر جریان کامل انتخابات که به استقلال نامیبیا منجر شد، پای به عرصه‌ای جدید نهاد و از آن زمان، به تقاضای دولت‌ها برای برگزاری انتخابات در کشورهایی مانند نیکاراگوا و هاییتی (۱۹۹۰)، آنگولا (۱۹۹۲)، کامبوج (۱۹۹۳)، السالوادور، آفریقای جنوبی و موزامبیک (۱۹۹٤)، اسلاوونی شرقی (کرواسی) و لیبریا ۱۹۹۷، و جمهوری آفریقای مرکزی (۱۹۹۸ و ۱۹۹۹) کمک کرده است. سازمان ملل متحد همچنین بر همه پرسی ۱۹۹۳ در اریتره نظارت کرد و مشورت مردمی در تی‌مورشرقی را در سال ۱۹۹۹ ترتیب داد و انتخابات آن را در ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ برگزار کرد که به استقلال تی‌مورشرقی با عنوان تی‌مور – لسته منتهی شد.

مدیر موقت

سازمان ملل متحد به طور فزاینده‌ای در کمک به اداره کشورهای در حال گذار انجام وظیفه کرده است. سازمان به تقاضای کشورها برای کمک پس از مناقشه، وظایف گوناگونی در این شکل جدید ایجاد صلح انجام داده و در مواقعی مجموعه کامل اختیارات دولت را، ضمن انجام کار با رهبران سیاسی و مدنی محلی، برای ایجاد دولتی خودکفا به عهده گرفته است.

یک نمونه از چنین نقش اداری - اجرایی در ۱۹۹۳ - ۱۹۹۲ به دنبال سال‌ها جنگ داخلی در کامبوج اجرا شد. شورای امنیت همچنان که در موافقت نامه صلح ۱۹۹۱ قید شده بود، نهاد انتقال ملل متحد را در کامبوج ایجاد کرد که بخش‌های اصلی وزارتخانه‌های کشور را اداره و پس از انتخابات ۱۹۹۳، اختیارات خود را به دولت جدید تفویض کرد.

عملیات حفظ صلح دیگری با مسئولیت‌های اداری – اجرایی، نهاد انتقال سازمان ملل در اسلاوونی (Slavonia)شرقی، بارانیا (Baranja) و سرمیوم (Sirmium) غربی بود که از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ برای کمک به ادغام مسالمت‌آمیز این منطقه در کرواسی، انجام شد.

شورای امنیت در ۱۹۹۹ هیات حکومت موقت ملل متحد را در کوزوو، با اختیارات مربوط به قانون گذاری، اجرایی و قضایی تشکیل داد که در حال اداره حکومت استان کوزوو، تا روشن شدن وضعیت نهایی آن، بوده است.

شورای امنیت، همچنین در سال ۱۹۹۹، حکومت انتقالی ملل متحد را در تی‌مورشرقی، با اختیارات قانون‌گذاری و اجرایی تشکیل داد. این هیات به انجام خدمات اجتماعی، کمک به بازسازی و ایجاد ظرفیت در مسیر تاسیس کشور کمک کرد. این سرزمین در مه ۲۰۰۲ با عنوان تی‌مور - لسته به استقلال رسید.

میزان و نوع مشارکت سازمان ملل متحد به عواملی مانند تقاضاهای دریافتی از دولت‌ها، مفاد موافقت نامه های صلح، یا ماموریت‌های محول شده مجمع عمومی یا شورای امنیت بستگی دارد. سازمان ملل متحد وظایف گوناگونی، از کمک فنی گرفته تا انجام عملی جریان انتخابات، انجام داده است و در موارد بسیاری فعالیت‌های ناظران بین‌المللی را هماهنگ می‌کند. چنین ناظرانی، به طور معمول جریان ثبت‌نام رای‌دهندگان، مبارزات انتخاباتی و سازمان دادن رای‌گیری را پیگیری می‌کنند.

بخش کمک به انتخابات در اداره امور سیاسی، از سال ۱۹۹۲، در ایفای نقش به عنوان هماهنگ کننده کمک‌های انتخاباتی برای نظام ملل متحد، شکل‌های گوناگون کمک انتخاباتی – از جمله خدمات مشورتی، تدارکات، کارآموزی، آموزش مدنی، کاربرد رایانه و نظارت کوتاه مدت – برای بیش از ۸۵ کشور فراهم کرده است. از این بخش در سال‌های اخیر مدام خواسته شده از فرآیندهای انتخابات، به عنوان عناصر اصلی مذاکرات صلح با میانجیگری سازمان ملل، یا در چارچوب تلاش‌های حفظ و برقراری صلح، حمایت و آنها را راهنمایی کند. برنامه عمران ملل متحد از جریان انتخابات حمایت فنی به عمل می‌آورد، برای ایجاد ساختارهای انتخاباتی به کشورها کمک می‌کند، و اغلب اوقات کمک‌های انتخاباتی سازمان ملل متحد را در محل هماهنگ می‌کند. دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر در زمینه آموزش مسئولان

برگزاری انتخابات، تهیه رهنمودها برای نوشتن متن قوانین و مقررات انتخاباتی، و انجام فعالیت‌های اطلاعاتی درباره حقوق بشر و انتخابات کمک می‌کند.

ایجاد صلح از طریق توسعه

از ابزارهای اصلی عملی سازمان ملل متحد برای تحکیم صلح، کمک توسعه است. سازمان‌های بسیاری – از جمله برنامه عمران ملل متحد، صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)، برنامه جهانی غذا، و دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان – در مرحله باز یافت، که برای ایجاد فرصت‌ها برای آوارگان و اعاده اعتماد به نهادهای ملی و محلی حیاتی است، نقش‌هایی ایفا می‌کنند.
سازمان ملل متحد می‌تواند به بازگشت پناهندگان، پاکسازی مین‌های زمینی، تعمیر زیربناها، بسیج منابع و تشویق بازیابی اقتصادی کمک کند. جنگ، بدترین دشمن توسعه و توسعه سالم و متعادل بهترین وسیله وروش پیشگیری از مناقشه است.

اقدام ملل متحد برای صلح

آفریقا

جنوب آفریقا

سازمان ملل در پایان دهه ۱۹۸۰ که جنگ سرد رو به پایان بود، توانست ثمرات سال‌ها تلاش فراوان به منظور خاتمه دادن به جنگ‌هایی که جنوب آفریقا را گرفتار کرده بود برداشت کند. سقوط رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، که تاثیر آن به کشورهای هم مرز «خط مقدم» گسترش یافت، رژیمی که از نیروهای مخالف در آنگولا و موزامبیک حمایت کرده بود، عاملی مهم در این تلاش‌ها بود.
آفریقای جنوبی سال ۱۹۸۸ موافقت کرد برای تضمین استقلال **نامیبیا** با دبیرکل همکاری کند. دولت **موزامبیک** و مقاومت ملی موزامبیک سال ۱۹۹۲ موافقت نامه صلحی امضا کردند تا به جنگ داخلی طولانی ویرانگر خاتمه دهند. «عملیات ملل متحد در موزامبیک»، که سال ۱۹۹۳، به عنوان بخشی از موافقت نامه فوق، مستقر شد با موفقیت بر آتش‌بس، ترخیص نیروها، و برگزاری نخستین انتخابات چند حزبی این کشور، که سال ۱۹۹٤ انجام شد، نظارت کرد.
آنگولا. جنگ داخلی ناپیوسته اما ویرانگر در آنگولا، بین دولت و اتحادیه ملی برای استقلال کامل آنگولا (یونیتا)، از زمان استقلال از پرتغال در ۱۹۷۵ ،آن را گرفتار کرده بود. سازمان ملل نقشی مهم در پایان دادن به این مناقشه، از طریق تلاش هایی مانند میانجیگری دبیرکل

آفریقا: از اولویت‌های سازمان ملل

آفریقا از مراکز عمده فعالیت‌های سازمان ملل متحد در دهه گذشته بوده است. این سازمان به چالش ایجاد شده ناشی از مناقشات طولانی و اختلافات ریشه‌دار در این قاره به روش‌های نوآورانه و در بالاترین سطح رسیدگی کرده است. رهبران کشورهای جهان در اعلامیه هزاره در سپتامبر ۲۰۰۰ تصمیم گرفتند برای کمک به آفریقا به منظور حل مسائل مربوط به صلح و توسعه آن حمایت کامل، از جمله تدابیر ویژه برای کمک به آفریقا ارائه دهند.

شورای امنیت چند اجلاس ویژه درباره آفریقا در سطح وزیران تشکیل داده است و سال ۱۹۹۷ با ابراز نگرانی شدید درباره تعداد و شدت مناقشات در این قاره، خواهان تلاش بین‌المللی برای حمایت از صلح و امنیت در آن شد. شورای امنیت سال ۱۹۹۸ در اجلاسی در سطح وزیران خارجه، قطعنامه‌هایی درباره عوارض بی‌ثبات کننده جریان‌های سلاح‌های غیرقانونی، تحریم‌های تسلیحاتی، و پیشگیری از مناقشات در آفریقا تصویب کرد.

شورای امنیت ژانویه ۲۰۰۰ از طریق مجموعه‌ای از اجلاس‌های یک ماهه درباره رنج‌های آفریقا، توجه جهان را به این موضوع جلب کرد. از جمله مسائل مطرح شده در این اجلاس‌ها: حل مناقشات، بیماری ایدز و ویروس آن، پناهندگان و آوارگان، و تلاش‌های صلح سازمان ملل در آفریقا بود که، در طول سال‌ها، باعث همکاری نزدیک با اتحادیه آفریقا و سازمان‌های زیرمنطقه‌ای مانند جامعه اقتصادی کشورهای غرب‌آفریقا، و جامعه توسعه جنوب آفریقا بوده است؛ شورا خواهان تقویت چنین همکاری‌هایی شد.

دبیرکل، آفریقا را از اولویت‌های خود قرار داده است. او چه شخصا، و چه از طریق ۱۸ نماینده، مشاور و فرستاده ویژه خود به این قاره، برای جلوگیری و مهار اختلاف‌ها اقدام کرده است. وی در گزارشی در سال ۱۹۹۸ درباره دلایل مناقشات در آفریقا و درباره حمایت از صلح با دوام، از ملت‌های آفریقا خواست بر واکنش‌های سیاسی، به جای واکنش‌های نظامی متکی باشند؛ خواهان حکومت مطلوب، از جمله احترام به حقوق بشر، دموکراتیک سازی و حکومت مردمی پاسخگو، باشند؛ و برای حمایت از رشد اقتصادی دست به اصلاحات بزنند. وی از جامعه بین‌المللی خواستار حمایت سیاسی بیشتر از آفریقا، از جمله در زمینه کاهش بدهی‌ها و ایجاد بازار برای صادرات آن، شد.

اقدام‌های سازمان ملل برای آفریقا در طول سال‌ها شامل مبارزه علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی، حمایت فعالانه از استقلال نامیبیا، و حدود ۲۰ عملیات حفظ صلح بوده است. هدف سه عملیات حفظ صلح در سومالی، از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵، اعاده صلح و ارائه کمک امدادی بود. عملیات دیگر، از ۲۰۰۳، به لیبریا کمک می‌کند به زندگی مردم پس از ۱٤ سال جنگ داخلی سروسامان دهد.

شرایط اقتصادی و اجتماعی تاثیری عمده بر صلح و امنیت در آفریقا دارد که در پیوند آشکار بین فقر شدید و جنگ مشهود است. این پیوند همچنین در مسائلی مانند اوضاع پناهندگان و آوارگان، بیماری ایدز و ویروس آن، بدهی خارجی، نابودی محیط زیست، نقض حقوق بشر، و بحران مداوم اقتصادی آشکار است. آفریقا در گستره اقتصادی و اجتماعی نیز از اولویت‌های سازمان ملل متحد است.

وفرستادگان او،ترتیب مذاکرات صلح،تحمیل تحریم تسلیحاتی و ممنوعیت خرید نفت ومحدودیت های سفر علیه یونیتابه وسیله شورای امنیت،و نطارت بر انتخابات ملی، ایفا کرد.

شورای امنیت چند هیات متوالی حفظ صلح و سیاسی در آنگولا ایجاد کرد. نخستین هیات، سال ۱۹۸۹، بر عقب‌نشینی نظامیان کوبایی طرفدار دولت از این کشور نظارت کرد. دومین هیات، از ۱۹۹۱، کوشید بر آتش بس نظارت، ترخیص مبارزان را تایید، و بر انتخابات

۱۹۹۲ نظارت کند. اما هنگامی که یونیتا نتیجه انتخابات را نپذیرفت کشور بار دیگر در آتش جنگ فرو رفت.
حاصل میانجیگری" الیونه بلوندین بیه" نماینده ویژه دبیرکل، پروتکل ۱۹۹٤ لوزاکا و آتش بسی شکننده بود. این توافق، آتش بس و تلفیق یونیتا را در دولت و نیروهای مسلح کشور پیش‌بینی کرده بود. هیات سوم برای حمایت از این توافق و کمک به طرفین برای دستیابی به صلح و آشتی ملی تشکیل شد. (چند سال بعد، در ژوئن ۱۹۹۸، نماینده ویژه در جریان ماموریت صلح بر اثر سقوط هواپیما کشته شد.)

دبیرکل سال ۱۹۹۷ برای برقراری آشتی و تشکیل دولت آشتی و وحدت ملی آنگولا، که آوریل ۱۹۹۷ کار خود را شروع کرد، به این کشور رفت. **هیات ناظر ملل متحد در آنگولا** نیز در طول سال ۱۹۹۷ برای کمک به اعاده صلح و مساعدت در امرا نتقال، تشکیل شد. اما پس از چهار سال صلح نسبی، آتش جنگ بار دیگر در دسامبر ۱۹۹۸ شعله‌ور شد و تلفات سنگینی بین مردم به بار آورد. شورای امنیت تحریم‌ها علیه یونیتا را به علت کوتاهی آن در انجام تعهدات خود بر اساس توافق صلح لوزاکا، تشدید کرد.
در سقوط هواپیمای در بست سازمان ملل در منطقه عملیات نظامی در دسامبر ۱۹۹۸ هر ١٤ سرنشین آن کشته شدند. یک ماه بعد، هواپیمای در بست دیگر سازمان ملل در همان منطقه هدف آتش قرار گرفت و هر ۹ سرنشین آن جان باختند. شورای امنیت تکرار کرد مسئولیت اصلی خراب‌تر شدن فرآیند صلح متوجه یونیتا است. شورا فوریه ۱۹۹۹ با پایان ماموریت هیات ناظر ملل متحد در آنگولا موافقت کرد. با وجود این، در اکتبر **دفتر ملل متحد در آنگولا** را ایجاد کرد و نماینده‌ای از طرف دبیرکل منصوب شد تا تدابیری برای اعاده صلح بیندیشد و در زمینه ظرفیت سازی، امداد بشردوستانه و حمایت از حقوق بشر کمک کند.
پس از ۲۲ فوریه ۲۰۰۲ که جوناس ساویمبی، بنیانگذار و رهبر یونیتا در درگیری با نیروهای دولتی کشته شد، جنگ طولانی آنگولا به سرعت پایان یافت. یونیتا و نیروهای مسلح دولت در مارس با آتش بس موافقت و در آوریل یادداشت تفاهمی به منظور تکمیل بقیه مفاد پروتکل لوزاکا امضا کردند.
این اقدام به تمدید حضور سیاسی سازمان ملل،برای مدتی کوتاه با ایجاد **هیات سازمان ملل در آنگولا** در ماه اوت – به منظور کمک به طرفین برای تکمیل وظایف باقی مانده پروتکل لوزاکا، و کمک به دولت برای برگزاری انتخابات، حمایت از حقوق بشر، تقویت حکومت قانون، پشتیبانی از الحاق مجدد سربازان مرخص شده و حمایت از بهبود اقتصادی منتهی شد.
شورای امنیت تا دسامبر ۲۰۰۲ کلیه تحریم‌های ۹ سال گذشته علیه یونیتا را لغو کرد و تا اوائل ۲۰۰۳ بقیه مفاد پروتکل لوزاکا اجرا شد. هیات سازمان ملل در آنگولا منحل و

مسئولیت همه فعالیت‌های باقی مانده آن به دفتر تقویت شده هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل متحد منتقل گردید.

آفریقای مرکزی

رواندا. فعالیت سازمان ملل در رواندا از ۱۹۹۳ آغاز شد یعنی زمانی که رواندا و اوگاندا خواهان استقرار ناظران نظامی در مرز مشترک خود برای جلوگیری از استفاده نظامی از منطقه به وسیله جبهه میهن پرست رواندا شدند. شورای امنیت در پاسخ به این تقاضا **هیات ناظر ملل متحد در اوگاندا – رواندا** را تشکیل داد.

جنگ در رواندا سال ۱۹۹۰ بین دولت عمدتا هوتو و جبهه میهن پرست رواندا به رهبری توتسی‌ها، که از اوگاندا فعالیت می‌کردند، آغاز شده بود. در موافقت نامه صلح سال ۱۹۹۳ تشکیل دولت موقت و انجام انتخابات پیش‌بینی شده بود. شورای امنیت به تقاضای طرفین **هیات کمک سازمان ملل برای رواندا** را تشکیل داد تا در اجرای موافقت نامه ۱۹۹۳ به آنها کمک کند. اما، همچنان که بعدها آشکار شد، عناصر تندرو اکثریت هوتو در نظر داشتند توتسی‌ها و هوتوهای میانه‌رو را نابود کنند. مرگ روسای جمهوری رواندا و بروندی، بر اثر شلیک راکت به هواپیمای آنان، در اوائل آوریل ۱۹۹٤، باعث امواج قتل عام‌های شدید و سراسری در طی چند هفته شد. این کشتارها را، که قربانیان آنها توتسی‌ها و هوتوهای میانه‌رو بودند، ارتش و شبه نظامیان تحت سلطه هوتوها انجام دادند.

هیات کمک سازمان ملل برای رواندا تلاش کرد آتش بس برقرار کند اما نتوانست و به کارکنان آن حمله شد. پس از این که چند کشور به صورت یک جانبه نیروهای خود را خارج کردند، شورای امنیت در آوریل تعداد اعضای هیات کمک سازمان ملل برای رواندا را از ۲۵٤۸ نفر به ۲۷۰ نفر کاهش داد. با این حال هیات کمک توانست به هزاران نفر از مردم رواندا پناه دهد. شورای امنیت در ماه مه رواندا را تحریم تسلیحاتی کرد و تعداد اعضای هیات کمک را به بیش از ۵۵۰۰ سرباز افزایش داد، اما نزدیک به شش ماه طول کشید تا کشورهای عضو سربازان خود را اعزام کنند. نیروهای جبهه میهن پرست رواندا در ژوییه کنترل رواندا را در دست گرفتند و با خاتمه دادن به جنگ داخلی، دولتی فراگیر تشکیل دادند.

از جمعیت ۷/۹ میلیونی نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر کشته شدند، حدود ۲ میلیون نفر به کشورهای دیگر گریختند و بیش از ۲ میلیون نفر در داخل آواره شدند. تقاضای سازمان ملل برای کمک‌های بشردوستانه موجب جمع‌آوری ۷٦۲ میلیون دلار برای رسیدگی به این چالش عظیم بشری شد و کمیسیونی از کارشناسان که به تقاضای شورای امنیت تشکیل شد از وجود «مدارک فراوان» درباره قتل عام گروه توتسی‌ها به وسیله عناصر هوتو خبر داد.

شورای امنیت نوامبر ۱۹۹٤دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا را به منظورتعقیب و محاکمه مسئولان قتل عام و جنایات جنگی تشکیل داد. زمانی که آوارگان رواندایی به صورت دسته جمعی به کشور باز می‌گشتند، تعداد فراوانی از هوتوهای رواندایی، از جمله عناصری که در قتل عام شرکت داشتند، در شرق زئیر پناه گرفتند و از آنجا اقدام به حمله به غرب رواندا کردند.

شورای امنیت سال ۱۹۹٦ به تقاضای رواندا به ماموریت هیات کمک سازمان ملل برای رواندا خاتمه داد اما کارگزاری‌های سازمان ملل به ارائه کمک‌های بشردوستانه و یاری به بازگشت پناهندگان ادامه دادند. تحقیقات مستقل به وسیله دبیرکل در سال ۱۹۹۹ نشان داد مسئولیت ناکامی برای متوقف کردن قتل عام به عهده دبیرخانه سازمان ملل متحد، شورای امنیت و کشورهای عضو است. دبیرکل با ابراز تاسف و پشیمانی عمیق درباره ناکامی سازمان ملل در متوقف کردن این قتل عام، تعهد خود را تکرار کرد تا اطمینان دهد این سازمان دیگر هرگز در توقف کشتارهای جمعی ناکام نشود.

دولت انتقالی که پس ازقتل عام تشکیل شد سال ۱۹۹۹ تصمیم گرفت برای انجام بعضی وظایف مهم، دوره کار خود را چهار سال دیگر تمدید کند. از جمله این وظایف تمرکززدایی، انتقال به دموکراسی ، تدوین قانون اساسی جدید، حمایت از آشتی، و ایجاد تغییراتی در نظام قضایی، از جمله ارائه نظام *«گاکاکا»* بود که بر اساس آن افراد متهم به ارتکاب جنایات مرتبط با قتل عام به وسیله جوامع خود محاکمه می‌شوند. تا ژوئن ۲۰۰۳ حدود ۱۱۰,۰۰۰ نفر متهم به ارتکاب جرایم مرتبط با قتل عام، در شرایط بی‌نهایت بد در بازداشت بودند.

اگر چه دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا «جین‌کامباندا» رئیس جمهور سابق – و افراد دیگری – را محاکمه و وی را به زندان ابد محکوم کرده بود، در دسترس نبودن شاهدان و عدم همکاری کامل دولت – که آن را به عدم کارآیی و استفاده از عوامل قتل عام در گروه‌های وکلای مدافع متهم می‌کرد – به طور جدی مانع از فعالیت آن و در نتیجه کندی جریان محاکمات می‌شد. شورای امنیت متعاقبا تصمیم گرفت گروهی متشکل از ۱۸ قاضی (برای فعالیت کوتاه مدت) تشکیل دهد که بیش از ۹ نفر از آنان در هر زمانی در حال خدمت باشند در حالی که تا آن زمان حداکثر آنان ٤ نفر بود. این دادگاه تا ژوئن ۲۰۰۳ علیه ۸۱ نفر اعلام جرم کرد که از این عده ٦۱ نفر زندانی شدند. دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا قرار است سال ۲۰۰۸ به کار خود خاتمه دهد.

در حالی که قرار بود انتخابات سال ۲۰۰۳ انجام شود، سازمان ملل به تقاضای کمیسیون ملی انتخابات رواندا هیاتی را برای بررسی نیازها به این کشور فرستاد. قانون اساسی جدید کشور ماه مه در همه‌پرسی به تصویب رسید. رای دهندگان در اوت، به اتفاق آرا پل کاگامه را به ریاست جمهوری انتخاب کردند. حزب جبهه میهن پرست روندای او یک ماه بعد به اکثریت بزرگی در نخستین انتخابات چند حزبی پارلمان این کشور از زمان استقلال آن در

۱۹٦۲ دست یافت. مجمع عمومی به مناسبت دهمین سالگرد قتل عام در رواندا ۷ آوریل ۲۰۰٤ را روز بین‌المللی تفکر و تامل درباره قتل عام سال ۱۹۹٤ در رواندا اعلام کرد.
در سطح منطقه‌ای، اوگاندا و رواندا، به بهانه نگرانی امنیتی به علت پناه دادن جمهوری دموکراتیک کنگو به بقایای شبه نظامیان سابق هوتو و نیروهای مسلح رواندا، که مسئول قتل عام ۱۹۹٤ بودند، در این کشور مداخله کردند. در ژوییه ۱۹۹۹ پس از تلاش‌های دیپلماتیک شدید سازمان ملل متحد، سازمان وحدت آفریقا و منطقه، موافقت نامه آتش بس لوزاکا برای جمهوری دموکراتیک کنگو به امضا رسید. شورای امنیت متعاقبا هیات سازمان ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو را تشکیل داد.
کاگامه و کابیلا (روسای جمهوری رواندا و جمهوری دموکراتیک کنگو) در ژوییه ۲۰۰۲ با عقب نشینی نیروهای اوگاندا از جمهوری دموکراتیک کنگو و انحلال نیروهای مسلح سابق رواندا و شبه نظامیان سابق هوتو، موافقت کردند این اقدام نقطه عطفی مهم در مسیر صلح و ثبات برای منطقه دریاچه‌های بزرگ بود. رواندا عقب نشینی نیروهای خود را روز ۷ اکتبر تکمیل کرد. هیات سازمان ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو داوطلبانه حدود ۹۰۰ مبارز روانداییی و وابستگان آنان را تا پایان ۲۰۰۳ باز گردانده بود.
بروندی. دفتر سازمان ملل در بروندی در تلاش‌های بین‌المللی برای کمک به حل بحران در این کشور، که مناقشه دیرپای داخلی در سال ۱۹۹۳ منجر به کودتایی در آن شد که نخستین رئیس جمهور منتخب دموکراتیک آن، که یک هوتو بود و شش وزیر کشته شدند، مشارکت کرده است. این کودتا آتش جنگ فرقه‌ای را روشن کرد که دست کم ۱۵۰,۰۰۰ نفر در طول سه سال بعد کشته شدند.
دولت و رئیس جمهور – که با موافقت نامه ۱۹۹٤ بین اکثریت هوتو و اقلیت توتسی به قدرت رسیده بودند – در سال ۱۹۹٦ با کودتای نظامی به رهبری توتسی‌ها، بر کنار شدند. شورای امنیت کودتا را محکوم کرد و از رهبران نظامی خواست حکومت قانونی را باز گردانند. کشورهای همسایه رژیم جدید را تحریم اقتصادی کردند. با تشدید جنگ بین ارتش عمدتا توتسی و شورشیان هوتو حدود پانصد هزار نفر به اجبار به «اردوگاه‌های گروه بندی مجدد» منتقل شدند و سیصد هزار نفر به تانزانیا گریختند.
جولیوس نایره‌ره، رئیس جمهور پیشین تانزانیا در آن زمان تلاش‌های میانجیگری را شروع کرد که در سال ۱۹۹۸ به تدوین قانون اساسی موقتی جدیدی بر مبنای مشارکت سیاسی بین هوتوها و توتسی‌ها، افتتاح مجمع ملی انتقالی، و انعقاد موافقت نامه آتش بس با بعضی از طرفین مناقشه منتهی شد. کشورهای همسایه سال ۱۹۹۹ به تحریم‌های اقتصادی خاتمه دادند. نلسون ماندلا رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۰

پس از مرگ نایره‌ره جای او را به عنوان تسهیل کننده فرآیند صلح گرفت که در نتیجه تلاش‌های او موافقت نامه صلح و آشتی ماه اوت در آروشا، تانزانیا، به امضا رسید.
شورای امنیت با استقبال از این موافقت نامه از طرف‌هایی که در فرآیند صلح شرکت نکرده بودند خواست به طور کامل در آن شرکت کنند. دولت موقت در نوامبر ۲۰۰۱، و پس از آن مجمع ملی و سنای انتقالی تشکیل شدند. آفریقای جنوبی، با کمک گابن و تانزانیا و حمایت سازمان ملل و اتحادیه آفریقا، تلاش‌ها برای مذاکره درباره آتش بس کامل را تشدید کرد. موافقت نامه های آتش بس با سه گروه فرقه‌ای مهم تا اوائل ۲۰۰۳ به امضا رسید.
اتحادیه آفریقا آوریل ۲۰۰۳ با استقرار **هیات آفریقا در بروندی**، متشکل از ۳۵۰۰ سرباز و از جمله ۱۲۰ ناظر نظامی، موافقت کرد. در پایان نیمه نخست دوره انتقالی در ۳۰ آوریل، رئیس جمهور از فرقه هوتو و معاون رئیس جمهور از فرقه توتسی، به نشانه انتقال قدرت اجرایی از اقلیت توتسی به اکثریت هوتو، سوگند یاد کردند.
اما در پایان ژوئن و در حالی که حملات مرگبار بوجومبورا، پایتخت بروندی، را به لرزه در آورده بود، جناح شورشی «شورای ملی برای دفاع از دموکراسی – نیروها برای دفاع از دموکراسی» چهار عضو پارلمان را ربود. از درگیری بین نیروهای دولتی و نیروهای جناح آزادیبخش ملی – پالیپه هوتو (پالیپه هوتو – اف ان ال) نیز خبر می‌رسید. در آن زمان ۱۶ استان از ۱۷ استان بروندی در معرض جنگ‌های پراکنده، غارت ، سرقت و راهزنی مسلحانه قرار داشتند. سازمان ملل کارکنان غیرضروری خود را از بوجومبورا، که عده‌ای از مردم آن کشته و هزاران نفر آواره شده بودند، خارج کرد.
با وجود این، تلاش‌های مداوم تابوامبکی رئیس جمهور آفریقای جنوبی و سایر رهبران منطقه‌ای منجر به امضای پروتکلی بین دولت انتقالی و «شورای ملی برای دفاع از دموکراسی – نیروها برای دفاع از دموکراسی» برای حل مسائل مربوط به تقسیم قدرت سیاسی، دفاعی و امنیتی (پروتکل پره‌توریا) و موافقت نامه جهانی آتش بس ۱۶ نوامبر ۲۰۰۳ شد. در نتیجه «شورای ملی برای دفاع از دموکراسی – نیروها برای دفاع از دموکراسی» به نهادهای انتقالی پیوست. شورای امنیت از «پالیپه هوتو – اف ان ال» (رواسا Rwasa)، تنها گروه شورشی مسلح که به موافقت نامه آروشا نپیوسته بود، خواست چنین کند.

سرانجام، این امید واقعی ایجاد شد که بروندی دموکراتیک از یک دهه جنگ داخلی که بین ۲۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار کشته به جا گذاشت، پدیدار خواهد شد. حضور هیات آفریقا در بروندی نقشی مهم در ایجاد فضای امنیت و کمک به طرفین برای دستیابی به پیشرفت در فرآیند خلع سلاح ایفا کرده است. اما این هیات به علت کمبود جدی حمایت مالی و تدارکاتی – که داوطلبانه به وسیله کشورهای کمک دهنده تامین می‌شد – که مانع از اجرای

کامل ماموریت آن شد، با مشکلاتی مواجه گردید. این امر، با توجه بـه ایـن کـه قـرار بـود انتخابات مجمع قانونگذاری ملی تا قبل از ۳۱ اکتبر ۲۰۰٤ انجام شود، به ویژه باعث نگرانی بود. اتحادیه آفریقا تقاضا کرد سازمان ملل مسئولیت هیات آفریقا در بروندی را به عهده بگیرد.
شورای امنیت ۲۱ مه ۲۰۰٤ با عمل بر اساس مفاد اجرایی منشـور ملـل متحـد بـا اسـتقرار **عملیات سازمان ملل متحد در بروندی** مرکب از، در ابتدا، نیروهای موجود هیـات آفریقـا در بروندی، از اول ژوئن، موافقت کرد. شورا به عملیات سازمان ملل در بروندی اجـازه داد از کلیه ابزارهای لازم برای تضمین احترام به موافقت نامه های آتش بس؛ انجام فعالیت‌های مربوط به خلع سلاح و ترخیص نیروها؛ و نظارت بر جریان غیرقانونی سلاح‌هـا در امتـداد مرزهای ملی استفاده کند. عملیات سازمان ملل در بروندی همچنین مـی‌بایسـت بـه ایجـاد شرایط امنیتی لازم برای جلب کمک بشردوستانه، تسهیل بازگشت داوطلبانـه پناهنـدگان و آوارگان، و مساعدت به تکمیل موفقیت‌آمیز جریان انتخابات با تضمین ایجاد محیطـی امـن برای برگزاری انتخابات آزاد، شفاف و توام با آرامش کمک کند.
بیش از دو هزار نفر از نیروهای «هیات آفریقا در بروندی»، اول ژوئن با بر سر گذاشتن کلاه آبی سازمان ملل، به نیروهای این سازمان تبدیل شدند.
جمهوری دموکراتیک کنگو. به دنبال قتل عام ۱۹۹٤ و تشـکیل دولتـی جدیـد در روانـدا، حدود ۱/۲ میلیون هوتو رواندایی – از جمله عناصری که در قتل عام شرکت کرده بودند – به استان‌های کیوو در شرق زئیر، منطقه مسکونی توتسی‌ها و سایر اقوام – گریختند. در آنجا در سال ۱۹۹٦ بین نیروهای شورشی به رهبری لورن دزیره کابیلا، علیه ارتش موبوتـو سـه سه سکو، رئیس جمهور، درگیری‌هایی رخ داد. نیروهای کابیلا، با کمک روانـدا و اوگانـدا، در سال ۱۹۹۷ کینشـازا پایتخـت کنگـو را تصـرف کردنـد و نـام کشـور را بـه جمهـوری دموکراتیک کنگو تغییر دادند. حاصل جنگ داخلی بیش از ٤۵۰ هزار آواره و پناهنده بود.
در سال ۱۹۹۸ شورشی علیه دولت کابیلا در استان‌های کیوو آغاز شد و شورشیان در طول چند هفته نواحی بزرگی از کشور را تصرف کردند. آنگولا، چاد، نامیبیا و زیمبابوه به کـابیلا – رئیس جمهور – وعده حمایت دادند اما شورشیان تسلط خود را بر مناطق شـرقی حفـظ کردند. رواندا و اوگاندا از جنبش شورشی یعنی اتحـاد کنگـو بـرای دموکراسـی، حمایـت کردند. شورای امنیت خواهان آتش بس و خـروج نیروهـای خـارجی شـد، و از کشـورها خواست در امور داخلی کنگو مداخله نکنند. اتحاد کنگو برای دموکراسی مـه ۱۹۹۹ بـه دو جناح تقسیم شد.
تلاش‌های دیپلماتیک دبیرکل، سازمان وحدت آفریقا، و جامعه توسعه جنوب آفریقا، ژوئن ۱۹۹۹ به انعقاد موافقت نامه آتش بس لوزاکا منجر شد. در این موافقـت نامـه، بـه امضـای جمهوری دموکراتیک کنگو، آنگولا، نامیبیـا، روانـدا، اوگانـدا و زیمبـابوه، خاتمـه دادن بـه

خصومت‌ها و انجام گفت وگو بین جناح‌های کنگو پیش‌بینی شده بود. جمهوری دموکراتیک کنگو و جنبش آزادیبخش کنگو در اوت این موافقت نامه را امضا کردند. شورای امنیت برای کمک به اجرای موافقت نامه با استقرار ۹۰ افسر رابط نظامی سازمان ملل در مناطق حساس کشور و پایتخت‌های کشورهای امضا کننده موافقت نامه موافقت کرد. شورا در نوامبر **هیات ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو** را تشکیل داد تا ارتباط با طرفین را حفظ، به اجرای موافقت نامه کمک، و بر شرایط امنیتی نظارت کند.

رئیس جمهور کابیلا ۱٦ ژانویه ۲۰۰۱ در کاخ خود در کینشازا به قتل رسید و جوزف کابیلا، پسرش جانشین او شد.

هیات کارشناسی که به وسیله شورای امنیت ایجاد شده بود، آوریل ۲۰۰۱ گزارش داد علت اصلی مناقشه در جمهوری دموکراتیک کنگو، تلاش ارتش‌های خارجی برای دسترسی به منابع معدنی غنی این کشور است. این ارتش‌ها از پنج ماده معدنی اصلی یعنی الماس، مس، کبالت، طلا و کلتان (از اجزای چیپ‌های الکترونیکی که در تلفن‌های همراه و رایانه‌های لپ تاپ (همراه) کاربرد دارند) به روشی فراگیر بهره‌برداری می‌کردند و چندشرکت در مقابل دریافت منابع طبیعی، اسلحه و مهمات در اختیار طرفین جنگ قرار می‌دادند یا دسترسی آنها را به پول برای خرید اسلحه تسهیل می‌کردند. جمهوری دموکراتیک کنگو ذخایر جواهر و سنگ‌های قیمتی، الوار و اورانیوم نیز دارد.

رئیس جمهور جوزف کابیلا ماه مه اعلام کرد ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی را در جمهوری دموکراتیک کنگو لغو می‌کند . با وجود این، جنگ در شرق با شرکت گروه‌های مسلح و سربازان رواندا، بروندی، شبه نظامیان محلی کنگو معروف به مایی – مایی و اتحاد کنگو برای دموکراسی ادامه یافت. شورای امنیت اکتبر با استقرار سربازان و ناظران نظامی سازمان ملل در منطقه موافقت کرد. در این حال مذاکره بین جناح‌های مختلف کنگو، که مدت‌ها انتظار آن می‌رفت، در آدیس‌آبابا شروع شد.

دولت‌های جمهوری دموکراتیک کنگو و رواندا ژوییه ۲۰۰۲ موافقت نامه ای را درباره خروج سربازان رواندا از کنگو و انحلال نیروهای مسلح سابق رواندا و شبه نظامیان سابق هوتو امضا کردند. کنگو و اوگاندا سپتامبر موافقت نامه ای مشابه امضا کردند. اما تا اکتبر شروع مجدد جنگ در قسمت شرقی جمهوری دموکراتیک کنگو تمام این کشور را به بی‌ثباتی تهدید می‌کرد.

تلاش‌های دیپلماتیک برای کمک به گفت و گو بین جناح‌های مختلف کنگو ادامه یافت و دسامبر ۲۰۰۲ طرفین مناقشه، با میانجیگری سازمان ملل و آفریقای جنوبی، به امید برگزاری انتخابات شفاف و دموکراتیک در پایان دوره انتقالی دو ساله، با تشکیل دولت موقت موافقت کردند. شورای امنیت تعداد اعضای هیات ملل متحد در جمهوری دموکراتیک

کنگو را به ۸۷۰۰ پرسنل نظامی افزایش و حضور آن را به شرق این کشور گسترش داد تا امنیت محل‌های خلع سلاح و ترخیص نیروها را تامین و به نابودی سلاح‌ها و مهمات مصادره شده کمک کند.

متاسفانه،درگیری های تازه کمی بعد در منطقه جنوب کیوو از سرگرفته شد و در یک دوره ۱۲ روزه بیش از ۸۵۰۰ کنگویی را به کشور همسایه بروندی فراری داد. برنامه جهانی غذا آخر ژانویه ۲۰۰۳ کمک‌های اضطراری هوایی برای ارسال ۸۹۲ تن مواد غذایی برای حدود ۱۱۵ هزار مردم ناامید و گرسنه را آغاز کرد که بر اثر جنگ در بونیا (Bunia) – شهر اصلی ناحیه سرشار از مواد معدنی ایتوری(Ituri) در استان اورینتال – مجبور به ترک خانه و دیار خود شده بودند. موافقت نامه ا ی برای برقراری آتش بس در سطح محلی به میانجیگری سازمان ملل در مارس درایتوری امضا شد. اما به دنبال خروج ارتش اوگاندا در ماه مه، در حالی که گروه‌های خصم هما (Hema) و لندو (Lendu) برای کنترل منطقه رقابت می‌کردند، خشونت در بونیا از سر گرفته شد.

سرانجام در ماه مه ۲۰۰۳ طرفین موافقت نامه آتش بس برای منطقه ایتوری امضا کردند. با برقراری آرامش نسبی در منطقه، هیات سازمان ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو به گشت‌زنی در بونیا ادامه داد و کوشید تنش‌های قومی را آرام کند و، حتی در شرایطی که اجساد دو ناظر نظامی سازمان ملل که یک هفته پیش کشته شده بودند درست در شمال بونیا کشف شد، به مردم وحشت زده محلی اطمینان خاطر بدهد. مبارزه قدرت وحشیانه بین اقوام، تاکنون جان بیش از ٤٠٠ نفر را گرفته و با استفاده فراگیر از تجاوز، قتل و «خوردن گوشت آدم‌ها در حضور شاهدان»، به عنوان شکلی از شکنجه روانی مشخص بود. شورای امنیت ۳۰ مه با استقرار **نیروی چند ملیتی اضطراری موقت** تا اول سپتامبر در بونیا، برای کمک به تثبیت اوضاع موافقت کرد. این نیرو را اتحادیه اروپا فراهم کرد و نخستین نیروی اروپایی بود که به این منظور در خارج از اروپا مستقر شد و به رهبری فرانسه به فعالیت پرداخت.

دولت و جناح‌های مخالف اصلی کنگو – از جمله اتحاد کنگو برای دموکراسی و جنبش آزادیبخش کنگو – ۲۹ ژوئن موافقت نامه ای درباره ترتیبات نظامی و امنیتی امضا کردند. دولت وحدت ملی و انتقالی ۱۷ ژوییه در کینشازا با مراسم سوگند چهار معاون رئیس جمهور برای ریاست بر دولت انتقالی جدید بر مبنای تقسیم قدرت به رهبری رئیس جمهور کابیلا کار خود را آغاز کرد. شورای امنیت ماموریت هیات ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو را تا ۳۰ ژوییه ٢٠٠٤ تمدید و اعضای نظامی آن را به ۱۰,۸۰۰ نفر، در تدارک برای انتقال مسئولیت‌های امنیتی از نیروی چند ملیتی اضطراری موقت در سپتامبر، افزایش داد.

شورای امنیت با اقدام بر اساس فصل هفت منشور ملل متحد همچنین به این هیات، بـرای نخستین بار از زمان تاسیس آن، اجازه داد از کلیـه ابزارهـای لازم – از جملـه زور – بـرای انجام ماموریت خود در ایتوری و استان‌های شمال و جنوب کیوو استفاده کند. شـورا کلیـه گروه‌های مسلح خارجی و کنگویی شرق این کشور را نیز از نظر تسلیحاتی تحریم کرد. به هیات ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو اجازه داده شد تدابیر لازم را برای حمایـت از غیرنظامیان و امدادگران امور بشردوستانه، که در معرض تهدید قریب الوقـوع خشـونت قرار دارند، به عمل آورد، از پرسنل و تاسیسات سازمان ملل حمایـت کنـد، آزادی رفـت و آمد پرسنل هیات سازمان ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو را تضمین، و به بهبود شرایط امنیتی برای ارائه کمک‌های بشردوستانه یاری کند.

پس از تفویض مسئولیت‌ها از نیروی چند ملیتی اضطراری موقت بـه هیـات سـازمان ملـل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو، تا ۵ سپتامبر ۲۰۰۳ حدود ۲۵۰۰ نفر از نیروهای حفظ صلح سازمان ملل در بونیا مستقر شـدند. تیـپ ایتـوری هیـات ملـل متحـد در جمهـوری دموکراتیک کنگو در طول شش ماه بعد تعداد نفرات خود را به حدود ٤٥٠٠ نفر و حضـور خود را به هفت منطقه در خارج بونیا گسترش داد. بـا وجـود ایـن حضـور تثبیـت کننـده، خشونت در ایتوری ادامه یافت و حمله یک شبه نظامی محلی به کاروان هیات سازمان ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو در فوریه ۲۰۰٤ به کشته شدن یک ناظر نظامی سازمان ملـل انجامید. هیات سازمان ملل که درباره غارت منابع طبیعی کنگو تحقیـق مـی‌کـرد ۲۸ اکتبـر گزارش داد چنین بهره‌کشی‌های غیرقانونی یکی از منابع اصلی تامین مالی گروه‌های درگیـر در تداوم این مناقشه است. شورای امنیت این کار را محکوم کرد. در این حال، تدارک برای برگزاری انتخابات در سال ۲۰۰۵ آغاز شد.

جمهوری آفریقای مرکزی. مناقشه در جمهوری آفریقای مرکزی پس از آن آغـاز شـد کـه سربازان اواسط دهه ۱۹۹۰ چندبار شورش کردند. به دنبال مداخله نیروهای فرانسه، قـدرت استعماری پیشین، و سپس مداخله نیروی چند ملیتی آفریقـا، در سـال ۱۹۹۸ سـازمان ملـل **هیات ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی را تشکیل داد** که عملیات حفظ صلح بـا ماموریت کمک به بهبود امنیت در بانگویی ،پایتخت این کشور بود. سازمان ملل کمی بعـد همچنین برای انجام انتخابات، که سال بعد برگزار شد، به این کشور کمک کرد. **دفتر ایجاد صلح ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی** فوریه ۲۰۰۰ پس از خـروج «هیـات ملـل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی»، ایجاد شد.

اما ناآرامی ادامه یافت و کودتای افسران ارتش در مه ۲۰۰۱ سرکوب شد. دو سـال بعـد در مارس ۲۰۰۳ گروهی به رهبری ژنرال فرانسوا بوزیزه، بـه زور کودتـا قـدرت را بـه دسـت گرفت و «آنجه فلیکس پاتاسامه» رئیس جمهور منتخب را بر کنار کرد. شورای امنیت این کودتـا

را محکوم و تاکید کرد مقامات بانگویی باید برنامه‌ای برای گفت و گوی ملی، از جمله چارچوبی برای برگزاری هر چه سریعتر انتخابات، تهیه کنند.
دبیرکل سازمان ملل پایان ژوئن گزارش داد مسئولان جدید در نظر دارند با انجام گفت‌وگوی ملی، درباره قانون اساسی همه‌پرسی و سپس در سال ۲۰۰٤ انتخابات عمومی برگزار و مشروعیت قانونی کشور را در سال ۲۰۰۵ اعاده کنند. دولت تصمیم گرفت تمام جناح‌های سیاسی و جامعه مدنی را در حکومت انتقالی شرکت دهد، و گفت و گو برای آشتی ملی آغاز شد. دبیرکل اکتبر ۲۰۰۳ از روحیه «صراحت، بخشندگی و تفاهم» در آن مذاکرات، استقبال کرد.
در این حال ماموریت دفتر ایجاد صلح ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی تا پایان ۲۰۰٤ تمدید شد تا به حمایت از تلاش‌های دولت برای اعاده مشروعیت قانونی از طریق گفت و گوی ملی ادامه دهد، و توانایی‌های ملی را برای اعاده حکومت قانون در طول دوره انتقالی منتهی به انتخابات عمومی، تقویت کند.

غرب آفریقا

دفتر نماینده ویژه دبیرکل برای غرب آفریقا. هیات بین کارگزاری ملل متحد مارس ۲۰۰۱ از ۱۱ کشور در غرب آفریقا دیدار و توصیه کرد که به مشکلات شدید و به هم پیوسته سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که کشورهای غربی آفریقا با آنها مواجه‌اند به بهترین وجه از طریق یک برنامه یکپارچه زیرمنطقه‌ای با شرکت سازمان ملل و شرکای آن رسیدگی شود. دبیرکل نوامبر ۲۰۰۱ تصمیم گرفت دفتر نماینده ویژه دبیرکل برای غرب آفریقا را به منظور حمایت از چنین نگرش یکپارچه‌ای تشکیل دهد. این دفتر که در داکار مستقر است سپتامبر ۲۰۰۲ عملیاتی شد.
دفتر فوق نقش‌های میانجیگری و ماموریت‌های ویژه در کشورهای غربی آفریقا نیز انجام می‌دهد، با سازمان‌های زیر منطقه‌ای ارتباط برقرار می‌کند و درباره تحولات اصلی مهم در سطح زیر منطقه به سازمان ملل گزارش می‌دهد. نماینده ویژه، برای مثال، از اواخر ۲۰۰۲ از نزدیک در تلاش‌های بین‌المللی به منظور حل مناقشه در ساحل عاج شرکت داشته است.
نماینده ویژه همچنین رئیس **کمیسیون مختلط کامرون – نیجریه** است که به تقاضای روسای جمهوری نیجریه و کامرون برای رسیدگی به همه جنبه‌های اجرای حکم دیوان بین‌المللی دادگستری درباره مرز بین دو کشور، به وسیله دبیرکل تشکیل شد.
روابط کامرون و نیجریه به علت مسائل مربوط به مرز زمینی ۱٦۰۰ کیلومتری آنها، از دریاچه چاد تا شبه جزیره باکاسی، با مرز دریایی در خلیج گینه، تیره بود. این مسائل شامل حقوق مربوط به زمین سرشار از نفت و ذخایر دریایی، و سرنوشت جمعیت‌های محلی بود. تنش‌ها پایان سال

۱۹۹۳ با استقرار ارتش نیجریه در شبه جزیره باکاسی – به وسعت هزار کیلومتر مربع – به برخورد نظامی تبدیل شد. کامرون سال ۱۹۹٤ اختلاف مرزی فوق را به این دادگاه جهانی آورد. دیوان ۱۰ اکتبر ۲۰۰۲ قضاوت خود را صادر کرد و کمیسیون مختلط نخستین جلسه خود را دسامبر و از آن به بعد هر دو ماه یک بار، به تناوب در یائونده، کامرون و ابوجا، نیجریه تشکیل داد و مدام پیشرفت کرد. کمیسیون آوریل ۲۰۰٤ تصمیم گرفت خروج و انتقال حاکمیت بر مرز زمینی بین ۱۵ ژوئن و ۱۵ ژوییه صورت گیرد وعقب نشینی از شبه جزیره باکاسی و انتقال حاکمیت به کامرون بین ۱۵ ژوییه و ۱۵ سپتامبر انجام شود.

ساحل عاج.گروهی از افسران و سربازان به رهبری ژنرال روبرت گیویی، دسامبر ۱۹۹۹ دولت قانونی ساحل عاج به رهبری رئیس جمهور کانان بدیه، را که دسامبر ۱۹۹۳ به قدرت رسیده بود، سرنگون کردند. انتخابات جدید ریاست جمهوری اکتبر ۲۰۰۰ برگزار شد. گیویی رهبر جبهه مردمی ساحل عاج، با پیش‌بینی شکست از لورن گباگبو در انتخابات ۲۳ اکتبر، اعلام پیروزی کرد. «الاسانه اوآتارا» رهبر اتحاد دموکراتیک جمهوریخواهان، بر اساس مفاد قانون اساسی جنجالی جدید که شش ماه پیش از آن تصویب شده بود، از شرکت در انتخابات محروم بود.

در حالی که هزاران نفر از مردم در ابی‌جان علیه اقدام گیویی تظاهرات کردند، گباگبو خود را رئیس جمهور اعلام کرد و گیویی از شهر گریخت. پس از آن بین حامیان گباگبو، طرفداران «اوآتارا» و نیروهای امنیتی در خیابان‌های پایتخت درگیری‌های خشن پیش آمد. کمیسیون مستقل تحقیق که کمی بعد به وسیله دبیرکل تشکیل شد به این نتیجه رسید که نیروهای امنیتی مسئول سرکوبی اعتراضات بودند و در کشتارها دست داشتند.

رئیس جمهور گباگبو اوت ۲۰۰۲ دولتی جدید و فراگیر تشکیل داد. با وجود فرآیند آشتی ملی که اکتبر ۲۰۰۱ تحت ریاست سیدودیا، نخست وزیر سابق آغاز شد، تنش‌ها ادامه یافت. گروهی از نظامیان ناراضی ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲ دست به کودتا زدند و قسمت شمالی کشور را تصرف کردند. اجلاس جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا ۲۹ سپتامبر در اکرا، تصمیم گرفت نیروی حافظ صلح و گروه تماس شش عضوی برای کمک به بررسی بحران در ساحل عاج تشکیل دهد. جنبش میهن پرست ساحل عاج، شورشی، و دولت ۱۷ اکتبر قرار داد آتش بس امضا کردند و نیروی جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا شروع به استقرار برای نظارت بر اجرای آن کرد.

کودتای فوق باعث تجزیه عملی کشور شد به طوری که دولت جنوب، جنبش میهن پرست شمال و شمال شرقی، و دو گروه شورشی دیگر که نوامبر ۲۰۰۲ پدیدار شدند یعنی جنبش مردمی بزرگ غرب و جنبش برای عدالت و صلح، غرب کشور را کنترل می‌کنند. جنگ باعث آوارگی و پناهندگی گسترده مردم به کشورهای همسایه شد.

به دنبال ایجادبن‌بست در مذاکرات تحت رهبری جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا در اواخر ۲۰۰۲، دولت و نمایندگان شورشی از ۱۵ تا ۲۳ ژانویه ۲۰۰۳ در لیناس – مارکوسیس، فرانسه دیدار کردند. موافقت نامه صلح منعقد شد که به مسائل پایه‌ای مناقشه پرداخته و تاسیس دولت آشتی ملی را پیش‌بینی کرده بود. جنبش مردمی بزرگ غرب و جنبش برای عدالت و صلح ۱۱ ژانویه با دولت موافقت نامه آتش بس امضا کرده بودند.
شورای امنیت ٤ فوریه قطعنامه ١٤٦٤ (سال ۲۰۰۳) را تصویب کرد که از نیروهای سیاسی ساحل عاج می‌خواست بلافاصله موافقت نامه لیناس – مارکوسیس را اجرا کنند. شورا همچنین به نیروهای جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا، همراه با نیروهای فرانسوی حامی آنها، اجازه داد مطابق فصل هفت منشور برای تضمین امنیت و آزادی رفت و آمد خود و تضمین حمایت از غیرنظامیان در منطقه‌های عملیاتی خود اقدام کنند. دبیرکل ۷ فوریه «آلبرت ته وودیره» را به عنوان نماینده ویژه خود در ساحل عاج منصوب کرد.
رئیس جمهور گباگبو براساس مو افقت نامه لیناس – مارکوسیس ۱۳ مارس دولت آشتی ملی را با" سیدودیارا" به عنوان نخست وزیر جدید، با اختیارات گسترده تشکیل داد. موضوع مهم تعیین نامزدها برای وزارت دفاع و امنیت ملی، به وسیله شورای امنیت ملی تحت بررسی بود. نیروهای «ارتش ملی ساحل عاج» و «نیروهای جدید» – متشکل از جنبش میهن پرست ساحل عاج، جنبش برای عدالت و صلح و جنبش مردمی بزرگ غرب – موافقت نامه ای امضا کردند که تمام کشور را در بر می‌گرفت و استقرار نیروهای فرانسوی و نیروهای جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا را برای تامین امنیت منطقه غربی مجاز دانست.
شورای امنیت با قطعنامه ١٤٧٩ مورخ ۱۳ مه ۲۰۰۳ **هیات ملل متحد در ساحل عاج**، متشکل از بیش از ٧٦ افسر رابط نظامی و یک مجموعه غیرنظامی، با ماموریت تسهیل اجرای موافقت نامه لیناس – مارکوسیس را تشکیل داد. اما تا نوامبر آشکار بود که جریان صلح با دشواری‌های جدی مواجه شده است.
دولت انتقالی نتوانسته بود بلافاصله پس از رسیدن به قدرت بازسازی نیروهای دفاعی و امنیتی را، آن گونه که بر اساس موافقت نامه لیناس – مارکوسیس لازم بود، شروع کند. به علاوه در سپتامبر «نیروهای جدید»، که بر استان‌های شمالی کنترل داشت، انتصاب وزیران دفاع و امنیت داخلی از طرف رئیس جمهور گباگبو را نپذیرفت و از دولت خارج شد. نیروهای جدید، همراه با شش سازمان دیگر، اعتراض داشت گباگبو به نخست وزیر و دولت آشتی ملی اختیارات کافی نداده است.

ساحل عاج، پیش از بحران کنونی، از مدت‌ها پیش اقتصاد برتر غرب آفریقا بشمار می‌آمد و به عنوان نماد بردباری به آن نگریسته می‌شد. اما نوامبر ۲۰۰۳ شورای امنیت به شدت ابراز نگرانی کرد که جریان صلح به بن‌بست رسیده است. شورا همچنین حملات به پرسنل سازمان ملل در اکتبر در سرزمین تحت کنترل مخالفان، و قتل یک روزنامه‌نگار فرانسوی در ابیجان، مرکز بازرگانی تحت کنترل دولت را محکوم کرد. هماهنگ کننده امداد اضطراری سازمان ملل در پایان سال درباره افزایش تنش‌ها در این کشور و تاثیر تکرار احتمالی مناقشه بر غیرنظامیان ابراز نگرانی کرد.

شورای امنیت در واکنش به این اوضاع، ۲۷ فوریه ۲۰۰٤ **عملیات ملل متحد در ساحل عاج** را از ٤ آوریل ایجاد کرد و از دبیرکل خواست اختیار هیات ملل متحد در ساحل عاج و نیروهای جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا را به عملیات ملل متحد در ساحل عاج منتقل کند. شورا همچنین به نیروهای فرانسوی اختیار داد از کلیه ابزارهای لازم برای حمایت از عملیات ملل متحد در ساحل عاج، که حداکثر نفرات مجاز آن ٦٢٤٠ نفر پرسنل نظامی است، استفاده کند.

عملیات ملل متحد در ساحل عاج، با هماهنگی نیروهای فرانسوی ماموریت دارد بر اجرای موافقت نامه آتش بس کامل مه ۲۰۰۳، از جمله نقل و انتقالات گروه‌های مسلح نظارت کند؛ به خلع سلاح، ترخیص نیروها، ادغام مجدد آنها در اجتماع، بازگرداندن به کشورشان، و اسکان مجدد آنان کمک کند؛ از پرسنل، نهادها و غیرنظامیان سازمان ملل حمایت کند؛ از امداد بشردوستانه و اجرای فرآیند صلح حمایت به عمل آورد؛ و در زمینه حقوق بشر، اطلاعات همگانی، و نظم و قانون کمک کند.

لیبریا. در سال ۱۹۹۷ پس از هشت سال جنگ داخلی، دولت منتخب دموکراتیک در لیبریا بر سر کار آمد و **دفتر حمایت از ایجاد صلح ملل متحد در لیبریا** تاسیس شد. اما بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی ادامه یافت و سال ۱۹۹۹ جنگ بین نیروهای دولت و گروه شورشی و لیبریایی‌های متحد برای آشتی و دموکراسی شروع شد. جنگ اوائل سال ۲۰۰۳ با ظهور گروه مسلح جدیدی به نام جنبش دموکراسی در لیبریا در منطقه غربی گسترش و شدت یافت. تا مه ۲۰۰۳ نیروهای شورشی ٦۰ درصد کشور را کنترل می‌کردند و اوضاع مردم وخیم و هزاران نفر آواره بودند.

چارلز تیلور رئیس جمهور لیبریا آوریل ۲۰۰۳ به دو رئیس گروه تماس بین‌المللی لیبریا اطلاع داده بود دولت او آماده مذاکره بی‌قید و شرط با نیروهای شورشی برای رسیدن به آتش بس است. در شرایطی که طرفین روز ٤ ژوئن برای مذاکرات صلح تحت حمایت جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا در اکرا، غنا، گرد آمدند، دادگاه ویژه تحت حمایت سازمان ملل برای سیرالئون اعلام کرد علیه رئیس جمهور تیلور برای ارتکاب جنایات جنگی در

سیرالئون در جریان جنگ داخلی ۱۰ ساله این کشور اعلام جرم و برای دستگیری وی حکم بین‌المللی صادر کرده است. تیلور هنگام سخنرانی در کنفرانس فوق، پیشنهاد کرد در صورتی که کناره‌گیری او از مذاکرات باعث تسهیل مذاکرات صلح شود، حاضر است چنین کند.
کمتر از دو هفته بعد هیات اعزامی دولت لیبریا در مذاکرات، لیبریایی‌های متحد برای آشتی و دموکراسی، و جنبش دموکراسی در لیبریا، توافق آتش بس را امضا کردند که در آن پیش‌بینی شده بود برای رسیدن به موافقت نامه صلح فراگیر در مدت ۳۰ روز، بلافاصله مذاکره کنند و تشکیل دولت انتقالی بدون رئیس جمهور تیلور خواسته شده بود. با شنیدن این خبر شهروندان در خیابان‌های مونروویا، پایتخت، به شادی پرداختند. سوئیس چند روز بعد اعلام کرد به تقاضای دادگاه ویژه چند حساب شخصی و تجاری رئیس جمهور را بسته است.
با وجود این توافق‌ها،جنگ در مونروویا و سراسر کشور ادامه یافت و صدها شهروند بی‌گناه کشته شدند. دبیرکل ۲۸ ژوئن ضمن هشدار بروز فاجعه عظیم بشری، از شورای امنیت خواست با استقرار نیروی چند ملیتی موافقت کند. رئیس جمهور تیلور ۷ ژوییه در مذاکرات مجدد در اکرا قصد خود را برای کناره‌گیری و ترک لیبریا اعلام کرد. دبیرکل در فاصله چند روز، ژاک‌پل کلین، رئیس پیشین هیات ملل متحد در بوسنی و هرزگوین را به عنوان نماینده ویژه خود در لیبریا منصوب کرد.
تلاش‌های دیپلماتیک و سیاسی شدت یافت. صدها پناهنده گرسنه و وحشت‌زده ۲۳ ژوییه در حالی که خمپاره‌های شورشیان روی مونروویا می‌ریخت، برای امنیت با زحمت خود را به داخل دیوارهای مجموعه سازمان ملل در این شهر رساندند. جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا تصمیم گرفت مقدمتا ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نیرو به لیبریا بفرستد. با رسیدن آنها تیلور خارج و نیروهای تقویتی از ایالات متحده و سایر کشورها برای آماده کردن هیات ملل متحد وارد شدند.
شورای امنیت اول اوت با اعزام نیروی چندملیتی جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا موافقت کرد و سه روز بعد سازمان ملل نخستین گردان از دو گردان را از راه هوا از نیجریه به فرودگاه اصلی لیبریا فرستاد تا مرکزی برای کمک به اعزام نیروهای جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا تشکیل دهد. سازمان ملل و سایر کارگزاری‌های امدادی با استفاده از وقفه‌ای در خشونت‌ها، شروع به ارسال مواد غذایی و دارویی برای صدها هزار مردم سرخورده در خیابان‌های جنگ زده مونروویا کردند. سازمان ملل خواستار ٦٩ میلیون دلار کمک اضطراری برای لیبریا شد.
رئیس جمهور تیلور ۱۱ اوت استعفا کرد و عازم تبعید به نیجریه شد." موسس بلاه" معاون تیلور به عنوان رئیس دولت موقت جانشین او شد. نماینده ویژه دبیرکل چند روز بعد در مذاکرات اکرا موافقت نامه هی را برای تضمین رسیدن آزاد و بی‌قید و شرط کمک بشردوستانه به کلیه سرزمین‌های تحت کنترل طرفین، و تضمین امنیت کارگران امداد بین‌المللی به امضای طرفین رساند. دولت، لیبریایی‌های متحد برای آشتی و دموکراسی، و

جنبش دموکراسی در لیبریا نیز موافقت نامه جامع صلح را امضا کردند که جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا، اتحادیه آفریقا و آقای کلین از طرف سازمان ملل شاهد آن بودند.
شورای امنیت ۱۹ سپتامبر **هیات ملل متحد در لیبریا** – با بیش از ۱۵۰۰۰ پرسنل نظامی و بیش از ۱۰۰۰ مامور پلیس غیرنظامی – را تشکیل داد تا از اول اکتبر وظایف نیروی جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا را به عهده بگیرد. از جمله وظایف آن نظارت بر آتش بس؛ کمک به خلع سلاح، ترخیص نیروها، ادغام مجدد و بازگرداندن کلیه طرف‌های مسلح؛ تامین امنیت زیرساخت‌های حیاتی و تاسیسات اصلی دولتی؛ حمایت از کارکنان، و تاسیسات و غیر نظامیان سازمان ملل؛ و کمک به عوامل امداد بشردوستانه و حقوق بشر – با توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیری مانند آوارگان و پناهندگان بود. هیات ملل متحد در لیبریا همچنین وظیفه داشت برای تدوین برنامه‌ای به منظور تحکیم نهادهای دولت انتقالی، با نظری به برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه تا اکتبر ۲۰۰۵، به دولت کمک کند. کمی بعد اعلام شد دفتر ملل متحد در لیبریا در اختیار هیات ملل متحد در لیبریا قرار می‌گیرد.
هنگامی که ۳۵۰۰ سرباز جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا – نخستین قسمت از ۱۵,۰۰۰ سربازی که قرار بود به وسیله هیات ملل متحد در لیبریا مستقر شوند — ملبس به کلاه‌های آبی سازمان ملل متحد شدند، انتقال مطابق برنامه انجام شد. کمتر از دو هفته بعد دولت و رهبران شورشی، مونروویارا «منطقه عاری از سلاح» اعلام کردند. روز بعد یعنی ١٤ اکتبر، دولت انتقالی ملی لیبریا به رهبری گیوده بریانت به عنوان رئیس آن تشکیل شد. بلاه رئیس جمهور سابق ۱۷ اکتبر قسمت زیادی از سلاح‌ها را به حافظان صلح سازمان ملل تحویل داد و اعلام کرد «ما دیگر نمی‌خواهیم بجنگیم.» نماینده ویژه دبیرکل ۷ نوامبر به عنوان بخشی از طرح زیربناسازی هیات ملل متحد در لیبریا، اجرای طرح ۲۲۰ هزار دلاری بازسازی جاده‌های مونروویا را آغاز کرد.
هیات ملل متحد در لیبریا ۱۳ نوامبر به موارد نقض آتش بس در مناطق هم مرز با گینه و ساحل عاج، با افزایش گشتی‌های زمینی و هوایی خود در آنجا واکنش نشان داد و ۱۷ نوامبر تلاشی گسترده را در زمینه اطلاع رسانی همگانی درباره فرآیند خلع سلاح، ترخیص، ادغام و بازگرداندن نیروها آغاز کرد که رسما از اول دسامبر شروع شد. تا ١٤ دسامبر که این فرآیند به طور موقت قطع شد تا تعدیل‌هایی انجام شود، بیش از ۸,۰۰۰ جنگجوی سابق سلاح‌های خود را تسلیم کرده بودند. به گفته کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان بیش از ٤٠,٠٠٠ جنگجوی سابق پس از ١٤ سال جنگ، منتظر ترخیص و از سرگیری زندگی عادی در اجتماع بودند.
با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال، برنامه‌هایی نیز برای تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای بازسازی لیبریا در حال انجام بود که از ٥ تا ٦ فوریه ٢٠٠٤ تشکیل شد. نماینده ویژه دبیرکل

در ژوئن گزارش داد استقرار سربازان هیات ملل متحد در لیبریا باعث ثبات چشمگیر کشور شده و فرآیند صلح در «مسیر کاملا محکمی» قرارداد ضمن این که ۷۰ درصداز حدود ۵۳,۰۰۰ جنگجوی سابق سلاح‌های خود را تحویل داده بودند.

گینه بیسائو. به دنبال یک دوره مناقشه در گینه بیسائو، دولت وحدت ملی فوریه ۱۹۹۹ آغاز به کار کرد. سازمان ملل در مارس **دفتر حمایت از ایجاد صلح در گینه بیسائو** را به منظور کمک به ایجاد محیطی مساعد برای اعاده و تحکیم صلح، دموکراسی و حکومت قانون و تسهیل برگزاری انتخابات آزاد و شفاف تاسیس کرد. این دفتر به ترویج آشتی ملی و تقویت نهادهای دموکراتیک کمک کرد اما در مه توافق صلح شکست خورد، جنگ از سر گرفته شد و نیروهای شورشی رئیس جمهور" جوآئوبرناردووی‌یرا" را بر کنار کردند. دولت انتقالی پس از انجام انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری نوامبر ۱۹۹۹ و ژانویه ۲۰۰۰، قدرت را به دولت غیرنظامی به ریاست رئیس جمهور کومبایالا تسلیم کرد.

اگر چه دفتر حمایت سازمان ملل به کمک به دولت جدید در دوره انتقالی ادامه داد، بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور به شدت مانع تحکیم صلح و بازپروری اقتصادی بود و باعث شد کمک‌دهندگان کمک‌های خود را محدود کنند. تیرگی اوضاع اقتصادی، به افزایش تنش‌های سیاسی منجر شد. رئیس جمهور یالا اواخر نوامبر ۲۰۰۲ مجمع ملی را منحل و «دولت موقت» جدیدی را منصوب کرد. انتخابات پارلمانی که قرار بود مه ۲۰۰۳ انجام شود بارها به تاخیر افتاد و او سرانجام ١٤ سپتامبر ۲۰۰۳ در کودتایی بدون خونریزی بر کنار شد.

دبیرکل چند ماه بعد در گزارشی به شورای امنیت اظهار داشت بر کناری رئیس جمهور منتخب دموکراتیک، هر چند زشت و نکوهیده، پس از نقض مکرر ضوابط قانون اساسی، انجام شد. وی با توصیف کودتای نظامی به عنوان «نقطه اوج یک موقعیت غیرقابل دفاع»، از جامعه بین‌المللی خواست راه‌هایی برای جلوگیری از زیر پا نهادن اصول پایه‌ای حکومت به وسیله دولت‌هایی که به صورت دموکراتیک در کشورهای پس از مناقشه انتخاب شده‌اند، توصیه کند.

ارتش و ۲۳ حزب از ٢٤ حزب شناخته شده کشور ۲۸ سپتامبر منشور سیاسی انتقالی را امضا کردند که در آن تشکیل دولت انتقالی غیرنظامی به رهبری رئیس جمهور و نخست وزیر موقت غیرنظامی؛ برگزاری انتخابات پارلمانی در مدت ٦ ماه؛ و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در مدت یک سال پس از مراسم سوگند نمایندگان جدید، پیش‌بینی شده بود. کلیه ساز و کارهای انتقالی تا ١٦ اکتبر بر قرار و هنر یک پریراروسا، اقتصاددان و تاجری که رهبری کمیسیون ملی انتخابات را در نخستین انتخابات چند حزبی سال ١٩٩٤ به عهده داشت به عنوان رئیس جمهور انتقالی سوگند داده شد.

رئیس جمهور ۱۸ نوامبر از شورای امنیت برای پرداخت حقوق‌های معوقه کارمندان خود کمک خواست. دولت پیشین نتوانسته بود حقوق‌ها را بپردازد و این امر باعث اعتصاب معلمان، کارکنان بخش بهداشت، و سایر کارکنان دولت و کودتای ١٤ سپتامبر شده بود. وی کمی بعد اعلام کرد انتخابات پارلمان ۲۸ مارس ۲۰۰٤ انجام خواهد شد. شورای امنیت ۱۹ دسامبر خواهان کمک فوری به گینه بیسائو شد. برنامه عمران ملل متحد صندوقی اضطراری برای کمک به این دولت – که در آن زمان ۱۸/۳ میلیون دلار کسر بودجه داشت – تاسیس کرد تا اجرای خدمات اجتماعی خود را از سر بگیرد.

سیرالئون. سازمان ملل متحداز سال ۱۹۹۵ هنگامی که دبیرکل فرستاده ویژه‌ای منصوب کرد تا در جنگ داخلی سیرالئون میانجیگری کند در این کشور درگیر شد. جنگجویان جبهه متحد انقلابی سال ۱۹۹۱ از شرق کشور برای سرنگونی دولت جنگ را آغاز کرده بودند. ارتش سیرالئون با حمایت سربازان نیجریه و گینه کوشید از دولت دفاع کند اما خود ارتش سال ۱۹۹۲ دولت را سرنگون کرد. جبهه متحد انقلابی با وجود تغییر دولت به حملات خود ادامه داد.

فرستاده ویژه با همکاری سازمان وحدت آفریقا و جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا برای حل بحران و بازگشت حکومت غیرنظامی به مذاکره پرداخت. انتخابات سال ۱۹۹٦ برگزار و ارتش قدرت را به احمد تجان کاباح برنده انتخابات واگذار کرد. اما جبهه متحد انقلابی در انتخابات شرکت نکرد و به خصومت‌ها ادامه داد. فرستاده ویژه به انجام مذاکرات مربوط به توافق صلح در ابیجان، بین دولت و جبهه متحد، کمک کرد اما کودتای نظامی دیگری در سال ۱۹۹۷ این توافق را بی‌اثر کرد و در این کودتا ارتش به جبهه متحد پیوست تا حکومت نظامی تشکیل دهد. رئیس جمهور کاباح و اعضای دولت او در گینه به تبعید رفتند. شورای امنیت سیرالئون را تحریم نفتی و تسلیحاتی کرد و به جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا اجازه داد با استفاده از سربازان گروه ناظر خود یعنی (ECOMOG) از اجرای آن اطمینان حاصل کند.

ECOMOG سال ۱۹۹۸ در واکنش به حمله طرفداران حکومت نظامی دست به حمله‌ای نظامی زد که منجر به سرنگونی حکومت نظامیان شد. رئیس جمهور کاباح به قدرت بازگشت و شورای امنیت به تحریم خاتمه داد. شورا در ژوئن **هیات ناظر ملل متحد در سیرالئون** را تاسیس کرد که بر اوضاع امنیتی و تلاش‌ها برای خلع سلاح مبارزان و بازسازی نیروهای امنیتی نظارت می‌کرد. گروه‌های غیرمسلح هیات ناظر ملل متحد تحت حمایت ECOMOG مدارک مربوط به نقض حقوق بشر و بی‌رحمی علیه غیرنظامیان را گردآوری می‌کردند.

جنگ ادامه و اتحاد شورشیان بر بیش از نیمی از کشور تسلط یافت. این اتحاد در جریان حمله‌ای برای پس گرفتن فری‌تاون، پایتخت، ژانویه ۱۹۹۹ بیشتر این شهر را تصرف کرد. کلیه پرسنل هیات ناظر ملل متحد از کشور خارج شدند. اما نماینده ویژه و ناظر نظامی اصلی به انجام

وظایف خود ادامه دادند و تماس‌ها با طرفین و نظارت بر اوضاع را حفظ کردند. سربازان ECOMOG کمی بعد در همان ماه فری‌تاون را پس گرفتند و حکومت غیرنظامی را برگرداندند. حاصل این جنگ آوارگی حدود ۷۰۰,۰۰۰ نفر در داخل و فرار حدود ٤٥٠,٠٠٠ نفر به کشورهای همسایه بود.

نماینده ویژه، با مشورت کشورهای غرب آفریقا، تلاش‌های دیپلماتیک برای مذاکره با شورشیان را آغاز کرد. مذاکره بین دولت و شورشیان به موافقت نامه صلح لومه منتهی شد که ژوییه برای پایان دادن به جنگ و تشکیل دولت وحدت ملی به امضا رسید.

شورای امنیت اکتبر تصمیم گرفت به جای هیات ناظر ملل متحد، هیات بزرگتری یعنی **هیات ملل متحد در سیرالئون** را به منظور کمک به طرفین برای اجرای موافقت نامه فوق و کمک به خلع سلاح، ترخیص و تلفیق حدود ٤٥,٠٠٠ جنگجو تشکیل دهد. شورا فوریه ۲۰۰۰ در پی اعلام این موضوع که نیروهای ECOMOG خارج خواهند شد، تعداد نفرات هیات ملل متحد در سیرالئون را به ۱۱,۰۰۰ نفر افزایش داد.

اما اعضای جبهه متحد انقلابی، پس از مراجعه جنگجویان سابق برای خلع سلاح، در آوریل به نیروهای سازمان ملل حمله کردند. چهار پاسدار صلح کشته شدند و با از سرگیری جنگ، نیروهای جبهه حدود ۵۰۰ پرسنل سازمان ملل را گروگان گرفتند. سربازان انگلیسی، که بر اساس موافقت نامه ای دو جانبه با دولت سیرالئون خدمت می‌کردند، در مه کنترل پایتخت و فرودگاه آن را به دست گرفتند. آنان همچنین به دستگیری فودی سانکوه، رهبر جبهه که به وسیله پلیس توقیف شد، کمک کردند. تا پایان همان ماه حدود نیمی از گروگان‌های سازمان ملل آزاد شدند. شورای امنیت نفرات هیات ملل متحد در سیرالئون را به ۱۳۰۰۰ سرباز برای کمک به اعاده صلح افزایش داد. هیات ملل متحد در ژوییه، با اجرای عملیات نجات، بقیه گروگان‌ها را آزاد کرد. شورای امنیت در اوت فرآیند تشکیل دادگاهی ویژه برای محاکمه مسئولان جنایات جنگی را آغاز کرد.

سازمان ملل ازسال۲۰۰۱ در اجرای ماموریت حفظ صلح خود در سیرالئون پیشرفت مداوم داشته است. هیات ملل متحد استقرار خود را در همه نواحی کشور، نوامبر تکمیل کرد و جریان خلع سلاح ژانویه ۲۰۰۲ کامل شد. در مجموع ۵۷,۰۰۰ جنگجو از کلیه طرف‌ها خلع سلاح و مرخص شدند و راه برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی هموار شد.

به دنبال برگزاری انتخابات مه ۲۰۰۲، هیات ملل متحد توجه خود را به کمک به دولت برای تحکیم صلح از طریق تسهیل گسترش اقتدار آن به سراسر کشور و تلفیق دوباره جنگجویان پیشین و حمایت از اسکان افراد باز گشته و آوارگان داخل کشور متمرکز کرد. در مجموع ٤٦٩٠٠ جنگجوی پیشین تا ژوئن ۲۰۰۳ از طرح‌های کوتاه مدت الحاق مجدد بهره‌مند شده

بودند. اسکان مجدد آوارگان داخل کشور دسامبر ۲۰۰۲ تکمیل شد؛ بازگشت پناهندگان از خارج ادامه دارد. کمیسیون حقیقت و آشتی و دادگاه ویژه برای سیرالئون اواسط ۲۰۰۲ شروع به کار کردند.
شورای امنیت سپتامبر ۲۰۰۲ پایان ماموریت هیات ملل متحد در سیرالئون را در چهار مرحله، که تا دسامبر ۲۰۰٤ تکمیل شود، تصویب کرد. دو مرحله نخست مطابق برنامه انجام شد. تعداد نیروهای هیات ملل متحد تا فوریه ۲۰۰٤ از ۱۷,۵۰۰ نفر به ۱۱,٦۷۲ نفر کاهش یافته بود. سرعت پایان دادن به ماموریت هیات به میزان پیشرفت نیروهای امنیتی سیرالئون برای به عهده گرفتن مسئولیت امنیت داخلی و خارجی کشور بستگی دارد. شورا به این منظور با استقرار تا ۱۷۰ پرسنل غیرنظامی پلیس در هیات ملل متحد برای کمک به آموزش پلیس سیرالئون موافقت کرد. در همین حال گروهی آموزشی متشکل از مشاوران نظامی بین‌المللی مشغول کمک به بازسازی و اصلاح ارتش این کشور بوده است.

اتیوپی – اریتره

با فروپاشی دولت نظامی در اتیوپی در سال ۱۹۹۱، جبهه آزادیبخش مردم اریتره خبر تشکیل دولت موقت و انجام همه‌پرسی برای تعیین خواسته‌های مردم اریتره درباره موقعیت آنان در رابطه با اتیوپی را اعلام کرد. رئیس کمیسیون همه‌پرسی اریتره،سال ۱۹۹۲ از سازمان ملل دعوت کرد بر جریان همه‌پرسی نظارت کند.
مجمع عمومی ***هیات ناظر ملل متحد برای تایید همه پرسی در اریتره*** را تشکیل داد که به ترتیب دادن و برگزاری همه پرسی ۱۹۹۳ نظارت کرد. نودونه درصد رای دهندگان از استقلال طرفداری کردند و کمی بعد اریتره اعلام استقلال کرد و به ملل متحد پیوست.
بین اتیوپی و اریتره در مه ۱۹۹۸ بر سر نواحی مورد اختلاف مرزی جنگ در گرفت. شورای امنیت خواستار پایان دادن به خصومت‌ها شد و پیشنهاد حمایت فنی برای جداسازی و تعیین مرزها داد. دبیرکل خواستار خاتمه جنگ شد تا به تلاش‌های میانجیگرانه ایالات متحده و رواندا فرصت داده شود. سازمان وحدت آفریقا متعاقبا رهبری میانجیگری را به عهده گرفت. شورای امنیت در مه ۲۰۰۰ دو کشور را تحریم تسلیحاتی کرد.
به دنبال مذاکرات همسایگی تحت نظارت سازمان وحدت آفریقا، در ژوئن موافقت نامه قطع خصومت‌ها در الجزیره امضاء شد. شورای امنیت برای کمک به اجرای این موافقت نامه در ژوییه **هیات سازمان ملل در اتیوپی و اریتره** را تشکیل داد تا افسران رابط را در پایتخت‌های دو کشور و ناظران سیاسی را در مرز مستقر کند. شورا، سپتامبر با استقرار بیش از ٤,۲۰۰ پرسنل نظامی برای نظارت بر توقف خصومت‌ها و کمک به تضمین رعایت تعهدات امنیتی مورد توافق دو طرف، موافقت کرد.

با رسیدن حافظان صلح، نیروهای اتیوپی و اریتره تغییر موقعیت دادند و یک منطقـه امنیتـی موقتی ایجاد شد. هیات سازمان ملل در اتیوپی و اریتره ماموریت یافت در منطقه گشت زنی و نظارت کند. ریاست کمیسیون هماهنگی نظامی نیز به آن محول شد تا برای فعالیت‌هـای بشردوستانه مین‌زدایی در منطقه امنیتی و اطراف آن هماهنگی کند، کمک فنی فراهم سازد و فعالیت‌های خود را در آنجا با تلاش‌های بشردوستانه و حقـوق بشـر ملـل متحـد و سـایر سازمان‌ها هماهنگ کند.

طرفین به مذاکره درباره اختلاف‌های خود که الجزایر آن را تسهیل می‌کرد، ادامه دادند و دسامبر ۲۰۰۰ موافقت نامه صلحی امضا کردند که خاتمه همیشگی خصومت‌های نظامی و آزادی زندانیان جنگی را پـیش‌بینـی کـرده بـود. ایـن موافقـت نامـه همچنـین ایجـاد کمیسیونی مستقل برای تعیین خطوط مرزی بر اساس پیمان‌هـای اسـتعماری مربوطـه و قوانین قابل اجرای بین‌المللی را، ایجاب می‌کرد. کمیسیون مرزی پـنج نفـری بـی‌طـرف آوریل ۲۰۰۲ درباره تعیین خطوط مـرزی بـه تصـمیم نهـایی و الـزام آور خـود رسـید. شورای امنیت برای کمک به اجرای این تصمیم، ماموریت هیات ملل متحد در اتیوپی و اریتره را اصلاح کرد تا مین‌زدایی در حمایت از تعیین خطوط مرزی، و تـامین حمایـت اداری و تدارکاتی برای دفاتر منطقه‌ای کمیسیون را در آن بگنجاند.

در طول ۲۰۰۳ اوضاع نظامی به طور کلی با ثبات بود، امـا فرآینـد صـلح، بـه علـت رد کردن توصیه‌های کمیسیون مرزی از طـرف اتیـوپی، در مرحلـه‌ای بحرانـی بـاقی مانـد. طرفین به طور کلی به تمامیت منطقه امنیتی موقتی، که به عنوان گـام نخسـت درجهـت تعیین مرز ایجاد شده بود احترام گذاشتند، اما انجام حملاتی گزارش داده شد. اوج ایـن حملات تیراندازی اوائل نوامبر بود که در جریان آن یک شبه نظامی اریتره کشـته شـد. عدم وجود تماس‌های مستقیم سیاسی بین دو کشور در تمام طول سال مانع عادی شدن روابط دو جانبه شد که عنصر حیاتی هر فرآیند صلحی است. دبیرکل و نماینده ویـژه او از دو کشور خواستند گفت و گوی سیاسی را از سر بگیرند. شورای امنیـت سـپتامبر از آنها خواست شرایط لازم را برای ادامه مذاکرات به منظور تعیین مرز ایجاد کنند.

دبیرکل ۳۰ ژانویه ۲۰۰٤ با نگرانی بسیار به علت عدم پیشرفت در امر حکمیـت دربـاره اختلاف مرزی، اعلام کرد به دو طرف پیشـنهاد میـانجیگری داده و" لویـد اکسـورتی"، وزیر خارجه سابق کانادا را، به عنوان فرستاده ویژه خود برای اتیوپی و اریتره منصـوب کرده است.

قاره آمریکا

سازمان ملل متحد در یکی از پیچیده‌تـرین و موفـق‌تـرین تـلاش‌هـای خـود در زمینـه برقراری و حفظ صلح، در برقراری صلح در آمریکای مرکزی نقشی اساسی داشت.

این سازمان سال ۱۹۸۹، هنگامی که کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوآ از آن خواستند برای انعقاد موافقت نامه به منظور پایان دادن به مناقشاتی که منطقه را آزار می‌داد، حمایت از انتخابات دموکراتیک و ادامه دموکراتیک سازی و گفت‌گو کمک کند، در آمریکای مرکزی درگیر شد. شورای امنیت **گروه ناظر ملل متحد در آمریکای مرکزی** را تشکیل داد تا پیروی از تعهدات در زمینه توقف کمک به نیروهای نامرتب و شورشی را تایید کند و اجازه ندهد از سرزمین هیچ کشوری برای حمله به کشوری دیگر استفاده شود.

نیکاراگوا. پنج کشور فوق همچنین موافقت کردند برنامه‌ای برای ترخیص نیروهای مقاومت نیکاراگوآ تدوین کنند، و دولت نیکاراگوآ اعلام کرد تحت نظارت بین‌المللی و سازمان ملل انتخابات برگزار خواهد کرد. **هیات نظارت سازمان ملل برای تایید انتخابات در نیکاراگوآ** بر تدارک و برگزاری انتخابات ۱۹۹۰ نظارت کرد که این نخستین انتخاباتی بود که با نظارت سازمان ملل در یک کشور مستقل انجام می‌شد. موفقیت این هیات نظارت، به ایجاد شرایطی برای ترخیص داوطلبانه «کنتراها» با نظارت گروه ناظر سازمان ملل متحد در آمریکای مرکزی، در سال ۱۹۹۰ کمک کرد.

السالوادور. در السالوادور، مذاکرات با میانجیگری دبیرکل و نماینده شخصی او در توافق‌های صلح سال ۱۹۹۲ به اوج رسید و به جنگ ۱۲ ساله‌ای خاتمه داد که جان ۷۵,۰۰۰ نفر را گرفته بود. **هیات ناظر ملل متحد در السالوادور** بر اجرای مفاد این توافق‌ها، از جمله ترخیص مبارزان و متابعت طرفین از تعهدات خود در زمینه مسائل حقوق بشر، نظارت کرد. هیات ناظر سازمان ملل همچنین به انجام اصلاحات لازم برای رسیدگی به دلایل ریشه‌ای جنگ داخلی، مانند اصلاحات قضایی و ایجاد نیروی پلیس غیرنظامی جدید، کمک کرد. هیات ناظر به تقاضای دولت بر انتخابات ۱۹۹٤ نظارت کرد و ماموریت آن در ۱۹۹۵ پایان یافت.

گواتمالا. سازمان ملل به در خواست دولت و اتحاد انقلابی ملی گواتمالا، از سال ۱۹۹۱ به برگزاری مذاکرات به منظور پایان دادن به جنگ داخلی کمک کرد که بیش از سه دهه طول کشیده و باعث کشته یا مفقود شدن حدود ۲۰۰,۰۰۰ نفر شده بود. طرفین سال ۱۹۹٤ توافق‌هایی منعقد کردند که در آنها پیش‌بینی شده بود سازمان ملل همه موافقت نامه های حاصله را تایید و یک هیات حقوق بشر ایجاد کند. مجمع عمومی **هیات تایید حقوق بشر سازمان ملل در گواتمالا** را تشکیل داد.

طرفین سال ۱۹۹٦ درباره آتش بس توافق کردند و با امضای موافقت نامه صلح به آخرین و طولانی‌ترین مناقشه آمریکای مرکزی پایان دادند. منطقه برای نخستین بار در ۳٦ سال رنگ صلح را دید. هیات تایید حقوق بشر برای تایید پیروی از موافقت نامه ها

در این کشور باقی مانده و کارگزاری‌های سازمان ملل به رسیدگی به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی مناقشه در سراسر منطقه ادامه داده‌اند.

هاییتی. با کناره‌گیری «ژان کلوددووالیه» رئیس جمهور مادام العمر و روی کار آمدن چند دولت کوتاه مدت، دولت موقت هاییتی در سال ۱۹۹۰ از سازمان ملل خواست بر انتخابات این کشور نظارت کند. **گروه ناظر ملل متحد برای تایید انتخابات در هاییتی** بر تدارک و برگزاری انتخابات نظارت کرد که ژان – برتراندآریستید در آن به ریاست جمهوری انتخاب شد. اما کودتای نظامی ۱۹۹۱ به حکومت دموکراتیک خاتمه داد و رئیس جمهور به تبعید رفت.

دبیرکل به تقاضای مجمع عمومی فرستاده ویژه‌ای برای هاییتی منصوب کرد که سازمان کشورهای آمریکایی نیز او را به عنوان فرستاده ویژه خود منصوب کرد. در واکنش به وخامت اوضاع، هیات مشترک سازمان ملل و سازمان کشورهای آمریکایی یعنی **هیات بین‌المللی غیرنظامی در هاییتی** در ۱۹۹۳ برای نظارت بر رعایت حقوق بشر و تحقیق درباره موارد نقض آن در این کشور مستقر شد.

شورای امنیت برای تشویق اعاده حکومت قانون در ۱۹۹۳ این کشور را تحریم نفتی و تسلیحاتی و در سال ۱۹۹٤ تحریم تجاری کرد و متعاقبا با تاسیس نیروی چند ملیتی برای تسهیل بازگشت به حکومت دموکراتیک موافقت کرد. در حالی که این نیرو در آستانه مداخله بود، ایالات متحده و حاکمان نظامی برای اجتناب از خشونت بیشتر به توافق رسیدند و نیروی چند ملیتی تحت رهبری ایالات متحده به صورت مسالمت‌آمیز در این کشور مستقر شد. رئیس جمهور آریستید بازگشت و تحریم‌ها لغو شد. هیات حفظ صلح سازمان ملل در ۱۹۹۵ جای نیروی چند ملیتی را گرفت تا برای حفظ امنیت و ثبات و ایجاد نخستین پلیس ملی غیرنظامی به دولت کمک کند.

مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰ برای مقابله با بحران سیاسی مداوم، هیات برقراری صلح جدیدی یعنی **هیات بین‌المللی حمایت از غیرنظامیان در هاییتی** را ایجاد کرد که جای هیات‌های حفظ صلح پیشین و هیات بین‌المللی غیرنظامی در هاییتی را گرفت. وظیفه آن کمک به دولت برای ایجاد نهادهای دموکراتیک، با تمرکز بر حقوق بشر، دادگستری و امنیت عمومی بود. این هیات کار خود را فوریه ۲۰۰۱ تکمیل کرد اما فعالیت‌های سازمان ملل در هاییتی از طریق برنامه عمران ملل متحد و سایر کارگزاری‌ها ادامه یافت.

در شرایطی که هاییتی دویستمین سال استقلال خود را اول ژانویه ۲۰۰٤ جشن می‌گرفت بن‌بست سیاسی شدیدی ثبات کشور را تهدید می‌کرد. دبیرکل با اشاره به این که اعلامیه تشکیل جمهوری مستقل هاییتی در اول ژانویه ۱۸۰٤ نشانه آغاز پایان برده‌داری در قاره آمریکا بود، ابراز امیدواری کرد مردم هاییتی بتوانند بن‌بست کنونی را با مسالمت حل کنند.

در هفته‌های بعد درگیری‌های مرگبار بین شبه نظامیان طرفدار و مخالف دولت باعث افزایش خشونت‌ها شد.
رئیس جمهور اریستید ۲۹ فوریه در میان گزارش‌ها دایر بر این که از مقام خود استعفا کرده، کشور را ترک کرد. استعفا نامه‌ای به شورای امنیت تسلیم شد. شورای امنیت چند ساعت بعد، از طریق قطعنامه ۱۵۲۹ با استقرار سریع **نیروی موقتی چند ملیتی** به درخواست بونیفاس الکساندر، رئیس جمهوری که تازه سوگند یاد کرده بود، «برای کمک بین‌المللی به منظور حمایت از جریان سیاسی قانونی در حال شکل‌گیری در هاییتی» موافقت کرد. استقرار نیرویی به رهبری ایالات متحده بلافاصله در هاییتی شروع شد.
شورای امنیت ۳۰ آوریل با تصویب قطعنامه ۱۵٤۲ **هیات تثبیت ملل متحد در هاییتی** را – همچنان که در قطعنامه قبلی آن پیش‌بینی شده بود – تاسیس کرد تا از تداوم فرآیند سیاسی مسالمت‌آمیز و قانونی و حفظ محیطی امن و با ثبات حمایت کند. هیات تثبیت اول ژوئن رسما آغاز به کار کرد و ۲۵ ژوئن مسئولیت را از نیروی موقتی چند ملیتی تحویل گرفت. مجموع نیروی مجاز آن ٦۷۰۰ سرباز و ۱٦۲۲ پلیس غیرنظامی و همچنین کارکنان غیرنظامی بین‌المللی و محلی است.
کلمبیا. دبیرکل از دسامبر ۱۹۹۹ از طریق مشاور ویژه خود در کلمبیا میانجیگری کرده است. مشاور ویژه به کمک به تلاش‌های صلح از طریق تماس‌های منظم با دولت، گروه‌های چریکی، جامعه مدنی و جامعه بین‌المللی ادامه داده است.
مشاور ویژه، ژانویه ۲۰۰۲ همراه با گروهی از ۱۰ کشور کمک کننده و کلیسای کاتولیک برای جلوگیری از شکست مذاکرات صلح بین دولت و نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا کمک کرد. تلاش‌های مشابه در فوریه نتوانست مانع از شکست مذاکرات شود. سازمان ملل با وجود این دشواری‌ها، به کمک به تلاش‌ها برای دستیابی به راه حلی مسالمت‌آمیز برای مناقشه در کلمبیا ادامه می‌دهد.

آسیا و اقیانوس آرام

خاورمیانه

سازمان ملل از نخستین روزهای حیات خود به مساله خاورمیانه پرداخته است. سازمان اصولی برای راه حل مسالمت‌آمیز تنظیم و هیات‌های حفظ صلح گوناگونی را به منطقه اعزام کرد و به حمایت از تلاش‌ها برای یافتن راه حلی عادلانه، پایدار و فراگیر برای مسائل سیاسی اصلی ادامه می‌دهد.
این مشکل، ریشه در موضوع موقعیت فلسطین دارد. فلسطین در سال ۱۹٤۷ سرزمینی بود که بر اساس حکمی از اتحادیه ملل به وسیله انگلیس اداره می‌شد و حدود ۲ میلیون نفر جمعیت داشت که دو سوم آن عرب و یک سوم یهودی بودند. مجمع عمومی سال ۱۹٤۷

طرحی را تایید کرد که به وسیله کمیته ویژه ملل متحد درباره فلسطین برای تقسیم این سرزمین تهیه شده بود. در این طرح ایجاد کشور عرب و کشور یهودی، و قرار گرفتن بیت‌المقدس تحت نظارت بین‌المللی، پیش‌بینی شده بود. اعراب فلسطینی، کشورهای عرب و سایر کشورها این طرح را رد کردند.

انگلیس ١٤ مه ١٩٤٨ از قیمومت خود دست کشید و آژانس یهودی، تشکیل کشور اسرائیل را اعلام کرد. اعراب فلسطینی، با کمک کشورهای عرب، روز بعد خصومت‌ها علیه کشور جدید را گشودند. خصومت‌ها با آتش بس به تقاضای شورای امنیت و نظارت میانجی منصوب مجمع عمومی، و با کمک گروهی ناظر نظامی که به **سازمان نظارت بر آتش بس ملل متحد** معروف شد - نخستین هیات ناظر ملل متحد - متوقف گردید.

بر اثر این مناقشه حدود ٧٥٠,٠٠٠ عرب فلسطینی خانه و کار خود را از دست دادند و آواره شدند. مجمع عمومی برای کمک به آنان در ١٩٤٩ **کارگزاری امداد و کار ملل متحد برای پناهندگان فلسطین در خاور نزدیک** را تاسیس کرد که از آن زمان از تامین کنندگان اصلی کمک و نیرویی برای ثبات در منطقه بوده است.

در حالی که این مناقشه حل نشده باقی مانده بود، جنگ‌های اعراب - اسرائیل در سال‌های ١٩٥٦، ١٩٦٧ و ١٩٧٣ تکرار و هر بار باعث شد کشورهای عضو خواهان میانجیگری سازمان ملل و اعزام هیات‌های حفظ صلح شوند. مناقشه ١٩٥٦ به استقرار نخستین نیروی کامل حفظ صلح یعنی **نیروی اضطراری ملل متحد** منجر شد که بر عقب‌نشینی نیروها نظارت و به صلح و ثبات کمک کرد.

جنگ ١٩٦٧ شامل نبرد بین اسرائیل و مصر، اردن و سوریه بود که در جریان آن اسرائیل شبه جزیره سینا، نوارغزه، ساحل غربی رود اردن، از جمله بیت‌المقدس شرقی و بخشی ارتفاعات جولان سوریه را اشغال کرد. شورای امنیت خواهان آتش بس شد و کمی بعد ناظران را برای نظارت بر آتش بس به بخش مصر - اسرائیل فرستاد.

شورا با **قطعنامه ٢٤٢ (١٩٦٧)** اصولی را برای صلحی عادلانه و پایدار یعنی «عقب‌نشینی نیروهای مسلح اسرائیل از اراضی اشغالی مناقشه اخیر»؛ و «پایان دادن به همه ادعاها یا اظهارات خصومت‌آمیز، و احترام و پذیرش حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور منطقه و حق آنها به زندگی در صلح در داخل مرزهای امن و شناخته شده، عاری از تهدیدها یا اقدام‌های مبتنی به زور تعیین کرد.» این قطعنامه همچنین نیاز برای «حل عادلانه مساله پناهندگان» را تایید کرد.

شورای امنیت پس از جنگ ١٩٧٣ بین اسرائیل و مصر و سوریه قطعنامه ٣٣٨ (سال ١٩٧٣) را تصویب کرد که بار دیگر اصول قطعنامه ٢٤٢ را تایید می‌کند و خواستار مذاکره به منظور

رسیدن به «صلحی عادلانه و پایدار» است. این قطعنامه‌ها هنوز مبنای راه حلی کلی در خاورمیانه هستند.
شورای امنیت برای نظارت بر آتش بس ۱۹۷۳، دو نیروی حفظ صلح تشکیل داد. یکی از آنها، **نیروی ناظر جداسازی ملل متحد** برای نظارت بر اجرای موافقت نامه جداسازی نیروها بین اسرائیل و سوریه، هنوز در ارتفاعات جولان مستقر است. عملیات دیگر «نیروی اضطراری دوم ملل متحد» در سینا بود.
مجمع عمومی بعدها خواهان تشکیل کنفرانسی بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد درباره خاورمیانه شد. مجمع سال ۱۹۷٤ از سازمان آزادیبخش فلسطین دعوت کرد در کار آن به عنوان ناظر شرکت کند و سال ۱۹۷۵ **کمیته اعمال حقوق مسلم مردم فلسطین** را تشکیل داد، که همچنان به عنوان ارگان وابسته به مجمع عمومی برای پشتیبانی از حقوق مردم فلسطین و حل مسالمت‌آمیز مساله فلسطین کار می‌کند.
مذاکرات دو جانبه بین مصر و اسرائیل با میانجیگری ایالات متحده، به توافق‌های کمپ دیوید (۱۹۷۸) و پیمان صلح مصر – اسرائیل (۱۹۷۹) منتهی شد. اسرائیل از سینا عقب‌نشینی کرد که به مصر باز گردانده شد. اسرائیل و اردن سال ۱۹۹٤ پیمان صلح امضا کردند.
لبنان. جنوب لبنان در این سال‌ها صحنه خصومت‌ها بین گروه‌های فلسطینی از یک طرف، و نیروهای اسرائیلی و کمک‌های محلی لبنانی آن‌ها از طرف دیگر شده بود. پس از این که نیروهای اسرائیلی سال ۱۹۷۸، به دنبال حمله کماندویی فلسطینیان در اسرائیل، به لبنان حمله کردند، شورای امنیت با تصویب قطعنامه‌های ٤۲۵ و ٤۲٦ از اسرائیل خواست عقب‌نشینی کند و **نیروی موقت ملل متحد در جنوب لبنان** را به وجود آورد. این نیرو تشکیل شد تا عقب‌نشینی اسرائیل را تایید، صلح و امنیت بین‌المللی را اعاده، و به لبنان در برقراری مجدد اقتدار آن در ناحیه کمک کند.
نیروهای اسرائیلی سال ۱۹۸۲ پس از تبادل شدید آتش در جنوب لبنان و مرز اسرائیل–لبنان وارد لبنان شدند، به بیروت رسیدند و آن را محاصره کردند. اسرائیل سال ۱۹۸۵ از بیشتر لبنان عقب‌نشینی اما کنترل نواری از خاک جنوب لبنان را حفظ کرد و نیروهای اسرائیلی و کمک‌های لبنانی محلی آنها باقی ماندند که قسمتی از آن با حوزه استقرار نیروی موقت سازمان ملل در جنوب لبنان تداخل می‌یافت. خصومت‌ها بین گروه‌های لبنانی و نیروهای اسرائیلی و کمک‌های لبنانی آنها ادامه یافت.
شورای امنیت در طول سال‌ها تعهد خود را نسبت به یکپارچگی، حاکمیت و استقلال لبنان حفظ کرد و دبیرکل کوشید اسرائیل را تشویق به ترک منطقه امنیتی کند. اسرائیل می‌گفت

بخش امنیتی، ترتیباتی موقتی ناشی از نگرانی‌های امنیتی آن است. نیروی موقت ملل متحد می‌کوشید مناقشه را مهار و از مردم حمایت کند.
اسرائیل مه ۲۰۰۰ مطابق قطعنامه‌های ۱۹۷۸ شورای امنیت و با همکاری سازمان ملل نیروهای خود را خارج کرد و دبیرکل تکمیل عقب‌نشینی را در ژوئن تایید کرد. با خروج اسرائیل، شورای امنیت طرح عملیاتی دبیرکل را برای کمک به لبنان به منظور برقراری مجدد حاکمیت آن تصویب کرد. شورا از همه طرف‌ها خواست با سازمان ملل در تلاش‌های آن برای تثبیت اوضاع همکاری کنند.
شورا در دو قطعنامه سال ۲۰۰۳، ضمن تمدید ماموریت نیروی موقت، به لبنان توصیه کرد گام‌هایی برای «تضمین اعاده اقتدار موثر خود» در سراسر جنوب کشور بر دارد و بار دیگر از طرف‌ها خواست به تعهدات خود برای رعایت کامل خط عقب‌نشینی، که به وسیله سازمان ملل تعیین شده بود، عمل کنند.
فرآیند صلح خاورمیانه. قیام مردم فلسطین (انتفاضه) در سال ۱۹۸۷ در اراضی اشغالی ساحل غربی و نوار غزه، با تقاضای استقلال و حاکمیت ملی فلسطین آغاز شد. شورای ملی فلسطین سال ۱۹۸۸ تشکیل کشور فلسطین را اعلام کرد. مجمع عمومی این اعلامیه را پذیرفت و تصمیم گرفت سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان «فلسطین»، بدون ایجاد تغییری در موقعیت ناظر آن، معرفی کند.
پس از انجام گفت‌و گوها در مادرید و سپس مذاکرات با میانجیگری نروژ، اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۳ یکدیگر را به رسمیت شناختند. اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین سه روز بعد اعلامیه اصول درباره ترتیبات خودگردانی موقت را در واشنگتن دی سی امضا کردند. این موافقت نامه راه را برای خودگردانی موقت فلسطین و عقب‌نشینی‌های متوالی اسرائیل از سرزمین اشغالی فلسطین باز کرد.
دبیرکل با استقبال از این موافقت نامه، وعده یاری کارگزاری‌ها و برنامه‌های ملل متحد را داد. سازمان ملل نیروی ضربتی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی غزه و اریحا ایجاد و هماهنگ کننده‌ای ویژه برای یاری سازمان ملل منصوب کرد، که بر کار برنامه‌ها و کارگزاری‌های مربوطه نظارت کرده‌اند. ماموریت هماهنگ کننده ویژه در سال ۱۹۹۹ تمدید شد تا یاری در زمینه میانجیگری فرآیند صلح خاورمیانه را نیز شامل شود.
انتقال قدرت از اسرائیل به نهاد خودگردان فلسطین در نوار غزه و اریحا سال ۱۹۹٤ آغاز شد. اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین سال ۱۹۹۵ موافقت نامه ای را درباره خودگردانی فلسطینیان در ساحل غربی امضا و زمینه را برای عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل و تسلیم اقتدار غیرنظامی به شورای منتخب فلسطینی آماده کردند. انتخابات این شورا و

ریاست نهاد خودگردان فلسطین در سال ۱۹۹٦ برگزار شد. یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، به ریاست این نهاد انتخاب شد.
فرآیند صلح با امضای موافقت نامه ای موقت در سال ۱۹۹۹ بار دیگر به جریان افتاد و به جابه‌جایی بیشتر نیروهای اسرائیلی از ساحل غربی، موافقت نامه‌هایی درباره زندانیان، گشودن مسیر امن بین ساحل غربی و غزه، و از سرگیری مذاکرات درباره مسائل مربوط به موقعیت دائمی منتهی شد. در تلاش برای رسیدگی به مسائل مهم، مذاکرات سطح بالای صلح با میانجیگری ایالات متحده ژوییه ۲۰۰۰ در کمپ دیوید برگزار شد اما بدون نتیجه خاتمه یافت. مسائل حل نشده شامل موقعیت بیت‌المقدس، موضوع پناهندگان فلسطین، امنیت، مرزها و شهرک‌های اسرائیلی بود.
موج جدید اعتراض‌ها و خشونت، پایان سپتامبر ۲۰۰۰ در اراضی اشغالی فلسطین شروع شد. دوره پس از آن، با خشونت روز افزون، تلفات و ویرانی چشمگیر، اشغال مجدد مراکز جمعیت فلسطین، و بحران فزاینده بشری در ساحل غربی و نوار غزه مشخص می‌شد. شورای امنیت بارها خواهان خاتمه خشونت شد، و از طریق قطعنامه ۱۳۹۷ (سال ۲۰۰۲) ، دورنمایی از منطقه‌ای را تایید کرد که دو کشور یعنی اسرائیل و فلسطین در کنار هم در مرزهای امن و شناخته شده زندگی کنند.
تلاش‌های بین‌المللی برای آرام کردن اوضاع منطقه و بازگرداندن دو طرف به مذاکره از طریق ساز و کار «چهارگانه» – متشکل از ایالات متحده، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه– به نحو فزاینده‌ای انجام می‌شد. این چهار طرف ۳۰ آوریل ۲۰۰۳ «نقشه راه» را برای راه حل همیشگی دو کشوری به طرفین ارائه دادند. در این طرح که بر مبنای عملکرد با مراحل و معیارهایی مشخص بود، برداشتن گام‌های موازی و متقابل به وسیله دو طرف در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، بشردوستانه و نهادسازی تحت نظارت چهار طرف مورد بحث پیش‌بینی شده بود که به حل مناقشه تا سال ۲۰۰۵ منتهی شود. شورای امنیت، نقشه راه را در قطعنامه ۱۵۱۵ (سال ۲۰۰۳) تصویب کرد.
اگر چه دو طرف نقشه راه را پذیرفتند، افزایش شدید خشونت در طول نیمه دوم ۲۰۰۳ به تشدید چرخه مقابله به مثل و انتقام منجر شد. ترجه رود – لارسن هماهنگ کننده ویژه ملل متحد برای فرآیند صلح خاورمیانه، و نماینده ویژه دبیرکل به سازمان آزادیبخش فلسطین و نهاد خودگردان فلسطین در سپتامبر گفت هیچ یک از دو طرف فعالانه به نگرانی‌های دیگری توجه نکرده است. این نگرانی‌ها برای اسرائیل امنیت و رهایی از حملات تروریستی؛ برای فلسطینیان، تشکیل کشوری مستقل و با دوام بر مبنای مرزهای پیش از جنگ ۱۹٦۷ بود. اما بمب گذاری‌های انتحاری فلسطینیان ادامه یافت، و اسرائیل به ساختن «حصار جداسازی» در ساحل غربی ادامه داد.

(دیوان بین‌الملل دادگستری به تقاضای مجمع عمومی برای ارائه نظر مشورتی درباره مشروعیت این دیوار، فوریه ۲۰۰٤ سه روز جلسه علنی تشکیل داد و ۹ ژوییه نظر خود را منتشر کرد. دیوان با ١٤ رای مثبت در مقابل یک رای منفی اعلام کرد ساختن این دیوار مخالف حقوق بین‌الملل بوده و اسرائیل موظف است ساختن آن را متوقف، بی‌درنگ آن را خراب کند، و برای همه زیان‌های ناشی از ساخت آن خسارت بپردازد. نظرهای مشورتی دیوان لازم الاجرا نیست.)

گروهی از شخصیت‌های برجسته اسرائیلی و فلسطینی اواخر سال ۲۰۰۳ در تلاشی مستقل متن «توافق ژنو» را با گام‌های مشروح برای حل مناقشه اسرائیل – فلسطین نوشتند. دبیرکل از تلاش آنان برای شکستن بن‌بست استقبال کرد. وی گفت اگرچه چنین ابتکارهای خصوصی، جانشین مذاکرات دیپلماتیک رسمی نیست، این توافق، که با نقشه راه سازگار است، انگیزه‌ای برای بحث‌های مثبت به شمار می‌رود.

نقشه راه، حل جامع مناقشه خاورمیانه، از جمله اختلاف‌های سوریه – اسرائیل و لبنان – اسرائیل را بر مبنای قطعنامه‌های ۲٤۲ (سال ۱۹٦۷)، ۳۳۸ (سال ۱۹۷۳) و ۱۳۹۷ (سال ۲۰۰۲) شورای امنیت، کنفرانس صلح مادرید سال ۱۹۹۱، اصل زمین برای صلح، موافقت نامه های قبلی بین طرفین، و ابتکار صلح مصوب اجلاس سران اتحادیه عرب در بیروت در مارس ۲۰۰۲، پیش‌بینی می‌کند.

افغانستان

جدیدترین فصل در مشارکت سازمان ملل متحد در افغانستان به سپتامبر ۱۹۹۵ بر می‌گردد یعنی هنگامی که جناح طالبان در جنگ داخلی افغانستان، پس از اشغال بیشتر کشور ، کابل پایتخت آن را نیز تصرف کرد. رئیس جمهور برهان‌الدین ربانی گریخت و به «ائتلاف شمال»، که فقط سرزمین‌هایی را در شمال کشور داشت، پیوست. شورای امنیت و مجمع عمومی اکتبر ۱۹۹٦ ربودن نجیب‌الله رئیس جمهور پیشین و برادرش از مرکز سازمان ملل در کابل – که از چهار سال پیش به آن جا پناه برده بودند – و اعدام وحشیانه آنان به وسیله طالبان را محکوم کردند.

شورای امنیت بارها ابراز نگرانی کرد که مناقشه افغانستان زمینه مناسب را برای تروریسم و قاچاق مواد مخدر فراهم می‌کند. دبیرکل با ادامه درگیری‌ها، ژوییه ۱۹۹۷ اخضر ابراهیمی، وزیر خارجه پیشین الجزایر را به عنوان فرستاده ویژه خود برای افغانستان منصوب کرد. ابراهیمی در اکتبر همراه با معاون دبیرکل در امور سیاسی چند جلسه غیررسمی با گروه «شش به علاوه دو»، یعنی شش کشور همسایه افغانستان (چین، ایران، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) به اضافه ایالات متحده و روسیه تشکیل داد.

حملات تروریستی با بمب به سفارتخانه‌های ایالات متحده در نایروبی، کنیا، و دارالسلام، تانزانیا، در ۷ اوت ۱۹۹۸ جان صدها نفر را گرفت. شورا با قطعنامه ۱۱۹۳ نگرانی خود را نسبت به ادامه

حضور تروریست‌ها در افغانستان تکرار کرد و در قطعنامه ۱۲۱٤ مورخ ۸ دسامبر خواست طالبان پناه دادن و آموزش تروریست‌های بین‌المللی و سازمان‌های آنها را متوقف کند و تمامی جناح‌های افغانستان برای محاکمه تروریست‌های تحت تعقیب همکاری کنند.
شورا، ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹، با اشاره به قصور طالبان در اجابت این تقاضا، تحریم‌های گسترده‌ای بر اساس مفاد اجرایی منشور ملل متحد وضع و در قطعنامه ۱۲٦۷ اعلام کرد ایالات متحده، اسامه‌بن‌لادن را به اتهام انفجار سفارتخانه‌های خود تحت تعقیب قرار داده و تقاضا کرد جناح طالبان – که هرگز به عنوان دولت مشروع افغانستان به رسمیت شناخته نشد – او را به برای محاکمه به مسئولان مربوطه تسلیم کند.
شورا، ۲۲ اکتبر درباره گزارش‌های مربوط به شرکت هزاران غیر افغان که سن بعضی از آنان کمتر از ۱٤ سال بود، به طرفداری از طالبان در جنگ افغانستان، به شدت ابراز نگرانی کرد. شورا همچنین درباره جا به جایی اجباری غیرنظامیان، اعدام‌های سریع، بدرفتاری و بازداشت خودسرانه غیرنظامیان، خشونت علیه زنان و دختران، و بمباران کورکورانه، به شدت ابراز نگرانی کرد. شورا به اشغال سرکنسولگری ایران در مزار شریف و کشتن سه دیپلمات و یک روزنامه‌نگار ایرانی در آنجا اشاره کرد. شورا به شدت از افزایش چشمگیر کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر، به ویژه در مناطق تحت کنترل طالبان نگران بود و تقاضا کرد این گونه فعالیت‌های غیرقانونی متوقف شوند.
تعصب دینی طالبان نیز باعث محکومیت گسترده شد. آنان مارس ۲۰۰۱ دو مجسمه بودا را که حدود ۱۳۰۰ سال پیش روی سنگ‌های دره بامیان تراشیده شده بودند، از جمله بزرگترین مجسمه بودا در جهان، منفجر کردند. پرسنل سازمان‌های بشردوستانه به اتهام‌های بی‌اساس «رفتار غیراخلاقی» در معرض آزار و بدرفتاری فیزیکی قرار داده شدند. فرمانی در ماه مه زنان هندو را موظف ساخت مانند همتایان مسلمان خود چادر به سر کنند، و همه غیر مسلمانان موظف شدند برچسب‌های مشخص کننده هویت داشته باشند. هشت امدادگر بین‌المللی در اوت دستگیر و به اتهام «ترویج مسیحیت» محاکمه شدند.
محاکمه آنان روز ۱۱ سپتامبر در جریان بود که اعضای سازمان القاعده بن‌لادن چهار فروند هواپیمای جت تجاری را در ایالات متحده ربودند، دو فروند را به ساختمان مرکز تجارت جهانی در نیویورک، یک فروند را به ساختمان پنتاگون در پایتخت آمریکا، و چهارمی را، که مسافران آن کوشیدند ربایندگان را متوقف کنند، به مزرعه‌ای در پنسیلوانیا کوبیدند. حدود ۳,۰۰۰ نفر کشته شدند. دولت آمریکا در روزهای پس از آن به طالبان هشدار داد: بن‌لادن را تسلیم و به عملیات تروریستی در افغانستان خاتمه دهید یا در انتظار حمله نظامی شدید باشید. طالبان امتناع کرد.

اقدام نظامی.نیروهای ایالات متحده و انگلیس ۷ اکتبر حملات موشکی به هدف‌های نظامی طالبان و اردوگاه‌های آموزشی بن‌لادن در افغانستان را آغاز کردند. پس از دو هفته بمباران، نیروهای زمینی آمریکا در افغانستان پیاده شدند. شبه نظامیان افغانی در دسامبر، با حمایت بمب افکن‌های آمریکایی حمله به مواضع اسامه بن‌لادن و نیروهای القاعده را در منطقه‌ای کوهستانی در تورابورا، در شرق افغانستان، نزدیک مرز پاکستان شروع کردند.

شورای امنیت، در هفته‌های پس از ۱۱ سپتامبر از تلاش‌های مردم افغانستان برای برکناری رژیم طالبان حمایت و بار دیگر طالبان را محکوم کرد که اجازه داده است از این کشور به عنوان پایگاهی برای صدور تروریسم و تامین پناهگاه های امن برای اسامه بن‌لادن استفاده شود.

کوفی عنان دبیرکل اول اکتبر در سخنرانی در اجلاس ویژه یک هفته‌ای مجمع عمومی درباره تروریسم گفت: «در شرایطی که اراده و شرایط لازم را برای موفقیت در مبارزه علیه تروریسم متمرکز کرده‌ایم، باید مراقب همه قربانیان تروریسم نیز باشیم.» وی به این منظور برای کمک آماده باش داد و از جامعه بین‌المللی خواست ٥٨٤ میلیون دلار برای تامین نیازهای بشردوستانه حدود ۷/۵ میلیون غیرنظامی افغان در طول شش ماه بعد آماده کند.

سازمان ملل همچنین به تلاش برای حمایت از گفت و گو بین طرف‌های افغان به منظور تشکیل دولتی فراگیر و مردمی ادامه داد. دبیرکل به این منظور بار دیگر اخضر ابراهیمی را به عنوان نماینده ویژه خود در افغانستان منصوب کرد. وی دو سال پیش هنگامی که مذاکرات به بن‌بست رسید، استعفا کرده بود.

گروه «شش به علاوه دو» ۱۲ نوامبر در جلسه‌ای به ریاست دبیرکل، با ضرورت تشکیل دولتی فراگیر برای افغانستان که آزادانه انتخاب شده باشد، موافقت کرد. اعضای آن قول ادامه حمایت برای تلاش‌های بشردوستانه سازمان ملل در افغانستان، و همچنین در اردوگاه‌های پناهندگان در کشورهای همسایه را دادند. کنفرانسی درباره بازسازی افغانستان، با حمایت برنامه عمران ملل متحد، بانک جهانی و بانک عمران آسیا، ۲۷ نوامبر در اسلام آباد آغاز به کار کرد. کنفرانسی دیگر با شرکت کشورهای کمک کننده، با تمرکز بر نیازهای فوری و طولانی مدت‌تر، اوائل دسامبر در برلین تشکیل شد.

ترتیبات موقت. در این حال ائتلاف شمال وارد مزار شریف، هرات و سپس کابل شد و این رویدادی تعیین کننده در شکست طالبان بود. سازمان ملل متحد اواخر نوامبر اجلاسی از رهبران سیاسی افغانستان در بن تشکیل داد. در پایان این اجلاس در ۵ دسامبر چهار گروه حاضر، از جمله ائتلاف شمال، درباره ترتیبی موقتی تا تشکیل دوباره نهادهای دولت دائمی موافقت کردند. به عنوان گام نخست، نهاد موقت افغانستان تشکیل شد.

شورای امنیت ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ با قطعنامه ۱۳۸٦ با تشکیل **نیروی بین‌المللی یاری امنیتی** موافقت کرد تا به نهاد موقت برای برقراری امنیت در کابل و نواحی اطراف آن کمک کند. حکومت رئیس جمهور ربانی که از شناسایی بین‌المللی برخوردار بود ۲۲ دسامبر قدرت را به نهاد موقت جدید افغانستان، که به ریاست حامدکرزای در بن تشکیل شده بود، تسلیم کرد. ابراهیمی برای کار در زمینه حمایت از حکومت جدید افغانستان به کابل رفت و نخستین سربازان نیروی بین‌المللی یاری امنیتی مستقر شدند.

برنامه جهانی غذا در دسامبر که خصومت‌ها کاهش یافت توانست مقدار بی‌سابقه ۱۱٤,۰۰۰ متریک تن کمک غذایی تحویل دهد که برای تغذیه دو ماه ٦ میلیون نفر کافی بود. با این حال تا ۲۰ دسامبر از ٦٦۲ میلیون دلار مورد نظر برای امور امدادی سازمان ملل فقط ۳۵۸ میلیون دلار دریافت شده بود. برای ادامه روند کمک به افغانستان، کنفرانسی بین‌المللی درباره یاری به بازسازی افغانستان ژانویه در توکیو تشکیل شد.

کوفی‌عنان دبیرکل ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲ در این کنفرانس گفت برای بازسازی در طول ۱۰ سال ۱۰ میلیارد دلار لازم است که ۱/۳ میلیارد دلار برای سال جاری و ۳۷٦ میلیون دلار برای طرح‌های بازپروری و طرح‌های دارای تاثیر سریع که «آماده اجرا هستند»، مورد نیاز است. از جمله چنین طرح‌هایی بازگشت حدود ۱/۵ میلیون کودک افغان به مدرسه در طول دو ماه بود. کنفرانس توکیو کاملا موفق شد و شرکت‌کنندگان وعده دادند بیش از ٤/۵ میلیارد دلار کمک کنند. نیازهای این کشور برای بازسازی بسیار زیاد بود.

ارزیابی مقدماتی بانک جهانی، برنامه عمران ملل متحد و بانک عمران آسیا اولویت‌های احتمالی را به شرح زیر تعیین کرد: مین زدایی؛ خدمات بهداشتی اساسی برای کاهش مرگ‌ومیر مادران و کودکان؛ ثبت نام بیش از یک میلیون دختر و پسر در مدارس؛ افزایش سریع تولید مواد غذایی و دسترسی به آب سالم؛ ایجاد پناهگاه برای تسهیل اسکان مجدد و ایجاد و توسعه ظرفیت ملی مدیریت شهری؛ تامین انرژی اضطراری همراه با احیای تاسیسات موجود برق؛ اشتغال شهری و روستایی؛ بازسازی در سطح محلی؛ و ایجاد محیط اجتماعی – اقتصادی سازنده برای بازگشت پناهندگان.

نخستین موفقیت موافقت نامه بن در همان روز اعلام ترکیب کمیسیون مستقل ویژه برای انعقاد اضطراری لویه جرگه («شورای بزرگ» به زبان پشتو)، مجمعی سنتی که در آن ریش سفیدان قبایل گردهم می‌آیند و امور را حل می‌کنند، به دست آمد. لویه جرگه اضطراری قرار بود رئیس کشور را برای حکومت انتقالی انتخاب و پیشنهادها برای ساختار و پرسنل اصلی این حکومت را تصویب کند. بر اساس موافقت نامه بن انتخابات آزاد و عادلانه می‌بایست در مدت دو سال پس از تشکیل لویه جرگه برگزار شود.

شورای امنیت ژانویه ۲۰۰۲ از طریق اعلامیه ریاست، از تغییرات مثبت در افغانستان کـه در نتیجه سقوط رژیم طالبان حاصل شده، استقبال کرد. شورا تصمیم گرفت تحریم‌های خود را برای انعکاس واقعیت‌های جدید، به منظور مبارزه با القاعده و حامیان آن، تعدیل کند.
شورا، ۲۸ مارس به توصیه دبیرکـل **هیات یاری ملل متحد در افغانستان** را تشـکیل داد تـا وظایفی را که براساس موافقت نامه بـن بـه سـازمان ملـل محـول شـده بـود، وظـایفی در زمینه‌هایی مثل حقوق بشر، حکومت قانون و مسائل مربوط به جنسیت، انجـام دهـد. ایـن هیات به ریاست نماینده ویژه دبیرکل، همچنـین از آشـتی ملـی حمایـت و همزمـان، کلیـه فعالیت‌های بشردوستانه سازمان ملل را در افغانستان با همکاری نهاد موقت و جانشـینان آن اداره می‌کند.
فرآیند انتخاب اعضای لویه جرگه اضطراری، آوریل ۲۰۰۲ شروع شد. افغان‌ها قرار بـود از ماه مه در ۳۰۰ ناحیه نامزدهای بالقوه را انتخاب کنند تا گروهی تشکیل دهند که از میان آنان ۱۵۰۰ عضو انتخاب شوند. برای مشارکت زنان در لویه جرگه تدارک ویژه بـه عمـل آمـد. شورای ۹ روزه ۱۱ ژوئن به وسیله ظاهرشاه، پادشاه پیشین افغانستان افتتاح، و شـورا حامـد کرزای را برای رهبری ملت نامزد کرد. کرزای ۱۳ ژوئن به عنوان رئـیس کشـور افغانسـتان انتخاب شد تا دولت موقت را در دو سال بعد رهبری کند.
یک سال بعد، ۲٦ آوریل ۲۰۰۳، کمیسیون بررسی قانون اساسی با ۳۵ عضو تشکیل شد. این کمیسیون در سراسر افغانستان و خارج دست به مشورت‌های عمومی زد تا از دیـدگاه‌هـای مردم افغانستان آگاه شود. در پیش‌نویس قانون اساسی که به این ترتیب تهیه شد به مسـائلی مانند حقوق و آزادی‌های افراد، شکل دولت، اختیارات دولت مرکـزی و نهادهـای محلـی، برابری بین همه شهروندان افغانستان، نقش اسلام، و موقعیت زبان‌ها و فرقـه‌هـای مـذهبی پرداخته شده بود. این کمیسیون، اکتبر پیش‌نویس خود را به لویه جرگه قانون اساسی تسلیم کرد که ماه نوامبر منتشر و به حد گسترده‌ای پخش شد. لویه جرگه قرار بود پنج هفتـه بعـد تشکیل شود.
ثبت نام رای دهندگان، دسامبر ۲۰۰۳ در هشت شهر سراسر افغانسـتان، پـیش از انتخابـات عمومی برای پارلمان ملی و ریاست جمهوری در ۲۰۰٤، آغاز شد. هر شـهروند افغـان کـه سن او ۲۰ ژوئن ۲۰۰٤ هیجده سال یا بیشتر می‌بود و شخصـا در محـل ثبـت نـام حضـور می‌یافت می‌توانست ثبت نام کند.
پیش‌نویس قانون اساسی ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳ در اجلاس عمومی لویه جرگـه قـانون اساسـی پخش شد. در این متن که تغییرهایی را که پیشتر در کمیته آشتی لویه جرگه تصویب شـده بود در برداشت، ایجاد نهاد ریاست جمهوری با اختیارات چشمگیر و قوه مقننه دو مجلسی

با حداقل تضمین شده‌ای از اعضا و نمایندگان زن پیش‌بینی شده بود. این متن احترام به حقوق بشر بنیادی را نیز در نظر گرفته و خواهان مطابقت قوانین کشور با اصول اسلام بود. لویه جرگه ٤ ژانویه ٢٠٠٤ درباره این متن به توافق رسید و پس از تطبیق کامل نسخه‌های دری و پشتوی آن، ٢٦ ژانویه ٢٠٠٤ هنگامی که به امضای رئیس جمهور حامد کرزای رسید به طور رسمی به عنوان قانون اساسی افغانستان تصویب شد.

خلع سلاح. در سراسر دوره انتقالی، تلاش برای خلع سلاح، با وجود دشواری‌های بسیار و چند بار تعلیق روند خلع سلاح، با کمک هیات یاری ملل متحد در افغانستان پیگیری می‌شد. سه جناح افغان ١٨ ژوییه ٢٠٠٢ نزدیک مزارشریف تحت نظارت سازمان ملل شروع به تحویل سلاح‌های خود کردند. این نخستین اقدام داوطلبانه در این زمینه در افغانستان بود. هیات یاری ٢٤ اکتبر ٢٠٠٣ به صورت رسمی اجرای برنامه خود را در زمینه خلع سلاح، ترخیص و تلفیق نیروها در استان شمالی کندوز آغاز کرد.

کنترل مواد مخدر. افغانستان اواخر دهه ١٩٩٠ به عنوان منبع تولید نزدیک به ٨٠ درصد تریاک غیرقانونی جهان و منبع تولید هرویین، بدنام بود. نزدیک به یک درصد مجموع زمین‌های قابل کشت آن، یعنی حدود ٦٤٠ کیلومتر مربع به کشت خشخاش اختصاص داشت. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل اکتبر ٢٠٠٣ گزارش داد افغانستان حدود سه چهارم تریاک دنیا را تامین می‌کند. حدود ١/٧ میلیون افغان یعنی حدود ٧ درصد کل جمعیت کشور، در این صنعت کار می‌کردند و زمین تحت کشت تریاک نسبت به سال پیش از آن حدود ٨ درصد افزایش یافته بود. وزیر خارجه افغانستان دسامبر ٢٠٠٣ به دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در وین رفت تا درباره تلاش در زمینه کنترل مواد مخدر گفت وگو کند.

باز پروری، بازسازی و اقدام بشردوستانه. دبیرکل دسامبر ٢٠٠٢ خواهان ٨١٥ میلیون دلار برای تامین هزینه‌های امور مربوط به کمک‌های بشردوستانه، کمک به بازپروری و ظرفیت سازی شد. یونسکو برای حفظ میراث فرهنگی افغانستان – از جمله آنچه از مجسمه‌های بزرگ بودا باقی مانده بود – دست به کار شد. یونیسف یک سال بعد گزارش داد از زمان سقوط طالبان ١٦ میلیون کودک علیه سرخک و ١٢ میلیون علیه بیماری فلج اطفال مایه‌کوبی شده‌اند. بیش از ٧٠٠,٠٠٠ زن واکسن کزاز دریافت کرده، حدود ٥٠ هزار معلم دوره ابتدایی آموزش دیده و ٤ میلیون کودک – از جمله ١/٢ میلیون دختر – به مدرسه برگشته بودند. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به بیش از ٢/٥ میلیون پناهنده افغانی کمک کرد از ایران و پاکستان برگردند و به نیم میلیون آواره داخلی یاری رساند.

فائو پیش از فصل جدید کشت، بذرهای مرغوب و کود بین حدود ٦٠,٠٠٠ خانواده کشاورز افغان توزیع کرد که بیش از نیم میلیون نفر، از آنها منتفع شدند. در ماه‌های پایانی سال ٢٠٠٣ بانک جهانی پرداخت وام ٩٥ میلیون دلاری بدون بهره‌ای را برای بازسازی

افغانستان تصویب کرد. بانک جهانی ٤٠ میلیون دلار اعتبار بدون بهره نیز برای بازسازی شبکه آبیاری در مصب پنج رودخانه این کشور و همچنین ۳۱ میلیون دلار بدون بهره برای ایجاد تاسیسات گمرکی و مخابراتی در گذرگاه‌های مرزی، انبارهای ترخیص درون مرزی، نقاط کنترل ترانزیت و فرودگاه کابل در اختیار این کشور قرار می‌دهد.

امنیت. عامل نگرانی اصلی در مقابل این مجموعه موفقیت‌ها در دوره پس از طالبان، اوضاع ناپایدار امنیتی در کشور بود که تلاش‌های سیاسی و بازسازی را در معرض خطر قرار می‌داد. چند مقام دولتی را نیمه نخست ۲۰۰۲ ترور کردند و به جان رئیس جمهور کرزای سوء قصد شد. امدادگران سازمان ملل و سایر سازمان‌های بشردوستانه – به ویژه افغان‌هایی که با این سازمان‌ها همکاری می‌کردند – بارها هدف حمله قرار گرفتند.

دبیرکل ژوییه ۲۰۰۲ اظهار داشت طالبان، اگر چه به شدت تضعیف شده، هنوز به صورت رسمی تسلیم نشده است. اگر چه ائتلاف به رهبری آمریکا، طالبان را به گونه‌ای موثر مهار کرده بود اما آنان، همراه با بقایای القاعده هنوز حضور داشتند. جناح‌های مسلح گوناگون نیز منبع بی‌ثباتی بودند. در شرایطی که پلیس و ارتش ملی افغانستان تحت تعلیم قرار داشتند برای جامعه بین‌المللی اهمیت اساسی داشت تا امنیت این کشور را حفظ کند.

برنامه پاکسازی مین سازمان ملل پیش از سقوط طالبان اعلام کرده بود افغانستان با تعداد حیرت‌آور ۹/۷ میلیون مین زمینی از نظر کاشت مین در جهان اول است. مرکز سازمان ملل برای اقدام علیه مین در افغانستان مه ۲۰۰۳ در حالی که حدود ۸۰۰۰ کارشناس کشف و خنثی سازی مین در این کشور مشغول کار بودند، مجبور شد پاکسازی مین در بخش‌هایی از مسیر کابل به قندهار را به علت شرایط نامساعد امنیتی متوقف کند. از سرگیری کامل فعالیت‌های مین‌زدایی با استفاده از فن‌آوری جدیدی میسر شد که مقدار کارهای دستی لازم را کاهش داد.

شورای امنیت، ۱۳ اکتبر پیشنهاد دبیرکل را برای استقرار نیروی بین‌المللی یاری امنیتی در خارج از کابل تصویب کرد.

سازمان ملل ماه سپتامبر اعلام کرد دانشگاه جدید پلیس قرار است ماه نوامبر در گاردز و چند دانشگاه دیگر پلیس سال ۲۰۰٤ در مزارشریف، کندوز، بامیان، جلال‌آباد و هرات افتتاح شوند. مطالب آموزشی این دانشگاه‌ها برای پرورش مامورانی که پیشتر آموزش ندیده یا آموزش کافی ندیده بودند، شامل اصول دموکراتیک کار پلیسی، حقوق بشر و قوانین بنیادی، و همچنین شیوه‌های انجام کارهایی مانند توقیف خاطیان بود. بیش از ۸۰ افسر پلیس افغان دوره سه ساله برنامه پزشکی قانونی را شروع کردند تا یاد بگیرند چگونه موارد جعلی و تقلبی را تشخیص دهند و تجزیه خون و «دی‌ان‌ای» را انجام دهند.

عراق

اداره امور سیاسی در حمایت از تلاش‌های دبیرکل و نظام ملل متحد، و در اجرای قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت مربوط به عراق – از قطعنامه ٦٦٠ مورخ ٢ اوت ١٩٩٠ تا قطعنامه ١٥١١ مورخ ١٦ اکتبر ٢٠٠٣ – نقشی اساسی ایفا کرده است.

ملل متحد و عراق در طول دهه ١٩٩٠. دبیرکل در سراسر دهه ١٩٩٠ و پس از آن به منظور غلبه بر بن‌بست‌های گوناگون بین دولت صدام در عراق و شورای امنیت، میانجیگری کرد. دبیرکل و فرستادگان او در موارد متعدد با رهبری عراق و سایر کشورهای منطقه دیدار کردند تا از بدتر شدن اوضاع جلوگیری کنند و صلح و امنیت بین‌المللی را به این منطقه دچار مشکل بازگردانند.

واکنش سازمان ملل به تهاجم ٢ اوت ١٩٩٠ عراق به کویت، دامنه اختیاراتی را که سازمان در زمینه اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در اختیار دارد، نشان می‌دهد. شورای امنیت در قطعنامه‌های ٦٦٠ و ٦٦١ بلافاصله این حمله را محکوم کرد و خواهان عقب‌نشینی عراق شد و این کشور را به طور کامل از جمله از نظر تجاری و نفتی تحریم کرد. لغو این تحریم‌ها به متابعت عراق از همه تعهدات خود، به گونه‌ای که در قطعنامه ٦٦٠ تصریح شده، و خواستار عقب‌نشینی فوری عراق از کویت بود، مشروط شده بود. همه اعضای مجمع عمومی در اجلاس سال ١٩٩٠ آن، برای محکوم کردن اقدام عراق، به شورای امنیت پیوستند.

شورای امنیت، ٢٩ نوامبر ١٩٩٠ با قطعنامه ٦٧٨ خود ١٥ ژانویه ١٩٩١ را ضرب‌الاجل متابعت عراق از قطعنامه ٦٦٠ تعیین کرد و به کشورهای عضو اجازه داد از «همه وسایل لازم» بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد برای اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه استفاده کنند. نیروهای چند ملیتی که برای اعاده حاکمیت کویت صف‌آرایی کرده بودند، ١٦ ژانویه ١٩٩١ شروع به حمله به عراق کردند. این نیروها بر اساس مجوز شورای امنیت، اما نه تحت رهبری یا کنترل ملل متحد، عمل می‌کردند. خصومت‌ها فوریه ١٩٩١، پس از خروج نیروهای عراق از کویت، قطع شد.

شورای امنیت با قطعنامه ٦٨٧ مورخ ٨ آوریل ١٩٩١ شرایط آتش بس را تعیین کرد و خواست عراق و کویت به مصونیت مرزهای خود از تعرض احترام بگذارند، خواهان استقرار ناظران سازمان ملل شد، برای پرداخت غرامت خسارات جنگ اقدام کرد، و تصمیم گرفت سلاح‌های کشتار جمعی عراق، از جمله سلاح‌های شیمیایی و میکربی، باید نابود شوند. شورا برای تایید خلع سلاح عراق **کمیسیون ویژه ملل متحد** را با اختیارات بازرسی بدون اطلاع قبلی برای خلع سلاح عراق تشکیل داد. اختیارات مشابهی در زمینه کار تایید در حوزه سلاح‌های هسته‌ای، با کمک کمیسیون ویژه به **آژانس بین‌المللی انرژی اتمی** تفویض شد.

قطعنامه ٦٨٧ همچنین منطقه غیرنظامی در مرز عراق – کویت ایجاد کرد. شورا برای نظارت بر این منطقه با قطعنامه ٦٨٩ **هیات نظارت عراق – کویت ملل متحد** را تشکیل داد.

شورا کمی بعد **کمیسیون تعیین مرز عراق – کویت** را، متشکل از یک نماینده از عراق، یک نماینده از کویت و سه کارشناس مستقل منصوب دبیرکل تشکیل داد. عراق سال ۱۹۹۲ شرکت در کار کمیسیون را متوقف کرد و سال ۱۹۹٤ به دبیرکل اطلاع داد حاکمیت، تمامیت ارضی و مرزهای بین‌المللی کویت را، آن گونه که به وسیله کمیسیون تعیین شده، مطابق با موافقت نامه های بین دو کشور در ۱۹۳۱ و ۱۹٦۳ به رسمیت می‌شناسد.

شورا، همچنین در سال ۱۹۹۱، **کمیسیون غرامت ملل متحد** را برای رسیدگی به ادعاها و دادن خسارت به دولت‌ها، افراد یا شرکت‌ها برای هر گونه خسارت یا زیان ناشی از حمله عراق به کویت، از درصدی از درآمدهای حاصل از فروش نفت عراق، تشکیل داد. این کمیسیون تا پایان ۲۰۰۳ حدود ٤٨ میلیارد دلار خسارت داده بود.

هیات نظارت عراق – کویت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جریان بازرسی‌های خود مقدار زیادی از برنامه‌ها و توانایی‌های عراق را در زمینه سلاح‌های ممنوع شده هسته‌ای، شیمیایی و میکربی کشف و نابود کردند. هیات نظارت و آژانس انرژی اتمی با وجود موفقیت‌های خود نتوانستند مشخص کنند عراق همه تعهدات پذیرفته شده بر اساس قطعنامه‌های ٦٦١، ٦٧٨ و ٦٨٧ شورای امنیت را اجرا کرده است یا نه.

دبیرکل سال ۱۹۹۸ در اختلافی با عراق درباره لغو تحریم نفتی میانجیگری کرد. عراق می‌گفت دیگر سلاح غیرمجاز در این کشور نیست در حالی که هیات نظارت تاکید می‌کرد مدرکی ندارد که عراق قطعنامه ٦٨٧ را به طور کامل اجرا کرده باشد. عراق در اکتبر همکاری با هیات نظارت را قطع کرد و بار دیگر از شورای امنیت خواست به تحریم نفتی آن خاتمه دهد.

هیات نظارت آخرین ماموریت خود را دسامبر ۱۹۹۸ انجام داد. ایالات متحده و انگلیس همان ماه حملات هوایی به عراق را آغاز کردند.

شورای امنیت با قطعنامه ۱۲۸٤ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ به جای هیات نظارت، نهاد جدیدی برای نظارت تاسیس کرد: **کمیسیون نظارت، تایید و بازرسی ملل متحد**. عراق می‌بایست با گروه‌های بازرسی تسلیحاتی سازمان ملل به طور کامل همکاری کند، امکان دسترسی نامحدود آنها را فراهم سازد و اطلاعات در اختیار آنها بگذارد. شورای امنیت ابراز تمایل کرد، بسته به همکاری عراق با کمیسیون نظارت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، که هر ۱۲۰ روز مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، تحریم اقتصادی آن را لغو کند.

دبیرکل، فوریه ۲۰۰۰ سفیر یولی وورونتسف را به عنوان هماهنگ کننده برای بازگرداندن افراد و بایگانی‌های گم شده از عراق به کویت، منصوب کرد.

تحریم‌ها و برنامه نفت برای غذا. شورای امنیت در قطعنامه ۹۸٦ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۵ برنامه «نفت برای غذا» ایجاد کرد تا به تاثیر شدید تحریم‌های اقتصادی در زمینه امور بشردوستانه رسیدگی و ارائه کمک‌هایی را به مردم عراق پیشنهاد دهد. این برنامه به فروش نفت به وسیله دولت عراق برای خرید غذا و تامین نیازهای بشردوستانه نظارت می‌کرد و ترتیب توزیع غذا را در این کشور می‌داد و به عنوان تنها منبع معاش برای ٦۰ درصد از حدود ۲۷ میلیون نفرجمعیت عراق خدمت می‌کرد.

بازرسی‌های تسلیحاتی جدید و اقدام نظامی. شورای امنیت سازمان ملل پیش از حمله نظامی ائتلاف تحت رهبری آمریکا به عراق که از ۱۹ مارس ۲۰۰۳ آغاز شد، جلسات متعددی درباره اجرای قطعنامه ۱٤٤۱ مورخ ۸ نوامبر ۲۰۰۲ شورا تشکیل داد. این قطعنامه رژیم بازرسی بهتری را پیش‌بینی کرده و فرصتی نهایی برای متابعت از قطعنامه‌های شورای امنیت به عراق پیشنهاد می‌داد.

براساس قطعنامه ۱٤٤۱، عراق ملزم بود امکان دسترسی فوری، بی‌قید و شرط و بدون محدودیت بازرسان کمیسیون نظارت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از برنامه‌های تسلیحاتی خود فراهم کند. بازرسان سازمان ملل ۲۷ نوامبر ۲۰۰۲ به عراق بازگشتند. هانس بلیکس رئیس اجرایی کمیسیون نظارت، و محمد البرادعی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها شورای امنیت را در جریان امور بازرسی تسلیحاتی عراق قرار دادند. اما شورا همچنان درباره چگونگی تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی عراق اختلاف داشت.

ایالات متحده، انگلیس و اسپانیا در شرایطی که مذاکرات ادامه داشت ۱۷ مارس ۲۰۰۳ را به عنوان آخرین فرصت خلع سلاح کامل عراق اعلام کردند. دبیرکل در مواجهه با احتمال روزافزون اقدام قریب الوقوع نظامی، به کارکنان بین‌المللی سازمان ملل در عراق دستور داد ۱۷ مارس از عراق خارج شوند و اجرای همه فعالیت‌های سازمان از جمله برنامه نفت برای غذا متوقف شود. اقدام نظامی به وسیله ائتلافی به رهبری ایالات متحده و انگلیس سه روز بعد شروع شد.

شورای امنیت با قطعنامه ۱٤۸۳ مورخ ۲۲ مه ۲۰۰۳، پس از سقوط رژیم صدام بر حق مردم عراق برای تعیین آزادانه آینده سیاسی خود تاکید کرد. شورا همچنین اختیارات، مسئولیت‌ها و تعهدات ویژه ایالات متحده و انگلیس را به عنوان نیروهای اشغال کننده («نهاد») تا تشکیل دولت مورد تایید بین‌المللی به رسمیت شناخت. شورا در همان قطعنامه، برنامه نفت برای غذا را اصلاح کرد و به آن اجازه داد تحویل غذا و امکانات پزشکی را برای یک دوره موقت شش ماهه از سر بگیرد. کارگزاری‌های تخصصی ملل متحد نیز کمک‌های اضطراری فراهم کردند.

هیات یاری ملل متحد. شورای امنیت با قطعنامه ۱٤۸۳ همچنین تحریم‌های بین‌المللی را لغو کرد و مبنایی حقوقی برای سازمان ملل فراهم ساخت تا فعالیت‌ها را در عراق از سر بگیرد. شورا تصویب کرد سازمان ملل باید نقشی حیاتی در زمینه امداد بشردوستانه، بازسازی عراق، و اعاده و ایجاد نهادهای دولت انتخابی ایفا کند. دبیرکل ۲۷ مه سرجیوویرادملو را به عنوان نماینده ویژه خود برای عراق تعیین کرد.

شورای امنیت با قطعنامه ۱۵۰۰ مورخ ١٤ اوت ۲۰۰۳ **هیات یاری سازمان ملل برای عراق** را برای یک دوره ۱۲ ماهه تشکیل داد. ماموریت این هیات، هماهنگی کمک‌های بشردوستانه و بازسازی و یاری به فرآیند سیاسی بود که در نهایت می‌بایست به ایجاد دولت مستقل عراق که از شناسایی بین‌المللی برخوردار باشد، منجر شود. شورا همچنین از تشکیل شورای حاکم عراق استقبال کرد. این شورا نهادی متشکل از نمایندگان عراق بود که ژوییه تشکیل شد و به عنوان گامی مهم به سوی تشکیل دولتی مستقل و منتخب با استقبال شورای امنیت مواجه شد.

مقر سازمان ملل در بغداد چند روز بعد یعنی ۱۹ اوت ۲۰۰۳ هدف حمله‌ای تروریستی قرار گرفت که منجر به کشته شدن ۲۲ نفر و جراحت بیش از ۱۵۰ نفر دیگر شد پانزده تن از کشته‌ها کارمند سازمان ملل، از جمله سرجیوویرادملو، رئیس هیات و نماینده ویژه دبیرکل، بودند.

دبیرکل پس از این حمله بیشتر کارکنان بین‌المللی سازمان ملل را از بغداد خارج کرد و فقط گروه کوچکی را برای ارائه یاری‌های ضروری بشردوستانه باقی گذاشت. سازمان ملل از داخل و خارج عراق به انجام فعالیت‌های امدادی، از جمله تحویل غذا، آب و مراقبت بهداشتی در سراسر کشور، با اتکای بیشتر بر کارکنان عراقی خود، ادامه داد.

دبیرکل همچنین هیاتی مستقل از کارشناسان – به ریاست مارتی اهتیساری، رئیس جمهور سابق فنلاند و معاون پیشین دبیرکل سازمان ملل – را برای بررسی تدابیر ایمنی اتخاذ شده پیش از ۱۹ اوت ۲۰۰۳ و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود نظام امنیتی کارکنان سازمان ملل در عراق و محیط‌های پرخطر مشابه منصوب کرد. در گزارش این هیات گفته شده بود شیوه مدیریت امنیت سازمان ملل نیاز به اصلاح دارد.

دبیرکل دسامبر ۲۰۰۳ راس مانتین را به عنوان قائم مقام نماینده ویژه خود و رئیس هیات یاری ملل متحد برای عراق تعیین کرد تا با گروهی که به صورت موقت در قبرس، اردن و کویت مستقر شده بود، همکاری کند. فعالیت این گروه بر هماهنگی و اجرای فعالیت‌های امدادی، بازپروری و بازسازی سازمان ملل و برنامه‌ریزی برای استقرار مجدد نهایی در عراق متمرکز بود.

تحولات سیاسی و نقش ملل متحد. شورای امنیت با قطعنامه ۱۵۱۱ مورخ ۱٦ اکتبر ۲۰۰۳ به نیروی چند ملیتی تحت فرماندهی متحد اجازه داد همه تدابیر لازم را برای مساعدت به حفظ امنیت و ثبات در عراق، و همچنین مساعدت به امنیت هیات یاری‌سازمان ملل برای عراق، شورای حاکم عراق و سایر نهادهای حکومت موقت عراق انجام دهد. شورای حاکم عراق و نهاد ائتلافی موقت، ۱۵ نوامبر درباره اعاده حاکمیت در ۳۰ ژوئن ۲۰۰٤، و درباره جدول زمانی برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات به توافق رسیدند. دبیرکل ۱۵ ژانویه ۲۰۰٤ اخضرابراهیمی فرستاده ارشد در حال کناره‌گیری خود در افغانستان را به عنوان مشاور ویژه خود برگزید. دبیرکل به دنبال تقاضاهای شورای حاکم عراق و پل‌برمر، رئیس نهاد ائتلافی موقت، برای کمک سازمان ملل در امر انتقال حاکمیت و برگزاری انتخابات ملی آینده، گروهی را برای کمک به انتخابات به ریاست کارینا‌پرلی به عراق فرستاد تا ارزیابی کند برای انجام انتخابات معتبر تا ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ چه کاری باید انجام شود. او همچنین از ابراهیمی و همکاران وی خواست به عراق بازگردند و برای تدارک انتقال سیاسی آینده با مردم این کشور کار کنند.

مشاور ویژه ٤ آوریل به عراق رسید و مشورت‌هایی گسترده را با طیفی وسیع از جامعه عراق، از جمله شورای حاکم، سازمان‌های غیردولتی، مدا فعان حقوق بشر، دانشگاهیان، نمایندگان اتحادیه‌های صنفی و کارگری، نمایندگان ارشد معلمان و گروه‌های کشاورز، روشنفکران، دانشجویان و رهبران جنبش زنان عراق شروع کرد. وی همچنین به مشورت‌های ویژه با اعضای نهاد ائتلافی موقت ادامه داد.

ابراهیمی پس از بازگشت به نیویورک، ۲۷ آوریل در شورای امنیت گفت قصد دارد مذاکره با عراقی‌ها را به منظور رسیدن به توافق درباره ترکیب دولت موقت برای جانشینی نهاد ائتلافی موقت به رهبری ایالات متحده، تا پایان مه ادامه دهد. مذاکرات با وجود سوءقصد به عزالدین سلیم رئیس شورای حاکم در ۱۷ مه، ادامه یافت و شورا ۲۸ مه تصمیم گرفت ایاد علاوی را به عنوان نامزد نخست وزیری عراق معرفی کند.

مشاور ویژه، اول ژوئن اعلام کرد شیخ غازی الیاور، رئیس جدید شورای حاکم، رئیس جمهور دولت موقت خواهد بود که قرار است پایان همان ماه قدرت را در دست گیرد. شورای امنیت، ۸ ژوئن به اتفاق آرا با تصویب قطعنامه ۱۵٤٦ از تشکیل دولت موقت جدید حمایت کرد. شورا همچنین تصمیم گرفت ماموریت نیروی چند ملیتی به رهبری آمریکا، به تقاضای دولت عراق یا ۱۲ ماه از تاریخ قطعنامه ۱۵٤٦ رسیدگی شود، و ماموریت آن به محض برگزاری انتخابات مستقیم ملی – در صورت امکان تا ۳۱ دسامبر، و به هر صورت تا قبل از ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ – منقضی خواهد شد. شورا همچنین اعلام کرد در صورت تقاضای دولت عراق، ماموریت نیروی چند ملیتی را زودتر لغو خواهد کرد.

حاکمیت، ۲۸ ژوئن ۲۰۰٤، یعنی دو روز پیش از موعد اعلام شده، به صورت رسمی از نهاد ائتلاف موقت به دولت موقت جدید عراق انتقال داده شد.

هند – پاکستان

سازمان ملل به رسیدگی به اختلاف چند دهه‌ای بین هند و پاکستان بر سر کشمیر ادامه داده است. این موضوع به دهه ۱۹٤۰ بر می‌گردد که ایالت جاموو‌کشمیر، از ایالات شاهزاده نشین بود که براساس طرح تقسیم و قانون استقلال ۱۹٤۷ هند مختار بود تا به هند یا پاکستان بپیوندد. مهاراجه هندوی جامو و کشمیر که بیشتر مردم آن مسلمان بودند، سندالحاق ایالت خود را به هند در ۱۹٤۷ امضا کرد.

شورای امنیت نخست در ۱۹٤۸، پس از شکایت هند از این که افراد قبایل و سایرین، با حمایت و مشارکت پاکستان، به جاموو‌کشمیر حمله کرده‌اند و جنگ جریان دارد، در این باره بحث کرد. پاکستان این اتهام‌ها را حاشا و الحاق جاموو‌کشمیر به هند را غیرقانونی اعلام کرد.

شورا تدابیری، از جمله استفاده از ناظران نظامی سازمان ملل، برای توقف جنگ پیشنهاد کرد و کمیسیون ملل متحد برای هند و پاکستان را تشکیل داد که پیشنهادهایی برای آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها ارائه داد و پیشنهاد کرد درباره این موضوع از طریق همه‌پرسی و مراجعه به آرای عمومی تصمیم گرفته شود. دو طرف پذیرفتند اما نتوانستند درباره روش اجرای همه‌پرسی توافق کنند. **گروه ناظر نظامی ملل متحد در هند و پاکستان** از سال ۱۹٤۹ بر اساس موافقت نامه آتش‌بس که بین هند و پاکستان در کراچی به امضا رسید، مستقر بوده تا بر خط آتش بس در جاموو‌کشمیر نظارت کند.

طرفین پس از امضای موافقت نامه ای در ۱۹۷۲ متعهد شدند اختلاف‌ها را با مسالمت حل کنند. اما در طول سال‌ها تنش ادامه یافت. امید شکستن این بن‌بست دیرپا، آوریل ۲۰۰۳، به وجود آمد که نخست‌وزیر هند و رئیس جمهور پاکستان گام‌های متقابلی به منظور کاهش تنش‌ها و اصلاح روابط دو جانبه برداشتند. با ادامه این جریان، دبیرکل اظهار امیدواری کرد عادی سازی روابط دیپلماتیک و از سرگیری ارتباط‌ها از طریق خط‌آهن ، جاده و هوا، و همچنین سایر تدابیر در زمینه اعتماد سازی که به وسیله دو طرف انجام می‌شد، به از سرگیری گفت و گوهای پایدار منجر شود.

پاکستان پیشنهاد کرد از ۲۵ نوامبر، مصادف با شروع جشن عید فطر، در امتداد خط کنترل در جاموو‌کشمیر، یک جانبه آتش بس کند و هند پاسخ مثبت داد. دبیرکل از دو کشور خواست با بردباری و اراده به تلاش ادامه دهند. این تدابیر در نهایت به دیدار روزهای ٤ و۵

ژانویه بین اتال بیهاری و اجپایی نخست وزیر هند و پرویز مشرف رئیس جمهور و ظفرالله خان جمالی نخست‌وزیر پاکستان در اسلام‌آباد منتهی شد.
دبیرکل با ستایش از دو رهبر، گفت روابط بهتر بین دو کشور نه فقط از حیث کاهش تنش‌های سیاسی بلکه همچنین از حیث اقتصادی و اجتماعی فواید بسیاری برای کل منطقه جنوب آسیا خواهد داشت. وی به دو طرف تاکید کرد به تلاش ادامه دهند به این امید که اجلاس سران، انگیزه‌ای تازه برای گفت‌و گوی مداوم و جدی به وجود آورد.

تاجیکستان

تاجیکستان پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در سال ۱۹۹۱ مستقل شد اما کمی بعد با بحران اجتماعی و اقتصادی، تنش‌های منطقه‌ای و سیاسی مواجه شد و اختلاف‌ها بین سکولاریست‌ها و سنت‌گراهای طرفدار اسلام کشور را به دام جنگ داخلی انداخت. مذاکرات تحت نظر نماینده ویژه دبیرکل در سال ۱۹۹٤ به موافقت نامه آتش بس منجر شد؛ شورای امنیت **هیات ناظران ملل متحد در تاجیکستان** را برای کمک به نظارت بر آتش بس تشکیل داد.
مذاکرات تحت نظارت سازمان ملل در ۱۹۹۷ به موافقت نامه صلح منتهی شد. هیات ناظران، با همکاری نزدیک نیروی حفظ صلح کشورهای مستقل مشترک المنافع و هیاتی از سازمان امنیت و همکاری در اروپا، به اجرای موافقت نامه صلح کمک کرد. نخستین انتخابات پارلمانی چند حزبی این کشور فوریه ۲۰۰۰ برگزار شد. هیات ناظران ماه مه از تاجیکستان خارج شد و سازمان ملل برای تحکیم صلح و پشتیبانی از دموکراسی، دفتری برای برقراری صلح در این کشور ایجاد کرد.

کامبوج

کامبوج پیش از اجرای موافقت نامه های صلح ۱۹۹۱ پاریس که با میانجیگری سازمان ملل امضا شد در حالت مناقشه شدید داخلی و انزوای نسبی از بیشتر جهان قرار داشت. این کشور از زمان رهایی از استعمار فرانسه در دهه ۱۹۵۰ نه فقط از عوارض جنگ دهه‌های ۱۹٦۰ و ۱۹۷۰ در ویتنام، بلکه همچنین از مناقشات ویرانگر داخلی و رژیم به شدت استبدادی مخرب پل پوت رنج برده است. در دوره حکومت رژیم «خمرسرخ» از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ نزدیک به دو میلیون نفر بر اثر قتل، بیماری یا گرسنگی نابود شدند.
کامبوج سال ۱۹۹۳ با کمک **نهاد انتقالی ملل متحد در کامبوج**، نخستین انتخابات دموکراتیک خود را برگزار کرد. سازمان ملل به وسیله کارگزاری‌ها و برنامه‌های خود از دولت کامبوج برای تقویت آشتی و توسعه حمایت کرده است. دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، که از کار نماینده ویژه دبیرکل برای حقوق بشر در

کامبوج نیز حمایت می‌کند، به کمک به دولت و مردم کامبوج بـرای تـرویج و پشـتیبانی از حقوق بشر، که پایه‌های حکومت قانون و توسعه دموکراتیک در هر کشوری اسـت، ادامـه می‌دهد.

پس از مذاکرات طولانی بین دولت کامبوج و سازمان ملـل، در سـال ۲۰۰۳ موافقـت نامـه صلحی منعقد شد که در آن پیش‌بینی شده بود سازمان ملل به این کشـور بـرای تشـکیل و اداره دادگاهی ویژه به منظور محاکمه جنایات مرتکب شده در طول دوره خمرهـای سـرخ کمک کند. مجمع عمومی این موافقت نامه را تصویب و ٦ ژوئـن ۲۰۰۳ امضـا کـرد. ایـن موافقت نامه باید به تصویب مجمع ملی کامبوج برسد. گـروه ارزیـابی فنـی سـازمان ملـل دسامبر ۲۰۰۳به پنوم‌پن رفت تا درباره مفهوم عملیات و جزییات فنی دادگاه فوق با دولـت این کشور کار کند.

بوگین‌ویل/ گینه جدید پاپوآ

دولت گینه جدید پاپوآ و رهبران بوگین ویل اوایل ۱۹۹۸ پس از یک دهه مناقشه مسـلحانه درباره موضوع استقلال برای جزیره بوگین‌ویل، موافقت نامه لینکلن را منعقـد کردنـد، کـه چارچوب فرآیند صلح را به وجود آورد. بر اساس این موافقت نامه، گروه منطقـه‌ای بـرای نظارت بر آتش بس، با ناظرانی از استرالیا، نیوزیلند، فیجی و وانوآتو، به گـروه نظـارت بـر صلح تغییر یافت.

بر اساس موافقت نامه لینکلن، دولت گینه جدید پاپوآ خواهان تاییـد ایـن موافقـت نامـه و همچنین انتصاب هیات ناظر کوچک سازمان ملل از طرف شورای امنیـت بـود و آن را بـه دست آورد. **دفتر سیاسی ملل متحد در بوگین ویل**، نخستین هیات سیاسی سازمان ملل در جنوب اقیانوس آرام، اول اوت ۱۹۹۸ فعالیت خود را آغاز کرد.

دفتر سیاسی قرار بود برای نظارت بر اجرای موافقت نامه فوق با گـروه نظـارت بـر صـلح همکاری کند و همچنین ریاست کمیته مشورتی فرآیند صلح را – نهادی که اختیـار داشـت درباره تمامی جنبه‌های آتش‌بس مشورت کند، برنامه‌هایی برای تسـلیم و انهـدام سـلاح‌هـا تدوین کند، آگاهی و درک عمومی را از فرآیند صلح افزایش دهد و در سایر حوزه‌ها کمک کند – به عهده بگیرد. این کمیته از نمایندگانی از طرفین مناقشه، دفتر سیاسی ملل متحـد و اعضای گروه نظارت بر صلح تشکیل شده بود.

طرفین در پی بیش از دو سال مذاکره بـا ریاسـت و کمـک دفتـر سیاسـی، ۳۰ اوت ۲۰۰۱ موافقت نامه صلح بوگین ویل را امضا کردند که برنامـه تسـلیم و انهـدام سـلاح‌هـا، خـود مختاری و انجام همه پرسی را پیش‌بینی کرده بود. دفتر سیاسی، ریاست نظـارت بـر طـرح تسلیم و انهدام سلاح‌ها را به عهده گرفت. تکمیل مرحله دوم این طرح، چنان که بـه تاییـد

دفتر سیاسی رسید، راه را برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی بوگین ویل و همچنین تدارک برای انتخاب دولت خود مختار بوگین ویل هموار کرد.
تا پایان ۲۰۰۳ در شرایطی که این جزیره به سمت خودمختاری حرکت می‌کرد ثبات آن مدام افزایش می‌یافت. سازمان ملل در واکنش به افزایش ثبات در بوگین‌ویل، اول ژانویه ۲۰۰٤ دفتر سیاسی را با هیات کوچکتری یعنی **هیات ناظر ملل متحد در بوگین‌ویل** جایگزین کرد.

اروپا

قبرس

نیروی حفظ صلح ملل متحد در قبرس برای جلوگیری از تکرار جنگ بین جوامع ترک و یونانی و کمک به حفظ و اعاده قانون و نظم و بازگشت به شرایط عادی سال ۱۹٦٤ تشکیل شد.
کودتای یونانی‌های قبرس و عناصر یونانی طرفدار اتحاد قبرس با یونان در ۱۹۷٤، با مداخله نظامی ترکیه و تقسیم عملی این جزیره دنبال شد. نیروی حفظ صلح از سال ۱۹۷٤ بر آتش بسی عملی که از ۱٦ اوت ۱۹۷٤ به اجرا درآمد، نظارت و منطقه حائلی را بین خطوط گارد ملی قبرس و نیروهای ترکیه و قبرسی‌های ترکیه حفظ کرده است. نیروی حفظ صلح، تا یافتن راه‌حل سیاسی به حضور در این جزیره ادامه می‌دهد.
دبیرکل در جست و جوی راه حلی فراگیر از نفوذ شخصی خود استفاده و مذاکرات همجواری بین دو رهبر را در ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ میزبانی کرده است. این مذاکرات با گفت وگوهای مستقیم و فشرده از ژانویه ۲۰۰۲ پیگیری شد. وی ماه نوامبر پیشنهادی فراگیر به منظور کاهش اختلاف‌ها بین آنان ارائه داد. اما رسیدن به توافق به وسیله دو رهبر برای ارائه پیشنهاد فوق به منظور همه‌پرسی در هر طرف جزیره به موقع ممکن نشد تا امکان امضای پیمان الحاق به اتحادیه اروپا (۱٦ آوریل) به وسیله قبرس متحد فراهم شود.
این مذاکرات مارس ۲۰۰۳ متوقف شد. مسئولان قبرس ترکیه از آوریل شروع به گشودن نقاط عبور برای سفر قبرسی‌های یونانی به شمال و قبرسی‌های ترکیه به جنوب، برای نخستین بار در نزدیک به سه دهه، کردند. شورای امنیت، در شرایطی که مهندسان سازمان ملل برای اصلاح جاده‌ها کار می‌کردند، با افزایش پرسنل پلیس غیرنظامی نیروی حفظ صلح سازمان برای تضمین عبور امن و منظم مردم و وسایل نقلیه موافقت کرد. تا ۲ نوامبر حدود دومیلیون نفر از این مرزها عبور کرده بودند.
دبیرکل از ابتکار جدید استقبال اما تاکید کرد این کار نمی‌تواند جای راه حلی کامل را بگیرد. رهبر قسمت یونانی قبرس و رهبر قسمت ترکیه‌ای قبرس – همراه با نمایندگان کشورهای تضمین کننده یعنی یونان، ترکیه و انگلیس – ۱۰ فوریه ۲۰۰٤ مذاکرات را بر

مبنای پیشنهادهای مشروح دبیرکل در نیویورک از سر گرفتند. هدف، تسلیم متنی تکمیل شده برای همه‌پرسی در آوریل – یعنی در فرصت مناسب برای الحاق قبرس متحد به اتحادیه اروپا در اول مه – بود.

دبیرکل، پس از شش هفته مذاکره بی‌حاصل، قدم پیش گذاشت تا «راه حل جامع مساله قبرس» را – که خواهان ایجاد جمهوری متحد قبرس متشکل از یک کشور قبرسی یونانی و یک کشور قبرسی ترکیه‌ای است که به وسیله دولتی فدرال با هم مرتبط می‌شوند – تکمیل کند. ٢٤ آوریل، ٧٦ درصد رای دهندگان در همه‌پرسی قبرس یونانی با این طرح مخالفت و ٦٥ درصد رای‌دهندگان در همه‌پرسی قبرس ترکیه‌ای از آن حمایت کردند.

این طرح، بدون تصویب دو جامعه، شکست خورد و قبرس اول مه به عنوان جزیره‌ای تقسیم شده و نظامی شده وارد اتحادیه اروپا شد. با وجود این، موفقیت‌های زیادی از طریق مذاکره حاصل شده بود. الوارودسوتو، مشاور ویژه دبیرکل برای قبرس، ٨ ژوئن ٢٠٠٤ در شورای امنیت بر ضرورت درک بهتر دلیل رد این طرح به وسیله یونانی‌های قبرس تاکید کرد. «به علاوه لازم است بدانیم چگونه طرف یونانی قبرس به آینده می‌نگرد.» در این شرایط، ماموریت میانجیگری دبیرکل متوقف شد.

گرجستان

روابط بین‌آبخازها و گرجی‌ها دهه‌ها متشنج بوده است. تلاش‌های تازه مسئولان محلی در آبخازیا (منطقه شمال غربی گرجستان) سال ١٩٩٠ برای جدا شدن از گرجستان، که سال ١٩٩١ مستقل شد، در سال ١٩٩٢ به صورت مجموعه مناقشات مسلحانه، شدت یافت. صدها نفر مردند و حدود ٣٠,٠٠٠ نفر به فدراسیون روسیه گریختند. فرستاده دبیرکل، که سال ١٩٩٣ منصوب شد، شروع به میانجیگری بین طرفین کرد و کمی بعد در همان سال موافقت نامه آتش بس منعقد شد.

شورای امنیت **هیات ناظر ملل متحد در گرجستان** را تشکیل داد تا اطاعت طرفین را تایید کند. اما درگیری از سر گرفته و به جنگ داخلی تبدیل شد. طرفین سال ١٩٩٤ طی دیداری در مسکو، درباره آتش‌بس جدید با نظارت نیروی حفظ صلح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به توافق رسیدند. هیات ناظر سازمان بر اجرای این موافقت نامه و عملیات این نیرو نظارت می‌کند.

نمایندگان ویژه متعدد دبیرکل در طول سال‌ها با طرفین مذاکره کرده و شورای امنیت بر ضرورت راه حلی جامع تاکید کرده است. اما موضوع سیاسی اصلی، یعنی موقعیت آینده

آبخازیا در داخل کشور گرجستان، هنوز حل نشده است. سازمان ملل و کشورهای علاقه‌مند تلاش می‌کنند مذاکرات بین طرفین را به پیش ببرند.

منطقه بالکان

یوگسلاوی سابق . جمهوری فدرال سوسیالیست یوگسلاوی از اعضای بنیانگذار سازمان ملل متحد بود. دو جمهوری این فدراسیون یعنی اسلوونی و کرواسی سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال کردند. صرب‌های کرواسی با حمایت ارتش ملی با این اقدام مخالفت کردند و بین صربستان و کرواسی جنگ در گرفت. شورای امنیت در واکنش، یوگسلاوی را تحریم تسلیحاتی کرد و دبیرکل برای حمایت از تلاش‌های صلح جامعه اروپا، فرستاده‌ای شخصی منصوب کرد.

شورای امنیت به منظور ایجاد شرایط برای حل بحران، سال ۱۹۹۲ **نیروی حفاظت ملل متحد** را، ابتدا در کرواسی، تشکیل داد. اما جنگ به بوسنی و هرزگوین، که اعلام استقلال کرده بودند – اقدامی که کروات‌ها و مسلمانان بوسنی از آن حمایت اما صرب‌های بوسنی با آن مخالفت کرده بودند – گسترش یافت. ارتش‌های صرب و کرواسی مداخله کردند و شورا، جمهوری فدرال یوگسلاوی را که در آن زمان متشکل از صربستان و مونته‌نگرو بود، تحریم اقتصادی کرد.

جنگ شدت یافت و بزرگترین بحران پناهندگان اروپا از زمان جنگ جهانی دوم به وجود آمد. شورای امنیت، در مقابل گزارش‌های گسترده درباره «پاکسازی قومی» در سال ۱۹۹۳ برای نخستین بار دادگاهی بین‌المللی برای تعقیب جنایات جنگی تشکیل داد. شورا همچنین مناطقی خاص را در تلاش برای دور نگهداشتن و محافظت آنها از جنگ «مناطق امن» اعلام کرد.

نیروی حفاظت می‌کوشید از تحویل کمک‌های بشردوستانه به بوسنی، و از شهر سارایوو، پایتخت آن و همچنین سایر «مناطق امن» حمایت کند. اما در حالی که فرماندهان حفظ صلح تقاضای ۳۵,۰۰۰ سرباز داشتند شورای امنیت فقط با ۷,٦۰۰ سرباز موافقت کرد. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای جلوگیری از حملات مداوم به سارایوو، سال ۱۹۹٤ به تقاضای دبیرکل با حملات هوایی موافقت کرد. نیروهای صرب بوسنی حدود ٤۰۰ ناظر نیروی حفاظت را بازداشت و از بعضی از آنان به عنوان «سپرهای انسانی» استفاده کردند.

جنگ سال ۱۹۹۵ گسترش یافت. کرواسی اقدام به حملات عمده به نواحی صرب‌نشین خود کرد. ناتو به بمباران سارایوو به وسیله صرب‌های بوسنی با حملات هوایی شدید پاسخ داد. نیروهای صرب بوسنی «مناطق امن» سربرنیتسا و زپا را تصرف کردند. آنان حدود ۷,۰۰۰ مرد و پسر غیرمسلح را در بدترین قتل عام در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم، در سربرنیتسا کشتند. دبیرکل در گزارشی در سال ۱۹۹۹ به اشتباهات سازمان ملل و کشورهای عضو در واکنش به

مبارزه پاکسازی قومی که در سربرنیتسا به اوج رسید، اذعان کرد و گفت رنج این فاجعه «برای همیشه در تاریخ ما باقی خواهد ماند.»
بین بوسنی و هرزگووین، کرواسی و یوگسلاوی در مذاکرات دیتون، اوهایو در ۱۹۹۵ توافق حاصل شد و به جنگ ٤٢ ماهه که در آن ۲۳۰ پرسنل سازمان ملل کشته شدند، خاتمه داده شد. شورای امنیت برای تضمین متابعت طرفین، با تشکیل نیروی اجرایی چند ملیتی ٦٠,٠٠٠ نفری به رهبری ناتو موافقت کرد.
شورای امنیت، نیروی ضربت پلیس بین‌المللی سازمان ملل را تشکیل داد که کمی بعد بخشی از **هیات ملل متحد در بوسنی و هرزگووین** شد. این هیات بازگشت پناهندگان و آوارگان را تسهیل، صلح و امنیت را تقویت، و به ایجاد نهادهای کشوری کمک کرد. شورا همچنین در ۱۹۹٦ **هیات ناظران ملل متحد در پرولاکا** را تشکیل داد تا بر غیرنظامی کردن شبه جزیره پرولاکا (Prevlaka) نظارت کند که منطقه‌ای حساس در کرواسی و مورد ادعای یوگسلاوی است. هیات ملل متحد در بوسنی و هرزگووین و هیات ناظران ملل متحد در پرولاکا کار خود را پایان سال ۲۰۰۲ تکمیل کردند.
کوزوو. جمهوری فدرال یوگسلاوی سال ۱۹۸۹ خود مختاری محلی در کوزوو را لغو کرد که استانی در یوگسلاوی جنوبی با اهمیت تاریخی برای صرب‌ها است و بیش از ۹۰ درصد مردم آن از قوم آلبانی هستند. آلبانیایی‌های کوزوو ضمن مخالفت با این تصمیم، در طلب حکومت بر خود، نهادها و اقتدار دولتی صربستان را تحریم کردند.
با شروع حملات ارتش آزادیبخش کوزوو، که سال ۱۹۹٦ با تقاضا برای شورش مسلحانه برای استقلال ایجاد شد، به مقام‌های صرب و آلبانیاهایی که با آنان همکاری می‌کردند، تنش‌ها افزایش یافت. مسئولان صرب با توقیف‌های دسته جمعی واکنش نشان دادند. پلیس صربستان مارس ۱۹۹۸که در ظاهر در جست و جوی اعضای ارتش آزادیبخش کوزوو به منطقه «درنیکا» حمله کرد، جنگ در گرفت. شورای امنیت، یوگسلاوی از جمله کوزوو را تحریم تسلیحاتی کرد اما اوضاع بدتر و جنگ علنی شد.
ناتو سپس در مارس ۱۹۹۹، به دنبال هشدارها به یوگسلاوی، و باتوجه به پیشینه تهاجم صرب‌ها به کوزوو، حملات هوایی به یوگسلاوی را شروع کرد. دبیرکل گفت غم‌انگیز است که دیپلماسی شکست خورده است. وی افزود اگر چه زمان‌هایی هست که «استفاده از زور در جست و جوی صلح ممکن است مشروع باشد»، شورای امنیت باید دراتخاذ تمامی این گونه تصمیم ها شرکت داشته باشد.
یوگسلاوی دست به تهاجمی بزرگ علیه ارتش آزادیبخش کوزوو زد و اخراج دسته جمعی آلبانیایی تبارها را از کوزوو آغاز کرد که موجب پناهندگی بی‌سابقه ۸۵۰,۰۰۰ نفر شد.

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان و سایر کارگزاری‌های بشردوستانه برای کمک به آنان به آلبانی و جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق رفتند.
یوگسلاوی در ژوئن طرح صلح پیشنهادی گروه هشت (هفت کشور صنعتی غربی و روسیه) را پذیرفت. شورای امنیت آن را تایید و به کشورهای عضو اجازه داد برای جلوگیری از خصومت‌ها، غیرنظامی کردن ارتش آزادیبخش کوزوو، و تسهیل بازگشت پناهندگان، نیرویی امنیتی تشکیل دهند. شورا از دبیرکل خواست حکومت غیرنظامی موقتی بین‌المللی ایجاد کند که مردم بر اساس آن بتوانند از خودمختاری و استقلال برخوردار شوند. نیروهای یوگسلاوی عقب‌نشینی کردند، ناتو بمباران‌ها را متوقف کرد، و نیروی ۵۰,۰۰۰ نفری چند ملیتی موسوم به **نیروی کوزوو** برای تامین امنیت وارد شد.
هیات حکومت موقت ملل متحد در کوزوو بلافاصله در محل مستقر شد. ماموریت این هیات از نظر پیچیدگی و دامنه بی‌سابقه بود. شورای امنیت، حاکمیت بر سرزمین و مردم کوزوو، از جمله کلیه اختیارات قانونگذاری و مجریه، و اداره قوه قضاییه را به هیات حکومت موقت تفویض کرد. هیات چهار رکن داشت: حکومت مدنی، تحت نظارت خود سازمان ملل؛ کمک بشردوستانه، به رهبری کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان؛ دموکراتیک سازی و نهادسازی، به رهبری سازمان امنیت و همکاری در اروپا؛ و بازسازی اقتصادی و توسعه، با مدیریت اتحادیه اروپا. این یک تلاش گروهی منحصر به فرد بود که چهار سازمان بین‌المللی را زیر چتر نظام ملل متحد دور هم آورد.
دست کم ۸٤۱,۰۰۰ نفر پناهنده از حدود ۸۵۰,۰۰۰ نفری که در طول جنگ فرار کردند، بازگشتند و اولویت نخست مجهز کردن آنان برای دشواری‌های زمستان آتی بود. هیات حکومت موقت با انجام این کار به پیشرفتی چشمگیر در مسیر عادی‌سازی زندگی و تضمین بازسازی اقتصادی طولانی مدت، نائل آمد. مقرراتی درباره مسایلی مانند انتصاب و برکناری قضات، بانکداری، صدور مجوز، تشکیل نهاد مالی مرکزی، و بودجه کوزوو وضع شد. هیات حکومت موقت همچنین باب گفت و گو با رهبران جوامع قومی را گشود، تاسیسات خدمات عمومی را بازسازی و مدارس را باز کرد.
ساختار حکومتی موقتی مشترکی با شرکت نمایندگان تمام گروه‌های قومی تشکیل شد. حدود ۳,۰۰۰ افسر پلیس هیات حکومت موقت، در سراسر این سرزمین مستقر شدند و نیروی پلیس کوزوو، از جمله با شرکت نمایندگان اقلیت، تشکیل شد. ارتش آزادیبخش کوزوو تا سپتامبر ۱۹۹۹ به طور کامل غیرنظامی شد و اعضای آن در جامعه مدنی ادغام شدند. یک کمیته مشترک در ماه‌های بعد بازگشت حدود ۲۱۰,۰۰۰ شهروند غیر آلبانیایی کوزوو را که از کوزوو عازم صربستان و مونته‌نگرو شده بودند، تسهیل کرد.

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان تا پایان ژوئن ۲۰۰۰ بـه تـدریج از حالـت رکن هیات حکومت موقت خارج شد اگر چه به حضور بسیار فعال خود در منطقـه ادامـه داد. هیات حکومت موقت در مه ۲۰۰۱ رکن جدیدی برای تقویت توانـایی‌هـای خـود در زمینه پلیس و دادگستری – که پیشتر تحت عنوان حکومت مدنی به آنها رسیدگی می‌شد – به وجود آورد. رکن جدید، «پلیس و دادگستری»، تحت رهبری مستقیم سازمان ملـل قـرار داشت.

دشواری امنیتـی اصـلی، همچنـان حمایـت از اقلیـت‌هـای غیـر آلبانیـایی بـود. بـا وجـود پیشرفت‌های چشمگیر، ارعاب، کشتار و خشـونت علیـه ایـن جمعیـت‌هـا ادامـه داشـت. اقلیت‌های قومی باقی مانده در مناطق جدا شـده، تحـت حمایـت نیـروی کـوزوو زنـدگی می‌کردند. هیات حکومت موقت، برای شکستن چرخـه مصـونیت از مجـازات، کـه عـدم کارآیی قوه قضاییه آن را تشدید می‌کـرد، شـروع بـه انتصـاب قاضـی‌هـا و دادسـتان‌هـای بین‌المللی کرد.

دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق آوریـل ۲۰۰۱ کیفـر خواسـت خـود علیـه اسلوبودان میلوسویچ رئیس جمهور یوگسلاوی سابق و چهار نفر دیگـر را بـرای ارتکـاب جنایت علیه بشریت، در جریان «حمله‌ای فراگیر علیه جمعیت غیرنظامی آلبانی تبار کوزوو»، تقدیم کرد. وی در ژوئن به دادگـاه فـوق انتقـال یافـت. شـورای امنیـت، سـپتامبر تحـریم تسلیحاتی جمهوری فدرال یوگسلاوی را لغو کرد. انتخابات سراسری کوزوو نوامبر برگزار شد و اعضای مجمع قانونگذاری ۱۲۰ عضوی آن انتخاب شدند. این مجمـع مـارس ۲۰۰۲ نخستین رئیس جمهور و نخست وزیر این استان را انتخاب کرد.

با این حال، برای ایجاد نهادهای موقتی دموکراتیک و ایجاد شرایط بـرای زنـدگی عـادی و آرام برای همه ساکنان، کارهای زیادی باید انجام می‌شد. رئیس هیات سـازمان ملـل در دو موقعیت مجبور شد نظر مجمع کوزوو را رد کند: یـک بـار بـرای تجـاوز کـردن از حـدود اختیارات خود درباره یک مساله مرزی؛ و بار دیگر برای ناکامی در حفظ حقوق اقلیـت‌هـا. شورای امنیت از این تصمیم‌ها حمایت کرد.

مقام‌های ارشد با نزدیک شدن به پایان سال ۲۰۰۳ اجرای تدابیری را به منظور آمـاده کـردن کوزوو، که به وسیله سازمان ملل اداره می‌شد، برای موقعیت نهایی آن آغاز کردند. از جمله این تدابیر برگزاری انتخابات آزاد، منصفانه و منظم؛ داشتن رسانه‌هـای آزاد؛ و ایجـاد نظـام حقوقی سالم و بی‌طرف بود. هیات حکومت موقت ۳۰ دسامبر کار انتقـال مسـئولیت‌هـای ویژه به نهادهای موقت محلی را تکمیل کرد. اما اختیارات ویژه، از جمله کنترل بـر امنیـت، روابط خارجی، حمایت از حقوق اقلیت‌ها، و انرژی را – تا تعیین موقعیت نهایی این استان – حفظ کرد.

خلع سلاح

(http://disarmament.un.org:8080)

از زمان تاسیس سازمان ملل متحد، هدف‌های چند جانبه خلع سلاح و محدود کردن تسلیحات از تلاش‌های اصلی آن برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده است. این سازمان بیشترین اولویت را برای کاهش، و در نهایت حذف سلاح‌های هسته‌ای، نابود کردن سلاح‌های شیمیایی و تقویت ممنوعیت سلاح‌های میکربی – که کلیه آنها بزرگترین تهدید برای بشر به شمار می‌روند – قائل شده است. در حالی که این هدف‌ها در طول سال‌ها ثابت مانده‌اند، دامنه مشورت‌ها و مذاکرات در شرایطی که واقعیات سیاسی و موقعیت و شرایط بین‌المللی متحول می‌شوند، در حال تغییر است.

جامعه بین‌المللی اینک در حال رسیدگی نزدیکتر به تکثیر بیش از حد و بی‌ثبات کننده سلاح‌های کوچک و اسلحه سبک است و برای مبارزه با کار گذاشتن فراوان مین‌های زمینی، یعنی پدیده‌هایی که بافت اقتصادی و اجتماعی جوامع را تهدید می‌کنند و غیرنظامیان را، که بسیاری از آنان زن و کودک هستند، می‌کشند و ناقص می‌کنند، تدارک دیده است. نیاز برای تعیین ضوابطی بر اساس مذاکرات چند جانبه علیه گسترش فن‌آوری موشک‌های بالیستیک، بقایای انفجاری جنگ، و تاثیر فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی بر امنیت بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

رویدادهای غم‌انگیز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، خطر بالقوه قرار گرفتن سلاح‌های کشتار جمعی در دست‌های تروریست‌ها را نشان داد. این حملات، اگر تروریست‌ها توانسته بودند به سلاح‌های شیمیایی، میکربی یا هسته‌ای دست بیابند و از آنها استفاده کنند، می‌توانست حتی عواقب نابود کننده‌تر داشته باشد. مجمع عمومی با اندیشه درباره این نگرانی‌ها، در پنجاه و هفتمین اجلاس خود در سال ۲۰۰۲ برای نخستین بار قطعنامه‌ای درباره تدابیر جلوگیری از دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی و وسایل و ابزارهای استفاده از آنها تصویب کرد و از کشورهای عضو خواست از تلاش‌های بین‌المللی برای رسیدن به این هدف حمایت کنند.

سازمان ملل علاوه بر نقش خود در خلع سلاح عملی و تایید پیروی از آن، نقشی اساسی در خلع سلاح چند جانبه از طریق کمک به کشورهای عضو در ایجاد معیارهای جدید و تقویت و تحکیم موافقت نامه های موجود ایفا می‌کند. یکی از موثرترین وسایل جلوگیری از استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های کشتار همگانی به وسیله تروریست‌ها، تقویت رژیم‌های چند جانبه است که برای ممنوع کردن این سلاح‌ها و جلوگیری از تکثیر آنها تدوین شده است.

موافقت نامه های چندجانبه خلع سلاح و نظارت بر تسلیحات

گاه شمار مقررات مهم بین‌المللی مربوط به خلع سلاح و نظارت بر تسلیحات که از طریق مذاکره در مجامع چند جانبه و منطقه‌ای منعقد شده عبارتند از:

• معاهده ۱۹۵۹ قطب جنوب: این قاره را غیرنظامی می‌کند و آزمایش هر نوع سلاح را در قطب ممنوع می‌کند.

• معاهده ۱۹۶۳ ممنوعیت آزمایش‌های سلاح هسته‌ای در جو زمین، ماورای جو و زیر آب (معاهده ممنوعیت نسبی آزمایش‌ها): آزمایش‌های هسته‌ای را فقط به محل‌های زیر زمینی محدود می‌کند.

• معاهده ۱۹۶۷ برای ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای در امریکای لاتین و کاراییب (معاهده Tlatelolco): آزمایش، استفاده، تولید، ذخیره سازی، یا به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای به وسیله کشورهای منطقه را ممنوع می‌کند.

• معاهده ۱۹۶۷ درباره اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشاف و استفاده از ماورای جو، از جمله کره ماه و سایر کرات آسمانی (معاهده فضای ماورای جو): مقرر می‌دارد که از فضای ماورای جو فقط برای مقاصد مسالمت‌آمیز استفاده شود و سلاح‌های هسته‌ای در ماورای جو قرارداده یا آزمایش نشوند.

• معاهده ۱۹۶۸ درباره عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (NPT): کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای موافقت می‌کنند هرگز به سلاح‌های هسته‌ای دست نیابند و، در مقابل، به آنان وعده دسترسی به انرژی هسته‌ای و کمک برای استفاده‌های مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای داده می‌شود. کشورهای دارای سلاح هسته‌ای قول می‌دهند درباره قطع مسابقه سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای مذاکره کنند و به هیچ طریق به انتقال سلاح‌های هسته‌ای به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای کمک نکنند.

• معاده ۱۹۷۱ درباره ممنوعیت استقرار سلاح‌های هسته‌ای در بستر دریا و اقیانوس و زیر خاک (معاهده بستر دریا): استقرار سلاح‌های هسته‌ای، یا هر سلاح کشتار جمعی در بستر دریا یا کف اقیانوس را ممنوع می‌کند.

• کنوانسیون ۱۹۷۲ درباره سلاح‌های میکربی: ساخت، تولید و ذخیره‌سازی عناصر میکربی و سمی را ممنوع می‌کند و نابودی چنین سلاح‌ها و وسایل استفاده از آنها را در نظر گرفته است.

• کنوانسیون ۱۹۸۰ درباره بعضی از سلاح‌های سنتی: بعضی از سلاح‌های سنتی را که به شدت زیانبار باشند یا تاثیرهای گسترده و همگانی داشته باشند، ممنوع می‌کند. پروتکل اول، سلاح‌هایی را ممنوع می‌کند که بر اثر انفجار آنها قطعاتی ایجاد می‌شوند که با اشعه ایکس در داخل بدن انسان قابل تشخیص نیستند. پروتکل دوم الحاقی (۱۹۹۵)، استفاده از بعضی از انواع مین، تله‌های انفجاری، و سایر وسایل را ممنوع می‌کند. پروتکل سوم، سلاح‌های آتش‌زا را ممنوع می‌کند. پروتکل چهارم استفاده از سلاح‌های لیزری کور کننده را ممنوع می‌کند.

• معاهده ۱۹۸۵ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای اقیانوس آرام جنوبی (معاهده را روتونگا): استقرار، اکتساب یا آزمایش وسایل انفجاری هسته‌ای و دفن مواد زائد هسته‌ای در این منطقه را ممنوع می‌کند.

• معاهده ۱۹۹۰ درباره نیروهای مسلح سنتی در اروپا: تعداد تسلیحات سنتی گوناگون در منطقه اقیانوس اطلس تا اورال را محدود می‌کند.

• کنوانسیون ۱۹۹۳ سلاح‌های شیمیایی: ساخت، تولید، ذخیره‌سازی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی را ممنوع و نابودی آنها را ایجاب می‌کند.

• معاهده ۱۹۹۵ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای جنوب شرقی آسیا (معاهده بانکوک): ساخت یا استقرار سلاح‌های هسته‌ای را در سرزمین‌های کشورهای عضو این معاهده ممنوع می‌کند.

• معاهده ۱۹۹۶ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای آفریقا (معاهده پلین دابا): ساخت یا استقرار سلاح‌های هسته‌ای را در قاره آفریقا ممنوع می‌کند.

• معاهده ۱۹۹۶فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای: هر نوع آزمایش انفجارهای هسته‌ای را در هر محیطی در سراسر جهان ممنوع می‌کند.

• کنوانسیون ۱۹۹۷ ممنوعیت مین: استفاده، ذخیره سازی، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر را ممنوع می‌کند و نابودی آنها را در نظر می‌گیرد.

(برای موقعیت تصویب این موافقت نامه ها به http://disarmament.un.org:8080/TreatyStatus.nsf نگاه

تشکیلات خلع سلاح

منشور ملل متحد مسئولیت اصلی برای رسیدگی به «اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات» را به مجمع عمومی می‌دهد (ماده ۱۱) . مجمع دو نهاد فرعی برای رسیدگی به مسائل خلع سلاح دارد: کمیته نخست (خلع سلاح و امنیت بین‌المللی)، که در جریان اجلاس عادی مجمع تشکیل جلسه می‌دهد و به کلیه مسائل خلع سلاح در دستور کار خود رسیدگی می‌کند؛ و کمیسیون خلع سلاح، نهادی تخصصی مشورتی که بر مسائل ویژه تمرکز می‌کند و هر سال سه هفته تشکیل جلسه می‌دهد.

کنفرانس خلع سلاح، تنها مجمع مذاکرات چند جانبه جامعه بین‌المللی برای انعقاد موافقت نامه های خلع سلاح است. این کنفرانس با موفقیت درباره کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و همچنین معاهده جامع ممنوعیت آزمایش هسته‌ای مذاکره کرد. چون کنفرانس به مسائلی رسیدگی می‌کند که با منافع امنیت ملی کشورها ارتباط پیدا می‌یابد، مطلقا بر اساس اجماع عمل می‌کند. کنفرانس فقط ٦٦ کشور عضو و رابطه‌ای منحصر به فرد با مجمع عمومی دارد. در حالی که کنفرانس مقررات خود را تعیین و دستور کار خود را تدوین می‌کند، توصیه‌های مجمع عمومی را مدنظر قرار می‌دهد و سالانه به آن گزارش می‌دهد. کنفرانس از ۱۹۹۷ نتوانسته به علت فقدان اجماع بین اعضا درباره یک برنامه کار اساسی درباره اولویت‌های خلع سلاح به توافق برسد.

کنید).

اداره امور خلع سلاح در دبیرخانه سازمان ملل تصمیم‌های مجمع را درباره مسائل خلع سلاح اجرا می‌کند. **موسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد** انجام تحقیقات مستقل درباره خلع سلاح و مسائل مربوط به آن، به ویژه مسائل امنیت بین‌المللی را به عهده می‌گیرد. **هیات مشورتی درباره مسائل خلع سلاح** به دبیرکل درباره مسائل مربوط به محدودیت سلاح‌ها و خلع سلاح نظر مشورتی می‌دهد، و به عنوان هیات امنای موسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد خدمت می‌کند و همچنین درباره اجرای پیشنهادهای **برنامه اطلاعات خلع سلاح سازمان ملل** مشورت می‌دهد.

سلاح‌های کشتار جمعی- سلاح‌های هسته‌ای

جامعه جهانی، از طریق تلاش‌های مداوم به موافقت نامه های چند جانبه متعددی به منظور کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای، جلوگیری از استقرار آنها در بعضی مناطق و محیط‌ها (مانند فضای ماورای جو و بستر اقیانوس‌ها)، محدود کردن تکثیر و خاتمه دادن به آزمایش آنها

موافقت نامه های دو جانبه

معاهده سال ۱۹۷۲ درباره محدود کردن سیستم‌های ضد موشک بالیستیک، تعداد سیستم‌های ضد موشک بالیستیک ایالات متحده و اتحاد شوروی را به یک سیستم برای هر کشور محدود کرد. موافقت نامه «تمایز» سال ۱۹۹۷ بین ایالات متحده و فدراسیون روسیه بین سیستم‌های ضد موشک بالیستیک با برد دور یا «استراتژیک» که ممنوع بودند، و سیستم‌های ضد موشک بالیستیک با برد کوتاه، یا «غیراستراتژیک» که ممنوع نبودند، تمایز قایل شد. عمر این پیمان از ۱۳ ژوئن ۲۰۰۲، که ایالات متحده از آن خارج شد، پایان یافت.

معاهده ۱۹۸۷ نیروهای هسته‌ای دارای برد متوسط و کوتاه ایالات متحده - اتحاد شوروی یک طبقه کامل از سلاح‌های هسته‌ای را حذف کرد که شامل کلیه موشک‌های کروز و بالیستیک مستقر در زمین با برد ۵۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر بودند. کلیه سلاح‌هایی که بر اساس مفاد این پیمان باید نابود می‌شدند تا پایان ۱۹۹۶ نابود شده بودند.

معاهده ۱۹۹۱ کاهش و محدود کردن سلاح‌های استراتژیک بین ایالات متحده - اتحاد شوروی (استارت یک) سقف ۶۰۰۰ کلاهک را در ۱۶۰۰ موشک هسته‌ای دور برد مستقر شده برای هر طرف تا ۲۰۰۱ تعیین کرد و به این ترتیب سطوح ذخیره ۱۹۹۱ را تا حدود ۳۰ درصد کاهش داد.

پروتکل ۱۹۹۲ لیسبون به استارت یک، فدراسیون روسیه، بلاروس، قزاقستان و اکراین را به عنوان کشورهای جانشین اتحاد شوروی، متعهد کرد از معاهده استارت یک اطاعت کنند؛ بلاروس، قزاقستان و اکراین قرار بود به عنوان کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای به معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای بپیوندند. این سه کشور تا ۱۹۹۶ کلیه سلاح‌های هسته‌ای را از خاک خود بر چیده بودند.

معاهده ۱۹۹۳ کاهش و محدود کردن سلاح‌های استراتژیک ۲ (استارت ۲) دو طرف را به کاهش تعداد کلاهک‌ها در موشک‌های هسته‌ای دور برد به ۳۵۰۰ موشک برای هر طرف تا ۲۰۰۳ متعهد کرد، و موشک‌های بالیستیک بین قاره‌ای مجهز به وسایل چندگانه ورود مجدد به جو زمین که مستقلا قابل هدفگیری هستند را، حذف کرد. موافقت نامه ای در سال ۱۹۹۷ ضرب‌الاجل نابود کردن سیستم‌های پرتاب - سیلوهای موشک، بمب‌افکن‌ها و زیر دریایی‌ها - را تا پایان ۲۰۰۷ تمدید کرد.

روسای جمهور فدراسیون روسیه و ایالات متحده ۲٤ مه ۲۰۰۲ با امضای معاهده کاهش سلاح‌های تهاجمی استراتژیک (SORT)، که به معاهده مسکو نیز شناخته می‌شود، با محدود کردن تعداد کلاهک‌های هسته‌ای استراتژیک مستقر شده خود به بین ۱۷۰۰ و ۲۲۰۰ موافقت کردند. این معاهده تا دسامبر ۲۰۱۲ معتبر خواهد بود و ممکن است با توافق طرفین تمدید شود یا جای خود را به موافقت نامه دیگری بدهد.

دست یافته است. با وجود این دستاوردها، سلاح‌های هسته‌ای و تکثیر آنها همچنان تهدیدی مهم برای صلح و چالشی عمده برای جامعه بین‌المللی است.

مسائل مورد علاقه در این زمینه شامل به ویژه نیاز به کاهش سلاح‌های هسته‌ای، حفظ قابلیت اجرای رژیم عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، و پیشگیری از ساخت و تکثیر موشک‌های بالیستیک و سیستم‌های دفاع موشکی است.

موافقت نامه های دو جانبه درباره سلاح‌های هسته‌ای. در حالی که تلاش‌های بین‌المللی برای مهار سلاح‌های هسته‌ای در مجامع گوناگون ادامه دارد، این موضوع به طور کلی درک شده است که قدرت‌های دارای سلاح هسته‌ای برای حفظ محیط امنیتی با ثبات بین‌المللی، مسئولیت ویژه دارند. دو قدرت بزرگ در طول جنگ سرد و پس از آن به توافق‌هایی دست یافتند که خطر جنگ هسته‌ای را به حد قابل توجهی کاهش داد.

موافقت نامه های چند جانبه درباره سلاح‌های هسته‌ای و عدم تکثیرآنها. *معاهده مربوط به عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای*، عمومی‌ترین معاهده در میان تمامی معاهدات چند جانبه خلع سلاح، نخستین بار سال ۱۹٦۸ برای امضا گشوده شد و سال ۱۹۷۰ به اجرا در آمد. معاهده عدم تکثیر، اساس رژیم جهانی عدم تکثیر هسته‌ای و مبنای ضروری برای پیگیری خلع سلاح هسته‌ای است. اعضای معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، در «کنفرانس بازبینی ۲۰۰۰» سندی نهایی را تصویب کردند که در آن کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای «با صراحت تعهد کردند... زرادخانه‌های هسته‌ای خود را به طور کامل حذف کنند.»

این کنفرانس موافقت کرد درباره توانایی‌های مربوط به سلاح هسته‌ای باید شفافیت فزاینده وجود داشته باشد و مدام از نقش سلاح‌های هسته‌ای در سیاست‌های امنیتی کاسته شود. مقدمات تشکیل کنفرانس بعدی بازبینی معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، در سال ۲۰۰۵، در دست انجام است. تصمیم جمهوری دموکراتیک خلق کره برای خروج از این معاهده در ژانویه ۲۰۰۳، نخستین تصمیم از این نوع از زمان اجرای این معاهده از ۳۳ سال پیش، باعث نگرانی شدید جامعه بین‌المللی است.
کشورهای عضو این معاهده برای تایید انجام تعهداتی که براساس آن تقبل کرده‌اند ملزم هستند تدابیر حفاظتی هسته‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بپذیرند. ۲۲۵ موافقت نامه مربوط به تدابیر حفاظتی در سال ۲۰۰۳ با ۱٤۰ کشور (و با تایوان، استان چین)، از جمله ۱۳٦ موافقت نامه جامع مربوط به تدابیر حفاظتی بر اساس معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، منعقد شد. علاوه بر معاهده عدم تکثیر، معاهده‌های Tlatelolco، راروتونگا، بانکوک و پلیندابا، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای را ملزم می‌سازند خواستار تدابیر امنیتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شوند.
اکثریت عظیمی از اعضای مجمع عمومی در سال ۱۹۹٦ *معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای* را تصویب کردند تا هر انفجار آزمایش هسته‌ای را در هر جا ممنوع کنند. تصویب این معاهده، که در اصل در سال ۱۹٥٤ پیشنهاد شد، چهار دهه طول کشید و ممنوعیت نسبی آزمایش‌ها را به همه محیط‌ها گسترش داد. معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای که در ۱۹۹٦ برای امضا گشوده شد هنوز به اجرا در نیامده است. از ٤٤ کشور فهرست شده در پیوست دوم آن، که پیش از اجرای معاهده تصویب آنها لازم است، ۱۲ کشور هنوز این سند را امضا یا تصویب نکرده‌اند. دبیرکل سازمان ملل در مقام خود به عنوان امانتدار این معاهده، سه کنفرانس درباره تسهیل اجرای معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای، در سال‌های ۱۹۹٦، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ تشکیل داد.

با مشارکت نزدیک به ۱۷۰ کشور امضا کننده در کمیسیون تدارکاتی مستقر در وین برای سازمان معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای، در دبیرخانه فنی موقتی، که در ۱۹۹۷ تشکیل شد، تدارکات در حال انجام است تا اطمینان حاصل شود در شروع اجرای این معاهده یک نظام نظارتی بین‌المللی برقرار شده باشد. موافقت نامه تنظیم رابطه بین سازمان ملل و کمیسیون تدارکاتی برای سازمان معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای در سال ۲۰۰۰ امضاء شد.

کنفرانس ایجاد تسهیل در امر اجرای معاهده فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای سپتامبر ۲۰۰۳ در وین تشکیل شد و اعلامیه‌ای را تصویب کرد که بر اهمیت ایجاد معاهده‌ای همگانی و کاملا قابل تایید به عنوان سندی مهم در همه جنبه‌های خلع سلاح و عدم تکثیر هسته‌ای تاکید می‌کرد.

مناطق عاری از سلاح هسته‌ای. در تحولی که منادی حرکتی جدید در زمینه کنترل منطقه‌ای سلاح‌ها شد، امضای *معاهده ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین و کاراییب* (معاهده Tlatelolco) برای نخستین بار منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در یک ناحیه پرجمعیت جهان به وجود آورد. با سپردن سند تصویب کوبا در ۲۰۰۲، منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آمریکای لاتین و کاراییب تحکیم و کلیه کشورهای منطقه را شامل شد.

از آن زمان سه منطقه دیگر ایجاد شده‌اند: در اقیانوس آرام جنوبی *(معاهده راروتونگا، ۱۹۸۵)*، جنوب شرقی آسیا *(معاهده بانکوک، ۱۹۹۵)* و آفریقا *(معاهده پلیندابا،۱۹۹۶)*. به علت وجود چنین معاهده‌هایی کل نیمکره جنوبی موقعیت عاری از سلاح هسته‌ای دارد. پنج کشور آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) سپتامبر ۲۰۰۲ به طور موقت درباره متن پیش‌نویس معاهده‌ای برای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای مرکزی توافق کردند. پیشنهادهایی نیز برای ایجاد منطقه‌های عاری از سلاح هسته‌ای در اروپای مرکزی و آسیای جنوبی، و همچنین برای منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه مطرح شده است. جامعه بین‌المللی مفهوم یک کشور به عنوان منطقه عاری از سلاح هسته‌ای را سال ۱۹۹۸ پذیرفت و آن هنگامی بود که مجمع عمومی از اقدام مغولستان دایر بر اعلام موقعیت عاری از سلاح هسته‌ای خود، حمایت کرد.

پیشگیری از تکثیر هسته‌ای. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تلاش‌های بین‌المللی برای پیشگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نقشی برجسته ایفا و به عنوان بازرس جهان برای انجام اقدام‌های ایمنی و تصویب تدابیر مربوط به برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی خدمت می‌کند.

بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس موافقت نامه های منعقده بـا کشـورها، بـه صورت منظم از تاسیسات هسته‌ای دیدن می‌کنند تـا سـوابق مربـوط بـه محـل‌هـای مـواد هسته‌ای را تایید، ابزارها و تجهیزات نظارتی و مراقبتی نصب شده به وسیله ایـن آژانـس را کنترل و فهرست‌های مربوط به مواد هسته‌ای را تایید کنند. این‌ها و سایر تدابیر حفاظتی در مجموع امکان تایید مستقل بین‌المللی را فراهم می‌سازند تا دولت‌ها از تعهدات خود نسبت به استفاده‌های مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای پیروی کنند.

۲۵۰ کارشناس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تایید اجرای ۲۲۹ موافقت نامه مربوط به تدابیر حفاظتی که در حال حاضـر در ۱٤٥ کشـور (و در تـایوان، چـین) اجـرا مـی‌شـوند، بازرسی‌های روزانه از محل در هر بخش از جهان، مجموعا حدود ۲٤۰۰ بازرسی حفـاظتی در سال، انجام می‌دهند. هدف آنان کسب اطمینان از این امر است مواد هسته‌ای که در ۹۰۰ تاسیسات هسته‌ای در حدود ۷۰ کشور نگهداری می‌شوند از مصارف مسالمت‌آمیز قـانونی به هدف‌های نظامی منحرف نشوند. آژانس به این ترتیب به امنیت بین‌المللی کمک می‌کند، و تلاش‌ها برای متوقف کـردن گسـترش سـلاح‌هـا را تقویـت و بـه سـمت دنیـایی فاقـد سلاح‌های هسته‌ای حرکت می‌کند.

انواع گوناگون موافقت نامه مربوط به تدابیر حفاظتی را می‌توان با آژانس بین‌المللی انـرژی اتمی منعقد کرد. موافقت نامه های در ارتباط با معاهده عدم تکثیر، *پروتکل نمونه اضافی به موافقت نامه های موجود مربوط به تدابیر حفاظتی*، و همچنین موافقت نامه های مربوط بـه *معاهده‌های* Tlatelolco، Pelindaba و *راروتونگا*، کشورهای فاقـد سـلاح هسـته‌ای را ملـزم می‌سازند کل فعالیت‌های مربوط به چرخـه سـوخت هسـته‌ای خـود را بـه عوامـل تـدابیر حفاظتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تسلیم کنند. دیگر موافقت نامه ها به تدابیر حفـاظتی در تاسیسات انفرادی مربوط می‌شوند. تدابیر حفاظتی آژانس بـین‌المللـی انـرژی اتمـی بـر اساس معاهده عدم تکثیر، بخش تفکیک ناپذیر رژیم بین‌المللی برای عدم تکثیـر هسـتند و نقشی اساسی در حصول اطمینان از اجرای این معاهده ایفا می‌کنند.

حذف خطر سلاح‌های شیمیایی و میکربی

شروع اجرای *کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی* ازسال ۱۹۹۷ تکمیل روندی بود کـه درسـال ۱۹۲۵ آغاز شد یعنی زمانی که پروتکل ژنو، اسـتفاده از سـلاح‌هـای گـاز سـمی را ممنـوع کـرد. ایـن کنوانسیون برای نخستین بار در تاریخ کنترل بین‌المللی سلاح‌ها، رژیمـی جـدی در زمینـه تاییـد بین‌المللی (شامل گردآوری اطلاعات درباره تاسیسات شیمیایی و بازرسی‌های معمـولی جهـانی) برای نظارت بر متابعت از تعهدات معاهده به وسیله کشورهای عضواین کنوانسیون ایجـاد کـرد. **سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی** که به این منظور در شهر لاهه، هلند تشکیل شد تـا اوت

سال۲۰۰۳ تقریبا ۱۵۰۰ مورد بازرسی در ٥٦ کشورعضو انجام داده بود. نابودی یا تغییر کاربری ۳۲ تاسیسات تولید سلاح‌های شیمیایی از ٦١ تاسیسات اعلام شده از طریق بازرسی‌های آن تایید شده است. نخستین اجلاس ویژه کنفرانس کشورهای عضو برای بازبینی عملیات کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی درسال ۲۰۰۳ تشکیل شد. موافقت نامه مربوط به ارتباط بین سازمان ملل و سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی سال ۲۰۰۰ به امضا رسید.

بر خلاف کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، کنوانسیون سلاح‌های میکربی سال ۱۹۷۲، که سال ۱۹۷۵ به اجرا در آمد، سازوکاری برای تایید در نظر نگرفته است. اما کشورهای عضو به عنوان اقدامی در زمینه اعتماد سازی هر سال اطلاعات مشروح درباره مطالبی مانند تاسیسات پرخطر تحقیقات میکربی خود، مبادله می‌کنند. پنجمین کنفرانس بازبینی کشورهای عضو کنوانسیون سلاح‌های میکربی، با توافق درباره برگزاری گردهمایی‌های سالانه کشورهای عضو و گردهمایی‌های کارشناسان در سه سال منتهی به کنفرانس بازبینی بعدی در سال ۲۰۰٦، به اجلاس سال ۲۰۰۲ خود پایان داد.

هدف این گردهمایی‌ها بحث و ترویج درک مشترک و اقدام موثر درباره موضوع‌های مربوط به تدابیر ملی برای اجرای کنوانسیون سلاح‌های میکربی، پاسخ بین‌المللی به استفاده ادعا شده از سلاح‌های میکربی و تحقیق درباره آن، نظارت بهتر بر بیماری‌های عفونی و مسری، و ضوابط و اصول رفتار برای دانشمندان است. همگانی کردن و اجرای کامل کنوانسیون سلاح‌های میکربی، و همچنین کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، و جلوگیری از تکثیر سلاح‌های میکربی و شیمیایی، وظیفه‌ای مهم برای جامعه بین‌المللی به شمار می‌رود.

تحولات در زمینه **تکثیر موشک‌های بالیستیک و دفاع‌های موشکی** همچنان منبع نگرانی برای بسیاری از کشورهای عضو بود. هیاتی از کارشناسان دولتی که به وسیله دبیرکل تشکیل شده بود سال ۲۰۰۲ برای نخستین بار در سطح بین‌المللی به این موضوع رسیدگی کرد و به این نتیجه رسید که این موضوع به بررسی بیشتر همه رویکردهای تعهد شده در سطوح ملی، دو جانبه، منطقه‌ای، و چند جانبه نیاز دارد.

سلاح‌های سنتی، اعتماد سازی و شفافیت

اسلحه کوچک، سلاح‌های سبک و خلع سلاح عملی. پس از پایان جنگ سرد جامعه بین‌المللی با فوران مناقشات بین کشوری در بسیاری از قسمت‌های جهان مواجه شد که سلاح‌های انتخابی آنها اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک بودند. این سلاح‌ها اگر چه علت ریشه‌ای مناقشه نیستند، خشونت را تشدید می‌کنند، استفاده از کودکان جنگجو را آسان می‌کنند، مانع از ارائه کمک بشردوستانه می‌شوند و بازسازی و توسعه پس از مناقشه را به تاخیر می‌اندازند. حدود ٤٠ تا ٦٠ درصد تجارت سلاح‌های کوچک جهان غیرقانونی است.

مبارزه علیه مین‌های زمینی

سازمان ملل از دهه ۱۹۸۰ مشغول رسیدگی به مسائل ناشی از میلیون‌ها مین‌زمینی مرگبار بوده که در بیش از ۶۰ کشور پراکنده‌اند. هر سال هزاران نفر - بیشتر کودکان، زنان و سالخوردگان - به وسیله این «قاتلان خاموش» ناقص یا کشته می‌شوند. در همین حال تولید مین‌های جدید همچنان در کشورهای گوناگون ادامه دارد.

به این مساله در *کنوانسیون سلاح‌های غیرانسانی* (۱۹۸۰)، که تحت نظارت سازمان ملل تهیه و در ۱۹۹۶ تقویت شد تا استفاده از مین را در مناقشات داخلی شامل شود و قابل تشخیص بودن همه مین‌ها را الزامی سازد، رسیدگی شده است. تلاش‌های مشترک گروهی از کشورهای عضو به انعقاد کنوانسیونی تاریخی درباره *ممنوعیت استفاده، انبار کردن، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و نابودی، ممنوعیت تولید، استفاده و صدور این سلاح‌ها* در سال ۱۹۹۷ منجر شد.

بخش اقدامات مربوط به مین در سازمان ملل به عنوان نقطه مرکزی برای اقدام در زمینه مین عمل کرده و کلیه فعالیت‌های کارگزاری‌ها، صندوق‌ها و برنامه‌های سازمان ملل را در رابطه با مین هماهنگ می‌کند. کار آن بر پاکسازی مین، آموزش، آگاهی درباره مین و کاستن از خطر آن، کمک به قربانیان، حمایت از حذف، و نابودی ذخایر آن متمرکز است. دولت‌ها به حد فزاینده‌ای از سازمان ملل می‌خواهند اجرای برنامه‌های پاکسازی مین را به عنوان بخشی از ماموریت‌های حفظ صلح، در خلال عملیات اضطراری بشردوستانه، و در پاسخ به مسائل طولانی مدت ناشی از مین‌های زمینی و مهمات منفجر نشده آغاز و بر اجرای آنها نظارت کند.

این فعالیت‌ها در چند کشور به شدت آلوده به مین در سراسر جهان در حال اجرا است. بخش خدمات مربوط به مین در سازمان ملل سال ۲۰۰۳ از اقدامات ضد مین در کشورها و مناطقی مانند افغانستان، جمهوری دموکراتیک کنگو، منطقه امنیتی موقت بین اتیوپی و اریتره، کوزوو (صربستان و مونته‌نگرو)، جنوب لبنان، سودان و جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق حمایت به عمل آورد (به www.mineaction.org نگاه کنید).

به این دلیل کنترل تکثیر سلاح‌های غیرقانونی، گامی ضروری در مسیر کنترل بهتر بین‌المللی، منطقه‌ای یا ملی بر تمامی جنبه‌های موضوع سلاح‌های کوچک است.

کشورهای عضو برای مهار انباشت بیش از حد و انتقال کنترل نشده این سلاح‌ها با حمایت مالی از دو مطالعه کارشناسی در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹، که تمرکز توجه به این موضوع را شروع کردند، دست به اقدام زدند. در نتیجه این مطالعات، برای نخستین بار کنفرانسی بین‌المللی درباره تجارت غیرقانونی اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک در همه جنبه‌های آن، در سال ۲۰۰۱ در سازمان ملل تشکیل شد. کنفرانس سازمان ملل، برنامه اقدامی با پیشنهادهایی برای اقدام در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی ارائه داد. اجلاس پیگیری کشورهای عضو برای ارزیابی این که این برنامه چگونه اجرا می‌شود در سال ۲۰۰۳ به این نتیجه رسید که برنامه اقدام شروع به نتیجه دادن کرده است. یک نتیجه این است که مذاکره درباره سندی بین‌المللی برای قادر ساختن کشورها به شناسایی و پیگیری اسلحه کوچک و سلاح‌های سبک غیرقانونی، به روشی قابل اعتماد و به موقع، از سال ۲۰۰٤ شروع شد.

مجمع عمومی سال ۱۹۹٦ از کشورهای علاقه‌مند دعوت کرد گروهی برای کمک به کشورهایی که با مشکلاتی در موقعیت‌های پس از مناقشه مواجه هستند، تشکیل دهند. این گروه کمی بعد ایجاد شد تا طرح‌های عملی خلع سلاح را، به ویژه آن گونه که به وسیله کشورهای گرفتار طراحی و آغاز شده، آزمایش و از آنها حمایت کند. دبیرکل در سال

۱۹۹۸ به توصیه این گروه صندوقی امانی ایجاد کرد که از طرح‌هایی مانند طرحی در آلبانی حمایت کرده است. در آلبانی مردم تشویق شدند سلاح‌ها را در برابر انگیزه‌های توسعه جامعه، داوطلبانه تسلیم کنند.

چون گسترش کنترل نشده سلاح‌های کوچک غیرقانونی بر جنبه‌های بسیاری از کار سازمان ملل – از کودکان تا بهداشت، پناهندگان و توسعه – اثر می‌گذارد ساز و کاری موسوم به «اقدام هماهنگ کننده درباره سلاح‌های کوچک» در سال ۱۹۹۸ به مرحله اجرا درآمد تا تضمین کند که نظام ملل متحد به جنبه‌های بسیار کنترل سلاح‌های کوچک به روشی هماهنگ شده رسیدگی می‌کند. تلاش فراگیر جهانی برای رسیدگی به بلای سلاح‌های کوچک نیز به وسیله جامعه مدنی آغاز شده و از طریق تحقیق، حمایت از اقدام ملی هماهنگ شده، و اعمال فشار سیاسی جهانی برای تدوین کنوانسیونی بین‌المللی درباره تجارت این سلاح‌ها ادامه دارد.

مین‌های ضد نفر. تکثیر روزافزون و استفاده همگانی از مین‌های زمینی ضد نفر در سراسر جهان عامل نگرانی ویژه بوده است. بازبینی *کنوانسیون سلاح‌های سنتی خاص* – همچنین موسوم به *کنوانسیون سلاح‌های غیرانسانی* – در سال ۱۹۹۵، پروتکل الحاقی دوم را به بار آورد که ۳ دسامبر ۱۹۹۸ به اجرا در آمد تا محدودیت‌ها درباره استفاده، انتقال و انواع خاص مین‌های زمینی (خود نابود شونده و قابل تشخیص و شناسایی) را تقویت کند. در حال حاضر ٦۹ کشور موظف به اجرای این پروتکل هستند.

گروهی از کشورهای همفکر که از آنچه واکنشی ناکافی به یک بحران جدی بشری به شمار می‌آورند، ناراضی بودند ، درباره موافقت نامه ای برای ممنوعیت کامل همه مین‌های زمینی ضد نفر – یعنی *کنوانسیون ممنوعیت استفاده، ذخیره، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و نابود کردن آنها (کنوانسیون ممنوعیت مین)*، به مذاکره پرداختند که در سال ۱۹۹۷ برای امضا گشوده و از اول مارس ۱۹۹۹ به اجرا در آمد. ۱۳٤ کشور تا دسامبر ۲۰۰۳ متعهد به آن شده بودند.

اجرای موفقیت‌آمیز این دو سند به نابودی ذخایر مین، پاکسازی مین در کشورهای آلوده به آن، و کمتر شدن قربانیان جدید منجر شده است. حدود ۹۳ کشور اینک به صورت رسمی عاری از مین هستند و ٤۱ کشور از ۵۵ کشور تولید کننده مین، تولید آن را متوقف کرده‌اند. کشورهایی که متعهد به هیچ یک از این اسناد نیستند، توقف موقت یک جانبه استفاده و انتقال مین‌های زمینی را اعلام کرده‌اند.

بقایای جنگ و مین‌های انفجاری، غیر از مین‌های زمینی ضد نفر در حالی که برای رسیدگی به مساله مین‌های زمینی ضد نفر گام‌های چشمگیری برداشته شده، غیر نظامیان بسیاری به وسیله سایر مهمات انفجاری کشته یا مجروح می‌شوند. این مهمات خطری بالقوه برای مردم از طریق تماس سهوی یا دستکاری عمدی، به ویژه اگر خطر به خوبی شناخته شده نباشد، به شمار می‌روند. بقایای جنگ و مین‌های انفجاری حتی به تعداد اندک می‌توانند باعث لطمات جدی شوند؛ حتی یک مین، اگر

در محل‌های حساس کار گذاشته شده باشد، می‌تواند باعث بسته شدن کامل جاده‌ها و مختل شدن فعالیت‌های عادی شود. همراه با سایر ویژگی‌های احتمالی بقایای انفجاری جنگ و مین‌ها، مانند شیوه‌های ضددستکاری و حداقل محتوای فلزی، تاثیر آنها بر انسان می‌تواند کاملا جدی باشد.

ظگروهی از کارشناسان دولتی کشورهای متعهد به کنوانسیون مربوط به سلاح‌های متعارف خاص، در حال حاضر در حال مذاکره برای تهیه سندی درباره تدابیر درمانی پس از مناقشه برای کاهش خطرهای ناشی از بقایای انفجاری جنگ، و بررسی مساله بقایای انفجاری جنگ و مین‌ها، غیر از مین‌های زمینی ضدنفر، به منظور ارزیابی مناسب‌ترین راه کاهش خطرهای ناشی از استفاده غیر مسئولانه از آنها هستند.

ثبت سلاح‌های متعارف. مجمع عمومی به منظور مساعدت به ایجاد اعتماد و امنیت بین کشورها در سال ۱۹۹۲ *ثبت سلاح‌های متعارف سازمان ملل* را تاسیس کرد. این توافق برای گزارش‌دهی داوطلبانه، دولت‌های شرکت کننده را قادر می‌سازد درباره صادرات و واردات هفت گروه از سیستم‌های عمده سلاح‌های متعارف یعنی کشتی‌های جنگی، از جمله زیر دریایی‌ها؛ تانک‌های جنگی؛ وسایل نقلیه جنگی زرهی؛ هواپیماهای جنگی؛ بالگردهای تهاجمی؛ توپ‌های دارای کالیبر بزرگ؛ و موشک‌ها و موشک اندازها، از جمله سیستم‌های دفاع هوایی قابل حمل به وسیله انسان که دارای برد کوتاه هستند، اطلاعات ارائه دهند. چنین اطلاعاتی سالانه به وسیله سازمان ملل به عنوان اسناد رسمی گردآوری و منتشر و همچنین از طریق وب سایت سازمان در دسترس همگان قرار داده می‌شوند. تاکنون، بیش از ۱۶۰ کشور یک بار یا بیشتر به مرکز ثبت گزارش داده‌اند.

ساز و کار جهانی دیگری که برای حمایت از شفافیت در مسائل نظامی طراحی شده سیستم *سازمان ملل برای گزارش دهی استاندارد شده هزینه‌های نظامی* است که در سال ۱۹۸۰ معرفی شد. این مرکز گزارش دهی داوطلبانه، هزینه‌های ملی پرسنل، عملیات و نگهداری، تهیه و ساخت، و تحقیق و توسعه نظامی را در بر می‌گیرد. تاکنون بیش از ۱۱۰ کشور حداقل یک بار به این مرکز گزارش داده‌اند

پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای ماورای جو. مسائل مربوط به فضای ماورای جو در مجامع بین‌المللی در دو مسیر جداگانه دنبال شده‌اند: مسائل مربوط به کاربردهای مسالمت‌آمیز فن‌آوری فضایی، و مسائل مربوط به پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در آن محیط. درباره این مسائل در مجمع عمومی، کمیته استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای ماورای جو و نهادهای وابسته به آن، و کنفرانس خلع سلاح بحث شده است. این بحث‌ها به انعقاد موافقت نامه های بین‌المللی مربوط به جنبه‌های صلح جویانه و نظامی استفاده از فضای ماورای جو مساعدت کرد.

نخستین اجلاس ویژه مجمع عمومی درباره خلع سلاح (۱۹۷۸) با توجه به اهمیت پیشگیری از نظامی کردن فضای ماورای جو، خواستار انجام مذاکرات بین‌المللی درباره این موضوع شد. کنفرانس خلع سلاح از ۱۹۸۲ در دستور کار خود موضوعی با عنوان «پیشگیری از مسابقه

تسلیحاتی در فضای ماورای جو» داشته، اما تاکنون به علت ادامه اختلاف‌ها درباره تعابیر بین اعضای آن پیشرفت چندانی در مذاکره درباره موافقت نامه ای چند جانبه، حاصل نشده است.

رابطه بین خلع سلاح و توسعه. مساله حمایت از پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، به ویژه برای کشورهای کمتر توسعه یافته، با استفاده از منابع آزاد شده از طریق خلع سلاح عمومی بر اساس نظام کنترل بین‌المللی، مدت‌ها بین کشورهای عضو مورد بحث بوده است. سرانجام، کنفرانسی بین‌المللی درباره رابطه بین خلع سلاح و توسعه در ۱۹۸۷ تشکیل شد. با توجه به تغییراتی که از آن زمان در اوضاع بین‌المللی ایجاد شده، گروهی از کارشناسان دولتی در ۲۰۰٤ – ۲۰۰۳ برای ارزیابی دوباره این رابطه دور هم گرد آمدند.

نگرش‌های منطقه‌ای به خلع سلاح. سازمان ملل از ابتکارهایی که در سطوح منطقه‌ای وزیر منطقه‌ای برای خلع سلاح انجام می‌شود، با حمایت از تدابیری برای امنیت و اعتمادسازی بین کشورها در مناطق، پشتیبانی می‌کند. سازمان همچنین در اجرای رهنمودها و پیشنهادها برای نگرش‌های منطقه‌ای به خلع سلاح مصوب کمیسیون خلع سلاح در سال ۱۹۹۳، به آنها کمک می‌کند. سازمان ملل برای حمایت از خلع سلاح منطقه‌ای با ترتیبات و سازمان‌های دولتی- مانند اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا، شورای مشارکت اروپا – آتلانتیک، اتحادیه کشورهای عرب، سازمان کشورهای آمریکایی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان امنیت و همکاری در اروپا، و پیمان ثبات برای اروپای جنوب شرقی- و همچنین با سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی کار می‌کند.

فعالیت‌های مربوط به اطلاعات و آموزش خلع سلاح. مجمع عمومی سال ۲۰۰۲ گزارشی از گروهی از کارشناسان را درباره آموزش خلع سلاح و عدم تکثیر تصویب و تایید کرد که آموزش خلع سلاح را بخشی یکپارچه از آموزش صلح و جنبه‌ای مهم از تعلیم هر شهروند برای مشارکت در زندگی مدنی می‌داند. سازمان ملل سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰٤ در مشارکت با «در خواست لاهه برای صلح» طرح آموزش صلح و مسائل مربوط به سلاح‌های کوچک به کودکان و جوانان را در چهار کشور (آلبانی، کامبوج، نیجر و پرو) به اجرا در آورد. مدیران، آموزگاران، و دانش‌آموزان مدارس این کشورها درباره موضوع سلاح‌های غیرقانونی و تهدید آنها صحبت کردند تا مهارت‌های آکادمیک را بهبود بخشند، علاقه و توجه به مدرسه را افزایش دهند و از جرم و خشونت بکاهند.

سازمان ملل فعالیت‌های اطلاعاتی و آموزشی درباره مسائل خلع سلاح چند جانبه در چارچوب *برنامه اطلاعات خلع سلاح* خود، از طریق انتشارات، رویدادهای ویژه، نشست‌ها، سمینارها، بحث‌های گروهی، نمایشگاه‌ها و وب سایتی جامع درباره مسائل خلع سلاح *(disarmament.un.org)* انجام می‌دهد. *برنامه بورس تحصیلی خلع سلاح سازمان ملل*، که از سال ۱۹۷۸ به ابتکار مجمع عمومی آغاز شد، بیش از ۵۰۰ مقام دولتی از حدود ۱۵۰ کشور را آموزش داده که بسیاری از آنان دارای مسئولیت‌هایی در حوزه خلع سلاح در دولت‌های خود هستند.

جنسیت و خلع سلاح. چهره جنگ‌ها در سال‌های اخیر در شرایطی که زنان و دختران به عنوان قربانی یا عوامل جنگ، به حد فزاینده‌ای تحت تاثیر مناقشات قرار گرفته‌اند، تغییر کرده است. سازمان ملل از درک اهمیت جنبه‌های جنسیتی جنگ در همه امور مربوط به خلع سلاح، اعم از جمع آوری و نابودی سلاح‌ها، مین‌زدایی، انجام ماموریت‌ها برای کشف حقیقت، یا مشارکت در فرآیندهای صلح و تصمیم‌گیری حمایت می‌کند. برای مثال، یک دیدگاه جنسیتی بررسی خواهد کرد گسترش سلاح‌های کوچک چگونه بر زنان تاثیر می‌گذارد و درباره آن چه باید کرد.

استفاده‌های صلح آمیز از فضای ماورای جو

سازمان ملل می‌کوشد تضمین کند از فضا برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده و مزایای فعالیت‌های فضایی نصیب همه ملت‌ها شود. علاقه به استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای ماورای جو پس از پرتاب اسپوتنیک – نخستین ماهواره ساخت بشر – به وسیله اتحاد شوروی در سال ۱۹۵۷، آغاز و با پیشرفت‌ها در فن‌آوری فضایی ادامه یافته است. سازمان ملل، با تدوین حقوق بین‌الملل فضایی و ترویج همکاری بین‌المللی در علوم و فن‌آوری فضایی، نقشی مهم ایفا کرده است.

نهاد بین دولتی اصلی در این زمینه **کمیته استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای ماورای جو سازمان ملل** است. این نهاد حدود و امکانات همکاری بین‌المللی در استفاده صلح‌آمیز از فضا را بررسی، برنامه‌هایی طراحی و همکاری فنی سازمان ملل را راهنمایی، تحقیق و انتشار اطلاعات را تشویق، و به تدوین قوانین وحقوق فضایی بین‌الملل مساعدت می‌کند. این نهاد که در سال ۱۹۵۹ به وسیله مجمع عمومی تاسیس شد از ٦٥ کشور عضو تشکیل شده است.

این کمیته دو کمیته فرعی دارد:

- **کمیته فرعی علمی و فنی** کانون همکاری بین‌المللی در فن‌آوری و تحقیق فضایی است.
- **کمیته فرعی حقوقی** برای کسب اطمینان از ایجاد شالوده‌ای حقوقی متناسب با توسعه سریع فن‌آوری فعالیت‌های فضایی اقدام می‌کند. کمیته و دو کمیته فرعی آن سالانه تشکیل جلسه می‌دهند تا مسائلی را که از طرف مجمع عمومی ارجاع شده، گزارش‌های تسلیم شده به آنها، و مسائل مطرح شده به وسیله کشورهای عضو را بررسی کنند. کمیته که بر مبنای اجماع کار می‌کند، توصیه‌هایی به مجمع عمومی ارائه می‌دهد.

اسناد حقوقی

فعالیت این کمیته و کمیته فرعی حقوقی آن به تصویب پنج سند حقوقی به وسیله مجمع عمومی منجر شده که همه آنها اجرا می‌شوند:

- *معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو، از جمله کره ماه و سایر اجرام آسمانی (معاهده فضای ماورای جو)* سال ۱۹٦٦، تصریح می‌کند که اکتشاف فضایی باید برای منافع همه کشورها، بدون توجه به میزان توسعه آنها، انجام شود. این معاهده در صدد است

فضا را به عنوان قلمرو همه ابنای بشر، برای استفاده و اکتشاف آزادانه همـه کشـورها، منحصـرا بـرای مقاصد صلح جویانه، و نه منافع اختصاصی کشورها، حفظ کند.

• *موافقت نامه نجات فضانوردان، بازگشت فضانوردان و بازگشت اشیاء پرتاب شـده در فضـای ماورای جو (موافقت نامه نجات)* سال ۱۹٦۷، درباره کمک کردن به سرنشینان سفینه های فضایی در صورت وقوع تصادف یا فرود اضطراری، پیش‌بینی‌های لازم را کرده، و رویه‌هـا و تشـریفاتی برای بازگرداندن اشیای فضایی پیدا شده در ماورای سرزمین کشور پرتاب‌کننـده بـه آن، تـدوین می‌کند.

• *کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی برای خسارا ت ناشی از اشیای فضایی (کنوانسـیون مسـئولیت)* سال ۱۹۷۱ تصریح می‌کند کشور پرتاب کننده، مسئول خسـارا ت وارده بـر اثـر پرتـاب اشـیای فضایی خود بر سطح کره زمین، بر هواپیماهای در حال پـرواز، و بـه اشـیای فضـایی کشـور یـا اشخاص دیگر یا اموال موجود در چنین اشیایی است.

• *کنوانسیون ثبت اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو (کنوانسیون ثبت)* سال ۱۹۷٤، تصریح می‌کند کشورهای پرتاب کننده سوابق مربوط به اشیای فضایی را حفظ کنند و اطلاعـات دربـاره اشیای پرتاب شده را به سازمان ملل ارائه دهند. بر اساس این کنوانسیون دفتر امور فضای ماورای جو سوابق مربوط به اشیای پرتاب شده به فضای مـاورای جـورا نگهـداری مـی‌کنـد. اطلاعـات مربوطه به وسیله همه کشورها و سازمان‌های پرتاب کننده ارائه شده اسـت. فهرسـت راهنمـای قابل جست و جوی آنلاین از اشیای پرتاب شده به فضا به وسیله دفتر امور فضای مـاورای جـو در وب سایت آن (www.oosa.unvienna.org) نگهداری می‌شود.

• *موافقت نامه حاکم بر فعالیت‌های کشورها در کره ماه و دیگر اجرام آسمانی (موافقت نامه مـاه)* سال ۱۹۷۹، اصول مربوط به کره ماه و سایر اجرام آسمانی را که در معاهـده ۱۹٦٦ تعیـین شـده شرح می‌دهد، و مبنا برای تنظیم اکتشاف آتـی و اکتشـاف منـابع طبیعـی در آن اجـرام را تعیـین می‌کند.

مجمع عمومی بر مبنای کار کمیته و کمیته فرعی حقـوقی آن مجموعـه اصـولی را دربـاره انجـام فعالیت‌های فضایی، از جمله فعالیت‌های زیر تصویب کرده است:

• *اصول حاکم بر استفاده کشورها از ماهواره‌های مصنوعی زمینی برای پخش بین‌المللی مسـتقیم تلویزیونی* (۱۹۸۲)، می‌پذیرد چنین استفاده‌ای عوارض سیاسی، اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگـی بین‌المللی دارد. چنین فعالیت‌هایی باید از انتشار و مبادله اطلاعات و دانش حمایت کرده، توسعه را تقویت کند، و به حقوق حاکمیت کشورها، از جمله اصل عدم مداخله، احترام بگذارد.

• *اصول مربوط به ردیابی از راه دور کره زمین از فضای ماورای جـو* (۱۹٦۸)، مـی‌گویـد چنـین فعالیت‌هایی باید به سود همه کشورها، با احترام به حق حاکمیت همه کشورها و مردم بـر منـابع طبیعی خود، و برای حقوق و منافع سایر کشورها انجام شود. از ردیابی از راه دور بایدبرای حفظ محیط زیست و کاهش تاثیر سوانح طبیعی استفاده کرد.

کنفرانس‌های فضایی بین‌المللی سازمان ملل

سازمان ملل سه کنفرانس عمده درباره اکتشاف و استفاده‌های مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو، هر سه در وین، تشکیل داده است. نخستین کنفرانس، سال ۱۹۶۸، به بررسی مزایای عملی ناشی از تحقیقات و اکتشافات فضایی، و میزان برخورداری کشورهای فاقد دسترسی به فضا، به ویژه کشورهای در حال توسعه، از آنها پرداخت. دومین کنفرانس (۱۹۸۲) مشارکت روزافزون همه کشورها در فعالیت‌های مربوط به فضا را بررسی کرد. این کنفرانس موقعیت علوم و فن‌آوری فضایی را ارزیابی کرد، به بررسی کاربردهای فن‌آوری فضایی برای توسعه پرداخت و درباره همکاری فضایی بین‌المللی بحث کرد.

سومین کنفرانس، سال ۱۹۹۹، طیفی گسترده از اقدامات را برای حفاظت از محیط زیست جهانی و مدیریت منابع طبیعی؛ افزایش استفاده از کاربردهای فضا برای امنیت، توسعه و رفاه انسان؛ حفاظت از محیط زیست فضا؛ افزایش دسترسی کشورهای در حال توسعه به علوم فضایی و مزایای آن؛ و افزایش امکانات آموزش و یادگیری، به ویژه برای جوانان، مشخص کرد.

سومین کنفرانس همچنین خواهان ایجاد نظامی جهانی برای مدیریت کاهش، امداد و پیشگیری از فاجعه‌های طبیعی؛ بهبود برنامه‌های آموزشی و شالوده‌های مربوط به ماهواره برای ترویج سواد؛ و هماهنگی بین‌المللی فعالیت‌های مربوط به اشیای نزدیک زمین شد. گردهمایی نسل فضایی، که برای و به وسیله دانشجویان دانشگاه‌ها و حرفه‌ای‌های جوان تشکیل شد، به نتیجه این کنفرانس کمک کرد. این رویداد دولت‌ها، نهادهای بین دولتی، جامعه مدنی و، برای نخستین بار، بخش خصوصی را گرد هم آورد.

مجمع عمومی سال ۱۹۹۹ از ٤ تا ۱۰ اکتبر را **هفته جهانی فضا** اعلام کرد تا هر سال مساعدت‌های علوم و فن‌آوری فضایی را به بهبود شرایط زندگی انسان، گرامی بدارد. مجمع عمومی سال ۲۰۰٤ پیشرفت‌های حاصله در زمینه اجرای توصیه‌های سومین کنفرانس فضایی در مدت پنج سال را بررسی کرد.

• *اصول مربوط به استفاده از منابع نیروی هسته‌ای در فضای ماورای جو* (۱۹۹۲)، این موضوع را به رسمیت می‌شناسد که چنین منابعی برای بعضی از ماموریت‌های فضایی ضروری هستند، اما استفاده از آنها باید بر مبنای ارزیابی کامل ایمنی باشد. این اصول رهنمودهایی برای استفاده امن از منابع نیروی هسته‌ای و برای اعلام عیب و خرابی اشیای

فضایی، هر جا که خطر ورود مجدد مواد رادیواکتیو به زمین وجود داشته باشد، ارائه می‌دهند.

• *اعلامیه همکاری بین‌المللی در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو برای استفاده و به نفع تمام کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه* (۱۹۹٦) تصریح می‌کند کشورها آزادند تمامی جنبه‌های مشارکت خود را در همکاری بین‌المللی فضایی بر مبنایی برابر و متقابلا قابل قبول تعیین کنند، و چنین همکاری باید به شیوه‌هایی انجام شود که از نظر کشورهای مربوطه موثرتر و مناسب‌تر باشند.

دفتر امور فضای ماورای جو

(www.oosa.unvienna.org)

دفتر امور فضای ماورای جو سازمان ملل متحد مستقر در وین به عنوان دبیرخانه برای کمیته استفاده‌های مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو خدمت، و به کشورهای در حال توسعه برای استفاده از فن آوری فضایی برای توسعه کمک می‌کند.

این دفتر از طریق نظام بین‌المللی اطلاعات فضایی خود، اطلاعات مربوط به فضا را بین کشورهای عضو منتشر می‌کند و از طریق *برنامه کاربردهای فضایی سازمان ملل* خود به کشورهای عضو برای

اجرای طرح‌های آزمایشی خدمات فنی مشورتی ارائه می‌دهد، و برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی در حوزه‌هایی مانند ردیابی از راه دور، ارتباطات ماهواره‌ای، هواشناسی ماهواره‌ای، جهت‌یابی ماهواره‌ای، علوم فضایی بنیادی و قوانین وحقوق فضایی انجام می‌دهد. این دفتر همچنین با منشور بین‌المللی، «فضا و فاجعه‌های مهم» – ساز و کاری که کارگزاری‌های سازمان ملل از طریق آن می‌توانند برای حمایت از واکنش خود نسبت به فاجعه‌ها تقاضای تصاویر ماهواره‌ای کنند، همکاری می‌کند.

این دفتر به مراکز منطقه‌ای برای آموزش علوم و فن‌آوری فضایی و به شبکه موسسات تحقیقات و آموزش علوم و فن‌آوری فضایی برای اروپای شرقی، مرکزی و جنوبی وابسته به سازمان ملل، کمک فنی ارائه می‌دهد. این نهادها کمک می‌کنند تا مهارت‌ها و دانش دانشمندان و محققان در جنبه‌هایی از علوم و فن‌آوری فضایی توسعه یابند که می‌توانند به توسعه پایدار کمک کنند. مرکز آسیا و اقیانوس آرام در هند در سال ۱۹۹٦ و مراکز مغرب و نیجریه در ۱۹۹۹ و مراکز آمریکای لاتین و کاراییب در مکزیک و برزیل در ۲۰۰۳ عملیاتی شدند. این دفتر از دولت اردن در تدارک ایجاد مرکزی در آسیای غربی پشتیبانی فنی به عمل می‌آورد.

این دفتر با همکاری نزدیک با سازمان‌های بین‌المللی مانند آژانس فضایی اروپا، فدراسیون فضانوردی بین‌المللی، کمیته ماهواره‌های مطالعاتی زمین، و کمیته تحقیقات فضایی فعالیت می‌کند.

به علاوه، سایر سازمان‌های سازمان ملل در حوزه‌هایی مانند ارتباطات فضایی، هواشناسی ماهواره‌ای، علوم فضایی و ردیابی از راه دور فعال هستند. اجلاس بین کارگزاری درباره فعالیت‌های فضای ماورای جو هر سال تشکیل می‌شود تا فعالیت‌های مربوط به فضای نظام ملل متحد را هماهنگ کند.

جدیدترین تحولات

ارائه جدیدترین مطالب در چنین نشریه‌ای، با توجه به تغییرات سریع در حوزه‌های سیاسی و امنیتی – از جمله، برای مثال در منطقه دارفور سودان و اطراف آن – غیر ممکن است. برای اطلاع از تازه‌ترین تحولات در این حوزه و تمامی حوزه‌های مشارکت سازمان ملل، لطفا به وب سایت سازمان ملل (www.un.org) و، به ویژه وب سایت خبری سازمان ملل (www.un.org/News) مراجعه کنید.

فصل ۳

توسعه اقتصادی و اجتماعی

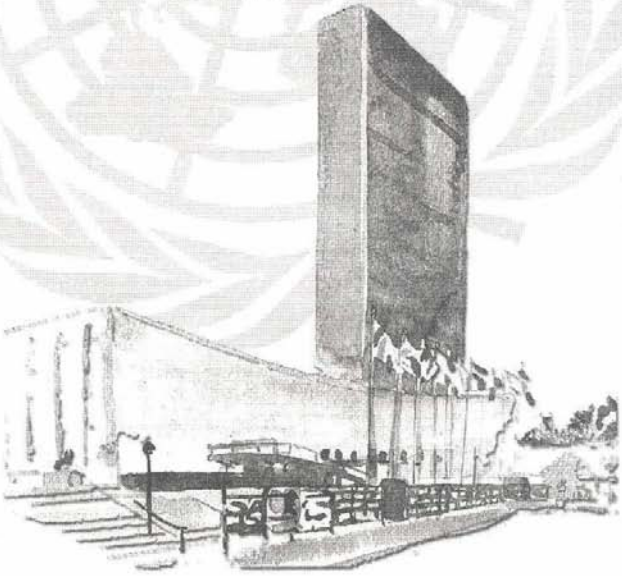

توسعه اقتصادی و اجتماعی

اگرچه بیشتر مردم، سازمان ملل متحد را با مسائل صلح و امنیت مربوط می‌دانند اما بخش عظیم منابع این سازمان در حقیقت به پیشبرد وعده منشور ملل متحد در زمینه «ترویج و حمایت از معیارهای عالیتر زندگی، اشتغال کامل و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی» اختصاص یافته است. تلاش‌های سازمان ملل در زمینه توسعه به شدت بر زندگی و رفاه میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تاثیر گذاشته است. راهنمای تلاش‌های سازمان ملل این اعتقاد است که صلح و امنیت پایدار بین‌المللی فقط در صورتی ممکن است که رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم همه جا تضمین شود.

بسیاری از دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی که در پنج دهه گذشته در جهان رخ داده از نظر مسیر و شکل به حد چشمگیری تحت تاثیر کار سازمان ملل بوده است. سازمان ملل به عنوان مرکز جهانی اجماع‌سازی، اولویت‌ها و هدف‌هایی برای همکاری بین‌المللی تعیین کرده است تا به کشورها در تلاش‌های توسعه‌ای آنها کمک کند و محیطی حمایتی برای اقتصاد جهانی به وجود آورد.

این اجماع از طریق مجموعه‌ای از *دهه‌های بین‌المللی توسعه* ابراز شده که نخستین آنها سال ۱۹۶۱ شروع شد. این اظهار گسترده خط‌مشی‌ها و هدف‌ها، در عین تاکید بر بعضی از مسائل مورد توجه ویژه در هر دهه، به گونه‌ای مداوم بر ضرورت پیشرفت در تمامی جنبه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، و اهمیت کم کردن نابرابری‌ها بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه تاکید کرده‌اند.

سازمان ملل از دهه ۱۹۹۰ مکانی برای تنظیم و ترویج هدف‌های کلیدی تازه در زمینه توسعه در دستور کار بین‌المللی، از طریق مجموعه‌ای از کنفرانس‌های جهانی بوده است. سازمان ضرورت تلفیق مسائلی مانند پیشبرد امور زنان، حقوق بشر، توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست و حکومت مطلوب در الگوی توسعه را بیان کرده است. اینک تمرکز بر اجرای تعهدات داده شده در این کنفرانس‌ها به روشی یکپارچه و هماهنگ است.

کشورهای عضو در اجلاس هزاره خود در سال ۲۰۰۰ مجموعه‌ای گسترده از هدف‌های بلندمدت توسعه هزاره را تصویب کردند که با مجموعه‌ای از هدف‌های کوتاه‌مدت ویژه و قابل دسترسی حمایت می‌شدند. منظور از این هدف‌های کوتاه مدت و بلندمدت: ریشه‌کن کردن گرسنگی و فقر شدید؛ دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی؛ ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛ کاهش مرگ و میر کودکان؛ بهبود بهداشت و سلامت مادران؛ مبارزه با بیماری ایدز و ویروس آن، مالاریا و سایر بیماری‌ها؛ تضمین قابلیت دوام محیط زیست؛ و ایجاد مشارکتی جهانی برای توسعه است.

مفید کردن جهانی‌سازی برای همه

سران کشورها در اعلامیه هزاره سپتامبر ۲۰۰۰ تاکید کردند چالش اصلی جامعه بین‌المللی حصول اطمینان از این امر است که جهانی‌سازی نیرویی مثبت برای همه شود. کوفی عنان دبیر کل در گزارش خود به اجلاس هزاره گفت اگر بخواهیم جهانی‌سازی موفق شود مردم باید احساس کنند جزیی از آن هستند.*

وی گفت: مزایای جهانی‌سازی - از جمله رشد سریعتر، معیارهای بهتر زندگی، و فرصت‌های جدید برای کشورها و افراد - آشکار است. با این حال واکنشی در برابر آن شروع شده است زیرا این مزایا به شدت نابرابر توزیع شده‌اند و بازار جهانی هنوز با مقررات مبتنی بر هدف‌های اجتماعی مشترک مستحکم، نشده است.

شرکت‌های جهانی باید با مفهوم «شهروندی شرکتی» جهانی هدایت شوند و هر جا فعالیت می‌کنند شیوه‌های درست در پیش گیرند و معیارهای کارگری عادلانه را ترویج کنند، به حقوق بشر و حفظ محیط زیست احترام بگذارند.

سازمان ملل به نوبه خود باید «تضمین کند جهانی‌سازی مزایایی نه فقط برای بعضی، بلکه برای همه داشته باشد؛ فرصت‌ها نه فقط برای طبقه مرفه بلکه برای همه افراد بشر در همه جا وجود داشته باشد.» سازمان ملل باید «اختلاف‌ها بین کشورها را برطرف کند» و با ایجاد امکان بیشتر مشارکت عوامل بسیار درگیر در جهانی‌سازی، یعنی جامعه مدنی، بخش خصوصی، اعضای پارلمان‌ها، مسئولان محلی، انجمن‌های علمی و نهادهای آموزشی، «ائتلاف‌هایی برای تغییر» به وجود آورد.

آقای عنان گفت: مهمتر از همه، باید مردم را محور هر کاری که می‌کنیم قرار دهیم. «فقط هنگامی که انجام چنین کاری شروع شود، خواهیم دانست جهانی‌سازی به راستی دارد فراگیر می‌شود و به همه اجازه می‌دهد در فرصت‌های آن سهیم شوند.»

---

* ما مردمان: نقش سازمان ملل در قرن بیست‌ویکم. سازمان ملل، ۲۰۰۰
www.un.org/millennium/sg/report. و ISBN92-1-100844-1/E.00.1.16.

بحث بین‌المللی درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی به حد روزافزونی اشتراک منافع بین کشورهای ثروتمند و فقیر را در حل مسائل بسیاری که فراتر از مرزهای محلی هستند نشان داده است. مسائلی مانند پناهندگان، جرایم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر و بیماری ایدز به عنوان مسائل جهانی به شمار می‌آیند که نیازمند اقدام هماهنگ هستند. تاثیر فقر و بیکاری مداوم در یک منطقه را می‌توان به سرعت در مناطق دیگر، از طریق مهاجرت، ناآرامی اجتماعی و مناقشه احساس کرد. به همین ترتیب در عصر اقتصاد جهانی، بی‌ثباتی مالی در یک کشور بلافاصله در سایر بازارها احساس می‌شود.

درباره اهمیت نقش دموکراسی، حقوق بشر، مشارکت مردمی، حکومت مطلوب و توانمندسازی زنان در تقویت توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز اجماع روزافزون وجود دارد.

هماهنگ کردن فعالیت‌های توسعه

با وجود پیشرفت‌ها در زمینه‌های بسیار، نابرابری‌های فراوان در ثروت و رفاه همچنان ویژگی جهان است. کاهش فقر و از میان برداشتن نابرابری‌ها در داخل و بین کشورها، همچنان هدف‌های بنیادی سازمان ملل است.

مزیت نسبی سازمان ملل متحد

نظام ملل متحد قدرت‌های منحصر به فردی در ترویج توسعه در سراسر جهان دارد:

- همگانی بودن آن: در اخذ تصمیم‌های اساسی همه کشورها نقش دارند.
- بی‌طرف بودن آن: نماینده هیچ نفع ملی یا تجاری خاصی نیست، و به این علت می‌تواند روابط ویژه مبتنی بر اعتماد با کشورها و مردم آنها برای ارائه کمک بدون شرط برقرار کند.
- حضور جهانی آن: بزرگترین شبکه دفاتر کشوری جهان را به منظور دادن کمک برای توسعه دارد.
- ماموریت فراگیر آن، توسعه، امنیت، کمک بشردوستانه، حقوق بشر و محیط زیست را دربرمی‌گیرد.
- تعهد آن به «مردم ملل متحد».

نظام ملل متحد به راه‌های گوناگونی برای ترویج هدف‌های اقتصادی و اجتماعی خود یعنی با تنظیم سیاست‌ها، ارائه نظرهای مشورتی درباره طرح‌های توسعه به دولت‌ها، تعیین ضوابط و معیارهای بین‌المللی و بسیج اعتبارها برای برنامه‌های توسعه با بیش از ۳۰ میلیارد دلار در سال، کار می‌کند. سازمان ملل از طریق کار صندوق‌ها و برنامه‌ها و خانواده کارگزاری‌های تخصصی خود، در حوزه‌هایی به گستردگی و تنوع آموزش و پرورش، ایمنی هوایی، حفاظت از محیط زیست و شرایط کار، بر زندگی مردم همه جا تاثیر می‌گذارد.

شورای اقتصادی و اجتماعی نهاد اصلی هماهنگ‌کننده فعالیت اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل و بازوهای عملیاتی آن است. این شورا همچنین مجمع مرکزی برای بحث درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی و تدوین پیشنهادهای مربوط به خط‌مشی است.

کمیته سیاست توسعه، متشکل از ٢٤ کارشناس که در موقعیت شخصی خود کار می‌کنند، تحت نظارت شورا به عنوان نهادی مشورتی درباره مسائل در حال ظهور اقتصادی، اجتماعی و توسعه‌ای اقدام می‌کند. این کمیته همچنین معیارها برای معرفی «کشورهای کمتر توسعه‌یافته» را تعیین می‌کند.

گروه توسعه سازمان ملل، متشکل از نهادهای دبیرخانه و همچنین صندوق‌ها و برنامه‌های توسعه، به مدیریت و هماهنگی کار توسعه در داخل سازمان کمک می‌کند. این نهاد اجرایی برای افزایش همکاری بین واحدهای سیاست‌گذاری و برنامه‌های متمایز عملیاتی فعالیت می‌کند. کمیته اجرایی امور اقتصادی و اجتماعی، متشکل از نهادهای دبیرخانه و از جمله کمیسیون‌های منطقه‌ای، نیز ابزاری برای مدیریت و توسعه خط‌مشی است.

اداره امور اقتصادی و اجتماعی در داخل دبیرخانه سازمان ملل اطلاعات اقتصادی و اجتماعی را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کند؛ هماهنگی و تجزیه و تحلیل خط‌مشی انجام می‌دهد، و به کشورهای عضو در محدوده اجتماعی و اقتصادی حمایت فنی و اساسی ارائه می‌دهد. حمایت اساسی آن از جریان‌های بین دولتی، نقش کشورهای عضو را در تعیین معیارها و ضوابط و در زمینه توافق درباره دوره‌های اقدام مشترک در پاسخ به

چالش‌های جهانی تسهیل می‌کند. اداره امور اقتصادی و اجتماعی فصل مشترک حیاتی بین سیاست‌های جهانی و اقدام ملی، و بین فعالیت‌های تحقیقی، مربوط به خط‌مشی و عملیاتی فراهم می‌کند.

پنج کمیسیون منطقه‌ای تبادلات تجزیه و تحلیل خط‌مشی و اطلاعات اقتصادی و اجتماعی مشابه در مناطق آفریقا، آسیا و اقیانوس آرام، اروپا، امریکای لاتین و کاراییب، و آسیای غربی را تسهیل می‌کنند.

برنامه‌ها و صندوق‌های گوناگون **سازمان ملل** در کشورهای اجراکننده برنامه‌ها به فعالیت‌های عملیاتی برای توسعه رسیدگی می‌کنند، در حالی که **کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل** از تلاش‌های کشورها در زمینه توسعه، پشتیبانی و به آنها کمک می‌کنند. در زمانی که منابع انسانی و مالی مدام محدود می‌شوند، اگر قرار است هدف‌های توسعه تحقق یابند افزایش هماهنگی و همکاری بین شاخه‌های مختلف نظام ملل متحد حیاتی است.

توسعه اقتصادی

جهان در دهه‌های اخیر شاهد توسعه اقتصادی شدیدی بوده، اما تولید ثروت و ایجاد رفاه، بسیار نابرابر بوده، چنان نابرابر که تفاوت‌های اقتصادی باعث تشدید مشکلات اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در عملا همه مناطق جهان شده است. پایان جنگ سرد و یکپارچگی سریع اقتصاد جهان، مسائل مزمن فقر شدید، بدهکاری، کم توسعه یافتگی و نابرابری تجاری را حل نکرده است.

یکی از اصول اساسی سازمان ملل این اعتقاد است که توسعه اقتصادی برای همه مردم، مطمئن‌ترین راه دستیابی به امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. این امر از نگرانی‌های اصلی سازمان ملل است که تقریبا نیمی از جمعیت جهان – بیشتر در آفریقا، آسیا، امریکای لاتین و کاراییب – هنوز باید با روزی کمتر از ۲ دلار زندگی کنند. حدود ۸٦۰ میلیون نفر بی‌سوادند، بیش از ۱۰۰ میلیون کودک به مدرسه نمی‌روند، بیش از یک میلیارد انسان به آب آشامیدنی سالم، و حدود ۲/٤ میلیارد تن یعنی بیش از یک سوم جمعیت جهان، به امکانات دفع بهداشتی فاضلاب دسترسی ندارند. حدود ۱۸۰ میلیون کارگر در پایان سال ۲۰۰۲ در جهان بیکار بودند، و تعداد «فقیران شاغل» یعنی کسانی که روزی کمتر از یک دلار به دست می‌آورند، به ۵۵۰ میلیون تن افزایش یافته بود.

سازمان ملل همچنان تنها نهاد متعهد به یافتن راه‌هایی برای حصول اطمینان از این امر است که هدف توسعه اقتصادی و جهانی‌سازی، تضمین رفاه و بهروزی بشر، توسعه پایدار، حذف فقر، تجارت عادلانه و کاهش بدهی فلج‌کننده خارجی باشد.

سازمان ملل بر تصویب سیاست‌های اقتصاد کلان تاکید می‌کند که به نابرابری‌های کنونی – به ویژه تفاوت روزافزون بین شمال و جنوب – و همچنین مشکلات مزمن کشورهای کمتر توسعه یافته، و نیازهای بی‌سابقه کشورهای در حال انتقال از اقتصادی‌های متمرکز به اقتصادهای بازار، رسیدگی کند. برنامه‌های کمک سازمان ملل در سراسر جهان از کاهش فقر، بقای کودکان، حفاظت ازمحیط زیست، پیشرفت و حقوق بشر زنان حمایت می‌کنند. این برنامه‌ها از نظر میلیون‌ها انسان در کشورهای فقیر، به مفهوم و مترادف با خود سازمان ملل هستند.

کمک توسعه رسمی

موسسات وام‌دهنده نظام ملل متحد، به صورت دسته‌جمعی، با سیاست‌ها و وام‌های خود تاثیری عظیم بر اقتصادهای کشورهای در حال توسعه دارند. این امر به ویژه درباره کشورهای کمتر توسعه یافته، شامل ٤٩ کشور که بدهی و فقر شدید آنها را از مزایای رشد و توسعه جهانی محروم کرده، صدق می‌کند. به این کشورها، بیشتر در آفریقا، در چند برنامه کمک سازمان ملل توجه بیشتری معطوف شده است.

کشورهای در حال توسعه جزیره‌ای کوچک ، کشورهای در حال توسعه فاقد دسترسی به دریا و کشورهای دارای اقتصادهای در حال انتقال نیز از مشکلاتی حاد رنج می‌برند که نیازمند توجه ویژه جامعه بین‌المللی است. به این کشورها نیز در برنامه‌های کمک نظام ملل متحد، و همچنین اختصاص کمک توسعه رسمی کشورهای عضو، اولویت داده می‌شود.

مجمع عمومی سال ۱۹۷۰ پرداخت ۰/۷ درصد از درآمد ناخالص ملی کشورها را برای کمک توسعه رسمی تعیین کرد. حاصل سال‌ها تلاش دسته‌جمعی اعضای کمیته کمک توسعه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه – اینک متشکل از ۲۲ کشور صنعتی و کمیسیون اروپا – حدود نصف این میزان بود.

کمک توسعه رسمی در طول دهه ۱۹۹۰ به شدت کاهش یافت و به کم‌ترین میزان رسید. اما بیشتر همین مقدار نیز، یعنی از ٤ درصد کمک توسعه رسمی در ۱۹۹۵ به ١٤ درصد در سال ۲۰۰۰ (نزدیک به ٤ میلیارد دلار) برای خدمات اجتماعی اساسی اختصاص داده شد و بیش از چهارپنجم کمک بدون مشروط کردن پرداخت آن به خرید کالا و خدمات از کشورهای دهنده کمک، داده شد.

میزان کمک توسعه رسمی در قرن جدید به تدریج افزایش یافت. مجموع کمک توسعه رسمی بین اعضای کمیته کمک توسعه تا سال ۲۰۰۳ به حدود ۰/۲۵ درصد مجموع درآمد ناخالص ملی افزایش یافته و با حدود ٦٨/٥ میلیارد دلار به بالاترین حد، از نظر اسمی و شرایط واقعی، رسید.

کنفرانس بین‌المللی تامین سرمایه برای توسعه

(www.un.org/esa/ffd)

کنفرانس بین‌المللی تامین سرمایه برای توسعه ۱۸ تا ۲۲ مارس ۲۰۰۲ در مونتری مکزیک تشکیل شد. در این کنفرانس، به میزبانی سازمان ملل، درباره مسائل مهم مالی و توسعه، ۵۰ تن از سران کشورها و دولت‌ها و بیش از ۲۰۰ وزیر و همچنین رهبران بخش خصوصی، جامعه مدنی و تمام سازمان‌های عمده مالی، تجاری، اقتصادی و پولی بین دولتی شرکت کردند.

کنفرانس مونتری همچنین نخستین مورد مبادله دیدگاه‌های چهارجانبه بین دولت‌ها، جامعه مدنی، جامعه بازرگانی و دست‌اندرکاران موسسات درباره مسائل اقتصادی جهانی بود. در این مجمع جهانی بیش از ۸۰۰ شرکت‌کننده در ۱۲ میزگرد جداگانه، به ریاست مشترک سران دولت‌ها، روسای بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی، و بانک‌های توسعه منطقه‌ای، و همچنین وزیران مالی، تجارت و امور خارجی به بحث پرداختند. نتیجه این کنفرانس، معروف به اجماع مونتری، تصویری از نگرش جدید جهانی درباره تامین منابع مالی توسعه ارائه می‌دهد.

مجمع عمومی، متعاقبا تصمیم گرفت گفت‌وگوی سطح عالی خود را درباره تقویت همکاری بین‌المللی برای توسعه به عنوان نقطه مرکزی بین دولتی به منظور پیگیری کنفرانس و مسائل مربوطه آن از سال ۲۰۰۳ از سرگیرد و در همه سال‌های فرد ادامه دهد. این گفت‌وگوها شامل بحث خط مشی، با مشارکت دست‌اندرکاران مربوطه، درباره اجرای تصمیم های کنفرانس، و همچنین درباره انسجام و پیوستگی نظام‌های پولی، مالی و تجاری بین‌المللی در حمایت از توسعه است.

مجمع همچنین تصمیم گرفت همکاری متقابل بین نمایندگان شورای اقتصادی و اجتماعی، مدیران هیات‌های اجرایی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، و نمایندگان نهادهای بین دولتی مربوطه سازمان تجارت جهانی هر بهار ادامه یابد. مشورت‌های آوریل ۲۰۰۲ گسترش یافت تا میزگردها با نمایندگان جامعه مدنی و جامعه بازرگانی را دربرگیرد.

چهارمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی، که سال ۲۰۰۱ در دوحه، قطر تشکیل شد، نیز به روش‌های اجرای برنامه های توسعه پایدار رسیدگی کرد. پنجمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی، که سپتامبر ۲۰۰۳ در کانکن مکزیک، تشکیل شد، از اعلامیه دوحه سود برد.

تا امروز فقط پنج کشور یعنی دانمارک، لوکزامبورگ، هلند، نروژ و سوئد، به هدف ۰/۷ درصد در زمینه کمک توسعه رسمی رسیده و ادامه داده‌اند. این کشورها همچنین به رقم معیار ۰/۱۵ درصد تولید ناخالص ملی خود، که سال ۱۹۸۱ در نخستین کنفرانس سازمان ملل درباره کشورهای کمتر توسعه یافته تعیین شد، دست یافته‌اند.

کنفرانس بین‌المللی تامین سرمایه برای توسعه، که سال ۲۰۰۲ در مونتری، مکزیک تشکیل شد، باعث افزایش تعهدات تامین‌کنندگان عمده کمک توسعه رسمی، به عنوان گام نخست به سمت معکوس کردن روند کاهش آن در دهه ۱۹۹۰ شد. این کنفرانس همچنین کوشید توجه چنین کمک‌هایی را بیشتر به سمت کاهش فقر، آموزش و پرورش و بهداشت تغییر دهد (به کادر نگاه کنید).

کمک توسعه رسمی سازمان ملل از دو منبع تامین می‌شود: کمک بلاعوض از برنامه‌ها، صندوق‌ها و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل؛ و حمایت از موسسات وام‌دهنده نظام ملل متحد مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی.

بانک جهانی سال ۲۰۰۳ مبلغ ۱۸/۵ میلیارد دلار در بیش از ۱۰۰ کشور جهان ارائه داد. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی هر سال حدود ٤٥٠ میلیون دلار به صورت وام و کمک بلاعوض می‌دهد و از زمان تاسیس در ۱۹۷۷ با ۷/۷ میلیارد دلار وام و ۳۵/٤ میلیون دلار کمک بلاعوض منابع مالی ٦۳۳ طرح را تامین کرده است. به علاوه صندوق بین‌المللی پول برای تضمین کارآیی نظام مالی و پولی بین‌المللی از طریق گفت‌وگو و ارائه مشورت در زمینه خط‌مشی، کمک فنی و دادن وام فعالیت می‌کند.

تامین سرمایه برای فعالیت‌های توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۰۱ به رقم بی‌سابقه ۷/۱ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال ۲۰۰۰ (به استثنای گروه بانک جهانی) تقریبا ۱۷ درصد افزایش داشت. این دومین نسبت رشد فراوان در نظام ملل متحد در دهه پیش بود. بیشترین مقدار با ۱۹ درصد به سال ۱۹۹۸ مربوط می‌شود که مجموع پرداختی به ۵/۷ میلیارد دلار رسید. کمک توسعه رسمی از برنامه‌ها، صندوق‌ها و کارگزاری‌های سازمان ملل به صورت گسترده‌ای بین کشورهای فراوان نیازمند توزیع می‌شود.

حمایت از توسعه در سراسر جهان

برنامه عمران ملل متحد، کارگزاری توسعه کشورهای در حال توسعه، متعهد به مساعدت اساسی در زمینه به نصف رساندن نسبت فقر در جهان تا سال ۲۰۱۵ است. برنامه عمران ملل متحد برای ایجاد ظرفیت نهادی که باعث رشد اقتصادی عادلانه شود، کمک می‌کند و نظر درست مشورتی ارائه می‌دهد.

برنامه عمران ملل متحد با شبکه جهانی مرکب از ١٦٦ دفتر کشوری در محل، فعالیت می‌کند تا به مردم کمک کند به خود کمک نمایند. توجه آن بر کمک به کشورها متمرکز است تا راه‌حل‌هایی برای چالش‌های زیر بیابند و با دیگران سهیم شوند: حکومت دموکراتیک؛ کاهش فقر؛ پیشگیری از بحران و بازیابی پس از مناقشات خشونت‌آمیز یا سوانح طبیعی؛ انرژی، محیط زیست و توسعه پایدار؛ فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی؛ و پیشگیری از گسترش بیماری ایدز و ویروس آن. برنامه عمران ملل متحد در هر یک از این حوزه‌ها از حفاظت از حقوق بشر زنان و، به‌ویژه، توانمندسازی آنان حمایت می‌کند و سازمانی عملگرا است که اکثریت کارکنان آن در کشورهایی کار می‌کنند که مردم به کمک آنان نیاز دارند.

اکثر اعتبارهای اصلی برنامه‌ای برنامه عمران ملل متحد به فقیرترین کشورهای جهان می‌رود. نزدیک به ۱/۲ میلیارد انسان در سال ۲۰۰۲ در فقر شدید یعنی با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کردند. اعتبار کمک توسعه برای برنامه عمران ملل متحد به ۲/۸ میلیارد

آفریقا: از اولویت‌های سازمان ملل

سازمان ملل متحد، با تامل درباره نگرانی‌های جامعه بین‌المللی، رسیدگی به شرایط اجتماعی - اقتصادی حیاتی آفریقا را از اولویت‌های خود قرار داده است. سازمان ملل ضمن تایید تعهد خود به حمایت از توسعه این منطقه، برنامه‌های ویژه‌ای به منظور یافتن راه حل‌های پایدار برای مسائل مربوط به بدهی خارجی و بهره بدهی، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، افزایش ظرفیت سازی ملی، برخورد با کمبود منابع محلی برای توسعه، تسهیل یکپارچگی کشورهای آفریقایی در تجارت بین‌المللی و غلبه بر بیماری ایدز و ویروس آن تدوین کرده است.

مجمع عمومی سال ۱۹۹۶ اجرای ابتکار ویژه سراسری سازمان ملل برای آفریقا را آغاز کرد که براساس آن، سازمان بین‌المللی کار برنامه مشاغل برای آفریقا را به منظور ایجاد و تقویت توانایی ملی و منطقه‌ای به منظور مبارزه با فقر، با تولید اشتغال آغاز کرد. ابتکار آفریقا ۲۰۰۰ برنامه عمران ملل متحد، از زنان روستایی برای فعالیت‌های توسعه پایدار حمایت به عمل آورد، و ابتکارهای به رهبری بانک جهانی، یونیسف و یونسکو توجه خود را به بهبود آموزش و پرورش ابتدایی در کشورهایی متمرکز کردند که ثبت نام در مدارس ابتدایی آنها اندک بود.

ابتکار ویژه در پی بررسی‌های مجمع عمومی در سال ۲۰۰۲ پایان یافت و مجمع سپس مشارکت جدید برای توسعه آفریقا را تصویب کرد که ابتکاری متعلق و به رهبری آفریقا بود که به وسیله سازمان وحدت آفریقا (اتحادیه آفریقای کنونی) در ژوییه ۲۰۰۱ به عنوان چارچوب تلاش‌های بین‌المللی برای توسعه آفریقا آغاز شد.

سازمان ملل از طریق تلاش‌هایی مانند چارچوب کمک توسعه سازمان ملل، و همچنین برنامه‌های تحت رهبری کمیسیون اقتصادی برای آفریقا، که چارچوبی برای همکاری و هماهنگی بیشتر در سطوح منطقه‌ای وزیر منطقه‌ای ارائه می‌دهد، در سطوح کشوری، منطقه‌ای و جهانی مشارکت می‌کند. دفتر مشاور ویژه درباره آفریقا درباره حمایت ارائه شده به وسیله نظام ملل متحد و جامعه بین‌المللی گزارش می‌دهد و طرفداری جهانی در پشتیبانی از مشارکت جدید را هماهنگ می‌کند.

برنامه مشترک سازمان ملل درباره بیماری ایدز و ویروس آن (دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد) مبارزه خود را علیه بیماری ایدز و ویروس آن در آفریقا تشدید کرده است. دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد در تلاش برای ایجاد گسترده‌ترین پایگاه ممکن برای فعالیت‌های خود، دولت‌ها، نهادهای منطقه‌ای، کارگزاری‌های توسعه، سازمان‌های غیردولتی، و بخش شرکتی، از جمله شرکت‌های داروسازی را تحت عنوان گروهی معروف به مشارکت بین‌المللی علیه ایدز در آفریقا گرد هم آورده است.

دبیرکل و کارگزاری‌های سازمان ملل از کشورهای صنعتی خواسته‌اند با ایجاد امکان لغو بیشتر بدهی‌ها، کاهش تعرفه‌هایی که مانع صادرات آفریقا هستند و افزایش کمک توسعه رسمی از فشارهای اقتصادی آفریقا بکاهند. تلاش‌های سازمان ملل با سایر تعهدات توسعه‌ای، مانند کنفرانس بین‌المللی توکیو درباره توسعه آفریقا، ابتکار بدهی کشورهای فقیر به شدت بدهکار و اتحاد برای صنعتی کردن آفریقا نیز ارتباط دارند.

دلار در سال ۲۰۰۲ رسید که بیشترین میزان تاریخ آن بود. کمک به برنامه عمران ملل متحد داوطلبانه است و به وسیله تقریبا همه دولت‌ها تامین می‌شود. کشورهایی که کمک‌های برنامه عمران ملل متحد را دریافت می‌کنند، از طریق پرسنل، تاسیسات، تجهیزات و لوازم به هزینه‌های اجرای طرح‌ها کمک می‌کنند.

برنامه عمران ملل متحد برای تضمین حداکثر تاثیر از منابع توسعه جهانی، فعالیت‌های خود را با سایر برنامه‌ها و صندوق‌های سازمان ملل و موسسات مالی بین‌المللی، از جمله بانک جهانی و صندوق

بین‌المللی پول هماهنگ می‌کند. به علاوه، برنامه‌های کشوری و منطقه‌ای برنامه عمران ملل متحد از تخصص اتباع و سازمان‌های غیردولتی کشورهای در حال توسعه استفاده می‌کنند. ۷۵ درصد از تمام طرح‌های مورد حمایت برنامه عمران ملل متحد را سازمان‌های محلی اجرا می‌کنند.

برنامه عمران ملل متحد در سطح کشوری از نگرشی یکپارچه نسبت به تامین کمک توسعه سازمان ملل حمایت می‌کند. این برنامه در چند کشور در حال توسعه **چارچوب کمک توسعه سازمان ملل متحد** را تشکیل داده، که از گروه‌های سازمان ملل تحت رهبری هماهنگ کننده مقیم محلی سازمان ملل، که به طور معمول نماینده مقیم برنامه عمران ملل متحد است، تشکیل شده است. این چارچوب‌ها پاسخی هماهنگ به چالش‌های اصلی توسعه که دولت‌ها برای سازمان ملل تعیین کرده‌اند، ارائه می‌دهند. هماهنگ کننده‌های مقیم به عنوان هماهنگ کننده‌های کمک بشردوستانه در موارد سوانح انسانی، فاجعه‌های طبیعی و موقعیت‌های اضطراری پیچیده خدمت می‌کنند.
برنامه عمران ملل متحد، همراه با بانک جهانی و برنامه محیط زیست سازمان ملل، یکی از شرکای اداره کننده **تسهیلات جهانی محیط زیست** و از حامیان مالی **برنامه مشترک سازمان ملل درباره بیماری ایدز و ویروس آن (دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد)** است.

وام برای توسعه

بانک جهانی، با نام رسمی **بانک بین‌المللی برای بازسازی و توسعه** در بیش از ۱۰۰ کشور در حال توسعه فعالیت می‌کند و برای کمک به کاهش فقر به آنها تخصص مالی و یا فنی ارائه می‌دهد. این بانک در حال حاضر در بیش از ۱۸۰۰ طرح در عملا هر بخش و کشور در حال توسعه – از تامین اعتبار خرد در بوسنی و هرزگوین و افزایش آگاهی درباره ایدز در گینه، تا حمایت از آموزش و پرورش دختران در بنگلادش و بهبود مراقبت‌های بهداشتی در مکزیک؛ از کمک به بازسازی تی‌مور – لسته پس از استقلال، تا کمک به هند برای بازسازی زلزله ویرانگر در گجرات مشارکت دارد.
این بانک، یکی از بزرگترین منابع کمک توسعه جهان، از تلاش‌های دولت‌های کشورهای در حال توسعه برای ایجاد مدرسه‌ها و مراکزی بهداشتی حمایت به عمل آورد، آب و برق فراهم می‌سازد، با بیماری‌ها مبارزه و از محیط زیست حفاظت می‌کند. این کارها را از طریق ارائه وام که پس داده می‌شود، انجام می‌دهد. کشورهای در حال توسعه از این بانک وام می‌گیرند چون به سرمایه، کمک فنی و مشاوره درباره سیاست‌ها نیاز دارند.
بانک جهانی دو نوع وام می‌دهد. نوع اول برای کشورهای در حال توسعه پردرآمدتر است که بعضی از آنها می‌توانند از منابع بازرگانی، اما عموما فقط با نرخ بهره زیاد وام بگیرند. این کشورها از بانک بین‌المللی برای بازسازی و توسعه وام می‌گیرند که به آنها بیشتر از بانک‌های بازرگانی، یعنی ۱۵ تا ۲۰ سال، با فرصت سه تا پنج ساله برای شروع بازپرداخت اقساط بدهی، فرصت می‌دهد. وام‌ها برای

انجام برنامه‌های ویژه در حمایت از کاهش فقر، انجام خدمات اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و رشد اقتصادی داده می‌شود. بانک بین‌المللی برای بازسازی و توسعه در سال مالی ۲۰۰۳ مجموعا ۱۱/۲ میلیارد دلار وام برای اجرای ۹۹ طرح جدید در ۳۷ کشور پرداخت کرد. این بانک، که دارای بالاترین اعتبار است، تقریبا همه پولش را از طریق فروش اوراق قرضه خود در بازارهای مالی جهان به دست می‌آورد.

نوع دوم وام‌های آن به فقیرترین کشورها پرداخت می‌شود، کشورهایی که در بازارهای مالی بین‌المللی به آنها وام نمی‌دهند و نمی‌توانند برای وام‌های دریافتی خود نزدیک به نرخ بازار بهره بپردازند. **انجمن بین‌المللی توسعه**، که وابسته به بانک جهانی است به فقیرترین کشورها وام می‌دهد. این انجمن که عمده اعتبارهای آن از مساعدت‌های ٤٠ کشور عضو ثروتمند تامین می‌شود به فقیرترین کشورها با اعطای وام بلاعوض و اعتبار کمک می‌کند. این «اعتبارها» عملا وام‌های بدون بهره هستند و وام گیرندگان تا شروع پرداخت اولین قسط ده سال فرصت دارند و مدت باز پرداخت آنها ۳۵ تا ٤٠ سال است. انجمن بین‌المللی توسعه در سال مالی ۲۰۰۳ مبلغ ۷/۳ میلیارد دلار برای تامین سرمایه ۱٤۱ طرح جدید در ۵۵ کشور کم درآمد ارائه داد. این انجمن بزرگترین منبع کمک‌های اعطایی در جهان است.

بانک جهانی براساس مقررات خود می‌تواند فقط به دولت‌ها وام بدهد، اما با جوامع محلی، سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های خصوصی همکاری نزدیک دارد. طرح‌های آن، چنان است تا به فقیرترین بخش‌های جمعیت کمک شود. توسعه موفقیت آمیز ایجاب می‌کند دولت‌ها و جوامع «مالک» طرح‌های توسعه خود باشند. بانک جهانی دولت‌ها را تشویق می‌کند برای تقویت مشارکت کسانی که تحت تاثیر طرح‌هایی هستند که با منابع مالی بانک اجرا می‌شوند، از نزدیک با سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی کار کنند. سازمان‌های غیردولتی کشورهای گیرنده وام در تقریبا نیمی از این طرح‌ها همکاری می‌کنند.

بانک جهانی با طرفداری از سیاست‌های با ثبات اقتصادی، برنامه‌های مالی درست دولت‌ها، و حکومت و مدیریت باز، درستکار و پاسخگو بخش خصوصی را تشویق می‌کند. بانک از بخش‌های بسیاری حمایت می‌کند که بخش خصوصی در آن زمینه‌ها به سرعت در حال پیشروی است یعنی در زمینه امور مالی، برق، ابزارهای ارتباطی، فن‌آوری اطلاعات، نفت و گاز و صنعت. مقررات بانک آن را از دادن وام مستقیم به بخش خصوصی باز می‌دارد اما یک وابسته آن یعنی **شرکت تامین مالی بین‌المللی**، از سرمایه گذاری در بخش خصوصی با حمایت از کشورها و بخش‌های پرخطر به ویژه پشتیبانی می‌کند. وابسته دیگر بانک، **کارگزاری چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری** است که به کسانی که در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری می‌کنند یا به آنها وام می‌دهند بیمه (تضمین) خطر سیاسی می‌دهد.

اما فعالیت بانک جهانی خیلی گسترده‌تر از قرض دادن پول است و شامل ارائه کمک فنی در

طرح‌هایی که آنها را تامین مالی می‌کند نیز می‌شود. این کار ممکن است ارائه نظر مشورتی درباره مسائلی مانند مقدار کلی بودجه یک کشور و محل اختصاص پول، یا چگونگی تاسیس درمانگاه‌های بهداشتی روستایی ، یا تجهیزات لازم برای ساختن جاده را نیز شامل شود. این بانک هر سال مخارج چند طرح را که منحصرا به تامین آموزش و مشورت تخصصی اختصاص یافته می‌پردازد و همچنین شیوه‌های ایجاد و اجرای برنامه‌های توسعه را به افرادی از کشورهای وام گیرنده تعلیم می‌دهد.

بانک بین‌المللی برای بازسازی و توسعه از طرح‌های توسعه پایدار در حوزه‌هایی مانند احیای جنگل‌ها، کنترل آلودگی و مدیریت زمین؛ آب، دفع بهداشتی فاضلاب و کشاورزی؛ و حفظ منابع طبیعی حمایت می‌کند. این بانک تامین کننده اصلی هزینه‌های تسهیلات جهانی محیط زیست است و در سال‌های اخیر منابع قابل توجهی را در اختیار ابتکار **کشورهای فقیر به شدت بدهکار** قرار داده، که در نتیجه آن بدهی ۲۶ کشور فقیر کاهش یافته و مجموع آن در طول زمان به ٤١ میلیارد دلار می‌رسد. بانک جهانی همچنین بزرگترین تامین کننده منابع مالی برای برنامه‌های مبارزه با بیماری ایدز و ویروس آن در جهان در مدت طولانی است تعهدات کنونی آن بیش از ۱/۳ میلیارد دلار است که نصف آن برای منطقه جنوب صحرای آفریقا است.

وام برای ثبات

کشورهای بسیاری، هنگامی که عوامل داخلی یا خارجی، موقعیت موازنه پرداخت‌ها، ثبات مالی یا توانایی انجام تعهدات مربوط به بهره بدهی آنها را تضعیف می‌کند، به **صندوق بین‌المللی پول**، کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد رو می‌آورند. صندوق بین‌المللی پول برای غلبه بر این مشکلات توصیه‌های مشورتی و مربوط به خط مشی ارائه می‌دهد، و غالبا در حمایت از برنامه‌های اصلاحات اقتصادی، منابع مالی در اختیار کشورهالی عضو قرار می‌دهد.

کشورهایی که در رابطه با موازنه پرداخت‌ها مشکل دارند، معمولا با «خرید» – دارایی‌های ذخیره – به صورت پول‌های اعضای دیگر و حق برداشت ویژه – به مبلغ معادل پول‌های خود از منابع مالی صندوق بین‌المللی پول سود می‌برند. صندوق بین‌المللی پول از این وام‌ها شارژ می‌گیرد، و اعضا را موظف می‌سازد با خرید دوباره پول‌های خود از صندوق بین‌المللی پول در طی زمانی خاص، وام‌ها را باز پرداخت کنند. تسهیلات اصلی صندوق بین‌المللی پول عبارتند از:

• *ترتیبات احتیاطی(موافقت‌نامه استفاده از حق برداشت ویژه)*، که برای ارائه کمک کوتاه مدت مربوط به موازنه پرداخت‌ها برای کسری‌های دارای ماهیت موقتی یا ادواری طراحی شده‌اند؛ این مبالغ باید در مدت پنج سال بازپرداخت شوند.

• *تسهیلات تمدید شده سرمایه*، برای حمایت از برنامه‌های میان مدت به منظور غلبه بر دشواری‌های موازنه پرداخت‌ها ناشی از مشکلات اقتصاد کلان و ساختاری طراحی شده‌اند؛ این مبالغ باید در طول ۱۰ سال بازپرداخت شوند.

• *تسهیلات رشد و کاهش فقر*، تسهیلات امتیازی که برای ارائه به کشورهای عضو کم درآمد با هدف آشکار کاهش فقر طراحی شده است. اعضای واجد شرایط دریافت اعتبار می‌توانند بر اساس قراردادی ۳ ساله بیش از ۱۴۰ درصد سهمیه خود (و بیش از ۱۸۵ درصد در شرایط استثنایی) وام بگیرند. بهره سالانه این وام‌ها ۰/۵ درصد است؛ شروع باز پرداخت ۵/۵ سال پس از دریافت و خاتمه آنها ۱۰ سال پس از شروع پرداخت است.

• *تسهیلات تامین مالی جبرانی*، که به اعضایی اعتبار می‌دهد که در حال تجربه کسری‌های صادراتی موقتی یا افزایش شدید هزینه‌های ورود غلات هستند.

• *حدود اعتبار احتمالی*، که هدف آن پیشگیری از گسترش بحران با توانمند سازی کشورهایی است که سیاست‌های درست را دنبال می‌کنند تا در صورت خطر بحران به منابع مالی دسترسی سریع داشته باشند.

• *تسهیلات ذخیره تکمیلی*، که در بحران‌های مالی برای دشواری‌های استثنایی مربوط به موازنه پرداخت‌ها به خاطر نیاز مالی زیاد کوتاه مدت از فقدان ناگهانی و مختل کننده اعتماد بازار ناشی شده، کمک مالی ارائه می‌دهد؛ این تسهیلات باید طی ۲/۵ سال بازپرداخت شود اما می‌توان آن را تا ۳ سال تمدید کرد.

صندوق بین‌المللی و بانک جهانی برای حذف بدهی کشورهای فقیر به شدت بدهکار پس از در پیش گرفتن سیاست‌های سالم به وسیله آنها، بر اساس ابتکار کشورهای فقیر به شدت بدهکار، به صورت مشترک به کشورهای واجد شرایط، کمک‌های استثنایی می‌دهند تا فشارهای ناشی از بدهی خارجی خود را به سطوح قابل تحمل کاهش دهند و بتوانند بهره بدهی‌های خود را بدون نیاز به حذف بیشتر بدهی بپردازند. این شیوه‌ای فراگیر است که شامل وام دهندگان چند جانبه، رسمی، دو جانبه و بازرگانی می‌شود.

نظارت، فرآیندی است که صندوق بین‌المللی پول به وسیله آن نرخ ارز اعضای خود را از طریق بررسی کامل موقعیت و سیاست‌های اقتصادی کلی هر عضو ارزیابی می‌کند. صندوق بین‌المللی پول از طریق مشورت‌های سالانه با تک تک کشورها فرآیند نظارت را انجام می‌دهد؛ نظارت چند جانبه دو بار در هر سال؛ نظارت منطقه‌ای از طریق بحث با گروه‌بندی‌های منطقه‌ای؛ و همچنین ترتیبات پیشگیرانه و احتیاطی، نظارت بیشتر و نظارت بر برنامه، که امکان نظارت نزدیک صندوق بین‌المللی پول را در غیاب استفاده از منابع صندوق بین‌المللی پول برای یک عضو فراهم می‌سازد.

صندوق بین‌المللی پول در چند حوزه گسترده کمک فنی به اعضای خود ارائه می‌دهد: طراحی و اجرای سیاست پولی و مالی؛ نهاد سازی، مانند ایجاد بانک‌های مرکزی یا خزانه‌داری‌ها؛ و گردآوری و پردازش داده‌های آماری. صندوق بین‌المللی پول همچنین مقام‌های کشورهای عضو را در موسسات خود در واشنگتن دی.سی، ابیجان، سنگاپور و وین تعلیم می‌دهد

سرمایه‌گذاری و توسعه

با گسترش چشمگیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورهای در حال توسعه به حد روز افزونی اقتصادهای خود را به روی چنین سرمایه‌گذاری‌هایی گشوده‌اند. بخش‌های گوناگون نظام ملل متحد مانند فائو، برنامه عمران ملل متحد و سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، بر تحولات نظارت و آنها را ارزیابی و به دولت‌های در حال توسعه در جذب سرمایه‌گذاری کمک می‌کنند.

دو سازمان وابسته به بانک جهانی، یعنی شرکت تامین مالی بین‌المللی، و کارگزاری چندجانبه تضمین سرمایه گذاری به ترویج و حمایت از سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کنند. **شرکت تامین مالی بین‌المللی** از طریق کار مشورتی خود به دولت‌ها کمک می‌کند شرایطی به‌وجود آورند که جریان سرمایه گذاری و پس‌اندازهای خصوصی خارجی و داخلی را ترغیب و تشویق کند. شرکت تامین مالی بین‌المللی با نشان دادن این که سرمایه‌گذاری در دنیای در حال توسعه می‌تواند سودآور باشد سرمایه گذاری در آنجا را ترغیب و بسیج می‌کند. شرکت تامین مالی بین‌المللی تا سال مالی ۲۰۰۲ بیش از ۳٤ میلیارد دلار از اعتبارهای خود را اختصاص داده، و ۲۱ میلیارد دلار به صورت شراکت کوتاه مدت برای حدود ۲,۸۲۵ شرکت در ۱٤۰ کشور در حال توسعه از زمان تاسیس خود در سال ۱۹٥٦ ترتیب داده بود.

کارگزاری چندجانبه تضمین سرمایه گذاری وابسته بانک برای بیمه سرمایه‌گذاری است. هدف آن تسهیل جریان سرمایه‌گذاری خصوصی برای مقاصد تولیدی در کشورهای عضو در حال توسعه، با ارائه بیمه خطر سیاسی طولانی مدت به سرمایه‌گذاران یعنی بیمه در برابر خطرهای مصادره، انتقال ارز، جنگ و ناآرامی‌های داخلی، و ارائه خدمات مشورتی است. کارگزاری چندجانبه برنامه‌های تبلیغاتی انجام می‌دهد، درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری اطلاعات منتشر می‌کند، و کمک فنی ارائه می‌دهد تا توانایی‌های تبلیغاتی کشورها را برای سرمایه‌گذاری افزایش دهد. کارگزاری تضمین سرمایه گذاری از زمان شروع کار در سال ۱۹۸۸ بیش از ٦٥۰ ضمانت برای طرح‌ها در ۸٥ کشور در حال توسعه صادر، و برای پرداخت بیش از ٥۰ میلیارد دلار در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تسهیلات به وجود آورده است.

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (انکتاد) به کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال انتقال کمک می‌کند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را ترویج و شرایط سرمایه‌گذاری خود را بهبود بخشند. انکتاد همچنین به کارگزاری‌های دولتی کمک می‌کند درک عمومی از گرایشات جهانی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سیاست‌های مربوطه، و همچنین رابطه متقابل بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت، فن‌آوری و توسعه را بهبود بخشند. نتایج کار انکتاد در *گزارش سالانه سرمایه‌گذاری جهانی، بررسی‌های سیاست سرمایه‌گذاری، دفتر راهنمای سرمایه‌گذاری جهانی و*

توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنان نیرویی محرک در اقتصاد جهانی است. گسترش مداوم جریان‌های سرمایه‌گذاری اهمیت نقش مهم ایفا شده به وسیله شرکت‌های فرا ملی در کشورهای صنعتی و در حال توسعه را نشان می‌دهد. براساس گزارش سرمایه‌گذاری جهانی ۲۰۰۳ انکتاد:

- جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌وسیله شرکت‌های فراملی که در سال ۲۰۰۰ به اوج ۱۳۹۳ میلیارد دلار رسیده بود در ۲۰۰۲ به ۶۵۰ میلیارد دلار کاهش یافت.
- تعداد شرکت‌های فراملی در سراسر جهان همچنان افزایش یافت و به بیش از ٦٤ هزار شرکت در سال ۲۰۰۲ رسید.
- حدود ۸۷۰ هزار وابسته خارجی شرکت‌های فراملی جهان حدود ۱۸ تریلیون دلار کالا و خدمات در ۲۰۰۲ فروختند که بیش از دو برابر میزان صادرات جهانی بود. تولید بین‌المللی مهمتر از تجارت بین‌المللی در تحویل کالاها و خدمات به بازارهای خارجی شده است.
- صد شرکت بزرگ فراملی غیرمالی در نظام تولید جهانی موقعیتی مسلط دارند. آنها در سال ۲۰۰۱ بیش از ۳ تریلیون دلار دارایی خارجی داشتند، فروش خارجی آنها به ۲ تریلیون دلار رسید و تقریبا ۷ میلیون نفر پرسنل در شرکت‌های وابسته خود در خارج داشتند.
- چهار شرکت از کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۱ در فهرست صد شرکت بزرگ فراملی جهان قرار داشتند که به ترتیب دارایی‌های خارجی عبارتند از: Hutchison Whampoa Limited (هنگ کنگ، چین)، Singtel Ltd. (سنگاپور)، Cemex S.A (مکزیک) و LG Electronics Inc. (جمهوری کره).

جریان های مالی خالص به کشورهای در حال توسعه ۲۰۰۲-۱۹۹۵

منبع : بانک جهانی - تامین سرمایه توسعه جهانی (۲۰۰۳)

مطالعات دیگر، که مبنای بحث‌های مربوط به خط مشی در کمیسیون سرمایه‌گذاری، فن‌آوری و مسائل مالی مربوطه انکتاد هستند، ارائه شده است.

انکتاد، از طریق **بخش فن‌آوری سرمایه‌گذاری و توسعه شرکت‌های** خود تفاهم درباره سرمایه‌گذاری، توسعه شرکت‌ها، و ظرفیت‌سازی در زمینه فن‌آوری را ترویج و در تنظیم و اجرای سیاست‌ها و فعالیت‌ها در این زمینه به دولت‌ها کمک می‌کند.

تجارت و توسعه

تجارت بین‌المللی با میانگین سالانه ٦/٥ درصد از اوایل دهه ۱۹۹۰ به شدت در حال رشد بوده، کشورهای توسعه یافته گوناگونی را قادر ساخته از دستاوردهای قابل توجهی در امر بهروزی و رشد برخوردار شوند. اما نابرابری‌های عمده باقی است و بسیاری از کشورهای فقیر هنوز به شکل حاشیه‌ای در تجارت بین‌المللی شرکت دارند.

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (انکتاد) وظیفه دارد نسبت به ادغام و همگرایی همه کشورها در تجارت جهانی اطمینان حاصل کند. انکتاد به عنوان نقطه مرکزی در سازمان ملل برای رسیدگی به مسائل مربوط به توسعه در حوزه‌های تجارت، تامین مالی، فن‌آوری، سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار برای به حداکثر رساندن فرصت‌های تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه کشورهای در حال توسعه فعالیت می‌کند. این سازمان به آنها کمک می‌کند با چالش‌های ناشی از جهانی سازی مواجه شوند و بر مبنایی برابر در اقتصاد جهان ادغام شوند.

انکتاد رسیدن به این هدف‌ها را از طریق تحقیق و تجزیه و تحلیل سیاست‌ها، مشورت‌های بین دولتی، همکاری فنی، و همکاری متقابل با جامعه مدنی و بخش بازرگانی و کسب و کار دنبال می‌کند.

انکتاد به ویژه:

- گرایش‌ها دراقتصاد جهانی را بررسی و تاثیر آنها را بر توسعه ارزیابی می‌کند؛
- به کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته کمک می‌کند تاثیر مثبت جهانی سازی و آزادسازی را به حداکثر برسانند، به آنها یاری می‌کند به نظام تجارت بین‌المللی ملحق شوند و فعالانه در مذاکرات تجارت بین‌المللی شرکت کنند؛
- گرایش‌های جهانی در جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تاثیر آنها را بر تجارت، فن‌آوری و توسعه بررسی می‌کند؛
- برای جذب سرمایه گذاری به کشورهای در حال توسعه یاری می‌دهد؛
- به کشورهای در حال توسعه برای ایجاد شرکت‌ها و کارآفرینی کمک می‌کند؛ و
- به کشورهای در حال توسعه و به کشورهای دارای اقتصادهای در حال انتقال کمک می‌کند کارآیی خدمات حمایتی تجاری خود را بهبود بخشند.

انکتاد از توسعه شرکت‌ها، به ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط، از طریق بحث‌های مرتب بین دولتی و از طریق همکاری فنی حمایت می‌کند. **کمیسیون توسعه و تسهیلات تجاری و شرکتی** آن راه‌های تنظیم و اجرای برنامه‌های موثر شرکتی و توسعه‌ای را بررسی می‌کند.

حمایت از تجارت منصفانه

مذاکرات بین دولتی تحت نظارت انکتاد نتایج زیر را به بار آورده است:

• قرارداد نظام‌های عمومی ترجیحات (۱۹۷۱)، که برای صدور بیش از ۷۰ میلیارد دلار کالای کشورهای در حال توسعه به کشورهای صنعتی در هر سال تسهیلات ایجاد می‌کند.

• قرارداد نظام جهانی ترجیحات تجاری بین کشورهای در حال توسعه (۱۹۸۹).

• قراردادهای بین‌المللی کالا، از جمله برای کاکائو، شکر، کائوچوی طبیعی، کنف و کالاهای ساخته شده از کنف، الوارحاره‌ای، قلع، روغن زیتون و گندم.

• صندوق مشترک برای کالاها، که برای عملیات سهام بین‌المللی و برای طرح‌های تحقیق و توسعه در زمینه کالاها حمایت مالی فراهم می‌کند.

• لغو بدهی: بیش از ۵۰ کشور در حال توسعه از لغو بیش از ۶/۵ میلیارد دلار بدهی از زمان صدور قطعنامه‌ای درباره تعدیل برگشت پذیر شرایط بدهی کمک توسعه رسمی کشورهای در حال توسعه کم درآمد که در سال ۱۹۷۸ تصویب شد، سود برده‌اند.

• رهنمودهایی برای اقدام بین‌المللی درباره تمدید مدت باز پرداخت بدهی (۱۹۸۰).

• توافق درباره چارچوب جهانی برای همکاری در زمینه حمل و نقل ترانزیت بین کشورهای فاقد دسترسی به دریا و کشورهای در حال توسعه در حال انتقال و جامعه کمک کننده (۱۹۹۵).

• کنوانسیون‌های سازمان ملل در زمینه حمل و نقل دریایی: شامل نظام نامه اداره کنفرانس‌های شرکت‌های کشتیرانی (۱۹۷٤)، درباره حمل بین‌المللی کالاها از طریق دریا (۱۹۷۸)، درباره حمل و نقل بین‌المللی چند شکلی کالاها (۱۹۸۰)، درباره شرایط برای ثبت کشتی‌ها (۱۹۸۶) و درباره حقوق تصرف و وثیقه‌های دریایی (۱۹۹۳).

انکتاد همچنین تنها قانون داوطلبانه همگانی درباره رقابت، یعنی قرارداد سال ۱۹۸۰ را درباره مجموعه‌ای از اصول و مقررات چند جانبه برای کنترل شیوه‌های محدود کننده کسب و کار، مطرح کرد که هر پنج سال در آنها تجدیدنظر می‌شود. این قرارداد آخرین بار در سال ۲۰۰۰ با همکاری نزدیک بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی بازنگری شد تا کارآیی و برابری در مسائل رقابتی را افزایش دهد.

فعالیت‌های انکتاد در زمینه همکاری فنی شامل بیشتر از ۳۰۰ طرح در بیش از ۱۰۰ کشور است که هر سال برای آنها حدود ۲٤ میلیون دلار تامین می‌کند. این طرح‌ها شامل:

• *شیوه خودکار اطلاعات گمرکی* با استفاده از جدیدترین فن‌آوری، به دولت‌ها کمک می‌کند مدیریت و شیوه‌های گمرکی را امروزی کنند. این شیوه که بیش از ٦۰ کشور از آن استفاده می‌کنند به سرعت در حال تبدیل به معیار بین‌المللی پذیرفته شده برای خودکاری گمرکات می‌شود.

• *نظام پیشرفته اطلاعات مربوط به حمل بار* به کشورهای آفریقایی کمک می‌کند بخش حمل و نقل خود را با استفاده از فن‌آوری رایانه برای ردیابی بار در مسیرهای زمینی و دریایی توسعه دهند.

• *برنامه* EMPRETEC از توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط حمایت می‌کند. یک شبکه اطلاعات امکان دسترسی کارآفرینان را به پایگاه‌های داده‌های تجاری فراهم می‌کند.

مرکز تجارت بین‌المللی انکتاد / سازمان تجارت جهانی (مرکز تجارت بین‌المللی) نقطه مرکزی در نظام ملل متحد برای همکاری فنی با کشورهای در حال توسعه در زمینه ترویج تجارت است. این مرکز برای تدوین برنامه‌های ترویج تجارت به منظور افزایش صادرات و بهبود فعالیت‌های مربوط به

واردات کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصادهای در حال انتقال با این کشورها کار می‌کند.

تخصص مرکز تجارت بین‌المللی انکتاد شش حوزه زیر را در بر می‌گیرد:

- توسعه محصول و بازار؛
- توسعه خدمات حمایت از تجارت؛
- اطلاعات مربوط به تجارت؛
- توسعه منابع انسانی؛
- مدیریت بین‌المللی خرید و عرضه؛ و
- ارزیابی نیازها و طراحی برنامه برای ترویج تجارت.

طرح‌های همکاری فنی در زمینه ترویج تجارت به وسیله متخصصان مرکز تجارت بین‌المللی انجام می‌شود که با همکاری نزدیک مسئولان تجارت محلی کار می‌کنند. طرح‌های ملی غالبا شکل مجموعه‌ای گسترده از خدمات برای گسترش صادرات و بهبود عملیات واردات کشور می‌گیرند.

توسعه کشاورزی

اکثریت مردم کره زمین هنوز در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و معاش خود را مستقیم یا غیر مستقیم بیشتر از کشاورزی تامین می‌کنند. فقر روستایی در دهه‌های اخیر گسترش یافته و عمیق شده و در حرکت شتاب زده به سوی صنعتی شدن، سرمایه‌گذاری کافی در بخش کشاورزی به عمل نیامده است. سازمان ملل به راه‌های گوناگون به این عدم تعادل پرداخته است.

سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد (فائو) کارگزاری اصلی برای امور کشاورزی، جنگلبانی، شیلات و توسعه روستایی است. فائو از طریق طیفی گسترده از طرح‌های کمک فنی به کشورهای در حال توسعه کمک عملی می‌دهد. اولویتی ویژه، تشویق توسعه روستایی و کشاورزی پایدار یعنی برنامه طولانی مدت برای افزایش محصولات غذایی و امنیت غذایی همراه با حفظ و مدیریت منابع طبیعی است.

فائو برای حمایت از توسعه پایدار در کشاورزی، نگرشی یکپارچه، با گنجاندن ملاحظات اجتماعی و اقتصادی و مربوط به محیط زیست در تنظیم طرح‌های توسعه را تشویق می‌کند. برای مثال، در بعضی حوزه‌ها، مجموعه‌های ویژه محصولات می‌تواند بهره‌وری و تولید کشاورزی را بهبود بخشد، منبعی از چوب برای سوخت روستاییان محلی تامین کند، حاصلخیزی خاک را بهتر کند و از تاثیر فرسایش زمین بکاهد.

فائو به طور میانگین حدود ۲۰۰۰ طرح محلی دارد که در هر زمان مفروضی در حال اجرا

است. این طرح‌ها از طرح‌های یکپارچه مدیریت زمین تا واکنش اضطراری، برنامه ریزی و مشورت سیاسی به دولت‌ها در زمینه‌هایی با تنوع جنگلبانی و برنامه‌های بازاریابی، متفاوت است. فائو معمولا انجام یکی از این سه وظیفه را به عهده می‌گیرد: اجرای برنامه خود؛ اجرای برنامه‌ای از جانب سایر کارگزاری‌ها و کمک کنندگان؛ یا ارائه نظر مشورتی و کمک مدیریتی به طرح‌های ملی.

مرکز سرمایه‌گذاری فائو در تدوین طرح‌های سرمایه‌گذاری در توسعه کشاورزی و روستایی به کشورهای در حال توسعه یاری می‌کند. این یاری هر سال به بسیج حدود ۳ میلیارد دلار برای طرح‌های سرمایه‌گذاری، از جمله بیش از ۲ میلیارد دلار اعتبار خارجی کمک می‌کند.

فائو در امر توسعه زمین و آب، تولید گیاهان و حیوانات، جنگلبانی، شیلات، سیاست امنیت غذایی، اجتماعی و اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تغذیه، استانداردهای غذایی و ایمنی غذایی، و کالا و تجارت فعال است. برای مثال:

• برنامه‌ای در ۹ کشور جنوبی آفریقا به جمعیت‌های روستایی کمک می‌کند با پرورش ماهی به معیارهای زندگی و تغذیه خود کمک کنند. مقادیر اندک آب به فرآیند تولید آورده می‌شود، و محصولات دریایی با محصولات خشکی ترکیب می‌شود. کشاورزان کوچک به این ترتیب تولید مواد غذایی را برای مصرف و تجارت گسترش داده‌اند.

• کشاورزان کم‌بضاعت در سریلانکا تشویق شده‌اند گروه‌های غیررسمی برای فعالیت‌های تولید درآمد، مانند احیا و آباد کردن زمین یا کنسرو کردن در مقیاس کوچک تشکیل دهند. به گروه‌ها آموزش داده می‌شود چگونه با، مثلا، خرید کود به صورت عمده و عرضه محصولات به اتفاق به بازار، به سود اقتصادی دست یابند. حدود ٤ هزار کشاورز فقیر از این طرح سود برده‌اند.

• براساس طرحی در مالی صندوق‌های سیار ایجاد شده تا گروه‌های زنان بتوانند بذر، کود، پمپ آب و آسیاب خریداری کنند. زنان برای مصارف خانگی و فروش، سبزیجات تولید کرده و مازاد محصولات را در بازارهای هفتگی تازه تاسیس می‌فروشند. زنان روستایی به این ترتیب فعالیت‌هایی برای افزایش تولید مواد غذایی، افزایش درآمد، بهبود بهداشت و دسترسی به آب انجام داده‌اند.

• ۲۰۰ هزار برنجکار اندونزی با استفاده از روش‌های مدیریت یکپارچه دفع آفات پیشنهادی فائو، محصول خود را افزایش و استفاده از حشره‌کش‌ها را کاهش داده‌اند و به این ترتیب به حفظ محیط زیست و کیفیت مواد غذایی کمک کرده و سالی ۱۲۰ میلیون دلار بابت یارانه خرید حشره‌کش به دولت استفاده رسانده‌اند.

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی طرح‌های توسعه کشاورزی را که از فقر روستایی می‌کاهند و وضع تغذیه را در دنیای در حال توسعه بهبود می‌بخشند تامین مالی می‌کند. شیوه کار مشارکتی و همگانی این صندوق ویژگی مشخص کننده فعالیت آن است. ساختار کوچک اما کارآمد صندوق آن را قادر می‌سازد تقاضاهای جدید را در بخش روستایی شناسایی کند و به شیوه‌ای انعطاف پذیر و به موقع به آنها واکنش نشان دهد. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی در اجرای ماموریت خود به طور مستقیم اعتبار می‌دهد و منابع را برای برنامه‌هایی بسیج می‌کند که به ویژه برای حمایت از پیشرفت اقتصادی فقیران روستایی، یعنی برای بهبود تولید و بهره‌وری فعالیت‌های کشاورزی طراحی شده‌اند.
فقیرترین مردم جهان یعنی کشاورزان خرده پا، روستاییان بی‌زمین، چوپان‌های چادر نشین، ماهیگیران خرده‌پای حرفه‌ای، افراد و اقوام بومی، و همه گروه‌های زنان فقیر روستایی کسانی هستند که از مزایای صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی سود می‌برند. بیشتر منابع آن با شرایط عالی، قابل باز پرداخت در بیش از ٤٠ سال، از جمله عدم پرداخت اقساط در ١٠ سال اول پس از دریافت و سود سالانه ٠/٧٥ درصد به کشورهای فقیر پرداخت می‌شود. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی از زمان تاسیس در ١٩٧٧ بودجه اجرای ٦٣٣ طرح را در ١١٥ کشور و سرزمین مستقل با بیش از ٧/٧ میلیارد دلار وام و ٣٥/٤ میلیون دلار کمک بلاعوض تامین کرده است. کشورهای دریافت کننده(recipient) ٧/٩ میلیارد دلار کمک کرده و کمک دهندگان ٦/٦ میلیارد دلار به صورت تامین سرمایه مشترک فراهم کرده‌اند. این طرح‌ها به حدود ٥٠ میلیون خانواده فقیر روستایی، یا حدود ٢٥٠ میلیون نفر کمک کرده‌اند.

توسعه صنعتی

جهانی سازی صنعت، چالش‌ها و فرصت‌های صنعتی بی‌سابقه‌ای برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصادهای در حال انتقال به وجود آورده است. **سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)** کارگزاری تخصصی است که به این کشورها کمک می‌کند توسعه صنعتی پایدار را در محیط جهانی جدید پیگیری کنند. یونیدو با کمک به دولت‌ها، اتحادیه‌های بازرگانی و بخش صنعتی خصوصی با مجموعه خدمات یکپارچه برای رسیدگی به سه حوزه اولویت زیر، برای مسائل صنعتی امروز راه حل‌های مناسب ارائه می‌دهد.

- *اقتصاد رقابتی*، از جمله تنظیم و اجرای سیاست صنعتی، حمایت مداوم از اصلاحات و مدیریت کیفیت، و سرمایه‌گذاری و فن‌آوری.
- *محیط زیست سالم*، از جمله سیاست‌های مربوط به محیط زیست، کارآیی انرژی و تولید پاکتر.

• *اشتغال مولد*، از جمله سیاست‌هایی در حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط، توسعه کارآفرینی و کار آفرینان زن.

یونیدو با اقدام به عنوان مجمعی برای توسعه صنعتی، نمایندگان دولت‌ها، صنایع و بخش‌های خصوصی و عمومی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، و همچنین از کشورهای دارای اقتصادهای در حال انتقال را گردهم می‌آورد. یونیدو از طریق برنامه‌های همکاری فنی خود، وظیفه تداوم توسعه صنعتی را که از نظر اقتصادی سودمند، از نظر اجتماعی مطلوب و از نظر بوم شناختی درست باشد به اجرا در می‌آورد.

یونیدو به اتفاق کشورهای عضو، مجموعه‌های یکپارچه‌ای از الگوهای خدمت طراحی کرده تا نیازهای ویژه کشورها را در زمینه تقویت توانایی‌های صنعتی و دستیابی به توسعه صنعتی پاک‌تر و پایدار تامین کند.

۱۳ دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری و فن‌آوری یونیدو، که بودجه آن‌ها به وسیله کشورهایی که در آن‌ها قرار دارند تامین می‌شود از تماس‌های بازرگانی بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصادهای در حال انتقال حمایت می‌کنند. یونیدو ۵ واحد حمایت از سرمایه‌گذاری، ۲۷ مرکز تولید ملی پاکتر و ۱۰ مرکز فن‌آوری بین‌المللی دارد. یونیدو که مقر آن در وین است، در ۳۵ کشور در حال توسعه، از طریق ۹ دفتر منطقه‌ای، ۲۰ دفتر کشوری و ٦ نقطه مرکزی، نمایندگی دارد.

کار

سازمان بین‌المللی کار (ایلو) در ارتباط با جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه، یکی از کارگزاری‌های تخصصی است که عمر آن بیش از حیات سازمان ملل است زیرا در سال ۱۹۱۹ تاسیس شد. فعالیت زیاد و متنوع آن در تعیین و نظارت بر اجرای معیارهای کار در محل‌های کار چارچوبی از معیارها و رهنمودهای بین‌المللی برای کار فراهم ساخته که در قوانین ملی تقریبا همه کشورها تصویب و پذیرفته شده است.

ایلو از این اصل پیروی می‌کند که ثبات و یکپارچگی اجتماعی فقط در صورتی می‌تواند حفظ شود که بر مبنای عدالت اجتماعی – به ویژه حق اشتغال با مزایای عادلانه در کارگاه های سالم و بهداشتی – استوار باشد. ایلو در طول دهه‌ها به ایجاد معیارهایی مانند هشت ساعت کار روزانه، حفاظت از مادران، قوانین وحقوق مربوط به کار کودکان، و مجموعه‌ای کامل از سیاست‌ها که از ایمنی در محل کار و روابط صنعتی مسالمت‌آمیز حمایت می‌کند، کمک کرده است.

ایلو به ویژه در فعالیت‌های زیر شرکت دارد:

• تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های بین‌المللی برای حمایت از حقوق بشر بنیادی، بهبود شرایط کار و زندگی و افزایش فرصت‌های اشتغال؛
• ایجاد معیارهای بین‌المللی برای کار – با حمایت نظامی منحصر به فرد برای نظارت بر اجرای آنها – برای خدمت به عنوان رهنمودهایی برای مسئولان ملی در اجرای سیاست‌های درست کارگری؛
• برنامه گسترده همکاری فنی، که با مشارکت عوامل ذینفع تنظیم و اجرا می‌شود تا به کشورها کمک شود این سیاست‌ها را به گونه‌ای موثر اجرا کنند؛ و
• فعالیت‌های کارآموزی، آموزشی، تحقیقی و اطلاعاتی برای کمک به پیشبرد تمام این تلاش‌ها.

کار شرافتمندانه. هدف اصلی ایلو ترویج و حمایت از ایجاد فرصت‌ها برای کار شرافتمندانه برای همه مردم است. کنفرانس بین‌المللی کار چهار هدف را تصویب کرده است که باید با این هدف اصلی همگرا شوند. این هدف‌ها عبارتند از:
• ترویج و تحقق اصول و حقوق بنیادی در کار؛
• ایجاد فرصت‌های بهتر برای زنان و مردان برای دستیابی به درآمد و اشتغال شرافتمندانه؛
• افزایش شمول و تاثیر حمایت اجتماعی برای همه؛ و
• تقویت گفت و گو بین دولت‌ها، کارگران و کارفرماها.

ایلو برای اجرای این هدف‌ها توجه خود را بر حوزه‌هایی مانند حذف تدریجی کار کودکان، ایمنی و سلامتی در محیط کار؛ امنیت اجتماعی – اقتصادی؛ ترویج و حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط؛ ایجاد مهارت‌ها، دانش و قابلیت اشتغال؛ حذف تبعیض و نابرابری جنسیتی؛ و حمایت از *اعلامیه اصول و حقوق بنیادی در کار ایلو*، مصوب کنفرانس بین‌المللی کار در ۱۹۸۸، متمرکز کرده است.

همکاری فنی. همکاری فنی ایلو بر پشتیبانی از دموکراتیک سازی، کاهش فقر از طریق ایجاد اشتغال، و حمایت از کارگران متمرکز است. ایلو به ویژه به کشورها کمک می‌کند تا قوانین مربوطه خود را تدوین کنند و گام‌های عملی در جهت اجرای ضوابط آن – برای مثال با ایجاد ادارات ایمنی و بهداشت کار، نظام‌های تامین اجتماعی، و برنامه‌های آموزش کارگران – بردارند. طرح‌هایی از طریق همکاری نزدیک بین کشورهای دریافت کننده، کمک دهنده و ایلو در حال اجرا است که شبکه‌ای از دفاتر حوزه‌ای و منطقه‌ای در سراسر جهان دارد. ایلو در حدود ۱٤۰ کشور و سرزمین برنامه‌های همکاری فنی دارد و در دهه گذشته هر سال به طور متوسط ۱۳۰ میلیون دلار برای طرح‌های همکاری فنی صرف کرد.

مرکز بین‌المللی کارآموزی ایلو، واقع در تورین، ایتالیا برای مدیران ارشد و سطح میانی

شرکت‌های خصوصی و دولتی، رهبران سازمان‌های کارگران و کارفرمایان، مقام‌های دولتی و سیاستگذاران، برنامه‌های آموزشی ترتیب می‌دهد. از زمان گشایش این مرکز در سال ۱۹٦۵ حدود ۸۰ هزار نفر از ۱۷۲ کشور آموزش دیده‌اند.

موسسه بین‌المللی مطالعات کارگری ایلو، واقع در ژنو، از تحقیقات در زمینه خط مشی و بحث‌های همگانی درباره مسائل در حال ظهور مورد علاقه ایلو حمایت می‌کند. موضوع سازمانی، رابطه بین موسسات کار، رشد اقتصادی و برابری اجتماعی است. این موسسه به عنوان مجمعی جهانی درباره سیاست اجتماعی، اقدام می‌کند شبکه‌های تحقیقاتی بین‌المللی دارد و برنامه‌های آموزشی برگزار می‌کند.

هوانوردی بین‌المللی

حدود ۱/٦ میلیارد مسافر فقط در سال ۲۰۰۲ در بیش از ۲۰ میلیون سفر پرواز کردند و نزدیک به ۳۰ میلیون تن کالای ساخته شده – غیر از بار همراه مسافران، مواد غذایی و غیره – با هواپیما جا به جا شد. رشد امن و منظم سفرهای هوایی بین‌المللی تحت نظارت **سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)**، که کارگزاری تخصصی سازمان ملل است، صورت می‌گیرد.

هدف ایکائو این است که نیاز مردم را به حمل و نقل هوایی امن، منظم، کارآمد و مقرون به صرفه تامین، و رشد امن و منظم هوانوردی کشوری بین‌المللی را در سراسر جهان تضمین کند. این سازمان هنرهای طراحی و فعالیت هواپیما را برای مقاصد صلح جویانه، و همچنین توسعه شرکت‌های هواپیمایی، فرودگاه‌ها و تاسیسات هدایت هواپیمایی را تشویق می‌کند.

ایکائو برای رسیدن به این هدف‌ها:

• ضوابط و پیشنهادهای بین‌المللی را تصویب کرده که در طراحی و عملکرد هواپیماها و بیشتر تجهیزات آنها؛ عملکرد خلبانان هواپیما، خدمه پرواز، مسئولان کنترل ترافیک هوایی، و خدمه زمینی و نگهداری؛ و تشریفات و ساز و کارهای امنیتی در فرودگاه‌های بین‌المللی به کار رفته‌اند.

• مقررات دیداری و ابزاری پرواز، و همچنین نمودارهای هوایی مورد نیاز هوانوردی بین‌المللی را تنظیم می‌کند؛ سیستم‌های ارتباطی هواپیماها، فرکانس‌های رادیویی و ساز و کارهای امنیتی نیز در حوزه مسئولیت آن است؛

• برای کاهش تاثیر هوانوردی بر محیط زیست از طریق کاهش مواد خروجی از هواپیماها و محدود کردن صدای آنها فعالیت می‌کند؛

• در امر نقل و انتقال هواپیماها، مسافران، خدمه، باروبنه مسافران، محموله‌های بزرگ بار و

محموله‌های پستی از مرزها، با استاندارد کردن مقررات گمرکی، مهاجرت، بهداشت عمومی و سایر تشریفات، تسهیلات به وجود می‌آورد.
چون مداخلات غیرقانونی به صورت تهدیدی جدی برای ایمنی و امنیت هوانوردی کشوری بین‌المللی ادامه دارد، ایکائو همچنان به پیگیری سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای پیشگیری از آنها ادامه می‌دهد. ایکائو پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، برنامه اقدامی برای امنیت هوایی، و برنامه‌ای برای آموزش اصول امنیت هوانوردی تهیه کرد که در حال حاضر از هفت مجموعه آموزشی تشکیل شده است. ایکائو ده مرکز آموزشی امنیت هوانوردی برای حمایت از همکاری منطقه‌ای در این زمینه حیاتی دارد.
ایکائو به علاوه، تقاضاهای کشورهای در حال توسعه را برای کمک به بهبود سیستم‌های حمل و نقل هوایی و آموزش پرسنل هوانوردی تامین می‌کند. ایکائو به ایجاد مراکز آموزش منطقه‌ای در چند کشور در حال توسعه کمک کرده، و هزاران دانشجو را قادر ساخته در مدارس آموزشی مورد نظر ایکائو شرکت کنند. این کارگزاری کارشناسان همکاری فنی را به بیش از صد کشور اعزام کرده، و هر سال در حدود ۱۲۰ طرح، با میانگین هزینه سالانه ٥٤ میلیون دلار، شرکت می‌کند.
ایکائو اکنون در حال ایجاد سیستمی ماهواره‌ای برای تامین نیازهای آتی هوانوردی کشوری در زمینه‌های ارتباطات، هدایت و جهت‌یابی هوایی، مدیریت دیده‌بانی و ترافیک هوایی است. این سیستم از جدیدترین فن‌آوری در زمینه ماهواره و رایانه، پیوندهای اطلاعاتی و علم الکترونیک هوانوردی برای تامین نیازهای عملیاتی فزاینده هوایی استفاده می‌کند. این نظام یکپارچه جهانی، ایمنی سازمان دادن و فعالیت خدمات ترافیک هوایی را بیشتر و بهتر خواهد کرد. این سیستم که به تایید کشورهای عضو ایکائو رسیده اینک در مرحله اجرایی است.
ایکائو با اتحادیه بین‌المللی حمل و نقل هوایی، شورای بین‌المللی فرودگاه‌ها، فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های خلبانان هواپیما، و شورای بین‌المللی اتحادیه‌های خلبانان و مالکان هواپیماها همکاری می‌کند.

کشتیرانی بین‌المللی

سازمان بین‌المللی دریانوردی (ایمو) در سال ۱۹۵۹ که نخستین مجمع خود را تشکیل داد کمتر از ٤٠ کشور عضو آن بودند اما اینک ١٦٢ کشور عضو آن هستند و بیش از ۹۸ درصد ناوگان‌های بازرگانی جهان از کنوانسیون‌های بین‌المللی اصلی آن درباره کشتیرانی پیروی می‌کنند.

تصویب حقوق دریانوردی مسئولیت اصلی ایمو است و حدود ٤٠ کنوانسیون و پروتکل تصویب کرده که بیشتر آنها هماهنگ با دگرگونی‌های کشتیرانی جهان تغییر یافته‌اند. مقررات مربوط به امنیت دریانوردی به هدف‌های این سازمان در زمینه بهبود ایمنی کشتیرانی بین‌المللی و پیشگیری از آلودگی دریاها از کشتی‌ها، اضافه شده است. از مسائل اصلی مورد رسیدگی مربوط به محیط زیست، انتقال ارگانیسم‌های زیانبار آبی در آب و رسوب‌های وزنه تعادل، خروج گازهای گلخانه‌ای از کشتی‌ها و بازیابی کشتی‌ها است.

سازمان بین‌المللی دریانوردی در ابتدا توجه خود را بر ایجاد معاهدات و سایر حقوق وقوانین بین‌المللی مربوط به ایمنی کشتیرانی و پیشگیری از آلودگی دریاها متمرکز کرده بود. امروز توجه اصلی آن بر اجرای ضوابط بین‌المللی خود، در کنار ادامه اصلاح و به روز کردن قوانین وحقوق موجود و از بین بردن کاستی‌های موجود در ساز و کارهای نظارتی است.

معاهدات اصلی ایمو درباره ایمنی دریانوردی و پیشگیری از آلودگی دریاها به وسیله کشتی‌ها که در دنیا اجرا می‌شوند، عبارتند از:

- *کنوانسیون بین‌المللی ظرفیت خطوط کشتیرانی (LL)*، ١٩٦٦
- *مقررات بین‌المللی برای پیشگیری از تصادفات در دریا (*COLREG*)*، ١٩٧٢
- *کنوانسیون بین‌المللی کانتینرهای امن (*CSC*)*، ١٩٧٢
- *کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری از آلودگی از کشتی‌ها*، ١٩٧٣، که با پروتکل مربوطه الحاقی ١٩٧٨ اصلاح شد (MARPOL)
- *کنوانسیون بین‌المللی ایمنی زندگی در دریا* (SOLAS)، ١٩٧٤
- *کنوانسیون بین‌المللی معیارهای آموزش، صدور گواهی، و نظارت برای دریانوردان (STCW)*، ١٩٧٨
- *کنوانسیون بین‌المللی نجات و تحقیقات دریانوردی* (SAR)،١٩٧٩

مقررات فراوانی، که بعضی از آنها اجباری شده، به مسائل ویژه، مانند حمل کالاهای خطرناک و کشتی‌های سریع، رسیدگی می‌کنند. حقوق بین‌الملل مدیریت ایمنی، که با انجام اصلاحات SOLAS که در ١٩٩٤ به تصویب رسید اجباری شد، به افرادی رسیدگی می‌کند که در کشتی‌ها فعالیت و آنها را اداره می‌کنند. توجه ویژه به معیارهای مربوط به خدمه کشتی‌ها، از جمله با تجدید نظر کامل در کنوانسیون سال ١٩٧٨ مربوط به آموزش و صدور گواهینامه دریانوردان در سال ١٩٩٥، که برای نخستین بار وظیفه نظارت بر پیروی از این کنوانسیون را به ایمو سپرد، معطوف شده است.

ایمنی زندگی در دریا همچنان از هدف‌های اصلی ایمو است. *شبکه جهانی ایمنی و اعلام خطر دریایی* در سال ۱۹۹۹ به طور کامل عملیاتی شد و کمک به هر کشتی به خطر افتاده را عملا در هر جای جهان تضمین کرد؛ حتی اگر خدمه آن وقت نداشته باشند با بی‌سیم کمک بخواهند، تقاضای کمک به صورت خودکار ارسال می‌شود.

کنوانسیون‌های گوناگون ایمو مسائل مربوط به پرداخت غرامت و تعهدات را نیز در بر می‌گیرند. مهمترین آنها *پروتکل کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی برای خسارت ناشی از آلودگی نفتی* (کنوانسیونCLC،۱۹٦۹)، و *پروتکل کنوانسیون بین‌المللی ایجاد صندوق بین‌المللی غرامت برای خسارات آلودگی نفتی* ۱۹۹۲ (صندوق IOPC، ۱۹۷۱) هستند که به اتفاق برای قربانیان خسارات آلودگی نفتی غرامت فراهم می‌سازند. *کنوانسیون آتن مربوط به حمل و نقل مسافران و باروبنه آنان در دریا* (PAL،۱۹۷٤) محدوده‌های غرامت برای مسافران را در کشتی‌ها تعیین می‌کند.

سازمان بین‌المللی دریانوردی دسامبر ۲۰۰۲ حقوق بین‌المللی امنیت کشتی و تسهیلات بندر را تصویب کرد که پیروی از مقررات جدید مربوط به حفاظت کشتیرانی از حملات تروریستی را ایجاب می‌کند. اجرای این قانون که با اصلاح *کنوانسیون بین‌المللی ایمنی زندگی در دریا* (SOLAS) به تصویب رسید، از اول ژوییه ۲۰۰٤ اجباری شد.

هدف برنامه همکاری فنی ایمو، حمایت از اجرای معیارها و مقررات بین‌المللی آن، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، و کمک به دولت‌ها در اداره موفقیت آمیز صنعت کشتیرانی است. تاکید کار آن بر آموزش است، و ایمو **دانشگاه جهانی دریانوردی** در مالمو، سوئد، موسسه بین‌المللی حقوق دریانوردی، در مالت، و دانشگاه بین‌المللی دریانوردی در تریسته، ایتالیا را تحت حمایت دارد .

ارتباطات دور برد

ارتباطات دوربرد کلید ارائه خدمات جهانی شده‌اند. صنایع بانکداری، گردشگری، حمل و نقل و اطلاعات همه به ارتباطات جهانی سریع و قابل اعتماد بستگی دارند. تحولات نیرومند مانند جهانی سازی، مقررات زدایی، تغییر ساختارها، خدمات شبکه‌ای دارای ارزش افزوده، شبکه‌های هوشمند و ترتیبات منطقه‌ای در حال ایجاد انقلاب در این بخش هستند. چنین تحولاتی ارتباطات دوربرد را از حالت اولیه آن به عنوان وسیله‌ای عمومی به ابزاری که پیوندهایی نیرومند با بازرگانی و تجارت دارد، تبدیل کرده‌اند. پیش‌بینی شده است بازار جهانی ارتباطات دوربرد از حدود ۱/٤ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به حدود ۱/۷ تریلیون دلار در ۲۰۰۷ افزایش خواهد یافت.

اتحادیه بین‌المللی ارتباطات، قدیمی‌ترین سازمان بین دولتی جهان، تاسیس ۱۸٦۵، به اتکای چنین زمینه‌هایی فعالیت می‌کند. بخش‌های خصوصی و دولتی در چارچوب این اتحادیه خدمات و شبکه‌های ارتباطات دوربرد جهانی را هماهنگ می‌کنند.

اتحادیه بین‌المللی ارتباطات به طور خاص اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

• معیارهایی تعیین می‌کند که پیوند متقابل بین ساختارهای زیربنایی ارتباطی ملی را با شبکه‌های جهانی تقویت می‌کند، مبادله بی‌وقفه اطلاعات را – از طریق دیتا، نمابر یا مکالمه تلفنی – در سراسر جهان امکان پذیر می‌سازد؛

• برای ادغام و تلفیق فن‌آوری‌های جدید در شبکه ارتباطات جهانی فعالیت می‌کند، امکان استفاده از امکانات جدید مانند اینترنت، پست الکترونیکی، تجارت الکترونیکی و چند رسانه‌ای را به وجود می‌آورد؛

• مقررات و معاهده‌های بین‌المللی حاکم بر تقسیم طیف فرکانس رادیویی و موقعیت‌های ماهواره‌ای مداری – یعنی منابع طبیعی محدودی که مورد استفاده طیفی گسترده از تجهیزات از جمله پخش رادیویی و تلویزیونی، تلفن‌های همراه، سیستم‌های ارتباطات ماهواره‌ای، سیستم‌های ایمنی و جهت یابی هوایی و دریایی، و سیستم‌های رایانه بی‌سیم هستند – را تصویب می‌کند؛

• می‌کوشد ارتباطات دوربرد را در دنیای در حال توسعه با ارائه نظرهای مشورتی در زمینه خط مشی، کمک فنی، مدیریت و آموزش طرح، و ایجاد و تقویت مشارکت‌ها بین ادارات ارتباطات، کارگزاری‌های تامین بودجه و سرمایه و سازمان‌های خصوصی گسترش دهد و بهبود بخشد.

اتحادیه بین‌المللی ارتباطات همچنین نقش مدیریتی مهمی برای **اجلاس جهانی سران جامعه اطلاعاتی** دارد. در جریان نخستین مرحله این اجلاس که از ۱۰ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ در ژنو تشکیل شد، شرکت کنندگان اعلامیه اصول و برنامه اقدام به منظور ایجاد جامعه اطلاعاتی مردم محور، فراگیر و توسعه‌گرا تصویب کردند که در آن همه بتوانند اطلاعات و دانش ایجاد کنند، به آنها دسترسی داشته باشند، استفاده کنند و در آنها سهیم باشند. مرحله پایانی این اجلاس از ۱٦ تا ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ در تونس تشکیل می‌شود.

تفاوت از نظر تعداد تلفن ها کاهش می یابد

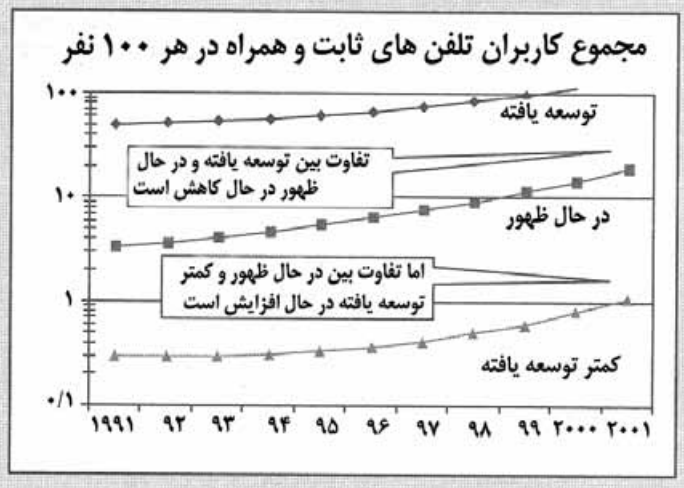

اما تفاوت در زمینه اینترنت افزایش می یابد

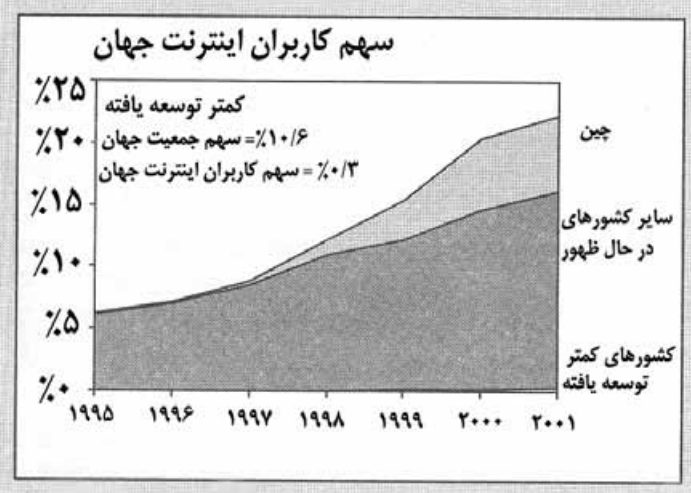

یادداشت: نمودار بالا لگاریتمی است. منظور از توسعه یافته: اتحادیه اروپا . ایسلند . نروژ . سوئیس . کانادا . ایالات متحده ژاپن . استرالیا . نیوزیلند. هنگ کنگ . جمهوری کره . سنگاپور و تایوان چین. کشورهای کمتر توسعه یافته: ۴۹ کشور کمتر توسعه یافته و در حال ظهور: همه کشورهای دیگر است.

منبع: ITU. گزارش توسعه جهانی ارتباطات (۲۰۰۲)

در محیط ارتباطات دوربرد امروز که به سرعت در تحرک و پیشرفت است، عضویت در اتحادیه بین‌المللی ارتباطات به دولت‌ها و سازمان‌های خصوصی فرصتی منحصر به فرد می‌دهد تا مساعدتی مهم و ارزشمند به تحولاتی کنند که جهان را به سرعت تغییر می‌دهند. عضویت در اتحادیه بین‌المللی ارتباطات، نشانه حضور در مرکز صنعت فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات- با حضور بزرگترین تولید کنندگان و حاملان جهان تا عوامل کوچک و نوآور جدید که در حوزه‌های جدید مانند شبکه بندی پروتکل اینترنت (IP) کار می‌کنند- است.
اتحادیه بین‌المللی ارتباطات علاوه بر ۱۸۹ کشور عضو، بیش از ٦٤٠ عضو منطقه‌ای و حدود ۹۵ عضو وابسته دارد که نماینده شرکت‌های علمی و صنعتی، دست‌اندرکاران و پخش‌کنندگان رادیو و تلویزیونی دولتی و خصوصی، و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. اتحادیه بین‌المللی ارتباطات که بر اساس اصل همکاری بین‌المللی بین بخش دولتی و خصوصی ایجاد شد، مجمعی جهانی است که از طریق آن دولت‌ها و صنایع می‌توانند به سمت رسیدن به اجماع درباره طیفی گسترده از مسائل مربوط به آینده این صنعت بسیار مهم کار کنند.

خدمات بین‌المللی پستی

پیش از ٦ میلیون کارمند پست در بیش از ۷۰۰ هزار دفتر پستی در سراسر جهان گردآوری و تحویل حدود ٤۳۰ میلیون پاکت و محموله پستی را در هر سال تضمین می‌کنند. کارگزاری تخصصی سازمان ملل که این خدمت را تنظیم می‌کند **اتحادیه جهانی پست** است.
اتحادیه جهانی پست یک قلمرو واحد پستی از کشورها برای مبادله نامه‌ها و بسته‌های پستی تشکیل می‌دهد. هر کشور عضو موافقت می‌کند محموله‌های پستی همه کشورهای دیگر عضو را با بهترین وسایل ممکن منتقل کند. اتحادیه جهانی پست به عنوان نهاد اصلی همکاری بین خدمات پستی ملی، برای بهبود خدمات بین‌المللی پستی کار می‌کند، به مشتریان پست در هر کشوری روش‌های ساده و هماهنگ برای پست بین‌المللی آنها ارائه می‌دهد، و شبکه‌ای جهانی از تازه‌ترین محصولات و خدمات را در دسترس آنان می‌گذارد.
اتحادیه جهانی پست نرخ‌های شاخص، حدود اندازه و حداکثر و حداقل وزن و شرایط پذیرش اقلام مکاتبه‌ای پستی، از جمله محموله‌های دارای اولویت، و بدون اولویت، نامه‌های زمینی، نامه‌های هوایی، کارت پستال‌ها، مطالب چاپی و پاکت‌های کوچک را تعیین می‌کند. این اتحادیه روش‌های محاسبه و وصول هزینه‌های ترانزیت (برای اقلام پستی که از یک یا چند کشور می‌گذرند) و هزینه‌های پایانی (برای نابرابری و عدم تعادل محموله‌های

پستی) را پیشنهاد و همچنین مقرراتی برای محموله‌های سفارشی و هوایی، و اقلام نیازمند رعایت احتیاط‌های خاص، مانند مواد عفونی و رادیواکتیو تعیین می‌کند.
به همت اتحادیه جهانی پست، خدمات و محصولات جدیدی در شبکه بین‌المللی پست ادغام می‌شود. به این ترتیب خدماتی مانند نامه‌های سفارشی، سفارشات پولی پستی، کوپن‌های پاسخ بین‌المللی، پاکت‌های کوچک، بسته‌های پستی و خدمات سریع پستی در اختیار بیشتر شهروندان جهان قرار گرفته است.
این کارگزاری در بعضی فعالیت‌ها، مانند استفاده از فن‌آوری مبادله اطلاعات الکترونیک به وسیله ادارات پست کشورهای عضو و نظارت بر کیفیت خدمات پستی در سراسر جهان نقش رهبری نیرومندی را به عهده گرفته است.
اتحادیه جهانی پست از طریق طرح‌های چند ساله برای بهینه سازی خدمات پستی ملی کمک فنی ارائه می‌دهد و همچنین طرح‌های کوتاه مدتی اجرا می‌کند که ممکن است شامل دوره‌های مطالعاتی، بورس‌های آموزشی، و ارائه نظر کارشناسی مشاوران توسعه باشد که درباره آموزش، مدیریت یا فعالیت‌ها و عملیات پستی به مطالعه و بررسی در محل می‌پردازند. اتحادیه جهانی پست همچنین به حد روزافزونی موسسات مالی بین‌المللی را نسبت به ضرورت سرمایه‌گذاری در بخش پست آگاه کرده است.
خدمات پستی در سراسر جهان به تلاشی قاطعانه دست زده‌اند تا به فعالیت‌های پستی جانی دوباره ببخشند. آنها به عنوان بخشی از یک بازار ارتباطی که در حال تجربه رشدی انفجاری است، مجبورند خود را با محیطی به سرعت در حال تغییر تطبیق دهند، شرکت‌هایی مستقل‌تر و از نظر مالی متکی به خود شوند و خدمات بیشتری ارائه دهند. اتحادیه جهانی پست در حمایت از این تجدید حیات، نقش رهبری را ایفا می‌کند.

مالکیت معنوی

مالکیت معنوی در شکل‌های گوناگون – از جمله کتاب‌ها، فیلم‌های سینمایی، فعالیت‌های هنری، رسانه‌ها و نرم‌افزار رایانه‌ای – موضوعی مرکزی و مهم در روابط تجاری بین‌المللی شده است. میلیون‌ها حق ثبت، علامت تجاری و ثبت طرح صنعتی در حال حاضر در سراسر جهان محترم شمرده می‌شوند. مالکیت معنوی در اقتصاد متکی بر دانش امروز وسیله‌ای برای حمایت از ایجاد ثروت و همچنین توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.
سازمان جهانی مالکیت معنوی، کارگزاری تخصصی سازمان ملل، مسئول ترویج و حمایت از مالکیت معنوی در سراسر جهان از طریق همکاری بین کشورها، و اجرای معاهده‌های

بین‌المللی گوناگون مربوط به جنبه‌های حقوقی و اداری مالکیت معنوی است. مالکیت معنوی از دو شاخه اصلی تشکیل شده است: مالکیت صنعتی، که در درجه اول شامل اختراعات، علایم تجاری، طرح‌های صنعتی و نام‌ها و عناوین اصلی است؛ و حق تالیف که شامل عمدتا آثار ادبی، موسیقی، هنری، عکاسی و سمعی بصری است.

این سازمان ۲۳ معاهده مربوط به جنبه‌های حیاتی مالکیت معنوی را اجرا می‌کند که سابقه بعضی از آنها به دهه ۱۸۸۰ می‌رسد. دو معاهده اصلی آن *کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی* (۱۸۸۳) *و کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری* (۱۸۸٦) است. سیاست جدید آن در زمینه تصویب پیشنهادها – درباره حمایت از مارک‌های شناخته شده (۱۹۹۹)، جوازهای علایم تجاری (۲۰۰۰) و مارک‌ها در اینترنت (۲۰۰۱) – نگرش مبتنی بر معاهده برای تعیین ضابطه حقوقی بین‌المللی را تکمیل می‌کند.

این کارگزاری به دولت‌ها، سازمان‌ها و بخش خصوصی کمک می‌کند، بر تحولات نظارت می‌کند، و می‌کوشد مقررات و روش‌ها را هماهنگ و ساده کند و در برابر نیاز به تدوین معیارها و ضوابط جدید بین‌المللی همسو با پیشرفت‌ها در فن‌آوری و شیوه‌های تجاری، و همچنین برای نشان دادن و اکنش نسبت به مسائلی مانند دانش سنتی، فولکلور، تنوع زیستی و فن‌آوری زیستی هشیار و حساس است.

مرکز رسانه‌ای و حکمیت سازمان جهانی مالکیت معنوی به افراد و شرکت‌های سراسر جهان کمک می‌کند اختلاف‌های خود را حل کنند و همچنین سازمان اصلی حل اختلاف برای دشواری‌های مربوط به سو استفاده‌ها در زمینه ثبت و استفاده از نام‌های اختصاصی در اینترنت – معروف به «خوش‌نشینی اینترنتی» است و این خدمت را برای نام‌ها و علایم ژنریک سطح بالا مانند .com.، .net.، .org. و .Info.، و برای بعضی علایم خاص رمز کشوری انجام می‌دهد. کل این روند به صورت آنلاین انجام، و باعث تصمیم‌های قابل اجرا در طول دو ماه می‌شود، و در همان حال هزینه رسیدن به راه حل را به شدت کاهش می‌دهد.

سازمان جهانی مالکیت معنوی از طریق «دستور کار دیجیتال» خود می‌کوشد انتشار مالکیت‌های معنوی در زمینه موسیقی، فیلم، شناسایی کننده‌های تجارت و دانش را در اینترنت تشویق کند و در همان حال از حقوق پدید آورندگان و صاحبان آنها حمایت به عمل آورد. هدف این دستور کار ادغام کشورهای در حال توسعه در محیط اینترنت، از جمله از طریق استفاده از WIPOnet – شبکه اطلاعات جهانی مربوط به مالکیت معنوی– و تحویل الکترونیک اطلاعات و خدمات است.

سازمان جهانی مالکیت معنوی به کشورهای در حال توسعه درباره استفاده از حق ثبت بین‌المللی، ثبت علایم تجاری و ودیعه‌های طرح‌های صنعتی مشورت تخصصی می‌دهد و

آنها را تشویق می‌کند برای حمایت از فعالیت خلاقه محلی، جذب سرمایه‌گذاری و تسهیل انتقال فن‌آوری از نظام مالکیت معنوی استفاده کامل به عمل آورند. این سازمان برای تهیه قوانین مربوطه ملی و تجدید نظر در آنها نظر تخصصی و مشورتی حقوقی و فنی ارائه می‌دهد. برنامه‌های آموزشی برای افراد مورد نظر، از جمله سیاستگذاران، مسوولان و دانشجویان ترتیب می‌دهد و به کشورها برای آماده سازی ادارات ملی مالکیت معنوی آنها پیشنهاد کمک می‌دهد.

سازمان مالکیت معنوی برای استفاده بین‌المللی از حقوق مالکیت صنعتی نیز خدماتی ارائه می‌دهد. چهار معاهده این سازمان درباره اختراعات (حق ثبت)، علایم تجاری و طرح صنعتی، تضمین می‌کنند که بایگانی و اعلام یک ثبت بین‌المللی در همه کشورهای امضا کننده آن معتبر باشد. خدمات ارائه شده بر اساس معاهدات این سازمان، طرح یا ثبت و اعلام تقاضاهای فردی را در همه کشورهایی که در آنها از حق مالکیت معنوی حمایت به عمل می‌آید، ساده و هزینه آن را کاهش می‌دهد.

آمار جهانی

دولت‌ها، موسسات عمومی و بخش خصوصی به شدت به آمار مناسب، دقیق، قابل مقایسه و به موقع در سطوح ملی و جهانی متکی هستند و سازمان ملل از زمان تاسیس، به عنوان نقطه مرکزی جهانی برای گردآوری و انتشار آمار خدمت کرده است.

کمیسیون آماری نهاد بین دولتی سازمان ملل با ماموریت تقویت هماهنگی آمار رسمی در سراسر جهان است. این نهاد، متشکل از ٢٤ کشور عضو، می‌کوشد روش‌های مربوط به آمار جمعیتی، اجتماعی و مربوط به مسکن، از جمله اصول و پیشنهادهایی برای سرشماری جمعیت و مسکن، ممیزی‌های نمونه‌ای، و تولید آمار حیاتی از دفاتر ثبت کشوری، حساب‌های ملی، تولید کالاهای صنعتی، انرژی، اطلاعات مربوط به محیط زیست و تجارت بین‌المللی به وجود آورد.

بخش آمار دبیرخانه با هدایت این کمیسیون، خدماتی گوناگون به تولید کنندگان و کاربران آمار ارائه می‌دهد. داده‌ها و نشریات تحلیلی، CD-ROMS و خدمات اینترنتی آن شامل *کتاب سال آماری*، *بولتن ماهانه آمار*، *کتاب جیبی آمار جهان*، *خبرنامه آمار* سازمان ملل و *پایگاه داده‌های رسمی شاخص‌های هدف‌های توسعه هزاره سازمان ملل متحد* است. انتشارات تخصصی آن، آمار جمعیتی، اجتماعی و مربوط به مسکن، حساب‌های ملی، تولید کالاهای صنعتی، انرژی، تجارت بین‌المللی، محیط زیست، و رهنمودهای روش شناختی و فنی را شامل می‌شود.

هدف این بخش همچنین بهبود توانایی‌های ملی کشورهای در حال توسعه با ارائه خدمات مشورتی فنی، اجرای برنامه‌های آموزشی و تشکیل دوره‌های آموزشی فشرده درباره موضوع‌های گوناگون در سراسر جهان است (به http://unstats.un.org/unsd نگاه کنید).

مدیریت عمومی

بخش عمومی هر کشور مسلما مهمترین عنصر در اجرای موفقیت آمیز برنامه‌های توسعه ملی آن است. فرصت‌های جدید ایجاد شده به وسیله جهانی سازی، انقلاب اطلاعات و دموکراتیک سازی به شدت بر کشورها و نحوه عملکرد آنها تاثیر گذاشته است. اداره بخش عمومی در یک محیط پیوسته در حال تغییر، چالشی نفسگیر برای تصمیم گیرندگان ملی، تدوین کنندگان سیاست‌ها و خط‌مشی و مدیران عمومی شده است.

سازمان ملل از طریق *برنامه مدیریت و مالیه عمومی* خود به کشورها در تلاش‌های آنها برای تقویت، بهبود و اصلاح نظام‌های حکومتی و نهادهای اداری آنها کمک می‌کند. این برنامه تحت سرپرستی **بخش مدیریت توسعه و اداره عمومی**، اداره امور اقتصادی و اجتماعی، به دولت‌ها کمک می‌کند تضمین کنند حکومت آنها – از جمله نهادهای اقتصادی، اداری و مالی عمومی آنها – به روشی موثر، انتقادپذیر، طرفدار فقیران و دموکراتیک، انجام وظیفه کند. این بخش، از سیاست‌های عمومی سالم، مدیریت عمومی موثر و انتقادپذیر، کارآمد، آماده خدمتگزاری، و پذیرای دگرگونی حمایت می‌کند.

فعالیت‌های آن شامل کمک به دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه برای طراحی برنامه‌های ملی به منظور بهبود اصول اخلاقی؛ شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌های عمومی؛ تقویت توانایی‌های دولت‌های محلی و حکومت غیرمتمرکز؛ نوآوری در ارائه خدمات عمومی؛ انجام اصلاحات در ادارات دولتی؛ بازسازی موسسات حکومتی و نهادهای دولتی پس از مناقشات شدید؛ توسعه و مدیریت منابع انسانی در بخش عمومی؛ و طراحی دوباره و تقویت نهادها و نظام‌های حکومت است.

فعالیت‌های بسیاری همکاری جنوب – جنوب را با تاکید بر موفقیت چنین همکاری‌هایی و انتشار بهترین شیوه‌ها – از جمله از طریق شبکه آنلاین مالیه و مدیریت عمومی سازمان ملل، تشویق می‌کنند. این بخش همچنین به ارائه و معرفی سیستم‌ها، ابزارها، روش‌ها، تشریفات و جریان‌ها، از جمله استفاده از فن‌آوری اطلاعات در ارائه خدمت و فعالیت‌های دولت‌ها، برای دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره کمک می‌کند.

علم و فن‌آوری برای توسعه

سازمان ملل متحد از دهه ۱۹٦۰ از استفاده از علم و فن‌آوری برای توسعه کشورهای عضو خود حمایت کرده است. **کمیسیون علم و فن‌آوری برای توسعه،** کمیسیون کارکردی شورای اقتصادی و اجتماعی، مسائل مربوط به علم و فن‌آوری و تاثیر آنها را بر توسعه بررسی می‌کند؛ از شناخت و درک سیاست‌های فن‌آوری و علم در قبال کشورهای در حال توسعه حمایت می‌کند؛ و پیشنهادها درباره مسائل فن‌آوری و علم را در داخل نظام ملل متحد تدوین و تنظیم می‌کند. این کمیسیون متشکل از ۳۳ کشور عضو که سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد، موضوع‌های گوناگون را برای کار بین اجلاسی و مشورت‌های خود انتخاب می‌کند. موضوع برای ۲۰۰٤ – ۲۰۰۳ «حمایت از استفاده از علم و فن‌آوری برای رسیدن به هدف‌های توسعه مورد نظر اعلامیه هزاره بود.»

انکتاد از این کمیسیون حمایت بنیادی و دبیرخانه‌ای به عمل می‌آورد و از سیاست‌های طرفدار ظرفیت‌سازی در زمینه فن‌آوری، نوآوری و جریان‌های فن‌آوری به کشورهای در حال توسعه پشتیبانی می‌کند. انکتاد همچنین در حوزه فن‌آوری‌های اطلاعات کمک فنی ارائه می‌دهد و از ظرفیت‌سازی در زمینه فن‌آوری برای شرکت‌ها از طریق ترتیبات تعاونی بین شرکت‌ها، مانند مشارکت‌ها و تقسیم اطلاعات و خدمات، حمایت می‌کند. کار اخیر آن بر ایجاد پیوندها بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال فن‌آوری، و همچنین نقش فن‌آوری و نوآوری در افزایش ظرفیت تولیدی و رقابت صادراتی، متمرکز بوده است. این سازمان همچنین به عوارض مسائل مربوط به فن‌آوری برای مذاکرات تجاری توجه می‌کند.

سازمان خواربار و کشاورزی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان بین‌المللی کار، برنامه عمران ملل متحد و سازمان جهانی هواشناسی به مسائل علمی و مربوط به فن‌آوری در چارچوب ماموریت‌های ویژه خود رسیدگی می‌کنند. علم برای توسعه همچنین عنصری مهم در کار یونسکو است.

توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی، با ارتباط جدایی ناپذیر با توسعه اقتصادی، اساس و بنیاد کارسازمان ملل از آغاز فعالیت آن بوده است. سازمان ملل در طول دهه‌ها بر جنبه‌های اجتماعی توسعه تاکید کرده تا اطمینان حاصل کند هدف تامین زندگی بهتر برای همه مردم، محور تلاش‌های توسعه باقی بماند.

سازمان ملل در سال‌های اولیه حیات خود در حوزه‌های جمعیت شناسی، بهداشت و آموزش و پرورش با استفاده از شیوه‌های جدید اقدام به انجام تحقیقات و جمع‌آوری اطلاعات کرد که منجر به گردآوری و تالیف، غالبا برای نخستین بار، اطلاعات قابل اعتماد درباره شاخص‌های اجتماعی جهانی شد.

کنفرانس‌های مهم جهانی از ۱۹۹۰

- کنفرانس جهانی آموزش و پرورش برای همه، ۱۹۹۰، جومتین، تایلند
- اجلاس جهانی سران برای کودکان، ۱۹۹۰، نیویورک
- کنفرانس بین‌المللی تغذیه، ۱۹۹۲، رم
- کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل، ۱۹۹۲، ریودژانیرو
- کنفرانس جهانی حقوق بشر، ۱۹۹۳، وین
- کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه، ۱۹۹٤، قاهره
- کنفرانس جهانی توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه جزیره‌ای کوچک، ۱۹۹٤، باربادوس
- اجلاس جهانی سران برای توسعه اجتماعی، ۱۹۹۵، کپنهاگ
- چهارمین کنفرانس جهانی زنان: اقدام برای برابری، توسعه و صلح، ۱۹۹۵، پکن
- دومین کنفرانس اسکان بشر سازمان ملل، ۱۹۹۶، استانبول
- اجلاس جهانی غذا، ۱۹۹۶، رم
- مجمع جهانی آموزش و پرورش، ۲۰۰۰، داکار
- سومین کنفرانس سازمان ملل درباره کشورهای کمتر توسعه یافته، ۲۰۰۱، بروکسل
- کنفرانس جهانی علیه نژادپرستی، ۲۰۰۱، دوربان
- اجلاس جهانی غذا، پنج سال بعد، ۲۰۰۱، رم
- کنفرانس بین‌المللی تامین سرمایه برای توسعه، ۲۰۰۲، مونتری
- دومین مجمع جهانی درباره سالخوردگی، ۲۰۰۲، مادرید
- اجلاس جهانی سران برای توسعه پایدار، ۲۰۰۲، ژوهانسبورگ

اجلاس‌های ویژه مجمع عمومی به پیشرفت حاصله پنج سال پس از کنفرانس‌های محیط‌زیست و توسعه (۱۹۹۷)، کشورهای در حال توسعه جزیره‌ای کوچک (۱۹۹۹)، جمعیت و توسعه (۱۹۹۹)، زنان (۲۰۰۰)، توسعه اجتماعی (۲۰۰۰)، اسکان بشر (۲۰۰۱) و کودکان (۲۰۰۱) سازمان ملل رسیدگی کرده‌اند. اجلاس ویژه دیگری به مسائل مربوط به بیماری ایدز و ویروس آن (۲۰۰۱) رسیدگی کرد.

سازمان ملل همچنین تلاش‌هایی برای حفاظت از میراث فرهنگی، از بناهای تاریخی گرفته تا زبان‌ها، با ابراز علاقه به جوامع به ویژه آسیب‌پذیر در برابر جریان‌های سریع تغییر، به عمل آورد. سازمان در خط مقدم حمایت از تلاش‌های دولت‌ها برای گسترش خدمات اجتماعی مربوط به بهداشت، آموزش و پرورش، تنظیم خانواده، مسکن و دفع بهداشتی فاضلاب برای همه بوده است. سازمان ملل علاوه بر ایجاد الگوهایی برای برنامه‌های اجتماعی، به همگرایی جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه کمک کرده است. سیاست‌ها و برنامه‌های در حال تحول آن همواره تاکید کرده‌اند که مولفه‌های توسعه – اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی و فرهنگی – دارای ارتباط متقابل هستند و نمی‌توان به طور جداگانه آنها را دنبال کرد.

جهانی سازی و آزادسازی چالش‌های جدیدی در مقابل توسعه اجتماعی ایجاد کرده‌اند. تمایلی روزافزون برای مشاهده تقسیم عادلانه‌تر مزایای جهانی سازی وجود دارد. دولت‌های بسیاری که فداکاری‌های فراوانی در زمینه اصلاحات و آزادسازی اقتصادی انجام داده‌اند احساس می‌کنند هنوز از مزایای پیش‌بینی شده جهانی سازی بهره‌مند نشده‌اند. به علاوه این مزایا، حتی در

کشورهای توسعه یافته، به طور مساوی تقسیم نشده‌اند.
برای بیش از نیمی از جمعیت جهان که از اقتصاد جدید جهانی سود نبرده‌اند، جهانی‌سازی غالبا احساس یاس ناشی از این تصور را که ضعیفان هرگز قادر نخواهند بود، با قوی‌ها و نیرومندان رقابت کنند، عمیق‌تر کرده است. لازم است مزایای تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد شده به گونه‌ای بهتر به سوی کاهش فقر، افزایش اشتغال و حمایت از همگرایی اجتماعی هدایت شود.
کار سازمان ملل در حوزه اجتماعی پیوسته با نگرشی «مردم محور» که افراد، خانواده‌ها و جوامع را در مرکز برنامه‌ها و تدابیر توسعه قرار می‌دهد، مرتبط‌تر شده است. این سازمان تاکید جدیدی برای توسعه اجتماعی قائل شده است که علت بخشی از آن این نگرانی است که مسائل اقتصادی و سیاسی، گاهی به بهای نادیده گرفتن مسائل اجتماعی، مانند بهداشت، آموزش و پرورش و جمعیت، یا مسائل گروه‌های اجتماعی، مانند زنان، کودکان و سالخوردگان، در دستور کار بین‌المللی تسلط یافته‌اند.
بیشتر کنفرانس‌های جهانی اخیر که به وسیله سازمان ملل تشکیل شده‌اند، تحت تاثیر این نگرانی، توجه خود را بر مسائل توسعه اجتماعی متمرکز کرده‌اند. اجلاس جهانی سران برای توسعه اجتماعی (کپنهاگ، ۱۹۹۵) نخستین اجلاسی بود که تمامی اعضای جامعه بین‌المللی گردهم آمدند تا مبارزه علیه فقر، بیکاری و فروپاشی اجتماعی را به پیش ببرند و آگاهی تازه‌ای درباره مسئولیت و همبستگی اجتماعی برای قرن بیست ویکم به وجود آورند.
تازگی و نوآوری این اجلاس در جهان شمولی آن، دامنه‌ای که به توسعه اجتماعی داد، مبنای اخلاقی آن، و در خواست آن برای شکل‌های جدید مشارکت و همبستگی در داخل و بین کشورها نهفته بود. ده تعهد اعلامیه کپنهاگ برای توسعه اجتماعی نمایشگر قراردادی اجتماعی در سطح جهانی است.
مسائل گوناگون توسعه اجتماعی، نشاندهنده چالشی یکسان برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. تمام جوامع به درجات گوناگون با مسائل بیکاری، فروپاشی اجتماعی و فقر مداوم مواجه هستند. و تعداد روز افزونی از مسائل اجتماعی – از مهاجرت اجباری تا سوءاستفاده از مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و شیوع بیماری‌ها – را فقط از طریق اقدام هماهنگ بین‌المللی می‌توان با موفقیت حل کرد.
سازمان ملل از طریق مجمع عمومی و **شورای اقتصادی و اجتماعی**، که سیاست‌ها و اولویت‌های کل نظام در آنجا تعیین و برنامه‌ها به تصویب می‌رسند به مسائل مربوط به توسعه اجتماعی رسیدگی می‌کند. یکی از شش کمیته اصلی مجمع عمومی یعنی **کمیته اجتماعی، بشردوستانه و فرهنگی** اجرای اقلام دستور کار مربوط به بخش اجتماعی را

اجلاس جهانی سران برای توسعه اجتماعی

اجلاس جهانی سران برای توسعه اجتماعی (کپنهاک، ۱۹۹۵) بخشی از مجموعه‌ای از کنفرانس‌های جهانی بود که با هدف غنی کردن دستور کار بین‌المللی و افزایش آگاهی از مسائل مهم از طریق همکاری کشورهای عضو و با مشارکت سایر عوامل توسعه، به وسیله سازمان ملل تشکیل شد. حدود ۱۱۷ رئیس کشور یا دولت همراه با وزیران ۶۹ کشور دیگر، اعلامیه توسعه اجتماعی و برنامه اقدام کپنهاک را تصویب کردند.

دولت‌ها تعهد کردند با مسائل عمیق اجتماعی دنیا با رسیدگی به سه موضوع اصلی مشترک همه کشورها، یعنی: ریشه کن کردن فقر، حمایت از اشتغال کامل، و حمایت از همگرایی و انسجام اجتماعی، به ویژه برای گروه‌های محروم، مقابله کنند. این اجلاس نشانه ظهور اراده‌ای دسته جمعی برای پذیرش توسعه اجتماعی به عنوان یکی از عالیترین اولویت‌های سیاست‌های ملی و بین‌المللی، و قراردادن نوع بشر در مرکز توسعه بود.

پنج سال بعد، اجلاس ویژه مجمع عمومی (ژنو، ۲۰۰۰) بار دیگر محوریت و اهمیت جوامع برابرتر، از لحاظ اجتماعی عادلانه‌تر و مردم محور را تایید کرد. این اجلاس با ابتکارهای تازه، از جمله ارائه برنامه هماهنگ بین‌المللی برای اشتغال، ایجاد منابع نوآورانه اعتبارهای عمومی و خصوصی برای برنامه‌های توسعه اجتماعی و ریشه کنی فقر، و برای نخستین بار تعیین هدفی جهانی برای کاهش فقر - یعنی به نصف رساندن نسبت افرادی که در فقر شدید زندگی می‌کنند تا ۲۰۱۵ - موافقت کرد.

پس از آن اجلاس، سیاست‌ها و برنامه‌های ملی جدید بسیاری آغاز شده‌اند. به توسعه اجتماعی اولویت روزافزون در هدف‌های سیاست ملی و بین‌المللی داده شده است. کشورها اهمیت تبدیل اصلاحات اجتماعی به بخشی یکپارچه از برنامه توسعه در سطوح ملی و بین‌المللی، و همچنین قراردادن مردم در مرکز توسعه را به رسمیت شناخته‌اند. این اجلاس همچنین نظام ملل متحد را وادار به توجه دوباره به فعالیت‌های خود کرده است.

با این حال، واکنش‌های سیاسی ملی و بین‌المللی نابرابر بوده است. با وجود این پیشرفت‌ها، پیشرفت در چند حوزه اساسی اندک، و در حوزه‌های دیگر پسرفت آشکار ایجاد شده است. افزایش نابرابری در داخل و بین کشورها همچنان ادامه یافته است.

به‌عهده می‌گیرد. نهاد بین دولتی اصلی مسئول رسیدگی به مسائل اجتماعی، که تحت نظر شورای اقتصادی و اجتماعی کار می‌کند، **کمیسیون توسعه اجتماعی** است. این کمیسیون متشکل از ٤٦ کشور عضو درباره سیاست‌های اجتماعی و جنبه‌های اجتماعی توسعه به شورای اقتصادی و اجتماعی و دولت‌ها نظر مشورتی می‌دهد. **بخش توسعه و سیاست اجتماعی** اداره امور اقتصادی و اجتماعی، در چارچوب دبیرخانه به این نهادها خدمت می‌کند، تحلیل، تحقیق و رهنمود کارشناسی ارائه می‌دهد. در سراسر نظام ملل متحد کارگزاری‌ها، صندوق‌ها، برنامه‌ها و دفترهای تخصصی فراوانی وجود دارند که به جنبه‌های گوناگون توسعه اجتماعی رسیدگی می‌کنند.

کاهش فقر

نظام ملل متحد کاهش فقر را از اولویت‌های خود ساخته است. مجمع عمومی دهه ۲۰۰٦ – ۱۹۹۷ را **دهه بین‌المللی ریشه کنی فقر** اعلام کرد. هدف آن حذف فقر مطلق، و کاهش اساسی فقر کلی جهانی از طریق اقدام قاطع ملی و همکاری بین‌المللی است. رهبران جهان در اعلامیه هزاره خود تصمیم گرفتند تعداد افرادی را که با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند تا ۲۰۱۵ به نصف برسانند و همچنین هدف‌هایی را برای مبارزه با فقر و بیماری تعیین کردند.

یک عامل اصلی در این تلاش **برنامه عمران ملل متحد** است که کاهش فقر را اولویت اصلی خود ساخته است. این برنامه به فقر به عنوان پدیده‌ای پیچیده می‌نگرد که شامل فقدان توانمندی، نداشتن درآمد و عدم ارائه خدمات اساسی به مردم است.

برنامه عمران ملل متحد برای تقویت توانایی دولت‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی به منظور برخورد با طیفی کامل از عوامل که فقر را تشدید می‌کنند، کار می‌کند. این عوامل شامل افزایش امنیت غذایی؛ بهبود دسترسی به سرپناه و خدمات اساسی؛ ایجاد فرصت‌های اشتغال؛ افزایش دسترسی مردم به زمین، اعتبار، فن‌آوری، آموزش و بازارها؛ و قادر ساختن مردم به مشارکت در فرآیندهای سیاسی است که زندگی آنان را شکل می‌دهد. محور کار ضد فقر برنامه عمران ملل متحد توانمندسازی فقیران است.

مطابق برآورد بانک جهانی تعداد افرادی که در فقر شدید زندگی می‌کنند از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ حدود ۱۲۵ میلیون نفر کاهش یافت و نسبت مجموع کسانی که با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند از ۲۹ به ۲۲/۷ درصد رسید. با وجود این، با نرخ‌های کاهش کنونی، تحقق هدف توسعه هزاره در مورد به نصف رساندن فقر شدید تا ۲۰۱۵ در همه مناطق جهان بعید است. به علاوه میانگین نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۰ ده برابر بیشتر از کشورهای توسعه یافته بود. در منطقه جنوب صحرای آفریقا، با بالاترین میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال، این نسبت در دهه ۱۹۹۰ فقط سه درصد کاهش یافت که شاید بتوان علت بخشی از آن را به انتقال ویروس ایدز از مادر به کودک نسبت داد.

مطابق برآوردهای فائو، سوء تغذیه در کشورهای در حال توسعه بین ۸۱ – ۱۹۷۹ و ۹۹ – ۱۹۹۷ از ۲۹ به ۱۷ درصد کاهش یافت اما هنوز حدود ۷۷۷ میلیون نفر دچار کمبود تغذیه بودند. کشورهای در حال توسعه بسیاری، به ویژه در منطقه جنوب صحرای آفریقا، فقط کاهشی اندک داشتند. تعداد افراد دارای دسترسی به آب آشامیدنی سالم از ۷۷ به ۸۲ درصد در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت. اگر چه بیش از ٤۰ درصد جمعیت جنوب صحرای آفریقا هنوز به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند، هدف هزاره برای کاهش نسبت افراد فاقد دسترسی مداوم به آب آشامیدنی سالم به نصف، قابل حصول به نظر می‌رسد.

در تحقق هدف آموزش و پرورش همگانی تا سال ۲۰۱۵، همچنان که در افزایش حدود ۸۲ میلیون دانش‌آموز دوره ابتدایی بین ۱۹۹۰ و ۱۹۹۸ مشاهده می‌شود، پیشرفت‌هایی حاصل شده است. نسبت سوادآموزی جوانان جهان از حدود ۸٤ درصد به ۸۷ درصد از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ افزایش یافت و اگر روند کنونی ادامه یابد احتمالا تا سال ۲۰۱۵ به ۹۱ درصد خواهد رسید. در حالی که نشانه‌هایی‌از

هدف‌های اعلامیه هزاره در زمینه فقر، بیماری و محیط زیست

در اجلاس سران هزاره در سپتامبر ۲۰۰۰، رهبران جهان خود را به انجام هدف‌های زیر متعهد کردند:

- تا سال ۲۰۱۵، نسبت مردم جهان را که درآمد آنان کمتر از یک دلار در روز است و نسبت مردمی که قادر به رسیدن به آب آشامیدنی سالم نیستند یا استطاعت تامین آن را ندارند به نصف برسانند.
- همچنین تا ۲۰۱۵، تضمین کنند کودکان مذکر و مونث در همه جای جهان بتوانند دوره کامل ابتدایی را تکمیل کنند و دسترسی برابر به همه سطوح آموزش و پرورش داشته باشند.
- نسبت مرگ و میر مادران را تا سه چهارم و میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال را به دو سوم کاهش دهند.
- شیوع بیماری ایدز و ویروس آن، مالاریا و سایر بیماری‌های مهم را متوقف و کاهش دهند.
- به کودکانی که بر اثر بیماری ایدز یا ویروس آن یتیم شده‌اند کمک‌های ویژه ارائه دهند.
- تا ۲۰۲۰ زندگی حداقل ۱۰۰ میلیون زاغه‌نشین را به میزان چشمگیری بهبود بخشند.
- از تامین برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان به عنوان راه‌های مبارزه با فقر، گرسنگی و بیماری و محرک توسعه پایدار حمایت کنند.
- برنامه‌هایی تدوین و اجرا کنند که به جوانان همه دنیا بخت یافتن کار شرافتمندانه و مولد را بدهد.
- صنعت داروسازی را تشویق کنند داروهای اساسی را به صورت گسترده‌تر و ارزانتر در اختیار همه نیازمندان در کشورهای در حال توسعه قرار دهد.
- با بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی برای نیل به توسعه و ریشه کنی فقر مشارکت‌هایی تشکیل دهند.
- اطمینان حاصل کنند مزایای فن‌آوری‌های جدید - به ویژه فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی - در اختیار همگان قرار گیرد.

رهبران جهان در اعلامیه هزاره همچنین تصمیم گرفتند درباره تعدادی از مسائل مربوط به محیط زیست اقداماتی انجام دهند، یعنی:

- اجرای پروتکل کیوتورا، ترجیحا از ۲۰۰۲ تضمین و کاهش لازم در میزان خروج گازهای گلخانه‌ای را شروع کنند.
- برای اجرای کامل کنوانسیون مربوط به تنوع زیستی و کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی، به ویژه در آفریقا فشار بیاورند.
- بهره برداری نادرست و غیر قابل دوام از منابع آب را با تدوین برنامه‌های مدیریت آب در سطوح منطقه‌ای، ملی و محلی متوقف کنند.
- همکاری برای کاهش تعداد و تاثیر سوانح طبیعی و مخلوق دست بشر را تشدید کنند.
- دسترسی آزاد و رایگان به اطلاعات درباره تسلسل و زنجیره ژنوم انسانی را تضمین کنند.

پیشرفت در حمایت از برابری جنسیتی در آموزش و پرورش وجود داشته، تفاوت جنسیتی در ثبت نام همچنان در تمام سطوح آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه باقی است.موسسات مالی بین‌المللی نظام ملل متحد در تامین بودجه برنامه‌های متعددی که بر جنبه‌های اجتماعی ریشه کنی فقر متمرکز هستند، نقشی مرکزی ایفا می‌کنند. بانک جهانی در حمایت از هدف‌های توسعه هزاره بر چهار حوزه اولویت تمرکز کرده است: تامین آموزش و پرورش برای همه؛ مبارزه با بیماری ایدز و ویروس آن؛ تامین آب و امکان دفع بهداشتی فاضلاب؛ و تامین بهداشت. از ۱۱/۲ میلیارد دلار مجموع وام‌ها برای سال مالی منتهی به ۳۰ ژوئن

۲۰۰۳، مصوبات بانک جهانی برای وام و کمک بلاعوض برای آموزش و پرورش به رقم بی‌سابقه ۲/۳ میلیارد دلار رسید. مصوبات بانک برای طرح‌های مربوط به خدمات بهداشتی و اجتماعی به ۳/٤ میلیارد دلار و وام‌ها برای تامین آب، دفع بهداشتی فاضلاب و طرح‌های پیشگیری از سیل به ۱/٤ میلیارد دلار در مقایسه با ٥٤٦ میلیون دلار در سال مالی پیش از آن رسید.

انجمن بین‌المللی توسعه بانک جهانی، بزرگترین منبع تامین اعتبارهای کمکی برای خدمات اجتماعی اساسی در فقیرترین کشورها است. اعتبارهای این انجمن، برای مثال، تضمین کرده است: دانش‌آموزان آفریقایی بیش از ٥ میلیون کتاب درسی دریافت کنند، بیش از ٦۷۰۰ مرکز مراقبت بهداشتی در آسیا ساخته و کارکنان آنها تامین شده‌اند، ۹/٥ میلیون فقیر در آمریکای لاتین از طرح‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی بهره‌مند شده‌اند. انجمن بین‌المللی توسعه در سال مالی ۲۰۰۳ حدود ۷/۳ میلیارد دلار برای طرح‌های توسعه فراهم کرد. انجمن از زمان تاسیس در سال ۱۹٦۰ حدود ۱٤۲ میلیارد دلار ارائه داده، از برنامه‌های کاهش فقر به رهبری کشورها در حوزه‌های مربوط به سیاست‌های کلیدی – مانند افزایش تولید و بهره‌وری، ایجاد حکومت پاسخگو، بهبود فضای سرمایه‌گذاری خصوصی، و بهبود دسترسی به آموزش و پرورش و مراقبت بهداشتی برای فقیران حمایت کرده است.

مبارزه با گرسنگی

از زمان تاسیس سازمان ملل در سال ۱۹٤٥ تولید مواد غذایی با سرعتی بی‌سابقه افزایش یافته و از دو برابر شدن جمعیت جهان در طول همین مدت بیشتر بوده است. نسبت مردم گرسنه در دنیای در حال توسعه از اوائل دهه ۱۹٦۰ از بیش از ٥۰ درصد به کمتر از ۲۰ درصد کاهش یافته است. اما با وجود این دستاوردها، گرسنگی هنوز یک چالش بزرگ جهانی است.

امروز برای هر زن، مرد و کودک جهان غذای کافی وجود دارد تا زندگی سالم و ثمر بخشی داشته باشد. با این حال از هر هفت نفر از مردم جهان یک نفر از گرسنگی رنج می‌برد. هر شب بیش از ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه می‌خوابند که بیشتر از کل جمعیت قاره اروپا است. هر روز حدود ۲٤ هزار نفر، که نزدیک به نیمی از آنان کودک هستند از گرسنگی و عوارض ناشی از آن می‌میرند. این یعنی مرگ یک کودک در هر هشت ثانیه.

بیشتر نهادهای مسئول مبارزه با گرسنگی سازمان ملل برنامه‌های اجتماعی مهمی دارند تا امنیت غذایی بخش‌های فقیرتر جمعیت‌ها را، به ویژه در نواحی روستایی بیشتر کنند. **فائو** از زمان تاسیس، برای کاهش فقر و گرسنگی از طریق حمایت از توسعه کشاورزی، تغذیه بهتر و تامین امنیت غذایی، یعنی دسترسی همه مردم در هر زمان به غذایی که برای زندگی فعال و سالم به آن نیاز دارند، فعالیت کرده است.

کمیته امنیت غذایی جهان فائو مسئول نظارت، ارزیابی و مشورت درباره موقعیت امنیت غذایی بین‌المللی است. این کمیته نیازهای غذایی را بررسی، مقدار موجودی و ذخایر را ارزیابی و بر خط مشی‌ها به منظور تامین امنیت غذایی نظارت می‌کند. فائو، از طریق *شبکه هشدار زودهنگام و اطلاعات جهانی* خود، همچنین یک شبکه گسترده نظارتی را با کمک نظارت ماهواره‌ای سرپرستی می‌کند که بر شرایط تاثیرگذار در تولید مواد غذایی نظارت می‌کند و به دولت‌ها و کمک کنندگان درباره هر خطر بالقوه برای ذخایر مواد غذایی هشدار می‌دهد.

برنامه ویژه امنیت غذایی فائو ۸۳ کشور را در برمی‌گیرد که اقامتگاه اکثریت مردم به شدت گرسنه جهان است. این برنامه می‌کوشد تولید مواد غذایی را افزایش دهد و شرایط زندگی خانواده‌های کشاورز را بهتر کند. کشاورزان در طول یک مرحله آزمایشی، فن‌آوری‌های گزینش شده برای افزایش تولید مواد غذایی را انتخاب و نشان می‌دهند. برنامه‌ها و طرح‌های موفق در مرحله بعد در اختیار همگان گذاشته می‌شود.

۱۸٦ کشور *در اجلاس جهانی غذا* (رم، ۱۹۹٦) به میزبانی فائو، *اعلامیه و برنامه اقدام برای امنیت غذایی جهان* را به منظور به نصف رساندن نسبت گرسنگان تا سال ۲۰۱۵ و مشخص کردن راه‌های رسیدن به امنیت غذایی برای همگان تصویب کردند. در «*اجلاس جهانی غذا*: پنج سال بعد» (رم، ۲۰۰۲) یکصد و هفتادو نه کشور به اضافه جامعه اروپا، از جمله روسای ۷۳ کشور یا دولت یا معاونان آنان شرکت کردند. این اجلاس خواستار اتحادی بین‌المللی به منظور تسریع اقدام برای کاهش گرسنگی جهانی شد و به اتفاق آرا با تصویب اعلامیه‌ای از جامعه بین‌المللی خواست به وعده اجلاس سران ۱۹۹٦ برای کاهش تعداد گرسنگان به نصف، به حدود ٤۰۰ میلیون نفر، تا سال ۲۰۱۵ عمل کند.

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی برای مبارزه با فقر و گرسنگی روستایی در فقیرترین مناطق، برای توسعه اعتبار می‌دهد. حدود ۹۰۰ میلیون نفر یعنی ۷۵ درصد از ۱/۲ میلیارد انسان به شدت فقیر جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. بنابراین صندوق برای بر طرف کردن فقر روستایی اولویت قائل است. این صندوق برای اطمینان از رسیدن کمک توسعه به افراد نیازمندتر، فقیران روستایی را اعم از زن و مرد، در توسعه خود آنان شرکت می‌دهد. فعالیت‌های این صندوق در سطح محلی در ۱۱٤ کشور آن را در تماس مداوم و مستقیم با فقیران در روستاها، جایی که فرصت‌ها و محدودیت‌های خود آنان اساس پایگاه دانش این صندوق را شکل می‌دهد، قرار می‌دهد.

ابعاد اجتماعی کار صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی شامل سازمان دادن و بسیج اتحادیه‌های کشاورزی و ماهیگیری در جوامع فقیر است. میلیون‌ها زن و مرد روستایی توانسته‌اند با استفاده از اعتبارها برای تامین نیازهای اساسی مانند بذر، کود، ابزار و تور، برای

خرید تجهیزات کنسروکردن و عمل‌آوری مواد غذایی یا برای تاسیس شرکت‌های کوچک، سطح زندگی خود را از سطح بخور و نمیر بالاتر برده و خانواده و جامعه خود را از فقر نجات دهند. این صندوق از سال ۱۹۷۷ برای ٦۳۳ طرح در ۱۱۵ کشور اعتبار مالی تامین کرده است. صندوق در برابر هر دلار از منابع خود که در اختیار فقیران قرار داده، دو دلار از سایر کمک دهندگان و دولت‌های مربوطه بسیج کرده و مجموع این کمک‌ها را برای هزینه اجرای طرح‌ها به بیش از ۲۲/۲ میلیارد دلار رسانده است.

صندوق به بیش از ۲۵۰ میلیون فقیر روستایی، که زمانی حاشیه‌ای بودند، کمک کرده تا در اقتصادهای ملی خود شرکت کنند. فقیران روستایی پس از دریافت وام و سازمان یافتن، از نظر بازپرداخت اقساط وام بی‌نظیر هستند و نسبت باز پرداخت‌های آنان نزدیک به ۹۷ درصد است و این واقعیتی است که باعث ایجاد برنامه‌های بیشتری در زمینه پرداخت وام‌های کوچک در سراسر جهان شده است.

برنامه جهانی غذا بزرگترین سازمان کمک غذایی در جهان، برای بیش از ۷۲ میلیون نفر در ۸۲ کشور در طول سال ۲۰۰۲ مواد غذایی تامین کرد و در سال ۲۰۰۳ در زمینه اعطای کمک غذایی به رقم بی‌سابقه ۱۱۰ میلیون نفر رسید. برنامه جهانی غذا در تلاش برای تقویت اقتصاد کشورهای در حال توسعه بیش از هر کارگزاری یا برنامه سازمان ملل از این کشورها کالا و خدمات خریداری می‌کند.

برنامه جهانی غذا در طول سه دهه گذشته حدود ۲۷/۸ میلیارد دلار و بیش از ٤۳ میلیون متریک تن مواد غذایی برای مبارزه با گرسنگی سرمایه‌گذاری کرده و توجه خود را بر کمک‌های اضطراری، امداد و بازپروری، کمک توسعه و عملیات ویژه متمرکز کرده است. برنامه جهانی غذا در موارد اضطراری در خط مقدم حضور دارد و کمک غذایی به قربانیان جنگ، مناقشه‌های داخلی، خشکسالی، از بین رفتن محصولات کشاورزی و سوانح طبیعی ارائه می‌دهد. برنامه جهانی غذا پس از بر طرف شدن حالت اضطراری از کمک غذایی برای بازسازی جوامع از هم پاشیده استفاده می‌کند.

برنامه جهانی غذا به کمک غذایی به عنوان یکی از موثرترین عوامل باز دارنده علیه فقر نگاه می‌کند. طرح‌های توسعه آن، که در سال ۲۰۰۲ برای ١٤ میلیون نفر در ۵۵ کشور مفید واقع شد، بر تغذیه به طور کلی، تغذیه کودکان در مدارس، برنامه‌های غذایی برای آینده، کاهش عوارض سوانح، و حمایت از منابع پایدار تامین معاش متمرکز است. این برنامه بیش از هر سازمان بین‌المللی دیگری یعنی ۹۰ درصد کمک‌های غذایی را با کشتی حمل می‌کند.

طرح‌های «**غذا برای کار**» با پرداخت مواد غذایی به کارگران برای ساختن جاده‌ها و بندرها، بیمارستان‌ها و مدرسه‌ها، شروع کسب و کارهای کوچک و درختکاری دوباره در جنگل‌های از بین

رفته، خودکفایی را تشویق می‌کند. برنامه جهانی غذا به کارگران به عنوان مزد مواد غذایی و به کودکان ناهار رایگان می‌دهد تا آنان را به مدرسه جذب کند و نیروی لازم برای درس خواندن بدهد و با دادن مواد غذایی همچنین زنان حامله و کودکان پیش دبستانی را تشویق می‌کند به درمانگاه‌های مراقبت بهداشتی مراجعه کنند.

طرح‌های «**غذا برای رشد**» به افراد نیازمند در مهم‌ترین مرحله زندگی آنان یعنی کودکان پیش از سن مدرسه، دانش‌آموزان، زنان حامله و سالخوردگان، با استفاده از کمک غذایی به عنوان پزشکی پیشگیری کمک می‌کند. از کمک غذایی برنامه جهانی غذا در کشورهایی مانند هاییتی، پاکستان، مغرب و موزامبیک همچنین برای جذب مادران و کودکان آسیب‌پذیر به درمانگاه‌های بهداشتی و کلاس‌های سوادآموزی و تغذیه استفاده می‌شود.

برنامه‌های سازمان ملل بارها ثابت کرده‌اند با برنامه‌های از نظر اجتماعی مناسب و به دقت طراحی شده که به نیازهای طولانی مدت جمعیت‌های مورد نظر توجه داشته باشند، می‌توان بر گرسنگی و فقر غلبه کرد. برنامه جهانی غذا نسبت به چنین یاری‌هایی متعهد است. این برنامه نسبت به کمک به زنان برای نیل به دسترسی برابر به ضروریات اساسی زندگی و تامین کمک غذایی برای رسیدگی به مسائل مربوط به بیماری ایدز و ویروس آن نیز تعهدی ویژه دارد.

برنامه جهانی غذا به طور کامل به کمک‌های داوطلبانه برای تامین مالی طرح‌های بشردوستانه و توسعه‌ای خود متکی است. این برنامه با وجود این که منبع مستقلی برای تامین مالی ندارد، دارای بیشترین بودجه در میان همه برنامه‌ها یا کارگزاری‌های مهم سازمان ملل و همچنین کمترین کارمند در مقر اصلی و کمترین هزینه ثابت و جاری است. دولت‌ها منبع اصلی تامین بودجه آن هستند اما شرکت‌ها و افراد مساعدت‌های روزافزون مهمی در انجام وظایف آن به عمل می‌آورند. برنامه جهانی غذا همچنین با بیش از هزار سازمان غیردولتی کار می‌کند که اعضا و دانش فنی آنها در ارزیابی چگونگی تحویل کمک غذایی آن به افراد واجد شرایط، بسیار ارزشمند است.

بهداشت

مردم در بیشتر قسمت‌های جهان به علت دسترسی بیشتر به خدمات بهداشتی اساسی، مصون سازی، آب سالم و دفع بهداشتی فاضلاب، بیشتر عمر می‌کنند، مرگ و میر کودکان در حال کاهش است و بیماری‌ها تحت کنترل قرار دارند. سازمان ملل در بسیاری از این پیشرفت‌ها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، با حمایت از خدمات بهداشتی، تحویل داروهای ضروری، سالمتر کردن شهرها، ارائه یاری‌های بهداشتی در مواقع اضطراری و مبارزه با بیماری‌های عفونی کاملا نقش داشته است. اعلامیه هزاره شامل هدف‌هایی قابل اندازه‌گیری برای دستیابی کشورها در زمینه تغذیه، دسترسی به آب سالم، بهداشت مادر و کودک، کنترل بیماری‌های عفونی، و دسترسی به داروهای ضروری تا سال ۲۰۱۵ است.

بیماری‌های عفونی، به ویژه، هنوز یک تهدید جهانی عمده است. تصور می‌شود علت تا ٤٥

درصد مرگ و میرها در آفریقا و جنوب شرقی آسیا در ۱۹۹۸ بیماری‌های عفونی بوده و علت ٤٨ درصد مرگ‌های زود هنگام (پیش از ٤٥ سالگی) در سراسر جهان این بیماری‌ها است. از جمله عوامل این مرگ‌ها افزایش مقاومت در برابر داروها، سفرهای پیوسته در حال افزایش جهانی، و ظهور بیماری‌های جدیدی مانند «سندروم شدید حاد تنفسی» (سارس) بوده است. با این حال عوامل و راه حل‌ها برای بیشتر بیماری‌های عفونی معلوم است و از بیماری و مرگ در بیشتر موارد می‌توان با هزینه‌ای قابل تحمل اجتناب کرد. مهمترین بیماری‌های عفونی بیماری ایدز و ویروس آن، مالاریا و سل هستند (به کادرها نگاه کنید). متوقف کردن و کاهش سرایت بیماری‌ها از هدف‌های اصلی توسعه هزاره است.

نظام ملل متحد برای دهه‌ها در خط مقدم مبارزه علیه بیماری، با ایجاد سیاست‌ها و روش‌هایی بوده که به ابعاد اجتماعی مسائل بهداشتی رسیدگی می‌کنند. فعالیت **صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)** بر بهداشت مادر و کودک متمرکز است و **صندوق جمعیت ملل متحد** بر بهداشت تولید مثل و تنظیم خانواده توجه دارد. کارگزاری تخصصی که اقدام جهانی علیه بیماری را هماهنگ می‌کند **سازمان جهانی بهداشت** است. این سازمان هدف‌هایی بلند پروازانه برای دستیابی به بهداشت برای همه تعیین کرده، بهداشت تولید مثل را در دسترس قرار داده، مشارکت‌هایی ایجاد کرده و از محیط‌های زیست و شیوه‌های زندگی سالم حمایت می‌کند.

سازمان جهانی بهداشت عامل محرک موفقیت‌های تاریخی گوناگون، از جمله ریشه‌کن کردن آبله در ۱۹۸۰ بود که پس از تلاشی ده ساله تحقق یافت. این سازمان همراه با شرکای خود، بیماری فلج اطفال را در ۱۹۹٤ از قاره آمریکا ریشه‌کن کرد که این نخستین گام به سمت هدف جهانی عاری از فلج اطفال تا سال ۲۰۰۵ بود.

توفیق دیگر، تصویب معاهده‌ای تاریخی در زمینه بهداشت عمومی برای کنترل عرضه و مصرف دخانیات بود. کنوانسیون چارچوب سازمان جهانی بهداشت در زمینه کنترل دخانیات شامل وضع مالیات بر دخانیات، پیشگیری از کشیدن سیگار و درمان، تجارت غیرقانونی، تبلیغات، حمایت مالی و ترویج، و وضع مقرراتی بر تولید دخانیات است. این کنوانسیون که به اتفاق آرا به تصویب ۱۹۲ کشور عضو سازمان جهانی بهداشت رسید و ژوئن ۲۰۰۳ برای امضا گشوده شد، بخشی مهم از برنامه جهانی برای کاهش مصرف همه‌گیر دخانیات در جهان است. در حالی که تلفات واقعی دخانیات در کشورهای در حال توسعه به تدریج آشکار می‌شود، دخانیات در سال ۲۰۰۲ حدود ٤/۹ میلیون نفر را کشت که بسیار بیشتر از برآوردهای فقط دو سال پیش از آن بود. اگر اقدامی نشود، مرگ‌های ناشی از

در آستانه دنیایی عاری از فلج اطفال

هنگامی که ابتکار جهانی ریشه کنی فلج‌اطفال در سال ۱۹۸۸ آغاز شد، حدود ۳۵۰ هزار مورد از این بیماری در سراسر جهان وجود داشت که هر روز بیش از هزار کودک را در بیش از ۱۲۵ کشور در پنج قاره فلج می‌کرد. پس از تلاشی هماهنگ، از جمله اعلام روزهای مصون‌سازی ملی برای مصون سازی میلیون‌ها کودک زیر پنج سال، این رقم به ۶۷۷ مورد گزارش شده در سال ۲۰۰۳، یعنی بیش از ۹۹ درصد کاهش، رسیده است.

امروز حدود ۳ میلیون نفر در دنیای در حال توسعه، که می‌بایست فلج شده باشند، راه می‌روند زیرا در برابر فلج‌اطفال مصون شده‌اند. ده‌ها هزار امدادگر بهداشتی و میلیون‌ها داوطلب آموزش دیده‌اند و شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات برای مصون سازی تقویت شده‌اند. حدود ۲ میلیارد کودک از سال ۱۹۸۸ در سراسر جهان، به لطف همکاری بیش از ۲۰۰ کشور و ۲۰ میلیون داوطلب و ۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری، مصون شده‌اند.

این موفقیت از طریق مشارکتی بیسابقه برای سلامتی، به رهبری سازمان جهانی بهداشت، یونیسف، مراکز کنترل و پیشگیری بیماری ایالات متحده، و روتاری اینترنشنال، که به تنهایی تا سال ۲۰۰۵ باید پانصد میلیون دلار به این تلاش کمک کرده باشد، میسر شده است. وزارتخانه‌های بهداشت، دولت‌های کمک کننده، بنیادها، شرکت‌ها، افراد سرشناس، دبیرکل سازمان ملل، نلسون ماندلا رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی، امدادگران و داوطلبان بهداشتی هر یک نقش خود را ایفا کرده‌اند.

امروز، فقط شش کشور یعنی نیجریه، هند، پاکستان، مصر، نیجر و افغانستان هنوز با فلج‌اطفال در گیرند. تلاش‌های شدیدی در سال ۲۰۰٤ به منظور چندبار مصون‌سازی ۲۵۰ میلیون کودک به عمل آمد تا این بیماری به طور کامل ریشه کن شود. صرفه‌جویی بهداشت عمومی بابت ریشه‌کن کردن فلج‌اطفال، هنگامی که مصون‌سازی متوقف شود، سالی ۱/۵ میلیارد دلار بر آورد می‌شود.

مصرف دخانیات در هر سال، تا اواخر دهه ۲۰۲۰ به ۱۰ میلیون نفر خواهد رسید که ۷۰ درصد آن در کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

تلاش مشترک یونیسف – سازمان جهانی بهداشت بین ۱۹۸۰ و ۱۹۹۵ نسبت مصون‌سازی جهانی علیه شش بیماری کشنده یعنی فلج‌اطفال، کزاز، سرخک، سیاه‌سرفه، دیفتری و سل، را از ۵ درصد به ۸۰ درصد افزایش داد و هر سال زندگی حدود ۲/۵ میلیون کودک را نجات داد. ابتکار مشابهی شامل اتحاد جهانی برای واکسن‌ها و مصون‌سازی است که خدمات مصون سازی را به حفاظت در برابر هپاتیت ب ، که هر سال حدود یک میلیون انسان را می‌کشد و آنفلوآنزای هموفیلی نوع ب، که هر سال جان ۹۰۰ هزار کودک زیر پنج سال را می‌گیرد، گسترش داد. این اتحاد که در سال ۱۹۹۹ با کمک اولیه بنیاد بیل و ملیندا گیتس آغاز شد سازمان جهانی بهداشت، یونیسف، بانک جهانی، بنیاد سازمان ملل و شرکای بخش خصوصی را پیوند می‌دهد.

بیماری کرم گینه در آستانه نابودی است و به لطف روش‌های جدید و بهتر درمان، بشر در آستانه غلبه بر جذام قرار دارد. نابینایی رودخانه عملا از ۱۱ کشور غرب آفریقا که زمانی در آنها رایج بود، حذف شده و میلیون‌ها نفر از رنج آن خلاص شده‌اند. سازمان جهانی بهداشت در حال حاضر در صدد ریشه‌کن کردن یک مشکل بهداشتی عمومی دیگر است یعنی بیماری «الفانتیاسیس» (بزرگ شدن مشخص اندام‌های مبتلا مخصوصا پاها، که پشه ناقل آن است.)

مبارزه سازمان ملل با بیماری ایدز و ویروس آن

(www.unaids.org)

بیماری ایدز و ویروس آن به فاجعه‌ای در ابعاد جهانی برای توسعه تبدیل شده است. این بیماری در سال ۲۰۰۳ بیش از ۳ میلیون نفر - به طور متوسط هشت هزار نفر در هر روز - را کشت و ۵ میلیون نفر دیگر نیز به ویروس آن آلوده شدند. یعنی ۱۰ نفر در هر دقیقه. تا پایان سال ۲۰۰۳ حدود ٤٠ میلیون نفر آلوده به ویروس ایدز بودند که سن ۲/۵ میلیون نفر از آنان کمتر از ۱۵ سال بود. تاکنون، حدود ۲۸ میلیون نفر از این بیماری مرده‌اند.

ایدز در آفریقا تاکنون بیش از ۱۱ میلیون کودک را یتیم کرده که سن نیمی از آنان بین ۱۰ و ١٤ سال بوده است. در آلوده‌ترین مناطق، متوسط عمر در حال کاهش است. بیماری ایدز و ویروس آن با سرعتی نگران کننده در میان زنان در حال افزایش است و زنان نیمی از افراد مبتلای جهان را تشکیل می‌دهند. این بیماری با بیشترین سرعت در حال گسترش در مناطقی است که بیشتر قسمت‌های آن از شر آن در امان بودند، به ویژه در اروپای شرقی و سراسر آفریقا از اورال تا اقیانوس آرام.

برای مقابله با این خطر ۹ کارگزاری سازمان ملل منابع خود را در برنامه مشترک سازمان ملل برای مبارزه با بیماری ایدز و ویروس آن تحت عنوان دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد متمرکز کرده‌اند که مدافع اصلی واکنشی جهانی به منظور پیشگیری از انتقال، تامین مراقبت و پشتیبانی، کاهش آسیب‌پذیری افراد و جوامع، و کاهش تاثیر و عوارض این بیماری است. دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد با برخورداری از مساعدت‌های داوطلبانه دولت‌ها، بنیادها، شرکت‌ها، افراد و گروه‌های خصوصی، بیشتر به عنوان رابط و هماهنگ کننده اقدامات عمل می‌کند تا یک کارگزار مستقیم اجرایی یا تامین کننده مالی. بودجه سال ۲۰۰۳ آن ۹۵ میلیون دلار بود.

به علاوه، دبیرکل خواستار اقدام برای رسیدگی به مشکل بیماری ایدز و ویروس آن شده و آن را اولویتی شخصی توصیف کرده است. وی همچنین تاسیس صندوق جهانی ایدز و بهداشت را پیشنهاد داد که در سال ۲۰۰۲ فعالیت خود را آغاز کرد. هدف این صندوق افزایش بودجه لازم برای کمک به کشورهای در حال توسعه در برخورد با این بحران است.

حوزه‌های اولویت دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد شامل زنان (که ۵۰ درصد همه افراد آلوده به ویروس ایدز جهان را تشکیل می‌دهند)، جوانان (نیمی از همه آلوده شده‌های جدید در جهان از جوانان ۱۵ تا ٢٤ ساله هستند)، جمعیت‌های آسیب‌پذیر، انتقال از مادر به کودک، معیارهای مراقبت، تهیه و تولید واکسن، و ابتکارهای ویژه برای مناطق آلوده‌تر، از جمله آفریقا است. دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد همچنین می‌کوشد مشارکت رهبران سیاسی را افزایش دهد، از تحقیقات حمایت کند، و محیطی حمایتی برای مبتلایان به این بیماری به وجود آورد.

دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد با دولت‌ها، شرکت‌ها، رسانه‌ها، نهادهای مذهبی، گروه‌ها و شبکه‌های محلی از مردم آلوده به بیماری ایدز و ویروس آن همکاری می‌کند. کارکنان دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد و نمایندگان سازمان‌های حامی مالی در کشورهای در حال توسعه در اطلاعات سهیم می‌شوند، اقدام هماهنگ را طراحی می‌کنند و درباره تامین منابع مالی مشترک فعالیت‌های مهم تصمیم می‌گیرند. هدف اصلی، حمایت از تلاش‌های کشور میزبان برای نشان دادن واکنشی موثر است.

نسبت مرگ و میر ناشی از ایدز در سال‌های اخیر در کشورهای پر درآمد، بیشتر به علت دسترسی گسترده به درمان ضد رترو ویروس پیوسته کاهش یافته است. دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد و سازمان جهانی بهداشت روز جهانی ایدز سال ۲۰۰۳ (اول دسامبر) طرحی مشروح را برای آموزش ده‌ها هزار امدادگر محلی در کشورهای در حال توسعه و در حال انتقال برای ارائه درمان ضد رتروویروس به ۳ میلیون فرد آلوده به ویروس ایدز تا سال ۲۰۰۵ اعلام کردند.

کارگزاری‌های شرکت‌کننده در دفتر مبارزه با ایدز ملل متحد عبارتند از: یونیسف، برنامه جهانی غذا، برنامه عمران ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، سازمان بین‌المللی کار، یونسکو، سازمان جهانی بهداشت و بانک جهانی. رهبران جهان در اعلامیه هزاره خود تصمیم گرفتند تا سال ۲۰۱۵ گسترش بیماری ایدز و ویروس آن را متوقف کرده و کاهش نسبت بروز آنها را آغاز کنند و از کودکانی که بر اثر این بیماری یتیم شده‌اند حمایت ویژه به عمل آورند.

اولویت‌های سازمان جهانی بهداشت در زمینه بیماری‌های مسری عبارتند از: کاهش تاثیر مالاریا و سل از طریق مشارکت جهانی؛ تقویت نظارت، پیگیری و نشان دادن واکنش به مسائل و مشکلات جهانی مربوط به بیماری‌های مسری؛ کاهش تاثیر بیماری‌ها از طریق پیشگیری و کنترل شدید و عادی؛ و با ایجاد و تولید دانش، شیوه‌های مداخله، طرح‌های اجرایی و توانایی‌های تحقیقاتی جدید برای استفاده در کشورهای در حال توسعه.

سازمان جهانی بهداشت علاوه بر مبارزه با بیماری‌های عفونی، عامل اصلی در زمینه ترویج مراقبت‌های بهداشتی اولیه، تحویل داروهای ضروری، سالمتر کردن شهرها، و حمایت از روش‌های زندگی و محیط‌های زیست سالمتر است. این سازمان در برخورد با موارد اضطراری بهداشتی، مانند شیوع تب همراه با خونریزی ابولا، نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند.

عامل محرک تحقیقات بهداشتی. سازمان جهانی بهداشت با همکاری شرکای خود در زمینه تحقیقات بهداشتی درباره شرایط و نیازهای کنونی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه اطلاعات جمع‌آوری می‌کند. این کارها از تحقیقات مربوط به بیماری‌های واگیردار در جنگل‌های دور افتاده استوایی تا نظارت بر پیشرفت تحقیقات ژنتیک را شامل می‌شود. این تحقیقات همچنین کمک می‌کند تا نظارت ملی و بین‌المللی بر بیماری‌های همه‌گیر بهبود یابد و برنامه‌های پیشگیرانه برای بیماری‌های جدید و در حال ظهور تدوین شود که کشفیات آزمایشگاهی را با جدیدترین اطلاعات از محل مربوطه تلفیق می‌کند.

تعیین معیار. سازمان جهانی بهداشت معیارهایی درباره مواد زیستی و دارویی تعیین می‌کند و مفهوم «داروهای ضروری» را به عنوان عنصر اساسی مراقبت بهداشتی اولیه به وجود آورده است.

سازمان جهانی بهداشت با کشورها همکاری می‌کند تا از عرضه عادلانه داروهای بی‌خطر و موثر با کمترین هزینه ممکن و موثرترین کاربرد اطمینان حاصل کند. سازمان به این منظور یک «فهرست مدل» از حدود ۳۰۶ دارو و واکسن تهیه کرده که برای کمک به پیشگیری یا درمان بیش از ۸۰ درصد همه مشکلات بهداشتی ضروری به شمار می‌آید. نزدیک به ۱۶۰ کشور این فهرست را با ساز و کارهای خود تطبیق داده‌اند. سازمان جهانی بهداشت همچنین با کشورهای عضو، جامعه مدنی و صنعت داروسازی همکاری می‌کند تا داروهای ضروری جدید برای مشکلات مهم بهداشتی در کشورهای فقیر و دارای درآمد متوسط بسازند و به تولید داروهای ضروری تایید شده موجود ادامه دهند.

سازمان جهانی بهداشت از طریق امکانات بین‌المللی سازمان ملل، بر گردآوری جهانی اطلاعات درباره بیماری‌های مسری نظارت، آمار قابل مقایسه درباره بهداشت و بیماری‌ها تهیه، و برای مواد غذایی سالم، و همچنین محصولات زیستی و دارویی معیارهای بین‌المللی تعیین می‌کند. این سازمان همچنین ارزیابی‌های بی‌مانند از خطرهای مواد سرطان‌زای آلاینده‌ها ارائه می‌دهد، و رهنمودهای پذیرفته شده همگانی را برای کنترل جهانی بیماری ایدز و ویروس آن به اجرا در آورده است.

مالاریا، سارس و سل

ابتکار مهار مالاریا، با حمایت مالی سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۸ با اعلام هدف به نصف رساندن فشار جهانی مالاریا تا سال ۲۰۱۰ آغاز شد. شرکای بنیانگذار این ابتکار یعنی برنامه عمران ملل متحد، یونیسف، بانک جهانی و سازمان جهانی بهداشت، موافقت کردند در تلاشی هماهنگ برای مهار مالاریا در سراسر جهان، با توجه ویژه به آفریقا، در تخصص و منابع یکدیگر شریک شوند. مخارج بین‌المللی برای مبارزه با مالاریا از سال ۱۹۹۸ با بیش از سه برابر افزایش به حدود ۲۰۰ میلیون دلار در سال رسیده و طرح‌های مهم در بیش از ۳۰ کشور آلوده به مالاریا در آفریقا تدوین شده است. منابع اضافی قابل توجهی از صندوق جهانی جدید برای مبارزه با ایدز، سل و مالاریا رسیده است.

سندروم شدید حاد تنفسی (سارس)، نخستین بیماری جدید قرن بیست‌ویکم هنوز واکسن یا درمانی غیر از جداسازی و قرنطینه کردن مبتلایان ندارد. این بیماری باعث زیان‌های اقتصادی مهمی، به ویژه در خاور دور، شده و دشواری‌هایی را که یک بیماری سهل الانتقال می‌تواند در عصر جهانی‌سازی به وجود آورد، آشکار کرده است. سازمان جهانی بهداشت در ژوئن ۲۰۰۳ ابتکاری خصوصی - عمومی را آغاز کرد تا با سارس مبارزه کند و امکاناتی برای نظارت، ایجاد تاسیسات آزمایشگاهی بهداشت عمومی و مربوط به بیماری‌های همه‌گیر در سراسر جهان به وجود آورد. جامعه بازرگانی جهانی وعده داده است منابع اولیه مورد نیاز را از طریق ایجاد صندوق ویژه بسیج و آماده کند. این گونه ابتکارها برای تامین اعتبار، کمک خواهد کرد جهان برای نشان دادن واکنش به بیماری‌های جدید آتی، و همچنین در برابر تهدیدهای میکربی تروریست‌ها آماده شود.

برنامه جهانی برای متوقف کردن سل، در سال ۲۰۰۱ به عنوان یک برنامه اقدام پنج ساله «مشارکت جهانی برای متوقف کردن سل» ارائه شد که از سال ۱۹۹۸ به وسیله سازمان جهانی بهداشت اجرا شده است. امروز بیش از ۲۵۰ سازمان دولتی و کارگزاری کمک کننده و موسسه ملی به اتفاق کار می‌کنند تا از طریق برنامه بهداشتی موسوم به «DOTS» «درمان مستقیما نظارت شده در دوره کوتاه» بیماری سل را ریشه کن کنند.

برنامه جهانی پیشنهاد می‌کند این برنامه بهداشتی گسترش یابد تا همه به تشخیص و درمان موثر دسترسی پیدا کنند؛ این برنامه برای حل دشواری‌های مربوط به مقاومت داروها در برابر ایدز و ویروس آن و سل تعدیل شود، امکانات بهتر تشخیص، داروهای جدید و واکسن جدید تامین و مشارکت جهانی تقویت شود تا برنامه‌های تایید شده مربوط به کنترل بیماری‌ها را بتوان در سراسر جهان به اجرا در آورد. کنترل موثر سل تا ۲۰۰۵ حدود ۹/۱ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. اگر هدف‌های برنامه جهانی تحقق یابند حدود ۱۲/۸ میلیون مسلول دیگر تا سال ۲۰۰۵ تحت درمان قرار گرفته و زندگی ۳/٤ میلیون نفر نجات خواهد یافت.

اسکان بشر

در سال ۱۹۵۰ نیویورک تنها شهر بزرگ جهان بود که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشت اما در سال ۲۰۰۰ تعداد چنین «کلان شهرهایی» به ۱۹ رسید که ۱۵ شهر در کشورهای در حال توسعه بود. در سال ۱۹۵۰ فقط ۳۰ درصد جمعیت جهان شهرنشین بود. امروز نزدیک به نیمی از ٦/۱ میلیارد جمعیت آن در شهرها و بیش از یک میلیارد نفر در زاغه‌ها زندگی می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه ٤۰ درصد جمعیت شهری ساکن زاغه‌ها هستند.

برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد- که پیشتر به مرکز اسکان بشر سازمان ملل معروف بود -

کارگزاری اصلی نظام ملل متحد برای رسیدگی به این موضوع است. مجمع عمومی به این کارگزاری ماموریت داده است از شهرهای از نظر اجتماعی و محیط‌زیست پایدار به منظور تامین سر پناه کافی برای همه حمایت کند. این کارگزاری به این منظور ۱۵٤ طرح و برنامه فنی در ٦۱ کشور، بیشتر در کشورهای کمتر توسعه یافته، دارد. بودجه سالانه ۲۰۰۳ – ۲۰۰۲ آن ۳۰۰ میلیون دلار بود.

در Habitat II، دومین کنفرانس اسکان بشر سازمان ملل (استانبول ۱۹۹٦)، درباره دستور کار اسکان یعنی برنامه اقدام جهانی که در آن، دولت‌ها خود را به اجرای هدف‌های تامین سر پناه کافی برای همه و توسعه پایدار شهری متعهد کردند، توافق حاصل شد. برنامه اسکان بشر سازمان ملل نقطه مرکزی اجرای این دستور کار است که پیشرفت در اجرای آن را در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی ارزیابی و بر گرایش‌ها و شرایط جهانی نظارت می‌کند.

برنامه اسکان بشر دو تلاش عمده جهانی را رهبری می‌کند: تلاش جهانی درباره اداره شهرها و تلاش جهانی برای اسکان امن:

• *تلاش جهانی درباره اداره شهرها.* در بسیاری از شهرها اداره ضعیف امور و سیاست‌های نامناسب به زوال محیط‌زیست، فقر روزافزون، رشد اقتصادی کم و محرومیت اجتماعی منجر شده است. هدف این تلاش افزایش توانایی محلی برای اداره مطلوب امور شهرها – یعنی واکنش کافی و موثر به مسائل و مشکلات شهری، با دولت‌های محلی منتخب مردمی و پاسخگو، و کار کردن در مشارکت با جامعه مدنی است. این تلاش بر فراگیری، رسیدگی به نیازهای فقیران محروم شهری و حمایت از مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در تمام سطوح متمرکز است.

• *تلاش جهانی برای اسکان امن.* هدف از این تلاش پیشبرد تعهد دولت‌ها برای تامین سر پناه کافی برای همه، یکی از دو موضوع اصلی دستور کار برنامه اسکان است. این برنامه تامین سکونت‌گاه امن را برای برنامه پایدار تامین سر پناه، ضروری و برای حمایت از حقوق مسکن حیاتی می‌داند. این برنامه طراحی شده تا پیشگام برنامه تامین سکونت‌گاه باشد که از حقوق و منافع فقیران حمایت می‌کند، با شناسایی این امر که اکثریت عظیم سر پناه فقیران شهری به وسیله خود آنان تامین شود. هدف این برنامه همچنین حمایت از حقوق و نقش زنان در سیاست موفق تامین سر پناه است.

این کارگزاری به روش‌های گوناگون بر مجموعه‌ای از مسائل و طرح‌های ویژه تمرکز و به اجرای آنها کمک می‌کند و همراه با بانک جهانی در ابتکاری برای بهبود شرایط زاغه‌ها به نام *اتحاد شهرها* فعال است. هدف برنامه‌های دیگر حمایت از برنامه‌ها و سیاست‌های موثر توسعه مسکن، مبارزه برای حقوق مسکن، حمایت از مدیریت و برنامه‌ریزی مربوط به شهرها و محیط زیست پایدار، و مدیریت و بازسازی زمین در دوره پس از مناقشه در کشورهای نابود شده بر اثر جنگ یا سوانح طبیعی است.

فعالیت‌های برنامه اسکان بشر به مدیریت آب و دفع بهداشتی فاضلاب، و مواد زائد جامد برای شهرها و روستاها، آموزش و ظرفیت‌سازی برای رهبران محلی، حصول اطمینان از این که حقوق زنان و

مسائل جنسیتی در سیاست‌های توسعه و مدیریت شهری گنجانده شوند، و کمک به مبارزه با جرایم از طریق *برنامه شهرهای امن‌تر* خود رسیدگی می‌کند. این کارگزاری به استحکام پیوندهای روستایی – شهری، و همچنین ارائه خدمات عمومی و توسعه زیربنایی کمک می‌کند و در تحقیق و نظارت بر توسعه اقتصادی شهری، اشتغال، کاهش فقر، نظام‌های تامین مالی برای امور شهری و مسکن، و سرمایه گذاری شهری مشارکت دارد.

برنامه‌های آن شامل موارد زیر است:

• *برنامه بهترین شیوه‌ها و رهبری محلی* – شبکه‌ای جهانی از کارگزاری‌های دولتی، مسئولان محلی و سازمان‌های جامعه مدنی به تعیین، شناسایی و معرفی بهترین شیوه‌ها برای بهبود محیط زیست زنده و به کار بستن درس‌های آموخته شده برای توسعه سیاسی و ظرفیت‌سازی اختصاص داده شده است.

• *برنامه شهرهای پایدار* – ابتکار مشترک برنامه اسکان بشر و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، که با استفاده از شیوه‌های مشارکتی، در برنامه‌ریزی و مدیریت امور مربوط به محیط‌زیست شهری ظرفیت‌سازی می‌کند. این برنامه در حال حاضر در حدود ٤٥ شهر جهان فعالیت می‌کند.

• *مدیریت آب در شهرهای آفریقا* – ابتکاری از برنامه اسکان بشر و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل که از مدیریت موثر آب و حفاظت از منابع آب در برابر آلودگی شهری حمایت می‌کند.

• *واحد مدیریت خطر و فاجعه* – به دولت‌های ملی و محلی و همچنین جوامع و محلات، در زمینه اجرای برنامه‌های بازسازی و بازپروری در مرحله پس از فاجعه کمک می‌کند.

• *محلی سازی دستور کار ۲۱* – عناصر اسکان بشر *دستور کار ۲۱* را در سطح محلی، با ترغیب انجام ابتکارهای مشترک در شهرهای منتخب دارای اندازه متوسط به اجرا درمی‌آورند. (*دستور کار ۲۱* برنامه اقدام جهانی برای توسعه پایدار است که در «اجلاس زمین» سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید و در همین بخش درباره آن توضیح داده خواهد شد.)

• *آمار و نظارت شهری جهانی* – بر اجرای دستور کار برنامه اسکان بشر با ایجاد و به کار بردن شاخص‌های سیاست‌گرای شهری نظارت می‌کند و در همان حال برای گزینش، جمع‌آوری، مدیریت و کاربرد شاخص‌ها و آمار در تحلیل سیاست و خط مشی، ظرفیت محلی ایجاد می‌کند.

آموزش و پرورش

در سال‌های اخیر پیشرفت‌های عظیمی در آموزش و پرورش حاصل شده است که یکی از نشانه‌های آن افزایش قابل توجه تعداد کودکان در مدارس است. با وجود این بیش از ۱۱۵ میلیون کودک – که حدود ٥٦ درصد آنان دختران کشورهای در حال توسعه هستند – از آموزش ابتدایی محروم هستند و بسیاری از آنان که به مدرسه می‌روند به دلیل فقر یا فشارهای خانوادگی و اجتماعی مجبور به ترک تحصیل می‌شوند. با وجود تلاش‌های فراوان در زمینه سواد آموزی ٨٦٢ میلیون بزرگسال هنوز

بی‌سوادند که حدود دو سوم از آنان زن هستند. دهه سوادآموزی سازمان ملل (۲۰۱۲ – ۲۰۰۳) می‌کوشد توجه بیشتری را به این موضوع حیاتی جلب کند.
تحقیق، رابطه نزدیک بین دسترسی به آموزش و پرورش و شاخص‌های اجتماعی بهتر را نشان داده است. تحصیل علم تاثیر فراوانی در بهبود زندگی زنان دارد. زن تحصیل کرده سالمتر خواهد بود، فرزندان کمتر و فرصت‌های بیشتری برای افزایش درآمد خانواده خواهد داشت. میزان مرگ و میر فرزندان او نیز کمتر خواهد بود و تغذیه و بهداشت بهتری خواهند داشت. به این دلیل دختران و زنان محور برنامه‌های آموزش و پرورش بسیاری از کارگزاری‌های سازمان ملل هستند.
بسیاری از بخش‌های نظام ملل متحد، در تامین بودجه و توسعه مجموعه‌ای از برنامه‌های آموزش و پرورش و کارآموزی شرکت دارند. این برنامه‌ها شامل تحصیلات پایه‌ای سنتی، تا آموزش فنی برای توسعه منابع انسانی در حوزه‌هایی مانند مدیریت عمومی، خدمات کشاورزی و بهداشتی، تا تلاش‌ها برای افزایش آگاهی عمومی، آموزش مسائل مربوط به بیماری ایدز و ویروس آن به مردم، عدم استفاده از مواد مخدر، حقوق بشر، تنظیم خانواده، و مسائل بسیار دیگر است. برای نمونه، **یونیسف** بیش از ۲۰ درصد پرداخت‌های برنامه سالانه خود را به آموزش و پرورش، با بذل توجه ویژه به آموزش و پرورش دختران، اختصاص می‌دهد.
سازمان اصلی در حوزه آموزش و پرورش **سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)** است. این سازمان به اتفاق سایر شرکا برای تضمین این امر کار می‌کند که همه کودکان به مدارس مناسب بروند و آموزگاران تعلیم دیده داشته باشند که به آنان به خوبی آموزش دهند.
یونسکو بر مبنای چارچوبی برای اقدام که در سال ۲۰۰۰ در مجمع جهانی آموزش و پرورش در داکار، سنگال به تصویب بیش از ۱۶۰ کشور رسید، در حال ارائه بلندپروازانه‌ترین تلاش بین کارگزاری سازمان ملل است که تاکنون برای دستیابی به آموزش و پرورش ابتدایی کیفی همگانی تا سال ۲۰۱۵، انجام شده، به دبیرخانه است. رهبران کشورهای جهان در اعلامیه هزاره خود در سپتامبر آن سال بار دیگر این هدف را تایید کردند.
در آن مجمع، دولت‌ها، با تاکید ویژه بر دختران و گروه‌هایی مانند کودکان کارگر و کودکان گرفتار در جنگ، متعهد شدند تا آموزش و پرورش مطلوب را برای همه محقق سازند. موسسات و کشورهای کمک کننده متعهد شدند مردم هیچ کشوری به علت فقدان منابع مالی از آموزش و پرورش پایه‌ای محروم نشوند. مجمع فوق از نتایج بزرگترین، جامع‌ترین و از نظر آماری فراگیرترین ارزیابی آموزش و پرورش در تاریخ یعنی کنفرانس دو ساله «ارزیابی آموزش و پرورش برای همه» و شش کنفرانس سطح بالای منطقه‌ای استفاده کرد.
طرح بین رشته‌ای نوآورانه یونسکو یعنی «آموزش و پرورش برای آینده پایدار»، به کشورهای عضو کمک می‌کند آموزش و پرورش ملی و فعالیت‌های آموزشی خود را درباره محیط زیست، جمعیت و

توسعه، از جمله آموزش بهداشت و پیشگیری از سوءاستفاده از مواد مخدر و بیماری ایدز بهبود بخشند و در آن‌ها تجدید نظر کنند.
یونسکو بر اساس برنامه خود در زمینه حمایت از آموزش در تمام عمر برای همه، از طرح‌های ملی برای تجدید سازمان نظام‌های آموزش و پرورش حمایت و آنها را تقویت می‌کند و برنامه‌های مناسب به منظور دسترسی همگان به آموزش تمام عمر برای همه، تهیه می‌کند. این برنامه همچنین می‌کوشد دسترسی به آموزش پایه را بیشتر کند و کیفیت آن را بهبود بخشد، آموزش عالی را در سراسر جهان اصلاح کند و از آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم حمایت به عمل آورد.
حدود ۷۵۰۰ مدرسه در ۱۷۱ کشور در طرح مدارس متحد یونسکو شرکت دارند که شبکه‌ای بین‌المللی است که راه‌ها و وسایل تقویت نقش آموزش و پرورش در یاد گرفتن زندگی با هم در جامعه‌ای جهانی را میسر می‌سازد. حدود ۵ هزار کلوب یونسکو در بیش از ۱۲۰ کشور، بیشتر متشکل از آموزگاران و دانش‌آموزان، انجام طیفی گسترده از فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی را به عهده دارند.

تحقیقات و آموزش

فعالیت دانشگاهی به شکل تحقیق و آموزش به وسیله تعدادی از سازمان‌های تخصصی ملل متحد انجام می‌شود. هدف از این کار افزایش درک مسائل جهانی که با آنها مواجه هستیم، و همچنین تقویت منابع انسانی مورد نیاز برای جنبه‌های فنی‌تر توسعه اقتصادی و اجتماعی است.
ماموریت **دانشگاه سازمان ملل متحد** این است که از طریق تحقیق و ظرفیت‌سازی، به تلاش‌ها برای حل مسائل مبرم جهانی مورد توجه سازمان ملل، کشورهای عضو و مردم جهان کمک کند. دانشگاه سازمان ملل به عنوان جامعه‌ای بین‌المللی از دانشمندان، پلی بین سازمان ملل و جامعه دانشگاهی بین‌المللی یعنی گروه متفکران و مشاوران برای نظام ملل متحد و سازنده ظرفیت‌ها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. این دانشگاه با بیش از ۳۰ نهاد سازمان ملل و بیش از ۱۰۰ موسسه تحقیقاتی در سراسر جهان همکاری می‌کند.
فعالیت دانشگاهی این نهاد رسیدگی به مسائل ویژه مورد توجه سازمان ملل است. تمرکز موضوعی کنونی آن پنج حوزه را شامل می‌شود: صلح، حکومت، توسعه، محیط‌زیست و علم، فن‌آوری و جامعه. فعالیت‌های دانشگاهی در مرکز آن در توکیو، و از طریق مراکز تحقیق و آموزش و برنامه‌های واقع در قسمت‌های گوناگون دنیا انجام می‌شود. این مراکز عبارتند از:
• *برنامه مواد غذایی و تغذیه دانشگاه سازمان ملل برای توسعه انسانی و اجتماعی*، ایتاکا، نیویورک، ایالات متحده (۱۹۷۵) – بر ظرفیت‌سازی در زمینه مواد غذایی و تغذیه متمرکز است.
• *برنامه آموزش مربوط به حرارت زمین دانشگاه سازمان ملل*، ریکیاویک، ایسلند، (۱۹۷۹) – تحقیقات، اکتشاف و توسعه مربوط به حرارت زمین.

• *موسسه جهانی دانشگاه سازمان ملل برای تحقیقات توسعه اقتصادی* (UNU-WIDER)، هلسینکی، فنلاند (۱۹۸۵).

• *برنامه دانشگاه سازمان ملل برای فن‌آوری زیستی در آمریکای لاتین و کاراییب*، کاراکاس، ونزوئلا (۱۹۸۸) – بر فن‌آوری زیستی و اجتماع متمرکز است.

• *موسسه دانشگاه سازمان ملل برای فن‌آوری‌های جدید*، ماستریخت، هلند (۱۹۹۰) – تاثیر اجتماعی و اقتصادی فن‌آوری‌های جدید را بررسی می‌کند.

• *موسسه بین‌المللی دانشگاه سازمان ملل برای منابع طبیعی در آفریقا*، اکرا، غنا (۱۹۹۰) – مدیریت منابع طبیعی.

• *موسسه بین‌المللی دانشگاه سازمان ملل برای فن‌آوری نرم‌افزار*، ماکائو، چین (۱۹۹۲) – فن‌آوری‌های نرم‌افزار برای توسعه.

• *موسسه مطالعات پیشرفته دانشگاه سازمان ملل*، توکیو، ژاپن (۱۹۹۵) – بازسازی اقتصادی برای توسعه پایدار.

• *دانشگاه بین‌المللی رهبری دانشگاه سازمان ملل*، امان، اردن (۱۹۹۵) – بر توسعه رهبری تمرکز دارد.

• *شبکه بین‌المللی دانشگاه سازمان ملل درباره آب، محیط‌زیست و بهداشت*، همیلتون، اونتاریو، کانادا (۱۹۹٦) .

• *برنامه آموزشی شیلات و ماهیگیری سازمان ملل*، ریکیاویک، ایسلند (۱۹۹۸) – تحقیقات و توسعه شیلات و ماهیگیری.

• *برنامه دانشگاه سازمان ملل درباره مطالعات تطبیقی همگرایی منطقه‌ای*، بروژ، بلژیک (۲۰۰۱) – برای توسعه شبکه‌ای جهانی درباره مطالعات تطبیقی همگرایی منطقه‌ای.

• *برنامه دانشگاه سازمان ملل درباره فن‌آوری و علم برای تداوم پذیری*، کوانگجو، جمهوری کره (۲۰۰۱) – علم و فن‌آوری برای تداوم حیات محیط‌زیست.

• *برنامه دانشگاه سازمان ملل برای محیط‌زیست منطقه‌ای پانتانال*، ایالت ماتوگروسو، برزیل (۲۰۰۲) – درباره زیست بوم‌های آسیب‌پذیر در تالاب‌ها و نواحی مردابی فعالیت می‌کند.

• *موسسه دانشگاه سازمان ملل برای امنیت محیط‌زیست و بشر*، بن، آلمان، (۲۰۰۳) .

موسسه آموزش و تحقیقات سازمان ملل برای افزایش کارآیی و تاثیر سازمان ملل از طریق آموزش و تحقیقات مناسب فعالیت می‌کند. این موسسه برنامه‌های آموزشی در زمینه دیپلماسی و همکاری بین‌المللی چند جانبه برای دیپلمات‌های پذیرفته شده در سازمان ملل، و همچنین برای مقام‌های ملی که در کارهای مربوط به سازمان ملل فعالیت دارند، برگزار و برنامه‌های آموزشی متنوعی در حوزه توسعه اجتماعی و اقتصادی اجرا می‌کند.

این نهاد هر سال حدود ۱۲۰ بورس مختلف تحقیقاتی و تحصیلی، سمینار و دوره آموزشی فشرده

برگزار می‌کند که بیش از ۵۵۰۰ شرکت کننده در پنج قاره از آنها استفاده می‌کنند. این موسسه همچنین تحقیقاتی به منظور به دست آوردن نتایج عملی مربوط به آموزش و توسعه مطالب و مواد آموزشی – از جمله برنامه‌های تعلیم از راه دور، کتاب‌های آموزشی، مجموعه‌های نرم‌افزار و فیلم آموزشی انجام می‌دهد. تمام هزینه این نهاد از کمک‌های داوطلبانه تامین می‌شود.

کالج کارکنان نظام ملل متحد ماموریت دارد به تقویت ظرفیت‌های مربوط به توسعه مدیریت و رهبری در سراسر نظام ملل متحد کمک کند. این کالج سه برنامه اصلی دارد. یک برنامه، خدمات مربوط به آموزش و تعلیم کارکنان، معمولا بر مبنای همکاری بین کارگزاری، ارائه می‌دهد. دیگری خدمات ظرفیت‌سازی برای کمک به سازمان‌های سازمان ملل در مدیریت دانش، مدیریت منابع انسانی و کارآیی عملیاتی عرضه می‌کند. هدف برنامه سوم حمایت از همکاری و افزایش آگاهی درباره مسائل مربوط به عملکرد و کیفیت، به منظور تقویت فرهنگ مدیریت در سراسر نظام ملل متحد است. تمام این فعالیت‌ها با حمایت از هدف‌های توسعه هزاره و دستور کار اصلاحات دبیرکل ارتباط دارند و هماهنگ هستند. این کالج ژانویه ۲۰۰۲ تاسیس شد و نهادی متمایز در نظام ملل متحد است (به www.unssc.org نگاه کنید).

موسسه تحقیقات سازمان ملل برای توسعه اجتماعی در تحقیقات در زمینه ابعاد اجتماعی مسائل معاصر موثر در امر توسعه فعالیت دارد. این موسسه که از طریق شبکه‌ای گسترده از مراکز تحقیقات ملی کار می‌کند، با دولت‌ها، کارگزاری‌های توسعه، سازمان‌های مردمی و دانشمندان در زمینه تنظیم و تدوین سیاست‌های توسعه همکاری می‌کند. موضوع‌های تحقیقاتی کنونی آن شامل توسعه و سیاست اجتماعی؛ دموکراسی، حکومت و حقوق بشر؛ جنبش‌های اجتماعی و جامعه مدنی؛ و فن‌آوری، کسب و کار و اجتماع است.

جمعیت و توسعه

سازمان ملل برآورد می‌کند با وجود پیش‌بینی کاهش نسبت‌های باروری در جهان، جمعیت در طول ۵۰ سال آینده به شدت افزایش یابد. افزایش سریع جمعیت به شدت بر منابع و محیط زیست کره زمین فشار می‌آورد و تلاش‌ها در جهت توسعه را خنثی می‌کند. سازمان ملل به شیوه‌های بسیاری به رابطه بین جمعیت و توسعه رسیدگی کرده، تاکیدهای ویژه‌ای بر پیشبرد حقوق و موقعیت زنان، که به عنوان کلید پیشرفت اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌آید، به عمل آورده است.

سازمان ملل در طول دهه‌ها مشغول فعالیت‌های عملیاتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است. بخش‌های گوناگون این سازمان با هم کار کرده‌اند تا دفاتر آمار ملی ایجاد کنند، آمارگیری کنند، پیش‌بینی‌هایی به عمل آورند و اطلاعات قابل اعتماد منتشر سازند. فعالیت‌های کمی و روش شناسانه سازمان ملل، به ویژه برآوردها و پیش‌بینی‌های قابل اعتماد آن درباره اندازه و تغییر جمعیت، پیشگامانه بوده است. این امر باعث افزایشی قابل

توجه در ظرفیت‌های ملی برای برنامه‌ریزی از پیش، تلفیق و همگرایی سیاست‌های جمعیتی در برنامه‌ریزی توسعه، و اتخاذ تصمیم‌های درست اقتصادی و اجتماعی شده است.

کمیسیون جمعیت و توسعه، متشکل از ٤٧ کشور عضو، مسئول مطالعه درباره تغییرات جمعیتی و تاثیرهای آنها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی و ارائه نظرهای مشورتی به شورای اقتصادی و اجتماعی است. این کمیسیون مسئولیت اساسی برای رسیدگی به اجرای برنامه اقدام کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه ١٩٩٤ دارد.

بخش جمعیت اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به عنوان دبیرخانه این کمیسیون خدمت می‌کند و همچنین اطلاعات به روز و بی‌طرفانه علمی درباره جمعیت و توسعه به جامعه بین‌المللی می‌دهد. این بخش مطالعاتی درباره سطوح، گرایشات، برآوردها و پیش‌بینی‌های جمعیت و همچنین درباره سیاست‌های جمعیتی و رابطه بین جمعیت و توسعه به عمل می‌آورد. بخش جمعیت، پایگاه‌های اطلاعاتی مهمی دارد، از جمله *پیش‌بینی‌های جمعیت جهان تا ٢١٥٠ و بررسی و فهرست جهانی سیاست‌های جمعیت*. این بخش همچنین *شبکه اطلاعات* جمعیت را هماهنگ می‌کند که از کاربرد اینترنت برای تسهیل استفاده جهانی از اطلاعات مربوط به جمعیت حمایت می‌کند.

صندوق جمعیت ملل متحد، که فعالیت‌های عملیاتی نظام ملل متحد را در این زمینه رهبری می‌کند، به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال انتقال کمک می‌کند برای مسائل جمعیتی خود راه حل پیدا کنند. این صندوق به کشورها کمک می‌کند خدمات مربوط به بهداشت تولید مثل و تنظیم خانواده را بر مبنای انتخاب فردی بهبود بخشند و در حمایت از توسعه پایدار، سیاست‌های جمعیتی تنظیم کنند. صندوق همچنین افزایش آگاهی درباره مسائل جمعیت را ترویج و به دولت‌ها کمک می‌کند با آنها با شیوه‌های مناسب با نیازهای هر کشور برخورد کنند.

صندوق جمعیت، به عنوان بزرگترین منبع کمک جمعیتی که دارای بودجه بین‌المللی است، یک چهارم چنین کمک‌هایی را در سراسر جهان اداره می‌کند. این صندوق در درجه اول سازمانی تامین کننده بودجه برای طرح‌ها و برنامه‌های جمعیتی است که به وسیله دولت‌ها، کارگزاری‌های سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی به اجرا در می‌آیند.

زمینه‌های اصلی برنامه‌های آن عبارتند از:

• *بهداشت تولید مثل، از جمله بارداری بی‌خطر و امن، تنظیم خانواده و بهداشت جنسیتی*، که به مردم کمک می‌کند تعداد دلخواه فرزندان خود را داشته و از آزادی بیشتری برای برنامه‌ریزی آینده خود برخوردار باشند، زندگی‌ها را نجات می‌دهد، از مبارزه علیه بیماری ایدز و ویروس آن حمایت می‌کند، و به رشد کندتر و متعادل‌تر جمعیت کمک می‌کند.

• *برنامه‌های جمعیت و توسعه*، که به کشورها کمک می‌کند مسائل جمعیت را در سیاستگذاری ادغام کنند، برنامه‌هایی برای بهبود کیفیت زندگی مردم خود طراحی کنند، و ظرفیت و توانایی خود را برای تهیه برنامه‌های جمعیت بهبود بخشند.

• *حمایت*، از برابری زنان، حفظ و تدوام تعهد سیاسی، و افزایش آگاهی و منابع برای جمعیت و توسعه حمایت می‌کند.

سایر برنامه‌های ویژه به جوانان، سالخوردگی، پیشگیری از بیماری ایدز و ویروس آن، مراقبت اضطراری مربوط به زایمان، و پیشگیری و درمان فیستولا، و همچنین جمعیت و محیط‌زیست مربوط می‌شود. صندوق جمعیت هیچ حمایتی از خدمات مربوط به سقط جنین به عمل نمی‌آورد. بر عکس، تلاش می‌کند با کمک به افزایش دسترسی به خدمات تنظیم خانواده مانع از سقط جنین شود.

صندوق جمعیت نهاد اصلی سازمان ملل برای پیشبرد برنامه اقدام مصوب کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه (قاهره، ۱۹۹٤) است که اجلاس ویژه مجمع عمومی در ۱۹۹۹ در آن تجدید نظر کرد. این برنامه بیشتر بر تامین نیازهای تک تک زنان و مردان تاکید دارد تا دستیابی به هدف‌های جمعیتی. وسیله اصلی رسیدن به این هدف توانمندسازی زنان و قرار دادن انتخاب‌های بیشتر در اختیار آنان، از طریق دسترسی بیشتر به آموزش و پرورش، خدمات بهداشتی، و فرصت‌های اشتغال است.

صندوق جمعیت به نیازهای بهداشت مربوط به تولید مثل نوجوانان نیز رسیدگی می‌کند. تلاش برنامه‌های آن بر جلوگیری از بارداری نوجوانان، پیشگیری و درمان فیستولا، پیشگیری از بیماری ایدز و ویروس آن، و سایر عفونت‌هایی که در اثر روابط جنسی منتقل می‌شوند، کاهش توسل به سقط جنین، و بهبود دسترسی به اطلاعات و خدمات مربوط به بهداشت تولید مثل متمرکز است.

توانایی والدین برای انتخاب تعداد فرزندان خود و تعیین فاصله بین تولد آنان جزیی حیاتی از بهداشت تولید مثل و از حقوق بشر بنیادی پذیرفته شده بین‌المللی است. در حالی که تعداد زوج‌هایی که از برنامه‌های تنظیم خانواده استفاده می‌کنند در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته، هنوز دست کم ۳۵۰ میلیون زوج در جهان به مجموعه کامل شیوه‌های تنظیم خانواده دسترسی ندارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند ۱۲۰ میلیون زن دیگر، اگر از اطلاعات دقیق‌تر، خدمات ارزانتر، و مشاوره مناسب برخوردار بودند، و اگر همسران آنان، اعضای خانواده‌ها و جوامع از آنان بیشتر حمایت می‌کردند، از یکی از شیوه‌های مدرن تنظیم خانواده استفاده می‌کردند. صندوق جمعیت با دولت‌ها، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی برای تامین نیازهای مردم در زمینه تنظیم خانواده همکاری می‌کند.

پیشرفت زنان

حمایت از برابری زنان و مردان، در فعالیت‌های سازمان ملل امری اساسی است. برابری جنسیتی نه فقط خود یک هدف است بلکه به عنوان وسیله‌ای اساسی برای دستیابی به تمام هدف‌های دیگر توسعه به رسمیت شناخته شده است. تلاش‌ها برای غلبه بر فقر و کاهش گرسنگی به نحو روزافزونی با نقش حیاتی زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی پیوند دارند. حمایت از آموزش و پرورش دختران برای دستیابی به هدف آموزش ابتدایی همگانی ضروری است. مبارزه علیه بیماری عالمگیر ایدز و ویروس آن، که زنان نزدیک به ۵۰ درصد افراد آلوده به آن را در جهان تشکیل می‌دهند،

کنفرانس‌های جهانی درباره زنان

کنفرانس‌های سازمان ملل، با استفاده از توانایی جنبش‌های ملی زنان، درک، علاقه و اقدام مربوط به پیشرفت زنان را در سراسر جهان برانگیخته و به حرکت در آورده‌اند.

برگزاری سه کنفرانس جهانی - در مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاگ (۱۹۸۰) و نایروبی (۱۹۸۵)، آگاهی بین‌المللی از مسائل زنان را به شدت افزایش داد و پیوندهایی ارزشمند بین جنبش‌های ملی زنان و جامعه بین‌المللی به وجود آورد.

در چهارمین کنفرانس جهانی درباره زنان (پکن، ۱۹۹۵)، نمایندگان ۱۸۹ دولت *اعلامیه و برنامه اقدام پکن* را به منظور حذف موانع مشارکت زنان در همه گستره‌های زندگی عمومی و خصوصی تصویب کردند.

برنامه اقدام پکن ۱۲ عامل مهم نگرانی را مشخص کرد:

- فشار مداوم و فزاینده فقر بر زنان؛
- دسترسی نابرابر به فرصت‌های آموزشی و ناکافی بودن آنها؛
- نابرابری‌ها در موقعیت بهداشتی، خدمات ناکافی مراقبت بهداشتی، و دسترسی نابرابر به خدمات بهداشتی؛
- خشونت علیه زنان؛
- عوارض مناقشات بر زنان؛
- نابرابری در مشارکت زنان در تعیین ساختارها و سیاست‌های اقتصادی، و در فرآیند تولید؛
- نابرابری در تقسیم قدرت و تصمیم‌گیری؛
- ساز و کارهای ناکافی برای حمایت از پیشرفت زنان؛
- عدم آگاهی از حقوق بشر زنان که در سطح ملی و بین‌المللی پذیرفته شده‌اند و فقدان تعهد نسبت به آنها؛
- عدم بسیج کافی رسانه‌های همگانی برای آگاه کردن مردم از مساعدت زنان به جامعه؛
- عدم تایید و حمایت کافی از مساعدت زنان به مدیریت منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست؛
- کودکان دختر.

کشورها در بیست و سومین اجلاس ویژه مجمع عمومی درسال ۲۰۰۰ برای پیگیری اجرای اعلامیه و برنامه اقدام پکن، قول دادند ابتکارهای بیشتر، مانند تقویت قوانین مخالف همه شکل‌های خشونت خانوادگی، و تصویب قوانین و سیاست‌هایی برای حذف روش‌های زیانبار مانند ازدواج اجباری و زود هنگام و مثله کردن اندام تناسلی زنان انجام دهند. هدف‌هایی برای تضمین آموزش ابتدایی اجباری رایگان برای دختران و پسران، و بهبود بهداشت زنان از طریق دسترسی بیشتر به برنامه‌های پیشگیری و مراقبت بهداشتی تعیین شدند.

به مشارکت کامل آنان نیاز دارد. سازمان ملل فعالانه از توانمندسازی زنان و برخورداری آنان از حقوق بشر از طریق تصویب ضوابط، معیارها و سیاست‌های جهانی، و از طریق فعالیت‌های کمک توسعه خود حمایت می‌کند.

کمیسیون موقعیت زنان، تحت نظارت شورای اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت به سمت برابری جنسیتی زنان در سراسر جهان را بررسی می‌کند، برای حمایت از حقوق زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزش و پرورش پیشنهادهایی ارائه می‌دهد، و

به مشکلات مربوط به حقوق زنان که به توجه فوری نیاز دارند، رسیدگی می‌کند. این کمیسیون همچنین پیش‌نویس معاهدات و اسناد دیگری را به منظور بهبود موقعیت زنان از نظر حقوقی و عملی ارائه می‌دهد. این کمیسیون ٤٥ عضوی چهار کنفرانس جهانی درباره مسائل زنان و برابری جنسیتی، از جمله چهارمین کنفرانس جهانی درباره زنان (پکن، ۱۹۹۵) را تدارک دیده و بر اجرای برنامه اقدام آن و نتیجه بیست و سومین اجلاس ویژه مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰ نظارت می‌کند.

کمیته حذف تبعیض علیه زنان بر تبعیت از *کنوانسیون سازمان ملل درباره حذف کلیه شکل‌های تبعیض علیه زنان* نظارت می‌کند. پیشنهادهای این کمیته تخصصی ۲۳ نفری به درک بهتر حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان، حقوق مدنی و سیاسی آنان، و راه‌های تضمین برخورداری از آن حقوق کمک کرده است.

بخش پیشبرد موقعیت زنان، در اداره امور اقتصادی و اجتماعی، از تلاش‌های کمیسیون موقعیت زنان و کمیته حذف تبعیض علیه زنان به منظور پیشبرد دستور کار جهانی برای نیل به برابری جنسیتی و تقویت اقدام‌ها در زمینه مسائل جنسیتی حمایت می‌کند. **خانم مشاور ویژه دبیرکل** در مسائل جنسیتی و پیشبرد زنان بر کار این بخش نظارت می‌کند. او در سطح عالی نهادهای بین دولتی و کارشناسی، از جمله در شورای امنیت، در زمینه مسائل حیاتی در حال ظهوری مانند زنان، صلح و امنیت، حمایت به عمل می‌آورد. وی در داخل نظام ملل متحد درباره کلیه مسائل مربوط به برابری جنسیتی از جمله همگرایی و ادغام مسائل جنسیتی در تمامی فعالیت‌های برنامه‌ای و عملیاتی نقش رهبری و میانجیگرانه ایفا می‌کند،و درباره تحقق تعادل جنسیتی ۵۰/۵۰ و بهبود موقعیت زنان نظر مشورتی درباره خط مشی ارائه می‌دهد.

مشاور ویژه همچنین ساز و کارهای بین کارگزاری را هماهنگ می‌کند و ریاست شبکه بین کارگزاری درباره زنان و برابری جنسیتی نظام ملل متحد را به عهده دارد. این شبکه برای تقویت اجرای برنامه اقدام و پیگیری آن، و *کنوانسیون حذف کلیه شکل‌های تبعیض علیه زنان*، فعالیت می‌کند. همه نهادهای خانواده سازمان ملل، علاوه بر دبیرخانه، در سیاست‌ها و برنامه‌های خود به مسائل مربوط به زنان و جنسیت رسیدگی می‌کنند. زنان در فعالیت‌های یونیسف برای کودکان، اهمیت اساسی دارند. بیشتر ماموریت صندوق جمعیت سازمان ملل بر محور حقوق تولید مثل و بهداشت زنان استوار است. برنامه عمران ملل متحد ، یونسکو، برنامه جهانی غذا، سازمان بین‌المللی کار و غیره برنامه‌هایی بر محور حقوق زنان و پشتیبانی از برابری جنسیتی دارند. به علاوه دو نهاد دیگر، تمرکز اختصاصی بر مسائل زنان دارند: صندوق توسعه ملل متحد برای زنان و موسسه بین‌المللی تحقیقات و آموزش برای پیشرفت زنان.

صندوق توسعه ملل متحد برای زنان صندوقی داوطلبانه است که به برنامه‌های نوآورانه‌ای که از

حقوق بشر زنان، توانمندسازی اقتصادی و سیاسی آنان، و برابری جنسیتی حمایت می‌کنند پشتیبانی مالی و کمک فنی ارائه می‌دهد. این صندوق بیشتر در سه حوزه فعال است: تقویت توانایی اقتصادی زنان به عنوان کار آفرین و تولید کننده؛ افزایش مشارکت زنان در حکومت، رهبری و تصمیم‌گیری؛ و حمایت از حقوق بشر زنان به منظور عادلانه‌تر کردن توسعه.

موسسه بین‌المللی تحقیقات و آموزش برای پیشرفت زنان کارهای تحقیقاتی و آموزشی با استفاده از فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی برای کمک به پیشرفت زنان و حمایت از دسترسی آنان به جامعه اطلاعاتی قرن بیست و یکم انجام می‌دهد.

حمایت از حقوق کودکان

یازده میلیون کودک هر سال پیش از پنج سالگی می‌میرند، و ده‌ها میلیون کودک دیگر به دلیل محرومیت از امکانات بقا و شکوفایی از لحاظ جسمی یا عقلی معلول می‌شوند. علت مرگ بسیاری از کودکان بیماری‌های قابل پیشگیری یا به سهولت قابل درمان است و دیگران بر اثر عوارض مهلک فقر، جهل، تبعیض و خشونت می‌میرند. این تلفات در مجموع زیانی شدید برای خانواده‌ها، جوامع، ملت‌ها و جهان به شمار می‌آید.

علاوه بر کودکان، جوانان نیز با نیروهایی مواجه هستند که زندگی و رفاه آنان را تهدید می‌کنند. آنان آسیب‌پذیرتر می‌شوند زیرا غالبا حقوق‌شان از آنان دریغ می‌شود از جمله حق آموزش و پرورش، مشارکت و حفاظت از آزار و صدمات.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، برای حفاظت از حقوق کودکان اقدام می‌کند و طرفدار اجرای کامل *کنوانسیون حقوق کودکان و کنوانسیون حذف تمامی شکل‌های تبعیض علیه زنان* است. هدف یونیسف برخورداری کودکان از بهترین شروع ممکن در زندگی است و با مشارکت دولت‌ها، سایر کارگزاری‌های سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی برای پیشرفت بهداشت، آموزش و پرورش، تغذیه و حفاظت از همه کودکان فعالیت می‌کند. یونیسف در فعالیت‌های خود در ۱۵۸ کشور و سرزمین بر اجرای برنامه‌های قابل ادامه و کم هزینه‌ای تاکید دارد که در آن‌ها جوامع تشویق می‌شوند نقشی فعال به عهده بگیرند.

اولویت‌های کنونی یونیسف رشد و پرورش در اوایل کودکی، آموزش و پرورش دختران، مصون‌سازی و مایه کوبی، مبارزه با بیماری ایدز و ویروس آن، و حفاظت از کودکان در برابر خشونت، بدرفتاری، بهره‌کشی و تبعیض است. این هدف‌ها با هدف‌های توسعه هزاره و هدف‌های اعلام شده در «دنیایی مناسب کودکان» و سند نهایی اجلاس ویژه ۲۰۰۲ مجمع عمومی درباره کودکان هماهنگ است.

اجلاس ویژه درباره کودکان

بیش از ۷۰۰۰ نفر از ۸ تا ۱۰ مه ۲۰۰۲ در مهمترین کنفرانس بین‌المللی درباره کودکان در بیش از یک دهه، یعنی اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل درباره کودکان، شرکت کردند. این اجلاس برای بررسی پیشرفت‌ها از زمان اجلاس جهانی سران برای کودکان در ۱۹۹۰ و تاکید دوباره بر تعهدات جهانی نسبت به حقوق کودکان تشکیل شد. اجلاس ویژه رویدادی بزرگ بود یعنی نخستین اجلاس که به طور انحصاری به کودکان اختصاص داده شده و برای نخستین بار آنان را به عنوان نمایندگان رسمی شرکت داده بود.

اوج کار اجلاس ویژه تصویب رسمی سند نهایی آن با عنوان: «دنیایی مناسب کودکان» به وسیله حدود ۱۸۰ کشور بود. دستور کار جدید برای کودکان جهان، ۲۱ هدف و منظور ویژه برای دهه بعد را شامل می‌شد. این دستور کار حاصل بیش از دو سال اجماع‌سازی بود که در آن ملت‌های جهان متعهد شدند موقعیت کودکان و جوانان را بهبود بخشند. «دنیایی مناسب کودکان» چهار اولویت اصلی را تعیین می‌کند:

- حمایت از زندگی سالم؛
- تامین آموزش و پرورش کیفی برای همه؛
- حفاظت از کودکان در برابر بدرفتاری، بهره‌کشی و خشونت؛
- مبارزه با بیماری ایدز و ویروس آن.

این سند رهبران را به تکمیل دستور کار تمام نشده اجلاس جهانی سران برای کودکان سال ۱۹۹۰، و تحقق هدف‌های دیگر، به ویژه هدف‌های اعلامیه هزاره ملل متعهد می‌سازد و بار دیگر تعهد سران را به حمایت و پشتیبانی از حقوق همه کودکان، پذیرفتن معیارهای حقوقی تعیین شده در کنوانسیون حقوق کودکان و پروتکل‌های اختیاری آن، تایید می‌کند. از کلیه جوامع دعوت شده به جنبش جهانی برای ایجاد دنیایی مناسب کودکان، بر مبنای دعوتی ۱۰ ماده‌ای که همچنین هسته اصلی ابتکار «برای کودکان، بله بگویید» یونیسف را تشکیل می‌داد ملحق شوند.

برنامه اقدام دستیابی به سه نتیجه ضروری را تعیین می‌کند: بهترین شروع ممکن در زندگی برای کودکان؛ دسترسی به آموزش و پرورش اساسی کیفی، از جمله آموزش ابتدایی رایگان و اجباری؛ و ایجاد فرصت فراوان برای کودکان و نواجوانان به منظور پروردن توانایی‌های فردی آنان. تقاضاهای فراوانی برای حمایت از خانواده‌ها، حذف تبعیض و حل مشکل فقر وجود دارد.

از دست اندرکاران و شرکای گوناگونی دعوت شده در این برنامه نقش‌های اساسی ایفا کنند، از جمله: از خود کودکان؛ والدین، خانواده‌ها و سایر مراقبت کنندگان؛ دولت‌های محلی؛ اعضای پارلمان‌ها؛ سازمان‌های غیردولتی؛ بخش خصوصی؛ رهبران مذهبی، معنوی، فرهنگی و بومی؛ رسانه‌های همگانی؛ سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و مردمی که با کودکان کار می‌کنند.

«دنیایی مناسب کودکان» به منظور دستیابی به این هدف‌ها و خواسته‌ها، خواهان آماده کردن و اختصاص منابع جدید در سطوح ملی و بین‌المللی است و از ایجاد مشارکت‌های محلی و همچنین تحقق هدف‌ها و اقدامات جهانی، مانند اختصاص ۰/۷ درصد تولید ناخالص ملی کشورهای صنعتی به کمک توسعه رسمی، حمایت می‌کند. این طرح همچنین از ابتکار ۲۰/۲۰ - یعنی توافقی بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی حمایت می‌کند که می‌خواهد ۲۰ درصد بودجه کشورهای در حال توسعه و ۲۰ درصد کمک‌های توسعه رسمی به خدمات اجتماعی پایه‌ای اختصاص داده شود.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد در همه جنبه‌های بهداشت کودک، از پیش از تولد تا نوجوانی به طرزی گسترده شرکت دارد. این صندوق می‌کوشد اطمینان یابد زنان حامله به مراقبت کافی در دوره حاملگی و زایمان دسترسی داشته باشند، توانایی‌های خانواده‌ها را برای اداره و مهار بیماری‌های کودکی در خانه تقویت کند، و رهنمودهایی برای دستیابی به بهترین مراقبت بهداشتی ممکن به جوامع ارائه دهد. یونیسف برای کاهش خطرهای بیماری

ایدز و ویروس آن برای جوانان، با ارائه اطلاعاتی که باعث ایمنی آنان می‌شود، فعالیت می‌کند. این سازمان تلاش‌های ویژه به عمل می‌آورد تا کودکانی که والدین خود را بر اثر بیماری ایدز و ویروس آن از دست می‌دهند از مراقبت‌های مشابه سایر همسالان خود برخوردار شوند و به زنان و کودکان مبتلا به ایدز کمک می‌کند با شرافت و احترام زندگی کنند.

یونیسف همچنین در سراسر جهان در فرآیند مصون‌سازی، از خرید و توزیع واکسن‌ها تا تلقیح و مایه‌کوبی امن شرکت دارد. بیش از ۱۰۰ میلیون کودک اینک علیه شایع‌ترین بیماری‌ها مصون شده‌اند و این برنامه‌ای است که هر سال زندگی ۲/۵ میلیون نفر را نجات می‌دهد. یونیسف ٦٥ درصد کل واکسن‌های جهان را خریداری می‌کند و عرضه کننده اصلی واکسن به کشورهای در حال توسعه است.

یونیسف، در حمایت از ابتکارهای گوناگون بسیار که کودکان را از سن پیش از دبستان تا نوجوانی آموزش می‌دهد، آموزگاران را بسیج، کودکان را ثبت نام، تجهیزات مدارس را آماده می‌کند، و برنامه درسی را سازمان می‌دهد، گاهی نظام آموزشی را از پایه به بالا بازسازی می‌کند. یونیسف اطمینان حاصل می‌کند کودکان امکان بازی و یادگیری، حتی در زمان مناقشه داشته باشند زیرا ورزش و تفریح نیز برای پیشرفت کودک بسیار مهم هستند. این سازمان همچنین می‌کوشد اطمینان حاصل کند تولد هر کودک ثبت شود تا به مراقبت بهداشتی و آموزش دسترسی داشته باشد. یونیسف تغذیه مناسب مادران حامله و تغذیه کودک را با شیرمادر تشویق می‌کند. این سازمان وضع تاسیسات آب و دفع بهداشتی فاضلاب را در کودکستان‌ها و مراکز مراقبت از کودکان بهبود می‌بخشد.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد به ایجاد محیط‌های حمایتی برای جوانان کمک و با وضع قوانین، ممنوعیت کار کودکان را تشویق، ختنه دختران را محکوم می‌کند و می‌کوشد بهره‌کشی از کودکان را برای هدف‌های جنسی و اقتصادی دشوارتر کند. یونیسف برنامه‌هایی برای افزایش آگاهی درباره مین‌های زمینی طراحی و برای ترخیص کودکان سرباز کمک می‌کند و به علاوه به پیوند دوباره والدین و فرزندانی که بر اثر جنگ جدا شده‌اند کمک و اطمینان حاصل می‌کند کودکان یتیم تحت حمایت و مراقبت قرار گیرند. یونیسف مبتکر اندیشه «روزهای آرامش» بود که در جریان آنها نیروهای خصم آتش‌بس می‌دهند تا تمام کودکان واکسینه شوند.

همگرایی اجتماعی

سازمان ملل چند گروه اجتماعی را شایسته توجه ویژه تشخیص داده است: جوانان، سالخوردگان، معلولان، اقلیت‌ها و جمعیت‌های بومی که مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون توسعه اجتماعی به مسائل آنان رسیدگی می‌کنند. برنامه‌های ویژه برای

این گروه‌ها در اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل انجام می‌شود.
سازمان ملل در تعیین و دفاع از حقوق بشر گروه‌های آسیب‌پذیر موثر بوده، به تنظیم ضوابط و معیارهای بین‌المللی و پیشنهادهایی برای اقدام درباره این گروه‌ها کمک کرده و می‌کوشد مسائل آنها را، از طریق تحقیق و گردآوری اطلاعات، و همچنین از طریق اعلام سال‌ها و دهه‌های ویژه به منظور افزایش آگاهی و تشویق اقدام بین‌المللی، برجسته کند.

خانواده‌ها

خانواده‌ها واحدهای اصلی اجتماع هستند که در طول ۵۰ سال گذشته در نتیجه دگرگونی‌ها در ساختار آنها (مثلا کوچکتر شدن خانواده‌ها، تاخیر ازدواج و بچه‌دار شدن، افزایش نسبت جدایی، و تک والدی شدن) ، گرایشات جهانی در مهاجرت، پدیده پیری جمعیت، شیوع بیماری ایدز و ویروس آن و عوارض جهانی سازی تا حد زیادی تغییر کرده‌اند. این نیروهای پویای اجتماعی تاثیری آشکار بر ظرفیت‌های خانواده‌ها برای انجام وظایف اجتماعی مانند اجتماعی شدن کودکان و مراقبت از اعضای جوانتر و مسن‌تر خود داشته‌اند.
مجمع عمومی با اعلام سال ۱۹۹٤ به عنوان سال بین‌المللی خانواده با موضوع «خانواده: منابع و مسئولیت‌ها در دنیایی متغییر» به طرح موضوع خانواده در گفت‌وگوی بین‌المللی درباره توسعه کمک کرد. در نتیجه این کار، دولت‌ها برنامه‌های اقدام ملی درباره خانواده تنظیم، وزارتخانه‌هایی ویژه امور خانواده تاسیس، وحقوق و قوانینی برای حمایت از خانواده وضع کردند. مجمع عمومی همچنین کنفرانسی بین‌المللی درباره خانواده‌ها تشکیل داد (نیویورک، ۱۹۹٤).
دو هدف اصلی برنامه سازمان ملل درباره خانواده، تقویت عناصر خانواده محور برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه هماهنگ و یکپارچه، و تضمین برگزاری موفقیت‌آمیز دهمین سالگرد سال بین‌المللی خانواده در سال ۲۰۰٤ در تمام سطوح است. این برنامه بر پنج زمینه تمرکز می‌کند: فن‌آوری و تاثیر آن بر خانواده؛ شاخص‌ها و آمار برای رفاه خانواده؛ رویکردهایی به توسعه سیاست‌های خانواده؛ نقش‌های والدین و شبکه‌های حمایتی در داخل خانواده؛ و بیماری ایدز و ویروس آن و تاثیر آن بر خانواده‌ها.
سازمان ملل همچنین از برگزاری سالانه روز بین‌المللی خانواده‌ها در ۱۵ مه هر سال در سراسر جهان حمایت می‌کند. هدف از برگزاری این سالگرد که به وسیله مجمع عمومی در سال ۱۹۹۳ اعلام شد، افزایش آگاهی نسبت به مسائل مربوط به خانواده و تشویق به انجام اقدام مناسب است.

مجمع عمومی چند قطعنامه و طرح ویژه جوانان تصویب، و دبیرخانه بر اجرای برنامه‌ها و طرح‌های اطلاعاتی مربوطه نظارت کرده است.

• مجمع عمومی در سال ۱۹۶۵ *با تصویب اعلامیه ترویج آرمان‌های صلح، احترام و تفاهم متقابل بین مردم در میان جوانان*، بر اهمیت نقش جوانان در دنیای امروز تاکید کرد.

• مجمع عمومی، دو دهه بعد، با اعلام سال ۱۹۸۵ به عنوان سال بین‌المللی جوانان، رهنمودهایی را برای برنامه‌ریزی بیشتر، و همچنین برنامه جهانی طولانی‌مدت درباره اشتغال جوانان تصویب کرد. سازمان ملل با حمایت از اجرای این رهنمودها به دولت‌ها کمک کرده سیاست‌ها و برنامه‌هایی مربوط به جوانان تدوین کنند.

• سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ برنامه اقدام جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن، را تصویب کرد که برنامه‌ای بین‌المللی برای رسیدگی به مسائل جوانان و افزایش فرصت‌ها برای مشارکت آنان در جامعه بود. این برنامه همچنین خواستار کنفرانس جهانی وزیران مسئول جوانان شد تا به طور مرتب تحت نظارت سازمان ملل تشکیل شود. اجلاس نخست آن، در لیسبون در سال ۱۹۹۸ **اعلامیه لیسبون درباره جوانان** را تصویب و ابتکارهایی را در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی پیشنهاد کرد.

• مجمع جهانی جوانان نظام ملل متحد به ابتکار مجمع عمومی تاکنون چهار اجلاس به منظور حمایت از ابتکارهای مشترک مربوط به جوانان تشکیل داده است. این مجمع بر افزایش کانال‌های ارتباط بین سازمان‌های غیردولتی جوانان و نهادهای مربوط به جوانان نظام ملل متحد و حمایت از ابتکارهای سازمان‌های غیردولتی و نظام ملل متحد درباره جوانان تمرکز کرده است.

• صندوق جوانان سازمان ملل از طرح‌های مربوط به جوانان حمایت می‌کند و به دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای برنامه‌های نوآورانه مربوط به جوانان اعتبارهایی برای شروع طرح‌های جدید می‌دهد.

• مجامع گوناگون سازمان ملل همچنین تاثیر اجتماعی و اقتصادی جهانی‌سازی را بر جوانان، با توجه ویژه بر عوارض سیاسی آن، بررسی می‌کنند.

سران کشورها یا دولت‌ها در اعلامیه هزاره خود در اجلاس هزاره تصمیم گرفتند «برنامه‌هایی تدوین و اجرا کنند که به جوانان همه جا فرصتی واقعی برای یافتن کار شرافتمندانه و مولد اعطا کنند.» شبکه اشتغال جوانان در سال ۲۰۰۱ به تقاضای دبیرکل به عنوان ابتکار مشترک سازمان ملل، سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی تشکیل شد. هیات ۱۲ نفری عالیرتبه آن در موقعیت مشورتی مداوم خدمت می‌کند و پیشنهادهایی برای عمل کردن به توصیه‌های اجلاس سران داده است. (برای اطلاعات بیشتر به www.ilo.org/public/english/employment/strat/yen/index.htm نگاه کنید).

سالخوردگان

انتظار می‌رود نسبت سالخوردگان (٦٠ ساله و مسن‌تر) در جهان بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۵۰ با بیش از دو برابر افزایش از ۱۰ درصد به ۲۲ درصد برسد و با نسبت کودکان (نوزاد تا ١٤ ساله) برابر شود. در نتیجه این تحول جمعیتی تاریخی، یعنی از نسبت‌های زیاد مرگ و تولد تا نسبت‌های کم مرگ و تولد، برای نخستین بار در تاریخ، جمعیت پیر و جوان جهان برابر خواهد شد.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، تعداد سالخوردگان اینک از تعداد کودکان بیشتر است و نسبت‌های تولد از سطوح جایگزین کمتر شده است. در بعضی از کشورها تا سال ۲۰۵۰ تعداد سالخوردگان نسبت به کودکان بیش از ۲ به یک خواهد شد.

در کشورهای در حال توسعه انتظار می‌رود نسبت سالخوردگان از ۸ درصد کنونی به ۲۱ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش و نسبت کودکان از ۳۳ درصد به ۲۰ درصد کاهش یابد. موضوع حتی جالب‌تر، رشد سریع فرآیند سالخوردگی و این حقیقت است که در کمتر از سه دهه، سه چهارم سالخوردگان جهان از ساکنان کشورهای در حال توسعه خواهند بود. به علاوه، با وجود شهرنشین شدن فزاینده جمعیت، اکثر سالخوردگان کشورهای در حال توسعه همچنان در نواحی روستایی زندگی خواهند کرد.

جامعه جهانی در حال شناسایی ضرورت ادغام فرآیند در حال ظهور سالخوردگی جهانی در چارچوب بزرگتر توسعه است. سیاست‌ها درباره سالخوردگی باید در چارچوب دیدگاه گسترده‌تر «طول زندگی» و با توجه به ابعاد کل جامعه، با در نظر گرفتن ابتکارها و اصول هدایت‌کننده جهانی اخیر، که از کنفرانس‌های مهم سازمان ملل پدیدار شده، طراحی شوند. نکته مهمتر این است که سالخوردگان مساعدت‌کنندگان توسعه هستند. به رسمیت شناختن توانایی آنان برای بهبود بخشیدن به وضع خود و جوامع خود، باید در سیاست‌ها و برنامه‌ها در تمام سطوح لحاظ شود.

سازمان ملل در واکنش به سالخوردگی جهانی، ابتکارهایی انجام داده است:

• نخستین مجمع جهانی درباره سالخوردگی (وین، ۱۹۸۲)، برنامه اقدام جهانی درباره سالخوردگی را تصویب کرد. این برنامه، اقدام در بخش‌هایی مانند امنیت درآمد و اشتغال، بهداشت و تغذیه، مسکن، آموزش و پرورش و رفاه اجتماعی را پیشنهاد کرد. این برنامه به سالخوردگان به عنوان یک گروه جمعیت فعال و متنوع با توانایی‌های فراوان و در مواقعی، نیازهای ویژه به مراقبت بهداشتی، می‌نگرد.

• *اصول سازمان ملل برای سالخوردگان*، مصوب مجمع عمومی در سال ۱۹۹۱، معیارهای

همگانی مربوط به موقعیت سالخوردگان را در پنج حوزه زیر اعلام کرد: استقلال، مشارکت، مراقبت، احساس رضایت از زندگی، و حیثیت و منزلت.

• مجمع عمومی در سال ۱۹۹۲ یعنی دهمین سالگرد تصویب برنامه اقدام، کنفرانس بین‌المللی درباره سالخوردگی را تشکیل داد و با تصویب *اعلامیه سالخوردگی*، مسیر اصلی برای اقدام بیشتر درباره سالخوردگی را تعیین، و سال ۱۹۹۹ را به عنوان سال بین‌المللی سالخوردگان اعلام کرد.

• مجمع عمومی در سال ۱۹۹۹ برای پیگیری سال بین‌المللی فوق تشکیل جلسه داد. نمایندگان ٦٤ کشور سخن گفتند و حمایت گسترده برای اهداف سال و موضوع آن یعنی «به سمت جامعه‌ای برای همه سنین» ابراز کردند.

• دومین مجمع جهانی درباره سالخوردگی در سال ۲۰۰۲ در مادرید تشکیل شد تا سیاست بین‌المللی درباره سالخوردگی برای قرن بیست و یکم طراحی کند. این مجمع برنامه اقدام بین‌المللی جدیدی درباره سالخوردگی تصویب کرد که کشورهای عضو بر اساس آن متعهد به اقدام در تمام سطوح در سه حوزه اولویت شدند: سالخوردگان و توسعه؛ ادامه سلامت و رفاه در سالخوردگی؛ و حصول اطمینان از وجود محیط‌های زیست حمایتی و توانمند ساز.

مسائل بومی

بیش از ۳۷۰ میلیون انسان بومی در سراسر جهان زندگی می‌کنند که بیشترشان دچار فقرند. آنان کمترین میانگین عمر، بالاترین میزان مرگ و میر کودکان، کمترین نسبت دانش‌آموز و فارغ‌التحصیل و بالاترین میزان بیکاری را دارند. بیشتر آنان در خانه‌های پر جمعیت و فاقد امکانات کافی زندگی می‌کنند و از مشکلات بهداشتی رایج ناشی از آلودگی محیط زیست رنج می‌برند. در نتیجه نسبت فقیران و زندانیان در میان بومیان به شدت بالا است.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ بحث‌هایی درباره ایجاد یک نهاد دائمی سطح بالا برای رسیدگی به مسائل جهانی مربوط به مردم بومی، با مشارکت موثر آنان شروع شد. شورای اقتصادی و اجتماعی در پاسخ، در ژوییه سال ۲۰۰۰ تصمیم به ایجاد **مجمع دائمی درباره مسائل بومی**، با ماموریت بحث درباره مسائل مربوط به توسعه اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ، آموزش و پرورش، بهداشت و حقوق بشر بومیان گرفت. از این مجمع خواسته شد نظر مشورتی و پیشنهادهای کارشناسی به شورا، و از طریق آن، به برنامه‌ها، صندوق‌ها، و کارگزاری‌های سازمان ملل ارائه دهد. از آن خواسته شد آگاهی‌ها نسبت به مسائل بومیان را بالا ببرد، از یکپارچگی و هماهنگی فعالیت‌های مربوط به مسائل بومی در داخل نظام ملل متحد حمایت، و اطلاعاتی درباره این مسائل تهیه و منتشر کند.

انتظارها از این مجمع بسیار زیاد است. افراد بومی و مجمع مایلند شاهد پیشنهادهای هدفمند و دقیق و

واجد خرد سیاسی فراوان باشند که به اجرای سیاست‌های سریعتر درباره مسائل بومیان منجر شود. از نظام ملل متحد خواسته شده به طور نظام‌مند با این مجمع همکاری کند، خواهان مشارکت آن شود، به پیشنهادهای آن واکنش نشان دهد، و به بهبود زندگی بومیان کمک کند. موضوع دیگر مورد بررسی این است که در تحقق هدف‌های هزاره چگونه می‌توان مسائل بومیان را حل کرد. در کشورهای بسیاری توجه به جوامع بومی، به طور مستقیم به هدف به نصف رساندن فقر تا ۲۰۱۵ کمک خواهد کرد.

مجمع دائمی برای مسائل بومی از ۱۶ عضو تشکیل شده که هشت نفر به وسیله کشورهای عضو نامزد و به وسیله شورای اقتصادی و اجتماعی انتخاب می‌شوند و هشت نفر دیگر از طریق جریان‌های مشورتی منطقه‌ای بومی نامزد و به وسیله رئیس شورا منصوب می‌شوند. دبیرخانه مجمع دائمی کار خود را اوایل سال ۲۰۰۳ در اداره امور اقتصادی و اجتماعی شروع کرد و با یک گروه حمایتی بین کارگزاری متشکل از کارگزاری‌ها، صندوق‌ها و برنامه‌های سازمان ملل مشغول کار بوده تا به اجرای پیشنهادهای مجمع کمک کند. اجلاس دوم مجمع مه سال ۲۰۰۳ با شرکت حدود ۱۰۰۰ نفر تشکیل شد (به www.un.org/esa/socdev/pfii نگاه کنید).

معلولان

معلولان غالبا از جریان اصلی جامعه کنار گذاشته می‌شوند. تبعیض، شکل‌های گوناگونی دارد از محروم شدن از فرصت‌های آموزشی، تا جدا سازی و انزوا به دلیل تحمیل موانع فیزیکی و اجتماعی. جامعه نیز دچار زیان می‌شود زیرا محرومیت از قدرت‌های بالقوه فراوان معلولان باعث فقیر شدن نوع بشر می‌شود. دگرگونی‌ها در برداشت و مفاهیم معلولیت شامل تغییرات در ارزش‌ها و درک بیشتر در تمام سطوح جامعه است.

سازمان ملل از آغاز فعالیت خود کوشیده موقعیت معلولان را ارتقا دهد و زندگی آنان را بهبود بخشد. علاقه سازمان ملل برای تامین رفاه و حقوق چنین افرادی ریشه در اصول اولیه آن دارد که بر حقوق بشر، آزادی‌های بنیادی و برابری همه انسان‌ها استوار است.

مفهوم حقوق بشر معلولان در دهه ۱۹۷۰ مقبولیت گسترده‌تر بین‌المللی یافت. مجمع عمومی در سال ۱۹۷۱ *اعلامیه مربوط به حقوق افراد عقب افتاده ذهنی* و در سال ۱۹۷۵ *اعلامیه مربوط به حقوق معلولان* را تصویب کرد که معیارها برای رفتار برابر و دسترسی برابر به خدمات را تعیین کرد.

سال بین‌المللی معلولان (۱۹۸۱) به تصویب *برنامه اقدام جهانی مربوط به معلولان*، چارچوبی سیاسی برای حمایت از حقوق معلولان، منجر شد. این برنامه خواهان همکاری بین‌المللی در حمایت از برابری و مشارکت کامل معلولان در زندگی اجتماعی و توسعه

است. مجمع عمومی در سال ۱۹۹۲، سوم دسامبر را روز بین‌المللی معلولان اعلام کرد.
از نتایج عمده دهه معلولان سازمان ملل (۱۹۹۲-۱۹۸۳)، تصویب *مقررات استاندارد به منظور برابر سازی فرصت‌ها برای معلولان* بود. این مقررات سندی برای سیاستگذاری و مبنایی برای همکاری‌های فنی و اقتصادی به شمار می‌روند.
مجمع عمومی در سال‌های اخیر بار دیگر تعهد خود را به تصویب و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های موثر عمومی برای معلولان، با تمرکز بر در دسترس بودن، اشتغال، وسیله امرار معاش مداوم، خدمات اجتماعی و شبکه‌های امنیت اجتماعی تایید کرده است. مجمع در سال ۲۰۰۱ کمیته‌ای ویژه جهت رسیدگی به پیشنهادها برای انعقاد کنوانسیون بین‌المللی فراگیری به منظور پشتیبانی و حمایت از حقوق و منزلت معلولان تشکیل داد. این کمیته ژوئن سال ۲۰۰٤ مذاکرات درباره پیش‌نویس کنوانسیون فوق را بر مبنای متن تهیه شده به وسیله گروه کاری خود آغاز کرد.
مجموعه فزاینده‌ای از اطلاعات، ضرورت رسیدگی به مسائل مربوط به معلولان را در چارچوب کلی توسعه ملی و در چارچوب گسترده حقوق بشر نشان می‌دهد. سازمان ملل با دولت‌ها، جامعه غیردولتی، موسسات دانشگاهی و جوامع حرفه‌ای کار می‌کند تا برای برخورد گسترده با این مساله از دید حقوق بشر، منابع بین‌المللی گردآوری کند، آگاهی‌ها را افزایش دهد و ظرفیت‌های ملی به وجود آورد.
اقدام بین‌المللی درباره معلولیت به میزان روز افزونی بر فعالیت‌ها، ایجاد ظرفیت‌های ملی برای خدمات اطلاعاتی بهتر و ساز و کارهای نهادی برای حمایت از فرصت‌های برابر متمرکز شده است. سازمان ملل به تلاش‌های خود برای تقویت ظرفیت‌های ملی به منظور حمایت از گنجاندن مسائل معلولیت در فعالیت‌های جریان اصلی توسعه و حقوق بشر ادامه می‌دهد. (به www.un.org/esa/socdev/enable نگاه کنید).

جامعه غیرمدنی: جرم، مواد مخدر و تروریسم

جرم سازمان یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر و تروریسم، به نیروهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تبدیل شده‌اند که می‌توانند سرنوشت کشورها و مناطق را تغییر دهند. گرایشات اخیر شامل رشوه‌خواری گسترده مسئولان دولتی، رشد «چند ملیتی‌های جنایتکار» و قاچاق انسان است. استفاده از تروریسم برای ارعاب جوامع کوچک و بزرگ و به منظور خرابکاری در توسعه اقتصادی، تهدید بیشتری است که همکاری موثر بین‌المللی را ایجاب می‌کند. سازمان ملل در حال رسیدگی به این تهدیدها نسبت به حکومت مطلوب، برابری و عدالت اجتماعی برای همه شهروندان، و هماهنگ کردن واکنشی جهانی است.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل مستقر در وین، تلاش بین‌المللی برای مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و تروریسم بین‌المللی را، یعنی آنچه دبیرکل عناصر جامعه «غیرمدنی» نامیده است، رهبری می‌کند. این دفتر از برنامه مقابله با جرایم – که به تروریسم و پیشگیری از آن نیز رسیدگی می‌کند – و برنامه مبارزه با مواد مخدر تشکیل شده است.

کنترل مواد مخدر

بیش از ۲۰۰ میلیون نفر در جهان از مواد مخدر استفاده سوء می‌کنند. اعتیاد به مواد مخدر عامل بیکاری، افزایش هزینه‌های درمانی، فروپاشی خانواده‌ها و خرابی اوضاع جوامع می‌شود. اعتیاد تزریقی به ویژه منجر به گسترش سریع بیماری ایدز و ویروس آن و هپاتیت در بسیاری از بخش‌های جهان شده است.

بین اعتیاد و افزایش جرم و خشونت ارتباط مستقیم وجود دارد. کارتل‌های مواد مخدر دولت‌ها را تضعیف و کسب و کارهای مشروع را فاسد می‌کنند. بودجه بعضی از مرگبارترین مناقشات مسلحانه از درآمد مواد مخدر غیرقانونی تامین می‌شود.

زیان مالی حیرت‌آور است. مبالغی هنگفت صرف تقویت نیروهای پلیس، قوه قضاییه و برنامه‌های درمان و بازپروری می‌شود. هزینه‌های اجتماعی به همین ترتیب تکاندهنده است: خشونت خیابانی، جنگ‌های باندهای مواد مخدر، وحشت، فساد شهری و زندگی‌های تباه شده.

سازمان ملل در سطوح بسیاری با مشکل جهانی مواد مخدر مبارزه می‌کند. **کمیسیون مواد مخدر،** کمیسیون کارکردی شورای اقتصادی و اجتماعی، نهاد اصلی بین دولتی سیاستگذاری و هماهنگی در زمینه کنترل بین‌المللی مواد مخدر است. این کمیسیون متشکل از ۵۳ کشور عضو، مشکل جهانی اعتیاد و قاچاق مواد مخدر را بررسی و برای تقویت مبارزه بین‌المللی با مواد مخدر پیشنهاد می‌دهد. این کمیسیون بر اجرای معاهده‌ها و اصول هدایت کننده مبارزه بین‌المللی با مواد مخدر، و تدابیر مصوب مجمع عمومی در این زمینه نظارت می‌کند.

این کمیسیون پنج نهاد فرعی برای حمایت از همکاری و هماهنگی در سطح منطقه‌ای در آفریقا، آسیا و اقیانوس آرام، اروپا، آمریکای لاتین و کاراییب، و خاور میانه و نزدیک دارد.

هیات بین‌المللی کنترل مواد مخدر نهادی ۱۳ عضوی، مستقل و تا حدودی قضایی است که بر پیروی دولت‌ها از معاهده‌های بین‌المللی مربوط به مبارزه با مواد مخدر نظارت و به آنها در این تلاش کمک می‌کند. این هیات می‌کوشد اطمینان حاصل کند مواد مخدر برای

مقاصد پزشکی و علمی در دسترس باشد و از انحراف آنها به مجراهای غیرقانونی جلوگیری کند.هیات محدودیت‌هایی بر مقادیر مواد مخدر لازم کشورها برای مقاصد پزشکی و علمی تعیین می‌کند و همچنین هیات‌های تحقیقاتی به کشورهای گرفتار مواد مخدر می‌فرستد و دیدارهای فنی به عمل می‌آورد.

مجموعه‌ای از معاهدات، که تحت نظارت سازمان ملل به تصویب رسیده، ایجاب می‌کند دولت‌ها بر تولید و توزیع مواد مخدر و روانگردان کنترل داشته، با سوء استفاده از مواد مخدر و قاچاق آن مبارزه کنند و اقدامات خود را به نهادهای بین‌المللی گزارش دهند. این معاهدات عبارتند از:

• *کنوانسیون واحد درباره مواد مخدر* (۱۹۶۱)، که می‌کوشد تولید، توزیع، تملک، استفاده و تجارت مواد مخدر را منحصرا به مقاصد پزشکی و علمی محدود کند، و کشورهای عضو معاهده را متعهد سازد تدابیری ویژه برای مواد خاص مانند هرویین انجام دهند. پروتکل ۱۹۷۲ مربوط به این کنوانسیون بر ضرورت مداوا و بازپروری معتادان مواد مخدر تاکید می‌کند.

• *کنوانسیون مواد روانگردان* (۱۹۷۱) که یک نظام بین‌المللی کنترل برای مواد روانگردان ایجاد می‌کند. این کنوانسیون به تنوع بخشی و گسترش طیف داروها واکنش نشان می‌دهد و کنترل‌هایی را برای تعدادی از داروهای غیرطبیعی ارائه می‌دهد.

• *کنوانسیون سازمان ملل علیه قاچاق مواد مخدر و روانگردان* (۱۹۸۸) که تدابیری فراگیر علیه قاچاق مواد مخدر، از جمله مفادی علیه پول‌شویی (تطهیر پول) و انحراف مواد شیمیایی دو منظوره ارائه می‌دهد. این کنوانسیون به عنوان سند اصلی همکاری بین‌المللی علیه قاچاق مواد مخدر، در مورد ردیابی، مسدود کردن و ضبط درآمدها و اموال حاصل از قاچاق مواد مخدر؛ استرداد قاچاقچیان مواد مخدر؛ و انتقال دعاوی و گزارش‌های مربوط به تعقیب کیفری، پیش‌بینی‌های لازم را کرده است. کشورهای عضو این کنوانسیون تعهد می‌کنند تقاضای مواد مخدر را حذف یا کاهش دهند.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، از طریق برنامه مقابله با مواد مخدر، رهبری همه فعالیت‌های ضد مواد مخدر سازمان ملل را به عهده دارد. این دفتر به جلوگیری از تحولاتی کمک می‌کند که می‌تواند باعث افزایش تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر شود؛ به دولت‌ها برای ایجاد ساختارها و برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر کمک می‌کند؛ در کنترل و مبارزه با مواد مخدر کمک فنی ارائه می‌دهد؛ از اجرای معاهده‌های مربوط به مبارزه با مواد مخدر حمایت؛ و به عنوان مرکز جهانی اطلاعات تخصصی و نگهداری این اطلاعات عمل می‌کند.

نگرش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل به مساله جهانی مواد مخدر چند وجهی است. برنامه‌های مبتنی بر جامعه برای جلوگیری از سوء مصرف مواد مخدر، مداوا و بازپروری شامل

سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی است. کمک توسعه جایگزین، فرصت‌های جدید اقتصادی برای جمعیت‌هایی به وجود می‌آورد که از نظر اقتصادی به کشت محصولات غیرقانونی وابسته‌اند. آموزش و فن‌آوری بهتر برای مهار قاچاق مواد مخدر، کارگزاری‌های اجرای قانون را موثرتر می‌سازد و یاری به جامعه تجاری و سازمان‌های غیردولتی به آنها کمک می‌کند برنامه‌هایی برای کاهش تقاضای مواد مخدر به وجود آورند. برای مثال:

• *برنامه جهانی نظارت بر کشت محصولات غیر قانونی*، که در افغانستان، لائوس، میانمار، بولیوی، کلمبیا و پرو اجرا شد، روش‌های تشخیص و ردیابی ماهواره‌ای، نظارت هوایی، و ارزیابی محلی را ادغام می‌کند تا کشورها را قادر سازد تصویری وسیع و همه جانبه از نواحی و روندهای رشد و پرورش غیرقانونی به دست آورند.

• *برنامه ارزیابی جهانی*، آمار دقیق و جدید درباره مصرف غیرقانونی مواد مخدر در جهان ارائه می‌دهد. چنین تصویری از روندهای استفاده سوء از مواد مخدر برای یافتن بهترین برنامه‌ها برای پیشگیری، مداوا و بازپروری حیاتی است.

• *برنامه معاضدت قضایی*، برای اجرای معاهده‌های مربوط به کنترل مواد مخدر با کمک به تدوین قانون و آموزش مسئولان قضایی با کشورها کار می‌کند. بیش از ۱۷۰۰ پرسنل کلیدی تحت آموزش قضایی قرار گرفته، و بیش از ۱٤۰ کشور معاضدت قضایی دریافت کرده‌اند.

در اجلاس ویژه ۱۹۹۸ مجمع عمومی که به رسیدگی به مساله جهانی مواد مخدر اختصاص داشت، دولت‌ها متعهد شدند با یکدیگر کار کنند تا برنامه‌ها را کار آمدتر و فعالیت‌ها به منظور مهار تولید و مصرف غیرقانونی این مواد را تقویت کنند. این فعالیت‌ها شامل: تلاش برای کاهش تقاضای مواد مخدر؛ برنامه‌هایی برای محدود کردن فراوانی موادی که می‌توان از آنها برای تولید مواد مخدر سود برد؛ تلاش‌ها برای بهبود همکاری قضایی بین کشورها، برای کنترل بهتر قاچاق مواد مخدر؛ و تلاش‌های بیشتر برای ریشه کن کردن کشت محصولات غیرقانونی مواد مخدر بود.

پیشگیری از جرم

جرم از نظر دامنه، شدت و پیچیدگی در حال افزایش است، سلامت و امنیت شهروندان را در سراسر جهان تهدید می‌کند و سد راه توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها می‌شود. جهانی سازی شکل‌های جدید جرم فراملی را به وجود آورده است. سندیکاهای جنایی چند ملیتی، دامنه فعالیت‌های خود را از قاچاق اسلحه و مواد مخدر به پول‌شویی گسترش داده‌اند. قاچاقچیان تا چهار میلیون مهاجر را هر سال به صورت غیرقانونی جا به جا و از این راه به بیش از هفت میلیارد دلار درآمد دست می‌یابند. یک کشور گرفتار فساد، احتمال دارد هر سال ۵ درصد کمتر از کشورهای نسبتا سالم سرمایه‌گذاری جلب کند و بیش از یک درصد رشد اقتصادی را هر سال از دست بدهد.

کمیسیون پیشگیری از جرم و بسط عدالت کیفری، متشکل از ٤٠ کشور عضو، از نهادهای کارآمد شورای اقتصادی و اجتماعی است که سیاست‌های بین‌المللی در پیشگیری از جرم و بسط عدالت کیفری تدوین و فعالیت در این زمینه را هماهنگ می‌کند.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل از طریق برنامه پیشگیری از جرم خود، ماموریت‌های تعیین شده به وسیله این کمیسیون را اجرا می‌کند و دفتر مسئول پیشگیری از جرم، بسط عدالت کیفری و اصلاح قوانین وحقوق جزایی سازمان ملل است. این نهاد به مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، فساد، تروریسم و قاچاق انسان‌ها توجه ویژه دارد و برنامه آن بر همکاری بین‌المللی و ارائه کمک برای این تلاش‌ها استوار است. این نهاد، فرهنگ مبتنی بر درستی و احترام به قانون را پرورش می‌دهد و از مشارکت جامعه مدنی در مبارزه با جرم و فساد حمایت می‌کند.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل از تدوین اسناد حقوقی جدید بین‌المللی برای مبارزه با جرایم جهانی، از جمله *کنوانسیون سازمان ملل علیه جرایم سازمان یافته فراملی* و سه پروتکل آن، که از سپتامبر ۲۰۰۳ به اجرا در آمدند؛ و *کنوانسیون سازمان ملل علیه فساد*، مصوب ۲۰۰۳ مجمع عمومی، حمایت می‌کند و می‌کوشد کشورها آنها را تصویب کنند و به دولت‌ها کمک می‌کند مفاد آنها را به اجرا بگذارند.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل همچنین همکاری فنی ارائه می‌دهد تا توانایی دولت‌ها را برای مدرن کردن نظام‌های عدالت کیفری خود تقویت کند. این دفتر در سال ۱۹۹۹ با همکاری موسسه تحقیقات بین منطقه‌ای سازمان ملل متحد در زمینه جرم و عدالت، اجرای سه برنامه را برای رسیدگی به مسائل مهم اولویتی آغاز کرد: *برنامه جهانی علیه فساد*، *برنامه جهانی علیه قاچاق انسان*، و *مطالعات جهانی درباره جرایم سازمان یافته*.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل از معیارها و ضوابط سازمان ملل در پیشگیری از جرم و بسط عدالت کیفری به عنوان بنیاد نظام‌های عدالت کیفری انسانی و موثر، یعنی ساز و کارهای اساسی برای مبارزه با جرایم ملی و بین‌المللی حمایت می‌کند و برای اجرای آنها تسهیلات به وجود می‌آورد. بیش از ۱۰۰ کشور از این معیارها در تدوین و گسترش سیاست‌ها و قوانین ملی خود سود برده‌اند، کاری که منجر به ایجاد مبنایی مشترک برای مبارزه علیه جرایم بین‌المللی شده و به حقوق بشر و نیازهای افراد احترام می‌گذارد.

به علاوه این دفتر، گرایش‌های در حال ظهور در جرم و بسط عدالت را تجزیه و تحلیل می‌کند، پایگاه‌های داده‌ها به وجود می‌آورد، بررسی‌های جهانی منتشر شده را توزیع، و اطلاعات جمع آوری و پخش می‌کند. این نهاد همچنین از نیازهای ویژه کشورها ارزیابی به عمل می‌آورد و اقداماتی در زمینه هشدار زود هنگام – برای مثال، درباره افزایش خطر تروریسم – انجام می‌دهد.

برنامه جهانی علیه تروریسم اکتبر ۲۰۰۲ آغاز شد و در نخستین سال به بیش از ۳۰ کشور درباره

پیوستن به ۱۲ سند جهانی درباره پیشگیری و سرکوبی تروریسم بین‌المللی و اجرای آنها، کمک فنی حقوقی ارائه داد. این برنامه با سایر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند سازمان امنیت و همکاری در اروپا و صندوق بین‌المللی پول همکاری می‌کند و مدام با کمیته ضد تروریسم، که پس از تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ (سال ۲۰۰۱) شورای امنیت ایجاد شد، در تماس است و کار خود را با آن هماهنگ می‌کند و هر جا مقتضی باشد، کمیته را در فعالیت‌های خود شرکت می‌دهد.

برنامه جهانی علیه پول‌شویی (تطهیر پول) برای مقابله با تبهکارانی که درآمدهای حاصل از جرم را از طریق نظام مالی بین‌المللی تطهیر می‌کنند، به دولت‌ها کمک می‌کند. برآورد پول‌های تطهیر شده در هر سال به حدود ۵۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. این برنامه با همکاری نزدیک با سازمان‌های بین‌المللی ضد پول‌شویی، به دولت‌ها، نهادهای اجرای قانون و واحدهای ضد اطلاعات مالی، طرح‌های ضد پول‌شویی ارائه می‌دهد، درباره سیاست‌های مالی و بانکی بهتر، نظر مشورتی می‌دهد و به خدمات تحقیقات مالی ملی کمک می‌کند.

موسسه تحقیقات بین منطقه‌ای سازمان ملل متحد در زمینه جرم و عدالت، به عنوان بازوی تحقیقات بین منطقه‌ای برنامه پیشگیری از جرم دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل فعالیت می‌کند. این موسسه تحقیقات اقدام محور به منظور پیشگیری از جرم و برخورد با مجرمین انجام می‌دهد و از انجام این گونه تحقیقات پشتیبانی می‌کند و از طریق انتشار تحقیقات و اطلاعات، به تدوین سیاست‌های بهتر برای پیشگیری و کنترل جرم کمک می‌کند.

بر اساس تصمیم مجمع عمومی، **کنگره سازمان ملل درباره پیشگیری از جرم و رفتار با خلافکاران**، هر پنج سال یک بار به عنوان مجمعی برای مبادله سیاست‌ها و ترغیب پیشرفت در مبارزه علیه جرایم تشکیل می‌شود. از جمله شرکت کنندگان در این کنگره، جرم شناسان، کیفرشناسان و افسران ارشد پلیس و همچنین کارشناسان حقوق کیفری، حقوق بشر و بازپروری هستند. یازدهمین کنگره پیشگیری از جرم آوریل ۲۰۰۵ با موضوع، «اقدام جمعی و واکنش‌ها: اتحادهای استراتژیک در پیشگیری از جرم و بسط عدالت کیفری» در بانکوک تشکیل شد.

علم، فرهنگ و ارتباطات

سازمان ملل به مبادلات فرهنگی و علمی، و همچنین ارتباطات، به عنوان ابزارهای موثر در پیشبرد صلح و توسعه بین‌المللی می‌نگرد. **سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)** علاوه بر کار اصلی خود در ارتباط با آموزش و پرورش، فعالیت‌های خود را بر سه حوزه دیگر متمرکز می‌کند: علم در خدمت توسعه؛ توسعه فرهنگی – میراث و خلاقیت؛ و ارتباطات و اطلاعات.

علم

برنامه اصلی یونسکو درباره علم در خدمت توسعه از پیشبرد، انتقال و اشتراک دانش در علوم طبیعی، فیزیک، اجتماعی و انسانی حمایت می‌کند. برنامه‌های بین دولتی یونسکو شامل *«انسان و زیست کره؛* برنامه‌ای از کمیسیون بین دولتی اقیانوس‌شناسی؛ *طرح محیط زیست و توسعه در مناطق ساحلی؛ مدیریت برنامه دگرگونی‌های اجتماعی؛ برنامه بین‌المللی آب‌شناسی؛ و برنامه بین‌المللی همبستگی زمین‌شناسی* است. به علاوه یونسکو، از طریق ابتکارهای آموزش و پرورش و کارآموزی به اصلاح عدم موازنه نیروی انسانی در زمینه‌های علمی و فن‌آوری، که ۹۰ درصد آن در کشورهای صنعتی متمرکز شده، کمک می‌کند.

کشورهای عضو یونسکو در آستانه پیشرفت‌ها در زمینه مشابه‌سازی موجودات زنده، در سال ۱۹۹۷ *اعلامیه جهانی درباره ژنوم بشر و حقوق بشر* را تصویب کردند که نخستین متن بین‌المللی درباره رعایت اصول اخلاقی در تحقیقات ژنتیک بود. این اعلامیه ضابطه‌های اخلاقی جهانی درباره تحقیقات و روش‌های مربوط به ژنتیک انسانی، ایجاد تعادل بین آزادی دانشمندان برای انجام کار خود با نیاز به حفظ حقوق بشر و حفاظت از بشریت در برابر سوء استفاده‌های بالقوه تعیین می‌کند.

در علوم اجتماعی و انسانی، یونسکو بر حمایت از تحقیق در علوم اجتماعی و فلسفه؛ حمایت و آموزش حقوق بشر و دموکراسی؛ مبارزه با کلیه شکل‌های تبعیض؛ بهبود موقعیت زنان؛ و تشویق اقدام برای حل مسائل جوانان، از جمله آموزش برای پیشگیری از بیماری ایدز تاکید می‌کند.

توسعه فرهنگی

فعالیت‌های فرهنگی یونسکو در حفاظت از میراث فرهنگی متمرکز شده‌اند. ۱۷۵ کشور براساس *کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان*، مصوب سال ۱۹۷۲، متعهد شده‌اند برای حفاظت از ۷۳۰ مکان مهم در ۱۲۵ کشور همکاری کنند: این آثار شامل شهرها، بناها، و محیط‌های زیست طبیعی هستند که در فهرست *میراث جهانی* اماکن مورد تهدید بر اثر غفلت، قرار داده شده‌اند. کنوانسیون سال ۱۹۷۰ یونسکو واردات، صادرات و نقل و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی را ممنوع می‌کند و کنوانسیون سال ۱۹۹۵ از باز گرداندن اشیای فرهنگی مسروقه یا آثاری که به طور غیرقانونی صادر شده‌اند، به کشور مبدا آنها حمایت می‌کند.

یونسکو همچنین مشغول تدوین کنوانسیونی برای حفاظت از میراث معنوی است که شامل سنت‌های شفاهی، رسوم، زبان‌ها، موسیقی، رقص، مراسم، جشن‌ها، پزشکی و داروهای سنتی، هنرهای آشپزی و انواع مهارت‌های سنتی می‌شود. یونسکو علاوه بر این در حال بررسی امکان تدوین سندی است که *اعلامیه جهانی درباره تنوع فرهنگی*، مصوب نوامبر ۲۰۰۱ را گسترش داده و تکمیل می‌کند.

فعالیت‌های یونسکو بر حمایت از بعد فرهنگی توسعه؛ تشویق خلاقیت و ابداع؛ حفظ هویت‌ها و سنت‌های شفاهی فرهنگی؛ و حمایت از کتاب و مطالعه نیز متمرکز است.

ارتباطات و اطلاعات

یونسکو خود را به عنوان عاملی جهانی در حمایت از آزادی مطبوعات و رسانه‌های کثرت‌گرا و مستقل نشان داده است. برنامه اصلی آن در این زمینه می‌کوشد از جریان آزاد اطلاعات حمایت و ظرفیت‌های ارتباطی کشورهای در حال توسعه را تقویت کند. یونسکو به کشورهای عضو در سازگار کردن قوانین رسانه‌ای خود با ضوابط دموکراتیک، و اعمال استقلال تحریری و فکری رسانه‌های خصوصی و عمومی کمک می‌کند. هنگامی آزادی مطبوعات نقض می‌شود مدیر کل یونسکو از طریق مجراهای دیپلماتیک یا سخنان علنی مداخله می‌کند.

به ابتکار یونسکو ۳ مه هر سال **روز جهانی آزادی مطبوعات** اعلام شده است.

یونسکو به منظور تقویت زیربناها و منابع انسانی ارتباطی کشورهای در حال توسعه، تخصص فنی و آموزشی ارائه می‌دهد و به تدوین طرح‌های رسانه‌ای ملی و منطقه‌ای – به ویژه از طریق *برنامه بین‌المللی برای توسعه ارتباطات* خود کمک می‌کند.

یونسکو برای پر کردن شکاف دیجیتالی، به کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند سیستم‌های انفورماتیک خود را تشکیل دهند و دسترسی به جریان‌های جهانی اطلاعات را تضمین کنند. تاکید آن بر آموزش، و همچنین ایجاد شبکه‌های رایانه‌ای برای برقراری پیوند بین موسسات علمی و فرهنگی و وصل کردن آنها به اینترنت استوار است.

فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، با چند برابر کردن فرصت‌ها و امکانات برای تولید، انتشار و دریافت اطلاعات در مقیاسی بی‌سابقه، اصل جریان آزاد اندیشه‌ها را گسترش می‌دهند. یونسکو می‌کوشد اطمینان حاصل کند حداکثر افراد ممکن از این امکانات استفاده کنند. مسائل دیگری که یونسکو به آنها رسیدگی می‌کند شامل تاثیر اجتماعی و فرهنگی این فن‌آوری‌ها، و رویکردهای سیاسی بر مسائل حقوقی و اخلاقی مربوط به اینترنت است.

نیروی ضربت فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی. اعلامیه هزاره سازمان ملل تعهد کرد «تضمین کند مزایای فن‌آوری‌های جدید، به ویژه فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دسترس همگان قرار گیرد.» چنین فن‌آوری‌هایی، در اقتصادی که پیوسته جهانی‌تر می‌شود، می‌توانند سرعت توسعه، رشد اقتصادی، قدرت تولید و فقرزدایی را بیشتر کنند.

دبیرکل در واکنش به این چالش در نوامبر ۲۰۰۱ نیروی ضربت فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی سازمان ملل را به وجود آورد که ماموریت آن ترویج آگاهی، سیاست‌های فراگیر، و الگوهای نوآورانه تجاری و فن‌آوری، همراه با ایجاد مشارکت‌ها بین بخش‌های عمومی، خصوصی و جامعه مدنی است که به تحقق هدف‌های توسعه از طریق استفاده گسترده از فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی کمک کنند.

نیروی ضربت، نهادی جهانی برای قراردادن فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی در خدمت همه شهروندان جهان، نه فقط اقلیتی مرفه، است این یک کارگزاری عملیاتی یا تامین وجه نیست، بلکه به عنوان رابط و میانجی و همچنین نقطه مرکزی برای پایه‌ریزی مسیر راهبردی، انسجام و طرفداری سیاسی – برای هدف مشترک دستور کار توسعه جهانی متکی بر فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی خدمت می‌کند.

نیروی ضربت برای رسیدگی به موضوع‌های ویژه مربوط به توسعه / فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی از جمله: سیاست و اداره فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی؛ برنامه‌های الکترونیکی ملی و منطقه‌ای؛ توسعه و ظرفیت سازی منابع انسانی؛ دسترسی به امکانات ارتباطی ارزان؛ و کارآفرینی و شرکت تجاری، گروه‌های کاری به وجود آورده است. این نیرو همچنین مرکزهای منطقه‌ای برای آفریقا، آمریکای لاتین و کاراییب، آسیا، کشورهای عرب، اروپا و آسیای مرکزی به وجود آورده، با افزایش همکاری‌ها بین تلاش‌های موجود منطقه‌ای، حمایت ویژه هر منطقه ارائه می‌دهد.

کاهش تفاوت دیجیتال، تلاش‌های همگانی را در هر دو حوزه خصوصی و عمومی، در سطوح جهانی، منطقه‌ای و محلی ایجاب می‌کند. در شرایطی که نیروی ضربت به کار ادامه می‌دهد، چالش اصلی این است که اقتصاد جدید را در طولانی مدت ثمربخش و قابل دوام کنیم، آن را در سراسر جهان بگسترانیم، و به نیازها و تقاضاهای مردم جهان پاسخ دهیم.

توسعه پایدار

در نخستین دهه‌های فعالیت سازمان ملل مسائل مربوط به محیط‌زیست به ندرت در دستور کار بین‌المللی پدیدار می‌شد. کار سازمان ملل در این زمینه بر اکتشاف و استفاده از منابع طبیعی، همراه با تلاش برای تضمین این که به ویژه کشورهای در حال توسعه بر منابع خود کنترل داشته باشند، تاکید داشت. در طول دهه ۱۹۶۰ قراردادهایی برای جلوگیری از آلودگی دریاها، به ویژه بر اثر نشت نفت به امضا رسید. از آن زمان، شواهد روز افزونی از زوال محیط زیست، در مقیاسی جهانی وجود داشته و جامعه بین‌المللی درباره تاثیر توسعه بر زیست بوم کره زمین و بر سلامت و رفاه انسان نگرانی روزافزون نشان داده است. سازمان ملل مدافع اصلی مسائل مربوط به محیط‌زیست، و از حامیان برجسته «توسعه پایدار و قابل دوام» بوده است.

رابطه بین توسعه اقتصادی و زوال محیط‌زیست، نخستین بار در سال ۱۹۷۲ در کنفرانس محیط زیست سازمان ملل در استکهلم، در دستور کار بین‌المللی قرار داده شد. دولت‌ها پس از این کنفرانس، **برنامه محیط زیست سازمان ملل** را تاسیس کردند که هنوز کارگزاری اصلی جهان در زمینه محیط زیست است.

دفتر سودان و ساحل سازمان ملل در سال ۱۹۷۳ تشکیل شد تا پیشگام تلاش‌ها برای توقف گسترش بیابان در آفریقای غربی باشد. اما تلاش‌ها برای ادغام مسائل محیط زیست در برنامه‌ریزی اقتصاد ملی و تصمیم‌گیری به کندی پیش رفت. در مجموع، زوال محیط زیست ادامه یافت و جریان مسائلی مانند گرم شدن هوای جهان، کاهش لایه ازون و آلودگی آب شدت بیشتری یافته و نابودی منابع طبیعی بیشتر شتاب گرفته است.

اجلاس‌های جهانی مربوط به توسعه پایدار

در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل (ریودژانیرو، ۱۹۹۲)، همچنین معروف به اجلاس زمین، توافق شد حفاظت از محیط زیست و توسعه اجتماعی و اقتصادی، برای توسعه پایدار بر مبنای «اصول ریو» امری بنیادی است. برای دستیابی به چنین توسعه‌ای، رهبران جهان برنامه‌ای جهانی را با عنوان دستور کار ۲۱ تصویب کردند.

دولت‌ها در دستور کار ۲۱، برنامه اولیه مشروحی را برای اقدام مشخص کردند که می‌توانست جهان را از الگوی رشد اقتصادی غیر قابل دوام کنونی آن دور و در مسیر فعالیت‌هایی قرار دهد که منابع محیط زیست را تجدید و از آن حفاظت کند، منابعی که رشد و توسعه به آنها بستگی دارد. این طرح کلی، به علاوه راه‌هایی برای تقویت نقش گروه‌های مهمی مانند زنان، اتحادیه‌های کارگری و اصناف، کشاورزان، کودکان و جوانان، مردم بومی، جامعه علمی، مسئولان محلی، تجارت، صنعت و سازمان‌های غیردولتی، برای دستیابی به توسعه پایدار پیشنهاد کرد.

مجمع عمومی در ۱۹۹۷ اجلاسی ویژه (اجلاس زمین + ۵) درباره اجرای دستور کار ۲۱ برگزار کرد. کشورهای عضو اگر چه در بحث‌ها درباره این که چگونه منابع مالی توسعه پایدار جهانی را تامین کنند با دشواری‌هایی مواجه شدند اما تاکید کردند عمل کردن به دستور کار ۲۱ ضروری‌تر از هر زمان دیگر است. سند نهایی این اجلاس تدابیری را به این منظور توصیه کرد از جمله: تصویب هدف‌هایی از نظر حقوقی الزام‌آور برای کاهش خروج گازهای گلخانه‌ای که منجر به تغییر آب و هوا می‌شوند؛ حرکت نیرومندتر به سمت الگوهای پایدار تولید، توزیع و استفاده از انرژی؛ و تمرکز بر کاهش فقر به عنوان شرطی برای توسعه پایدار.

اجلاس جهانی سران درباره توسعه پایدار (ژوها نسبورگ، ۲۰۰۲)، پیشرفت‌ها از زمان اجلاس زمین ۱۹۹۲ را بررسی کرد. «اعلامیه ژوهانسبورگ درباره توسعه پایدار» و «برنامه اجرای» ٥٤ صفحه‌ای آن بار دیگر بر اهمیت اساسی توسعه پایدار تاکید و راه را برای برخورد با ضروری‌ترین چالش‌های آن هموار کرد. تعهداتی درباره اجرای هدف‌های ویژه دارای ضرب‌الاجل، از جمله هدف‌های جدید مربوط به دفع بهداشتی فاضلاب، تولید و استفاده از مواد شیمیایی؛ حفظ و احیای ذخایر ماهی‌ها؛ و کاهش نسبت و سرعت فقدان تنوع زیستی به عمل آمد. به نیازهای ویژه آفریقا و کشورهای در حال رشد جزیره‌ای کوچک به گونه ویژه رسیدگی شد و مسائل جدیدی مانند الگوهای تولید و مصرف پایدار، انرژی و معدن مورد توجه دقیق‌تر قرار گرفتند.

دهه ۱۹۸۰ شاهد مذاکرات تاریخی بین کشورهای عضو درباره مسائل مربوط به محیط زیست از جمله معاهدات مربوط به حفظ لایه ازون و کنترل نقل و انتقال مواد سمی زائد بود. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، که سال ۱۹۸۳ به وسیله مجمع عمومی تشکیل شد، درک و حسی جدید از فوریت نیاز برای نوعی جدید از توسعه را مطرح کرد که رفاه اقتصادی را برای نسل‌های کنونی و آتی تضمین و از منابع محیط زیست که تمام توسعه به آن بستگی دارد، حفاظت می‌کرد. گزارش سال ۱۹۸۷ این کمیسیون به مجمع عمومی این مفهوم جدید از *توسعه پایدار* را، به عنوان جایگزین توسعه بر مبنای رشد اقتصادی صرفا نامحدود، مطرح کرد.

مجمع عمومی پس از بررسی این گزارش، خواهان تشکیل کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل یعنی *اجلاس زمین* شد.

امروز آگاهی از نیاز به حمایت و حفظ محیط زیست در تقریبا تمام حوزه‌های فعالیت سازمان ملل منعکس است. مشارکت‌های پویا بین سازمان ملل و دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، جامعه علمی و

بخش خصوصی در حال آوردن دانش جدید و اقدام ویژه به حوزه مسائل محیط زیست جهانی است. سازمان ملل معتقد است حفاظت از محیط زیست باید بخشی از همه فعالیت‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد. بدون حفاظت از محیط زیست نمی‌توان به توسعه دست یافت.

دستور کار ۲۱

دولت‌ها در اجلاس زمین ۱۹۹۲ با تصویب *دستور کار ۲۱* که برنامه‌ای فراگیر برای اقدام جهانی در همه زمینه‌های توسعه پایدار بود گامی تاریخی به سمت تضمین آینده کره زمین برداشتند.

دولت‌ها در *دستور کار ۲۱* برنامه‌ای مشروح برای اقدام تعیین کردند که می‌توانست جهان را از مدل رشد اقتصادی ناپایدار آن به سمت فعالیت‌هایی حرکت دهد که از منابع محیط زیست، که رشد و توسعه به آنها بستگی دارد، حمایت و آنها را تجدید کند. زمینه‌ها برای اقدام شامل: حفاظت از جو زمین؛ مبارزه با نابودی جنگل‌ها، نابودی خاک و بیابان‌زایی؛ پیشگیری از آلودگی هوا و آب؛ متوقف کردن کاهش ذخایر ماهی‌ها؛ و حمایت از مدیریت بی‌خطر مواد سمی زائد است.

دستور کار ۲۱ همچنین با الگوهای توسعه که باعث فشار به محیط زیست می‌شوند برخورد می‌کند از جمله: فقر و بدهی خارجی در کشورهای در حال توسعه؛ الگوهای ناپایدار تولید و مصرف؛ فشار جمعیتی؛ و ساختار اقتصاد بین‌المللی. به علاوه، این برنامه اقدام، راه‌هایی را برای تقویت نقش گروه‌های عمده یعنی زنان، اتحادیه‌های کارگری و صنفی، کشاورزان، کودکان و جوانان، بومیان، جامعه علمی، مسئولان محلی، تجارت و کسب و کار، صنعت و سازمان‌های غیردولتی در دستیابی به توسعه پایدار، پیشنهاد می‌کند.

سازمان ملل برای ادغام مفهوم توسعه پایدار در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌های مربوطه اقدام کرده است. طرح‌های درآمدزا به میزان روزافزونی عوارض وارده بر محیط زیست را به حساب می‌آورند. برنامه‌های کمک توسعه، بیش از همیشه به سمت زنان، با در نظر گرفتن نقش‌های محوری آنان به عنوان تولید کنندگان کالا، خدمات و مواد غذایی، و مراقبت کنندگان از محیط زیست، هدایت می‌شوند.

به ضرورت‌های اخلاقی و اجتماعی برای کاهش فقر، با پذیرفتن این امر که حذف فقر و بهبود شرایط محیط زیست در کنار هم به پیش می‌روند، اهمیت بیشتری داده می‌شود.

مجمع عمومی برای تضمین حمایت کامل از هدف‌های *دستور کار ۲۱* در سراسر جهان، سال ۱۹۹۲ **کمیسیون توسعه پایدار** را ایجاد کرد. این نهاد ۵۳ عضوی، که کمیسیون کار کردی شورای اقتصادی و اجتماعی است، بر اجرای *دستور کار ۲۱* و سایر توافق‌های اجلاس زمین، از جمله نتیجه اجلاس جهانی سران درباره توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ نظارت و درباره آنها گزارش می‌دهد. این کمیسیون از گفت و گوی فعالانه و مداوم با دولت‌ها، جامعه مدنی و سایر سازمان‌های بین‌المللی حمایت می‌کند تا مشارکت‌هایی برای رسیدگی به مسائل اصلی مربوط به توسعه پایدار ایجاد، و به هماهنگی فعالیت‌های مربوط به محیط زیست و توسعه در سازمان ملل کمک کند.

تغییر رفتار انسان

دستیابی به توسعه پایدار در سراسر جهان تغییر الگوهای تولید و مصرف یعنی آنچه تولید می‌کنیم، چگونه تولید، و چه مقدار مصرف می‌کنیم، را ایجاب می‌کند. یافتن راه‌های انجام این کار، به ویژه در کشورهای صنعتی، نخستین بار در اجلاس زمین در دستور کار بین‌المللی قرار داده شد. از آن زمان کمیسیون توسعه پایدار در زمینه ایجاد برنامه کاری برای تغییر رفتار افراد، خانواده‌ها، شرکت‌های صنعتی، کسب و کارها و دولت‌ها در امر مصرف پیشگام بوده است. اقدام‌های آن شامل گسترش رهنمودهای سازمان ملل برای حمایت از مصرف کننده با گنجاندن بخشی درباره حمایت از مصرف پایدار و قابل دوام بوده است.

اجلاس جهانی توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲، اهمیت چنین تلاش‌هایی را تایید کرد و تغییر الگوهای غیرقابل دوام مصرف و تولید را برای توسعه پایدار ضروری دانست. این اجلاس بار دیگر متعهد شد تغییر در این مسیر را با متعهد کردن کشورهای توسعه یافته به پذیرفتن رهبری در زمینه انجام تدابیری مانند تدوین و اجرای سیاست‌ها؛ افزایش کارآیی و بازدهی محیط زیست؛ حمایت از تولید پاکتر؛ افزایش آگاهی‌ها؛ و افزایش مسئولیت‌های شرکت‌ها سرعت بخشد. در بحث‌ها درباره این مسائل، تجارت و صنعت، دولت‌ها، سازمان‌های مصرف کننده، نهادهای بین‌المللی، جامعه دانشگاهی و سازمان‌های غیردولتی شرکت داشتند.

استفاده کمتر از منابع و کمتر هدر دادن آنها قطعا بهتر است و باعث صرفه‌جویی و سود بیشتر می‌شود. این کار با حفظ منابع طبیعی و ایجاد آلودگی کمتر، محیط زیست را حفظ می‌کند و به این ترتیب به حیات کره زمین برای برخورداری و رفاه نسل‌های آینده تداوم می‌بخشد.

بخش توسعه پایدار اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، وظایف دبیرخانه را برای کمیسیون انجام می‌دهد و بر پیشرفت در اجرای *دستور کار ۲۱*، *برنامه برای اجرای بیشتر دستور کار ۲۱*، *و برنامه اجرای ژوهانسبورگ*، نظارت می‌کند. این بخش به تقاضاها برای پیشنهادهای مربوط به خط مشی پاسخ، و خدمات فنی برای ظرفیت سازی در توسعه پایدار ارائه، و خدمات اطلاعاتی و تحلیلی نیز انجام می‌دهد.

اجلاس جهانی سران درباره توسعه پایدار

اجلاس جهانی سران درباره توسعه پایدار از ۲٦ اوت تا ٤ سپتامبر ۲۰۰۲ در ژوها نسبورگ، آفریقای جنوبی تشکیل شد تا موفقیت‌ها، چالش‌ها و مسائل جدید به وجود آمده از زمان اجلاس زمین ۱۹۹۲ را ارزیابی کند. این اجلاسی «اجرایی» بود که طراحی شده بود تا هدف‌ها، وعده‌ها و تعهدات *دستور کار ۲۱* را به اقدام‌های مشخص و عینی تبدیل کند.

این اجلاس، نمایندگان طیفی وسیع از گروه‌های ذینفع را گرد هم آورد. بیش از ۲۲ هزار نفر، از جمله ۱۰۰ تن از روسای کشورها، بیش از ۸ هزار نماینده سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌ها و سایر گروه‌های مهم، و چهار هزار نماینده مطبوعات در آن شرکت کردند. حداقل همین تعداد نیز در رویدادهای مشابه مربوطه حضور یافتند.

کشورهای عضو با *اعلامیه ژوهانسبورگ درباره توسعه پایدار و برنامه اجرای* ٥٤ صفحه‌ای درباره مشروح اولویت‌ها برای اقدام، موافقت کردند. این اجلاس بر توسعه پایدار به عنوان عنصر اساسی

دستور کار بین‌المللی تاکید و راه را برای انجام تدابیر عملی و مداوم لازم برای برخورد با بسیاری از اضطراری‌ترین چالش‌های جهان هموار کرد. مفهوم توسعه پایدار و قابل دوام، به ویژه با توجه به پیوندها بین توسعه اقتصادی و اجتماعی و حفاظت از منابع طبیعی، گسترده و تقویت شد.

تعهداتی درباره اجرای هدف‌هایی در زمان مشخص، از جمله هدف‌های مهم جدید مربوط به روش‌های اساسی دفع فاضلاب، کار برد و تولید مواد شیمیایی، نگهداری و احیای ذخایر ماهیان، و کاهش نسبت نابودی تنوع زیستی داده شد. مسائل جدید، از جمله الگوهای قابل دوام تولید و مصرف، انرژی و معدن مورد توجه دقیق‌تر قرار گرفتند. به نیازهای ویژه آفریقا و کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای به گونه‌ای ویژه رسیدگی شد. نتیجه منحصر به فرد و مهم این اجلاس این بود که تعهدات مورد توافق بین‌المللی با مجموعه‌ای از ابتکارهای مربوط به مشارکت داوطلبانه برای توسعه پایدار تکمیل شد.

تامین منابع مالی توسعه پایدار

در اجلاس زمین توافق شد بیشتر منابع مالی برای *دستور کار ۲۱* از بخش‌های خصوصی و دولتی داخل هر کشور تامین شود. با این حال، برای حمایت از تلاش‌های کشورهای در حال توسعه برای اجرای اصول توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست جهانی، منابع مالی جدید و اضافی خارجی ضروری تشخیص داده شد.

تسهیلات جهانی محیط زیست که از سال ۱۹۹۱ آغاز و در ۱۹۹٤ تجدید ساختار شد، دوبار مسئول هدایت و جهت دادن به این اعتبارها شده است. سال ۱۹۹٤، سی و چهار کشور وعده پرداخت ۲ میلیارد دلار را به این نهاد دادند. سال ۱۹۹۸، سی و شش کشور ۲/۷۵ میلیارد دلار دیگر تعهد دادند و سال ۲۰۰۲، سی و دو کشور برای چهار سال بعد پرداخت تقریبا ۳ میلیارد دلار را متعهد شدند. وجوه تسهیلات جهانی محیط زیست ابزار اصلی تحقق هدف‌های کنوانسیون‌ها درباره تنوع زیستی، تغییرات آب و هوا و آلاینده‌های ارگانیک پایدار هستند.

طرح‌های این نهاد – که عمدتا به وسیله برنامه عمران ملل متحد، برنامه محیط زیست سازمان ملل و بانک جهانی اجرا می‌شوند – تنوع زیستی را حفظ و از آنها استفاده قابل دوام به عمل می‌آورند، به مسائل مربوط به تغییر آب و هوای جهان رسیدگی می‌کنند، مانع از نابودی و آلودگی آب‌های بین‌المللی می‌شوند، مواد نابودکننده لایه ازون را به تدریج حذف، با نابودی خاک و خشکسالی مبارزه، و تولید و استفاده از بعضی از آلاینده‌های ارگانیک پایدار را کاهش می‌دهند و حذف می‌کنند.

تسهیلات جهانی محیط زیست در حال حاضر بودجه نزدیک به ۱۲۰۰ طرح را در ۱٤۰ کشور در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال انتقال تامین می‌کند و ٤/۵ میلیارد دلار اختصاص داده و ۱۳ میلیارد دلار دیگر به صورت تامین منابع مالی مشترک از دولت‌های دریافت کننده(recipient)، کارگزاری‌های بین‌المللی توسعه، صنعت خصوصی و سازمان‌های غیردولتی جمع‌آوری کرده است.

یک صندوق چند جانبه در سال ۱۹۹۱ تشکیل شد تا به کشورهای در حال توسعه کمک کند به تعهدات خود بر اساس پروتکل مونترآل، یعنی معاهده بین‌المللی که برای حذف تدریجی مواد زیانبار برای لایه ازون وضع شد، عمل کنند. این صندوق از آن زمان بیش از ۱/۵ میلیارد دلار به ۱۳۰ کشور در حال توسعه کمک کرده است. حدود ٤ هزار طرح این صندوق، که به وسیله برنامه عمران ملل متحد، برنامه محیط زیست سازمان ملل، یونیدو و بانک جهانی و تعدادی از کارگزاری‌های دو جانبه دولتی اجرا شده، به حذف تدریجی نزدیک به ۱۸۰ هزار تن ماده نابود کننده ازون منجر شده است.

اقدام برای محیط زیست

کل نظام ملل متحد به شیوه‌های گوناگون در برنامه‌های حفاظت از محیط زیست شرکت دارند. کارگزاری اصلی آن در این زمینه **برنامه محیط زیست سازمان ملل** است. این برنامه، به عنوان وجدان محیط زیست نظام ملل متحد، شرایط محیط زیست جهان را ارزیابی و مسائل نیازمند به همکاری بین‌المللی را شناسایی، به تنظیم قوانین وحقوق بین‌الملل و ادغام ملاحظات مربوط به محیط زیست در برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نظام ملل متحد کمک می‌کند.

برنامه محیط زیست با شعار «محیط زیست برای توسعه» به حل مسائلی کمک می‌کند که کشورها به تنهایی قادر به غلبه بر آنها نیستند. این برنامه زمینه ایجاد اجماع و انعقاد قراردادهای بین‌المللی را فراهم می‌کند و برای انجام این کار می‌کوشد مشارکت تجارت و صنعت، جوامع علمی و دانشگاهی، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های محلی و سایرین را در تحقق توسعه پایدار افزایش دهد.

یکی از وظایف برنامه محیط زیست، حمایت از دانش و اطلاعات علمی درباره محیط زیست است. تحقیق و ترکیب اطلاعات مربوط به محیط زیست، که به وسیله برنامه محیط زیست سازمان ملل در سطوح منطقه‌ای و جهانی ترویج و هماهنگ شده، گزارش‌های گوناگونی درباره شرایط محیط زیست ایجاد کرده است. گزارش‌هایی مانند *چشم‌انداز جهانی محیط زیست* ۲۰۰۲، آگاهی جهانی درباره مشکلات در حال ظهور مربوط به محیط زیست به وجود آورده است. بعضی گزارش‌ها باعث انجام مذاکرات بین‌المللی درباره انعقاد کنوانسیون‌های مربوط به محیط زیست شده است.

برنامه محیط زیست سازمان ملل از طریق شبکه جهانی مراکز منبع و همکاری کننده، از جمله شبکه *«داده‌های یکپارچه منطقه‌ای و جهانی»* (GRID)*و مرکز جهانی حفظ و نظارت* ، جمع‌آوری و انتشار بهترین داده‌ها و اطلاعات علمی ممکن را در سطوح جهانی و منطقه‌ای تسهیل و هماهنگ می‌کند. تصمیم گیرندگان، دانشمندان و اعضای جامعه مدنی همچنین می‌توانند به داده‌های مورد نظر منطقه‌ای و بخشی مربوط به محیط زیست از طریق سیستم UNEP.net دسترسی آنلاین داشته باشند.

برنامه محیط زیست سازمان ملل برای محافظت از اقیانوس‌ها و دریاها و استفاده از منابع دریایی به گونه‌ای که برای محیط زیست مناسب باشد بر اساس *برنامه دریاهای منطقه‌ای* خود، که اینک بیش از

۱٤۰ کشور را پوشش می‌دهد، اقدام می‌کند. این برنامه در جهت حفاظت از منابع آبی و دریایی مشترک از طریق ۱۳ کنوانسیون یا برنامه اقدام، که جدیدترین آن مربوط به منطقه شمال‌شرقی اقیانوس آرام است، فعالیت می‌کند. کنوانسیون‌ها و برنامه‌های اقدام منطقه‌ای که برنامه محیط زیست سازمان ملل برای آنها دبیرخانه فراهم می‌سازد، دریاهای آفریقای شرقی، آفریقای غربی و مرکزی، مدیترانه، کاراییب و شمال‌غربی اقیانوس آرام و آسیای شرقی را پوشش می‌دهد.

نواحی دریایی و ساحلی حدود ۷۰ درصد سطح زمین را تشکیل می‌دهند و برای ایجاد شرایط طبیعی زندگی کره زمین حیاتی هستند. بیشتر آلاینده‌ها ناشی از مواد زائد صنعتی، استخراج معادن، فعالیت‌های کشاورزی و خروجی‌های وسایل نقلیه موتوری هستند که بعضی از آنها هزاران مایل دورتر از سواحل و دریاها تولید می‌شوند. *برنامه اقدام جهانی برای حفاظت از محیط زیست دریاها از فعالیت‌های مستقر در خشکی*، که در ۱۹۹۵ تحت نظارت برنامه محیط زیست سازمان ملل به تصویب رسید، نقطه عطفی در تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از اقیانوس‌ها، مصب رودخانه‌ها و آب‌های ساحلی از آلاینده‌های ناشی از فعالیت‌های بشر در خشکی به شمار می‌آید. این برنامه که در لاهه دفتر هماهنگی دارد به آنچه ممکن است جدی‌ترین تهدید برای محیط زیست دریایی باشد یعنی جریان مواد شیمیایی، آلاینده‌ها و فاضلاب‌ها به دریاها، رسیدگی می‌کند.

بخش فن‌آوری، صنعت و اقتصاد برنامه محیط زیست سازمان ملل، مستقر در پاریس، در تلاش‌های سازمان ملل برای تشویق تصمیم گیرندگان در دولت‌ها، صنعت و تجارت به تصویب سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌های پاک‌تر و امن‌تر، برای استفاده موثرتر از منابع طبیعی، و کاهش خطر آلاینده‌ها برای مردم و محیط زیست، فعال است. این بخش برای انتقال فن‌آوری‌های امن‌تر، پاک‌تر و مفید برای محیط زیست، به ویژه فن‌آوری‌های مربوط به مدیریت شهری و آب شیرین تسهیلات به وجود می‌آورد؛ به کشورها کمک می‌کند برای مدیریت درست مواد شیمیایی و بهبود ایمنی شیمیایی در سراسر جهان ظرفیت سازی کنند؛ از حذف تدریجی مواد نابود کننده لایه ازون در کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال انتقال حمایت می‌کند؛ به تصمیم گیرندگان کمک می‌کند انتخاب‌های بهتر و آگاهانه‌تری درباره انرژی انجام دهند که هزینه‌های اجتماعی و مربوط به محیط زیست را به طور کامل تلفیق کند؛ و با دولت‌ها و بخش خصوصی کار می‌کند تا ملاحظات مربوط به محیط زیست را در فعالیت‌ها، روش‌ها، تولیدات و خدمات آنها ادغام کند.

«مواد شیمیایی برنامه محیط زیست سازمان ملل» امکان دسترسی کشورها را به اطلاعات درباره مواد شیمیایی سمی فراهم می‌کند؛ به کشورها در ایجاد امکانات برای تولید، استفاده و نابودی امن مواد شیمیایی کمک می‌کند؛ و از اقدامات منطقه‌ای و بین‌المللی که برای کاهش یا حذف خطرهای شیمیایی لازم است، حمایت به عمل می‌آورد.

برنامه محیط زیست سازمان ملل با همکاری فائو برای انجام مذاکرات مربوط به *کنوانسیون رتردام*

درباره تشریفات موافقت آگاهانه از پیش برای بعضی از مواد شیمیایی و حشره‌کش‌های خطرناک در تجارت بین‌المللی (۱۹۹۸) تسهیلات ایجاد کرد. این کنوانسیون به کشورهای وارد کننده اختیار می‌دهد تصمیم بگیرند آن مواد شیمیایی که را می‌خواهند دریافت کنند و موادی را که نمی‌توانند به گونه‌ای امن کنترل کنند، حذف کنند. برنامه محیط زیست سازمان ملل همچنین در تکمیل کنوانسیون استکهلم درباره آلاینده‌های با دوام ارگانیک – معاهده‌ای از نظر قانونی الزام‌آور برای کاهش و حذف انتشار بعضی از مواد شیمیایی، که مدت‌های طولانی دست نخورده و کامل در محیط زیست باقی می‌مانند، از نظر جغرافیایی به طور گسترده پخش می‌شوند، در بافت چربی موجودات زنده متراکم می‌شوند و انسان و حیات‌وحش را مسموم می‌کنند – در سال ۲۰۰۱ تسهیلات به وجود آورد. این مواد شامل حشره‌کش‌ها و مواد شیمیایی صنعتی و تولیدات جانبی به شدت سمی هستند که به شدت متحرک بوده و در زنجیره غذایی انباشته می‌شوند.

برنامه محیط زیست سازمان ملل در طول سال‌ها میانجی مذاکرات مربوط به سایر قراردادهای بین‌المللی بوده که بنیاد تلاش‌های سازمان ملل را برای متوقف و معکوس کردن خسارت به کره زمین تشکیل می‌دهند. *پروتکل* تاریخی *مونترال* (۱۹۸۷) و اصلاحات بعدی آن برای حفاظت از لایه ازون در جو فوقانی زمین است. *کنوانسیون بازل درباره کنترل مواد زائد خطرناک و نابود کردن آنها* (۱۹۸۹) خطر آلودگی از فضولات سمی را کاسته است.

کنوانسیون ممنوعیت تجارت بین‌المللی گونه‌های در معرض خطر (۱۹۷۳) به خاطر موفقیت‌ها در کنترل تجارت محصولات حیات‌وحش، پذیرش همگانی یافته است. برنامه محیط زیست سازمان ملل به دولت‌های آفریقایی در تدوین *قرارداد لوزاکا درباره اجرای دسته جمعی عملیات جلوگیری از تجارت غیرقانونی جانوران و گیاهان وحشی* (۱۹۹٤) کمک کرد. *کنوانسیون تنوع زیستی* (۱۹۹۲)، و *پروتکل کارتاژنا درباره ایمنی زیستی* (۲۰۰۰)، می‌کوشد تنوع گسترده گیاهان، حیوانات و موجودات ذره‌بینی کره زمین را حفظ و استفاده قابل دوام و منصفانه از آنها را تشویق کند. برنامه محیط زیست سازمان ملل برای مذاکره و اجرای کنوانسیون‌هایی درباره بیابان‌زدایی و تغییرات اقلیمی نیز کمک کرد.

تغییر آب و هوا و گرم شدن جهان

شواهد اساسی وجود دارد که فعالیت‌های انسان به تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو، کمک می‌کند و به افزایش تدریجی درجه حرارت جهان منتهی می‌شود. دی اکسید کربن به ویژه هنگامی تولید می‌شود که از سوخت‌های فسیلی برای تولید انرژی استفاده شود یا هنگامی که درختان جنگل‌ها بریده و سوزانده شوند. مطابق گزارش هیات بین دولتی مربوط به تغییر آب و هوا، پیش‌بینی‌ها حاکی است حرارت جهان تا سال ۲۱۰۰ حدود ۱/٤ و ۵/۸ درجه سانتی گراد (۱۰/٤ – ۲/۵ درجه فارنهایت) افزایش خواهد یافت. این افزایش پیش‌بینی شده بیش از همه تغییرات آب و هوایی است که در طول ۱۰ هزار سال گذشته تجربه شده و تاثیری بالقوه چشمگیر بر محیط زیست جهان خواهد داشت.

برای جلوگیری از گرم شدن هـوای جهان، *کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییر آب و هـوا*(۱۹۹۲)، تـدوین و در ریـودژانیرو بـه امضـا رسـید. بـر اسـاس ایـن کنوانسـیون کشـورهای توسـعه یافتـه موافقـت کردنـد انتشـار دی اکسـید کـربن و سایر گازهای گلخانه‌ای خـود را تـا سال ۲۰۰۰ به سطوح برابر بـا سـال ۱۹۹۰ کاهش دهند. این کشورها که در مجموع ٦٠ درصد گاز دی اکسید سالانه را پخش مـی‌کننـد، همچنـین موافقت کردند با انتقـال فـن‌آوری و اطلاعـات بـه کشـورهای در حـال توسـعه بـه آنهـا کمـک کننـد بـه دشواری‌های مربوط به تغییـر آب و هوا واکنش نشان دهند. ۱۸۹ کشـور تا ماه مـه ۲۰۰٤ ایـن کنوانسـیون را تصویب کرده بودند. **هیات بین دولتی تغییرات آب و هوا** که سال ۱۹۸۸ مشـترکا بـه وسـیله برنامـه محیط زیست سازمان ملل و سازمان جهانی هواشناسی سازمان داده شد، از گفـت و گوهـای سـازمان ملل درباره تغییر آب و هوا حمایت می‌کند. این هیات، شبکه‌ای جهانی از ۲۵۰۰ دانشمند و کارشناس برجسته، تحقیقات علمی درباره ابن موضوع را بررسی می‌کند. کشف آن درباره این کـه فعالیـت‌هـای انسان احتمالا می‌تواند باعث تغییراتی در نظام اقلیمی جهان شود سـال ۱۹۸۹ منجـر بـه انجـام گفـت وگوهایی درباره کنوانسیون مربوط به تغییر آب و هوا شـد. ایـن هیـات سـال ۲۰۰۱ بـا دسترسـی بـه نمونه‌های جدید و قوی‌تر رایانه پی برد که «مدرک جدید و قوی‌تر وجود دارد که بیشتر گرمای ایجاد شده در طول ۵۰ سال گذشته را می‌توان ناشی از فعالیت‌های انسانی دانست.»

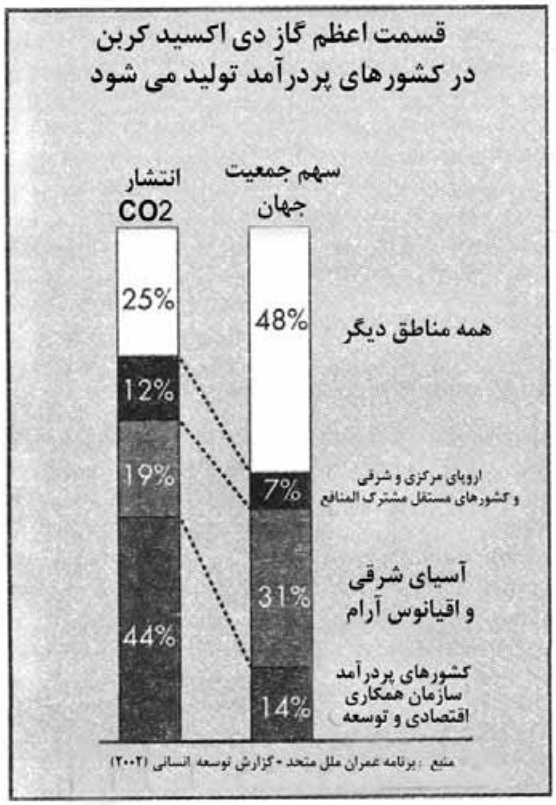

مدرک ارائه شده دانشمندان هیات بین دولتی تغییرات آب و هوا در سال ۱۹۹۵ این موضوع را آشکار کرد که هدف سال ۱۹۹۲، حتی اگر به موقع تحقق یابد مانع از گرم شدن هوای جهان و مشکلات ناشی از آن نخواهد شد و کاهش‌های اضافی لازم خواهد بود. کشورهایی که این کنوانسیون را تصویب کرده بودند سال ۱۹۹۷ در کیوتو، ژاپن، دیدار و درباره یک *پروتکل* از نظر قانونی الزام‌آور

توافق کردند که بر اساس آن قرار است کشورهای توسعه یافته با مبنا قرار دادن سطوح ۱۹۹۰ از انتشار مجموع ٦ گاز گلخانه‌ای خود بین ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ تا ۵/۲ درصد کم کنند. این پروتکل همچنین چند «سازوکار» نوآورانه به منظور کاهش هزینه‌های مهار میزان انتشار به وجود آورد.

کاهش ازون. لایه ازون، لایه‌ای باریک از گاز در جو فوقانی زمین، حدود ۱۲ تا ٤٥ کیلومتر بالای زمین است که سطح زمین را از اشعه مافوق بنفش زیانبار خورشید حفظ می‌کند. گفته می‌شود قرار گرفتن در معرض تشعشات زیاد مافوق بنفش منجر به سرطان پوست، و باعث خسارت غیرقابل پیش‌بینی به گیاهان، جلبک‌ها، زنجیره غذایی و زیست بوم جهان می‌شود.

برنامه محیط زیست سازمان ملل به انجام مذاکرات مربوط به انعقاد *کنوانسیون* تاریخی *وین برای حفاظت از لایه ازون* (۱۹۸۵) و *پروتکل مونترال* (۱۹۸۷) و متمم‌های آن کمک کرد و اینک آن‌ها را اجرا می‌کند. کشورهای توسعه یافته براساس این قراردادها تولید و فروش کلروفلورو کربن‌ها، یعنی مواد شیمیایی که لایه ازون را نابود می‌کنند، ممنوع کرده‌اند. کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۱۰ باید تولید آن‌ها را متوقف کنند. برنامه‌های دیگری نیز برای حذف تدریجی سایر مواد از بین برنده ازون در دست اجرا است.

ارزیابی برنامه محیط زیست سازمان ملل و سازمان جهانی هواشناسی از نابودی ازون در سال ۲۰۰۲، که به وسیله بیش از ۲۵۰ دانشمند از همه جای جهان تدارک شد، کارآیی و تاثیر *پروتکل مونترال* را تایید کرد. بر اساس این ارزیابی، مجموع عناصر نابود کننده ازون در پایین‌ترین قسمت جو سال ۱۹۹٤ به اوج رسید و اینک به آهستگی در حال کاهش است. اگر مطابق این پروتکل اقداماتی انجام نمی‌شد نابودی ازون بسیار جدی‌تر می‌بود و چند دهه ادامه می‌یافت. اما اگر چه این پروتکل در کاهش استفاده و انتشار مواد نابود کننده ازون بسیار موثر است، ادامه تاثیر مواد شیمیایی که پیشتر در جو رها شده به معنی این است که کاهش لایه ازون سال‌ها ادامه خواهد داشت.

دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند اگر این پروتکل همچنان به شدت اجرا شود، سپر محافظتی ازون زمین در آینده نزدیک شروع به بازگشت به وضع عادی خواهد کرد و تا ۲۰۵۰ کاملا عادی خواهد شد.

جزایر کوچک

بیش از ٤۰ کشور در حال توسعه جزیره‌ای کوچک و سرزمین در آسیب‌پذیری‌ها و گرفتاری‌های ویژه‌ای سهیم هستند. شکنندگی زیستی، کوچکی اندازه، محدودیت منابع و دوری از بازارها به آنها اجازه نداده از مزایای جهانی سازی بهره‌مند شوند و این امر مانعی عمده درمسیر توسعه اجتماعی – اقتصادی آنها است. این وضع، توسعه پایدار را چالشی منحصر به فرد برای کشورهای جزیره‌ای و کل جامعه بین‌المللی می‌کند. این کشورها و جزایر از زمان اجلاس زمین ۱۹۹۲ «موردی ویژه برای محیط زیست و توسعه» به حساب آورده شده‌اند.

در کنفرانس جهانی توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه جزیره‌ای کوچک (باربادوس، ۱۹۹٤)، برنامه اقدامی تصویب شد که سیاست‌ها، اقدام‌ها و تدابیری در تمام سطوح برای حمایت از توسعه پایدار این کشورها تعیین کرد. مجمع عمومی سال ۱۹۹۹ اجرای آن برنامه را بررسی کرد و خواستار اقدام بیشتر در حوزه‌های اولویتی شد. جامعه بین‌المللی سال ۲۰۰۵ بار دیگر در اجلاس بین‌المللی که در موریتس تشکیل می‌شود پیشرفت‌های حاصله را بررسی و اقدامات عملی بیشتری را توصیه خواهد کرد.

مدیریت پایدار جنگل‌ها

از زمان تصویب اعلامیه غیرالزامی اصول جنگل‌ها در اجلاس زمین ۱۹۹۲، در سیاست‌های بین‌المللی مربوط به جنگل‌ها پیشرفت‌های قابل توجهی حاصل شده است. ابتکارهای بسیاری در داخل و خارج از نظام ملل متحد انجام شده است. هیات بین دولتی جنگل‌ها و مجمع بین دولتی جنگل‌ها – تحت نظر کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل – از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ نهادهای اصلی برای تدوین سیاست‌های مربوط به جنگل‌ها بودند.

شورای اقتصادی و اجتماعی در اکتبر ۲۰۰۰ **مجمع جنگل‌های سازمان ملل** را تاسیس کرد که نهاد بین دولتی سطح بالا با عضویت همگانی است. ماموریت آن حمایت از مدیریت، محافظت و توسعه پایدار جنگل‌ها و تقویت تعهد طولانی مدت سیاسی به این منظور است و سالی یک بار برای رسیدگی به مسائل اولویتی و بررسی پیشرفت در اجرای اقدام‌های پیشنهادی قبلی نهادهای بین دولتی، تشکیل جلسه می‌دهد.

روسای سازمان‌های مربوطه بین‌المللی به دعوت شورای اقتصادی و اجتماعی همچنین **مشارکت جمعی درباره جنگل‌ها** تشکیل داده‌اند که ١٤ عضو دارد و همکاری و هماهنگی بیشتر در حمایت از هدف‌های مجمع جنگل‌های سازمان ملل و اجرای سیاست‌های مدیریت پایدار جنگل‌ها در سراسر جهان را تقویت می‌کند.

بیابان‌زایی

بر اساس برآوردهای برنامه محیط زیست سازمان ملل یک چهارم خاک کره زمین در معرض خطر تبدیل شدن به بیابان قرار دارد. بیش از ۲۵۰ میلیون نفر به طور مستقیم آسیب می‌بینند و معاش بیش از یک میلیارد نفر در بیش از صد کشور در معرض خطر است زیرا حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی و چراگاه‌ها کمتر می‌شود. خشکسالی می‌تواند باعث بیابان‌زایی شود، اما فعالیت‌های بشر، یعنی کشت بی‌رویه و بیش از اندازه، چرای بیش از حد، نابود کردن جنگل‌ها و عدم آبیاری درست، معمولا دلایل اصلی بیابان‌زایی هستند.

معاهده‌ای از سازمان ملل *یعنی کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی در کشورهایی که با خشکسالی شدید مواجه‌اند و/ یا بیابان‌زایی، به ویژه در آفریقا* (۱۹۹٤) می‌کوشد به این مشکل رسیدگی کند. این معاهده

که ۱۸٦ کشور عضو آن هستند، چارچوب لازم را برای همه فعالیت‌ها به منظور مبارزه با بیابان‌زایی فراهم می‌کند و بر بهبود حاصلخیزی خاک، بازپروری زمین، و محافظت و مدیریت منابع آب و زمین تمرکز می‌کند. این کنوانسیون بر مشارکت مردم و ایجاد محیط زیست توانمندساز برای مردم بومی تاکید می‌کند که با کمک به خود روند زوال زمین را معکوس کنند. این کنوانسیون دارای معیارهایی برای تهیه برنامه‌های اقدام ملی به وسیله کشورهای مبتلا به مشکل بیابان‌زایی است، و نقشی بی‌سابقه برای تدارک و اجرای برنامه‌های اقدام به سازمان‌های غیردولتی می‌دهد.

کارگزاری‌های گوناگون سازمان ملل برای مبارزه با بیابان‌زایی کمک ارائه می‌دهند. برنامه عمران ملل متحد اعتبار فعالیت‌ها برای مبارزه با بیابان‌زایی را از طریق مرکز توسعه زمین‌های خشک که در نایروبی مستقر است، تامین می‌کند. این مرکز با تدوین سیاست‌ها و ارائه مشورت فنی کمک می‌کند، و از برنامه‌های کنترل بیابان‌زایی و مدیریت زمین‌های خشک حمایت به عمل می‌آورد. برنامه ویژه صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی ٤۰۰ میلیون دلار، به اضافه ۳۵۰ میلیون دلار دیگر به صورت منابع مالی مشترک، برای انجام طرح‌هایی در ۲۵ کشور آفریقایی در معرض خطر بیابان‌زایی، بسیج کرده است. بانک جهانی نیز برنامه‌هایی به منظور حفاظت از زمین‌های خشک آسیب‌پذیر و افزایش حاصلخیزی کشاورزی بر مبنایی قابل دوام، ترتیب می‌دهد و بودجه آنها را تامین می‌کند، و فائو از توسعه کشاورزی قابل دوام از طریق مجموعه گسترده‌ای از کمک‌های عملی به دولت‌ها، حمایت به عمل می‌آورد. برنامه محیط زیست سازمان ملل از برنامه‌های اقدام منطقه‌ای، ارزیابی داده‌ها، ظرفیت‌سازی و افزایش آگاهی عمومی درباره این مشکلات، پشتیبانی می‌کند.

تنوع زیستی، آلودگی و صید بی‌رویه ماهی

تنوع زیستی یعنی تنوع گونه‌های گیاهی و جانوری، برای بقای انسان ضروری است. حفاظت و نگهداری از طیف گوناگون گونه‌های زندگی گیاهی و حیوانی و اقلیم آنها هدف *کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل* (۱۹۹۲) است که ۱۸۰ کشور آن را پذیرفته‌اند. این کنوانسیون کشورها را موظف می‌سازد تنوع زیستی را حفظ، توسعه قابل دوام آن را تضمین و امکان برخورداری عادلانه و برابر از مزایای منابع ژنتیک را فراهم کنند. پروتکلی برای تضمین استفاده امن از ارگانیسم‌هایی که از نظر ژنتیک اصلاح شده‌اند، در سال ۲۰۰۰ تصویب شد.

حفاظت از گونه‌های در معرض خطر با *کنوانسیون (عدم) تجارت بین‌المللی گونه‌های در معرض خطر* (۱۹۷۳) نیز تقویت شد که برنامه محیط زیست سازمان ملل آن را اجرا می‌کند. ۱٦۲ کشوری که آن را پذیرفته‌اند به طور مرتب دیدار می‌کنند تا فهرست گونه‌ها یا محصولات گیاهی و جانوری، مانند عاج، را که باید با سهمیه‌بندی یا ممنوعیت صریح تحت محافظت قرار گیرند، به روز کنند. هدف *کنوانسیون بن درباره محافظت از گونه‌های مهاجر حیوانات وحشی* (۱۹۷۹) و مجموعه‌ای از

قراردادهای مربوطه، حفظ گونه‌های مهاجر زمینی، دریایی و هوایی و زیستگاه‌های آنها است. این معاهده را پایان سال ۲۰۰۳ هشتاد و چهار کشور پذیرفته بودند.

باران اسیدی. از بارش باران اسیدی، که عامل آن خروج دی اکسید سولفور از فرآیندهای تولید صنعتی است، *به لطف کنوانسیون مربوط به آلودگی بلندمدت فرامرزی هوا* (۱۹۷۹) به میزان قابل توجهی در بیشتر اروپا و آمریکای شمالی کاسته شده است. این کنوانسیون که ٤٨ کشور به آن پیوسته‌اند به وسیله کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا اجرا می‌شود.

مواد شیمیایی و مواد زائد خطرناک. کشورهای عضو برای نظارت بر ۳ میلیون تن مواد زائد سمی که هر سال از مرزهای ملی می‌گذرند سال ۱۹۸۹ در بازل، *کنوانسیون کنترل نقل و انتقالات فرامرزی مواد زائد خطرناک و نابودی آنها* را تصویب کردند که به وسیله برنامه محیط زیست سازمان ملل اجرا می‌شود. این معاهده که ۱۵۷ کشور آن را پذیرفته‌اند، سال ۱۹۹۵ تقویت شد تا صدور مواد زائد سمی به کشورهای در حال توسعه را ممنوع کند که معمولا فن‌آوری لازم برای نابودی بی‌خطر آنها را ندارند. دولت‌ها سال ۱۹۹۹ *پروتکل بازل درباره مسئولیت و غرامت* را تصویب کردند تا با افرادی که در صورت تخلیه و رها کردن غیرقانونی یا نشت تصادفی مواد زائد خطرناک از نظر مالی مسئول هستند، برخورد شود.

ماهیگیری در آب‌های بین‌المللی. صید بی‌رویه و نابودی تقریبی بسیاری از گونه‌های ماهی‌های از نظر تجاری ارزشمند، همراه با میزان فزاینده ماهیگیری غیرقانونی، بدون نظارت و گزارش نشده در دریاهای بین‌المللی، دولت‌ها را وادار کرد خواهان تدابیری برای محافظت و اداره قابل دوام منابع ماهی‌ها شوند، به ویژه ماهی‌هایی که در نواحی گسترده اقیانوس‌ها مهاجرت یا در منطقه اقتصادی متعلق به بیش از یک کشور حرکت می‌کنند.موافقت نامه *سازمان ملل درباره ذخایر ماهیان آب‌های مرزی بین کشورها و ذخایر ماهیانی که بسیار مهاجرت می کنند*(۱۹۹۵) که دسامبر ۲۰۰۱ به اجرا در آمد نظامی برای محافظت از این ذخایر و مدیریت آنها، با نظری به تضمین بقای آنها در طولانی مدت، ارائه می‌دهد.

حفاظت از محیط زیست دریاها

دو سوم سطح زمین را دریاها تشکیل می‌دهند و حفاظت از آنها یکی از مسائل اصلی سازمان ملل شده است. کار برنامه محیط زیست سازمان ملل، به ویژه تلاش‌های گوناگون آن برای حفاظت از محیط زیست دریاها، توجه جهان را بر اقیانوس‌ها و دریاها متمرکز کرده است. **سازمان بین‌المللی دریانوردی** (رسیدگی به امور دریاها) کارگزاری تخصصی سازمان ملل مسئول اتخاذ تدابیری به منظور پیشگیری از آلودگی دریاها از کشتی‌ها و بهبود امنیت کشتیرانی بین‌المللی است. با وجود گسترش چشمگیر کشتیرانی در جهان، آلودگی نفتی از کشتی‌ها در طول دهه ۱۹۸۰ تا حدود ٦٠ درصد کاهش یافت و از تعداد موارد نشت نفت در طول دو دهه گذشته به شدت کاسته شده است. علت بخشی از

این امر، معرفی روش‌های بهتر کنترل امحای مواد زائد و بخشی دیگر تشدید کنترل‌ها از طریق کنوانسیون‌ها بود. *کنوانسیون بین‌المللی برای پیشگیری از آلودگی دریا با نفت*، کنوانسیونی پیشگام بود که در ۱۹۵٤ تصویب شد و سازمان بین‌المللی دریانوردی مسئولیت اجرای آن را در سال ۱۹۵۹ به عهده گرفت. در اواخر دهه ۱۹٦۰ وقوع چند حادثه مهم برای تانکرها منجر به اقدام بیشتر شد. سازمان بین‌المللی دریانوردی از آن زمان مقررات بسیاری برای پیشگیری از حوادث و نشت نفت در دریاها، به حداقل رساندن عواقب آنها، و مبارزه با آلودگی دریاها – از جمله آلودگی ناشی از تخلیه مواد زائد تولید شده از فعالیت‌های مستقر در خشکی – تدوین کرد.

معاهدات اصلی عبارتند از: *کنوانسیون بین‌المللی مربوط به مداخله در دریاهای آزاد در موارد تلفات ناشی از آلودگی نفتی*، ۱۹٦۹؛ *کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریاها بر اثر ریختن مواد زائد و سایر مواد*، ۱۹۷۲؛ و *کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، واکنش و همکاری درباره آلودگی نفتی*، ۱۹۹۰.

سازمان دریانوردی همچنین با تهدیدها نسبت به محیط زیست که بر اثر فعالیت‌های عادی مانند نظافت تانکرهای حمل نفت و تخلیه مواد زائد موتورخانه‌ها ایجاد می‌شود – که از حیث مقدار خطری بیشتر از تصادفات است – برخورد کرده است. مهم‌ترین این تدابیر *کنوانسیون بین‌المللی برای پیشگیری آلودگی از کشتی‌ها (۱۹۷۳) و اصلاح آن با پروتکل* ۱۹۷۸ (MARPOL73/78) است. این کنوانسیون نه فقط آلودگی نفتی ناشی از تصادف و فعالیت‌ها بلکه همچنین آلودگی به وسیله مواد شیمیایی، کالاهای بسته بندی شده، فاضلاب و زباله را نیز شامل می‌شود. متمم این کنوانسیون که سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید تجهیز همه تانکرهای جدید را به بدنه دوگانه یا طرحی که حفاظت مشابه از محموله را در صورت تصادم یا به گل نشستن فراهم سازد، الزامی کرد.

دو معاهده سازمان دریانوردی یعنی *کنوانسیون بین‌المللی درباره مسئولیت مدنی برای خسارت ناشی از آلودگی نفتی* و *کنوانسیون بین‌المللی درباره تاسیس صندوق بین‌المللی برای خسارت آلودگی نفتی*، نظامی برای دادن خسارت به کسانی به وجود می‌آورند که بر اثر آلودگی، خسارت مالی دیده‌اند. این معاهدات، مصوب ۱۹٦۹ و ۱۹۷۱، و تجدید نظر شده در ۱۹۹۲، به قربانیان آلودگی نفتی امکان می‌دهند بسیار راحت‌تر و سریع‌تر از آنچه پیشتر میسر بوده، غرامت بگیرند.

هوا، اقلیم و آب

سازمان جهانی هواشناسی تلاش‌های علمی جهانی را از پیش بینی هوا تا تحقیقات مربوط به اقلیم و هشدارهای زود هنگام درباره خطرهای طبیعی هماهنگ می‌کند تا اطلاعات مربوط به هوا و سایر خدمات را به موقع و دقیق در اختیار جامعه استفاده کننده، از جمله صنایع هواپیمایی و کشتیرانی قرار دهد. فعالیت‌های این سازمان به ایمنی جان و مال، توسعه اقتصادی و اجتماعی، و حفاظت از محیط زیست کمک می‌کند.

سازمان جهانی هواشناسی در داخل سازمان ملل صدای علمی قابل اعتماد درباره اقلیم و جو زمین است. این سازمان همکاری بین‌المللی برای ایجاد شبکه‌های ایستگاه‌ها به منظور مطالعات مربوط به هواشناسی، آب و غیره را تسهیل و از مبادله سریع اطلاعات مربوط به هوا، استاندارد کردن اطلاعات هواشناسی، و انتشار یکسان اطلاعات و آمار پشتیبانی می‌کند. این نهاد همچنین کاربرد هواشناسی را در مسائل مربوط به هوانوردی و کشتیرانی، آب، کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی حساس به هوا بیشترمی‌کند؛ از آب شناسی عملیاتی حمایت به عمل می‌آورد؛ و تحقیق و آموزش را تشویق می‌کند.

ناظر جهانی هوا، بنیاد و اساس فعالیت‌های سازمان جهانی هواشناسی است. این نهاد تازه‌ترین اطلاعات مربوط به هوای جهان را از طریق شبکه‌های نظارت و پیوندهای ارتباطی که به وسیله کشورها و سرزمین‌های عضو فعالیت می‌کنند – با ١٦ ماهواره، ۳,۰۰۰ هواپیما، ۱۰,۰۰۰ ایستگاه رصد زمینی، ۷,۳۰۰ ایستگاه کشتی، و ۹۰۰ شناور لنگر انداخته و متحرک که دارای ایستگاه‌های خودکار هواشناسی هستند – ارائه می‌دهد. ارتباط‌های سریع، هر روز داده‌ها و نمودارهای مربوط به هوا را به وسیله ۳ مرکز جهانی، ٣٤ مرکز منطقه‌ای، و ۱۸۷ مرکز ملی هواشناسی که در امر تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی هوا همکاری می‌کنند، انتقال می‌دهند. به این ترتیب همواره اطلاعات به موقع مربوط به هوا در اختیار کشتی‌ها و هواپیماها، دانشمندان پژوهشگر، رسانه‌ها و مردم گذاشته می‌شود.

قراردادهای پیچیده بین‌المللی درباره استانداردها، قواعد، مقیاس‌ها و ارتباطات از طریق سازمان جهانی هواشناسی ایجاد می‌شوند. *برنامه تند باد استوایی*، به ۵۰ کشور آسیب پذیر در برابر تندباد کمک می‌کند با بهبود شبکه‌های پیش‌بینی و هشدار و آمادگی برای فاجعه‌ها، تلفات جانی و خسارات مالی را به حداقل برسانند. *برنامه پیشگیری و کاهش بلایای طبیعی* سازمان جهانی هواشناسی، همگرایی فعالیت‌های برنامه‌ای این سازمان را در این زمینه تضمین و آنها را با فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی مربوطه، از جمله نهادهای دفاع غیرنظامی هماهنگ می‌کند. این برنامه همچنین برای موقعیت‌های واکنش به فاجعه سازمان جهانی هواشناسی، حمایت علمی و فن‌آوری ارائه می‌دهد.

برنامه جهانی اقلیم، داده‌های مربوط به اقلیم را گردآوری و نگهداری و به دولت‌ها کمک می‌کند برای آمادگی در برابر تغییر اقلیم برنامه‌ریزی کنند. چنین اطلاعاتی می‌تواند برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی برای جریان‌های اقلیمی و درک آنها را بهبود بخشد. این برنامه همچنین می‌تواند تغییرات اقلیمی قریب‌الوقوع (مانند پدیده‌های ال نینو و لانینا) و تاثیر آنها را چند ماه پیش – و همچنین تغییرها، طبیعی یا بشری، را که می‌توانند بر فعالیت‌های مهم انسان تاثیر بگذارند، شناسایی و به دولت‌ها هشدار دهد. سازمان جهانی هواشناسی و برنامه محیط زیست سازمان ملل برای ارزیابی تمامی اطلاعات موجود درباره تغییر اقلیم، در سال ۱۹۸۸ هیات بین دولتی تغییرات اقلیم را ایجاد کردند.

برنامه محیط زیست و تحقیقات جوی، تحقیقات درباره ساختار و ترکیب جو، ظاهر و ترکیب ابرها، تغییرات هوا، هواشناسی استوایی، و پیش‌بینی هوا را هماهنگ و به کشورهای عضو کمک می‌کند طرح‌های تحقیقاتی انجام دهند، اطلاعات علمی منتشر، و نتایج تحقیقات درباره سایر روش‌ها و فنون را تلفیق کنند. شبکه‌ای جهانی متشکل از حدود ۳٤۰ ایستگاه در ۸۰ کشور بر اساس مفاد *«ناظر جهانی جو»* بر میزان گازهای گلخانه‌ای، ازون، رادیو نیوکلایدها (radionuclides) و نشانه‌های سایر گازها و ذرات در جو نظارت می‌کند.

زیان‌های کشاورزی ناشی از تغییرات هوا در بعضی از کشورها ممکن است به ۳۰ درصد محصول سالانه برسد. *برنامه کاربردهای هواشناسی*، به کشورها کمک می‌کند از هواشناسی برای محافظت از جان و مال و توسعه اجتماعی و اقتصادی استفاده کنند. این برنامه می‌کوشد خدمات عمومی هواشناسی را بهتر کند؛ امنیت سفر دریایی و هوایی را افزایش دهد؛ از عوارض بیابان‌زایی بکاهد؛ و مدیریت آب، انرژی و سایر منابع و کشاورزی را بهتر کند. برای مثال، در کشاورزی مشورت سریع مربوط به هواشناسی می‌تواند به معنای کاهش اساسی زیان‌های ناشی از خشکسالی‌ها، آفت‌ها و بیماری‌ها باشد.

برنامه آب‌شناسی و منابع آب، به ارزیابی، مدیریت و حفظ منابع آب جهان کمک می‌کند. این برنامه از همکاری جهانی در زمینه ارزیابی منابع آب و در ایجاد شبکه‌ها و خدمات مربوط به آب، از جمله گردآوری و پردازش داده‌ها، هشدار و پیش‌بینی شرایط آب، و تامین داده‌های مربوط به هواشناسی و آب‌شناسی برای مقاصد طراحی حمایت می‌کند. این برنامه، برای مثال، همکاری در زمینه سرچشمه‌های آب مشترک بین کشورها را تسهیل و با پیش‌بینی‌های تخصصی در نواحی سیل‌خیز به حفظ جان و مال کمک می‌کند.

برنامه فضای سازمان جهانی هواشناسی برای کمک به توسعه شبکه نظارت جهانی برنامه *ناظر جهانی هوا*، و همچنین سایر برنامه‌های مورد حمایت سازمان جهانی هواشناسی و شبکه‌های نظارتی مربوطه، ایجاد شد. هدف آن ارائه مداوم داده‌ها، محصولات و خدمات بهتر و تسهیل قابلیت استفاده گسترده‌تر و ارزشمندتر از آنها در سطح جهانی است. *برنامه آموزش و کار آموزی*، مبادله دانش علمی را از طریق دوره‌ها، سمینارها و کنفرانس‌ها، تدوین برنامه‌های درسی، معرفی روش‌ها و فنون و وسایل آموزشی جدید، و حمایت از مراکز آموزشی تشویق می‌کند. این برنامه هر سال چند صد متخصص را از سراسر جهان در دوره‌های پیشرفته شرکت می‌دهد.

برنامه همکاری فنی، به کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند تجهیزات و تخصص فنی به دست آورند تا خدمات مربوط به هواشناسی و آب‌شناسی ملی خود را بهبود بخشند. انتقال فن‌آوری، و همچنین دانش و اطلاعات مربوط به هواشناسی و آب‌شناسی را تشویق می‌کند. *برنامه منطقه‌ای*، از اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های منطقه‌ای، از طریق هشت دفتر منطقه‌ای وزیر منطقه‌ای سازمان جهانی هواشناسی در سراسر جهان حمایت می‌نماید.

انرژی و منابع طبیعی

سازمان ملل همواره به کشورها برای اداره منابع طبیعی خود کمک کرده است. مجمع عمومی سال ۱۹۵۲ اعلام کرد کشورهای در حال توسعه «حق تعیین آزادانه چگونگی استفاده از منابع طبیعی خود را» دارند و باید از چنین منابع برای تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی بر اساس منافع ملی خود استفاده کنند.

کمیته انرژی و منابع طبیعی برای توسعه با ٢٤ عضو که نهادی از شورای اقتصادی و اجتماعی و متشکل از کارشناسان نامزد شده از طرف دولت‌ها است، رهنمودهایی درباره سیاست‌ها و برنامه‌ها برای شورای اقتصادی و اجتماعی و دولت‌ها با همکاری کمیسیون توسعه پایدار تهیه و تدوین می‌کند. این کمیته به دو زیر گروه، هر یک با ۱۲ عضو، تقسیم شده است. **زیر گروه مربوط به انرژی**، روندها و مسایل مربوط به توسعه انرژی، و همچنین هماهنگی فعالیت‌های نظام ملل متحد در حوزه انرژی را بررسی می‌کند. **زیر گروه مربوط به منابع آب** به مسائل مربوط به مدیریت یکپارچه منابع زمین و آب، و همچنین هماهنگی فعالیت‌های مربوطه نظام ملل متحد رسیدگی می‌کند.

منابع آب. سازمان ملل از مدت‌ها پیش به بحران جهانی ناشی از فشارهای فزاینده بر منابع آب جهان برای تامین نیازهای انسانی، بازرگانی و کشاورزی رسیدگی کرده است. کنفرانس آب سازمان ملل در ۱۹۷۷، کنفرانس بین‌المللی درباره آب و محیط زیست و اجلاس زمین (۱۹۹۲)، و دهه بین‌المللی تامین آب آشامیدنی و دفع بهداشتی فاضلاب (۱۹۹۰ – ۱۹۸۱) همه بر این منبع حیاتی متمرکز بودند. این دهه به دسترسی حدود ۱/۳ میلیارد نفر از مردم کشورهای در حال توسعه به آب آشامیدنی سالم کمک کرد. سال بین‌المللی آب شیرین سازمان ملل، ۲۰۰۳، به منظور افزایش آگاهی عمومی در سطح جهان اعلام شد و *نخستین گزارش جهانی مربوط به توسعه آب* سازمان ملل (۲۰۰۳) به بررسی داده‌ها و تحولات موثر بر ذخایر آب شیرین جهان پرداخت.

برآورد شده است ۱/۱ میلیارد نفر آب آشامیدنی کافی ندارند و ٢/٤ میلیارد نفر به امکانات دفع بهداشتی فاضلاب دسترسی ندارند. احتمال دارد تا سال ۲۰۵۰ دست کم یک نفر از هر چهار انسان، ساکن کشوری گرفتار کمبود مزمن یا متناوب آب باشد. دلایل کمبود آب شامل استفاده نادرست، نابودی آب بر اثر آلودگی، و بهره‌برداری بی‌رویه از ذخایر زیرزمینی آب است. برای دستیابی به مدیریت بهتر منابع کمیاب آب شیرین – با توجه ویژه به مسائلی مانند عرضه و تقاضا، و کمیت و کیفیت – انجام اقداماتی لازم است.

فعالیت‌های نظام ملل متحد در جهت توسعه پایدار منابع آسیب‌پذیر و محدود آب شیرین تنظیم شده است. این منابع تحت فشار روز افزون ناشی از رشد جمعیت، آلودگی، و تقاضاهای مصارف کشاورزی و صنعتی، که همچنان در حال افزایش هستند، قرار دارند. اداره امور اقتصادی و اجتماعی، برنامه‌ای نسبتا بزرگ در زمینه همکاری فنی برای توسعه منابع آب دارد. کمیسیون توسعه پایدار، راه‌های افزایش دسترسی به آب از طریق ساز و کارهای بازار، از جمله

قیمت‌گذاری، همراه با تضمین امکان دسترسی افراد فقیر به آب را بررسی کرده است.
انرژی. انرژی، به مقدار کافی، به عنوان عامل محرک توسعه برای پیشرفت اقتصادی و حذف فقر ضروری است. اما عوارض زیست محیطی و بهداشتی روش‌های سنتی تولید و استفاده از انرژی، باعث نگرانی جدی شده است. به علاوه تقاضای روزافزون برای انرژی سرانه، همراه با افزایش جمعیت جهان، باعث افزایش مصرف به میزانی شده است که با استفاده از روش‌های کنونی نمی‌تواند قابل دوام باشد.
در حالی که برای دستیابی به منابع انرژی تجدید شدنی، که آلایندگی کاملا کمتری دارند، تلاش‌هایی صورت می‌گیرد، تقاضای اضافی همچنان بیشتر از ایجاد ظرفیت تولید انرژی‌های تجدید شدنی است. بنابراین تلاش‌های جدی لازم است تا بازدهی انرژی بهبود یابد و در حرکت به سمت توسعه پایدار به سمت فن‌آوری‌های پاکتر سوخت فسیلی پیش برویم. اگر چه پیش‌بینی شده مصرف جهانی انرژی تا سال ۲۰۶۰ دو برابر شود، برای این که این امر به دو میلیارد مردم، بیشتر در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه، که اینک از دسترسی به خدمات انرژی مدرن تجاری محروم هستند، سود برساند، تلاش‌های ویژه لازم خواهد بود.
نظام ملل متحد در طیفی گسترده از فعالیت‌ها شرکت دارد تا در حوزه انرژی – از آموزش، تعلیم و ظرفیت سازی گرفته تا کمک به اصلاحات خط‌مشی و ارائه خدمات انرژی – به کشورهای در حال توسعه کمک کند. این فعالیت‌ها بر تامین نیازهای انرژی در چارچوب توسعه پایدار متمرکز است.
همکاری فنی. سازمان ملل برنامه‌ای فعال برای همکاری فنی در زمینه آب، مواد معدنی، انرژی و مربوط به کشورهای در حال توسعه جزیره‌ای کوچک دارد. یاری در زمینه همکاری فنی و خدمات مشورتی مربوط به آب و منابع معدنی، بر حفاظت از محیط زیست، حمایت از سرمایه‌گذاری، وضع قانون و توسعه پایدار تاکید می‌کند. همکاری فنی مربوط به انرژی، به دسترسی به انرژی، اصلاح بخش انرژی، بازدهی انرژی، انرژی قابل تجدید، انرژی روستایی، فن‌آوری‌های پاکتر سوخت فسیلی و انرژی برای حمل و نقل مربوط می‌شود.
در طول دو دهه گذشته صدها طرح کمک فنی و پیش از سرمایه‌گذاری در زمینه آب، مواد معدنی و انرژی شامل صدها میلیون دلار به وسیله سازمان ملل و سایر نهادهای آن اجرا شده است. دولت‌های دریافت کننده، منابع تکمیلی به شکل پرسنل، تاسیسات و هزینه‌های عملیاتی در محل، تامین کرده‌اند. در نتیجه هر سال صدها طرح محلی به کشورهای در حال توسعه در امر توسعه پایدار منابع طبیعی آنها، از طریق طرح‌هایی که ظرفیت ملی را تقویت و سرمایه‌گذاری بیشتر را تشویق می‌کنند، یاری می‌رسانند.

ایمنی هسته‌ای

در حال حاضر ٤٤١ راکتور برق هسته‌ای نزدیک به ١٦ درصد برق دنیا را تولید می‌کنند. در ۹ کشور بیش از ٤٠ درصد تولید انرژی از قدرت هسته‌ای به دست می‌آید. **آژانس بین‌المللی انرژی اتمی،** سازمانی بین‌المللی در خانواده سازمان ملل، توسعه استفاده‌های امن، بی‌خطر و مسالمت‌آمیز از انرژی اتمی را تشویق می‌کند و نقشی برجسته در تلاش‌های بین‌المللی به منظور تضمین استفاده از فن‌آوری هسته‌ای برای توسعه پایدار به عهده دارد. این سازمان در بحث کنونی درباره انتخاب انرژی برای مهار انتشار دی اکسید کربن که باعث گرم شدن هوای جهان می‌شود، بر مزایای برق هسته‌ای به عنوان منبع انرژی که باعث انتشار گاز گلخانه‌ای و سایر گازهای سمی نمی‌شود، تاکید کرده است.

آژانس به عنوان مجمع بین دولتی اصلی جهان برای همکاری علمی و فنی در زمینه هسته‌ای خدمت می‌کند و نقطه مرکزی مبادله اطلاعات و تدوین خط‌مشی‌ها و معیارها در حوزه ایمنی هسته‌ای، و همچنین ارائه مشورت به دولت‌ها، به تقاضای خود آنها، درباره راه‌های بهبود امنیت راکتورها و اجتناب از خطر حوادث است.

مسئولیت آژانس در حوزه ایمنی هسته‌ای با رشد برنامه‌های برق هسته‌ای افزایش یافته و توجه عمومی بر جنبه‌های ایمنی متمرکز شده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استانداردهای اساسی برای حفاظت از تشعشع تنظیم و مقررات و قواعد عمل درباره انواع ویژه عملیات – شامل نقل و انتقال امن مواد رادیواکتیو – وضع می‌کند. این نهاد بر اساس *کنوانسیون کمک در صورت بروز حادثه هسته‌ای یا موقعیت اضطراری رادیولوژیک* (١٩٨٦) و *کنوانسیون اعلام زود هنگام حادثه هسته‌ای* (١٩٨٦) در صورت وقوع حادثه تشعشعی، کمک اضطراری به کشورهای عضو را تسهیل می‌کند. سایر معاهدات بین‌المللی که آژانس مسئول اجرای آنها است: *کنوانسیون حفاظت فیزیکی مواد هسته‌ای* (١٩٨٧)، کنوانسیون وین درباره *مسئولیت‌های مدنی برای خسارت هسته‌ای* (١٩٦٣)، *کنوانسیون مربوط به ایمنی هسته‌ای* (١٩٩٤)، و *کنوانسیون مشترک درباره ایمنی مدیریت سوخت مصرف شده و درباره ایمنی مدیریت مواد زائد رادیواکتیو* (١٩٩٧) است.

برنامه همکاری فنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شکل طرح‌ها، کارشناسان و آموزش بین کشوری در امر کاربرد فنون مسالمت‌آمیز هسته‌ای، ارائه می‌شود که به کشورها در حوزه‌های مهمی مانند آب، بهداشت، تغذیه، تولید مواد غذایی و دارویی کمک می‌کند. نمونه‌ها شامل کار مربوط به ایجاد تغییرات ژنتیک در پرورش گیاهان است که از طریق آن نزدیک به ٢٠٠٠ نوع جدید و مفید محصول با استفاده از فن‌آوری متکی بر تشعشع پرورش یافته و به این ترتیب تولید مواد غذایی اصلاح شده است. نمونه دیگر استفاده از آب‌شناسی ایزوتوپ برای نقشه برداری از سفره‌های آب زیرزمینی، مدیریت آب‌های سطحی و روی زمین، تشخیص و کنترل آلودگی، نظارت بر ایمنی و نشت آب از سدها، و به این ترتیب بهبود دسترسی به آب آشامیدنی سالم است. نمونه دیگر، به درمان مربوط می‌شود که در آن

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تجهیزات رادیولوژی ارائه می‌دهد و افراد را برای درمان بی‌خطر بیماران سرطانی در حدود ۸۰ کشور در حال توسعه که عضو آژانس هستند، تعلیم می‌دهد.
آژانس درباره تقریبا همه جنبه‌های دانش و فن‌آوری هسته‌ای از طریق *شبکه بین‌المللی اطلاعات هسته‌ای* خود در وین، اطلاعات گردآوری و منتشر، با یونسکو مرکز بین‌المللی فیزیک نظری را در تریسته، ایتالیا، اداره می‌کند و سه آزمایشگاه دارد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با فائو در تحقیق درباره انرژی اتمی در زمینه کشاورزی و مواد غذایی، و با سازمان جهانی بهداشت درباره تشعشع در پزشکی و زیست شناسی همکاری می‌کند. آزمایشگاه محیط زیست دریایی آن در موناکو، با برنامه محیط زیست سازمان ملل و یونسکو درباره آلودگی دریاهای جهان مطالعه به عمل می‌آورد.
کمیته علمی سازمان ملل درباره عوارض تشعشع اتمی، نهادی جداگانه که سال ۱۹۵۵ تشکیل شد، درباره سطوح و عوارض قرار گرفتن در معرض تشعشع یونیزه کننده بررسی و گزارش می‌دهد. دولت‌ها و سازمان‌ها در جهان به برآوردهای آن به عنوان مبنای علمی برای ارزیابی خطر تشعشع، ایجاد معیارهای ایمنی و حفاظت در برابر تشعشع، و تنظیم منابع تشعشع متکی هستند.

فصل ۴
حقوق بشر

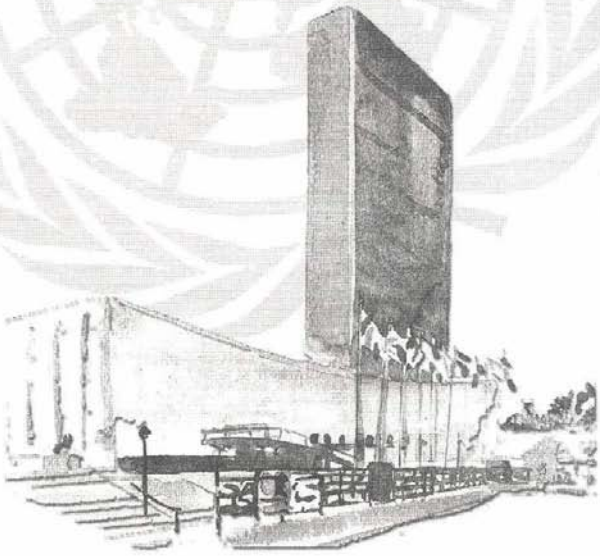

حقوق بشر

یکی از دستاوردهای بزرگ سازمان ملل متحد ایجاد مجموعه‌ای کامل از قوانین حقوق بشر مورد حمایت همگانی و بین‌المللی بود که همه ملت‌ها بتوانند آن را بپذیرند و به آن بپیوندند. سازمان ملل متحد مجموعه‌ای گسترده از حقوق بین‌الملل پذیرفته شده از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق سیاسی و مدنی ا تدوین کرده است. این سازمان همچنین ساز و کارهایی برای ترویج و حفاظت از این حقوق و کمک به دولت‌ها در اجرای مسئولیت‌های خود به وجود آورده است.

بنیاد و اساس این مجموعه قوانین، منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به ترتیب سال‌های ۱۹٤٥ و ۱۹٤۸ به تصویب مجمع عمومی رسیدند. سازمان ملل از آن زمان قوانین حقوق بشر را به تدریج گسترش داده تا معیارهای ویژه برای زنان، کودکان، معلولان، اقلیت‌ها، کارگران مهاجر و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر را در برگیرد که اینک حقوقی دارند که از آنان در برابر روش‌های تبعیض آمیزی حمایت می‌کند که مدت‌ها در جوامع بسیاری رایج بودند.

این حقوق از طریق تصمیم‌های تاریخی مجمع عمومی گسترش یافته، تصمیم‌هایی که به تدریج عمومیت و جهان شمولی، یکپارچگی و پیوستگی خود را با توسعه و دموکراسی تثبیت کرده‌اند. فعالیت‌های آموزشی، مردم جهان را از حقوق مسلم خود آگاه کرده، در همان حال نظام‌های قضایی وکیفری ملی متعددی از طریق برنامه‌های آموزشی و مشورت فنی سازمان ملل اصلاح و بهتر شده‌اند. نهادهای سازمان ملل برای نظارت بر پیروی از معاهدات حقوق بشر، بین کشورهای عضو، اعتبار و انسجام قابل توجهی به دست آورده‌اند.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به منظور تقویت و هماهنگی تلاش‌های سازمان ملل برای حفاظت و حمایت از کلیه حقوق بشر تمام افراد در سراسر جهان فعالیت می‌کند. دبیرکل، حقوق بشر را موضوع اصلی تعیین کرده است که فعالیت سازمان ملل را در زمینه‌های اصلی صلح و امنیت، توسعه، کمک بشردوستانه، و امور اقتصادی و اجتماعی منسجم و هماهنگ می‌کند. کلیه نهادها و کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل عملا تا حدی در حمایت از حقوق بشر شرکت دارند.

اسناد حقوق بشر

حدود ٤۰ سازمان غیردولتی در کنفرانس سانفرانسیسکو در ۱۹٤٥، که در جریان آن سازمان ملل متحد ایجاد شد، به نمایندگی از زنان، اتحادیه‌های صنفی و کارگری، سازمان‌های قومی و گروه‌های مذهبی با نمایندگان دولت‌ها، بیشتر از کشورهای کوچکتر، متحد شدند و برای استفاده از زبانی صریح‌تر و دقیق‌تر از آنچه به وسیله کشورهای دیگر پیشنهاد شده بود، درباره حقوق بشر فشار آوردند. تلاش قاطعانه آنان منجر به گنجاندن مفادی درباره رعایت و اجرای حقوق بشر در **منشور ملل متحد** شد، و اساس قانونگذاری بین‌المللی دوره پس از ۱۹٤٥ را به وجود آورد.

به این ترتیب مقدمه منشور به صراحت «ایمان به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ» را تایید می‌کند.
ماده یک می‌گوید یکی از چهار وظیفه اصلی سازمان ملل متحد ترویج و تشویق «احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب» است. سایر مفاد آن کشورها را متعهد می‌سازند با همکاری سازمان ملل برای دستیابی به احترام همگانی برای حقوق بشر اقدام کنند.

اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر

مجمع عمومی، سه سال پس از تاسیس سازمان ملل متحد، قانون حقوق بشر معاصر را بنیاد نهاد: **اعلامیه جهانی حقوق بشر**، که هدف از آن ایجاد «معیار موفقیت مشترک برای همه مردم» بود،۱۰ دسامبر ۱۹٤۸ به تصویب رسید، روزی که اینک در سراسر جهان به عنوان **روز بین‌المللی حقوق بشر** گرامی داشته می‌شود. ۳۰ ماده آن، حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را که تمامی ابنای بشر در هر کشوری باید از آنها برخوردار باشند، مشخص کرد (به کادر نگاه کنید).
مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر از نظر بسیاری از پژوهشگران از اعتبار حقوق بین‌الملل برخورداراست زیرا به صورت گسترده ای پذیرفته شده و برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود. کشورهای تازه استقلال یافته بسیاری به اعلامیه جهانی استناد کرده یا مفاد آن را در قوانین بنیادی یا قانون اساسی خود گنجانده‌اند.
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، گسترده‌ترین موافقت نامه های از نظر حقوقی الزام‌آور حقوق بشر هستند که در مذاکرات تحت نظارت سازمان ملل منعقد شدند. این موافقت نامه ها، مصوب سال ۱۹٦٦ مجمع عمومی، مفاد اعلامیه جهانی را با تبدیل این حقوق به تعهدات الزام‌آورقانونی و تعیین کمیته‌هایی برای نظارت بر پیروی کشورهای عضو، یک گام جلوتر بردند.
اعلامیه جهانی، همراه با دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر و پروتکل‌های اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، **اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر** را تشکیل می‌دهند.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ۱۹۷٦ به اجرا در آمد و ۱٤۸ کشور عضو آن هستند. حقوق بشری که این میثاق می‌کوشد ترویج و حفاظت کند، شامل:

- حق کارکردن در شرایط عادلانه و مناسب.
- حق (برخورداری از) حمایت اجتماعی، معیار زندگی رضایت بخش و عالیترین معیارهای قابل حصول رفاه جسمی و روانی.
- حق آموزش و پرورش و برخورداری از مزایای آزادی فرهنگی و پیشرفت علمی.

تعریف حقوق جهانی

اعلامیه جهانی حقوق بشر بنیاد مجموعه گسترده قوانین حقوق بشر است که در طول چند دهه ایجاد شد. مادههای ۱ و ۲ آن میگویند «همه انسانها از نظر حیثیت و حقوق برابر به دنیا میآیند و حق دارند از تمامی حقوق و آزادیهای تعیین شده در اعلامیه حقوق بشر« بدون هیچ نوع تمایز مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره، اصل و نسب ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا موقعیتهای دیگر» برخوردار باشند.

مفاد ۳ تا ۲۱، حقوق مدنی و سیاسی را که همه انسانها استحقاق آنها را دارند تعیین کرد، از جمله:

- حق زندگی، آزادی و امنیت.
- رهایی از بردگی و بندگی.
- رهایی از شکنجه یا بیرحمی، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز.
- حق به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک فرد در برابر قانون؛ حق اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا داوری؛ رهایی از توقیف، بازداشت یا تبعید خودسرانه؛ حق محاکمه عادلانه و بازجویی علنی در دادگاهی مستقل و بیطرف؛ حق بیگناه به حساب آمدن تا زمان اثبات جرم.
- برخورداری از حق عدم مداخله خودسرانه به حریم خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات؛ برخورداری از حق عدم تعرض به حیثیت و اعتبار و شهرت؛ حق برخورداری از محافظت قانون در برابر چنین تعرضاتی.
- آزادی رفت و آمد؛ حق پناهجویی؛ حق برخورداری از ملیت.
- حق ازدواج و تشکیل خانواده؛ حق مالکیت.
- آزادی اندیشه، عقیده و مذهب؛ آزادی نظر و بیان.
- حق انجمن و تجمع مسالمتآمیز.
- حق شرکت در دولت و دسترسی برابر به خدمات عمومی.

مادههای ۲۲ تا ۲۷ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تعیین کردند که تمامی افراد بشر استحقاق برخورداری از آنها را دارند، از جمله:

- حق امنیت اجتماعی.
- حق کار کردن؛ حق دریافت دستمزد برابر برای کار برابر؛ حق تشکیل و پیوستن به اتحادیههای کارگری و صنفی.
- حق استراحت و تفریح.
- حق برخورداری از معیارهای مناسب بهداشتی و رفاهی
- حق آموزش و پرورش
- حق مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه

سرانجام، مادههای ۲۸ تا ۳۰ به رسمیت میشناسند که هر فرد استحقاق برخورداری از نظمی اجتماعی و بینالمللی را دارد که در آن حقوق بشر تعیین شده در اعلامیه، امکان تحقق کامل داشته باشند؛ این حقوق ممکن است فقط برای مقصود منحصر به فرد تضمین شناسایی و احترام حقوق و آزادیهای سایرین و تامین ساز و کارهای اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگان در جامعهای دموکراتیک محدود شوند؛ و هر شخص وظایفی در قبال جامعهای دارد، که در آن زندگی میکند.

این میثاق تحقق این حقوق را بدون هرگونه تبعیض پیشبینی کرده است. شورای اقتصادی و اجتماعی سال ۱۹۸۵ **کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی** را تاسیس کرد تا بر اجرای این کنوانسیون به وسیله کشورهای عضو نظارت کند. این نهاد ۱۸ عضوی از کارشناسان، گزارشهای تسلیم شده را بر اساس روندهای ویژه مطالعه و

درباره آنها با نمایندگان دولت‌های مربوطه بحث می‌کند. کمیته به کشورها بر مبنای رسیدگی گزارش‌های آنها توصیه‌هایی می‌دهد و همچنین توصیه‌های کلی برای تعیین مفهوم حقوق بشر یا موضوع‌های مربوطه تصویب می‌کند و گام‌های لازم کشورهای متعهد برای اجرای ماده‌های میثاق را مشخص می‌کند.

حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و **نخستین پروتکل اختیاری** آن در ۱۹۷٦ به اجرا در آمد. ۱۵۱ کشور به این میثاق و ۱۰٤ کشور به پروتکل آن متعهد هستند.

• این میثاق به حقوقی مانند آزادی نقل و انتقال؛ برابری در مقابل قانون؛ حق محاکمه عادلانه و فرض بی‌گناهی؛ آزادی اندیشه، عقیده و مذهب؛ آزادی نظر و بیان؛ تجمع مسالمت‌آمیز؛ آزادی انجمن؛ مشارکت در امور عمومی و انتخابات؛ و حمایت از حقو ق اقلیت‌ها می‌پردازد.

• میثاق فوق محرومیت خودسرانه اشخاص از زندگی؛ شکنجه، رفتار تحقیرآمیز و بی‌رحمانه؛ دخالت خودسرانه در حریم خصوصی؛ تبلیغات جنگی؛ و طرفداری از نفرت نژادی یا مذهبی را ممنوع می‌کند.

میثاق دو پروتکل دارد. *پروتکل اختیاری نخست* (۱۹٦٦)، سندی آیین نامه‌ای است، که حق دادخواهی به افرادی می‌دهد که از معیارهای محکمه پسند پیروی می‌کنند. *پروتکل اختیاری دوم* (۱۹۸۹) تعهدات اساسی نسبت به حذف مجازات مرگ به وجود می‌آورد و ۵۰ کشور متعهد دارد.

این میثاق **کمیته حقوق بشر**، با ۱۸ عضو، را تاسیس کرد که گزارش‌های متناوب تسلیم شده به وسیله کشورهای عضو را درباره اقدام‌های انجام شده جهت اجرای ماده‌های پیمان، بررسی می‌کند. این کمیته همچنین برای کشورهای متعهد به *پروتکل اختیاری نخست*، به شکایت‌های افرادی که ادعا می‌کنند قربانی نقض هر یک از حقوق تعیین شده در این میثاق هستند، رسیدگی می‌کند. کمیته به چنین شکایاتی در جلسات غیرعلنی رسیدگی می‌کند و همه اسناد مربوط به آن، محرمانه باقی می‌ماند. اما یافته‌های کمیته، علنی و منتشر و در گزارش سالانه آن به مجمع عمومی نقل شده و آورده می‌شوند.

کنوانسیون‌های دیگر

اعلامیه جهانی مایه الهام حدود ۸۰ کنوانسیون و اعلامیه بوده که در سازمان ملل درباره مسائلی گوناگون منعقد شده‌اند. هفت مورد از این کنوانسیون‌ها برای نظارت بر پیروی کشورهای متعهد است. هنگامی که کشورها نسبت به این معاهدات متعهد می‌شوند، موافقت می‌کنند که نهادهای کارشناسی مستقل، مقررات و شیوه‌های حقوق بشر آنها را بازرسی کنند. این نهادها عبارتند از:

• *کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت کشتار جمعی (۱۹٤۸)*، واکنشی مستقیم به جنایات جنگ جهانی دوم، جنایت کشتار جمعی را به عنوان ارتکاب اقداماتی خاص به قصد نابود کردن یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی تعریف، و کشورها را متعهد می‌کند عاملان آنها را محاکمه کنند. این کنوانسیون ۱۳۵ کشور متعهد دارد.

• *کنوانسیون مربوط به موقعیت پناهندگان* (۱۹۵۱)، حقوق پناهندگان، به ویژه حق آنان به عدم بازگشت اجباری به کشورهایی که در آنها در معرض خطر قرار دارند، را تعریف می‌کند و مفادی برای جنبه‌های گوناگون زندگی روزمره آنان، از جمله حق آنان به کار، آموزش و پرورش، تامین اجتماعی و یاری عمومی، و حق آنان به اسناد سفر ارائه می‌دهد. این کنوانسیون ۱٤۲ کشور متعهد دارد.

پروتکل مربوط به موقعیت پناهندگان (۱۹٦۷) کاربرد جهانی این کنوانسیون را تضمین می‌کند که در اصل برای پناهندگان جنگ جهانی دوم طراحی شد. این پروتکل ۱٤۱ کشور متعهد دارد. در مجموع ۱٤۵ کشور به یک یا هر دو این اسناد پیوسته‌اند.

• *کنوانسیون بین‌المللی حذف تمامی شکل‌های تبعیض نژادی* (۱۹٦٦) را ۱٦۹ کشور پذیرفته‌اند. این سند که با این فرض شروع می‌شود که هر سیاست خود برتربینی که بر اساس تفاوت‌های نژادی استوار باشد، غیرقابل توجیه، از نظر علمی نادرست و از نظر اخلاقی و حقوقی محکوم است، «تبعیض نژادی» را تعریف و کشورهای عضو را متعهد می‌سازد تدابیری برای حذف آن در قانون و عمل انجام دهند. این کنوانسیون، نهادی نظارتی یعنی **کمیته حذف تبعیض نژادی** را ایجاد کرد تا به گزارش‌های کشورهای عضو – و همچنین دادخواست‌های افراد مدعی نقض مفاد این کنوانسیون، در صورتی که کشور مربوطه این رویه اختیاری کنوانسیون را پذیرفته، رسیدگی کند.

• *کنوانسیون حذف تمامی شکل‌های تبعیض علیه زنان* (۱۹۷۹)، با ۱۷۵ کشور عضو، برابری زنان را در برابر قانون تضمین و تدابیری را برای حذف تبعیض علیه زنان با توجه به زندگی سیاسی و عمومی، ملیت، آموزش و پرورش، اشتغال، بهداشت، ازدواج و خانواده مشخص می‌کند. این کنوانسیون **کمیته حذف تبعیض علیه زنان** را به عنوان نهاد نظارت بر اجرای آن و رسیدگی به گزارش‌های کشورهای عضو ایجاد کرد. *پروتکل اختیاری این کنوانسیون* (۱۹۹۹)، با ۵۹ کشور عضو، به افراد اجازه می‌دهد شکایت‌ها درباره موارد نقض کنوانسیون را به کمیته تسلیم کنند.

• *کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز* (۱۹۸٤)، با ۱۳٤ کشور عضو، شکنجه را جنایتی بین‌المللی تعریف می‌کند، کشورهای عضو را مسئول پیشگیری از آن می‌داند و آنها را ملزم می‌کند شکنجه گران را مجازات کنند. هیچ موقعیت استثنایی نمی‌تواند شکنجه را توجیه کند، همچنان که هیچ شکنجه‌گری نمی‌تواند از ارتکاب شکنجه به بهانه داشتن دستور دفاع کند.

نهاد نظارت کننده یعنی **کمیته ضد شکنجه** که به وسیله این کنوانسیون تاسیس شده، گزارش‌های کشورهای عضو را بررسی می‌کند، دادخواهی‌ها از افرادی که کشورهای آنان این روند را پذیرفته‌اند

دریافت و به آنها رسیدگی می‌کند، و می‌تواند درباره کشورهایی که باور دارد اعمال شکنجه در آنها جدی و فراگیر است، دست به تحقیق بزند.

• *کنوانسیون حقوق کودک* (۱۹۸۹)، آسیب‌پذیری ویژه کودکان را به رسمیت می‌شناسد و قوانین حمایت از کودکان در تمام مقوله‌های حقوق بشر را در یک مجموعه فراگیر جمع‌آوری می‌کند. این کنوانسیون عدم تبعیض را تضمین می‌کند و به رسمیت می‌شناسد که تامین بهترین منافع کودک باید راهنمای تمام اقدامات باشد. به کودکان آواره، معلول یا عضو اقلیت‌ها توجه ویژه معطوف شده است. کشورهای عضو موظفند تضمین‌هایی برای بقا، رشد، حمایت از کودکان و مشارکت آنان فراهم سازند. این کنوانسیون با ۱۹۲ کشور عضو معاهده‌ای است که به تصویب بیشترین کشورها رسیده است. **کمیته حقوق کودک**، که به وسیله کنوانسیون ایجاد شد، بر اجرای آن نظارت و گزارش‌های کشورهای عضو را بررسی می‌کند.

• *کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان* (۱۹۹۰) حقوق و اصول اساسی و همچنین تدابیری برای حمایت از کارگران مهاجر، اعم از قانونی یا غیرقانونی، در سراسر جریان مهاجرت تعیین می‌کند. این کنوانسیون که از اول ژوییه ۲۰۰۳ به اجرا در آمد ۲٤ کشور عضو دارد. نخستین اجلاس نهاد نظارتی آن یعنی **کمیته کارگران مهاجر**، مارس ۲۰۰٤ تشکیل شد.

اعلامیه جهانی و سایر مصوبه‌های سازمان ملل همچنین بخشی از اساس چند موافقت نامه منطقه‌ای، مانند *کنوانسیون حقوق بشر اروپا*، *کنوانسیون حقوق بشر آمریکا*، و *منشور حقوق بشر و مردمان آفریقا* را تشکیل داده است.

معیارهای دیگر

علاوه بر این، سازمان ملل معیارها و مقررات فراوان دیگری درباره حمایت از حقوق بشر تصویب کرده است. این «اعلامیه‌ها»، «ضوابط رفتاری» و «اصول» معاهده‌هایی نیستند که کشورها عضو آنها شوند. با وجود این، به ویژه به این دلیل که کشورها متن آنها را با دقت تهیه و با اجماع تصویب کرده‌اند، تاثیری عمیق دارند. از جمله مهمترین آنها عبارتند از:

• *اعلامیه حذف تمامی شکل‌های تعصب و تبعیض بر مبنای مذهب و عقیده* (۱۹۸۱) حق همگان را برای برخورداری از آزادی اندیشه، عقاید سیاسی و مذهبی و حق قرار نداشتن در معرض تبعیض در زمینه‌های مذهب یا سایر اعتقادات تایید می‌کند.

• *اعلامیه مربوط به حق توسعه* (۱۹۸٦) این حق را به عنوان «یک حق بشر مسلم و غیرقابل انتقال رسمیت بخشید که به موجب آن هر فرد و تمام مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، که در آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی می‌توانند به طور کامل تحقق یابند،

شرکت و به آن مساعدت کنند و از آن برخوردار شوند.» این اعلامیه می‌افزاید «برابری فرصت برای توسعه، حقی قانونی برای ملت‌ها و افراد است.»

• *اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی* (۱۹۷۲) حق اقلیت‌ها را برای برخورداری از فرهنگ خود؛ اعتراف و عمل به دین خود؛ استفاده از زبان خود؛ و ترک هر کشوری، از جمله کشور خود، و بازگشت به کشور خود اعلام می‌کند. این اعلامیه خواهان اقدام کشورها برای ترویج و حمایت از این حقوق است.

• *اعلامیه مدافعان حقوق بشر* (۱۹۹۸) درصدد است کار فعالان حقوق بشر را در سراسر جهان به رسمیت بشناسد، ترویج کند و از آن حمایت به عمل آورد. این اعلامیه حق همگان را، اعم از فردی یا به صورت جمعی با دیگران، برای ترویج و تلاش به منظور حمایت از حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، و مشارکت در فعالیت‌های مسالمت‌آمیز علیه موارد نقض حقوق بشر پاس می‌دارد. کشورها موظف هستند همه تدابیر لازم را برای حفاظت از مدافعان حقوق بشر در برابر هر مورد نقض، تهدید، مقابله به مثل و تلافی، فشار یا سایر اقدام‌های خودسرانه به عمل آورند.

سایر معیارهای مهم غیر معاهده‌ای شامل *حداقل مقررات استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)*، اصول اساسی مربوط به استقلال قوه قضاییه (۱۹۸۵)، *مجموعه اصول برای حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل بازداشت یا زندان* (۱۹۸۸)، *و اعلامیه حمایت از همه اشخاص از ناپدید شدن اجباری* (۱۹۹۲) است.

نهادها و تشکیلات حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر، که سال ۱۹٤٦ ایجاد شد نهاد اصلی سازمان ملل برای ترویج و حمایت از حقوق بشر است. این کمیسیون برای سیاست‌های کلی رهنمود ارائه می‌دهد، مسائل حقوق بشر را بررسی، معیارهای بین‌المللی جدید تدوین و بر رعایت حقوق بشر در سراسر جهان نظارت می‌کند. کمیسیون حقوق بشر، به عنوان نهاد بین دولتی اصلی سیاستگذاری برای حقوق بشر در سازمان ملل، مجاز است درباره موقعیت حقوق بشر در هر جای جهان بحث و اطلاعات کشورها، سازمان‌های غیردولتی و سایر منابع را بررسی کند.

این کمیسیون مجمعی برای کشورها، سازمان‌های بین دولتی و سازمان‌های غیردولتی است تا نگرانی‌های خود را درباره مسائل حقوق بشر ابراز کنند. کمیسیون فوق متشکل از ۵۳ کشور عضو که برای دوره‌های سه ساله انتخاب می‌شوند، هر سال مدت ٦ هفته در ژنو تشکیل جلسه می‌دهد. کشورها وسازمان‌های غیردولتی‌درباره موقعیت‌های مربوط به خوداطلاعات، ودولت‌های مربوطه غالبا پاسخ می‌دهند. کمیسیون در پاسخ ممکن است کارشناسان یا گروه‌های حقیقت‌یاب را منصوب کند، ترتیب دیدار از محل را بدهد، به گفت‌وگو با دولت‌ها ادامه دهد، کمک ارائه دهد، و موارد نقض را که به آنها پی برده محکوم کند.

گروه‌های کاری و گزارشگران ویژه

گروه‌های کاری و گزارشگران ویژه حقوق بشر در خطوط پایانی حمایت از حقوق بشر قرار دارند. آنان درباره موارد نقض تحقیق و در موقعیت‌های اضطراری و موارد انفرادی، به صورتی که به آنها به عنوان «شیوه‌های ویژه» اشاره می‌شود، مداخله می‌کنند. آنان با امکانات شخصی خود برای مدت حداکثر شش سال خدمت می‌کنند و مزد نمی‌گیرند. تعداد چنین کارشناسانی در طول سال‌ها مدام افزایش یافته است. در حال حاضر بیش از ۳۰ مورد از چنین ماموریت‌های ویژه در جریان است.

این کارشناسان در تهیه گزارش‌های خود برای کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی از کلیه منابع موثق، از جمله شکایت‌های فردی و اطلاعات از سازمان‌های غیردولتی استفاده می‌کنند. آنان ممکن است همچنین «روندهای اقدام فوری» را فعال کنند تا در عالی‌ترین سطح نزد دولت‌ها وساطت کنند. بخش قابل توجهی از تحقیقات آنان در محل انجام می‌شود که در آنجا با مسئولان و قربانیان دیدار و از محل، مدرک گردآوری می‌کنند. گزارش‌های آنان انتشار می‌یابد تا به افشای موارد نقض کمک و بر مسئولیت دولت‌ها برای حفاظت از حقوق بشر تاکید شود.

این کارشناسان درباره موقعیت حقوق بشر در کشورهای خاص، یا درباره موارد عمده نقض حقوق بشر در سراسر جهان بررسی و نظارت می‌کنند و گزارش‌های علنی می‌دهند.

- **نمایندگان، کارشناسان مستقل و گزارشگران ویژه خاص کشورها**، در حال حاضر درباره افغانستان، بروندی، کامبوج، کوبا، جمهوری دموکراتیک کنگو، هاییتی، عراق، لیبریا، میانمار، اراضی اشغالی فلسطین و سومالی گزارش می‌دهند، به علاوه به دبیرکل ماموریت داده شده گزارش‌هایی درباره قبرس، تی‌مور شرقی، کوزوو و اراضی اشغالی اعراب تهیه کند.
- **گروه‌های کاری، نمایندگان و گزارشگران ویژه موضوعی**، در حال حاضر درباره ناپدید شدن‌های اجباری یا ناخواسته، اعدام‌های سریع، شکنجه، بازداشت خودسرانه، تبعیض نژادی، خشونت علیه زنان، فروش کودکان، عدم مدارای مذهبی، افراد آواره در کشور خود، مهاجران، مدافعان حقوق بشر، آزادی بیان، استقلال قوه قضاییه، دادن غرامت و خسارت به قربانیان، مزدوران، تعدیل ساختاری و بدهی خارجی، فقر شدید، آثار نامساعد نقل و انتقال و تخلیه غیرقانونی محصولات و مواد زائد سمی و خطرناک، و حقوق توسعه، آموزش و پرورش، غذا، مسکن و بهداشت گزارش می‌دهند.

اگر موقعیتی ویژه به قدر کافی وخیم فرض شود، کمیسیون می‌تواند دستور تحقیق به وسیله گروهی از کارشناسان مستقل (گروه‌کاری) یا یک فرد (گزارشگر یا نماینده ویژه) بدهد. کمیسیون سپس بر اساس اطلاعات دریافتی از این کارشناسان، از دولت مربوطه می‌خواهد تغییرات لازم را ایجاد کند.

کمیسیون حقوق بشر سال ۱۹٤۷ **کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر** (با نام قبلی کمیسیون پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها) را تشکیل داد. این کمیسیون فرعی که هر سال تشکیل جلسه می‌دهد از ۲٦ کارشناس تشکیل شده که در موقعیت شخصی خود، نه به عنوان نمایندگان دولت خود، خدمت می‌کنند. این کمیسیون فرعی که از آغاز به مسائل تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها رسیدگی می‌کرد، در طول سال‌ها دامنه فعالیت خود را به شدت گسترش داد تا مجموعه‌ای گسترده از مسائل حقوق بشر را پوشش دهد. این نهاد، مطالعات بسیاری، به ویژه درباره توسعه مقررات حقوقی انجام داده، و پیشنهادهایی به کمیسیون می‌دهد. سازمان‌های غیردولتی نیز در کار آن شرکت می‌کنند.

سه گروه کاری عمده این کمیسیون فرعی به مسائل مردم بومی، شکل‌های بردگی معاصر، و اقلیت‌ها رسیدگی می‌کنند.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد مقام دارای مسئولیت اصلی برای فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است. کمیساریای عالی که برای چهار سال منصوب می‌شود، وظایف بسیاری به عهده دارد از جمله: ترویج و حمایت از برخورداری موثر همگان از کلیه حقوق بشر؛ ترویج و ارتقای همکاری بین‌المللی برای حقوق بشر؛ ترغیب و هماهنگ کردن اقدام درباره حقوق بشر در نظام ملل متحد؛ کمک به ایجاد معیارهای جدید حقوق بشر؛ و حمایت از تصویب معاهده‌های حقوق بشر. کمیساریای عالی همچنین ماموریت دارد به موارد نقض شدید حقوق بشر واکنش نشان داده و اقدام پیشگیرانه انجام دهد.

مجمع عمومی ۲۵ فوریه ۲۰۰٤ انتصاب لوییس آربور کانادایی را به عنوان جدیدترین کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل تصویب کرد. خانم آربور دادستان دادگاه‌های بین‌المللی کیفری سازمان ملل برای یوگسلاوی سابق و رواندا از اکتبر ۱۹۹٦ تا سپتامبر ۱۹۹۹، یعنی دوره فعالیت شدید هر دو دادگاه، بود. دوره کار چهار ساله او در مقام کمیساریای عالی، اول ژوییه، به دنبال بازنشستگی وی از دیوان عالی کانادا در ژوئن، شروع شد. آقای سرجیو وی‌یرا دملو (از برزیل)، کمیساریای عالی پیشین در حمله ۱۹ اوت ۲۰۰۳ به مقر سازمان ملل در بغداد کشته شد که در آنجا به عنوان رئیس هیات سازمان ملل خدمت می‌کرد. در فاصله مرگ دملو و انتصاب آربور، آقای برتراند رامچاران (از گویان) به عنوان کفیل کمیساریای عالی خدمت کرد.

کمیساریای عالی تحت هدایت و رهبری دبیرکل به کمیسیون حقوق بشر، و از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی، به مجمع عمومی گزارش می‌دهد. کمیساریای عالی به منظور تضمین احترام به حقوق بشر و پیشگیری از نقض آن با دولت‌ها به گفت و گو می‌پردازد. کمیساریای عالی در داخل نظام ملل متحد تلاش می‌کند تا نهادهای حقوق بشر سازمان ملل را تقویت و کارآمد کند تا کارآترو موثرتر شوند.

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر کانون مرکزی فعالیت‌های حقوق بشر سازمان ملل است و به عنوان دبیرخانه برای کمیسیون حقوق بشر، نهادهای معاهده (کمیته‌های کارشناسی که بر متابعت از معاهده نظارت می‌کنند) و سایر ارگان‌های حقوق بشر سازمان ملل خدمت می‌کند. این دفتر همچنین فعالیت‌های عملی در زمینه حقوق بشر انجام و خدمات مشورتی و کمک فنی ارائه می‌دهد. علاوه بر بودجه عادی دفتر، بودجه بعضی از فعالیت‌های آن از طریق منابع فوق بودجه‌ای تامین می‌شود.

کنفرانس جهانی حقوق بشر

دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر (وین، ۱۹۹۳) بار دیگر جهان شمولی و نقش محوری حقوق بشر را تایید کرد. این کنفرانس تنش‌هایی را درباره مسائل بسیار - مانند حاکمیت ملی، جهان شمولی، نقش سازمان‌های غیردولتی، و مساله بی طرفی و غیر گزینشی بودن در کاربرد معیارهای بین‌المللی حقوق بشر آشکار کرد. ۱۷۱ کشور در اعلامیه و برنامه اقدام وین اعلام کردند تامین حقوق بشر «وظیفه مشروع جامعه بین‌المللی» شده و «کلیه حقوق بشر، جهانی، غیرقابل تفکیک، وابسته به هم و مرتبط هستند.»

این اعلامیه می‌گوید «در عین حال که اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیشینه‌های گوناگون تاریخی، فرهنگی و مذهبی را باید در نظر داشت، این وظیفه کشورها است که بدون توجه به نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی پشتیبانی و محافظت کنند.»

این اعلامیه می‌گوید «دموکراسی، توسعه و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، وابسته به هم و تقویت کننده یکدیگر هستند.» اعلامیه به این ترتیب بار دیگر حق جهانی توسعه و رابطه تفکیک ناپذیر بین توسعه و حقوق بشر را تایید می‌کند.

کمیساریای عالی برای نهادی کردن همکاری و هماهنگی با سایر نهادهای سازمان ملل که در امر حقوق بشر شرکت دارند، مانند صندوق کودکان سازمان ملل، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، برنامه عمران ملل متحد، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، و داوطلبان سازمان ملل، گام‌های ویژه برداشته است. این دفتر همچنین بخشی از کمیته دائمی بین کارگزاری است که بر واکنش بین‌المللی نسبت به موارد اضطراری بشردوستانه نظارت می‌کند.

آموزش و اطلاعات. آموزش از نظر سازمان ملل از حقوق بشر بنیادی و از موثرترین ابزارها برای حمایت از حقوق بشر است. آموزش حقوق بشر، چه در محیط‌های رسمی یا غیررسمی، در صدد است فرهنگ جهانی حقوق بشر را از طریق روش‌های نوآورانه آموزشی، گسترش دانش و اصلاح نگرش‌ها و دیدگاه‌ها به پیش ببرد.

دهه سازمان ملل برای آموزش حقوق بشر (۲۰۰٤ -۱۹۹۵) می‌کوشد آگاهی جهانی را افزایش و فرهنگ جهانی حقوق بشر را پرورش دهد. این دهه تاکنون باعث شده است حدود ٤۰ کشور اصول حقوق بشر را، از جمله با گنجاندن آن‌ها در برنامه‌های درسی مدارس خود ترویج کنند. کشورهای گوناگون، برنامه‌های اقدام ملی تصویب کرده و نهادهای ملی را در این تلاش شرکت داده‌اند.

از منابع اصلی اطلاعات درباره حقوق بشر، وب‌سایت دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر (www.unhchr.ch) است.

ترویج و حمایت از حقوق بشر

نقش و دامنه اقدام سازمان ملل در ترویج و حمایت از حقوق بشر همچنان در حال گسترش است. وظیفه اصلی آن تضمین احترام کامل برای شرافت انسانی «همه مردم ملل متحد است»، مردمی که منشور به نام آنان نوشته شد. سازمان ملل متحد از طریق نهادهای بین‌المللی خود در جبهه‌های بسیاری در حال فعالیت است:

• **به عنوان وجدان جهانی** – سازمان ملل سرعت ایجاد معیارهای بین‌المللی رفتار قابل قبول از طرف ملت‌ها را تعیین و توجه جهان را به شیوه‌هایی متمرکز کرده که درصدد تضعیف معیارهای حقوق بشر هستند. مجمع عمومی از طریق کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های گوناگون بر جهان شمولی و همگانی بودن اصول حقوق بشر تاکید کرده است.

• **به عنوان قانونگذار** – سازمان ملل عامل ایجاد مجموعه‌های بی‌سابقه حقوق بین‌الملل بوده است. حقوق بشر مربوط به زنان، کودکان، زندانیان، بازداشت شدگان و معلولان ذهنی، و همچنین رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر مانند کشتارهای جمعی، تبعیض نژادی و شکنجه، اینک از ویژگی‌های اصلی حقوق بین الملل هستند که زمانی تقریبا به صورت انحصاری به روابط بین کشوری توجه داشت.

به عنوان ناظر – سازمان ملل نقشی محوری در تضمین این امر ایفا می‌کند که حقوق بشر نه فقط تعریف بلکه از آنها حمایت شود. میثاق‌های بین‌المللی درباره حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (١٩٦٦) از جمله نخستین نمونه‌های معاهدات هستند که به نهادهای بین‌المللی اختیار می‌دهند نظارت کنند چگونه کشورها به تعهدات خود عمل می‌کنند. نهادهای معاهدات، گروه‌های کاری و گزارشگران ویژه کمیسیون حقوق بشر هر کدام روش‌ها و سازوکارهایی دارند تا بر متابعت کشورها از معیارهای بین‌المللی نظارت و درباره موارد نقض‌های احتمالی تحقیق کنند. تصمیم‌های آنها درباره موارد خاص دارای اعتباری اخلاقی است که کمتر دولتی مایل به ایستادگی در برابر آنها است.

• **به عنوان مرکز عصبی** – دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل پیام‌هایی از گروه‌ها و افراد مدعی نقض حقوق بشر دریافت می‌کند. هر سال بیش از ١٠٠ هزار شکایت دریافت می‌شود. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر این پیام‌ها را، با در نظر گرفتن روش‌های اجرایی که به وسیله کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌ها تعیین شده، به نهادها و کارگزاری‌های مناسب سازمان ملل ارجاع می‌دهد. تقاضاها برای مداخله فوری را می‌توان با فکس (٩٠٢٢-٩١٧-٢٢-٤١) و ای میل (tb-petitions @ohchr.org) برای دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل فرستاد.

• **به عنوان مدافع** – هنگامی که گزارشگر یا رئیس گروه کاری مطلع می‌شود موردی از نقض جدی حقوق بشر، مانند شکنجه یا اعدام بدون محاکمه در آستانه رخ دادن است با ارسال پیامی فوری به کشور مربوطه خواهان توضیح می‌شود و در صدد بر می‌آید تضمین کند که از حقوق فرد مورد تعرض حمایت خواهد شد.

• **به عنوان تحقیق کننده** – سازمان ملل اطلاعات گردآوری می‌کند که برای تدوین و اجرای قوانین حقوق بشر ضروری است. برای مثال چند مطالعه کشوری مبنای تدوین سندی را برای حمایت از حقوق مردم بومی فراهم ساخت. در مطالعات و گزارش‌هایی که به وسیله دفتر کمیساریای عالی

حقوق بشر به تقاضای نهادهای سازمان ملل تهیه می‌شود به راه‌هایی درباره سیاست‌ها، شیوه‌ها و نهادهای جدید برای افزایش احترام به حقوق بشر اشاره می‌شود.

• **به عنوان مرجعی برای فرجام خواهی** – افراد پس از این که با توسل به همه شیوه‌ها در داخل به جایی نرسیدند، بر اساس نخستین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و همچنین کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه شکل‌های تبعیض نژادی، کنوانسیون علیه شکنجه و پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف کلیه شکل‌های تبعیض علیه زنان، می‌توانند علیه کشورهایی که روند فرجام خواهی مربوطه را پذیرفته‌اند شکایت کنند. به علاوه، کمیسیون حقوق بشر هر سال به شکایت‌های فراوان سازمان‌های غیردولتی یا افراد گوش می‌دهد.

• **به عنوان عامل کشف حقیقت** – کمیسیون حقوق بشر روش‌هایی برای نظارت و ارائه گزارش درباره وقوع انواع خاص نقض حقوق و همچنین موارد نقض در کشوری خاص ایجاد کرده است. گزارشگران یا نمایندگان و گروه‌های کاری ویژه موظف به انجام این وظیفه هستندکه از نظر سیاسی حساس، بشردوستانه و گاهی خطرناک است. آنان حقایق را گردآوری می‌کنند، با گروه‌های محلی و مقامات دولتی تماس می‌گیرند، با اجازه دولت‌ها از محل‌های مورد نظر دیدن می‌کنند، و درباره چگونگی تقویت احترام به حقوق بشر توصیه‌هایی می‌دهند.

• **به عنوان دیپلمات رازدار** – دبیرکل و کمیساریای عالی حقوق بشر مسائل مربوط به حقوق بشر مانند آزادی زندانیان و لغو مجازات مرگ را بر مبنایی محرمانه با کشورهای عضو در میان می‌گذارند. کمیسیون حقوق بشر می‌تواند، با نظری به پیشگیری از موارد نقض شدید حقوق بشر، از دبیر کل بخواهد مداخله کند یا برای بررسی یک موقعیت ویژه حقوق بشر کارشناس بفرستد. دبیرکل همچنین ممکن است برای ابلاغ نگرانی مشروع سازمان ملل و جلوگیری از نقض حقوق بشر به میانجیگری و دیپلماسی آرام متوسل شود.

حق توسعه

اصل برابری فرصت برای توسعه ریشه‌های عمیق در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد. *اعلامیه حق توسعه*، مصوب سال ۱۹۸٦ مجمع عمومی، با اعلام حق توسعه به عنوان حقی انکارناپذیر از حقوق بشر، که بر اساس آن هر شخص و همه مردم حق دارند در توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت و، به آن کمک و از آن برخوردار شوند، نشانه یک نقطه عطف بود.

حق توسعه در اعلامیه دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در ۱۹۹۳ برجسته شده و در اعلامیه‌های سایر اجلاس‌ها و کنفرانس‌های عمده سازمان ملل، از جمله اعلامیه هزاره نیز آورده شده است. کمیسیون حقوق بشر در ۱۹۹۸ نهادی دوگانه تاسیس کرد تا به این موضوع رسیدگی کند یعنی: گروه کاری برای نظارت بر پیشرفت، بررسی موانع و تدوین برنامه‌هایی برای اجرای حق توسعه؛ و یک کارشناس مستقل درباره حق توسعه تعیین کرد که درباره اوضاع کنونی پیشرفت در اجرای حق توسعه گزارش می‌دهد.

برنامه همکاری فنی

چون از حقوق بشر هنگامی به بهترین وجه محافظت می‌شود که در فرهنگ محلی ریشه داشته باشد، سازمان ملل تلاش‌های خود را برای ترویج و حمایت از این حقوق در سطح ملی و محلی افزایش داده است. معیارهای بین‌المللی حقوق بشر را بدون این که در قوانین ملی ادغام شده و مورد حمایت نهادهای ملی باشند نمی‌توان به کار برد.

موانع بسیاری در سطح ملی هنوز مانع از برخورداری همگان از حقوق بشر هستند. کشورهای عضو بسیاری فاقد زیربنایی هستند که به آنها امکان دهد به گونه‌ای موثر از حقوق بشر شهروندان خود حمایت و حفاظت کنند. این امر به ویژه در کشورهایی که تازه از عوارض جنگ‌های داخلی مرگبار رهایی یافته یا در حال خروج از بحران‌های بشردوستانه هستند، صدق می‌کند.

بنابراین سازمان ملل خدمات مشورتی خود را به دولت‌ها تقویت کرده و برنامه‌های همکاری فنی خود را در چارچوب گسترده‌تر حمایت از دموکراسی، توسعه و حقوق بشر، و تقویت توانایی کشورها به پیشبردوگنجاندن چنین حقوقی در قوانین و روش‌های خود گسترش داده است.

برنامه همکاری فنی برای حقوق بشر، با نظارت دفتر کمیساریای عالی، هر سال حدود ۵۰ طرح را در حدود ۳۰ کشور اجرا می‌کند. این طرح‌ها بیشتر در کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال انتقال به دموکراسی انجام می‌شوند. بودجه این برنامه سالانه حدود ۹ میلیون دلار است که بیشتر آن به وسیله مساعدت‌های داوطلبانه تامین می‌شود و سال ۲۰۰۲ به ۷/۶ میلیون دلار رسید.

این برنامه هدف‌های توسعه ملی و یاری هماهنگ شده سازمان ملل را در حمایت از آن هدف‌ها منعکس و تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشر را تشویق و از اجرای آنها حمایت می‌کند. توجه آن بر چهار حوزه متمرکز است: اجرای عدالت؛ آموزش حقوق بشر؛ نهادهای ملی؛ و برنامه‌های اقدام ملی. توجه ویژه به مسائلی مانند حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ حق توسعه؛ نژادپرستی؛ حقوق مردم بومی؛ قاچاق زنان و کودکان؛ جنسیت و حقوق بشر زنان؛ و حقوق کودک معطوف می‌شود.

چون دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر توانایی حضور در همه کشورها را ندارد، برنامه‌های منطقه‌ای تدوین کرده که از طریق آنها همکاری بین دولتی تشویق و از تجربه‌ها استفاده می‌شود، و می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌های مشترک تدوین کرد. نمایندگی‌های منطقه‌ای دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر به عنوان مراکز منبع، خدمت می‌کنند و به تقاضاها در سطح کشور پاسخ می‌دهند.

این دفتر علاوه بر طرح‌های ملی و منطقه‌ای، از اجرای برنامه اصلاحات دبیرکل سازمان ملل، که حقوق بشر را به عنوان عنصر رابط و میان بر در فعالیت‌های نظام ملل متحد به حساب می‌آورد، حمایت می‌کند. دفتر کمیساریای عالی از یکپارچگی معیارهای حقوق بشر پشتیبانی می‌کند و فعالانه در ظرفیت سازی شرکت دارد. دفتر از نگرش حقوق بشری به ارزیابی‌ها و برنامه‌ریزی، و همچنین به توسعه و تدوین خط مشی‌ها و روش‌ها حمایت می‌کند.

حقوق کار

سازمان بین‌المللی کار کارگزاری تخصصی سازمان ملل است که وظیفه تعیین و حمایت از حقوق کار را به عهده دارد. **کنفرانس بین‌المللی کار** سه جانبه آن - متشکل از نمایندگان دولت، کارفرما و کارگر - حدود ۱۸۵ کنوانسیون و ۱۹٤ پروتکل درباره همه جنبه‌های زندگی کاری، شامل مجموعه‌ای از معیارهای بین‌المللی کار تصویب کرده است. در حالی که توصیه‌های آن درباره خط‌مشی، قوانین و شیوه‌ها رهنمود ارائه می‌دهد، کنوانسیون‌های آن برای کشورهایی که آنها را امضا و تایید می‌کنند تعهدات الزام‌آور ایجاد می‌کند.

کنوانسیون‌ها و توصیه‌ها درباره مسائلی مانند مدیریت کار، روابط صنعتی، سیاست اشتغال، شرایط کار، تامین اجتماعی، ایمنی و بهداشت کار تصویب شده‌اند. بعضی از آنها می‌کوشند حقوق بشر بنیادی را در محل کار تضمین کنند در حالی که دیگران به مسائلی مانند اشتغال زنان و کودکان و مقوله‌های ویژه‌ای مانند کارگران مهاجر و معلولان مربوط می‌شوند.

روال نظارتی سازمان بین‌المللی کار برای تضمین این که کنوانسیون‌های آن از نظر قانون و عمل به اجرا در آیند، بر ارزیابی‌های بی طرفانه کارشناسان مستقل و بررسی موارد و پرونده‌ها به وسیله نهادهای سه‌گانه این سازمان استوار است. همچنین تشریفاتی ویژه برای تحقیق درباره شکایت‌ها درباره نقض آزادی انجمن وجود دارد.

سازمان بین‌المللی کار کنوانسیون‌های مهم بسیاری را به تصویب رسانده است:

• *درباره کار اجباری* (۱۹۳۰) – جلوگیری از کار تحمیلی یا اجباری را در همه شکل‌های آن ایجاب می‌کند.

• *درباره آزادی اجتماعات و حمایت از حق سازمان* (۱۹٤۸) – حق کارگران و کارفرمایان را برای تشکیل و پیوستن به سازمان‌ها بدون کسب اجازه از پیش، تثبیت و کار کردن آزادانه چنین سازمان‌هایی را ضمانت می‌کند.

• *درباره حق سازمان و مذاکره و چانه‌زنی دسته جمعی* (۱۹٤۹) – برای حمایت از اعضای اتحادیه‌ها در برابر تبعیض، برای حمایت از سازمان‌های کارگران و کارفرمایان، و برای تدابیری به منظور حمایت از چانه‌زنی دسته جمعی پیش‌بینی می‌کند.

• *درباره دستمزد برابر* (۱۹۵۱) – خواهان پرداخت دستمزد و مزایای برابر برای کار با ارزش یکسان است.

• *درباره تبعیض* (۱۹۵۸) – خواهان سیاست‌های ملی برای ترویج برابری فرصت و رفتار، و حذف تبعیض در محل کار در زمینه‌های نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، عقاید سیاسی، ریشه یا تبار اجتماعی است.

• *درباره حداقل سن* (۱۹۷۳) – با تاکید بر این که حداقل سن برای اشتغال نباید کمتر از سن تکمیل آموزش اجباری باشد، در صدد جلوگیری از کار کردن کودکان است.

• *درباره بدترین شکل‌های کار کودکان* (۱۹۹۹) – بردگی کودکان، اسارت و بهره‌کشی برای بدهی، فحشا و پورنوگرافی، کارهای خطرناک، و استخدام اجباری برای شرکت در مناقشات مسلحانه را ممنوع می‌کند.

مجمع عمومی همچنین تدابیری برای حمایت از حقوق کارگران مهاجر اندیشیده است.

مبارزه با تبعیض

آپارتاید

از موفقیت‌های بزرگی که راه‌هایی را که سازمان ملل می‌تواند به بی‌عدالتی‌های عمده در جهان پایان دهد، نشان داد نقش آن در حذف حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی است. سازمان ملل از ابتدای کار خود عملا در مبارزه با آپارتاید، نظامی از تبعیض نژادی نهادینه شده و تبعیض تحمیلی دولت آفریقای جنوبی، شرکت داشت.

نلسون‌ماندلا سال ۱۹۹٤ که به تازگی به ریاست جمهوری آفریقای جنوبی انتخاب شده بود، در مجمع عمومی اظهار داشت نخستین بار در عمر ٤۹ ساله این مجمع است که رئیس کشور آفریقای جنوبی که از اکثریت آفریقایی انتخاب شده، در آن صحبت می‌کند. وی با استقبال از فروپاشی آپارتاید گفت: «این تغییر تاریخی به ویژه به دلیل تلاش‌های عظیمی به دست آمده که سازمان ملل در آن شرکت داشت تا از پایان جنایت آپارتاید علیه بشریت اطمینان حاصل کند.»

آپارتاید، که سازمان ملل متحد سال ۱۹٦٦ آن را به عنوان «جنایت علیه بشریت» که با منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایرت دارد محکوم کرد، از ۱۹٤۸ تا پایان عمر آن در ۱۹۹٤، در دستور کار مجمع عمومی باقی ماند:

• مجمع عمومی در دهه ۱۹۵۰ بارها از دولت آفریقای جنوبی خواست به پیروی از اصول منشور ملل متحد آپارتاید را کنار بگذارد.

• مجمع عمومی سال ۱۹٦۲ **کمیته ویژه علیه آپارتاید** سازمان ملل را ایجاد کرد تا سیاست‌های نژادی آفریقای جنوبی را مهار کند. کمیته ویژه نقطه کانونی تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از برنامه اقدام فراگیر علیه آپارتاید شد.

• شورای امنیت سال ۱۹٦۳ تحریم تسلیحاتی داوطلبانه علیه آفریقای جنوبی را شروع کرد.

• مجمع عمومی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷٤ از پذیرفتن استوارنامه نمایندگان آفریقای جنوبی برای حضور در جلسات عادی خود امتناع کرد. آفریقای جنوبی به دنبال این ممنوعیت تا پایان آپارتاید در ۱۹۹٤ در جلسات بعدی مجمع عمومی شرکت نکرد.

• مجمع عمومی سال ۱۹۷۱ خواهان تحریم ورزشی آفریقای جنوبی شد، اقدامی که تاثیری مداوم بر افکار عمومی در داخل و خارج این کشور داشت.

• مجمع عمومی سال ۱۹۷۳ *کنوانسیون بین‌المللی سرکوبی و مجازات جنایت آپارتاید* را تصویب کرد.

• شورای امنیت سال ۱۹۷۷ پس از رسیدن به این نتیجه که تعرضات آفریقای جنوبی علیه همسایگان خود و این که توانایی هسته‌ای بالقوه آن تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود، تحریم تسلیحاتی آن را لازم‌الاجرا اعلام کرد. این نخستین اقدام از این گونه به وسیله شورا علیه یک کشور عضو بود.

• مجمع عمومی در ۱۹۸۵ *کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش* را تصویب کرد.

• شورای امنیت همچنین در ۱۹۸۵، هنگامی که دولت آفریقای جنوبی حالت اضطراری اعلام و سرکوبگری را تشدید کرد از دولت‌ها خواست بر اساس فصل هفتم منشور تدابیر اقتصادی قابل توجهی علیه آفریقای جنوبی به عمل آورند.

انتقال از دولت آپارتاید به دموکراسی غیرنژادی با توافق صلح ملی بین دولت و حزب‌های عمده سیاسی سال ۱۹۹۰، با حمایت کامل سازمان ملل تسهیل شد. دو قطعنامه شورای امنیت در ۱۹۹۲ بر مشارکت جامعه بین‌المللی در تسهیل آن انتقال تاکید کرد.
شورای امنیت برای تقویت ساختارهای توافق صلح در ۱۹۹۲ **هیات ناظر سازمان ملل در آفریقای جنوبی** را مستقر کرد که بر انتخابات سال ۱۹۹٤ نظارت کرد، انتخاباتی که به تشکیل دولت دموکراتیک غیرنژادی منجر شد. عمر آپارتاید، با تشکیل دولتی جدید و تصویب نخستین قانون اساسی دموکراتیک و غیرنژادی در این کشور به پایان رسیده بود.

نژاد پرستی

مجمع عمومی سال ۱۹٦۳ *اعلامیه سازمان ملل را درباره حذف کلیه شکل‌های تبعیض نژادی* تصویب کرد. این اعلامیه برابری بنیادی کلیه اشخاص را تایید و تاکید می‌کند تبعیض بین انسان‌ها بر اساس نژاد، رنگ یا منشاء قومی، ناقض حقوق بشر اعلام شده در اعلامیه جهانی و مانعی در روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز بین ملت‌ها و اقوام است.
مجمع عمومی، دو سال بعد *کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه شکل‌های تبعیض نژادی* را تصویب کرد که کشورهای عضو را موظف می‌کند مقرراتی در زمینه قانونگذاری، قضایی، اجرایی و غیره برای پیشگیری و مجازات تبعیض نژادی وضع کنند.
مجمع عمومی در ۱۹۹۳ دهه **سوم مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی (۲۰۰۳ – ۱۹۹۳)** را اعلام کرد و از همه کشورهاخواست برای مبارزه با شکل‌های جدید نژادپرستی، به ویژه از طریق وضع قوانین، انجام تدابیر اجرایی، آموزش و پرورش و اطلاعات، اقدام کنند.
کمیسیون حقوق بشر، همچنین سال ۱۹۹۳ گزارشگر ویژه رسیدگی به اشکال نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و تعصبات مربوط به عصر حاضر را منصوب کرد. ماموریت گزارشگر ویژه رسیدگی به وقوع موارد شکل‌های معاصر نژادپرستی در سراسر جهان؛ تبعیض نژادی، هر گونه تبعیض علیه سیاه‌پوستان، اعراب و مسلمانان؛ بیگانه ستیزی؛ ضدسامی‌گری؛ و موارد مشابه تعصبات، و همچنین اقدامات دولتی برای غلبه بر آنها است.
سومین کنفرانس جهانی علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و تعصبات مشابه به تصمیم مجمع عمومی سال ۲۰۰۱ در آفریقای جنوبی تشکیل شد که بر تدابیر عملی برای حذف نژادپرستی، از جمله تدابیری برای پیشگیری، آموزش و حمایت تمرکز، و اعلامیه و برنامه اقدام «دوربان» را تصویب کرد. چنین کنفرانس‌هایی پیشتر در ۱۹۷۸ و ۱۹۸۳ در ژنو تشکیل شده بود.

حقوق زنان

برابری برای زنان از محورهای کار سازمان ملل از زمان تاسیس آن در ۱۹٤٥ بوده است. این سازمان نقشی برجسته در مبارزه جهانی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر زنان، و در تلاش برای حصول اطمینان از این امر داشته است که زنان به زندگی عمومی و به فرصت‌ها در تمامی جنبه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی دسترسی برابر داشته باشند.

کمیسیون موقعیت زنان رهنمودها و حقوق بین‌الملل برای برابری و عدم تبعیض علیه زنان ، به ویژه *کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان*، ۱۹۷۹ و پروتکل اختیاری ۱۹۹۹ این کنوانسیون را تدوین کرده است. کمیسیون علاوه بر این، *اعلامیه حذف کلیه شکل‌های خشونت علیه زنان* را آماده کرد که در ۱۹۹۳ به تصویب مجمع عمومی رسید که شامل تعریفی روشن از خشونت فیزیکی، جنسی، یا روانی در خانواده یا در جامعه و انجام شده یا نادیده گرفته شده به وسیله دولت‌ها است.

کمیته حذف تبعیض علیه زنان، مجموعه‌ای متشکل از ۲۳ کارشناس مستقل، که بخش پیشبرد زنان دبیرخانه سازمان ملل به آن خدمت ارائه می‌دهد، با شیوه‌هایی مانند بررسی پیام‌های فردی و انجام تحقیقات بر اساس مفاد پروتکل اختیاری بر اجرای این کنوانسیون نظارت می‌کند. درباره حقوق زنان به *(www.un.org/womenwatch)* نگاه کنید.

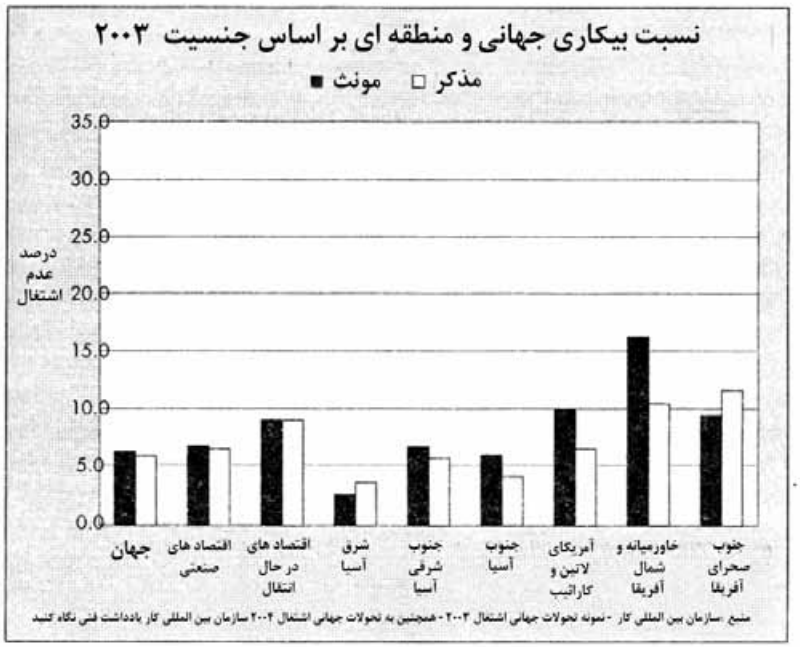

حقوق کودکان

میلیون‌ها کودک هر سال بر اثر سوء تغذیه و بیماری می‌میرند. کودکان بی‌شمار دیگری قربانی جنگ و شکل‌های شدید بهره‌کشی و بدرفتاری، مانند بهره‌کشی جنسی می‌شوند. **صندوق کودکان ملل متحد** (یونیسف) تنها کارگزاری سازمان ملل که موظف به حمایت از حقوق کودکان است، می‌کوشد تعهد جهانی به *کنوانسیون حقوق کودک* را حفظ کند که نماد اصول اخلاقی جهانی و معیارهای حقوقی بین‌المللی برای رفتار با کودکان است.

مجمع عمومی سال ۲۰۰۰ دو پروتکل اختیاری برای این کنوانسیون تصویب کرد: یکی استخدام کودکان زیر ۱۸ سال را در نیروهای مسلح یا شرکت آنان را در مناقشه‌ها ممنوع می‌کند؛ دیگری ممنوعیت‌ها و مجازات‌های مربوط به فروش، فحشا و پورنوگرافی کودکان را تشدید می‌کند.

کمیته حقوق کودکان، که براساس این کنوانسیون تشکیل شد، به طور مرتب تشکیل جلسه می‌دهد تا به پیشرفت کشورهای متعهد در اجرای تعهدات خود نظارت کند. این کمیته درباره راه‌های تامین حقوق کودکان براساس کنوانسیون به دولت‌ها و مجمع عمومی پیشنهادها و توصیه‌هایی ارائه می‌دهد.

سازمان ملل در زمینه کار کودکان می‌کوشد کودکان کارگر را از بهره‌کشی و شرایط خطرناکی که رشد جسمی و روانی آنان را به خطر می‌اندازد حفظ کند؛ دسترسی کودکان به حداقل آموزش و پرورش، تغذیه و مراقبت بهداشتی، و در بلند مدت، حذف تدریجی کار کودکان را تضمین کند.

• برنامه بین‌المللی حذف کار کودک، ابتکار **سازمان بین‌المللی کار،** می‌کوشد با همکاری فنی آگاهی‌ها را بالا ببرد و اقدام را بسیج کند. مداخلات مستقیم بر پیشگیری از کار کودک؛ جست‌و جو برای راه‌های دیگر، از جمله اشتغال شرافتمندانه برای والدین؛ و بازپروری، آموزش و پرورش و آموزش حرفه‌ای برای کودکان متمرکز است.

• یونیسف از برنامه‌ها برای ارائه آموزش و پرورش، مشاوره و مراقبت برای جلوگیری از کار کودکان در شرایط بسیار خطرناک – اعم از بردگان جنسی یا حتی به عنوان کارگران محلی و خانگی – حمایت و برای جلوگیری از نقض حقوق آنان به شدت تلاش می‌کند.

• مجمع عمومی از دولت‌ها خواسته است درباره مساله کودکان خیابانی اقدام کنند که به میزان فزاینده‌ای در جنایت، استعمال مواد مخدر، خشونت و فحشا شرکت دارند و از آنها آسیب می‌بینند.

• کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر خواهان انجام اقداماتی برای متوقف کردن استخدام یا سربازگیری کودکان در نیروهای مسلح شده است. نماینده ویژه دبیرکل در امور کودکان و مناقشه مسلحانه، می‌کوشد حفاظت از کودکان را در جریان مناقشه‌ها تقویت کند.

• کمیسیون حقوق بشر گزارشگر ویژه‌ای را برای رسیدگی به امور فروش، فحشا و پورنوگرافی کودکان منصوب کرده است.

حقوق اقلیت‌ها

برآوردها حاکی است تقریبا یک میلیارد نفر در سراسر جهان به اقلیت‌ها تعلق دارند. اسناد نشان می‌دهند بسیاری از اقلیت‌ها غالبا در معرض تبعیض و محرومیت قرار دارند و قربانی مناقشات خشن می‌شوند.

علاقه‌ای روشن و مشخص برای برآوردن آرزوهای مشروع گروه‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی، نه فقط برای حمایت و همسازی با تنوع فرهنگی، بلکه همچنین به عنوان وسیله تقویت ثبات جامعه‌ها پدیدار شده است.

سازمان ملل از آغاز فعالیت خود، رسیدگی به حقوق اقلیت‌ها را در صدر دستور کار حقوق بشر خود قرار داد. حمایت از حقوق بشر اعضای اقلیت‌ها به ویژه در ماده ۲۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین در اصول عدم تبعیض و مشارکت، که مبنای همه قوانین حقوق بشر سازمان ملل است، تضمین شده است.

تصویب *اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی* به وسیله مجمع عمومی سال ۱۹۹۲، نیرویی تازه به دستور کار حقوق بشر سازمان ملل داد. کمیسیون حقوق بشر سال ۱۹۹۵ تاسیس گروه کاری درباره اقلیت‌ها را به وسیله کمیسیون فرعی خود تصویب کرد که در این زمینه نهادی منحصر به فرد است که نمایندگان اقلیت به آن دسترسی دارند. این گروه کاری می‌کوشد در دسترس جوامع اقلیت باشد تا آنها بتوانند نظر خود را در سازمان ملل بیان و نگرانی‌های خود را ابراز کنند و حتی پیشنهادهایی برای بهبود موقعیت خود ارائه دهند. این گروه کاری وظیفه دارد راه حل‌هایی برای مشکلات اقلیت‌ها ارائه دهد و تدابیر عملی برای بهبود ترویج و حمایت از حقوق اقلیت‌ها توصیه کند.

بومیان

سازمان ملل به حد فزاینده‌ای آرمان‌های مردم بومی را مطرح کرده، مردمی که از محروم‌ترین گروه‌های جهان به شمار می‌آیند. به مردم بومی، مردم نخست، مردم قبیله‌ای و بومیان نیز می‌گویند. حداقل ۵۰۰۰ گروه بومی، متشکل از ۳۰۰ میلیون نفر در بیش از ۷۰ کشور پنج قاره زندگی می‌کنند. بسیاری از آنان به علت کنار گذاشته شدن از فرآیندهای تصمیم‌گیری، حاشیه‌نشین شده، تحت استثمار قرار گرفته، به اجبار همگون و تحلیل برده شده، و هنگامی که در دفاع از حقوق خود سخن گفته‌اند در معرض سرکوبی، شکنجه و جنایت قرار گرفته‌اند. آنان از ترس تعقیب، اغلب آواره می‌شوند و گاهی باید هویت خود را پنهان کنند، زبان‌ها و عادت‌های سنتی خود را کنار بگذارند.

کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر سال ۱۹۸۲ گروه کاری درباره جمعیت‌های بومی تشکیل داد که تحولات مربوط به حقوق مردم بومی را بررسی و معیارهای بین‌المللی مربوط به حقوق آنان را ترویج

می‌کند. این کمیسیون همچنین متن *اعلامیه حقوق مردم بومی* را برای تصویب نهایی مجمع عمومی آماده کرد که اینک تحت بررسی کمیسیون قرار دارد.

شورای اقتصادی و اجتماعی سال ۲۰۰۰ **مجمع دائمی مربوط به مسائل بومی** را به عنوان ارگان وابسته ایجاد کرد. این مجمع با ۱٦ کارشناس متشکل از تعدادی برابر از کارشناسان دولتی و بومی به شورای اقتصادی و اجتماعی نظر مشورتی می‌دهد؛ کمک می‌کند تا فعالیت‌های سازمان ملل در این زمینه هماهنگ شود؛ و درباره مسائل مربوط به توسعه، فرهنگ، محیط زیست، بهداشت و حقوق بشر بومیان بحث می‌کند و نخستین اجلاس خود را مه ۲۰۰۲ برگزار کرد.

اجلاس زمین ۱۹۹۲، صدای جمعی بومیان را شنید که نگرانی‌های خود را درباره وضعیت خراب زمین‌ها و محیط زیست خود ابراز می‌کردند. برنامه عمران ملل متحد، یونیسف، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی، یونسکو، بانک جهانی و سازمان جهانی بهداشت برنامه‌هایی برای گروه‌های ویژه بومی دارند و برای بهبود بهداشت، سواد و جلوگیری از انحطاط محیط زیست آنان فعالیت می‌کنند.

مجمع عمومی، پایان سال بین‌المللی مردم بومی جهان (۱۹۹۳)، **دهه بین‌المللی مردم بومی جهان (۲۰۰٤– ۱۹۹۵)** را اعلام کرد که هدف آن تشویق مشارکت‌ها، برای بهبود شرایط زیستی بومیان است.

معلولان

بیش از ٦۰۰ میلیون نفر، یعنی نزدیک به ۱۰ درصد جمعیت جهان، که ۸۰ درصد از آنان در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند از نوعی نقص جسمی، روانی یا حسی رنج می‌برند.

معلولان معمولا از جریان اصلی اجتماع کنار گذاشته شده‌اند. تبعیض به شکل‌های گوناگونی اعمال می‌شود از محرومیت از فرصت‌های آموزشی تا شکل‌های پیچیده‌تر مانند جداسازی و انزوا از طریق تحمیل موانع فیزیکی و اجتماعی. جامعه نیز رنج می‌برد زیرا عدم استفاده از قدرت بالقوه عظیم آنان بشریت را فقیر می‌کند. تغییر درک و مفهوم معلولیت نیازمند تغییر ارزش‌ها و افزایش تفاهم در همه سطوح جامعه است.

سازمان ملل از آغاز کار خود، کوشیده است موقعیت معلولان را بهبود بخشد و زندگی آنان را بهتر کند. علاقه سازمان به رفاه و حقوق معلولان در اصول بنیانگذار حقوق بشر، آزادی‌های بنیادی و اصل برابری تمامی ابنای بشر آن، نهفته است.

مفهوم حقوق بشر معلولان در دهه ۱۹۷۰ مقبولیت بین‌المللی بیشتری پیدا کرد. مجمع عمومی با تصویب *اعلامیه حقوق اشخاص عقب مانده ذهنی* (۱۹۷۱) و *اعلامیه حقوق معلولان* (۱۹۷۵) معیارهایی برای رفتار برابر با معلولان و دسترسی برابر آنان به خدمات تعیین و به این ترتیب یکپارچگی اجتماعی معلولان را تسریع کرد.

سال بین‌المللی معلولان (۱۹۸۱) به تصویب *برنامه اقدام مربوط به معلولان به وسیله مجمع عمومی* منجر شد که چارچوبی سیاسی برای حمایت از حقوق معلولان است. این برنامه دو هدف برای همکاری بین‌المللی تعیین می‌کند: برابری فرصت؛ و مشارکت کامل معلولان در توسعه و زندگی اجتماعی.
یک نتیجه مهم **دهه معلولان سازمان ملل** (۱۹۹۲- ۱۹۸۳) تصویب *مقررات معیار مربوط به برابر سازی فرصت‌ها برای معلولان* به وسیله مجمع عمومی در ۱۹۹۳ بود که به عنوان سندی برای سیاستگذاری و مبنایی برای همکاری فنی و اقتصادی از آن استفاده می‌شود.
مجمع عمومی سال ۱۹۹۱ معیارهای جدیدی برای محافظت از بیماران ذهنی، یعنی *اصولی برای محافظت از بیماران ذهنی و بهبود مراقبت بهداشتی از آنان*، تصویب کرد.
مجمع عمومی سال ۱۹۹٤ برنامه‌ای طولانی مدت را برای اجرای *برنامه اقدام جهانی*، با هدف «جامعه‌ای برای همه» تصویب و سال ۱۹۹۷ شبکه‌های ایمنی اجتماعی و خدمات اجتماعی، اشتغال و دسترسی را به عنوان مسائل سیاست‌های اولویتی تعیین کرد.
مجمع سال ۲۰۰۳ تصمیم گرفت تدوین «کنوانسیون بین‌المللی فراگیر و یکپارچه حمایت و حفاظت از حقوق و شرافت معلولان» را به عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای تحقق هدف مشارکت و برابری کامل معلولان در توسعه و زندگی اجتماعی شروع کند.
فعالیت‌های سازمان ملل. مجموعه‌ای فزاینده از داده‌ها، ضرورت رسیدگی به مسائل معلولان را در چارچوب توسعه ملی، در داخل چارچوب گسترده حقوق بشر نشان می‌دهد. سازمان ملل با دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، موسسات دانشگاهی، و جوامع حرفه‌ای کار می‌کند تا آگاهی‌ها را افزایش دهد و برای مسائل گسترده حقوق بشر معلولان ظرفیت‌های ملی به وجود آورد.
پشتیبانی روزافزون عمومی برای اقدام در حمایت از معلولان، بر نیاز برای بهبود خدمات اطلاعاتی، امدادرسانی، و ساز و کارهای نهادی برای حمایت از فرصت برابر متمرکز بوده است. سازمان ملل به شکل فزاینده‌ای در کمک به کشورها فعال بوده تا ظرفیت‌های ملی خود را برای حمایت از چنین اقدامی در برنامه‌های کلی توسعه خود تقویت کنند. (برای اطلاعات بیشتر به www.unhchr.ch/disability/index.htm و www.un.org/esa/socdev/disabled نگاه کنید).

کارگران مهاجر

با افزایش رفت و آمد مردم از مرزهای بین‌المللی در جست‌وجوی کار، کنوانسیون حقوق بشر جدیدی تصویب شد تا تبعیض علیه کارگران مهاجر مهار شود. مجمع عمومی سال ۱۹۹۰، در پی ۱۰ سال مذاکره، *کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان* را تصویب کرد. این کنوانسیون:

- حقوق کارگران مهاجر قانونی و غیرقانونی و خانواده‌های آنان را در بر می‌گیرد؛

• اخراج کارگران مهاجر را بر مبنایی دسته جمعی یا با از بین بردن اسناد هویت، جواز کار یا گذرنامه آنان غیرقانونی می‌کند؛
• به کارگران مهاجر حق می‌دهد دستمزد، مزایای اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی مشابه با کارگران کشور مربوطه دریافت کنند؛ به اتحادیه‌های کارگری ملحق شوند یا در آنها شرکت کنند؛ و به محض خاتمه اشتغال، درآمد، پس‌انداز و متعلقات شخصی خود را انتقال دهند؛
• به کودکان کارگران مهاجر حق ثبت زمان تولد و ملیت، و همچنین دسترسی به آموزش و پرورش اعطا می‌کند.

این کنوانسیون از اول ژوییه ۲۰۰۳ به اجرا در آمد. **کمیته کارگران مهاجر**، که برای نظارت بر اجرای آن به وسیله کشورهای متعهد ایجاد شد، نخستین اجلاس خود را مارس ۲۰۰٤ تشکیل داد.

اجرای عدالت

سازمان ملل متحد، متعهد به تقویت حمایت از حقوق بشر در فرآیند قضایی است. هنگامی که افراد به وسیله مسئولان دولتی تحت بازجویی هستند، زمانی که دستگیر، بازداشت، متهم، محاکمه یا زندانی می‌شوند، همیشه ضرورت تضمین این امر وجود دارد که قانون، با توجه لازم به رعایت و حمایت از حقوق بشر، اعمال شود.

سازمان ملل برای ایجاد معیارها و مقرراتی که به عنوان الگو برای قانونگذاری ملی مفید واقع شوند، فعالیت کرده است. این معیارها و مقررات مسائلی مانند رفتار با زندانیان، حمایت از اطفال و نوجوانان تحت بازداشت، استفاده از سلاح گرم به وسیله پلیس، رفتار مسئولان اجرای قانون، نقش وکلا و دادستان‌ها، و استقلال قوه قضاییه را در بر می‌گیرند. بسیاری از این معیارها از طریق کمیسیون پیشگیری از جرم و بسط عدالت کیفری و مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم سازمان ملل تدوین شده‌اند.

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل دارای برنامه کمک فنی است که در زمینه آموزش حقوق بشر به قانونگذاران، قضات، وکلا، ماموران اجرای قانون، مقامات زندان و ارتش فعالیت می‌کند.

اولویت‌های آینده

با وجود تلاش‌های سازمان ملل، نقض شدید و گسترده حقوق بشر در سراسر جهان ادامه دارد. پنج دهه پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، نقض طیف گسترده‌ای از موارد حقوق بشر همچنان در صدر خبرها قرار دارد. دست کم بخشی از این امر را می‌توان به آگاهی بیشتر از حقوق بشر و نظارت بیشتر بر حوزه‌های دچار مشکل نسبت

داد. این موارد، به ویژه، شامل سوءاستفاده از کودکان، خشونت علیه زنان و سوءاستفاده‌هایی است که تا همین اواخر بر اساس معیارهای سنتی رفتار، قابل قبول به حساب می‌آمدند.

در واقع، تدابیر برای ترویج و حمایت از حقوق بشر نیرومندتر از هر زمان دیگر است و به حد روزافزونی با مبارزه برای عدالت اجتماعی، دموکراسی و توسعه اقتصادی پیوند دارد. کوفی‌عنان، دبیرکل در برنامه اصلاحات سازمان ملل اعلام کرد حقوق بشر در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان موضوع محوری خواهد بود و چنین نیز هست. اقدام‌های قاطعانه‌ای که به وسیله کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل انجام شده، همراه با همکاری و هماهنگی فراوان بین شرکای سازمان ملل، نشانه‌های محسوس توانایی تقویت شده نظام ملل متحد برای مبارزه به خاطر حقوق بشر هستند.

فصل ۵

اقدام بشردوستانه

اقدام بشردوستانه

سازمان ملل متحد از نخستین بار که در پی ویرانی اروپا و آوارگی شدید مردم آن در جنگ جهانی دوم عملیات امداد بشر دوستانه را در این قاره هماهنگ کرد، برای واکنش به بلایای طبیعی و ساخت دست بشر، که مسئولان ملی به تنهایی قادر به رسیدگی به آنها نیستند، تکیه گاه جامعه بین‌المللی بوده است. این سازمان امروز ارائه دهنده اصلی امداد اضطراری و کمک بلند مدت‌تر، رابطی برای اقدام به وسیله دولت‌ها و کارگزاری‌های امدادگر، و مدافع مردم گرفتار پیشامدهای غیرمنتظره است.

مناقشات و بلایای طبیعی همچنان مردم را از خانه‌های خود آواره می‌کنند. حدود ۵/۸ میلیون نفر سال ۲۰۰۲ در داخل کشورهای خود آواره و ۱٤/۸ میلیون نفر دیگر با فرار از مرزهای بین‌المللی پناهنده شدند.

بلاهای طبیعی، بیشتر مربوط به هوا، سال ۲۰۰۳ نزدیک به ۵۰ هزار نفر را به کشتن دادند و موجب بیش از ٦۰ میلیارد دلار زیان اقتصادی شدند. برنامه عمران ملل متحد گزارش می‌دهد ۹٤ درصد بلایای طبیعی ناشی از گردبادها، سیل‌ها، زلزله‌ها و خشکسالی است. موج‌های گرما و آتش سوزی‌های جنگلی نیز باعث رنج‌های فراوانی برای بشر شده‌اند و بر اساس گزارشی که برنامه عمران ملل متحد فوریه ۲۰۰٤ منتشر کرد نسبت بسیار زیاد (۹۸/۲ درصد) تلفات بلایای طبیعی مربوط به کشورهای در حال توسعه است، شاخصی قابل ملاحظه از این امر که چگونه فقر، فشار جمعیتی، و زوال محیط زیست، رنج و ویرانی را تشدید می‌کنند.*

سازمان ملل که در دو جبهه یعنی مناقشات مسلحانه جدید و هزینه‌های روزافزون انسانی و مالی ناشی از بلایای طبیعی، درگیر بوده از یک طرف تلاش کرده به قربانیان، بیشتر از طریق کارگزاری‌های عملیاتی خود، کمک فوری برساند؛ و از طرف دیگر به دنبال اجرای برنامه‌های موثرتر بوده تا در وهله اول از بروز پیشامدهای غیرمنتظره جلوگیری کند.

هنگامی که فاجعه‌ای رخ می‌دهد سازمان ملل و کارگزاری‌های آن شتابان برای تحویل کمک بشر دوستانه اقدام می‌کنند. دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه فقط سال ۲۰۰۲ با طرح ۲٤ تقاضای کمک بین کارگزاری بیش از ٤/۲ میلیارد دلار برای کمک به ۳۵ میلیون نفر در ۱۸ کشور و منطقه مهیا کرد. برای مثال، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان هر سال برای بیش از ۲۰ میلیون پناهنده و همچنین تعداد روزافزونی از افراد آواره در کشور خود، حمایت و کمک بین‌المللی فراهم کرده است. برنامه جهانی غذای سازمان ملل سال ۲۰۰۳ یکصدو ده میلیون نفر، از جمله بیشتر پناهندگان و آوارگان را تغذیه کرد.

---

* «کاهش خطرهای بلایا: چالشی برای توسعه»، دفتر برنامه عمران ملل متحد برای پیشگیری از بحران و بازپروری، ۲۰۰۴.

پیشگیری از بلایا می‌کوشد آسیب‌پذیری جامعه‌ها را در برابر بلاها کاهش دهد و علت‌های آنها را که ساخت دست بشر هستند، برطرف کند. هشدار زودهنگام، به ویژه برای پیشگیری کوتاه مدت مهم است و کارگزاری‌های سازمان ملل در حال افزایش ظرفیت خود در این زمینه هستند. سازمان خواربار و کشاورزی بر قحطی‌های قریب‌الوقوع نظارت و سازمان جهانی هواشناسی در زمینه پیش‌بینی تندبادهای استوایی و نظارت بر خشکسالی فعالیت می‌کند. آمادگی قبلی نیز به همین اندازه حیاتی است و برنامه عمران ملل متحد در تدوین طرح‌های احتیاطی و سایر تدابیر مربوط به آمادگی به کشورهای مستعد بلایا کمک می‌کند.

پیشگیری از مناقشه شامل برنامه‌هایی مانند دیپلماسی پیشگیرانه، خلع سلاح پیشگیرانه و ترویج حقوق بشر است. بحران‌های اخیر پیوند بین جنگ، نقض حقوق بشر و جریان‌های پناهندگان را به وضوح نشان داده‌اند. برنامه‌های پیشگیری طولانی مدت‌تر، دلایل ریشه‌ای مناقشه را به روشی فراگیر بررسی و برقراری امنیت، رشد اقتصادی، حکومت مطلوب و احترام به حقوق بشر را تشویق می‌کنند. این اقدامات همچنان بهترین حمایت در برابر بلاها، اعم از طبیعی یا، همچنان که روز به روز شاهد موارد بیشتر آنها هستیم، بلایای ناشی از فعالیت‌های انسان، هستند.

هماهنگ کردن اقدام بشردوستانه

دهه گذشته شاهد افزایش تعداد و شدت جنگ‌های داخلی بوده است. این جنگ‌ها باعث بحران‌های بشری در مقیاس بزرگ با تلفات شدید جانی، آوارگی فراوان مردم و خسارات گسترده به جوامع در محیط‌های نظامی و سیاسی پیچیده شده‌اند. سازمان ملل برای رسیدگی به این «پیشامدهای غیر منتظره پیچیده» ظرفیت خود را برای واکنش سریع و موثر تقویت کرده است.

مجمع عمومی سال ۱۹۹۱ یک کمیته دائمی بین کارگزاری ایجاد کرد تا واکنش بین‌المللی به بحران‌های بشری را هماهنگ کند. **هماهنگ کننده امدادهای اضطراری سازمان ملل** نقطه مرکزی سازمان برای این تلاش است که به عنوان مشاور سیاسی و هماهنگ کننده اصلی نظام در پیشامدهای غیر منتظره بشری اقدام می‌کند. هماهنگ کننده امدادهای اضطراری ریاست **دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه** را به عهده دارد که کمک سازمان ملل را در بحران‌های بشری، که فراتر از ظرفیت و وظیفه تک تک کارگزاری‌ها است، هماهنگ می‌کند.

دست اندرکاران بسیاری، از جمله دولت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و کارگزاری‌های سازمان ملل می‌کوشند همزمان به پیشامدهای غیرمنتظره پیچیده واکنش نشان دهند. دفتر هماهنگی با آنها کار می‌کند تا تضمین نماید چارچوبی منسجم وجود داشته باشد که در داخل آن همه بتوانند به سرعت و به نحوی موثر به تلاش کلی مساعدت کنند.

واکنش به پیشامدهای غیرمنتظره

واکنش به پیشامدهای غیرمنتظره و حوادث ناگهانی، استقرار سریع منابع انسانی، مالی و تدارکاتی را ایجاب می‌کند. دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه ساز و کارهایی ایجاد کرده تا این کار را ممکن کند.

شبکه ۲٤ ساعته واکنش به بلایا، ۲٤ ساعته آماده برخورد با پیشامدهای غیرمنتظره است و بر موقعیت‌های محلی نظارت می‌کند تا بلایای طبیعی، پیشامدهای غیرمنتظره مربوط به محیط زیست و حوادث صنعتی را شناسایی و به هماهنگی اقدام‌های جامعه بین‌المللی کمک کند.

گروه‌های ارزیابی و هماهنگی پیشامدهای غیرمنتظره سازمان ملل، امکان واکنش سریع به پیشامدهای غیرمنتظره پیچیده را فراهم می‌کنند. این گروه‌ها، متشکل از کارشناسان مدیریت ملی پیشامدهای اضطراری که آموزش‌های ویژه دیده‌اند، و همچنین کارکنان دفتر هماهنگی را می‌توان در چند ساعت مستقر کرد تا به مسئولان کمک کنند موقعیت را ارزیابی و عملیات امداد را هماهنگ کنند.

وقتی بلایی پیش می‌آید دفتر هماهنگی، بسیج و استقرار امکانات و تجهیزات حمایتی نظامی و غیرنظامی، مانند کارکنان تخصصی و تجهیزات امداد به بلا دیدگان را از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی هماهنگ می‌کند. دفتر هماهنگی دارای دفتر ثبت مرکزی توانایی‌های مدیریت بلایا است که برای کمک بین‌المللی می‌توان آن را در دسترس قرار داد. انباری در بریندیسی، ایتالیا، وسایل امدادی آماده برای حمل هوایی را نگهداری می‌کند.

گروه‌های مدیریت بلایای سازمان ملل در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مستعد بلایا ایجاد شده‌اند که از روسای کارگزاری‌های سازمان ملل در سطح کشوری تحت ریاست هماهنگ کننده مقیم، معمولا از برنامه عمران ملل متحد، تشکیل شده است. چنین گروه‌هایی برای هماهنگی فعالیت‌های امدادی با پیش‌بینی یک پیشامد غیرمنتظره ترتیباتی ایجاد می‌کنند.

سازمان ملل با همکاری کارگزاری‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی به اجرای برنامه‌هایی به منظور بهبود آمادگی برای برخورد با بلایا در بیش از ۷۰ کشور کمک کرده است.

وقتی حادثه غیرمنتظره‌ای پیش می‌آید، دفتر هماهنگی واکنش بین‌المللی را هماهنگ، با گروه کشوری مربوطه سازمان ملل مشورت می‌کند و انجام مشورت‌های بین کارگزاری را در مقر سازمان ملل به عهده می‌گیرد تا درباره اولویت‌ها برای اقدام به توافق برسد. دفتر هماهنگی سپس برای هماهنگی فعالیت‌ها در کشور آسیب دیده پشتیبانی ارائه می‌دهد.

این دفتر به ویژه ماموریت‌های محلی را با کارگزاری‌های سازمان ملل هماهنگ می‌کند تا نیازها را ارزیابی کند؛ با طرح تقاضاهای یکپارچه بین کارگزاری به بسیج منابع کمک می‌کند؛ جلسات و ترتیبات پیگیری کمک دهندگان را سازمان می‌دهد؛ بر موقعیت کمک‌ها در پاسخ به تقاضاهای خود نظارت می‌کند؛ و برای این که کمک دهندگان و سایرین را در جریان آخرین تحولات قرار دهد گزارش‌هایی درباره اوضاع منتشر می‌کند. تقاضاهای بین کارگزاری از سال ۱۹۹۲ بیش از ۱٤ میلیارد دلار برای پیشامدهای غیرمنتظره جمع‌آوری کرده است.

دفتر هماهنگی با شرکای خود در جامعه امور بشردوستانه کار می‌کند تا حول سیاست‌ها اجماع به وجود آورد و مسائل ویژه بشردوستانه را که از تجربه‌های عملیاتی در محل ناشی می‌شوند شناسایی کند. دفتر می‌کوشد تضمین کند به مسائل عمده بشردوستانه از جمله مسائلی که مابین وظایف نهادهای بشردوستانه موجود قرار می‌گیرند، مانند رنج آوارگان داخلی، رسیدگی شود.

هماهنگ کردن امداد اضطراری

کمیته دائمی بین کارگزاری، همه کارگزاری‌های بشردوستانه عمده، داخل و خارج سازمان ملل را دور هم می‌آورد. این کمیته به ریاست هماهنگ کننده امداد اضطراری سازمان ملل بر واکنش بین‌المللی نسبت به پیشامدهای غیرمنتظره نظارت می‌کند. شرکت کنندگان در آن عبارتند از:

- کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل - به پناهندگان و آوارگان کمک بشردوستانه می‌دهد. (بودجه سال ۲۰۰۳: ۱/۱۵ میلیارد دلار).
- برنامه جهانی غذا - برای قربانیان پیشامدهای غیرمنتظره کمک غذایی ارائه می‌دهد (بودجه سال ۲۰۰۳: ٤/۳ میلیارد دلار).
- صندوق کودکان ملل متحد - بر کمک به کودکان و زنان توجه دارد (هزینه‌های کمک بشر دوستانه سال ۲۰۰۲: ۲٤۳/۳ میلیون دلار).
- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد - به پایه ریزی دوباره محصول و تولید کشاورزی کمک می‌کند (بودجه ۲۰۰۵ – ۲۰۰٤: ۷٤۹ میلیون دلار).
- سازمان جهانی بهداشت - در زمینه بهداشت کمک ارائه می‌دهد (بودجه کمک بشردوستانه برای ۲۰۰۵- ۲۰۰٤: ۷۱/٤ میلیون دلار).
- برنامه عمران ملل متحد - برای کمک، اعتبار ارائه می‌دهد و کمک بشردوستانه را در کشورهای دچار بحران هماهنگ می‌کند.
- صندوق جمعیت ملل متحد - از طرح‌های مربوط به بهداشت باروری در موقعیت‌های بحرانی حمایت می‌کند.
- بانک جهانی - از طرح‌ها برای کمک به بازپروری اضطراری و بازسازی پس از مناقشه حمایت می‌کند.
- دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، که حمایت از حقوق بشر را از طریق کارشناسی حقوقی و حضور در محل تشویق می‌کند.
- سازمان‌های بشردوستانه عمده بین دولتی - سازمان بین‌المللی مهاجرت، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون بین‌المللی جوامع هلال احمر و صلیب سرخ
- نماینده دبیرکل در امور آوارگان داخلی
- سه کنسرسیوم بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی: اینتراکشن، شورای بین‌المللی کارگزاری‌های داوطلب، و کمیته تدارکاتی برای واکنش بشردوستانه.

از سایر کارگزاری‌ها می‌توان بر مبنای ویژه دعوت کرد.

دفتر هماهنگی با حمایت از مسائل بشردوستانه، به قربانیان خاموش بحران‌ها امکان اظهار نظر می‌دهد و تضمین می‌کند دیدگاه‌ها و نگرانی‌های جامعه بشردوستانه در تلاش‌های کلی به سمت بازپروری و برقراری صلح منعکس شود. دفتر هماهنگی احترام بیشتر به اصول و ضوابط بشردوستانه را ترویج می‌کند و توجه همگان را به مسایلی ویژه مانند دسترسی به جمعیت‌های آسیب دیده، تاثیر تحریم‌ها بر انسان‌ها، مین‌های ضد نفر، و تکثیر کنترل نشده سلاح‌های کوچک، جلب می‌کند.

صندوق تنخواه‌گردان اضطراری مرکزی دفتر هماهنگی امور بشردوستانه، سازو کاری برای گردش پول است که واکنش آنی به یک پیشامد غیرمنتظره را تسهیل می‌کند. از این صندوق برای رفع مشکلات مربوط به پول نقد کارگزاری‌های بشردوستانه تا رسیدن کمک از کمک دهندگان استفاده می‌شود. کارگزاری وام‌گیرنده باید وام دریافتی را در طول یک

سال باز گرداند. از این صندوق از سال ۱۹۹۲ بیش از ۱۶۰ بار برای پرداخت بیش از ۲۸۸ میلیون دلار استفاده شده است.
دفتر هماهنگی، وب امداد، مهمترین وب سایت بشردوستانه جهان را نیز اداره و آخرین اطلاعات درباره پیشامدهای غیرمنتظره سراسر جهان را ارائه می‌دهد (به www.reliefweb.lnt نگاه کنید).

ارائه کمک و حمایت

چهار مجموعه سازمان ملل یعنی یونیسف، برنامه عمران ملل متحد، برنامه جهانی غذا و دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در زمینه ارائه حمایت و کمک در بحران‌های بشری نقش‌های اصلی دارند.
کودکان و زنان اکثریت پناهندگان و آوارگان را تشکیل می‌دهند. **صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)** در موارد اضطراری شدید در کنار سایر کارگزاری‌های امدادی تلاش می‌کند خدمات اساسی مانند تامین آب و دفع بهداشتی فاضلاب، تشکیل مدارس، و ارائه خدمات ایمن سازی، پزشکی و سایر تدارکات را به جمعیت‌هایی که از مسکن و محل خود آواره شده‌اند، دوباره برقرار کند.
یونیسف همچنین پیوسته به دولت‌ها و طرف‌های درگیر در جنگ توصیه می‌کند اقدامات موثرتری برای حمایت از کودکان به عمل آورند. برنامه‌های آن در مناطق مناقشه شامل مذاکره درباره آتش بس برای تسهیل ارائه خدماتی مانند ایمن‌سازی کودکان بوده است. یونیسف به این منظور مبتکر مفهوم «کودکان به عنوان بخش‌های صلح» بوده و «روزهای آرامش» و «راهروهای صلح» در مناطق جنگ زده ایجاد کرده است. برنامه‌های ویژه، به کودکان آسیب دیده یاری و به الحاق مجدد کودکان بی‌سرپرست به والدین یا سایر اقوام نزدیک آنان کمک می‌کنند. یونیسف سال ۲۰۰۲ در ۵۱ کشور کمک بشردوستانه ارائه داد.
برنامه عمران ملل متحد، کارگزاری مسئول هماهنگی فعالیت‌ها برای کاهش عوارض، پیشگیری و آمادگی برای بلایای طبیعی است. هماهنگ کننده‌های مقیم برنامه عمران ملل متحد، هنگام بروز پیشامدهای غیرمنتظره بر تلاش‌های امدادی و بازسازی در سطح ملی نظارت می‌کنند. دولت‌ها غالبا از برنامه عمران می‌خواهند تا در زمینه طراحی برنامه‌های بازسازی و هدایت کمک‌ها، به آنها یاری کند.
برنامه عمران ملل متحد و کارگزاری‌های بشردوستانه، همکاری می‌کنند تا مسائل مربوط به توسعه طولانی مدت را با عملیات امدادی خود تلفیق و همگرا کنند. برنامه عمران، همچنین از برنامه‌های مربوط به ترخیص مبارزان پیشین، اقدام فراگیر درباره مین‌ها، بازگشت و الحاق پناهندگان و آوارگان، و احیای نهادهای حکومتی پشتیبانی می‌کند.

حمایت از کودکان در جنگ

از بیش از ۳۰۰ میلیون جوان کمتر از ۱۸ ساله، بعضی ۷ یا ۸ ساله، دختر یا پسر، در بیش از ۳۰ کشور بی‌رحمانه به عنوان سرباز بهره‌کشی می‌شود. دو میلیون کودک در طول دهه گذشته در جنگ‌ها و مناقشه‌های داخلی کشته و ۶ میلیون نفر دیگر معیوب یا معلول شده‌اند. عده بسیار دیگری که بر اثر جنگ یتیم یا از والدین خود جدا شده‌اند در تلاش برای بقا آسیب دیده‌اند.

شورای امنیت برای رسیدگی به این فاجعه، خواهان تلاش‌های بیشتر جهت خاتمه دادن به استفاده از کودکان به عنوان سرباز و حمایت از کودکان در مناقشات مسلحانه شده است. عملیات حفظ صلح اینک حمایت از کودکان را در ماموریت‌های خود می‌گنجانند و در چند هیات حفظ صلح - مانند هیات‌ها در سیرالئون، جمهوری دموکراتیک کنگو و ساحل عاج - کارشناسان غیرنظامی در زمینه حمایت از کودکان حضور دارند.

آقای اولارا اوتونو نماینده ویژه دبیرکل برای کودکان و مناقشات مسلحانه از سال ۱۹۹۷ تلاش کرده است تا آگاهی جهانی را درباره تاثیر مناقشات بر کودکان افزایش دهد و حمایت سیاسی دولت‌ها و جامعه مدنی را برای تقویت حمایت از کودکان بسیج و جلب کند. او از مدافعان اصلی تدابیری مانند تقویت ساز و کارهای نظارت و گزارش دهی درباره موارد نقض حقوق کودکان در مناقشات مسلحانه؛ قرار دادن رفاه کودکان در دستور کارهای صلح؛ و قرار دادن نیازهای کودکان در مرکز برنامه‌های باز پروری پس از مناقشه است.

آقای اوتونو، با سفر به مناطق جنگی در صدد گرفتن تعهدات مهمی از دولت‌ها و شورشیان برای حمایت و رفاه کودکان در موقعیت‌های مناقشه و پس از مناقشات بوده و آنها را به دست آورده است. به علاوه، یونیسف از مدت‌ها پیش با دولت‌ها و جنبش‌های شورشی کار کرده تا کودکان سرباز را مرخص کند، آنان را به خانواده‌های خود بازگرداند و الحاق درباره آنان را به جامعه تشویق کند.

برای حصول اطمینان از این که منابع ارائه شده بیشترین تاثیر ممکن را خواهد داشت، هر طرحی با مشورت مقام‌های محلی و ملی دولتی به اجرا در می‌آید. برنامه عمران، کمک سریع به کل جوامع ارائه می‌دهد و برای ایجاد شالوده‌های اجتماعی و اقتصادی برای توسعه و صلح پایدار، و کاهش فقر کمک می‌کند. این نگرش متکی بر جامعه، به ارائه امداد فوری و مداوم برای صدها هزار قربانی جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی کمک کرده است. امروز، بسیاری از جوامع دارای سابقه مناقشه با استفاده از برنامه‌های آموزشی، طرح‌های اعتباری و پروژه‌های زیربنایی، معیارهای زندگی خود را بهتر کرده‌اند.

برنامه جهانی غذا، در مواقع اضطراری به میلیون‌ها قربانی بلایای طبیعی یا ناشی از فعالیت‌های انسان، از جمله بیشتر پناهندگان و آوارگان جهان کمک سریع و موثر ارائه می‌دهد. بیشتر منابع برنامه جهانی غذا برای چنین بحران‌هایی به مصرف می‌رسند. تا یک دهه پیش، از دو تن از سه تن کمک غذایی ارائه شده به وسیله برنامه جهانی غذا استفاده می‌شد تا مردم به خود متکی شوند. امروز این وضع عوض شده است به طوری که نزدیک به ۸۰ درصد منابع این برنامه در اختیار قربانیان بحران‌های بشری گذاشته می‌شود.

برنامه جهانی غذا از طریق عملیات اضطراری کوتاه‌مدت و بلند مدت سال ۲۰۰۲ به ۵۸ میلیون نفر، از جمله آوارگان داخلی، پناهندگان، کودکان یتیم شده بر اثر بیماری ایدز، و قربانیان بلایای طبیعی مانند سیل و خشکسالی کمک کرد. این کارگزاری مسئول آماده کردن

کودکان در جنگ – معیارها و ضوابط حقوقی

چارچوب ضوابط و معیارها برای حمایت از کودکان در جریان مناقشات در طول سال‌ها تحول یافته است. از جمله:

- قانون دادگاه کیفری بین‌المللی رم - سربازگیری، ثبت نام یا استفاده از کودکان کمتر از ۱۵ سال را در مناقشه‌ها جنایت جنگی طبقه بندی می‌کند.
- پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک - محدودیت سنی ۱۸ سال را برای سربازگیری اجباری و مشارکت مستقیم در مناقشه‌ها تعیین و کشورهای متعهد را ملزم می‌سازد سن سربازگیری داوطلبانه را به حداقل ۱۶ سال افزایش دهند.
- چهار قطعنامه شورای امنیت - ۱۲۶۱ (سال ۱۹۹۹)، ۱۳۱٤ (سال ۲۰۰۰)، ۱۳۷۹ (سال ۲۰۰۱) و ۱٤٦۰ (سال ۲۰۰۳) درباره حمایت از کودکان در جنگ‌ها است.
- کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار - سربازی کودکان را به عنوان یکی از بدترین شکل‌های کار کودکان تعریف و ۱۸ سال را حداقل سن برای سربازگیری اجباری یا از روی زور تعیین می‌کند.
- کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های تکمیلی آنها - تصریح می‌کنند برای کودکان باید احترام ویژه قائل شد و از آنان در مقابل هر نوع تهاجمی در طول مناقشات باید حمایت به عمل آید، و این که «مراقبت و کمکی که نیاز دارند» باید در اختیارشان گذاشته شود.

سایر مصوبه‌های بین‌المللی که برای حمایت از کودکان پیش‌بینی‌هایی کرده‌اند: کنوانسیون اتاوا درباره ممنوعیت ذخیره، تولید و انتقال مین‌های زمینی ضد نفر و نابودی آنها، و منشور آفریقا درباره حقوق و رفاه کودک یعنی نخستین معاهده منطقه‌ای که ۱۸ سالگی را به عنوان حداقل سن برای سربازگیری و مشارکت در مناقشه‌ها تعیین می‌کند.

غذا و تامین نقدینگی برای همه عملیات تغذیه پناهندگان در مقیاس وسیع با مدیریت دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان است.

برنامه جهانی غذا به حد روز افزونی در طرح‌هایی شرکت دارد که از کمک غذایی برای حمایت از ترخیص مبارزان سابق و مین‌زدایی مناطق جنگی استفاده می‌شود. برنامه جهانی غذا پس از شروع جنگ یا وقوع بلایا به منظور مرمت زیر بناهای آسیب دیده، با طرح‌های بازسازی و بازپروری اقدام می‌کند.

اکثریت افراد دچار بلایا در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. **سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد** (فائو) با برنامه جهانی غذا، برای ارائه هشدار زود هنگام درباره بحران‌های غذایی در شرف وقوع و در ارزیابی مشکلات ناشی از عرضه و تامین مواد غذایی در سراسر جهان، همکاری می‌کند.

شبکه جهانی اطلاعات و هشدار زود هنگام فائو، اطلاعات مرتب و به روز درباره موقعیت جهانی مواد غذایی ارائه می‌دهد و همچنین در کشورهایی که به علت بلایای طبیعی یا ساخته دست بشر از نظر مواد غذایی امنیت ندارند، موقعیت مواد غذایی را ارزیابی می‌کند.

بر مبنای ارزیابی‌هایی که با همکاری برنامه جهانی غذا انجام می‌شود، عملیات کمک غذایی اضطراری آماده و به اتفاق فائو تصویب می‌شود. فائو اطلاعات کشاورزی برای بازسازی تولید مواد غذایی فراهم می‌کند و در پیشامدهای غیرمنتظره مربوط به کشاورزی مشورت فنی ارائه می‌دهد. سرویس عملیات امدادی ویژه آن، حمایت قابل توجهی از کشاورزان دچار بلایا به عمل می‌آورد.

حمایت از کارکنان سازمان ملل و امدادگران عملیات بشردوستانه

با کشتن، گروگانگیری یا بازداشت تعدادی از کارکنان سازمان ملل و سایر امدادگران بشردوستانه در حین انجام کار در مناطق مناقشه، حملات علیه آنان در چند سال گذشته به شدت افزایش یافته است. حوادث خشونت آمیز علیه کارکنان سازمان ملل شامل سرقت مسلحانه، مضروب کردن و تجاوز بوده است.

۱۹۶ کارمند غیرنظامی سازمان ملل از سال ۱۹۹۲ در نتیجه اقدامات شرورانه جان خود را از دست داده‌اند و ۱۸ نفر دیگر حین انجام وظیفه در تصادف‌های هوایی مردند. حدود ۲٤۰ نفر را هنگام خدمت در عملیات سازمان ملل در سراسر جهان گروگان گرفته یا ربوده‌اند. حدود ۳٤ پرونده بر جسته از افراد توقیف شده، تحت بازداشت یا ناپدید شده وجود دارد که بعضی از آنها به بیش از ۲۰ سال پیش مربوط می‌شود که در آنها سازمان ملل نتوانسته حق برخورداری از حمایت از خود را به طور کامل اعمال کند.

فقط سال منتهی به ۳۰ ژوئن ۲۰۰۳ (آخرین مهلت برای دادن این آمار) پنج قتل با نیت قبلی، بیش از ۲۵۸ حمله به کارکنان سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی و حدود ۲۷۰ مورد حمله خشونت بار به مراکز و کاروان‌های آنان صورت گرفت. حداقل ۸۳ مورد ورود سر زده به مراکز سازمان ملل، بیش از ۵۵۰ مورد سرقت از جایگاه‌های رسمی و اقامتگاه کارکنان سازمان ملل، و ۱۶۸ مورد آزار و مزاحمت صورت گرفت. کارکنان سازمان ملل ، به علت محیط‌های خطرناکی که در آن کار می‌کنند اغلب هدف جرایم خیابانی نیز، هستند.

دبیرکل سپتامبر ۲۰۰۳ گزارش داد «ایمنی و امنیت کارکنان سازمان ملل همچنان به حد هشدار دهنده‌ای در معرض خطر است. کارکنان سازمان ملل به خاطر این که به عنوان نمایندگان جامعه بین‌المللی کاملا در معرض دید هستند به شدت با این خطر مواجه‌اند که هدف بسیاری از افراد و نهادهای گوناگون قرار گیرند.»

صحت این سخن روز ۱۹ اوت ۲۰۰۳ که مرکز سازمان ملل در بغداد هدف حمله‌ای مرگبار قرار گرفت که در جریان آن ۲۲ نفر کشته و بیش از ۱۵۰ نفر مجروح شدند، به اثبات رسید. این عمدی‌ترین و مرگبارترین حمله به کارکنان غیرنظامی سازمان ملل در تاریخ ۵۸ ساله آن بود. از جمله کشته شدگان سرجیووی‌یرا دملو، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل بود که به عنوان رئیس هیات سازمان ملل در عراق خدمت می‌کرد.

کنوانسیون ایمنی کارکنان سازمان ملل و کارکنان وابسته به آن (سال ۱۹۹٤) دولت‌های کشورهایی را که کارکنان سازمان ملل در آنجا کار می‌کنند، متعهد می‌سازد از کارکنان آن محافظت کنند، و تدابیر پیشگیرانه در برابر جنایت و آدم ربایی به عمل آورند. متاسفانه از ۱۹۶ مرگ از قبل طراحی شده که به آن اشاره شد عاملان فقط ۲٤ مورد دستگیر شده‌اند. کشورهای بسیار کمی به طور کامل درباره حملات یا تهدیدها علیه کارکنان بین‌المللی یا محلی سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن تحقیق کرده یا عوامل آنها را وادار به پاسخگویی کرده‌اند.

لطفا توجه داشته باشید ارقام فوق به کارکنان غیرنظامی مربوط می‌شود و شامل ۱۹۳٤ مامور حفظ صلح سازمان ملل نمی‌شود که از ۱۹٤۸، از جمله ۶۸ نفر در شش ماه نخست سال ۲۰۰٤، کشته شده‌اند.

برنامه‌های کمک **سازمان جهانی بهداشت** بر ارزیابی نیازهای بهداشتی کسانی که گرفتار پیشامدهای غیرمنتظره شده‌اند تمرکز می‌کند، اطلاعات بهداشتی ارائه می‌دهد و به هماهنگی و برنامه ریزی کمک می‌کند. سازمان جهانی بهداشت برنامه‌های اضطراری در زمینه‌هایی مانند نظارت بر مسائل مربوط به تغذیه و بیماری‌های واگیردار، کنترل بیماری‌های همه‌گیر (از جمله بیماری ایدز و ویروس آن)، مصون‌سازی، مدیریت داروها و وسایل پزشکی ضروری، بهداشت باروری و بهداشت روانی انجام می‌دهد و برای ریشه کن کردن فلج اطفال و مهار سل و مالاریا در کشورهای گرفتار پیشامدهای غیرمنتظره تلاش‌های ویژه به عمل می‌آورد.

حمایت و کمک بین‌المللی به پناهندگان

دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در پایان سال ۲۰۰۳ به حدود ۱۷/۱ میلیون نفر که از جنگ یا تعقیب و آزار فرار کرده بودند، حمایت و کمک بین‌المللی می‌داد. یک سال پیش از آن این تعداد ۲۰/٦ میلیون نفر بود که ۱۰/٤ میلیون نفر از آنان پناهنده، ۵/۸ میلیون آواره در داخل کشورهای خود، ۲/٤ میلیون نفر بازگشتی، یک میلیون نفر پناهجو، و ۹۵۱/۰۰۰ نفر بدون کشور، و سایر افراد مورد توجه این کارگزاری بودند. به تدریج که ماهیت جنگ در چند دهه گذشته تغییر کرده و مناقشات داخلی جای جنگ‌های بین کشورها را گرفته، تعداد افراد آواره در داخل کشورهای خود به میزان چشمگیری افزایش یافته و این افراد در حال حاضر دومین گروه بزرگ تحت حمایت کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان هستند.

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان یکی از کارگزاری‌های بشردوستانه اصلی برای رسیدگی به عوارض بعضی از موارد اضطراری عمده در تاریخ پس از جنگ بوده است: در بالکان که بزرگترین جریان پناهندگان را در اروپا پس از جنگ جهانی دوم به بار آورد؛ در دوره پس از جنگ خلیج فارس؛ در منطقه دریاچه‌های بزرگ آفریقا؛ در جریان مهاجرت‌های عظیم در تی‌مورشرقی و کوزوو، و در تازه‌ترین مورد، در آفریقای غربی؛ و در عملیات بازگردانی در افغانستان.

پناهندگان کسانی تعریف شده‌اند که به دلیل ترس موجه و مستند از تعقیب و آزار به علت نژاد، مذهب، ملیت، عقیده سیاسی یا عضویت در یک گروه اجتماعی ویژه از کشورهای خود گریخته و نمی‌توانند یا نمی‌خواهند برگردند.

موقعیت حقوقی پناهندگان در دو معاهده بین‌المللی تعریف شده: *کنوانسیون مربوط به موقعیت پناهندگان* (۱۹۵۱)، و *پروتکل* ۱۹٦۷ آن که حقوق و تعهدات پناهندگان را شرح می‌دهد. ۱٤۵ کشور در پایان سال ۲۰۰۳ به یک یا هر دو معاهده فوق متعهد بودند.

مهمترین وظیفه کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان تامین حمایت بین‌المللی است یعنی تلاش برای تضمین احترام به حقوق بشر بنیادی پناهندگان، از جمله توانایی آنان به پناه‌جویی، و حصول اطمینان از این امر که هیچکس به اجبار به کشوری برگردانده نشود که دلیل دارد در آنجا از تعقیب و آزار بترسد. سایر انواع کمک شامل موارد زیر است:

- کمک در جریان موارد اضطراری عمده شامل نقل و انتقال تعداد زیاد پناهندگان؛
- برنامه‌های مرتب در حوزه‌هایی مانند آموزش و پرورش، بهداشت و سرپناه؛
- کمک به ترویج خودکفایی پناهندگان و ادغام و همگرایی آنان در کشورهای میزبان ؛

پناهندگان در کشور خود

آوارگان داخلی کسانی هستند که مجبور به فرار از خانه‌های خود شده‌اند تا از جنگ، خشونت همگانی، موارد نقض حقوق بشر یا بلایای طبیعی و ایجاد شده به دست بشر در امان باشند اما از مرز عبور نکرده‌اند. جنگ‌های داخلی گروه‌هایی عظیم از چنین مردم در سراسر جهان به وجود آورده‌اند. امروز در دنیا حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر، یعنی بیش از تعداد پناهندگان، در داخل کشورهای خود آواره هستند.

پناهندگان معمولا در کشور دومی، جایی امن، غذا و پناهگاه پیدا می‌کنند. آنان تحت حمایت مجموعه‌ای روشن از قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی بوده و کمیساریای عالی و سایر سازمان‌ها از آنان حمایت می‌کنند. اما آوارگان در داخل کشور خود غالبا با شرایط بسیار ناامن‌تر مواجه هستند. آنان ممکن است در مناقشه داخلی جاری به دام افتاده و دستخوش تمایلات طرف‌های متخاصم باشند و این شرایطی است که ارائه کمک به آنان را خطرناک یا غیرممکن می‌سازد.

مسئولیت اصلی برای آوارگان داخلی به عهده دولت‌های ملی است. اما دولت‌ها گاهی نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به این مسئولیت عمل کنند. دولتی که کنترل نهایی بر سرنوشت آنان دارد ممکن است به آنان به عنوان «دشمنان کشور» نگاه کند. کنوانسیون بین‌المللی خاصی برای حمایت از آنان وجود ندارد، و تا این اواخر کمک دهندگان تمایلی به مداخله در مناقشات داخلی برای کمک به آنان نداشته‌اند.

با این حال نیازهای آوارگان داخلی مشابه نیازهای پناهندگان است. هر دو به حمایت و کمک آنی و همچنین راه حل‌های طولانی مدت، مانند بازگشت یا اسکان مجدد، نیاز دارند.

هماهنگی موثر در کمک به آوارگان داخلی به ویژه مهم است زیرا هیچ کارگزاری بین‌المللی مهمی برای رسیدگی به نیازهای آنان وجود ندارد. کار در این زمینه مشترکا به وسیله کمیته صلیب سرخ بین‌المللی، کمیساریای عالی، دفتر هماهنگی امور بشردوستانه، نماینده دبیرکل برای آوارگان داخلی، و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل انجام می‌شود.

آقای فرانسیس. ام. دنگ نماینده دبیرکل اصولی را برای راهنمایی درباره آوارگان داخلی منتشر و مشخص کرده این افراد چه کسانی هستند؛ به مجموعه بزرگی از حقوق بین‌الملل برای حمایت از حقوق اساسی یک فرد اشاره؛ و مسئولیت کشورها را مشخص کرده است. تعداد روزافزونی از کشورها این اصول را پذیرفته‌اند.

از کمیساریای عالی خواسته شده به حدود ۵/۸ میلیون آواره داخلی در مناطق مختلف کمک کند. کمیساریای عالی به حد روزافزونی در یوگسلاوی سابق، تی‌مور - لسته، کلمبیا، چچن، و اخیرا در افغانستان، تصمیم گرفته به همه آوارگان بر مبنای نیاز بشردوستانه، به جای موقعیت پناهندگی، کمک کند.

با وجود این تلاش‌ها، بسیاری از آوارگان داخلی همچنان از کمک یا حمایت بین‌المللی محروم هستند که این امر نشاندهنده واکنش گزینشی، نابرابر و، در موارد بسیاری، ناکافی مسئولان ملی و جامعه بین‌المللی است. تلاش‌ها برای یافتن راه‌های موثر برای کمک به این افراد ادامه دارد.

• بازگشت داوطلبانه ؛

• اسکان مجدد در کشورهای ثالث برای پناهندگانی که نمی‌توانند به کشورهای خود بازگردند و کسانی که با مشکلات مربوط به حفاظت در کشوری مواجه هستند که نخست خواهان پناهندگی به آن بودند.

اگر چه وظیفه کمیساریای عالی حمایت و کمک به پناهندگان است، از عده بیشتری خواسته شده به کمک طیف گسترده‌تری از مردمی بیایند که در موقعیت‌های شبیه پناهندگان زندگی می‌کنند. این افراد شامل کسانی است که در داخل کشور خود آواره هستند؛ پناهندگان سابق که ممکن است پس از بازگشت به کشور به نظارت و کمک کمیساریای عالی نیاز داشته باشند؛ افراد فاقد کشور؛ و کسانی که در خارج از کشورهای زادگاه خود به طور موقت تحت حمایت بوده اما از موقعیت حقوقی کامل پناهندگان برخوردار نیستند. امروز پناهندگان بیش از نیمی از مردم مورد حمایت کمیساریای عالی را تشکیل می‌دهند.

پناهندگان	
تعداد افراد تحت حمایت کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان*	
مجموع:	۱۷/۱ میلیون
بر اساس منطقه:	
آفریقا	٤/۳ میلیون
آسیا	۶/۲ میلیون
اروپا	٤/۳
آمریکای لاتین و کاراییب	۱/۳
آمریکای شمالی	۹۶۲ هزار
اقیانوسیه	۷٤ هزار

حدود ٤ میلیون فلسطینی، که کارگزاری امداد و کار برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک به آنان کمک می‌کند در این فهرست گنجانده نشده‌اند. با این حال، فلسطینیان خارج از حوزه عملیات این کارگزاری، مانند فلسطینیان ساکن عراق یا لیبی، تحت حمایت کمیساریا هستند. در پایان سال ۲۰۰۲ تعداد آنان ٤۲۸,۷۰۰ نفر بود.

* شامل پناهندگان، پناهجویان، افراد بازگشته، آوارگان داخلی، و سایر افراد تحت حمایت تا اول ژانویه ۲۰۰٤. منبع: کمیساریای عالی

پناهجویان کسانی هستند که کشور زادگاه خود را ترک کرده‌اند و تقاضای آنان برای پناهندگی به کشورهای دیگر هنوز تحت بررسی است. کمیساریا در حال حاضر به یک میلیون نفر در این گروه کمک می‌کند. بزرگترین گروه‌های پناهجویان در کشورهای صنعتی زندگی می‌کنند.

بیشتر پناهندگان می‌خواهند به محض این که شرایط اجازه دهد به کشور خود برگردند. کمیساریا در پایان سال ۲۰۰۲ به حدود ۲/٤ میلیون نفر باز گشته کمک می‌کرد و در طول این سال به ۳/٦ میلیون پناهنده و گروه‌های دیگر کمک کرد تا به کشور خود بازگردند. این رقم شامل حدود ۲ میلیون افغانی، از کشورهای همسایه پاکستان و ایران، و حدود ۷۵۰ هزار آواره در داخل افغانستان بود. تعداد قابل توجهی نیز در آنگولا (۹۰,۰۰۰)، سیرالئون (۷٦,۰۰۰)، بروندی (٥٤,۰۰۰) و بوسنی و هرزگوین (٤۲,۰۰۰) به کشور و خانه‌های خود بازگشتند.

بازگشت ناگهانی تعداد زیاد مردم می‌تواند زیر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شکننده را به سرعت از پا در آورد. کمیساریای عالی برای حصول اطمینان از این که افراد پس از بازگشت بتوانند، زندگی خود را بازسازی کنند با تعدادی از سازمان‌ها برای تسهیل همگرایی مجدد آنان کار می‌کند. این امر ارائه کمک اضطراری برای افراد نیازمند، اجرای برنامه‌های توسعه برای مناطق ویران شده، و طرح‌های اشتغال‌زایی را ایجاب می‌کند.

روز به روز بر اهمیت پیوند بین صلح، ثبات، امنیت، احترام به حقوق بشر و توسعه پایدار برای دستیابی به راه‌حل‌های بادوام برای مشکل پناهندگان، بیشتر پی برده می‌شود.

پناهندگان فلسطین

کارگزاری امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک از سال ۱۹۵۰ به پناهندگان فلسطینی آموزش و پرورش، بهداشت، خدمات امدادی و اجتماعی ارائه داده است. مجمع

عمومی این کارگزاری را ایجاد کرد تا به حدود ۷۵۰,۰۰۰ پناهنده فلسطینی امداد اضطراری بدهد که در نتیجه جنگ ۱۹٤۸ اعراب – اسرائیل خانه و زندگی خود را از دست داده بودند. این کارگزاری تا سال ۲۰۰۳ به بیش از ٤ میلیون پناهنده فلسطینی به ثبت رسیده در اردن، لبنان، سوریه، و ساحل غربی و نوار غزه خدمات ضروری ارائه می‌داد.

نقش بشردوستانه این کارگزاری با تکرار مناقشات در خاور میانه، مانند جنگ داخلی در لبنان و قیام مردم فلسطین *(انتفاضه)* سال ۱۹۸۷، و قیام دوم که از سپتامبر ۲۰۰۰ آغاز شد *(انتفاضه الاقصی)* تقویت شده است.

آموزش و پرورش بزرگترین زمینه فعالیت این کارگزاری است و نیمی از بودجه عادی و دو سوم کارکنان آن به این امر اختصاص داده شده است. ٦٥٦ دبستان و دوره راهنمایی آن سال تحصیلی ۲۰۰۲/۲۰۰۳ بیش از ٤۹۰,۹۰۰ دانش‌آموز و هشت مرکز آموزش حرفه‌ای آن بیش از ۵,۱۰۰ کارآموز داشت.

۹/٤ میلیون بیمار سال ۲۰۰۲ از شبکه ۱۲۲ مرکز بهداشتی این کارگزاری استفاده کردند. خدمات مربوط به بهداشت محیط زیست به ۱/۳ میلیون پناهنده ساکن ۵۹ اردوگاه پناهندگان ارائه شد.

حدود ۲۲۹,۰۰۰ نفر سال ۲۰۰۲ کمک ویژه سختی معیشت دریافت کردند که هدف از آن تضمین حداقل معیارهای تغذیه و پناهگاه، و حمایت از اتکا به خود از طریق ارائه برنامه‌های کاهش فقر بود. برنامه درآمدزایی در ساحل غربی و نوار غزه بیش از ٥٤,۹۰۰ فقره وام به ارزش ٦٦/۲ میلیون دلار به کسب و کارهای کوچک و شرکت‌های خرد در ساحل غربی و نوار غزه داده است.

کارگزاری امداد و کار از نزدیک با نهاد فلسطینی همکاری می‌کند. این کارگزاری پس از توافق‌های سال ۱۹۹۳ بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین و تشکیل نهاد فلسطینی در ساحل غربی و نوار غزه، *برنامه تحقق صلح* خود را آغاز کرد تا تضمین کند مزایای فرآیند صلح در سطح محلی تحقق یابد. این برنامه به ارتقای زیرساختار، ایجاد اشتغال، و بهبود شرایط اقتصادی – اجتماعی در جوامع پناهندگان در سراسر حوزه‌های عملیات خود کمک کرده است. طرح‌های این کارگزاری تا پایان سال ۲۰۰۲ بیش از ۲۹۷/۸ میلیون دلار کمک و وعده کمک دریافت کرده بود.

جامعه بین‌المللی، کارگزاری امداد و کار را عاملی ثبات بخش در خاور میانه به شمار می‌آورد. خود پناهندگان به برنامه‌های این کارگزاری به عنوان نمادی از تعهد جامعه بین‌المللی نسبت به حل مساله پناهندگان فلسطینی می‌نگرند.

فصل ۶

حقوق بین الملل

حقوق بین‌الملل

از جمله فراگیرترین و نافذترین دستاوردهای سازمان ملل تدوین مجموعه‌ای از حقوق بین‌الملل، یعنی کنوانسیون‌ها، معاهدات و معیارها بوده است که نقشی محوری در حمایت از توسعه اقتصادی و اجتماعی، و همچنین صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می‌کنند. با وجود این که بسیاری از معاهدات تهیه شده به وسیله سازمان ملل مبنای قوانینی را تشکیل می‌دهند که بر روابط بین ملت‌ها حاکم است اما تلاش سازمان ملل در این زمینه همیشه مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

منشور ملل متحد به ویژه از سازمان می‌خواهد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز، از جمله حکمیت و راه حل قضایی به حل اختلاف‌های بین‌المللی کمک کند (ماده ۳۳)، و توسعه و تدوین تدریجی حقوق بین‌الملل را تشویق کند (ماده ۱۳). سازمان ملل در طول سال‌ها بیش از ۵۰۰ موافقت نامه چندجانبه که به طیفی گسترده از مسائل مشترک بین کشورها رسیدگی می‌کنند، و برای کشورهایی که آنها را تصویب می‌کنند از نظر حقوقی الزام آور است، تدوین کرده است.

فعالیت‌های حقوقی سازمان ملل در زمینه‌های بسیاری پیشگامانه بوده، به مسائلی با ابعاد بین‌المللی، رسیدگی می‌کند. سازمان ملل در خط مقدم تلاش‌ها برای تامین مجموعه‌ای حقوقی در حوزه‌هایی مانند حفاظت از محیط زیست، نظارت بر کار مهاجران، مهار قاچاق مواد مخدر و مبارزه با تروریسم بوده است. این کار، امروز در شرایطی ادامه دارد که حقوق بین‌الملل نقشی محوری‌تر براساس طیفی گسترده تر از مسائل، از جمله مفاد حقوق بشر، و قوانین بشردوستانه بین‌المللی به عهده می‌گیرند.

حل قضایی اختلافات

دیوان بین‌المللی دادگستری ارگان اصلی سازمان ملل برای حل اختلاف‌ها است. این نهاد، معروف به *دادگاه جهانی* که سال ۱۹٤٦ تاسیس شد تا پایان سال ۲۰۰۳ درباره اختلاف‌هایی که کشورها برای حل آنها به آن متوسل شده بودند ۷۸ حکم صادر کرده و ۲٤ نظر مشورتی در پاسخ به تقاضای نهادهای مجاز سازمان ملل صادر کرده بود. به بیشتر پرونده‌ها، خود این دادگاه رسیدگی کرده، اما از ۱۹۸۱ شش پرونده به تقاضای طرفین به دفترهای ویژه ارجاع شده است (به سایت دیوان در www.icj-cij.org نگاه کنید).

دیوان در قضاوت‌های خود به اختلاف‌های بین‌المللی در زمینه حقوق اقتصادی، حقوق عبور، عدم استفاده از زور، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، روابط دیپلماتیک، گروگان گیری، حق پناهندگی و ملیت رسیدگی کرده است. کشورها در جست وجوی راه حلی بی‌طرفانه برای اختلاف‌های خود، بر مبنای قانون، چنین اختلاف‌هایی را در دیوان مطرح می‌کنند. دیوان با دستیابی به راه حل مسالمت‌آمیز برای مسائلی مانند مرزهای زمینی، محدوده‌های دریایی و حاکمیت ارضی اغلب کمک کرده است تا از تشدید مشاجرات پیشگیری شود.

دیوان سال ۲۰۰۲ در یک پرونده معمولی مربوط به حقوق ارضی، اختلاف کامرون و نیجریه درباره حاکمیت بر شبه جزیره سرشار از نفت با کاسی، و سپس درباره کل مرزهای زمینی و دریایی بین این دو کشور را حل کرد. دیوان اوائل همان سال اختلاف بین اندونزی و مالزی را درباره حاکمیت بر دو جزیره دریای Celebes حل کرد و آنها را به مالزی سپرد. دیوان سال ۲۰۰۱ به اختلاف دریایی و زمینی بین قطر و بحرین که باعث تیرگی روابط آنها بود، خاتمه داد.

دیوان سال ۱۹۹۹ اختلاف مرزی حساس بین بوتسوانا و نامیبیا را با صدور حکم مورد قبول دو کشور حل و سال ۱۹۹۲ اختلافی تقریبا صد ساله بین السالوادور و هندوراس را بر طرف کرد که باعث جنگی کوتاه اما خونین در ۱۹٦۹ شده بود. دیوان در ۱۹۹٤ درباره اختلافی رای داد که لیبی و چاد به آن ارجاع کرده بودند و حکم داد که مرز آنها براساس معاهده سال ۱۹۵۵ بین لیبی و فرانسه تعیین شده است. در نتیجه لیبی نیروهایش را از ناحیه‌ای در امتداد مرز جنوبی خود با چاد عقب برد.

پرونده‌های گوناگونی در پی مناقشات یا قیام‌های سیاسی به دیوان ارجاع شده است. ایالات متحده سال ۱۹۸۰ پرونده‌ای به علت تصرف سفارت خود در تهران و بازداشت کارکنان آن مطرح کرد. دیوان حکم کرد ایران باید گروگان‌ها را آزاد کند، سفارت را برگرداند و خسارت بپردازد. اما پیش از این که دیوان مبلغ خسارت را تعیین کند، پرونده با توافق دو کشور پس گرفته شد. ایران سال ۱۹۸۹ از دیوان خواست سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران به وسیله کشتی جنگی ایالات متحده را محکوم کند و ایالات متحده را برای پرداخت غرامت به ایران مسئول بداند. این پرونده، به دنبال توافق درباره غرامت بین دو کشور، سال ۱۹۹٦ بسته شد.

نیکاراگوآ سال ۱۹۸٦ پرونده‌ای علیه ایالات متحده درباره حمایت واشنگتن از «کنترا»های نیکاراگوآ به دیوان آورد. دیوان به این نتیجه رسید که ایالات متحده، با حمایت از کنتراها و مین‌گذاری در اطراف بندرهای نیکاراگوآ – که امکان توجیه آن به عنوان «دفاع از خود دسته جمعی» وجود نداشت – تعهدات حقوقی بین‌المللی خود را، برای عدم مداخله در امور کشوری دیگر، عدم استفاده از زور علیه کشوری دیگر، و عدم نقض حاکمیت آن، زیر پا نهاده است. دیوان، بر این اساس تصمیم گرفت ایالات متحده باید خسارت بپردازد. اما سال ۱۹۹۱ پیش از تعیین مبلغ، نیکاراگوآ تقاضا کرد پرونده بسته شود.

لیبی سال ۱۹۹۲ دو پرونده درباره تفسیر یا کاربرد کنوانسیون پیشگیری از اقدامات غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری، ناشی از سقوط پرواز ۱۰۳ پان امریکن در ۱۹۸۸ در لاکربی، اسکاتلند – یکی علیه انگلیس و یکی علیه ایالات متحده – مطرح کرد. این پرونده‌ها به عنوان بخشی از توافقی بزرگتر بین طرفین سپتامبر ۲۰۰۳ از دیوان پس گرفته شد.

بوسنی و هرزگووین سال ۱۹۹۳ پرونده‌ای مربوط به کاربرد کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت کشتار جمعی علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی (صربستان و مونته‌نگرو) مطرح کرد. دیوان از دو

طرف خواست از کشتار جمعی بیشتر و تشدید بیشتر اختلافات خودداری کنند. این پرونده هنوز در جریان است.

دیوان در ۱۹۹٦ اعتراض‌های ایالات متحده را به قضاوت خود در پرونده سال ۱۹۹۲ درباره نابود کردن سکوهای نفتی ایران به وسیله کشتی‌های جنگی ایالات متحده رد و نوامبر ۲۰۰۳ حکم کرد اقدام‌های ایالات متحده را نمی‌توان به عنوان اقدامی ضروری برای محافظت از منافع امنیت ملی خود توجیه کرد. اما چون آن اقدامات نقض تعهدات آن درباره آزادی تجارت به حساب نمی‌آمد، ادعاهای ایران برای خسارت را تایید نکرد. دیوان از تایید ادعای متقابل ایالات متحده نیز خودداری کرد.

کشورها غالبا سوال‌هایی مربوط به حقوق اقتصادی تسلیم کرده‌اند. اسپانیا سال ۱۹۹۵ در اوج اختلافی درباره محدوده ماهیگیری بین کانادا و اتحادیه اروپا، پس از این که کانادا یک کشتی ماهیگیری اسپانیا را در دریاهای آزاد توقیف کرد، پرونده‌ای علیه کانادا تشکیل داد. اخیرا لیختن اشتاین علیه آلمان درباره اموال ویژه ضبط شده در طول جنگ جهانی دوم، شکایت کرد.

پرونده‌ای درباره حفاظت از محیط زیست به وسیله مجارستان و اسلواکی مطرح شد که مربوط به اختلاف درباره اعتبار معاهده سال ۱۹۹۷ آنها درباره ساخت سد در رودخانه دانوب بود. دیوان سال ۱۹۹۷ اعلام کرد هر دو کشور تعهدات حقوقی خود را نقض کرده‌اند و از آنها خواست آن معاهده را اجرا کنند.

تعداد پرونده‌های قضایی که در طول دهه گذشته به دیوان تسلیم شده به حد چشمگیری افزایش یافته است. در حالی که دیوان در دهه ۱۹۷۰ در هر زمان یک یا دو پرونده در برنامه کار خود داشت بین ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ این تعداد بین ۹ و ۱۳پرونده، متفاوت بود. از آن زمان تعداد پرونده‌ها به ۲۰ رسیده است. در پایان سال ۲۰۰۳، بیست و دو پرونده، از جمله یک پرونده در جریان، در برنامه کار دیوان قرار داشت.

نظرهای مشورتی دیوان درباره مسائل گوناگون، از جمله، پذیرش به عضویت سازمان ملل، خسارت برای صدمات وارده هنگام خدمت در سازمان ملل، موقعیت ارضی صحرای غربی، هزینه‌های بعضی از عملیات حفظ صلح و، اخیرا، موقعیت گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل بوده است. دو نظر مشورتی که در ۱۹۹٦ به تقاضای مجمع عمومی و سازمان جهانی بهداشت اعلام شد، به قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مربوط می‌شد.

دیوان سال ۱۹۷۱ در نظر مشورتی به تقاضای شورای امنیت، اعلام کرد ادامه حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا غیرقانونی است و آفریقای جنوبی متعهد است حکومت خود را بر چیند و به اشغال آن خاتمه دهد یعنی راه را برای استقلال نامیبیا در مارس ۱۹۹۰ هموار کند.

توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل

مجمع عمومی، **کمیسیون حقوق بین الملل** را سال ۱۹٤۷ تشکیل داد تا از توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن حمایت کند. این کمیسیون سالانه تشکیل جلسه می‌دهد و متشکل از ۳٤ عضو منتخب مجمع عمومی برای دوره پنج ساله است. اعضای آن به صورت دسته جمعی نماینده نظام‌های حقوقی اصلی دنیا هستند و به عنوان کارشناسانی انفرادی، نه به عنوان نمایندگان دولت‌های خود، خدمت می‌کنند. آنان به طیفی گسترده از مسائل مربوط به تنظیم روابط بین کشورها رسیدگی می‌نمایند.

بیشتر کار کمیسیون شامل تهیه متون درباره جنبه‌های حقوق بین‌الملل است. بعضی از موضوع‌ها را کمیسیون انتخاب می‌کند، موضوع‌های دیگر را مجمع عمومی به آن ارجاع می‌دهد. هنگامی که کمیسیون، اقدام درباره موضوعی را تکمیل می‌کند مجمع عمومی معمولا کنفرانسی بین‌المللی از نمایندگان تام‌الاختیار تشکیل می‌دهد تا پیش نویس را در کنوانسیون بگنجانند. کنوانسیون سپس به روی کشورها گشوده می‌شود تا رسما موافقت کنند مفاد آن را به اجرا در آورند. بعضی از این کنوانسیون‌ها اساس حقوق حاکم بر روابط بین کشورها را تشکیل می‌دهند. برای مثال:

• *کنوانسیون مربوط به استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی*، مصوب مجمع عمومی در ۱۹۹۷، که بهره‌برداری برابر و معقول از آبراه‌های مشترک بین دو یا چند کشور را تنظیم می‌کند.

• *کنوانسیون مربوط به حقوق معاهدات بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی یا بین سازمان‌های بین‌المللی*، مصوب کنفرانسی در وین در ۱۹۸٦.

• *کنوانسیون مربوط به اصل جانشینی دولت‌ها در رابطه با اموال، بایگانی‌ها و بدهی‌های کشورها*، مصوب کنفرانسی در وین در ۱۹۸۳.

• *کنوانسیون مربوط به پیشگیری و مجازات جرایم علیه افراد تحت حمایت بین‌المللی، از جمله ماموران دیپلماتیک*، مصوب مجمع عمومی در ۱۹۷۳.

• *کنوانسیون مربوط به حقوق معاهدات*، مصوب کنفرانسی در وین در ۱۹٦۹ .

• *کنوانسیون مربوط به روابط دیپلماتیک* (۱۹٦۱) و *کنوانسیون مربوط به روابط کنسولی* (۱۹٦۳)، مصوب کنفرانس‌هایی در وین.

این کمیسیون در ۱۹۹۹ پیش‌نویس اعلامیه‌ای را به منظور جلوگیری از محرومیت افراد از داشتن کشور در موقعیت‌هایی مانند انحلال یک کشور یا جدا شدن یک سرزمین، تصویب کرد. مسئولیت کشورها موضوع مهم مطالعه این کمیسیون از نخستین اجلاس آن در ۱۹٤۹ بوده است. کمیسیون در ۲۰۰۱ مطالعه خود را درباره این موضوع با تصویب پیش‌نویس

مادههایی درباره «مسئولیت کشورها برای اقدامات از نظر بین‌المللی نادرست» تکمیل کرد. این کمیسیون همچنین سال ۲۰۰۱ پیش‌نویس مفادی را درباره پیشگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک تصویب کرد و در حال حاضر در حال رسیدگی به مسئولیت بین‌المللی برای عوارض زیان‌آور ناشی از اقدامات ممنوع نشده به وسیله حقوق بین‌الملل، از جمله چنین زیان‌های فرامرزی است.

سایر موضوع‌هایی که در حال حاضر به وسیله این کمیسیون تحت بررسی است، عبارتند از: اقدام‌های یکجانبه کشورها؛ حمایت دیپلماتیک؛ شروطی برای معاهده‌ها؛ مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی؛ منابع طبیعی مشترک کشورها؛ و پراکندگی حقوق بین‌الملل، تمرکز بر دشواری‌های ناشی از تنوع بخشی و گسترش حقوق بین‌الملل (به وب سایت کمیسیون در www.un.org/law/ilc/index.htm نگاه کنید).

حقوق تجارت بین‌الملل

کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد با تدوین کنوانسیون‌ها، قوانین الگو و نمونه، مقررات و رهنمودهای حقوقی که برای هماهنگی حقوق تجارت بین‌الملل طراحی شده، تجارت جهانی را تسهیل می‌کند. این نهاد ٦٠ کشوری، که مجمع عمومی آن را در ١٩٦٦ تاسیس کرد، نمایندگان مناطق جغرافیایی و نظام‌های اقتصادی و حقوقی اصلی جهان را گرد هم می‌آورد. این کمیسیون در طول سال‌ها نهاد حقوقی اصلی نظام ملل متحد در زمینه حقوق تجارت بین‌الملل شده است. شاخه حقوق تجارت بین‌الملل دفتر امور حقوقی سازمان ملل به عنوان دبیرخانه آن خدمت می‌کند.

این کمیسیون در طول ۳۷ سال فعالیت خود متون مورد پذیرش همگان تدوین کرده که در حوزه‌های گوناگون حقوق، نقطه عطف به شمار می‌آیند. این متون شامل موارد زیر است: مقررات حکمیت کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل (١٩٧٦)؛ *مقررات مصالحه کمیسیون* حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل (١٩٨٠)؛ *کنوانسیون سازمان ملل درباره موافقت نا مه ها برای فروش بین‌المللی کالا* (١٩٨٠)؛ *حقوق الگو درباره حکمیت بازرگانی بین‌المللی کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل* (١٩٨٥)؛ *حقوق الگوی کمیسیون حقوق تجارت درباره تهیه کالا، ساخت و خدمات* (١٩٩٤)؛ *یادداشت‌های کمیسیون حقوق تجارت درباره سازمان دادن جریان داوری* (١٩٩٦)؛ و *حقوق الگو درباره بازرگانی الکترونیک* (١٩٩٦).

سایر متن‌های قابل ذکر عبارتند از: *کنوانسیون مربوط به مدت مرورزمان در فروش بین‌المللی کالا* (١٩٧٤)؛ کنوانسیون سازمان ملل درباره حمل دریایی کالاها (مقررات

هامبورگ) (۱۹۷۸)؛ *کنوانسیون سازمان ملل درباره حواله‌ها، برات‌ها و سفته‌های بین‌المللی* (۱۹۸۸)؛ *راهنمای حقوقی کمیسیون حقوق تجارت درباره تدوین موافقت نامه های بین‌المللی برای ساختن آثار صنعتی* (۱۹۸۸)؛ *کنوانسیون سازمان ملل درباره مسئولیت متصدیان پایانه‌های حمل و نقل در تجارت بین‌المللی* (۱۹۹۱)؛ *راهنمای حقوقی کمیسیون حقوق تجارت درباره معاملات بین‌المللی کالا در برابر کالا* (۱۹۹۲)؛ *کنوانسیون سازمان ملل درباره ضمانت‌های مستقل و اعتبارنامه‌های آماده* (۱۹۹۵)؛ *و حقوق الگوی کمیسیون حقوق تجارت درباره ورشکستگی‌های فرامرزی* (۱۹۹۷).

متن‌هایی که اخیرا تصویب شده شامل: *راهنمای حقوقی کمیسیون حقوق تجارت درباره طرح‌های زیربنایی با منابع مالی خصوصی* (۲۰۰۰)؛ *کنوانسیون سازمان ملل درباره حواله‌های قابل وصول در تجارت بین‌المللی* (۲۰۰۱)؛ حقوق الگوی کمیسیون حقوق تجارت درباره *امضاهای الکترونیک* (۲۰۰۱)؛ *و حقوق الگوی کمیسیون حقوق تجارت درباره مصالحه بازرگانی بین‌المللی* (۲۰۰۲).

فعالیت کنونی این کمیسیون شامل موارد زیر است: آماده کردن مجموعه‌ای از پیش‌نویس‌های مفاد حقوقی الگو تا *راهنمای حقوقی درباره طرح‌های زیربنایی با منابع مالی خصوصی* کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل را تکمیل کند؛ تدوین و انتشار سابقه و رویه قضایی درباره متون کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل؛ تهیه متن راهنمای حقوقی درباره قوانین ورشکستگی؛ تهیه پیش‌نویس‌سندی درباره حمل کالاها از دریا؛ و پیش‌نویس راهنمای حقوقی درباره بهره‌های اوراق بهادار. کار برای تهیه سندی بین‌المللی برای رسیدگی به مسائل موافقت نامه الکترونیک، و ارزیابی راه‌های حذف موانع حقوقی احتمالی در تجارت الکترونیک در اسناد بین‌المللی موجود مربوط به تجارت بین‌الملل نیز ادامه دارد.

علاوه بر این، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل، به تمرکز بر مسائل مربوط به سازو کار نوشتن، آنگونه که در *حقوق الگو درباره حکمیت بازرگانی بین‌المللی* کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل (۱۹۸۵) و *کنوانسیون مربوط به شناسایی و اجرای احکام حکمیت خارجی* (۱۹۵۸)، و همچنین یک ماده جدید مربوط به شناسایی و اجرای مقررات موقت حفاظت برای اصلاح ماده ۱۷ *حقوق الگو درباره حکمیت بازرگانی بین‌الملل* کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد گفته شده، ادامه می‌دهد.

حقوق مربوط به محیط زیست

سازمان ملل متحد پیشگام توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل مربوط به محیط زیست بوده، معاهده‌های مهمی را به وجود آورده که حمایت از محیط زیست را در همه جا افزایش داده است. **برنامه محیط**

زیست سازمان ملل متحد بسیاری از این معاهده‌ها را اجرا می‌کند و معاهده‌های دیگر را سایر نهادها، از جمله دبیرخانه‌های معاهده به اجرا در می‌آورند.

• *کنوانسیون تالاب‌های دارای اهمیت بین‌المللی به ویژه به عنوان زیستگاه پرندگان آبی* (۱۹۷۱) کشورهای عضو را متعهد می‌سازد از همه تالاب‌های خود مسئولانه استفاده کنند. این کنوانسیون به وسیله سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ایجاد شد.

• *کنوانسیون مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان* (۱۹۷۲) کشورهای عضو را متعهد می‌سازد از نواحی طبیعی و فرهنگی منحصر به فرد حفاظت به عمل آورند. این کنوانسیون نیز با حمایت یونسکو تدوین شد.

• *کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های به خطر افتاده گیاهان و جانوران وحشی* (۱۹۷۳) تجارت بین‌المللی گونه‌ها یا محصولات منتخب حیوانات و گیاهان وحشی را از طریق سهمیه بندی یا ممنوعیت مستقیم کنترل می‌کند تا بقای آنها را تضمین کند.

• *هدف از تدوین کنوانسیون بن درباره محافظت از گونه‌های مهاجر حیوانات وحشی* (۱۹۷۹)، و مجموعه‌ای وابسته از موافقت نامه های منطقه‌ای و مربوط به گونه‌های ویژه، حفظ گونه‌های مهاجر خشکی، دریایی و هوایی و زیستگاه آنها است.

• *کنوانسیون مربوط به آلودگی هوای فرامرزی دور برد (کنوانسیون باران اسیدی) (۱۹۷۹) و پروتکل‌های آن، که مذاکرات مربوط به آن تحت نظارت کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا انجام شد، کنترل و کاهش آلودگی هوا در اروپا و آمریکای شمالی را پیش‌بینی کرده است.*

• کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق دریا *(۱۹۸۲) مسایل گوناگون دریایی را به روشی فراگیر تنظیم می‌کند. این مسائل شامل حقوق دریا نوردی کشوری و نظامی؛ حفاظت از سواحل و محیط زیست دریایی؛ حقوق مربوط به منابع زنده و غیرزنده؛ و تحقیقات علمی دریایی است.*

• کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازون (۱۹۸۵) ، *پروتکل مونترال* (۱۹۸۷) و متمم‌های آن می‌کوشند خسارت به لایه ازون را کاهش دهند که زندگی را در برابر تشعشعات زیانبار ماورای بنفش خورشید حفظ می‌کند.

• *کنوانسیون بازل درباره کنترل نقل و انتقال فرامرزی مواد زائد خطرناک و نابود کردن آنها* (۱۹۸۹) و متمم آن کشورهای عضو را متعهد می‌سازد حمل و نقل و جا به جایی مواد زائد خطرناک از مرزها را کاهش دهند؛ مقدار وسمیت ایجاد شده به وسیله مواد زائد خطرناک را به حداقل برسانند؛ و تضمین کنند که مدیریت آنها در رابطه با محیط‌زیست درست و تا حد امکان به منبع تولید نزدیک باشد. کشورهای عضو در ۱۹۹۹ پروتکلی درباره مسئولیت و خسارت ناشی از نقل و انتقال مرزی مواد زائد خطرناک تصویب کردند.

• *صندوق چند جانبه برای اجرای پروتکل مونترال (۱۹۹۱) ایجاد شد تا به کشورهای در حال توسعه عضو پروتکل مونترال که مصرف و تولید سرانه سالانه مواد نابود کننده ازون آنها کمتر از ۰/۳ کیلوگرم است. – معروف به کشورهای ماده ۵ – کمک شود از مقررات کنترل آن پیروی کنند. کمک‌ها به صندوق چند جانبه از کشورهای غیر ماده ۵ بر اساس مقیاس ارزیابی‌های سازمان ملل تعیین می‌شود.*

• هدف از تدوین موافقت نامه محافظت از حیوانات پستاندار دریاهای بالتیک و شمال *(۱۹۹۱) که تحت نظارت کنوانسیون گونه‌های مهاجر* منعقد شد، حمایت از همکاری نزدیک بین اعضا، با نظری به دستیابی و حفظ موقعیتی مناسب محافظت حیوانات پستاندار کوچک است. کشورهای عضو موظف هستند در محافظت و مدیریت، پژوهش و تحقیق، کاهش آلودگی و اطلاعات همگانی مربوط به زیست بوم شرکت کنند.

• *کنوانسیون تنوع زیستی* (۱۹۹۲) می‌کوشد تنوع زیستی را حفظ کند، از استفاده قابل دوام اجزای آن حمایت، و تقسیم منصفانه مزایای ناشی از استفاده از منابع ژنتیک را تشویق کند. *پروتکل کارتاژنای ایمنی زیستی* آن (۲۰۰۰) می‌کوشد از تنوع زیستی در برابر خطرهایی بالقوه حمایت کند که ممکن است به وسیلهٔ ارگانیزم‌های زندهٔ تغییر یافته ایجاد شوند که از فن‌آوری زیستی مدرن ناشی می‌شوند. این پروتکل روش توافقی اطلاع دادن از پیش به وجود می‌آورد تا تضمین شود که به کشورها از قبل هشدار کتبی و اطلاعات لازم برای اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه، پیش از توافق درباره نخستین مورد وارد کردن ارگانیزم‌های زنده تغییر یافته، را می‌دهد که قرار است آگاهانه در محیط زیست عرضه شوند.

• *کنوانسیون چارچوب درباره تغییر اقلیم* (۱۹۹۲) کشورهای عضو را متعهد می‌سازد انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهند، گازهایی که باعث گرم شدن جهان و مشکلات جوی مربوطه می‌شوند. *پروتکل کیوتو* مربوط به این کنوانسیون (۱۹۹۷) واکنش بین‌المللی به تغییرات اقلیمی را، با فراخوان کشورهای صنعتی برای تحقق هدف‌های الزام‌آور حقوقی مربوط به انتشار گازهای گلخانه‌ای در طول دوره ۲۰۱۲–۲۰۰۸، تقویت می‌کند. این پروتکل همچنین چند ساز و کار به وجود می‌آورد که تا حدی انعطاف پذیری را در این زمینه میسر می‌سازد که کشورهای صنعتی چگونه انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را کاهش می‌دهند و اندازه‌گیری می‌کنند.

• *کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با بیابان زایی در کشورهای دچار خشکسالی شدید و یا بیابان زایی، به ویژه در آفریقا* (۱۹۹٤) می‌کوشد از همکاری بین‌المللی برای اقدام در زمینه مبارزه با بیابان‌زایی حمایت و عوارض خشکسالی را کاهش دهد.

• *موافقت نامه محافظت از جانوران پستاندار در دریای سیاه، مدیترانه و منطقه مجاور اقیانوس اطلس* (۱۹۹٦) می‌کوشد خطرهایی که نهنگ‌ها و فک‌ها را در دریای مدیترانه و دریای سیاه تهدید می‌کنند، کاهش دهد. این موافقت نامه ایجاب می‌کند کشورها برنامه محافظتی مشروحی را برای پستانداران

دریایی اجرا کنند، از جمله با وضع قانون ممنوعیت شکار عمدی پستانداران دریایی؛ اتخاذ تدابیری برای کاهش صید تصادفی آنها؛ و ایجاد مناطق حفاظت شده.

• *کنوانسیون رتردام درباره روال موافقت با آگاهی قبلی درباره بعضی از مواد شیمیایی و حشره‌کش‌های خطرناک در تجارت بین‌الملل* (۱۹۹۸) صادرکنندگان مواد شیمیایی یا حشره‌کش‌های خطرناک را موظف می‌سازد درباره خطرهای بالقوه آن ماده برای بهداشت و محیط زیست به کشور واردکننده اطلاعات بدهند.

• *هدف کنوانسیون استکهلم درباره آلاینده‌های ارگانیک پایدار (۲۰۰۱) کاهش و حذف پخش بعضی از حشره‌کش‌ها، مواد شیمیایی و محصولات فرعی صنعتی بسیار سمی – مانند ددت، پی‌سی‌بی‌ها و دیوکسین – است که به سرعت جابه‌جا و در زنجیره غذایی ترکیب می‌شوند.*

• *برنامه انسان زیست کره* (بیوسفر) یونسکو، مبنای لازم را برای استفاده قابل دوام و محافظت از تنوع زیستی در علوم اجتماعی و طبیعی، و اصلاح رابطه بین مردم و محیط زیست آنان در سراسر جهان به وجود می‌آورد. این برنامه، تحقیق، نشان دادن و آموزش بین رشته‌ای در مدیریت منابع طبیعی را تشویق می‌کند.

سازمان بین‌المللی دریانوردی کنوانسیون‌هایی تدوین کرده است که به کاهش آلودگی دریاها کمک کرده‌اند. مجموعه‌ای از برنامه‌های دریاهای منطقه‌ای به دولت‌ها کمک می‌کند از طریق کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های تحت حمایت برنامه محیط زیست سازمان ملل در ۱۳ منطقه از منابع مشترک دریایی و آبی خود محافظت کنند.

حقوق دریاها

کنوانسیون مربوط به حقوق دریاهای سازمان ملل از فراگیرترین اسناد حقوق بین الملل است. ۳۲۰ ماده و ۹ متمم آن شامل رژیم حقوقی همه جانبه‌ای برای اقیانوس‌ها و دریاهای جهان است که مقررات حاکم بر کلیه فعالیت‌ها در اقیانوس‌ها و استفاده از منابع آنها – از جمله دریانوردی، پرواز برفراز آبها، اکتشاف و بهره‌برداری از مواد معدنی دریاها، حفاظت و آلودگی، ماهیگیری و کشتیرانی – را در بر می‌گیرد. این کنوانسیون این اندیشه را می‌پذیرد که همه مشکلات محیط اقیانوس‌ها ارتباط نزدیک دارند و لازم است به صورت مجموعه ای واحد به آنها رسیدگی شود. این کنوانسیون ، مقررات سنتی برای استفاده از اقیانوس‌ها، و همچنین مقررات جدید حاکم بر مسائل در حال ظهور را در یک مجموعه گرد آورده است، مجموعه‌ای منحصر به فرد که عموماً به عنوان «قانون اساسی اقیانوس‌ها» به آن اشاره می‌شود.

اکنون همگان پذیرفته‌اند هر اقدامی در حوزه امور اقیانوس‌ها و حقوق دریاها باید مطابق با مفاد این کنوانسیون باشد، که اقتدار آن بر پذیرش تقریبا همگانی آن استوار است. این کنوانسیون بیش از ۱٤۰ کشور عضو دارد و کشورهای بسیاری در جریان تصویب آن یا الحاق به آن هستند. تقریبا همه کشورها آن را به رسمیت می‌شناسند و از مفاد آن پیروی می‌کنند.

بیستمین سالگرد گشودن این کنوانسیون برای امضا، سال ۲۰۰۲ با اجلاس عمومی دو روزه مجمع عمومی گرامی داشته شد.

تاثیر کنوانسیون

کشورها از طریق قوانین و تصمیم‌گیری‌های مربوطه ملی و بین‌المللی این کنوانسیون را همواره به عنوان سند حقوقی بین‌المللی شاخص در این حوزه تایید کرده‌اند. جامعیت آن باعث پذیرش تقریبا همگانی بعضی از مفاد اصلی آن شده است از جمله: پذیرش ۱۲ مایل دریایی به عنوان محدوده دریای ساحلی؛ حدود اختیارات کشورهای ساحلی در زمینه منابع «منطقه اقتصادی انحصاری» تا محدوده ۲۰۰ مایل دریایی؛ و حدود اختیارات آنها بر منابع فلات قاره که فراتر از محدوده‌های آن منطقه گسترش می‌یابد. این کنوانسیون همچنین در زمینه دریانوردی باعث ثبات شده، یعنی حق عبور بی‌خطر از ساحل دریاها، و حق عبور ترانزیت از تنگه‌های باریک مورد استفاده کشتیرانی بین‌المللی را تثبیت کرده است.

مجمع عمومی سال ۱۹۹٤ با تصویب *موافقت نامه مربوط به اجرای قسمت یازدهم کنوانسیون*، که بعضی از موانع را که مانع از امضای این کنوانسیون به وسیله بیشتر کشورهای صنعتی شده بود، حذف، و پذیرش تقریبا جهانی آن را تسهیل کرد. این موافقت نامه اینک با داشتن بیش از ۱۱۰ کشورعضو از پذیرش گسترده‌ای برخوردار است.

این کنوانسیون برای تاثیر آن بر کنترل کشورهای ساحلی بر تحقیقات علمی دریایی، پیشگیری از آلودگی، و دسترسی کشورهای محصور به خشکی به دریا و از دریا، پذیرفته شده است. به علاوه کنوانسیون به عنوان چارچوب و اساس تمام اسناد آینده که بخواهند حقوق و تعهدات در اقیانوس را بیشتر تعریف کنند – همچنان که در تصویب *موافقت نامه مربوط به ذخایر ماهی‌های آب‌های مرزی بین المللی و ذخایر ماهی‌های مهاجر* منعکس شده – به رسمیت شناخته شده است.

این موافقت نامه، برای محافظت و مدیریت ذخایر ماهیانی که در **منطقه اقتصادی انحصاری** ساحل کشورها می‌مانند و ماهیان مناطق فراتر و نزدیک به آن منطقه، رژیمی تعیین و تاکید می‌کند چنین مدیریتی باید بر نگرشی پیشگیرانه و احتیاطی و همچنین

بهترین مدارک علمی موجود استوار باشد. این موافقت نامه همچنین برای تدوین مفاد حقوقی کار می‌کند که دولت‌ها باید براساس آنها همکاری کنند تا داوم طولانی مدت منابع ماهیان را تضمین و از بهره‌برداری بهتر از این منابع، در داخل و خارج از منطقه اقتصادی اختصاصی خود، حمایت کنند.

نهادهای تاسیس شده بر اساس کنوانسیون

این کنوانسیون سه ارگان ویژه تاسیس کرد تا به جنبه‌های گوناگون حقوق دریا رسیدگی کنند.

نهاد بین‌المللی بستر دریا سازمانی است که کشورهای عضو از طریق آن فعالیت‌های مربوط به منابع معدنی بستر عمیق دریا در حوزه بستر دریاهای بین‌المللی، فراتر از محدوده‌های قلمرو ملی را سازمان می‌دهند و کنترل می‌کنند. این نهاد که سال ۱۹۹٤ تاسیس شد در کینگستون، جامایکا قرار دارد و سال ۲۰۰۲ «حقوق معدن» را تصویب کرد که شامل مقرراتی درباره کاوش و اکتشاف برای نودول‌های چند فلزی در «ناحیه» است (که به عنوان «بستر دریا و کف ا قیانوس و زیر خاک، فراتر از محدوده‌های قلمرو ملی» تعریف شده است).

به دنبال تصویب این حقوق، که شامل مفاد استاندارد درباره موافقت نامه های اکتشاف است، نخستین موافقت نامه های ۱۵ ساله برای اکتشاف نودول‌های چند فلزی در بستر عمیق دریاها سال ۲۰۰۱ با سرمایه گذاران پیشگام به ثبت رسیده به شرح زیر به امضا رسید: شرکت دولتی اینترپرایزیوژمور جئولوجیا (فدراسیون روسیه)؛ سازمان مشترک اینتراوشن متال (کنسرسیومی تشکیل شده به وسیله بلغارستان، کوبا، جمهوری چک، لهستان، فدراسیون روسیه و جمهوری اسلواک)؛ جمهوری کره؛ انجمن توسعه و تحقیقات مواد معدنی اقیانوس، چین (COMRA)، انستیتوی تحقیقات برای اکتشافات دریایی فرانسه (IFREMER) / انجمن فرانسوی تحقیقات و مطالعات درباره نودول (AFERNOD)؛ شرکت توسعه منابع اعماق اقیانوس (ژاپن ـ DORD)؛ و اداره توسعه اقیانوس، هند.

سرمایه‌گذاران پیشگام، شرکت‌های دولتی یا کنسرسیوم‌های چند ملیتی هستند – که با توجه به انجام فعالیت‌های اکتشافی و مشخص کردن ذخایر از نظر اقتصادی قابل بهره‌برداری نودول‌های چند فلزی در «ناحیه» پیش از تصویب کنوانسیون – به آنها در اعطای اختیار تولید نسبت به سایر متقاضیان، به استثنای خود «اینترپرایز» حق تقدم داده شد. اینترپرایز، ارگان نهاد بین‌المللی بستر دریا است که فعالیت‌هایی در «ناحیه»، آن گونه که در کنوانسیون مشخص شده، – و همچنین حمل و نقل، پردازش و بازاریابی مواد معدنی به دست آمده از «ناحیه» – انجام می‌دهد.

دادگاه بین‌المللی برای حقوق دریاها، که از سال ۱۹۹٦ فعالیت می‌کند، برای حل اختلاف‌های مربوط به تفسیر یا کاربرد کنوانسیون تاسیس شد. این دادگاه متشکل از ۲۱ قاضی انتخابی کشورهای عضو در بندر هامبورگ، آلمان واقع شده و نخستین تقاضا برای تشکیل پرونده را در نوامبر ۲۰۰۱ دریافت کرد.

از آن زمان ۱۱ پرونده به آن تسلیم شده که بیشتر آنها خواهان آزادی فوری کشتی‌ها و خدمه آنها بودند که ظاهرا به علت نقض مفاد کنوانسیون توقیف شده بودند. بعضی از پرونده‌ها به محافظت منابع زنده – بیشتر، ذخایر ماهی‌های تن باله آبی جنوبی، در شکایت *نیوزیلند از ژاپن* و شکایت *استرالیا از ژاپن* ؛ و ذخایر شمشیر ماهی در جنوب شرقی اقیانوس آرام در پرونده‌ای بین شیلی و جامعه اروپا، مربوط بوده است. پرونده دیگر به شکایت ایرلند برای پیشگیری از انتقال آلودگی از خشکی به دریا، از کارخانه‌ای که طراحی شده تا سوخت هسته‌ای مصرف شده را به سوختی تازه به نام «سوخت اکسید مخلوط» تبدیل کند، علیه انگلیس مربوط می‌شد.

هدف **کمیسیون محدوده‌های فلات قاره** تسهیل اجرای کنوانسیون با توجه به ترسیم محدوده‌های فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل دریایی از خطوط پایه است که از آنجا وسعت دریای ساحلی اندازه‌گیری می‌شود. بر اساس کنوانسیون، کشورهای ساحلی محدوده‌های بیرونی فلات قاره خود را، جایی که فراتر از ۲۰۰ مایل گسترش می‌یابد، بر مبنای توصیه‌های کمیسیون تعیین می‌کنند.

کمیسیون، نخستین اجلاس خود را سال ۱۹۹۷ در مقر سازمان ملل تشکیل داد. ۲۱ عضو آن، که به وسیله کشورهای عضو کنوانسیون انتخاب می‌شوند، در موقعیت شخصی خود خدمت می‌کنند. آنان کارشناسان رشته‌های زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، آب شناسی، و زمین‌سنجی هستند. کمیسیون، نخستین تقاضای یک کشور، یعنی فدراسیون روسیه، را دسامبر ۲۰۰۱ دریافت کرد.

اجلاس کشورهای عضو موافقت نامه

اگر چه این کنوانسیون، تشکیل کنفرانس ادواری کشورهای عضو را پیش‌بینی نکرده، اجلاس سالانه کشورهای عضو که به وسیله دبیرکل تشکیل می‌شود، به عنوان مجمعی خدمت کرده که در آن درباره مسائل مورد علاقه بحث شده است. این علاوه بر وظایف اداری محول شده به آن، مانند انتخاب اعضای دادگاه و کمیسیون، و همچنین سایر اقدامات اداری و بودجه‌ای است.

مجمع عمومی وظیفه‌ای نظارتی در رابطه با امور اقیانوس‌ها و حقوق دریاها انجام می‌دهد. مجمع سال ۲۰۰۰ یک فرآیند مشورتی نامحدود و غیررسمی برای تسهیل بررسی سالانه خود از تحولات در این زمینه ایجاد کرد. این فرآیند، که سالانه برگزار می‌شود، درباره مسائل ویژه با تاکید بر شناسایی حوزه‌هایی که هماهنگی و همکاری بین دولت‌ها و کارگزاری‌ها باید بیشتر شود – به ویژه در حوزه‌های ایمنی دریانوردی، و حمایت از نظام‌های زیست آسیب‌پذیر دریایی – پیشنهادهایی به مجمع می‌دهد. این فرآیند مشورتی، که در اصل برای سه سال تشکیل شد، به دلیل نتایج مثبتی که به آنها دست یافته سه سال دیگر تمدید شده است.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی

حقوق بشردوستانه بین‌المللی شامل اصول و مقرراتی است که روش‌ها و شیوه‌های جنگ، و همچنین حمایت بشردوستانه از مردم غیرنظامی، جنگجویان بیمار و مجروح، و زندانیان جنگی را تنظیم می‌کنند. اسناد عمده در این زمینه شامل *کنوانسیون ژنو برای حمایت از قربانیان جنگ* (۱۹٤۹) و دو پروتکل الحاقی است که سال ۱۹۷۷ تحت نظارت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ منعقد شد.

سازمان ملل در چند سال گذشته نقشی برجسته در تلاش‌ها برای پیشبرد حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر عهده گرفته است. شورای امنیت به حد روزافزونی در حمایت از غیرنظامیان در مناقشات مسلحانه در گیر شده، و به حمایت از حقوق بشر و حفاظت از کودکان در جنگ‌ها پرداخته است. ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا، همچنین دادگاه‌هایی در تی‌مور – لسته، سیرالئون و کامبوج نه فقط به تضمین پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، بلکه همچنین به تقویت و شناخت گسترده‌تر حقوق بشردوستانه کمک می‌کند. تشریح کمیسیون تدارکاتی دادگاه بین‌المللی کیفری از «عناصر جنایات»، با توجه به کشتار جمعی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، مساعدت ملموس دیگری برای درک حقوق بشردوستانه بین المللی است.

مجمع عمومی، به عنوان گردهمایی سیاسی سازمان ملل، به تدوین تعدادی از این اسناد کمک کرده است. از جمله این اسناد *کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات کشتار جمعی* (۱۹٤۸)؛ *کنوانسیون عدم امکان استفاده از مقررات مرورزمان در مورد جنایات جنگی و جنایت‌ها علیه بشریت* (۱۹٦۸)؛ *کنوانسیون ممنوعیت و محدودیت‌های استفاده از بعضی از سلاح‌های متعارف که ممکن است به شدت زیانبار بوده یا عوارض همگانی داشته باشند* (۱۹۸۰) و چهار پروتکل آن؛ و *اصول همکاری بین‌المللی در شناسایی، دستگیری، استرداد و مجازات مجرمان جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است* که مجمع عمومی سال ۱۹۷۳ آنها را تصویب کرد. مجمع عمومی همچنین در تشکیل کنفرانسی دیپلماتیک تسهیل ایجاد کرد که **قانون دادگاه بین‌المللی کیفری رم** را تصویب کرد.

دادگاه‌های بین‌المللی

نقض گسترده حقوق بشردوستانه بین‌المللی در یوگسلاوی سابق و رواندا، شورای امنیت را واداشت دو دادگاه بین‌المللی برای تعقیب مسئولان چنین تخلف‌هایی ایجاد کند. این دو دادگاه براساس فصل هفتم منشور ایجاد شدند که به تدابیر اجرایی، مربوط می‌شود و ارگان‌های وابسته به شورا هستند.

• **دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق**، تاسیس سال ۱۹۹۳، از چهار شعبه (سه شعبه برای محاکمه بدوی و یکی برای استیناف)، دادستانی و بایگانی تشکیل شده است.

دیوان بین‌المللی کیفری

(www.icc-cpi.int/php/index.php)

اندیشه تشکیل دیوان بین‌المللی دائمی برای تعقیب جنایت‌ها علیه بشریت، نخستین بار در سازمان ملل در چارچوب تصویب کنوانسیون کشتار جمعی سال ۱۹٤۸ مورد توجه قرار گرفت. اختلاف عقاید سال‌ها مانع از تحولات و پیشرفت‌های بیشتر می‌شد. مجمع عمومی در ۱۹۹۲ کمیسیون حقوق بین الملل را هدایت کرد پیش‌نویس قانون موضوعه را برای چنین دادگاهی آماده کند. قتل عام‌ها در کامبوج، یوگسلاوی سابق و رواندا نیاز به آن را بیشتر کرد.

دیوان بین‌المللی کیفری که به وسیله قانون موضوعه دیوان بین‌المللی کیفری رم (www.un.org/law/icc)، تشکیل و ۱۷ ژوییه ۱۹۹۸ در کنفرانس تام‌الاختیار رم به تصویب رسید، برای تعقیب افرادی که مرتکب کشتار جمعی، جنایت‌های جنگی و جنایات علیه بشریت می‌شوند، صلاحیت قانونی دارد. این دادگاه همچنین برای رسیدگی به جنایت تجاوز، هنگامی که در مورد تعریف چنین جنایتی توافق وجود داشته باشد، صلاحیت قانونی خواهد داشت. قانون موضوعه اول ژوییه ۲۰۰۲ به اجرا در آمد و تا دسامبر ۲۰۰۳، نودو دو کشور متعهد داشت.

این دیوان ۱۸ قاضی دارد که به وسیله کشورهای عضو برای یک دوره محدود به ۹ سال انتخاب می‌شوند. دو قاضی آن نمی‌توانند از یک کشور باشند. قضات فوریه ۲۰۰۳ انتخاب شدند و در مارس کار خود را آغاز کردند. رئیس دیوان قاضی فیلیپه کرچ (از کانادا) است؛ دادستان آن لوییس موره نو اوکامپو (از آرژانتین)؛ و بایگان و مسئول ثبت آن برونو کاتالا (از فرانسه) است.

مقر دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه، هلند است وبودجه نخستین سال مالی(سپتامبر ۲۰۰۲ - دسامبر ۲۰۰۳) آن ۳۰,۸۹۳,۵۰۰ یورو بود.

این دادگاه بر اساس قانون موضوعه خود می‌تواند چهار نوع جرم را تحت پیگرد قرار دهد: نقض شدید کنوانسیون‌های ژنو، نقض قوانین یا رسوم جنگ؛ کشتار جمعی؛ و جنایات علیه بشریت. محل این دادگاه شهر لاهه، هلند است.

• **دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا**، تاسیس ۱۹۹٤، از چهار شعبه (سه شعبه برای محاکمه بدوی و یک شعبه برای استیناف)، دادستانی و بایگانی تشکیل شده است. این دادگاه در آروشا، تانزانیا ودفتر دادستان آن در کیگالی، رواندا، قرار دارد و حکم سال ۱۹۹۸ آن نخستین حکم محکومیت کشتار جمعی به وسیله یک دادگاه بین‌المللی بود.

این دادگاه‌ها شعبه استیناف مشترک دارند و در آغاز دادستان مشترک داشتند. آنها در چند محاکمه درگیرند و در مجموع بیش از ۱۵۰ نفر را محاکمه کرده‌اند. شورای امنیت اوت ۲۰۰۳ تصمیم گرفت هر دادگاه باید دادستان ویژه خود را داشته باشد.

دادگاه ویژه برای سیرالئون، نهاد قضایی مستقلی است که ژانویه ۲۰۰۳ در پی توافق بین دولت سیرالئون و سازمان ملل برای محاکمه افرادی که بیشترین مسئولیت را در ارتکاب جنایات علیه بشریت، جنایت‌های جنگی و سایر موارد نقض حقوق بشر دوستانه بین المللی دارند، و همچنین از ۳۰ نوامبر ۱۹۹٦ بر اساس قوانین سیرالئون مرتکب جنایاتی در خاک این کشور شده‌اند، تشکیل شد. محل آن در فری‌تاون، سیرالئون است. دبیرکل سازمان ملل، دادستان و مسئول بایگانی و ثبت آن را منصوب می‌کند. دبیرکل و دولت سیرالئون، قضات محاکمات بدوی و استیناف را منصوب می‌کنند.

تروریسم بین‌المللی

سازمان ملل متحد همواره به مساله تروریسم، در سطح حقوقی و سیاسی رسیدگی کرده است.
سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن – مانند سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری، سازمان بین‌المللی دریانوردی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی – در گستره حقوقی، مجموعه‌ای از موافقت نامه های بین‌المللی به وجود آورده‌اند که اسناد حقوقی پایه‌ای علیه تروریسم را تشکیل می‌دهند. این اسناد عبارتند از:

• کنوانسیون مربوط به خلاف‌ها و بعضی اقدامات ارتکابی در هواپیما (توکیو، ۱۹۶۳).
• کنوانسیون پیشگیری از ضبط غیرقانونی هواپیماها (لاهه، ۱۹۷۰).
• کنوانسیون پیشگیری از اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری (مونترال ۱۹۷۱).
• کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم علیه اشخاصی که تحت حمایت بین‌المللی قرار دارند، از جمله عوامل دیپلماتیک (نیویورک، ۱۹۷۳).
• کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای (وین ۱۹۸۰).
• پروتکل پیشگیری از اقدامات خشن غیرقانونی در فرودگاه‌های هواپیمایی بین‌المللی کشوری (مونترال، ۱۹۸۸).
• کنوانسیون پیشگیری از اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی کشتیرانی(رم، ۱۹۸۸).
• پروتکل پیشگیری از اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی سکوهای ثابت واقع در فلات قاره (رم، ۱۹۸۸).
• کنوانسیون علامت‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور تشخیص آنها (مونترال، ۱۹۹۱).

مجمع عمومی همچنین چهار کنوانسیون زیر را منعقد کرده است.
• کنوانسیون علیه گروگانگیری (۱۹۷۹)، که در آن کشورهای عضو موافقت می‌کنند گروگانگیری را با اقدام‌های مناسب مجازات کنند. آنها همچنین موافقت می‌کنند انجام بعضی فعالیت‌ها را در سرزمین خود ممنوع کرده، اطلاعات را مبادله و جریان استرداد مجرمین یا دعاوی حقوقی کیفری را امکان پذیر کنند. اگر یک کشورعضو، خلافکاری را تحویل ندهد، باید پرونده را برای تعقیب جزایی به مسئولان خود تسلیم کند.
• *کنوانسیون ایمنی پرسنل سازمان ملل ونهادهای وابسته به آن* (۱۹۹٤) که پس از حمله‌های بسیار به کارکنان سازمان ملل در مناطق مختلف که منجر به جرح و مرگ شد، به تصویب مجمع عمومی رسید.

• *کنوانسیون بین‌المللی برای پیشگیری از بمباران‌های تروریستی* (۱۹۹۷). هدف این کنوانسیون این است کشورهای عضو را موظف کند اگر بمب‌گذاران تروریستی تحت تعقیب را به کشوری که تقاضای استرداد آنان را کرده، تحویل نمی‌دهند این افراد را محاکمه کنند تا از «پناهگاه‌های امن» محروم شوند.

• *کنوانسیون بین‌المللی برای پیشگیری از تامین مالی تروریسم* (۱۹۹۹)، کشورهای عضو کنوانسیون را موظف می‌سازد افراد متهم به تامین مالی فعالیت‌های تروریستی را تعقیب یا مسترد دارند و بانک‌ها را ملزم می‌سازد مقرراتی برای شناسایی معامله‌های مشکوک وضع کنند.

کمیته‌ای که سال ۱۹۹٦ به وسیله مجمع عمومی ایجاد شد در حال تدوین کنوانسیون برای پیشگیری از اقدام‌های تروریسم هسته‌ای و کنوانسیونی فراگیر علیه تروریسم بین‌المللی است.

مجمع عمومی، در گستره سیاسی، سال ۱۹۹٤ *اعلامیه تدابیری برای حذف تروریسم بین‌المللی*، و در ۱۹۹٦ *اعلامیه متمم اعلامیه ۱۹۹٤* را تصویب کرد که همه اقدام‌ها و روش‌های تروریسم را به عنوان اعمالی جنایی و غیرقابل توجیه در هر جا و به وسیله هر فرد، محکوم کرد. مجمع به کشورها تاکید کرد تدابیری در سطوح ملی و بین‌المللی برای حذف تروریسم بین‌المللی به عمل آورند.

سایر مسائل حقوقی

مجمع عمومی اسناد حقوقی درباره مسائل گوناگون دیگری تصویب کرده است. از جمله این اسناد: *کنوانسیون بین‌المللی علیه استخدام، استفاده، تامین مالی و آموزش* مزدوران (۱۹۸۹)؛ *مجموعه اصول برای حمایت از کلیه افرادی که تحت هر شکل از بازداشت یا زندان هستند (۱۹۸۸)*؛ و *اعلامیه مربوط به افزایش تاثیر اصل خودداری از تهدید یا استفاده از زور در روابط بین‌الملل* ۱۹۸۷).

مجمع عمومی، اسناد بین‌المللی بسیاری به توصیه **کمیته ویژه مربوط به منشور سازمان ملل و تقویت نقش سازمان**، که سال ۱۹۷٤ به وسیله مجمع تشکیل شد، تصویب کرده است. این اسناد شامل *مقررات الگوی سازمان ملل برای حل اختلاف‌ها بین کشورها* (۱۹۹۵)؛ *اعلامیه مربوط به افزایش همکاری بین سازمان ملل و ترتیبات یا کارگزاری‌های منطقه‌ای در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی* (۱۹۹٤)؛ *اعلامیه مربوط به حقیقت‌یابی به وسیله سازمان ملل در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی* (۱۹۹۱)؛ *اعلامیه پیشگیری و حذف اختلاف‌ها و موقعیت‌هایی که ممکن است صلح و امنیت*

بین‌المللی را به خطر اندازند و درباره نقش سازمان ملل در این زمینه (۱۹۸۸)؛ *و اعلامیه درباره حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی* (۱۹۸۲) است.

بر اساس ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد، کشورهای عضو باید موافقت نامه های بین‌المللی را که با سازمان ملل منعقد می‌کنند به ثبت برسانند. **دفتر امور حقوقی** سازمان ملل مسئول ثبت، نگهداری و انتشار معاهده‌ها و کنوانسیون‌ها است. این دفتر *مجموعه معاهده‌های سازمان ملل* را منتشر می‌کند که شامل متن بیش از ۵۰ هزار معاهده و اطلاعات مربوط به آنها است. این دفتر همچنین کتاب *معاهده‌های چند جانبه سپرده شده نزد دبیرکل* را منتشر می‌کند که شامل بیش از ۵۰۰ معاهده مهم است که کشورهای عضو (به دبیرکل) سپرده‌اند (به http://untreaty.un.org نگاه کنید).

فصل ۷

استعمارزدایی

استعمار زدایی

بیش از ۸۰ کشور که مردم آنها تحت سلطه استعماری بودند از زمان تشکیل سازمان ملل متحد سال ۱۹٤۵ به عنوان کشورهای مستقل دارای حق حاکمیت به این سازمان جهانی پیوسته‌اند. به علاوه سرزمین‌های بسیار دیگری از طریق اتحاد سیاسی یا ادغام در یک کشور مستقل به حق تعیین سرنوشت و خودمختاری دست یافته‌اند. سازمان ملل با تشویق آرمان‌های ملت‌های وابسته و با تعیین هدف‌ها و معیارهایی برای تسریع دستیابی آنها به استقلال نقشی حیاتی در این تغییر تاریخی ایفا کرده است. هیات‌های سازمان ملل متحد در برگزاری انتخابات منتهی به استقلال – در توگولند (۱۹۵٦و ۱۹٦۸)، ساموآغربی (۱۹٦۱)، نامیبیا (۱۹۸۹)، و اخیرا تی‌مور لسته (تی مورشرقی پیشین) – نظارت کرده‌اند.

تلاش‌های سازمان ملل برای استعمارزدایی، از اصول «حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت مردم» منشور و همچنین از سه فصل ویژه در منشور یعنی فصول ۱۱، ۱۲و ۱۳ سرچشمه می‌گیرند که به منافع ملت‌های وابسته اختصاص داده شده‌اند. سازمان ملل از سال ۱۹٦۰ همچنین براساس **اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم مستعمره** مصوب مجمع عمومی، معروف به اعلامیه استعمارزدایی، عمل کرده است که کشورهای عضو به موجب آن ضرورت به پایان بردن سریع استعمارگری را اعلام کردند. سازمان ملل همچنین با قطعنامه ۱۵٤۱ (پانزده) ۱۵ دسامبر ۱۹٦۰ مجمع عمومی سه انتخابی را تعیین کرد که حق کامل تعیین سرنوشت را برای سرزمین‌های فاقد استقلال ارائه می‌داد.

با وجود پیشرفت بسیار علیه استعمارگری، هنوز حدود ۲ میلیون نفر تحت سلطه استعمار زندگی می‌کنند و سازمان ملل به تلاش‌های خود برای کمک به تحقق حق تعیین سرنوشت در سرزمین‌های باقیمانده فاقد استقلال ادامه می‌دهد.

نظام قیمومت بین‌المللی

سازمان ملل متحد براساس فصل ۱۲ منشور، نظام قیمومت بین‌المللی را برای سرپرستی و نظارت بر سرزمین‌های تحت قیمومت به وجود آورد که بر اساس موافقت نامه های انفرادی با کشورهایی که آنها را اداره می‌کردند، تحت نظر آن قرار گرفته بودند.

این نظام سرزمین‌های زیر را در بر می‌گرفت: (الف) سرزمین‌های نگهداری شده تحت قیمومت که پس از جنگ جهانی اول به وسیله جامعه ملل ایجاد شده بودند؛ (ب) سرزمین‌هایی که در نتیجه جنگ جهانی دوم از «کشورهای دشمن» جدا شدند؛ و (ج) سرزمین‌هایی که داوطلبانه به وسیله کشورهای مسئول اداره آنها تحت اختیار این نظام گذاشته شدند. هدف نظام قیمومت، حمایت از پیشرفت سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی این سرزمین‌ها و پیشرفت آنها به سمت حکومت بر خود و حق تعیین سرنوشت بود.

شورای قیمومت بر اساس فصل ۱۳ منشور، برای نظارت بر اداره اراضی تحت قیمومت و حصول اطمینان از این امر ایجاد شد که دولت‌های مسئول اداره آنها اقدام‌های کافی برای آماده کردن آنها برای تحقق هدف‌های منشور انجام دهند.

۱۱ سرزمین سال‌های نخست عمر سازمان ملل تحت نظام قیمومت قرار گرفتند (به جدول‌های بخش ۳ نگاه کنید). هر ۱۱ سرزمین در طول سال‌ها استقلال یافتند یا داوطلبانه در کشوری ادغام شدند.

آخرین سرزمینی که چنین کرد سرزمین تحت قیمومت جزایر اقیانوس اطلس (پالائو) بود که ایالات متحده آن را اداره می‌کرد. شورای امنیت پس از این که پالائو در همه‌پرسی سال ۱۹۹۳ اتحاد آزاد با ایالات متحده را برگزید، سال ۱۹۹٤ موافقت نامه قیمومت سازمان ملل را برای این سرزمین لغو کرد. پالائو سال ۱۹۹٤ مستقل شد و به عنوان صدوهشتادمین عضو سازمان ملل به آن پیوست. نظام قیمومت بدون باقی ماندن سرزمینی دیگر در دستور کار آن، وظیفه تاریخی خود را انجام داده است.

سرزمین‌های غیرخود مختار

منشور ملل متحد به مساله سایر سرزمین‌های غیر خودمختار که در نظام قیمومت قرار نگرفتند نیز رسیدگی می‌کند.

فصل ۱۱ منشور یعنی اعلامیه مربوط به سرزمین‌های غیر خود مختار تصریح می‌کند کشورهای عضو که سرزمین‌هایی را اداره می‌کنند که هنوز به خود مختاری نائل نشده‌اند می‌پذیرند که «تامین منافع ساکنان این سرزمین‌ها دارای اهمیت بسیار زیاد است» و وظیفه حمایت از رفاه آنان را به عنوان «ماموریتی مقدس» می‌پذیرند.

قدرت‌های اداره کننده، به این منظور علاوه بر تضمین پیشبرد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی این مردم، متعهد می‌شوند در ایجاد نهادهای سیاسی دموکراتیک و نیل به خودمختاری به آنان کمک کنند. قدرت‌های اداره کننده تعهد دارند اطلاعات مربوط به شرایط اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سرزمین‌های تحت اداره خود را مرتبا به دبیرکل منتقل کنند.

هشت کشور عضو یعنی استرالیا، بلژیک، دانمارک، فرانسه، هلند، نیوزیلند، انگلیس و ایالات متحده سال ۱۹٤٦ سرزمین‌های تحت اداره خود را که غیر خود مختار به حساب می‌آوردند، مشخص کردند. در مجموع ۷۲ سرزمین مشخص شدند که هشت سرزمین از آنها پیش از سال ۱۹۵۹ مستقل شدند. مجمع عمومی سال ۱۹٦۳ فهرستی تجدید نظر شده از ٦٤ سرزمین را تصویب کرد که اعلامیه استعمارزدایی سال ۱۹٦۰ در مورد آنها صدق می‌کرد. ۵۳ سرزمین تا سال ۱۹۹۰ به استقلال دست یافته بودند. تا سال ۲۰۰۳ شانزده سرزمین غیرمستقل وجود داشت (به جدول صفحه بعد نگاه کنید). قدرت‌های اداره کننده کنونی فرانسه، نیوزیلند، انگلیس و ایالات متحده هستند.

سرزمین‌هایی که اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار، تا سال ۲۰۰۳ درباره آنها صدق می‌کرد

سرزمین	نهاد اداره کننده
آفریقا:	
صحرای غربی[1]	
آسیا و اقیانوس آرام:	
ساموآی آمریکا	ایالات متحده
گوام	ایالات متحده
کالدونیای جدید[2]	فرانسه
پیت کرن	انگلیس
توکه‌لائو	نیوزیلند
اقیانوس اطلس، کاراییب و مدیترانه:	
انگوییلا	انگلیس
برمودا	انگلیس
جزایر ویرجین انگلیس	انگلیس
جزایر کیمن	انگلیس
جزایر فالکلند (مالویناس)	انگلیس
جبل‌الطارق	انگلیس
مونتسرات	انگلیس
سنت هلنا	انگلیس
جزایر ترک‌ها و کایکوها	انگلیس
جزایر ویرجین ایالات متحده	ایالات متحده

۱. اسپانیا ۲۶ فوریه سال ۱۹۷۶ به دبیرکل اطلاع داد از آن تاریخ به حضور خود در سرزمین صحرا خاتمه داده و ضروری می‌داند این موضوع را به ثبت برساند که اسپانیا از آن زمان با توجه به قطع مشارکت خود در اداره موقت این سرزمین خود را از هر مسئولیتی در ارتباط با اداره آن مبرا می‌داند. مجمع عمومی سال ۱۹۹۰ تایید کرد مساله صحرای غربی مساله مربوط به استعمارزدایی است که باید به وسیله مردم صحرای غربی تکمیل شود.

۲. مجمع عمومی ۲ دسامبر سال ۱۹۸۶ اعلام کرد کالدونیای جدید سرزمینی غیرمستقل است.

اعلامیه مربوط به اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار

آرزوهای مردمان این سرزمین‌ها برای دستیابی به استقلال، و استنباط جامعه بین‌المللی دایر بر این که اصول منشور در این زمینه با کندی بسیار به اجرا گذاشته می‌شود، مجمع عمومی را وادار کرد ١٤ دسامبر ١٩٦٠ *اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار* (قطعنامه (١٥) ١٥١٤) را صادر کند.

این اعلامیه تصریح می‌کند قرار دادن مردم در معرض انقیاد، تسلط و استثمار خارجی، محرومیت از حقوق بشر بنیادی به شمار می‌رود، و مخالف منشور و مانعی بر سر راه حمایت از صلح و همکاری جهانی است. اعلامیه فوق می‌افزاید «برای انتقال همه اختیارات به مردم سرزمین‌های تحت قیمومت و فاقد استقلال یا همه سرزمین‌هایی که هنوز به استقلال دست نیافته‌اند، باید اقدام‌های آنی، بدون هیچ قید و شرطی مطابق با اراده و تمایل آزادانه ابراز شده آنان، بدون هیچ تمایز از نظر نژاد، مذهب یا رنگ انجام شود تا آنان را قادر سازد از استقلال و آزادی کامل برخوردار شوند.»

مجمع عمومی همچنین سال ۱۹٦۰ با تصویب قطعنامه (۱۵) ۱۵٤۱ سه انتخاب مشروع سیاسی برای استقلال کامل را تعریف و پیشنهاد کرد: یعنی اتحاد آزاد با یک کشور مستقل، ادغام در یک کشور مستقل، یا استقلال. *(برای فهرست سرزمین‌هایی که از زمان تصویب اعلامیه استعمارزدایی با کشورهای مستقل، متحد یا در آنها ادغام شده‌اند به بخش سه نگاه کنید).*

مجمع سال ۱۹٦۱ کمیته‌ای ویژه ایجاد کرد تا کاربرد اعلامیه را بررسی کند و درباره اجرای آن توصیه‌هایی بدهد. عنوان کامل این کمیته که عموما به آن به عنوان کمیته ویژه ۲٤ یا **کمیته ویژه استعمارزدایی** اشاره می‌شود «کمیته ویژه موقعیت با توجه به اجرای اعلامیه اعطای استقلال به مردم و کشورهای استعماری» است.

کمیته ویژه، سالانه تشکیل جلسه می‌دهد، سخنان عرض حال دهندگان و نمایندگان این سرزمین‌ها را می‌شنود، هیات‌هایی برای دیدار به این سرزمین‌ها اعزام می‌کند و درباره شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی در این سرزمین‌ها سمینارهای سالانه برگزار می‌کند.

در سال‌های پس از تصویب اعلامیه، حدود ٦۰ سرزمین که پیشتر تحت استعمار بودند، با بیش از ۸۰ میلیون سکنه، به حق تعیین سرنوشت از طریق استقلال دست یافتند و به عنوان اعضای دارای حاکمیت به سازمان ملل متحد پیوستند *(به کادرهای بخش ۳ نگاه کنید).*

مجمع عمومی از قدرت‌های اداره کننده خواسته است همه اقدام‌های لازم را انجام دهند تا مردم سرزمین‌های فاقد استقلال را قادر سازند حق تعیین سرنوشت و استقلال خود را به طور کامل اعمال کنند. مجمع عمومی همچنین از قدرت‌های اداره کننده خواسته است خارج کردن پایگاه‌های نظامی باقی مانده از این سرزمین‌ها را تکمیل و تضمین کنند هیچ فعالیت اقتصادی و سایر منافع خارجی مانع از اجرای مفاد اعلامیه نشود.

در این زمینه، نیوزیلند درباره توکه‌لائو با کمیته ویژه همکاری مستمر داشته است. فرانسه پس از امضای موافقت نامه ای درباره آینده کالدونیای جدید، سال ۱۹۹۹ شروع به همکاری با کمیته کرد. دو قدرت اداره کننده سال‌های اخیر به طور رسمی در کار کمیته شرکت نکرده‌اند: ایالات متحده اعلام کرده است از نقش خود به عنوان قدرت اداره کننده آگاه است و به انجام مسئولیت‌های خود بر اساس منشور ادامه خواهد داد. انگلیس گفته است اگرچه بیشتر سرزمین‌های تحت اداره آن استقلال را برگزیدند، تعدادی ترجیح داده‌اند با آن متحد باشند.

سمینار سالانه استعمارزدایی سال ۲۰۰۳ برای نخستین بار در یک سرزمین غیرمستقل تشکیل شد یعنی انگلیس موافقت کرد سمینار در انگوییلا برگزار شود و نماینده ارشدی را برای شرکت در آن فرستاد.

مجمع عمومی در پایان **دهه بین‌المللی ریشه‌کنی استعمار** (۲۰۰۰ - ۱۹۹۱)، با اعلام **دومین دهه بین‌المللی ریشه‌کنی استعمار (۲۰۱۰ - ۲۰۰۱)** از کشورهای عضو خواست تلاش‌های خود را برای تحقق استعمارزدایی کامل، مضاعف کنند.
مجمع عمومی درباره سرزمین‌های خاص، مانند صحرای غربی، انجام وظایفی ویژه را به دبیرکل محول کرده تا بر اساس منشور ملل متحد و هدف‌های اعلامیه، فرآیند استعمارزدایی را تسهیل کند.

نامیبیا

سازمان ملل به تحقق استقلال نامیبیا، در سال ۱۹۹۰ کمک کرد و این موردی تاریخی بود که پیچیدگی تلاش‌های لازم برای تضمین انتقالی مسالمت‌آمیز را آشکار می‌کند.
نامیبیا که پیشتر «آفریقای جنوب غربی» نامیده می‌شد سرزمینی آفریقایی است که زمانی تحت نظام قیمومت جامعه ملل قرار داشت. مجمع عمومی سال ۱۹٤٦ از آفریقای جنوبی خواست این سرزمین را براساس نظام قیمومت اداره کند. آفریقای جنوبی نپذیرفت و سال ۱۹٤۹ به سازمان ملل اطلاع داد دیگر درباره این سرزمین اطلاعات نخواهد داد زیرا قیمومت با انحلال جامعه ملل خاتمه یافته است.
مجمع عمومی سال ۱۹٦٦ با اعلام این که آفریقای جنوبی تعهدات خود را انجام نداده قیمومت را لغو کرد و این سرزمین را تحت مسئولیت شورای ملل متحد برای آفریقای جنوب غربی قرار داد که نام آن در سال ۱۹٦۸ به شورا برای نامیبیا تغییر یافت.
شورای امنیت سال ۱۹۷٦ خواست آفریقای جنوبی انجام انتخابات برای این سرزمین را تحت نظارت سازمان ملل بپذیرد. مجمع عمومی اعلام کرد مذاکرات استقلال باید با شرکت سازمان مردم آفریقای جنوب غربی (سواپو – SWAPO) یعنی تنها نماینده مردم نامیبیا، انجام شود.
کانادا، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، انگلیس و ایالات متحده سال ۱۹۷۸ پیشنهادی برای حل این مساله به شورای امنیت دادند که برگزاری انتخابات برای تشکیل مجلس موسسان، تحت نظارت سازمان ملل پیش‌بینی شده بود. شورا، توصیه‌های دبیرکل را برای اجرای این پیشنهاد تصویب کرد و از وی خواست نماینده ویژه‌ای برای نامیبیا منصوب کند و **گروه سازمان ملل برای کمک به انتقال** را ایجاد کرد.
سال‌ها مذاکره دبیرکل و نماینده ویژه او، و همچنین میانجیگری ایالات متحده، به موافقت نامه های سال ۱۹۸۸ برای تحقق صلح در جنوب آفریقا منجر شد که براساس آن آفریقای جنوبی موافقت کرد برای تضمین استقلال نامیبیا از طریق انتخابات، با دبیرکل همکاری کند.
فعالیت‌هایی که به استقلال نامیبیا منجر شد آوریل ۱۹۸۹ آغاز گردید. گروه سازمان ملل برای کمک به انتقال، کل فرآیند انتخابات را که به وسیله مسئولان نامیبیا انجام شد، سرپرستی و کنترل کرد؛ بر آتش

بس بین سوآپو و آفریقای جنوبی و ترخیص همه نیروهای نظامی نظارت و جریان روان انتخابات، از جمله نظارت بر پلیس محلی را تضمین کرد.
سوآپو در انتخابات مجلس موسسان، که آقای مارتی اهتیساری نماینده ویژه دبیرکل آن را «آزاد و عادلانه» توصیف کرد، به پیروزی رسید. آفریقای جنوبی پس از انتخابات بقیه نیروهای خود را خارج کرد. مجلس موسسان پیش‌نویس قانون اساسی جدید را تهیه کرد که فوریه سال ۱۹۹۰ به تصویب رسید، وسام‌نوجوما رهبر سوآپور را برای یک دوره پنج ساله ریاست جمهوری انتخاب کرد. نامیبیا ماه مارس مستقل شد و دبیرکل مراسم سوگند نخستین رئیس جمهور آن را به جا آورد. این کشور آوریل به سازمان ملل متحد پیوست.

تی‌مور – لسته

از جدیدترین موفقیت‌های سازمان ملل فرآیندی است که به استقلال تی‌مور – لسته، (تی‌مور شرقی سابق) منجر شد. پس از این که مردم تی‌مور شرقی در مشورتی همگانی که به وسیله سازمان ملل سال ۱۹۹۹ انجام شد، به سود استقلال رای دادند، سازمان ملل در عملیاتی عمده بر انتقال آن به استقلال نظارت کرد.
جزیره تی‌مور در شمال استرالیا، در بخش مرکزی جنوب مجموعه جزایری قرار دارد که جمهوری اندونزی را تشکیل می‌دهند. بخش غربی این جزیره مستعمره هلند بود و هنگامی که اندونزی استقلال یافت بخشی از آن شد. تی‌مور شرقی مستعمره پرتغال بود.
مجمع عمومی سال ۱۹٦۰ تی‌مورشرقی را در فهرست سرزمین‌های غیرمستقل قرارداد. پرتغال سال ۱۹۷٤ با پذیرفتن حق تعیین سرنوشت و استقلال مستعمره‌های خود در صدد ایجاد دولت موقت و مجمع مردمی برآمد تا موقعیت تی‌مورشرقی را معین کند. اما سال ۱۹۷۵ بین حزب‌های سیاسی تازه تاسیس جنگ داخلی درگرفت و پرتغال با اعلام این که نمی‌تواند اوضاع را کنترل کند، از تی‌مور خارج شد. یک جناح در تی‌مور، به عنوان کشور جدا، اعلام استقلال و جناح دیگر اعلام استقلال و ادغام در اندونزی کرد.
نیروهای اندونزی دسامبر در تی‌مورشرقی پیاده شدند و «دولت موقت» تشکیل شد. پرتغال با اندونزی قطع رابطه و موضوع را به شورای امنیت آورد. شورا و مجمع عمومی از اندونزی خواستند نیروهایش را خارج کند و به همه کشورها تاکید کردند به یکپارچگی ارضی تی‌مور شرقی و همچنین حق مردم آن برای تعیین سرنوشت خود احترام بگذارند.
«دولت موقت» سال ۱۹۷٦ برای تشکیل مجمع، انتخابات برگزار کرد و مجمع خواهان یکپارچگی با اندونزی شد. هنگامی که اندونزی قانونی در حمایت از این تصمیم وضع کرد، جنبش طرفدار استقلال، مقاومت مسلحانه و مبارزه بین‌المللی برای مخالفت با الحاق را آغاز کرد. پرتغال اعلام کرد مردم تی‌مورشرقی حق تعیین سرنوشت خود را اعمال نکرده‌اند، اندونزی نیز اعلام کرد فرآیند

استعمارزدایی تکمیل شده است. سازمان ملل مشروعیت مجمع و الحاق به اندونزی را نپذیرفت و به شناسایی پرتغال به عنوان قدرت اداره کننده قانونی ادامه داد.

دبیرکل به تقاضای مجمع عمومی سال ۱۹۸۳ مذاکره با اندونزی و پرتغال را شروع کرد تا راه حلی عادلانه و فراگیر پیدا کند. با میانجیگری دبیرکل و نماینده شخصی او (که در ۱۹۹۷ منصوب شد) ماه مه ۱۹۹۹ موافقت نامه هایی منعقد شد که راه را برای مشورت همگانی باز کرد و به مردم تی‌مور شرقی امکان داد بین موقعیت خود مختاری در کنار اندونزی یا نیل به استقلال تحت نظارت سازمان ملل یکی را انتخاب کنند.

هیات سازمان ملل در تی‌مور شرقی برمبنای این موافقت نامه ها ثبت نام رای دهندگان و رای‌گیری رسمی را سازمان و انجام داد. حدود ۷۸/۵ درصد از ٤٥٠ هزار نفری که برای دادن رای ثبت نام کرده بودند ۳۰ اوت خود مختاری پیشنهادی در کنار اندونزی را رد کردند. هنگامی که نتایج اعلام شد شبه نظامیان مخالف استقلال دست به خشونت و ویرانی گسترده زدند، عده زیادی را کشتند و بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم تی‌مور شرقی را وادار به فرار از خانه‌های خود، بیشتر به تی‌مور غربی، کردند. سازمان ملل مجبور به تخلیه بیشتر کارکنان خود شد اما ۸٦ کارمند بین‌المللی آن همراه با حدود ۱۰۰۰ شهروند تی‌مورشرقی که به سازمان ملل پناهنده شده بودند در مقر آن در دیلی، پایتخت، ماندند.

پس از مذاکرات فراوان، از جمله به وسیله هیات عالیرتبه اعزامی شورای امنیت به جاکارتا و دیلی، اندونزی استقرار نیروی چند ملیتی با مجوز سازمان ملل را پذیرفت تا صلح و امنیت احیا شود. شورای امنیت، براساس فصل هفت منشور، سپتامبر ۱۹۹۹ با اعزام **نیروی بین‌المللی در تی‌مورشرقی** موافقت کرد که به اعاده نظم کمک کرد.

شورا، اکتبر ۱۹۹۹ **حکومت موقت سازمان ملل در تی‌مورشرقی** را ایجاد کرد که در جریان انتقال این کشور به استقلال، اقتدار کامل اجرایی و قانونگذاری داشت. آقای سرجیووی‌یرا دملورئیس حکومت موقت سازمان ملل و نماینده ویژه دبیرکل در تی‌مور شرقی شد. واحد نظامی حکومت موقت، متشکل از ۸۸۰۰ سرباز و ۱٦۰۰ پلیس غیرنظامی فوریه ۲۰۰۰ وظیفه حفظ صلح و امنیت را به عهده گرفت. حکومت موقت همچنین حکومتی غیرنظامی در سراسر این سرزمین ایجاد و به برقراری خدمات اجتماعی، یاری به بازسازی، و ایجاد ظرفیت تی‌مورشرقی برای تشکیل ملیت کمک کرد.

بیش از ۹۱ درصد از افراد واجد شرایط رای دادن تی‌مورشرقی ۳۰ اوت ۲۰۰۱ رای دادند تا ۸۸ عضو مجلس موسسان این کشور را انتخاب کنند که وظیفه آن نوشتن و تصویب قانون اساسی جدید و تعیین معیارهایی برای انجام انتخابات در آینده و انتقال به استقلال کامل بود. حکومت موقت ۲۲ مارس ۲۰۰۲ نخستین قانون اساسی این سرزمین را امضا و به مورد اجرا گذاشت. در انتخابات ریاست جمهوری ١٤ آوریل، زانانا گوسمائو، با ۸۲/۷ درصد آرا به ریاست جمهوری انتخاب شد.

به این ترتیب دو شرط برای تسلیم قدرت تحقق یافته بود و تی‌مور شرقی ۲۰ مه سال ۲۰۰۲ به استقلال دست یافت. مجلس موسسان به پارلمان ملی تبدیل شد، کشور جدید، نام تی‌مور – لسته را برگزید و روز ۲۷ سپتامبر صدونودویکمین کشور عضو سازمان ملل متحد شد.

سازمان ملل، از طریق **هیات حمایت ملل متحد در تی‌مور شرقی** که ۱۷ مه ۲۰۰۲ به وسیله شورای امنیت تاسیس شد، پس از استقلال به حمایت از تی‌مور – لسته ادامه داده است. وظیفه هیات: کمک به این کشور نوپا برای ایجاد ساختارهای اساسی حکومت که برای کارآیی و ثبات سیاسی آن حیاتی است؛ تامین امنیت و اجرای قانون موقت؛ کمک به ایجاد تشکیلات پلیس کشور؛ و مساعدت به حفظ امنیت داخلی و خارجی آن است.

صحرای غربی

سازمان ملل از سال ۱۹٦۳ به اختلاف جاری مربوط به صحرای غربی، سرزمینی در ساحل شمال غربی آفریقا، هم مرز مغرب، موریتانی و الجزایر، رسیدگی کرده است.

صحرای غربی سال ۱۸۸٤ مستعمره اسپانیا شد. مغرب و موریتانی سال ۱۹٦۳ مدعی مالکیت بر آن شدند. دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۱۹۷۵ به تقاضای مجمع عمومی در اظهار نظری ادعاهای حاکمیت ارضی مغرب یا موریتانی را رد کرد.

سازمان ملل، از زمان خروج اسپانیا در ۱۹۷٦ و جنگ متعاقب آن بین مغرب – که این سرزمین را، «دوباره ادغام» کرده بود – و جبهه خلق برای آزادی سقی‌الحمرا (Saguiael-Hamra) و ریو دواورو (Rio de Oro) (جبهه پولیساریو)، که تحت حمایت الجزایر بود، خواهان حل بحران صحرای غربی بوده است. *(به زیرنویس کادر این فصل نگاه کنید).*

سازمان وحدت آفریقا سال ۱۹۷۹ خواهان همه‌پرسی شد تا مردم این سرزمین حق تعیین سرنوشت خود را اعمال کنند. ۲٦ کشور عضو سازمان وحدت آفریقا تا سال ۱۹۸۲ «جمهوری دموکراتیک عرب صحرا (SADR)» را که پولیساریو در ۱۹۷٦ اعلام کرد، به رسمیت شناخته بودند. هنگامی که این جمهوری در اجلاس سران سازمان وحدت آفریقا سال ۱۹۸٤ شرکت کرد، مغرب از سازمان وحدت آفریقا خارج شد.

مجمع عمومی سال ۱۹۸۳، و بار دیگر سال ۱۹۸٤، تایید کرد مردم این سرزمین هنوز حق تعیین سرنوشت و استقلال خود را اعمال نکرده‌اند، و طرفین باید با مذاکره به آتش‌بس برسند تا امکان همه‌پرسی فراهم شود.

ماموریت میانجیگری مشترک دبیرکل و رئیس سازمان وحدت آفریقا به طرح پیشنهادهای آنان برای سازش در ۱۹۸۸ منجر شد که خواهان آتش‌بس و انجام همه‌پرسی برای انتخاب بین استقلال و ادغام در مغرب بودند. دو طرف در اصل با این پیشنهادها موافقت کردند و شورای امنیت ژوئن ۱۹۹۰ گزارش دبیرکل را تصویب کرد که در آن این پیشنهادها مطرح شده بودند.

شورای امنیت با قطعنامه ٦٩٠ مورخ ٢٩ آوریل ١٩٩١ **هیات ملل متحد برای همه‌پرسی در صحرای غربی** را ایجاد کرد تا به نماینده ویژه دبیرکل در همه مسائل مربوط به سازمان دادن و انجام همه‌پرسی تعیین سرنوشت مردم صحرای غربی کمک کند. تمام مردم ١٨ ساله و مسن‌تر صحرای غربی که در سرشماری سال ١٩٧٤ اسپانیا شمارش شده بودند، اعم از این که ساکن این سرزمین یا خارج از آن باشند، حق داشتند رای دهند. کمیسیون تعیین هویت، فهرست سرشماری را به روز، و رای دهندگان را شناسایی می‌کرد. پناهندگان ساکن خارج از این سرزمین با کمک دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان شناسایی می‌شدند.

علاوه بر دفتر نماینده ویژه، قرار بود هیات ملل متحد برای همه‌پرسی شامل واحدهای غیرنظامی، امنیتی و نظامی باشد. ٦ سپتامبر ١٩٩١ آتش‌بس به اجرا در آمد و از آن زمان به وسیله ناظران نظامی هیات ملل متحد برای همه‌پرسی رعایت و هرگز به طور جدی نقض نشده است.

در حالی که دو طرف اعتماد خود را به سازمان ملل و تعهد خود را به طرح سازش تکرار می‌کردند دیدگاه‌های آنان درباره بسیاری از جنبه‌های اجرای آن، به ویژه در مساله استحقاق رای دهندگان برای شرکت در همه‌پرسی، تفاوت داشت.

دبیرکل، برای صلاحیت رای دهندگان در گزارش سال ١٩٩١ خود به شورای امنیت، معیارهایی تعیین کرده بود که مغرب پذیرفت اما آنها را بیش از حد محدودکننده می‌دانست. پولیساریو اعلام کرد از نظر آن، در اصل موافقت شده بود مبنای انحصاری برای رای دهندگان، فهرست صحراییانی باشد که در آمارگیری ١٩٧٤ سرشماری شده بودند، در حالی که با معیارهای جدید، تعداد رای دهندگان از افراد سرشماری شده بیشتر خواهد شد و احتمالا افرادی را که صحرایی این سرزمین نیستند به آنان اضافه خواهد کرد.

کمیسیون شناسایی، اوت ١٩٩٤ شروع به شناسایی رای دهندگان بالقوه بر مبنای طرح سازش پیشنهادی دبیرکل کرد. اما بن‌بست‌های پیاپی مانع از پیشرفت این جریان در سراسر دهه ١٩٩٠ شد. دو طرف با وجود موافقت با ادامه فرآیند شناسایی، مواضع اولیه خود را در رابطه با ترکیب نهاد انتخابی حفظ کردند. پولیساریو اصرار داشت بر اساس طرح سازش، فقط کسانی که در سرشماری سال ١٩٧٤ اسپانیا شمارش شده بودند باید در همه‌پرسی شرکت کنند. مغرب نظردیگری داشت یعنی این که هزاران صحرایی دیگر به همین ترتیب حق رای داشتند از جمله: کسانی که زمان سرشماری در این سرزمین حضور داشتند اما شمارش نشده بودند؛ کسانی که سال‌ها پیش به مغرب گریخته بودند؛ و کسانی از مناطقی که پیشتر بخشی از این سرزمین بودند اما متعاقبا در دهه‌های ١٩٥٠ و ١٩٦٠ به وسیله اسپانیا به مغرب بازگردانده شده بودند.

آقای جیمز ای بیکر سوم، فرستاده شخصی دبیرکل برای صحرای غربی، سال ١٩٩٧ طرحی معروف به موافقت نامه های هوستون برای سازش ارائه داد. فرآیند شناسایی دسامبر ١٩٩٩ کامل شد و کمیسیون شناسایی، فهرستی موقتی از حدود ٨٦ هزار فرد واجد شرایط رای دادن، منتشر کرد. افرادی که فاقد شرایط رای دادن تشخیص داده شده بودند می‌توانستند خواستار تجدید نظر در این تصمیم شوند. تا پایان سال ٢٠٠٠ در مجموع ١٣١,٠٣٨ نفر تقاضای تجدید نظر داده بودند.

با وجود مشورت‌هایی بین طرفین و کشورهای همسایه در طول سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ تحت نظارت فرستاده شخصی دبیرکل، اختلاف‌ها بین طرفین درباره اجرای طرح سازش ادامه یافت.

شورای امنیت ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۲ از فرستاده شخصی خواست به تلاش‌های خود برای راه حل سیاسی که زمینه را برای تعیین سرنوشت آماده کند، ادامه دهد. پیشنهادهای او، ژانویه ۲۰۰۳ در جریان دیداری از منطقه به طرفین و کشورهای همسایه ارائه شد. دو طرف به جنبه‌هایی از طرح صلح اعتراض کردند. با این حال جبهه پولیساریو ٦ ژوییه کتبی به دبیرکل اطلاع داد طرح صلح را پذیرفته است، انتظار می‌رفت مغرب پاسخ خود را به طرح سال ۲۰۰٤ ارائه دهد.

شورای امنیت ۳۱ ژوییه ۲۰۰۳ با قطعنامه ۱٤۹۵ به اتفاق آرا از طرح صلح به عنوان بهترین راه حل سیاسی برمبنای توافق بین دو طرف حمایت کرد. دبیرکل ماه اوت آقای الوارو دسوتو را به عنوان نماینده ویژه خود برای صحرای غربی منصوب کرد. پولیساریو، ماه سپتامبر ۲٤۳ اسیر جنگی مغرب و دو ماه بعد ۳۰۰ اسیر دیگر را آزاد کرد و هنوز ٦۱۳ زندانی جنگی مغربی دارد.

آقای دسوتو نوامبر و دسامبر به منطقه رفت تا با طرفین مشورت و به اوضاع حدود ۱٦۵ هزار پناهنده صحرای غربی، رسیدگی کند که نزدیک به سه دهه در اردوگاه‌های صحرایی در غرب الجزایر زندگی کرده‌اند. درباره برنامه‌هایی برای برقراری دوباره تماس‌های شخصی بین پناهندگان و اقوام آنان در آن سوی مرز بحث شد. دیدارهای خانوادگی بین صحرایی‌های ساکن صحرای غربی و اردوگاه‌های پناهندگان از ۵ مارس ۲۰۰٤ آغاز شد.

مغرب ۱۵ آوریل ۲۰۰٤ در دیدار با فرستاده شخصی دبیرکل، پاسخ نهایی خود را به طرح صلح داد و خواستار راه حلی بر اساس مذاکره بر مبنای «خود مختاری در چارچوب حاکمیت مغرب» شد. دبیرکل، در گزارش بعدی خود به شورای امنیت، نوشت مساله حاکمیت، «مساله اساسی است که طرفین را در تمام این سال‌ها جدا کرده است. مغرب طرح سازش را، که سال‌ها با آن موافق بود، نمی‌پذیرد ... و همچنین اینک عناصری از طرح صلح را قبول نمی‌کند.»

شورا، از دیدگاه دبیرکل و فرستاده او، اینک مجبور بود بررسی کند آیا «هیات ملل متحد برای همه‌پرسی را منحل کند و موضوع صحرا را به مجمع عمومی باز گرداند، و به این ترتیب این موضوع را به رسمیت بشناسد و اذعان کند که ... سازمان ملل قصد ندارد مساله صحرای غربی را بدون ملزم کردن یک یا هر دو طرف به انجام کاری که داوطلبانه با انجام آن موافقت نخواهند کرد، حل کند» یا این که «یک بار دیگر بکوشد طرفین را وادار به کار در جهت پذیرش و اجرای» طرح صلح کند.

شورای امنیت ۲۹ آوریل حمایت خود را از طرح صلح به عنوان «راه حل سیاسی مناسب» بر مبنای موافقت نامه بین دو طرف تکرار و از طرفین و کشورهای منطقه خواست به طور کامل با دبیرکل و فرستاده شخصی وی همکاری کنند. شورا همچنین ماموریت هیات ملل متحد برای همه‌پرسی را تا پایان اکتبر تمدید کرد.

بخش سوم

پیوست ها

کشورهای عضو سازمان ملل متحد
(تا دسامبر ۲۰۰۳)

کشور عضو	تاریخ پذیرش	مقیاس سهمیه برای۲۰۰٤ (درصد)	جمعیت (تخمینی)
افغانستان	۱۹ نوامبر ۱۹٤٦	۰/۰۰۲	۲۲,۰۸۳,۰۰۰
آلبانی	۱٤ دسامبر ۱۹۵۵	۰/۰۰۵	۳,۱۲۲,۰۰۰
الجزایر	۸ اکتبر ۱۹٦۲	۰/۰۷٦	۳۰,۸۳٦,۰۰۰
اندورا	۲۸ ژوییه ۱۹۹۳	۰/۰۰۵	٦٦,۰۰۰
آنگولا	۱ دسامبر ۱۹۷٦	۰/۰۰۱	۱۲,۷٦۸,۰۰۰
آنتیگوآ و باربودا	۱۱ نوامبر ۱۹۸۱	۰/۰۰۳	۷۷,۰۰۰
آرژانتین	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۰/۹۵٦	۳٦,۲۲٤,۰۰۰
ارمنستان	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۰۲	۳,٤۵۸,۰۰۰
استرالیا	۱ نوامبر ۱۹٤۵	۱/۵۹۲	۱۹,۳۸۷,۰۰۰
اتریش	۱٤ دسامبر ۱۹۵۵	۰/۸۵۹	۸,۰٦٦,۰۰۰
آذربایجان	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۰۵	۸,۱۱٤,۰۰۰
باهاماس	۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳	۰/۰۱۳	۳۰۷,۰۰۰
بحرین	۲۱ سپتامبر ۱۹۷۱	۰/۰۳۰	٦۵۱,۰۰۰
بنگلادش	۱۷ سپتامبر ۱۹۷٤	۰/۰۱۰	۱٤۰,۸۸۰,۰۰۰
باربادوس	۹ دسامبر ۱۹٦٦	۰/۰۱۰	۲٦۸,۰۰۰
بلاروس [الف]	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۰/۰۱۸	۹,۹۷۳,۰۰۰
بلژیک	۲۷ دسامبر ۱۹٤۵	۱/۰٦۹	۱۰,۲۷۳,۰۰۰
بلیز	۲۵ سپتامبر ۱۹۸۱	۰/۰۰۱	۲۵۷,۰۰۰
بنین	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۲	٦,٤۱۷,۰۰۰
بوتان	۲۱ سپتامبر ۱۹۷۱	۰/۰۰۱	۲,٦۹۹,۰۰۰
بولیوی	۱٤ نوامبر ۱۹٤۵	۰/۰۰۹	۸,۲۷٤,۰۰۰
بوسنی و هرزگوین	۲۲ مه ۱۹۹۲	۰/۰۰۳	٤,۰٦۷,۰۰۰
بوتسوآنا	۱۷ اکتبر ۱۹٦٦	۰/۰۱۲	۱,٦۸۰,۰۰۰
برزیل	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۱/۵۲۳	۱۷۲,۳۸٦,۰۰۰
برونئی دارالسلام	۲۱ سپتامبر ۱۹۸٤	۰/۰۳٤	۳٤٤,۰۰۰
بلغارستان	۱٤ دسامبر ۱۹۵۵	۰/۰۱۷	۸,۰۳۳,۰۰۰
بورکینافاسو	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۲	۱۲,۲۵۹,۰۰۰
بروندی	۱۸ سپتامبر ۱۹٦۲	۰/۰۰۱	٦,٤۱۲,۰۰۰
کامبوج	۱٤ دسامبر ۱۹۵۵	۰/۰۰۲	۱۳,۳۱۱,۰۰۰
کامرون	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۸	۱۵,٤۲۹,۰۰۰

کشور عضو	تاریخ پذیرش	مقیاس سهمیه برای ۲۰۰٤ (درصد)	جمعیت (تخمینی)
کانادا	۹ نوامبر ۱۹٤٥	۲/۸۱۳	۳۰,۰۰۷,۰۰۰
کیپ ورده	۱٦ سپتامبر ۱۹۷٥	۰/۰۰۱	٤٤٥,۰۰۰
جمهوری آفریقای مرکزی	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۱	۳,۷۷۰,۰۰۰
چاد	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۱	۸,۳۲۲,۰۰۰
شیلی	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۲۲۳	۱٥,٤۰۲,۰۰۰
چین	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۲/۰٥۳	۱,۲۸٥,۲۲۹,۰۰۰
کلمبیا	٥ نوامبر ۱۹٤٥	۰/۱٥٥	٤۳,۰۷۱,۰۰۰
کوموروس	۱۲ نوامبر ۱۹۷٥	۰/۰۰۱	۷۲٦,۰۰۰
کنگو	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۱	۳,٥٤۲,۰۰۰
کاستاریکا	۲ نوامبر ۱۹٤٥	۰/۰۳۰	۳,۸۷۳,۰۰۰
ساحل‌عاج	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۱۰	۱٦,۹۳۹,۰۰۰
کرواسی	۲۲ مه ۱۹۹۲	۰/۰۳۷	٤,٤٤٥,۰۰۰
کوبا	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰٤۳	۱۱,۲۳۰,۰۰۰
قبرس	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۳۹	٦۹۰,۰۰۰
جمهوری چک	۱۹ ژانویه ۱۹۹۳	۰/۱۸۳	۱۰,۲۲٤,۰۰۰
جمهوری دموکراتیک خلق کره	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱	۰/۰۱۰	۲۲,٤۰۹,۰۰۰
جمهوری دموکراتیک کنگو[ح]	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۳	٤۹,۷۸٥,۰۰۰
دانمارک	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۷۱۸	٥,۳۳۷,۰۰۰
جیبوتی	۲۰ سپتامبر ۱۹۷۷	۰/۰۰۱	٦۸۱,۰۰۰
دومینیکا	۱۸ دسامبر ۱۹۷۸	۰/۰۰۱	۷۱,۰۰۰
جمهوری دومینیکن	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰۳٥	۸,٥۲۸,۰۰۰
اکوادور	۲۱ دسامبر ۱۹٤٥	۰/۰۱۹	۱۲,۱٥٦,۰۰۰
مصر[ج]	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۱۲۰	٦۷,۸۸٦,۰۰۰
السالوادور	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰۲۲	٦,۳۱۳,۰۰۰
گینه استوایی	۱۲ نوامبر ۱۹٦۸	۰/۰۰۲	٤٦۸,۰۰۰
اریتره	۲۸ مه ۱۹۹۳	۰/۰۰۱	۳,۸٤۷,۰۰۰
استونی	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱	۰/۰۱۲	۱,۳٥۳,۰۰۰
اتیوپی	۱۳ نوامبر ۱۹٤٥	۰/۰۰٤	٦٥,۳۷٤,۰۰۰
ایالات فدراتیو میکرونزیا	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱	۰/۰۰۱	۱۰۷,۰۰۰
فیجی	۱۳ اکتبر ۱۹۷۰	۰/۰۰٤	۸۲۲,۰۰۰
فنلاند	۱٤ دسامبر ۱۹٥٥	۰/٥۳۳	٥,۱۸۸,۰۰۰
فرانسه	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	٦/۰۳۰	٥۹,۱۹۱,۰۰۰
گابن	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۹	۱,۲۳۷,۰۰۰

کشور عضو	تاریخ پذیرش	مقیاس سهمیه برای ۲۰۰٤ (درصد)	جمعیت (تخمینی)
گامبیا	۲۱ سپتامبر ۱۹٦٥	۰/۰۰۱	۱,٤۲۰,۰۰۰
گرجستان	۳۱ ژوییه ۱۹۹۲	۰/۰۰۳	٥,۲۲٤,۰۰۰
آلمان	۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳	۸/٦٦۲	۸۲,۳٥۷,۰۰۰
غنا	۸ مارس ۱۹٥۷	۰/۰۰٤	۲۰,۰۲۸,۰۰۰
یونان	۲٥ اکتبر ۱۹٤٥	۰/٥۳۰	۱۰,۰۲۰,۰۰۰
گرنادا	۱۷ سپتامبر ۱۹۷٤	۰/۰۰۱	۱۰۱,۰۰۰
گواتمالا	۲۱ نوامبر ۱۹٤٥	۰/۰۳۰	۱۱,٦۸۳,۰۰۰
گینه	۱۲ دسامبر ۱۹٥۸	۰/۰۰۳	۸,۲٤۲,۰۰۰
گینه بیسائو	۱۷ سپتامبر ۱۹۷٤	۰/۰۰۱	۱,٤۰۷,۰۰۰
گویان	۲۰ سپتامبر ۱۹٦٦	۰/۰۰۱	۷٦۲,۰۰۰
هاییتی	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰۰۳	۸,۱۳۲,۰۰۰
هندوراس	۱۷ دسامبر ۱۹٤٥	۰/۰۰٥	٦,٦۱۹,۰۰۰
مجارستان	۱٤ دسامبر ۱۹٥٥	۰/۱۲٦	۹,۹٦۸,۰۰۰
ایسلند	۱۹ نوامبر ۱۹٤٦	۰/۰۳٤	۲۸٥,۰۰۰
هند	۳۰ اکتبر ۱۹٤٥	۰/٤۲۱	۱,۰۱۷,٥٤٤,۰۰۰
اندونزی [د]	۲۸ سپتامبر ۱۹٥۰	۰/۱٤۲	۲۱٤,۸٤۰,۰۰۰
ایران (جمهوری اسلامی)	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۱٥۷	٦٤,٥۳۰,۰۰۰
عراق	۲۱ دسامبر ۱۹٤٥	۰/۰۱٦	۲۳,۸٦۰,۰۰۰
ایرلند	۱٤ دسامبر ۱۹٥٥	۰/۳٥۰	۳,۹۱۷,۰۰۰
اسرائیل	۱۱ مه ۱۹٤۹	۰/٤٦۷	٦,٤٤٥,۰۰۰
ایتالیا	۱٤ دسامبر ۱۹٥٥	٤/۸۸٥	٥۷,۹٤۸,۰۰۰
جامایکا	۱۸ سپتامبر ۱۹٦۲	۰/۰۰۸	۲,٦۲۱,۰۰۰
ژاپن	۱۸ دسامبر ۱۹٥٦	۱۹/٤٦۸	۱۲۷,۱۳۰,۰۰۰
اردن	۱٤ دسامبر ۱۹٥٥	۰/۰۱۱	٥,۱۸۳,۰۰۰
قزاقستان	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۲٥	۱٤,۸۳۱,۰۰۰
کنیا	۱٦ دسامبر ۱۹٦۳	۰/۰۰۹	۳۱,۰٦٥,۰۰۰
کریباتی	۱٤ سپتامبر ۱۹۹۹	۰/۰۰۱	۸٥,۰۰۰
کویت	۱٤ مه ۱۹٦۳	۰/۱٦۲	۲,۲۷٥,۰۰۰
قرقیزستان	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۰۱	٤,۹٥٥,۰۰۰
جمهوری دموکراتیک‌خلق لائوس	۱٤ دسامبر ۱۹٥٥	۰/۰۰۱	٥,٤۰۳,۰۰۰
لتونی	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱	۰/۰۱٥	۳,٥۳۹,۰۰۰
لبنان	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰۲٤	۳,٥۳۷,۰۰۰

کشور عضو	تاریخ پذیرش	مقیاس سهمیه برای ۲۰۰٤ (درصد)	جمعیت (تخمینی)
لسوتو	۱۷ اکتبر ۱۹٦٦	۰/۰۰۱	۲,۱۸۹,۰۰۰
لیبریا	۲ نوامبر ۱۹٤٥	۰/۰۰۱	۳,۰۹۹,۰۰۰
جماهیریه عربی لیبی	۱٤ دسامبر ۱۹٥٥	۰/۱۳۲	٥,۲۹۹,۰۰۰
لیختن اشتاین	۱۸ سپتامبر ۱۹۹۰	۰/۰۰٥	۳۳,۰۰۰
لیتوانی	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱	۰/۰۲٤	۳,٤۸٤,۰۰۰
لوکزامبورگ	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰۷۷	٤٤۱,۰۰۰
ماداگاسکار	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۳	۱٦,٤۳۹,۰۰۰
مالاوی	۱ دسامبر ۱۹٦٤	۰/۰۰۱	۱۱,۱٤۰,۰۰۰
مالزی[۵]	۱۷ سپتامبر ۱۹٥۷	۰/۲۰۳	۲۳,٤۹۲,۰۰۰
مالدیوز	۲۱ سپتامبر ۱۹٦٥	۰/۰۰۱	۲۷٦,۰۰۰
مالی	۲۸ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۲	۱۰,٤۰۰,۰۰۰
مالت	۱ دسامبر ۱۹٦٤	۰/۰۱٤	۳۹٥,۰۰۰
جزایر مارشال	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱	۰/۰۰۱	٥۷,۰۰۰
موریتانی	۲۷ اکتبر ۱۹٦۱	۰/۰۰۱	۲,۷۲٤,۰۰۰
موریتیوس	۲٤ آوریل ۱۹٦۸	۰/۰۱۱	۱,۲۰۰,۰۰۰
مکزیک	۷ نوامبر ۱۹٤٥	۱/۸۸۳	۱۰۱,۷٥٤,۰۰۰
موناکو	۲۸ مه ۱۹۹۳	۰/۰۰۳	۳٤,۰۰۰
مغولستان	۲۷ اکتبر ۱۹٦۱	۰/۰۰۱	۲,٤٤۲,۰۰۰
مغرب	۱۲ نوامبر ۱۹٥٦	۰/۰٤۷	۲۹,۱۷۰,۰۰۰
موزامبیک	۱٦ سپتامبر ۱۹۷٥	۰/۰۰۱	۱۷,٦٥٦,۰۰۰
میانمار	۱۹ آوریل ۱۹٤۸	۰/۰۱۰	٤۸,۲۰٥,۰۰۰
نامیبیا	۲۳ آوریل ۱۹۹۰	۰/۰۰٦	۱,۹۳۰,۰۰۰
نائورو	۱٤ سپتامبر ۱۹۹۹	۰/۰۰۱	۱۲,۰۰۰
نپال	۱٤ دسامبر ۱۹٥٥	۰/۰۰٤	۲۳,۱٥۲,۰۰۰
هلند	۱۰ دسامبر ۱۹٤٥	۱/٦۹۰	۱٦,۰٤٤,۰۰۰
نیوزیلند	اکتبر ۱۹٤٥	۰/۲۲۱	۳,۸٥۰,۰۰۰
نیکاراگوآ	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰۰۱	٥,۲۰٥,۰۰۰
نیجر	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۱	۱۱,۱۳٤,۰۰۰
نیجریه	۷ اکتبر ۱۹٦۰	۰/۰٤۲	۱۱۷,۸۲۳,۰۰۰
نروژ	۲۷ نوامبر ۱۹٤٥	۰/٦۷۹	٤,٥۱۳,۰۰۰
عمان	۷ اکتبر ۱۹۷۱	۰/۰۷۰	۲,٤۷۸,۰۰۰
پاکستان	۳۰ سپتامبر ۱۹٤۷	۰/۰٥٥	۱٤۲,۲۸۰,۰۰۰

کشور عضو	تاریخ پذیرش	مقیاس سهمیه برای ۲۰۰٤ (درصد)	جمعیت (تخمینی)
پالائو	۱۵ دسامبر ۱۹۹٤	۰/۰۰۱	۲۰,۰۰۰
پاناما	۱۳ نوامبر ۱۹٤۵	۰/۰۱۹	۲,۸۹۷,۰۰۰
گینه جدید پاپوآ	۱۰ اکتبر ۱۹۷۵	۰/۰۰۳	۵,٤٦۰,۰۰۰
پاراگوئه	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۰/۰۱۲	۵,٦۰٤,۰۰۰
پرو	۳۱ اکتبر ۱۹٤۵	۰/۰۹۲	۲٦,۳٤۷,۰۰۰
فیلیپین	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۰/۰۹۵	۷۷,۱۵۱,۰۰۰
لهستان	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۰/٤٦۱	۳۸,٦٤۱,۰۰۰
پرتغال	۱٤ دسامبر ۱۹۵۵	۰/٤۷۰	۱۰,۰۲٤,۰۰۰
قطر	۲۱ سپتامبر ۱۹۷۱	۰/۰٦٤	۵۹۸,۰۰۰
جمهوری کره	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱	۱/۷۹٦	٤۷,۳٤۳,۰۰۰
جمهوری مولدوا (مولداوی)	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۰۱	٤,۲۷٦,۰۰۰
رومانی	۱٤ دسامبر ۱۹۵۵	۰/۰٦۰	۲۲,٤۰۸,۰۰۰
فدراسیون روسیه [و]	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۱/۱۰۰	۱٤٤,٤۰۰,۰۰۰
رواندا	۱۸ سپتامبر ۱۹٦۲	۰/۰۰۱	۸,۰٦٦,۰۰۰
سنت کیتس و نویس	۲۳ سپتامبر ۱۹۸۳	۰/۰۰۱	٤٦,۰۰۰
سنت لوسیا	۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹	۰/۰۰۲	۱۵۸,۰۰۰
سنت وینسنت وگرنادینز	۱٦ سپتامبر ۱۹۸۰	۰/۰۰۱	۱۰۹,۰۰۰
ساموآ	۱۵ دسامبر ۱۹۷٦	۰/۰۰۱	۱۷۵,۰۰۰
سان مارینو	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۰۳	۲۷,۰۰۰
سائوتومه و پرینسیپه	۱٦ سپتامبر ۱۹۷۵	۰/۰۰۱	۱۵۳,۰۰۰
عربستان سعودی	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۰/۷۱۳	۲۲,۸۲۹,۰۰۰
سنگال	۲۸ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۵	۹,۸۰۳,۰۰۰
صربستان و مونته‌نگرو[ز]	۲٤ اکتبر ۱۹٤۵	۰/۰۱۹	۱۰,٦۵۱,۰۰۰
سیشل	۲۱ سپتامبر ۱۹۷٦	۰/۰۰۲	۸۱,۰۰۰
سیرالئون	۲۷ سپتامبر ۱۹٦۱	۰/۰۰۱	٤,۵۷۳,۰۰۰
سنگاپور	۲۱ سپتامبر ۱۹٦۵	۰/۳۸۸	٤,۱۳۱,۰۰۰
اسلواکی	۱۹ ژانویه ۱۹۹۳	۰/۰۵۱	۵,۳۸۰,۰۰۰
اسلونی	۲۲ مه ۱۹۹۲	۰/۰۸۲	۱,۹٤۸,۰۰۰
جزایر سلیمان	۱۹ سپتامبر ۱۹۷۸	۰/۰۰۱	٤۵۰,۰۰۰
سومالی	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۱	۹,۰۸۸,۰۰۰
آفریقای جنوبی	۷ نوامبر ۱۹٤۵	۰/۲۹۲	٤٤,۳۲۸,۰۰۰
اسپانیا	۱٤ دسامبر ۱۹۵۵	۲/۵۲۰	٤۰,۸٤۷,۰۰۰
سریلانکا	۱٤ دسامبر ۱۹۵۵	۰/۰۱۷	۱۸,۷۰۰,۰۰۰

کشور عضو	تاریخ پذیرش	مقیاس سهمیه برای ۲۰۰٤ (درصد)	جمعیت (تخمینی)
سودان	۱۲ نوامبر ۱۹٥٦	۰/۰۰۸	۳۱,٦۲۷,۰۰۰
سورینام	٤ دسامبر ۱۹۷٥	۰/۰۰۱	٤۲۹,۰۰۰
سوازیلند	۲٤ سپتامبر ۱۹٦۸	۰/۰۰۲	۱,۰٥۸,۰۰۰
سوئد	۱۹ نوامبر ۱۹٤٦	۱/۹۹۸	۸,۸٦۰,۰۰۰
سوئیس	۱۰ سپتامبر ۲۰۰۲	۱/۱۹۷	۷,۲۳۱,۰۰۰
جمهوری عربی سوریه[ح]	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰۳۸	۱٦,۷۲۰,۰۰۰
تاجیکستان	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۰۱	٦,۲۹۳,۰۰۰
تایلند	۱٦ دسامبر ۱۹٤٦	۰/۲۰۹	٦۲,۹٦۸,۰۰۰
جمهوری‌مقدونیه‌یوگسلاوی‌سابق[ث]	۸ آوریل ۱۹۹۳	۰/۰۰٦	۲,۰۳٥,۰۰۰
تی‌مور – لسته	۲۷ سپتامبر ۲۰۰۲	۰/۰۰۱	۷۱۱,۰۰۰
توگو	۲۰ سپتامبر ۱۹٦۰	۰/۰۰۱	٤,٦۸٦,۰۰۰
تونگا	۱٤ سپتامبر ۱۹۹۹	۰/۰۰۱	۱۰۱,۰۰۰
ترینیداد و توباگو	۱۸ سپتامبر ۱۹٦۲	۰/۰۲۲	۱,۲۹٤,۰۰۰
تونس	۱۲ نوامبر ۱۹٥٦	۰/۰۳۲	۹,٦۷٤,۰۰۰
ترکیه	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۳۷۲	٦۸,٦۱۰,۰۰۰
ترکمنستان	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۰٥	٤,۷۲۰,۰۰۰
توالو	٥ سپتامبر ۲۰۰۰	۰/۰۰۱	۱۰,۰۰۰
اوگاندا	۲٥ اکتبر ۱۹٦۲	۰/۰۰٦	۲۲,۷۸۸,۰۰۰
اکراین	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۰/۰۳۹	٤۸,٤۱٦,۰۰۰
امارات عربی متحده	۹ دسامبر ۱۹۷۱	۰/۲۳٥	۲,۸۷۹,۰۰۰
انگلیس	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	٦/۱۲۷	٥۸,۷۸۹,۰۰۰
جمهوری متحد تانزانیا[ک]	۱٤ دسامبر ۱۹٦۱	۰/۰۰٦	۳٤,٥٦۹,۰۰۰
ایالات متحده امریکا	۲٤ اکتبر ۱۹٤٥	۲۲/۰۰۰	۲۸٤,۷۹۷,۰۰۰
اروگوئه	۱۸ دسامبر ۱۹٤٥	۰/۰٤۸	۳,۳٦۱,۰۰۰
ازبکستان	۲ مارس ۱۹۹۲	۰/۰۱٤	۲٥,۰٦۸,۰۰۰
وانوآتو	۱٥ سپتامبر ۱۹۸۱	۰/۰۰۱	۲۰۲,۰۰۰
ونزوئلا	۱٥ نوامبر ۱۹٤٥	۰/۱۷۱	۲٤,٦۳۲,۰۰۰
ویتنام	۲۰ سپتامبر ۱۹۷۷	۰/۰۲۱	۷۹,۱۹۷,۰۰۰
یمن	۳۰ سپتامبر ۱۹٤۷	۰/۰۰٦	۱۸,۸٦۳,۰۰۰
زامبیا	۱ دسامبر ۱۹٦٤	۰/۰۰۲	۱۰,٥۷۰,۰۰۰
زیمبابوه	۲٥ اوت ۱۹۸۰	۰/۰۰۷	۱۲,۹٦۰,۰۰۰

باید از کشورهایی که عضو سازمان ملل نیستند اما در بعضی از فعالیت‌های آن شرکت می‌کنند خواسته شود به مخارج سازمان بر این مبنا کمک کنند: واتیکان ۰/۰۰۱

(الف) بیلوروسیه ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ به سازمان ملل اطلاع داد نام خود را به بلاروس تغییر داده است.
(ب) جمهوری زئیر به سازمان ملل اطلاع داد از ۱۷ مه ۱۹۹۷ نام خود را به جمهوری دموکراتیک کنگو تغییرداده است.
(ج) مصر و سوریه از اعضای اولیه سازمان ملل از ۲٤ اکتبر ۱۹٤٥ بودند. جمهوری متحده عربی به دنبال همه‌پرسی ۲۱ فوریه ۱۹۵۸ با اتحاد مصر و سوریه، تشکیل شد و به عنوان یک عضو ادامه داد. سوریه ۱۳ اکتبر ۱۹٦۱ موقعیت خود را به عنوان کشوری مستقل و با عضویت جداگانه در سازمان ملل از سرگرفت. جمهوری متحده عربی ۲ سپتامبر ۱۹۷۱ نام خود را به جمهوری عربی مصر تغییر داد.
(د) اندونزی با نامه ۲۰ ژانویه ۱۹٦٥ تصمیم خود را برای خروج از سازمان ملل «در این مرحله و تحت شرایط کنونی» اعلام کرد. اندونزی با تلگرام ۱۹ سپتامبر ۱۹٦٦ تصمیم خود را «به از سرگیری همکاری کامل با سازمان ملل و از سرگیری مشارکت در فعالیت‌های آن» اعلام کرد. مجمع عمومی ۲۸ سپتامبر ۱۹٦٦ این تصمیم را بررسی و رئیس مجمع از نمایندگان اندونزی دعوت کرد در مجمع شرکت کنند.
(ه) فدراسیون مالایا ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۷ به سازمان ملل پیوست و ۱٦ سپتامبر ۱۹٦۳ به دنبال پذیرش به فدراسیون جدید سنگاپور، صباح (بورنئوی شمالی) و ساراواک، نام آن به مالزی تغییر یافت. سنگاپور ۹ اوت ۱۹٦٥ کشوری مستقل و ۲۱ سپتامبر ۱۹٦٥ عضو سازمان ملل شد.
(و) اتحاد جماهیر شوروی از اعضای اولیه سازمان ملل از ۲٤ اکتبر ۱۹٤٥ بود. بوریس یلتسین رئیس جمهور فدراسیون روسیه، در نامه مورخ ۲٤ دسامبر ۱۹۹۱، به دبیرکل اطلاع داد عضویت اتحاد شوروی در شورای امنیت و تمام ارگان‌های دیگر سازمان ملل با پشتیبانی ۱۱ کشور عضو مشترک‌المنافع کشورهای مستقل با نام فدراسیون روسیه ادامه می‌یابد.
(ز) جمهوری فدرال یوگسلاوی ۱۲ فوریه ۲۰۰۳ به سازمان ملل اطلاع داد از ٤ فوریه ۲۰۰۳ نام خود را به صربستان و مونته‌نگرو تغییر داده است.
(ح) مصر و سوریه از اعضای اولیه سازمان ملل از ۲٤ اکتبر ۱۹٤٥ بودند. جمهوری متحده عربی به دنبال همه پرسی ۲۱ ژانویه ۱۹۵۸ با اتحاد مصر و سوریه تاسیس شد و به عنوان یک عضو ادامه داد. سوریه ۱۳ اکتبر ۱۹٦۱ موقعیت خود را به عنوان کشوری مستقل و با عضویت جداگانه در سازمان ملل از سر گرفت.
(ت) مجمع عمومی ۸ آوریل ۱۹۹۳ تصمیم گرفت کشورهایی را که به آنها به طور موقت برای همه مقاصد در داخل سازمان ملل به عنوان «جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق» اشاره می‌شود تا حل اختلاف ناشی از نام آن، به عضویت سازمان ملل بپذیرد.
(ی) تانگانیکا از ۱٤ دسامبر ۱۹٦۱ و زانزیبار از ۱٦ دسامبر ۱۹٦۳ عضو سازمان ملل بودند. به دنبال تصویب مفاد اتحاد بین تانگانیکا و زانزیبار در ۲٦ آوریل ۱۹٦٤، جمهوری متحد تانگانیکا و زانزیبار به عنوان یک عضو ادامه داد و اول نوامبر ۱۹٦٤ نام خود را به جمهوری متحد تانزانیا تغییر داد.

افزایش اعضای سازمان ملل متحد ۲۰۰۳-۱۹٤٥

سال	تعداد	کشورهای عضو
۱۹٤٥	٥۱	آرژانتین، استرالیا، بلژیک، بولیوی، برزیل، بلاروس، کانادا، شیلی، چین، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، چکسلواکی، دانمارک، جمهوری دومینیکن، اکوادور، مصر، السالوادور، اتیوپی، فرانسه، یونان،گواتمالا، هاییتی، هندوراس، هند، ایران، عراق، لبنان، لیبریا، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، نیوزیلند، نیکاراگوآ، نروژ، پاناما، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، لهستان، فدراسیون روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، جمهوری عربی سوریه، ترکیه، اکراین، انگلیس و ایرلند شمالی، ایالات متحده امریکا، اروگوئه، ونزوئلا، یوگسلاوی.
۱۹٤٦	٥٥	افغانستان، ایسلند، سوئد، تایلند
۱۹٤۷	٥۷	پاکستان، یمن[۱]
۱۹٤۸	٥۸	میانمار
۱۹٤۹	٥۹	اسرائیل
۱۹٥۰	٦۰	اندونزی
۱۹٥٥	۷٦	آلبانی، اتریش، بلغارستان، کامبوج، فنلاند، مجارستان، ایرلند، ایتالیا، اردن، جمهوری دموکراتیک خلق لائوس، جماهیریه عربی لیبی، نپال، پرتغال، رومانی، اسپانیا، سریلانکا
۱۹٥٦	۸۰	ژاپن، مغرب، سودان، تونس
۱۹٥۷	۸۲	غنا، مالزی
۱۹٥۸	۸۲[۲]	گینه
۱۹٦۰	۹۹	بنین، بورکینافاسو، کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، کنگو، ساحل عاج، قبرس، گابن، ماداگاسکار، مالی، نیجر، نیجریه، سنگال، سومالی، توگو، جمهوری دموکراتیک کنگو
۱۹٦۱	۱۰٤[۳]	موریتانی، مغولستان، سیرالئون، جمهوری متحد تانزانیا
۱۹٦۲	۱۱۰	الجزایر، بروندی، جامایکا، رواندا، ترینیداد و توباگو، اوگاندا
۱۹٦۳	۱۱۲	کنیا، کویت
۱۹٦٤	۱۱٥	مالاوی، مالت، زامبیا
۱۹٦٥	۱۱۷[٤]	گامبیا، مالدیوز، سنگاپور
۱۹٦٦	۱۲۲[٥]	باربادوس، بوتسوانا، گویان، لسوتو
۱۹٦۷	۱۲۳	یمن دموکراتیک [۱]
۱۹٦۸	۱۲٦	گینه استوایی، موریتیوس، سوازیلند
۱۹۷۰	۱۲۷	فیجی
۱۹۷۱	۱۳۲	بحرین، بوتان، عمان، قطر، امارات عربی متحده
۱۹۷۳	۱۳٥	باهاماس، جمهوری فدرال آلمان[٦]، جمهوری دموکراتیک آلمان

سال	تعداد	کشورهای عضو
۱۹۷٤	۱۳۸	بنگلادش، گرنادا، گینه ـ بیسائو
۱۹۷۵	۱٤٤	کیپ ورده، کوموروس، موزامبیک، گینه جدید پاپوآ، سائوتومه و پرینسیپه، سورینام
۱۹۷٦	۱٤۷	آنگولا، ساموآ، سیشل
۱۹۷۷	۱٤۹	جیبوتی، ویتنام
۱۹۷۸	۱۵۱	دومینیکا، جزایر سلیمان
۱۹۷۹	۱۵۲	سنت لوسیا
۱۹۸۰	۱۵٤	سنت وینسنت و گرنادینز، زیمبابوه
۱۹۸۱	۱۵۷	آنتیگوا و باربودا، بلیز، وانوآتو
۱۹۸۳	۱۵۸	سنت کیتس و نویس
۱۹۸٤	۱۵۹	برونئی دارالسلام
۱۹۹۰	۱۵۹ [۱/٦]	لیختن اشتاین، نامیبیا
۱۹۹۱	۱٦٦	جمهوری دموکراتیک خلق کره، استونی، ایالات فدراتیو میکرونزیا، لتونی، لیتوانی، جزایر مارشال، جمهوری کره
۱۹۹۲	۱۷۹	ارمنستان، آذربایجان، بوسنی و هرزگوین[۷]، کرواسی[۷]، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، سان مارینو، اسلونی[۷]، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان
۱۹۹۳	۱۸٤	اندورا، جمهوری چک[۸]، اریتره، موناکو، جمهوری اسلواک[۸]، جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق[۷]
۱۹۹٤	۱۸۵	پالائو
۱۹۹۹	۱۸۸	کریباتی، نائورو، تونگا
۲۰۰۰	۱۸۹	تووالو، صربستان و مونته‌نگرو[۷]
۲۰۰۲	۱۹۱	سوئیس، تی‌مور – لسته

۱- یمن ۳۰ سپتامبر ۱۹٤۷ و یمن دموکراتیک ۱٤ دسامبر ۱۹٦۷ به عضویت سازمان ملل متحد درآمدند. دو کشور ۲۲ مه ۱۹۹۰ ادغام شدند و از آن زمان «یمن» عضو سازمان بوده است.

۲- مجموع فرق نکرده زیرا از ۲۱ ژانویه ۱۹۵۸ سوریه و مصر به عنوان یک کشور (جمهوری متحده عربی) به عضویت ادامه دادند.

۳- سوریه عضویت خود را به عنوان یک کشور مستقل از سر گرفت.

٤- اندونزی ۲۰ ژانویه ۱۹٦۵ از عضویت سازمان ملل خارج شد.

۵- اندونزی ۲۸ سپتامبر ۱۹٦٦ عضویت خود را از سر گرفت.

٦- جمهوری فدرال آلمان و جمهوری دموکراتیک آلمان ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳ به عضویت سازمان ملل پذیرفته شدند. با الحاق جمهوری دموکراتیک آلمان به جمهوری فدرال آلمان، از ۱۳ اکتبر ۱۹۹۰، دو کشور آلمان متحد شده و کشور مستقل واحدی تشکیل دادند.

۷- جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی که از اعضای اولیه سازمان ملل بود و منشور از جانب آن ۲٦ ژوئن ۱۹٤۵ امضا و ۱۹ اکتبر ۱۹٤۵ تصویب شده بود، پس از ایجاد بوسنی و هرزگوین، جمهوری کرواسی، جمهوری اسلونی، جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق و جمهوری فدرال یوگسلاوی و پذیرش آنها در سازمان ملل، منحل شد. جمهوری بوسنی و هرزگوین، جمهوری کرواسی و جمهوری اسلونی ۲۲ مه ۱۹۹۲ به عضویت سازمان ملل پذیرفته شدند. مجمع عمومی ۸ آوریل ۱۹۹۳ تصمیم گرفت کشوری را که به طور موقت به آن برای همه مقاصد در داخل سازمان ملل به عنوان «جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق» اشاره می‌شد، تا حل اختلافی که درباره نام آن ایجاد شده بود، به عضویت سازمان ملل بپذیرد. جمهوری فدرال یوگسلاوی اول نوامبر ۲۰۰۰ به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد. جمهوری فدرال یوگسلاوی ۱۲ فوریه ۲۰۰۳ به سازمان ملل اطلاع داد از ٤ فوریه ۲۰۰۳ نام خود را به صربستان و مونته‌نگرو تغییر داده است.

۸- چکسلواکی از ۲٤ اکتبر ۱۹٤۵ از اعضای اولیه سازمان ملل بود. نماینده دائمی آن در نامه ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲ به دبیرکل اطلاع داد عمر جمهوری فدرال چک و اسلواک روز ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ پایان می‌یابد و جمهوری چک و جمهوری اسلواک به عنوان کشورهای جانشین، تقاضای عضویت در سازمان ملل متحد خواهند کرد. دبیرکل پس از دریافت چنین تقاضاهایی ۸ ژانویه ۱۹۹۳ به مجمع عمومی توصیه کرد جمهوری چک و جمهوری اسلواک به عضویت سازمان ملل پذیرفته شوند. آنها به این ترتیب ۱۹ ژانویه ۱۹۹۳ به عنوان کشورهای عضو پذیرفته شدند.

عملیات حفظ صلح، گذشته و حال
(تا ژوییه ۲۰۰٤)

UNTSO *
سازمان نظارت بر آتش‌بس ملل متحد (بیت‌المقدس)
مه ۱۹٤۸

UNMOGIP *
گروه ناظر نظامی ملل متحد در هند و پاکستان
ژانویه ۱۹٤۹

UNEF I
نخستین نیروی اضطراری ملل متحد (غزه)
نوامبر ۱۹٥٦– ژوئن ۱۹٦۷

UNOGIL
گروه نظارت ملل متحد در لبنان
ژوئن – دسامبر ۱۹٥۸

ONUC
عملیات ملل متحد در کنگو
ژوییه ۱۹٦۰ – ژوئن ۱۹٦٤

UNSF
نیروی امنیت ملل متحد در گینه جدید غربی (ایریان غربی)
اکتبر ۱۹٦۲– آوریل ۱۹٦۳

UNYOM
هیات نظارت ملل متحد در یمن
ژوییه ۱۹٦۳– سپتامبر ۱۹٦٤

UNFICYP*
نیروی حفظ صلح ملل متحد در قبرس
مارس ۱۹٦٤

DOMREP
ماموریت نماینده ویژه دبیرکل در جمهوری دومینیکن
مه ۱۹٦٥– اکتبر ۱۹٦٦

UNIPOM
هیات نظارت ملل متحد در هند – پاکستان
سپتامبر ۱۹٦٥– مارس ۱۹٦٦

UNEF II
دومین نیروی اضطراری ملل متحد (کانال سوئز و سپس شبه جزیره سینا)
اکتبر ۱۹۷۳– ژوییه ۱۹۷۹

UNDOF*
نیروی ناظر جداسازی ملل متحد (ارتفاعات جولان سوریه)
مه ۱۹۷٤

UNIFIL*
نیروی موقت ملل متحد در لبنان
مارس ۱۹۷۸

UNGOMAP
هیات میانجیگری ملل متحد در افغانستان و پاکستان
مه ۱۹۸۸– مارس ۱۹۹۰

UNIIMOG
گروه ناظر نظامی ایران – عراق ملل متحد
اوت ۱۹۸۸– فوریه ۱۹۹۱

UNAVEM I
هیات اول ملل متحد برای تایید در آنگولا
دسامبر ۱۹۸۸– ژوئن ۱۹۹۱

UNTAG
گروه کمک به انتقال ملل متحد (نامیبیا و آنگولا)
آوریل ۱۹۸۹ – مارس ۱۹۹۰

ONUCA
گروه ناظر ملل متحد در امریکای مرکزی
نوامبر ۱۹۸۹ – ژانویه ۱۹۹۲

UNIKOM*
هیات نظارت عراق – کویت ملل متحد
آوریل ۱۹۹۱

UNAVEM II
هیات دوم ملل متحد برای تایید در آنگولا
مه ۱۹۹۱–فوریه ۱۹۹۵

ONUSAL
هیات ناظر ملل متحد در السالوادور
ژوییه ۱۹۹۱ – آوریل ۱۹۹۵

MINURSO*
هیات ملل متحد برای همه پرسی در صحرای غربی
آوریل ۱۹۹۱

UNAMIC
هیات پیشرفت ملل متحد در کامبوج
اکتبر ۱۹۹۱– مارس ۱۹۹۲

UNPROFOR
نیروی حفاظت ملل متحد (یوگسلاوی سابق)
فوریه ۱۹۹۲– دسامبر ۱۹۹۵

UNTAC
نهاد انتقالی ملل متحد در کامبوج
مارس ۱۹۹۲ – سپتامبر ۱۹۹۳

UNOSOM I
عملیات اول ملل متحد در سومالی
آوریل ۱۹۹۲ ـ مارس ۱۹۹۳

ONUMOZ
عملیات ملل متحد در موزامبیک
دسامبر ۱۹۹۲ – دسامبر ۱۹۹٤

UNOSOM II
عملیات دوم ملل متحد در سومالی
مارس ۱۹۹۳– مارس ۱۹۹٤

UNOMUR
هیات ناظر ملل متحد در اوگاندا – رواندا
ژوئن ۱۹۹۳ – سپتامبر ۱۹۹٤

UNOMIG*
هیات ناظر ملل متحد در گرجستان
اوت ۱۹۹۳

UNOMIL
هیات ناظر ملل متحد در لیبریا
سپتامبر ۱۹۹۳– سپتامبر ۱۹۹۷

UNMIH
هیات ملل متحد در هاییتی
سپتامبر ۱۹۹۳ – ژوئن ۱۹۹٦

UNAMIR
هیات کمک ملل متحد برای رواندا
اکتبر ۱۹۹۳ – مارس ۱۹۹٦

UNASOG
گروه ناظر ملل متحد در نوار ائوزو (چاد/ لیبی)
مه – ژوئن ۱۹۹٤

UNMOT
هیات ناظران ملل متحد در تاجیکستان
دسامبر ۱۹۹٤ – مه ۲۰۰۰

UNAVEM III
هیات سوم سازمان ملل متحد برای تایید در آنگولا
فوریه ۱۹۹۵ – ژوئن ۱۹۹۷

UNCRO
عملیات اعاده اعتماد ملل متحد در کرواسی
مارس ۱۹۹۵ – ژانویه ۱۹۹٦

UNPREDEP
نیروی استقرار پیشگیرانه ملل متحد (جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق)
مارس ۱۹۹۵ – فوریه ۱۹۹۹

UNMIBH
هیات ملل متحد در بوسنی و هرزگوین
دسامبر ۱۹۹۵ – دسامبر ۲۰۰۲

UNTAES
حکومت انتقالی ملل متحد برای اسلاوونیا شرقی، بارانیا و سرمیوم غربی (کرواسی)
ژانویه ۱۹۹٦ – ژانویه ۱۹۹۸

UNMOP
هیات ناظران ملل متحد در پرولاکا
فوریه ۱۹۹٦ – دسامبر ۲۰۰۲

UNSMIH
هیات پشتیبانی ملل متحد در هاییتی
ژوییه ۱۹۹٦ – ژوئن ۱۹۹۷

MINUGUA
هیات تایید ملل متحد در گواتمالا
ژانویه – مه ۱۹۹۷

MONUA
هیات ناظر ملل متحد در آنگولا
ژوئن ۱۹۹۷ – فوریه ۱۹۹۹

UNTMIH
هیات ملل متحد برای انتقال در هاییتی
اوت – نوامبر ۱۹۹۷

MIPONUH
هیات پلیس غیرنظامی ملل متحد در هاییتی
دسامبر ۱۹۹۷ – مارس ۲۰۰۰

UNPSG
گروه پشتیبانی پلیس غیرنظامی ملل متحد (کرواسی)
ژانویه – اکتبر ۱۹۹۸

MINURCA
هیات ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی
آوریل ۱۹۹۸ – فوریه ۲۰۰۰

UNOMSIL
هیات ناظر ملل متحد در سیرالئون
ژوییه ۱۹۹۸ – اکتبر ۱۹۹۹

UNMIK*
هیات حکومت موقت ملل متحد در کوزوو
ژوئن ۱۹۹۹

UNAMSIL*
هیات ملل متحد در سیرالئون
اکتبر ۱۹۹۹

UNTAET
حکومت انتقالی ملل متحد در تی‌مور شرقی
اکتبر ۱۹۹۹ – مه ۲۰۰۲

MONUC*
هیات ناظر ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو
دسامبر ۱۹۹۹

UNMEE*
هیات ملل متحد در اتیوپی و اریتره
ژوییه ۲۰۰۰

UNMISET*
هیات حمایت ملل متحد در تی‌مورشرقی
مه ۲۰۰۲

UNMIL*
هیات ملل متحد در لیبریا
سپتامبر ۲۰۰۳

MINUSTAH*
هیات تثبیت ملل متحد در هاییتی
آوریل ۲۰۰٤

ONUB*
عملیات ملل متحد در بروندی
مه ۲۰۰٤

---

* عملیاتی که تا ژوییه ۲۰۰۴ ادامه داشته‌اند

استعمارزدایی

اراضی تحت قیمومت و فاقد استقلال که از زمان تصویب اعلامیه ۱۹۶۰ به استقلال رسیده‌اند.*

کشور یا سرزمین	تاریخ پذیرش به سازمان ملل متحد
آفریقا	
الجزایر	۸ اکتبر ۱۹۶۲
آنگولا	۱ دسامبر ۱۹۷۶
بوتسوانا	۱۷ اکتبر ۱۹۶۶
بروندی	۱۸ سپتامبر ۱۹۶۲
کیپ ورده	۱۶ سپتامبر ۱۹۷۵
کوموروس	۱۲ نوامبر ۱۹۷۵
جیبوتی	۲۰ سپتامبر ۱۹۷۷
گینه استوایی	۱۲ نوامبر ۱۹۶۸
گامبیا	۲۱ سپتامبر ۱۹۶۵
گینه بیسائو	۱۷ سپتامبر ۱۹۷۴
کنیا	۱۶ دسامبر ۱۹۶۳
لسوتو	۱۷ اکتبر ۱۹۶۶
مالاوی	۱ دسامبر ۱۹۶۴
موریتیوس	۲۴ آوریل ۱۹۶۸
موزامبیک	۱۶ سپتامبر ۱۹۷۵
نامیبیا	۲۳ آوریل ۱۹۹۰
رواندا	۱۸ سپتامبر ۱۹۶۲
سائوتومه و پرینسیپه	۲۶ سپتامبر ۱۹۷۵
سیشل	۲۱ سپتامبر ۱۹۷۶
سیرالئون	۲۷ سپتامبر ۱۹۶۱
سوازیلند	۲۴ سپتامبر ۱۹۶۸
تی‌مور – لسته	۲۷ سپتامبر ۲۰۰۲
اوگاندا	۲۵ اکتبر ۱۹۶۲
جمهوری متحد تانزانیا[1]	۱۴ دسامبر ۱۹۶۱

* اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار، مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی.

کشور یا نهاد	تاریخ پذیرش به سازمان ملل متحد
زامبیا	۱ دسامبر ۱۹٦٤
زیمبابوه	۱۸ آوریل ۱۹۸۰
آسیا	
برونئی دارالسلام	۲۱ سپتامبر ۱۹۸٤
یمن دموکراتیک	۱٤ دسامبر ۱۹٦۷
عمان	۷ اکتبر ۱۹۷۱
سنگاپور	۲۱ سپتامبر ۱۹٦۵
دریای کاراییب	
آنتیگوا و باربودا	۱۱ نوامبر ۱۹۸۱
باهاماس	۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳
باربادوس	۹ دسامبر ۱۹٦٦
بلیز	۲۵ سپتامبر ۱۹۸۱
دومینیکا	۱۸ دسامبر ۱۹۷۸
گرنادا	۱۷ دسامبر ۱۹۷٤
گویان	۲۰ سپتامبر ۱۹٦٦
جامایکا	۱۸ سپتامبر ۱۹٦۲
سنت کریستوفرونویس	۲۳ سپتامبر ۱۹۸۳
سنت لوسیا	۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹
سنت وینسنت و گرنادینز	۱٦ سپتامبر ۱۹۸۰
سورینام[۲]	٤ دسامبر ۱۹۷۵
ترینیداد و توباگو	۱۸ سپتامبر ۱۹٦۲
اروپا	
مالت	۱ دسامبر ۱۹٦٤
اقیانوس آرام	
ایالات‌های فدراتیومیکرونزیا	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱
فیجی	۱۳ اکتبر ۱۹۷۰
کریباتی	۱٤ سپتامبر ۱۹۹۹

جزایر مارشال	۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱
نائورو	۱٤ سپتامبر ۱۹۹۹
گینه جدید پاپوآ	۱۰ اکتبر ۱۹۷۵
پالائو	۱۵ دسامبر ۱۹۹٤
ساموآ	۱۵ دسامبر ۱۹۷٦
جزایر سلیمان	۱۹ سپتامبر ۱۹۷۸
تووالو	۵ سپتامبر ۲۰۰۰
وانوآتو	۱۵ سپتامبر ۱۹۸۱

۱. سرزمین تحت قیمومت سابق تانگانیکا، که دسامبر ۱۹٦۱ مستقل شد و تحت الحمایه پیشین زانزیبار، که دسامبر ۱۹٦۳ استقلال یافت، آوریل ۱۹٦٤ متحد و یک کشور شدند.

۲. مجمع عمومی با قطعنامه (۱۰) ۹٤۵ به دنبال تغییرات قانون اساسی در رابطه بین هلند، سورینام و آنتیل هلند، قطع انتقال اطلاعات مربوط به سورینام را پذیرفت.

استعمارزدایی

سرزمین‌های وابسته‌ای که از زمان تصویب اعلامیه ۱۹٦۰ با کشورهای مستقل، متحد یا در آنها ادغام شدند.*

سرزمین	توضیحات
کامرون تحت حکومت انگلیس	بخش شمالی این سرزمین تحت قیمومت، اول ژوئن ۱۹٦۱ به فدراسیون نیجریه و بخش جنوبی اول اکتبر ۱۹٦۱ به جمهوری کامرون پیوست
جزایرکوک	با خود مختاری کامل، در اتحاد آزاد با نیوزیلند از اوت ۱۹٦۵
ایفنی	ژوئن ۱۹٦۹ به مغرب برگشت
نیویی	با خود مختاری کامل در اتحاد آزاد با نیوزیلند از اوت ۱۹۷٤
بورنئو شمالی	بورنئوشمالی و ساراواک سال ۱۹٦۳ به فدراسیون مالایا پیوستند تا فدراسیون مالزی را تشکیل دهند
سائو جوآئو باتیستاد آجودا	به صورت ملی اوت سال ۱۹٦۱ با داهومی (بنین کنونی) متحد شد
ساراواک	ساراواک و بورنئو شمالی سال ۱۹٦۳ به فدراسیون مالایا پیوستند تا فدراسیون مالزی را تشکیل دهند
گینه‌جدید غربی(ایریان غربی)	سال ۱۹٦۳ با اندونزی متحد شد
جزایر کوکو (کیلینگ)	سال ۱۹۸٤ به استرالیا پیوست

* اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار، مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی

استعمارزدایی

سرزمین‌های تحت قیمومت که به استقلال رسیده‌اند

توگولند (تحت حکومت انگلیس)
با گلدکاست (مستعمره و تحت الحمایه)، سرزمینی فاقد استقلال که به وسیله انگلیس اداره می‌شد، سال ۱۹۵۷ متحد و کشور غنا شد.

سومالی‌لند (تحت حکومت ایتالیا)
سال ۱۹٦۰ با سومالی لند تحت الحمایه انگلیس متحد شد و سومالی را تشکیل داد.

توگولند (تحت حکومت فرانسه)
در ۱۹٦۰ با نام توگو مستقل شد

کامرونز (تحت حکومت فرانسه)
سال ۱۹٦۰ با نام کامرون مستقل شد

کامرونز (تحت حکومت انگلیس)
بخش شمالی این سرزمین تحت قیمومت اول ژوئن ۱۹٦۱ به فدراسیون نیجریه ملحق شد و بخش جنوبی اول اکتبر ۱۹٦۱ به جمهوری کامرون پیوست.

تانگانیکا (تحت حکومت انگلیس)
سال ۱۹٦۱ مستقل شد (سال ۱۹٦٤ تانگانیکا و زانزیبار، تحت‌الحمایه پیشین، که سال ۱۹٦۳ مستقل شده بود با نام جمهوری متحد تانزانیا به عنوان یک کشور، مستقل شدند.

رواندا – اوروندی (تحت حکومت بلژیک)
سال ۱۹٦۲ رای به تقسیم به دو کشور مستقل رواندا و بروندی دادند.

ساموآ غربی (تحت حکومت نیوزیلند)
سال ۱۹٦۲ با نام ساموآ مستقل شد

نائورو (تحت حکومت استرالیا، از جانب استرالیا، نیوزیلند و انگلیس)
سال ۱۹٦۸ مستقل شد

گینه جدید (تحت حکومت استرالیا)
سال ۱۹۷۵ با سرزمین فاقد استقلال پاپوآ، که آن هم تحت حکومت استرالیا بود، متحد و کشور مستقل گینه جدید پاپوآ شد.

سرزمین‌های تحت قیمومت در جزایر اقیانوس آرام:

(الف) ایالات فدراتیو میکرونزیا

سال ۱۹۹۰ در اتحاد آزاد با ایالات متحده به طور کامل مستقل شد

(ب) جمهوری جزایر مارشال

سال ۱۹۹۰ در اتحاد آزاد با ایالات متحده به طور کامل مستقل شد.

(ج) مشترک المنافع جزایر ماریانا شمالی

سال ۱۹۹۰ به عنوان مشترک‌المنافع ایالات متحده به طور کامل مستقل شد.

(د) پالائو

سال ۱۹۹٤ در اتحاد آزاد با ایالات متحده به طور کامل مستقل شد.

بودجه سازمان ملل متحد

بودجه عادی سازمان ملل متحد (یعنی غیر از قسمت اعظم ادارات و برنامه‌ها، و همچنین کارگزاری‌های تخصصی و سایر نهادهای وابسته)، برای دوره دو ساله ۲۰۰۵ – ۲۰۰٤، همچنان که سال ۲۰۰۳ تصویب شده بود، در مجموع ۳,۱٦۰,۸٦۰,۳۰۰ دلار بود که به ۱۳ گروه اصلی مخارج، به شرح زیر تقسیم شد (به دلار ایالات متحده):

۱– سیاستگذاری، مدیریت و هماهنگی کلی	۵۹۳,۸۸٤,۹۰۰
۲– امور سیاسی	۳٤۹,۲۵۲,۲۰۰
۳– حقوق و دادگستری بین‌المللی	۷۰,۲٤۵,٤۰۰
٤– همکاری بین‌المللی برای توسعه	۳۳٦,٤۹۵,۳۰۰
۵– همکاری منطقه‌ای برای توسعه	۳۸۸,٦۱۳,۷۰۰
٦– حقوق بشر و امور بشردوستانه	۱۷۰,٦۷۰,۵۰۰
۷– اطلاعات همگانی	۱۵۵,۹٦۹,۹۰۰
۸– خدمات پشتیبانی مشترک	۵۱٦,۱٦۸,۹۰۰
۹– نظارت داخلی	۲۳,۲۲۷,۲۰۰
۱۰– فعالیت‌های دارای منابع مالی مشترک و هزینه‌های ویژه	۱۰۲,٤٤۵,۳۰۰
۱۱– هزینه‌های سرمایه‌ای	۵۸,٦۵۱,۳۰۰
۱۲– ارزیابی مالیاتی کارکنان*	۳۸۲,۲۷۰,۷۰۰
۱۳– حساب توسعه	۱۳,۰٦۵,۰۰۰

منبع اصلی وجوه برای تامین بودجه عادی، سهمیه کشورهای عضو است که بر مقیاس مشخص شده به وسیله مجمع براساس توصیه کمیته ۱۸ نفری سهمیه‌ها تعیین می‌شود. معیار اساسی که تعیین سهمیه‌ها بر آن استوار است توانایی واقعی کشورهای عضو برای پرداخت است. مجمع حداکثر ۲۲ درصد وحداقل ۰/۰۰۱ درصد بودجه را برای هر سهمیه‌دهنده در نظر گرفته است. (برای مقیاس تعیین سهمیه کشورهای عضو به صفحات پیشین نگاه کنید).

برآوردهای اولیه درآمد برای دو سال ۲۰۰۵ – ۲۰۰٤، غیر از سهمیه کشورهای عضو به ٤۱۵,۲۹۱,۸۰۰ دلار رسید.

۱– درآمد از ارزیابی مالیاتی کارکنان*	۳۸٦,٤۹۱,۷۰۰ دلار
۲– درآمد عمومی	۲٤,۰٤۳,۲۰۰ دلار
۳– خدمات به عموم	٤,۷۵٦,۹۰۰ دلار

* سازمان برای یکنواخت کردن حقوق خالص همه کارکنان خود، صرفنظر از تعهدات مالیاتی ملی آنان، مبلغی از حقوق آنان را به عنوان «ارزیابی مالیاتی کارکنان» کسر می‌کند. این مبلغ تقریبا معادل مبلغ پرداختی شهروندان ایالات متحده برای مالیات‌های سراسری، ایالتی و محلی است که به نرخ رایج محاسبه می‌شود.

پولی که به این ترتیب به وسیله سازمان ملل جمع‌آوری می‌شود به حساب بستانکار «حق عضویت» کشور کارمند مربوطه در سازمان ملل منظور می‌شود.

بیشتر دولت‌ها شهروندان خود را که در استخدام سازمان ملل هستند از پرداخت مالیات بیشتر معاف می‌کنند. ایالات متحده استثنای اصلی است؛ شهروندان آن که برای دبیرخانه کار می‌کنند باید معادل همه شهروندان دیگر این کشور مالیات بر درآمد بپردازند. به این دلیل سازمان ملل برای این که کارمندان آمریکایی آن بتوانند مالیات‌های خود را بپردازند آن قسمت از مالیات کارکنان آمریکایی را که معادل مبلغی است که مسوولان درآمد ملی برای مالیات می‌گیرند به آنان پس می‌دهد. شهروند آمریکایی سپس این مبلغ را به مسوولان کشور می‌پردازد. به این ترتیب لازم نیست شهروندان ایالات متحده دوبار مالیات بپردازند.

بودجه برنامه عادی، که این ارزیابی‌های مالیاتی درباره آن اعمال می‌شود، هزینه‌های مربوط به برنامه‌های اساسی، فعالیت‌های اداری و برنامه‌های حمایتی سازمان را در مقر و در سراسر جهان پوشش می‌دهد.

مناسبت‌های ویژه سازمان ملل متحد

سال‌ها و دهه‌های بین‌المللی

۲۰۰٤ – ۱۹۹٤	دهه بین‌المللی مردم بومی جهان
۲۰۰٤ – ۱۹۹۵	دهه سازمان ملل متحد برای آموزش حقوق بشر
۲۰۰٦ – ۱۹۹۷	دهه سازمان ملل متحد برای ریشه کنی فقر
۲۰۱۰ – ۲۰۰۱	دهه مهار مالاریا در کشورهای در حال توسعه به ویژه در آفریقا
۲۰۱۰ – ۲۰۰۱	دومین دهه بین‌المللی ریشه کنی استعمار
۲۰۱۰ – ۲۰۰۱	دهه بین‌المللی ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت برای کودکان جهان
۲۰۱۲ – ۲۰۰۳	دهه سوادآموزی سازمان ملل متحد: آموزش و پرورش برای همه
۲۰۱٤–۲۰۰۵	دهه آموزش و پرورش برای توسعه پایدار سازمان ملل متحد
۲۰۱۵ – ۲۰۰۵	دهه بین‌المللی برای اقدام، «آب برای زندگی» (از ۲۲ مارس ۲۰۰۵)
۲۰۰٤	سال بین‌المللی بزرگداشت مبارزه علیه بردگی و حذف آن
۲۰۰٤	سال بین‌المللی برنج
۲۰۰۵	سال بین‌المللی اعتبار خرد
۲۰۰۵	سال بین‌المللی برای ورزش و تربیت بدنی
۲۰۰٦	سال بین‌المللی بیابان‌ها و بیابان‌زدایی

روزها و هفته‌های سال

۸ مارس	روز سازمان ملل متحد برای حقوق زنان و صلح بین‌المللی
۲۱ مارس	روز بین‌المللی حذف تبعیض نژادی
از ۲۱ مارس	هفته همبستگی با مردمی که علیه نژادپرستی و تبعیض نژادی مبارزه می‌کنند
۲۲ مارس	روز جهانی آب
۷ آوریل ۲۰۰٤	روز بین‌المللی اندیشیدن درباره قتل عام ۱۹۹٤ در رواندا (ده سال بعد)
۳ مه	روز جهانی آزادی مطبوعات
۱۵ مه	روز بین‌المللی خانواده‌ها
۲۱ مه	روز جهانی تنوع فرهنگی برای گفت وگو و توسعه
۲۲ مه	روز بین‌المللی تنوع زیستی
از ۲۵ مه	هفته همبستگی با مردم سرزمین‌های غیرمستقل
۲۹ مه	روز بین‌المللی حافظان صلح ملل متحد
٤ ژوئن	روز بین‌المللی کودکان بی‌گناه قربانی تجاوز و تعرض
۵ ژوئن	روز جهانی محیط زیست
۱۷ ژوئن	روز جهانی مبارزه با بیابان‌زایی و خشکسالی
۲۰ ژوئن	روز جهانی پناهندگان
۲۳ ژوئن	روز خدمات عمومی ملل متحد

۲٦ ژوئن	روز بین‌المللی مبارزه با سوءاستفاده و قاچاق مواد مخدر
۲٦ ژوئن	روز بین‌المللی حمایت از قربانیان شکنجه
نخستین شنبه ژوییه	روز بین‌المللی تعاونی‌ها
۱۱ ژوییه	روز جهانی جمعیت
۹ اوت	روز بین‌المللی مردم بومی جهان
۱۲ اوت	روز بین‌المللی جوانان
۱٦ سپتامبر	روز بین‌المللی حفاظت از لایه ازون
۲۱ سپتامبر	روز بین‌المللی صلح
۱ اکتبر	روز بین‌المللی سالمندان
نخستین دوشنبه اکتبر	روز جهانی زیست بوم
دومین چهارشنبه اکتبر	روز بین‌المللی کاهش بلایای طبیعی
۱۰ – ٤ اکتبر	هفته جهانی فضا
۱٦ اکتبر	روز جهانی غذا
۱۷ اکتبر	روز بین‌المللی ریشه کنی فقر
۲٤ اکتبر	روز ملل متحد
۳۰ – ۲٤ اکتبر	هفته خلع سلاح
٦ نوامبر	روز بین‌المللی پیشگیری از سوءاستفاده از محیط زیست در جنگ و مناقشه مسلحانه
۱٦ نوامبر	روز بین‌المللی بردباری
۲۰ نوامبر	روز صنعتی کردن آفریقا
۲۱ نوامبر	روز جهانی تلویزیون
۲۵ نوامبر	روز بین‌المللی حذف خشونت علیه زنان
۲۹ نوامبر	روز بین‌المللی همبستگی با مردم فلسطین
۱ دسامبر	روز جهانی ایدز
۲ دسامبر	روز بین‌المللی لغو برده‌داری
۳ دسامبر	روز بین‌المللی معلولان
۱۰ دسامبر	روز حقوق بشر
۱۱ دسامبر	روز بین‌المللی کوهستان
۱۸ دسامبر	روز بین‌المللی مهاجران

سایر روزهای بین‌المللی

سایر روزهای بین‌المللی که در سراسر نظام ملل متحد برگزار می‌شود عبارتند از:

۲۱ فوریه	روز بین‌المللی زبان مادری
۲۳ مارس	روز جهانی هواشناسی
۷ آوریل	روز جهانی بهداشت
۲۳ آوریل	روز جهانی کتاب و حق تالیف
۱۷ مه	روز جهانی ارتباطات

۳۱ مه	روز جهانی خودداری از مصرف دخانیات
۲۳ اوت	روز بین‌المللی یادبود و الغاء تجارت برده
۸ سپتامبر	روز بین‌المللی سوادآموزی
هفته آخر سپتامبر	روز جهانی دریانوردی
۵ اکتبر	روز جهانی آموزگاران
۹ اکتبر	روز جهانی پست
۱۰ اکتبر	روز جهانی بهداشت روان
۲٤ اکتبر	روز جهانی اطلاعات توسعه
۲۰ نوامبر (پیشنهاد شده)	روز جهانی کودکان
۵ دسامبر	روز بین‌المللی داوطلبان برای توسعه اقتصادی و اجتماعی
۷ دسامبر	روز بین‌المللی هوانوردی کشوری